فارسی

مکاشفة القلوب

المقرب إالي علام الغيوب

Ketabton.com

مؤلف
حجة الاسلام امام غزالیؒ

ترجمہ
استاذ محمد بشیر مدنی

ناشر
مکتبہ فاروقیہ
محلہ جنگی ○ پشاور
فون: 2217181
موبائل: 0300-9007550

(c) ketabton.com: The Digital Library

مكاشفة القلوب

المقرب إلي علاّم الغيوب

الإمام أبو حَامِد الغَزَالِى

ترجمه
استاد محمد بشير مدنى

ناشر
مكتبه فاروقيه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

فهرست

سوانح مختصر امام غزالی رحمة الله ۱۶

باب اول

در بیان ترس خدا ۱۸

باب دوم

در بیان خوف از خداوند ﷻ ۲۱

باب سوم

در باره شکیبائی و مریضی ۲۶

باب چهارم

در بیان ریاضت و خواهشات نفسانی ۳۰

- حکایت ۳۲

باب پنجم

در بیان غلبه نفس و دشمنی شیطان ۳۳

باب ششم

در بیان غفلت ۳۶

- حکایت ۳۶

باب هفتم

در مورد فسق، نفاق و از یاد بردن الله ﷻ ۴۰

- فرق مابین مسلمان و منافق ۴۰

باب هشتم

در بیان توبه ۴۴

- انواع فاسقان ۴۴
- شرمندگی یک جوان ۴۵
- حکایت ۴۶

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نهم

در بارهٔ محبت ۴۸

باب دهم

عشق و محبت ۵۱
- حکایت ۵۳
- حکایت ۵۵

باب یازدهم

در بیان اطاعت الله، محبت الله، و محبت محمد ﷺ ۵۷

باب دوازدهم

شیطان و عذاب او ۶۳
- غلبه شیطان بر اولاد آدم علیه السلام ۶۵

باب سیزدهم

امانت ۶۷
- معنای امانت ۶۸

باب چهاردهم

خضوع و خشوع در نماز ۷۱

باب پانزدهم

امر بالمعروف ونهی از منکر ۷۴

باب شانزدهم

عداوت و دشمنی با شیطان ۷۹
- پرسش گمراه کننده شیطان ۸۰
- قلب انسان مثال قلعه را دارد ۸۱
- راه دیگر شیطان شکم سیری انسان است ۸۲
- خوردن به شکم سیر هم انسان را در دام شیطان می اندازد ۸۲
- یکی از دامهای شیطان محبت وعشق بامال و متاع دنیا است ۸۲
- طریق اغواء شدن دیگر شیطان امید بستن با مردم است ۸۲
- طریق دیگری اغوا و گمراه کردن شیطان فقدان ثبات و استقامت ۸۳
- طریق دیگری اغوا نمودن شیطان پول و زمین است ۸۳
- راه دیگری شیطان ترس و هراس از فقر و فاقه وبخل است ۸۴

(c) ketabton.com: The Digital Library

- فرموده حضرت حسن علیه السلام است که شیطان گفت: ۸۴
- راه دیگری شیطان در مورد مسلمان بدگمانی است ۸۴

باب هفدهم

در بیان امانت و توبه ۹۲
- تعریف امانت ۹۲

باب هجدهم

در فضیلت شفقت ۱۰۰
- حقیقت رحم کردن ۱۰۰
- ارشادات نبوی در بارهٔ رحم و شفقت ۱۰۱
- حکایت ۱۰۲

باب نزدهم

خشوع و خضوع نمودن در نماز ۱۰۴
- بدترین انسانها دزد نماز است ۱۰۵

باب بیستم

در بیان غیبت ۱۰۹
- انجام عملکرد نمام ۱۱۰

باب بیست و یکم

در بیان زکات ۱۱۳
- حکایت تعجب آور ۱۱۴

باب بیست و دوم

در بیان قباحت زنا ۱۱۶
- بچه خوش چهره وحسین فتنهٔ بزرگی است ۱۱۷

باب بیست و سوم

در بیان حقوق والدین وصله رحمی ۱۱۹

باب بیست و چهارم

در مورد نیکی کردن با والدین ۱۲۶
- سه جوان و اعمال نیک آنان ۱۲۹

باب بیست و پنجم

در بیان زکات و بخل ۱۳۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست و ششم

در بیان امیدهای دراز و طولانی ۱۳۴
- واقعه حضرت عیسی علیه السلام ۱۳۶

باب بیست و هفتم

در بیان عبادت و ترک اشیای حرام ۱۳۷
- علم باطنی چیست؟ ۱۳۷

باب بیست و هشتم

در بیان یاد کردن مرگ ۱۴۵
- حالت حضرت عیسی علیه السلام به سبب یاد کردن مرگ ۱۴۷

باب بیست و نهم

در بیان آسمانها و ابحاث دیگری ۱۵۲
- تفصیل ستاره های هفتگانه قرار ذیل است ۱۵۳

باب سوم

در بیان عرش، کرسی، فرشته های مقرب، رزق و توکل ۱۵۴
- ساخت عرش الهی ۱۵۴
- حقیقت توکل ۱۵۵
- توکل حقیقی چیست؟ ۱۵۵
- لاحول ولاقوة الا بالله نیرو وقوت است ۱۵۶

باب سی و یکم

در بیان ترک کردن دنیا و بدی های آن ۱۵۸
- اشک ریختن ابوبکر صدیق رضی الله عنه ۱۵۸
- مثالی در بیان کیفیت دنیا ۱۵۹
- حیرانی و سرگردانی آدم علیه السلام ۱۶۱
- خطاب محمد صلی الله علیه وسلم به انصار ۱۶۳
- اجساد بی قبر و بی کفن ۱۶۳
- ارشاد ناصحانه عیسی علیه السلام ۱۶۵
- خوف چگونه از طلا بهتر می گردد ۱۶۸
- کسانیکه با دنیا محبت دارند برایشان در آخرت بهرهٔ نیست ۱۷۵
- ترک کردن وخواستن دنیا ۱۷۵

(c) ketabton.com: The Digital Library

- نصائح شافعی برای برادر خود ۱۷۵

باب سی و دوم

در بیان قبح و بدی دنیا ۱۷۷
- وصیت زاهدی به پادشاه ۱۷۷
- در بیان نمودن قبح دنیا حدیث قدسی ۱۷۹
- خطبهٔ عمر بن عبدالعزیز رحمه الله ۱۸۱

باب سی وسوم

در بیان فضیلت قناعت ۱۸۳
- بهترین دولت ۱۸۵

باب سی و چهارم

در بیان فضلت فقراء ۱۸۹
- وصیت محمد ﷺ به عایشه صدیقه رضی الله عنها ۱۹۵
- قناعت و رضای الهی ۱۹۶
- غنا چیست؟ ۱۹۶

باب سی و پنجم

در بیان نگرفتن دوست و ولی بدون الله متعالی و روز قیامت ۱۹۹

باب سی و ششم

در بیان نفخ صور، اجساد حشر و بعث بعدالموت ۲۰۲

باب سی وهفتم

در بیان فیصله های مخلوق ۲۰۶
- انعام عفو وبخشش ۲۰۸

باب سی و هشتم

در بیان قبح مال ومنال دنیا ۲۱۰
- وفات حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله ۲۱۳

باب سی و نوم

در بیان اعمال، میزان و آتش جهنم ۲۱۴

باب چهلم

در بیان فضیلت اطاعت ۲۲۶
- اوصاف اشخاصیکه با الله ﷻ محبت دارند ۲۲۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و یکم

در بیان شکر ۲۳۲
- شکر کردن محمد ﷺ ۲۳۴
- طریقه های ادا نمودن شکر ۲۳۵
- طریقه های ادا نمودن شکر نیکان ۲۳۵

باب چهل و دوم

در بیان قبح عجب (خودنمائی) وتکبر ۲۳۷
- عذاب خاص جهنم به سه نوع اشخاص ۲۳۸
- بدترین انسانها ۲۳۸

باب چهل و سوم

در بیان تفکر و تأمل در زندگی ۲۴۳

باب چهل و چهارم

در بیان شداید مرگ ۲۴۸
- تفصیل بعضی از تکالیف مرگ ۲۴۸

باب چهل و پنجم

در بیان حالت قبر و سوال های آن ۲۵۲

باب چهل و ششم

در بیان علم الیقین، عین الیقین و پرسش های قیامت ۲۵۷
- تفاوت در میان مراتب یقین ۲۵۷

باب چهل و هفتم در بیان فضیلت ذکر الله ﷻ ۲۶۱
- رحمت پروردگار بر ذاکرین ۲۶۴

باب چهل و هشتم

در بیان فضیلت نماز ۲۶۶

باب چهل و نهم

در بیان عذاب ترک نماز ۲۷۰
- وعید ها برای قضا کردن نماز ۲۷۳
- نماز شخص مؤمن ۲۷۵

باب پنجاوم

در بیان طبقات جهنم و عذاب او ۲۸۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

• آتش جهنم ۲۸۰

باب پنجاو یکم

در بیان عذاب جهنم ۲۸۲
• آب بدبوی جهنم ۲۸۵

باب پنجاو دوم

در بیان فضیلت خوف از گناهان ۲۸۸
• عمر رضی الله عنه و خوف او از الله ۲۹۰
• نصایح جعفر رضی الله عنه ۲۹۱

باب پنجاو سوم

در بیان فضایل توبه ۲۹۴
• توبه زنا کار ۲۹۸
• قاتل به برکت اراده توبه نجات یافت ۲۹۹

باب پنجاو چهارم

در بیان ممانعت ظلم ۳۰۱

باب پنجا و پنجم

در بیان ممانعت ظلم بالای یتیمان ۳۰۵

باب پنجاو ششم

در بیان بدی کبر ۳۰۸

باب پنجا و هفتم

در بیان تواضع و قناعت ۳۱۲
• قول دانایان است ۳۱۶

باب پنجا و هشتم

در بیان فریب دنیا ۳۱۷

باب پنجا و نهم

در بیان خوف دنیا و ترس آن ۳۲۰
• حکایت ۳۲۳

باب شصتم

در بیان فضیلت صدقه ۳۲۶
• فضایل صدقه ۳۲۶

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت و یکم

در بیان پوره کردن حاجت مسلمان ۳۳۰

باب شصت ودوم

در بیان فضایل وضوء ۳۳۳

باب شصت و سوم

در بیان فضیلت نماز ۳۳۵

باب شصت و چهارم

در بیان آفتهای روز قیامت ۳۴۰
- حقیقت صور اسرافیل ۳۴۰

باب شصت و پنجم

در بیان جهنم و میزان ۳۴۳

باب شصت و ششم

در بیان کبر و خود محوری ۳۴۶

باب شصت و هفتم

در بیان احسان با یتیم و سرپرست خود را از ظلم نمودن به او ۳۴۹

باب شصت و هشتم

در بیان بدی خوردن مال حرام ۳۵۲

باب شصت و نهم

در مورد ممانعت سود خوری ۳۵۶
- عام شد سود و زمان به عذاب الهی دعوت می دهد ۳۵۷

باب هفتادم

در بیان حقوق العباد ۳۶۰

باب هفتاد ویکم

در بیان بدی خواهشات نفسانی و ستایش زهد ۳۶۴

باب هفتاد و دوم

در بیان بهشت و مراتب بهشتیان ۳۷۰

باب هفتاد و سوم

در بیان صبر، رضا، وقناعت ۳۷۵

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و چهارم

در بیان فضیلت توکل ۳۸۰

باب هفتاد و پنجم

در بیان فضیلت مسجد ۳۸۳

باب هفتاد و ششم

در بیان ریاضت صحابه کرام ۳۸۵

باب هفتاد و هفتم

در بیان تعریف ایمان و بدیٰ منافقت ۳۹۰

باب هفتاد و هشتم

در بیان غیبت و نمامت ۳۹۴

باب هفتاد و نهم

در بیان عداوت شیطان ۳۹۹

باب هشتادم

در بیان محبت و محاسبه نفس ۴۰۲

باب هشاد و یکم

در بیان خطا کردن حق وباطل ۴۰۷

باب هشتاد و دوم

در بیان فضیلت نماز با جماعت ۴۰۹
فضیلت چهل نماز با جماعت ۴۱۰

باب هشتاد و سوم

در بیان فضیلت نماز تهجد ۴۱۱

باب هشتاد و چهارم

در بیان عقوبت علما سوء ۴۱۵
• انجام عالم بی عمل ۴۱۷

باب هشتاد و پنجم

در بیان فضیلت اخلاق نیکو ۴۱۹

باب هشتاد و ششم

در بیان خنده، گریان و فریاد ۴۲۲

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و هفتم

در بیان قرآن، علم و علما ۴۲۵
• علم و فضیلت علماء ۴۲۵

باب هشتاد و هشتم

در بیان فضیلت زکات و نماز ۴۲۷
• صدقه به کی داده شود؟ ۴۲۷

باب هشتاد و نهم

در بیان حقوق والدین ۴۳۰
باب نودهم در بیان حقوق همسایه و نیکی همرای مساکین ۴۳۴
• حقوق همسایه ۴۳۵

باب نود و یکم

در بیان عذاب شراب خور ۴۳۷
• داستان هاروت و ماروت ۴۳۹

باب نود و دوم

بیان معراج شریف ۴۴۰
• کیفیت سدرة المنتهی ۴۴۱

باب نود و سوم

در بیان فضیلت روز جمعه ۴۴۳

باب نود و چهارم

در بیان حقوق زن بر شوهرش ۴۴۵

باب نود و پنجم

در بیان حقوق شوهر بر زن ۴۴۹
• مرتبه و منزلت شوهر ۴۵۰

باب نود و ششم

در بیان فضیلت جهاد ۴۵۳

باب نود و هفتم

در بیان فریب شیطان ۴۵۶

باب نود و هشتم

در بیان استماع ساز و سرود ۴۵۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

۴۶۰
• تاکید ابن مجاهد در باره سماع ۴۶۱
• ابن عسقلانی رحمه الله و سماع

باب نود ونهم

در بیان پیروی ومتابعت خواهشات و بدعات ۴۶۳
• بد بودن آلات لهو و لعب ۴۶۴

باب صدهم

در بیان فضیلت ماه رجب ۴۶۶
• حکایت ۴۶۷

باب یکصدو یکم

در بیان فضایل ماه شعبان مبارک ۴۶۸

باب یکصدو دوم

در بیان فضایل ماه رمضان ۴۷۱
• فرضیت روزه ۴۷۲

باب یکصدو سوم

در بیان فضائل لیلة القدر ۴۷۴

باب یکصدو چهارم

در بیان فضائل عید فطر ۴۷۶
• حکایت ۴۷۷

باب یکصدو پنجم

در بیان دهم ذوالحجه ۴۷۸
• آن چهار نفر که برای شان جنت منتظر می باشد ۴۸۰

باب یکصدو ششم

در بیان فضیلت عاشوری ۴۸۱

باب یکصدو هفتم

در بیان فضیلت مهمان نوازی فقراء ۴۸۳

باب یکصدو هشتم

در بیان جنازه و قبر ۴۸۶
• آداب جنازه ۴۸۷
• واقعه عجیب و غریب یک شخص گناهکار ۴۸۷

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصدو نهم

در بیان خوف و بیم عذاب جهنم ۴۹۰
- گریان باشندگان جهنم ۴۹۲

باب یکصدو دهم

در بیان میزان وصراط ۴۹۳

باب یکصدو یازدهم

در بیان وصال مبارک حضرت محمد ﷺ ۴۹۶
- اجماع انصار ۴۹۷
- وصیت محمد ﷺ در بارهٔ انصار ۴۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

سوانح مختصر امام غزالی رحمه‌الله

امام غزالی ابوحامد که لقبش حجة الاسلام زین الدین طوسی بودنامش محمدبن محمد غزالی رحمه‌الله فقیه بزرگ اصولی، صوفی، حکیم، متکلم ودر انواع علوم مهارت خاصی داشت درسال (۴۵۰) هجری درطوس به دنیا آمد.

حکایت است که پدر شان یک شخص نیک وصالح بود صرف از کسب خویش روزی را دریافت میکرد دربافتن پشم کار می کرد وانرا در دکان خود به فروش می رساندند وقتیکه مرگ برایش فرارسید درحصه محمد رحمه‌الله وبرادرش احمد به یک رفیق صوفی اش وصیت نمود وبرایش گفت: که به این دو پسرمن درس وتعلیم بدهید وچیزیکه از مابه میراث می ماند برای نها مصرف نمائید ودرآن وقت امام غزالی رحمه‌الله پانزده سال عمرداشت وعمر برادرخودش به دوازده سال می رسیدند پس از مصرف شدن سرمایه پدر ودوست پدرش انهارا در مدرسه طوس شامل کردند ولی امام غزالی رحمه‌الله این مدرسه راترک نموده وبه جرجان رفت درآنجاازعالم بزرگ امام ابونصراسماعیل انواع علوم را اموختند ویک ذخیره بزرگ علم را همرای خود گرفته به طوس برگشت ازینجا به نیشاپور رفت واز امام الحرمین ابوالمعانی جوینی که یک عالم بسیارناخوروقت بود تشنگی علمی خویش را فراگرفتند ودرپهلوی علوم دیگرعلم مناظره علم کلام وفلسفه رافراگرفتند وآنقدر مهارت راکسب نمود که درتعداد سه صدنفرشاگرد مقام اول راکسب نمودند امام صاحب تاعمر بیست هشت سالگی علوم مروجه راحاصل نمودند وصدای آوزه علم وزکاوت شان درهرجاگسترش یافت وقتیکه درسال۴۷۸ هـ.ق. امام الحرمین وفات شدخواجه نظام الملک که باعلم ومعرفت محبت بی مثالی داشت از امام غزالی خواست تامنصب صدارت مدرسه بغداد رابه دوش گیردولی امام غزالی این پیشنهاد وارد نمود وقتیکه مدرس بزرگ بغداد علامه حسین بن علی طبری وفات نمود خواجه نظام الملک به جای شان امام غزالی رامقرر وامام غزالی رحمه‌الله هم این مقام علم ومعرفت راپذیرفت ودرسال۴۸۸ هـ.ق. عملاً به تدریس شروع کردند درجریان تدریس تألیف کتابهای زیاد موفق گردید وزیاد از کتابهارا مطالعه نمودند.

امام صاحب به عمر(۵۵) سالگی صبح روز دوشنبه به تاریخ۱۴ جمادی الآخر سال۵۰۵ هجری از دنیاوحلت نمود ودرشهر طوس ایران در جوار شاعر مشهور فردوسی به خاک سپرده شد علامه ابن الجوزی درکتاب خود «الثبات عندالممات» دربارهٔ مرگ امام غزالی از

(c) ketabton.com: The Digital Library

زبان برادرش احمد می گوید برادرم ابو حامد غزالی به روز دوشنبه پس ازینکه وضوء کردند ونماز خواندکفن خودرا طلب کردند وانرا بوسه کرد وبه چشمانش نهاد سمعاً وطاعة راگفته و رو به قبله نمود پاهایش دراز نمود وروحش رابه خالق کائنات حواله کرد تالیفات امام غزالی رحمه الله قرار ذیل است: احیاء علوم الدین. البسیط فی الفقه. مقاصد الفلاسفه. تهافت الفلاسفه. بدایة الهدایة. المنقذ من الضلال. معارج القدس فی احوال النفس. الفرق بین الصالح وغیر الصالح. الاملاء عن اشکالات الاحیاء. المستصفی من علم الأصول. الاقتصاد فی الاعتقاد. تنزیه القرآن علی المطاعن. الدرة الفاخرة فی کشف علوم الاخرة رسالة. أیهاالولد التبرا المسبوک فی نصیحه الملوک المستضنون علی غیراهله المقصدالاسنی شرح اسماء الله الحسنی. الوقف والابتداء فی التفسیر میزان العمل. قضائح الباطینة فیصل التفرقة بین الاسلام والزندقة. عقیدة اهل السنة. شفاءالعلیل فی اصول الفقه. تلبیس ابلیس. محک النظر. المنخول من علم الاصول. الغایة القصوی. إلجام العوام عن علم الکلام. بخاطرمعلومات بیشتردر بارة امام صاحب به کتابهای ذیل مراجعه نمائید: طبقات الشافعیة الکبری۶/ ۱۹۱ ولاعلام للزرکلی (۲۲/۷). والوافی بالوفیات (۱/ ۲۷٤- ۲۷۷) ووفیات الاعیان (۳/۳۵۳-۳۵۵).

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب اول
دربیان ترس خدا

ازنبی کریمﷺ دریک اثرنقل شده که فرمودند: خداوند جل جلاله یک فرشته راخلق کرده که یک بال آن درمشرق ودیگری اودرمغرب می باشد وسرش ذیرعرش است وهردوپاهایش زیرهفتم زمین می باشد به اندازه مخلوق خداوند پرها دارد هرمرد یا زنی مسلمان که برای من درود بفرستد خداوند به او امر میکند که دربحرنور که زیر عرش است (غوته) بزند فرشته امر خداوندﷻ رابجا می کند واز بحربیرون می شود وپرهایش می تکاند وازوقطرات آب می ریزد واز هرقطرهٔ آب یک فرشته خلق می شودکه تاروز قیامت برایش استغفار می طلبد بعضی ازحکماء گفته اند سالم بودن بدن درکم خوردن است وسلامت روح درکم کردن گناه است وسلامت دین در دورود گفتن به پیامبرﷺ است. ارشاد الهی است که می فرمایند: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ﴾[1]

ترجمه: ای مومنان همیشه بترسید از خداوندﷻ «یعنی دردلهای تان خوف خداوند را پیدا کنید» اطاعت وفرمانبرداری خالق لایزال نمائید.

خداوندﷻ میفرماید: ولتنظر نفس ماقدمت لغد» سوره الحشر آیهٔ۱۸ ترجمه: وباید بنگرد هرنفس که چه فرستاده است برای فردا برای روزحساب وکتاب چه تهیه کرده مطلب از این اینست که خیرات واعمال نیک کنید تاروز قیامت پاداش واجر حاصل نمائید از خداوندﷻ درهرلحظه بترسید وخداوند از هرنوع اعمال تان نیک باشد یابد خبردارهست به روز قیامت زمین واسمان فرشته هاشت وروز تمام کائنات برای شهادت می دهد که تمام کارهای نیک وبد اطاعت خدواند ویانافرمانی آن حتی که اعضای انسان هم برخلاف اوشهادت می دهد در مورد شخص متقی وپرهیزگار زمین گواهی می دهد این شخص بالای من نمازها خونده روزه گرفتند حج کردن جهاد نمودند برین شهادت شخص پرهیزگار خوشحال می شود برعکس این برضد شخص کافر ونافرمان شهادت می دهد ومی گوید این انسان بالای من شرک کردند شراب نوشیدند مرتکب زنا شده اند لذا برایش هلاکت وبربادی است درصورتیکه خداوندﷻ همرایش حساب وکتاب سخت وشدید نماید مردمؤمن کسی است که همرای تمام اعضای

---

[1] (الحشر ۰۱۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خوداز خداوندﷻ خوف نماید طوریکه ابواللیث سمرقند فرموده اند: درهفت چیزنشان های خوف خداوند اشکار می گردد.

۱- زبان که از سخن های قبیح (زشت) مثل غیبت نمامت (جاسوسی) تهمت وغیره نگهداری شود.

۲- که ازدلش عداوت، بهتان حسد برآید زیراکه حسد نیکی می خورد چنانچه پیغمبر اکرامﷺ می فرماید: الحسد یأکل الحسنات کما تأکل النارالحطب» حسدنیکی هارا طوری می خورد که آتش چوب رامی خورد حسد از امراض دل است تداوی امراض دل صرف به عمل می شود.

۳- سوم باید نظر وچشم او ازچیزهای حرام محفوظ باشد وبه دنیا باید هیچ طمع نداشته باشد وصرف برای عبرت براو بنگرد چنانچه پیغمبران اکرامﷺ فرموده اند: من ملاء عینه من الحرام ملاالله عینه من النار» ترجمه: کسیکه چشمهایش ازحرام پرنمود روز قیامت خداوند متعال متعال چشم هایش ازآتش دوزخ پرمی نماید:

۴- باید درشکم اوطعام حرام داخل نشود زیراکه خوردن حرام گناه کبیره است پیغمبرﷺ فرموده اند: اذاوقعت لقمة فی بطن ابن آدم. ضماً واه جهنم.» ترجمه: وقتیکه لقمه حرام درشکم فرزند آدم داخل شود ملائکه های زمین وآسمان تاآن وقت برایش لعنت می گوید که همان لقمه حرام درشکم آن باقی باشد اگر درهمین حالت بمیرد جای ان جهنم خواهدشد.

۵- دست اش باید طرف حرام دراز تتماید وکوشش نماید که دراطاعت خداوند دستهای شان دراز شود ازکعب احبار روایت است که الله جل جلاله یک محل (قصر) سبز زبرجد را آفریده است که دران خانه ها است ودرهر خانه هفتاد هزار اطاق می باشد ودراین مردمی داخل می شود که ازترس خداوند از حرام پرهیز کرده باشد.

۶- قدم اش باید درنافرمانی خداوند بالا نشود بلکه دراطاعت وخوشی خداوند قدم بردارد.

۷- عبارت اش ومجاهدت: انسان باید وتنها عبارت خداوند را بجا آورد واز منافقت وخود نمائی خود داری نماید و اگر کسی این کار را انجام دهد درحساب وجمله آن مردمان داخل (شامل) می شودکه خداوند جل جلاله درحق شان فرموده اند ﴿ وَٱلْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

(c) ketabton.com: The Digital Library

﴿ ترجمه: و(بهره مندی) آخرت نزد پروردگار تو برای متقیان است درآیت دیگر فرمان الهی است ﴿ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴾ ترجمه: (هرآینه) پرهیزگاران دربوستانهاوچشمه ها باشند. گویا خداوند جل جلاله می فرمایند که مردم تقی وپرهیزگار روز قیامت از دوزخ نجات می نماید انسان مؤمن باید درهمه حالت خوف از خداوندﷻ داشته باشد وهیچ وقت ناامید نشود. الله جل جلاله می فرماید:﴿ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ ﴾ ترجمه: نا امید مشوید از مهربانی الله پس عبادت خداوند را کنید وازکارهای بد پرهیز نمائید بطو مکمل عبادت خداوند راکنید.

---

[1] (الزخرف ۰۳۵)
[2] (الحجر ۰٤٥)
[3] (الزمر ۰٥۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب دوم

دربیان خوف ازخداوندﷻ

ابواللیث رحمه‌الله فرموده: دراسمان هفتم فرشته های خداوند است که از وقت خلقت تاامروز درحالت سجده می باشند واز عذاب خداوند ترس وهراس دارند وقتکه روز قیامت این فرشته ها از سجده برخیزند می گوید: ای الله حمدوثنا برای شمامی باشد ماعبادت که لائق ذات توهست بجا آورده نتواستم خداوند می فرماید:﴿يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۩ ﴿٥٠﴾﴾[1]

ترجمه: میترسند ازپروردگار خود از بالای ایشان ومیکند انچه فرموده میشوند. پیامبرﷺ فرموده اند «اذا اقْشَعَرّ جسدمن خیشة‌الله تعالی تحاتّ (۲)، (ساقطت) عنه ذنوبه کمایتحاتّ عن الشجرة ورقُها»

هنگامیکه یک انسان ازترس خداوند به لرزه می آید گناهان شان طوری می ریزدکه دروقت لرزه دادن درخت برگهای اش می ریزد.

داستان است: یک جوان به یک زن عاشق شدوزن همرای یک قافله به سفررفت وقتیکه جوان از سفرش خبرشدبه تعقیب آن زن رفت کاروان به جنگل رسید شب فرا رسید قافله درهمان جنگل استراحت نمودند وقتیکه تمام مردم بخواب رفتند خودرا به همان زن نزدیک کرد وبرایش گفت: من همرای توعشق می ورزم ازهمین سبب به تعقیب شما آمدم. زن برایش گفت تو ببین که ایاکسی بیدار نیست. جوان به بسیار خوشی دورا دورقافله گشته دوباره مراجعت کرد وگفت: تمام مردم خواب هستند. زن برایش گفت درباره خداوند چه نظر داری؟ که آن هم خواب خواهدبود جوان گفت: خداوند خواب نمی شود زن گفت برایش باسخ داد اگرمردم خواب هستند خداوندﷻ هرگز خواب نمیشود واومرا می بیند خشیت خداوندﷻ برما فرض است. وقتیکه جوان سخنان زن را شنید به لرزه درآمد و نیت بدش را ترک کرد به خانه اش باز گشت نمود. روایت است که وقتی همان جوان فوت نمود کسی آن را درخواب دید وازاوپرسید برسرشما چه گذشت؟ جوان گفت: من ازترس خداوندﷻ گناهی راترک

---

[1] (النحل ۵۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

کرده بودم وخداوندبه سبب آن گناهم را بخشید.

درمجمع الطائف حکایت است: که دربنی اسرائیل یک بادشاه عیال دار بود وآن بسیار غریب شده فقر مجبورش ساخت و زن خودرا برای در یافت طعام برای اولادیایش فرستاد تاکه چیزبدست آردبه خانه تاجررفت اوچیزی طعام خواست تاجر برایش گفت که اگرضرورت مرارفع می سازید ما آماده هستم که تمام ضروریات تان مرفوع نمائیم. زن بدست خالی برگشت واپس به خانه خویش برگشت وقتیکه فرزندان مادرشان رادست خالی دیدند به گریان پرداختند وگفتند ای مادر ماراز گرسنگی می میریم برای ماچیزی طعام بدهید زن دو باره بسوی همان تاجر برگشت در بارهٔ فرزندانش همرای وی گفتگونمود پس گفت: آیامشکل مرا برآورده می سازید.

زن گفت بلی زمانیکه همرای زن یکجا گردید اندامش به لرزه آمد قریب بودکه اعضاء زن ازهم جداشود.

تاجربرایش گفت. برایت چه رسیده است زن پاسخ دادکه من ازخداوند می ترسم. مردبرایش گفت: آیا ازخداوند درچنین حالت ناگوارخوف داری سزاواراین است که بایدمن ازخداوندﷻ ترسم وازآن عمل خود داری نمود. ومشکلات زن را مرفوع ساخت. وآن بامال زیاد بسوی خانه خویش برگشت فرزندان از دیدن مادرشان باطعام خوش حال گردیداند.

الله متعال برای موسیؑ وحی فرستاد وگفت بگوبرای فلان شخص که من گناها نش را بخشیدم موسیؑ آمد برایش گفت: شایدکاری خوب را انجام داده باشید مورد رضای خداوندﷻ شده است پس داستان رابرای موسیؑ یاد آورشد موسیؑ برایش گفت: الله متعال تمام گناهان گذشته است را بخشید.

از پیامبرﷺ روایت شده که فرموده اند خداوندﷻ می فرماید: من بالای بندهٔ خویش دو خوف ودو امن یکجا نه می آورم کسیکه در دنیا ازمن خوف نمود درآخرت آن را مأمون می سازم وآن بنده که دردنیا ازطرف ما امن حاصل نمود درآخرت آنرا می ترسانم خداوندﷻ فرموده اند:﴿ فَلَا تَخْشَوُا ٱلنَّاسَ وَٱخْشَوْنِ ﴾[1] ترجمه: (پس) مترسید از مردم وبتر سید ازمن ودرآیت دیگر فرموده اند.﴿ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴾[2] ترجمه: پس مترسید

---

[1] (المائدة ٤٤)

[2] (آل عمران ١٧٥)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازایشان وبترسیدازمن اگرهستید مومنان هنگامیه عمرﷺ یک از آیات کلام الله مجیدرا شنیدند ازترس به زمین می افتید وبیهوش می شدیک روز تبنه وخاشاک را گرفته وگفت: ای کاش که من تبنه می بودم وهیچ چیزی نمی بودم که یاد می شدم کاش که مادرم مرانمی زاد وزیاد گریان می کرد تاکه اشک ازچشمانش جاری می شد ودر روی مبارکش از ریختن اشک دوقطعه خط سیاه پدیدار بود.

پیامبرﷺ گفته اند:کسیکه ازترس خداوند گریه کرده باشد به جهنم داخل نمی شود تاکه شیردوباره درپستان داخل نشود» در« قائق الاخبار» آمده که روز قیامت یک شخص آورده می شود که گناهای شان زیاد است مکلف به رفتن دوزخ می گردد دراین وقت موی از جانش به سخن می آید ومی گوید: این بارخدایا پیامبرت محمدﷺ گفته اند کسیکه ازترس خداوند گریه کند خداوند حرام می گرداندان چشم را برآتش دوزخ» ومن ازترس تواشک ریختم حضرت جبرائیلؑ اعلان می کندکه فلان بن پسر فلان به سبب یک موی ازعذاب خداوندﷻ نجات حاصل نمود پس الله متعال برایش می بخشد واز آتش دوزخ آزادش می کند ببرکت همان که از ترس خداوندﷻ دردنیا اشک ریخته باشد. ودر«بداية الهدايت»آمده است: روز قیامت جهنم آورده می شود آواز میکند وبه زانومی آفتد هرآمت از ترس جهنم چنانچه خداوندﷻ می فرماید «وترى كل امة جاثيه» یعنی علی الرکب خداوندﷻ می فرماید:﴿ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ﴾[1] ترجمه: هر فرقه خوانده شود بسوی نامه اعمال او زمانیکه به آتش جهنم می آیند.﴿ سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴾[2] ترجمه: شنوندایشان ازآن آواز جوش وغریدن» به مسافه پنجصد سال آوازاش شنیده می شود هریکی از انبیاءؑ می گوید برمن رحم کنید بر ویژه حضرت محمدﷺ می گوید: خداوند بالای امت من رحم کنید برای امت من رحم کنید از جهنم همچو کوهها آتش برمی آید وامت محمدﷺ دردفع کردنش سعی می ورزد ومی گویند: ای آتش برای نماز خوانان وخیرات دهندگان فروتنان وروزه داران بر نه گردی آتش بر نمی گردد وحضرت جبرئیل آواز می کند آتش امت محمدﷺ را درنظر گرفته بازیک کاسه می آورد که درآن آب می باشد وبه حضرت محمدﷺ می دهد ومی گوید: ای پیامبر خداوندﷻ این آب رابالای این آتش بانداز پیغمبرﷺ بالای آتش باش می دهد درآن وقت آتش خاموش

---

[1] (الجاثية ۰۲۸)

[2] (الفرقان ۰۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

می شودپیغمبرﷺ می گوید این آب چه هست؟جبریلؑ درپاسخ می گوید این آب اشک گناهگاران امت تان هست که ازترس خداوندﷻ گریه کرده اند حالا من مامورشدم که برای تان بدهم تابالای آتش باندازید به اجازه خداوندﷻ خاموش می شود. پیغمبرﷺ می گفت: ای بار خدایا برایم چشم بدهید که قبل از بودن است بگیرید اعینی هلا تبکیان علی ذنبی تنا شرعمری من یری ولاأدری. ایاچشمانم به گناهانم گریان نمی کند پراگنده شد عمرمن ومن نمیدانم. ودر خبری از پیامبرﷺ آمده می گویند از چشمان بنده مومن اشک به اندازهٔ سر مگس از ترس خداوندﷻ بیرون شودوبه رخسارش می رسد آنرا آتش دوزخ هرگزمساس نمیکند از محمدبن المنذر رحمت الله علیه حکایت شده لحظاتی که گریان می کرد روی وریش شان به اشکش ترمی گردید ومی گفت: به من رسید است جای که اشک رسیده باشد آتش دوزخ همان محل رانمی خورد پس برای مؤمن مناسب است که از عذاب خداوندﷻ بترسد وخود رااز شهوات نفسانی باز دارد چنانچه خداوندﷻ فرموده:﴿ وَءَاثَرَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ [1] ﴾.﴿ فَإِنَّ ٱلْجَنَّةَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ [2] ﴾ ترجمه: واختیار کرده باشد زندگانی دنیا را پس بیشک دوزخ یگانه قرارگاه اوست واما کسیکه ترسیداز ایستادن بحضور رب خویش وباز داشت نفس را از خواهش پس بیشک جنت یگانه جای اوست کسیکه می خواهد از عذاب خداوند نجات یابد وثواب ورحمت خداوند راحاصل نماید برایشان لازم است که به تکالیف ومشقات دنیا صبرکند واطاعت خداوندﷻ بجاآرند واز گناهان اجتناب ورزد در «زهرالریاض» آمده است از پیامبرﷺ روایت شده که گفته اند: هنگامیکه جنتیان به جنت داخل شوند فرشته ها آنها رابه خیر ونعمت استقبال می کنند وبرای ایشان منبرها مانده می شود وفرش گسترده می شود غزاها ومیوه های گوناگون آورده می شود پس ازآن همرای این نعمتهای آنها تعجب می باشد.

خداوندﷻ می گوید ای بندگانم این چه جای حیرت است واین خانه تعجب نیست؟ جنتیان می گویند همرای ما وعدهٔ نیست که وقتش فرا رسیده خداوندﷻ به فرشته گان امرمی نماید از چهره ها پرده بردارید فرشته هامی گویند: ای الله متعال چگونه شمارا دیده خواهند نمود ودردنیا گناهگاران اند؟ خداوندﷻ می فرمایند: پرده ها رابالانمائید زیرا که آنها دردنیا ازجمله ذاکرین وسجده کنندگان واشک ریزانندگان بودند وامید ملاقات راهم داشتند پس

---

[1] (النازعات ۳۸)

[2] (النازعات ۴۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

پرده ها بالامی شود بسوی رب العزت نظرمی کنندوبه پروردگاربه سجده می افتند. خداوندﷻ می فرماید: برخیزید این جای عزت است جای عمل نیست وخداوندﷻ بلاکیف برای شان ظاهرمی شود وبه انبساط به آنها گوید: سلام برشما باشد ای بندگانم من ازشماراضی هستم آیا شماهم ازمن راضی هستید؟ جنتیان درپاسخ می گویند: چه مانع است برای ماکه راضی نه باشیم ای الله متعال برای ماچیزها اعطاء نمودیدکه نه چشم آنرا دیده ونه گوش انراشنیده ونه به قلب انسان تیرسده وهمین قول خداوندﷻ است که می فرمایند: ﴿ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ﴾[1] ترجمه: خشنودشد خداﷻ ازایشان وخشنود شدند ایشان ازاو وقول خداوندﷻ که می فرماید:﴿ سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴾[2] ترجمه: (برای ایشان) سلام است (گفته میشود) گفتنی ازجانب رب مهربان.

---

[1] (المائدة ۱۱۹)

[2] (یس ۵۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سوم

درباره شکیبائی ومریضی

کسیکه می خواهد از عذاب خداوندﷻ نجات یابد ثواب ورحمت خداوند را حاصل کند وبه جنتش داخل شود بایداز شهوات دنیا خودرا دور نگهدارد وبه سختها ومصیبهای دنیا صبرنمایدچنانچه خداوندﷻ فرموده اند:﴿ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ [1] ﴾ ترجمه: وخدا دوست میدارد صبر کنندگان را صبربه چندقسم است صبربه طاعت خداوندﷻ صبر از محارم خداوندﷻ و صبر به مصیبت و رنج در وهله اولی کدام شخصیکه به اطاعت خداوندﷻ صبر نمود الله متعال برایش درجنت سه صددرجه اعطاء می نماید هر کدامش به اندازه زمین تاآسمان وکسیکه از محارم الله متعال خود داری نمود خداوندﷻ بروز قیامت ششصد درجه می دهد که هرکدام این درجه به اندازه آسمان هفتم تازمین هفتم می باشد وکسیکه به رنج ومصیبت صبر نمود خداوندﷻ بروز قیامت درجنت هفتصد درجه می دهدکه هر کدام آن به اندازه عرش تازمین می باشد.

حکایت است که زکریاﷺ از یهود گریخت یهودیها آنرا تعقیب نمود زمانیکه به او نزدیک شدند درخت رادید وبرایش گفت ای درخت مراجای بدهید پس درخت دوشق شد ودرآن داخل شد ودوباره درخت به حالت (شکلی) اصلی اش برگشت ابلیس علیه لعنت به یهودیها اشاره نمود که اره بیارید ودرخت را دوشق کنید تاکه زکریاﷺ درآن بمیرد آنها هم سخن ابلیس راپذیرفت واین درحالیکه حضرت زکریاﷺ درخت راتکیه گاه خود قرار دادوبه پروردگار ننمود پس خداوندﷻ متعال هلاکتش رابه میراث دادوبه اره دوقطعه شدچنانچه از رسول اکرمﷺ روایت شده که گفته اند: الله متعال می فرماید: نیست بنده ایکه بالایش کدام مصیبت نازل شود وبدین مادست محکم کند خواست شان پیش ازطلب می دهم ودعاء شان پیش ازگفتن قبل می کنم ونیست بنده ایکه بالایش کدام مصیبت نازل شود وبه مخلوق روگرداند ما در وازه های آسمان به اوبند می کنم» وقتیکه بدماغ زکریاﷺ رسید فریاد زد برایش گفته شد: ای زکریا خداوندﷻ برایت میگوید چرا در برابر مصیبت صبررا

---

[1] (آل عمران ۱٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

اختیار نمی کنید؟ ودربرابر مشکلات آه ونال میکنی اگر بار دیگر تکرار می کردی اسم تان از دفتر پیامبران محوخواهدشد زکریاﷺ لبان خویش رابه دندان گرفت وتحمل نمود تا اینکه آنرا دو شق نمودند لازم است برای صاحبان خردکه دربرابر مصائب از صبر کار گیرند. وشکوا نکنند درین صورت از تکالیف دارین نجات خواهند یافت زیراکه بزرگترین امتحان بر پیامبران ودوستان خداوندﷻ می باشد جنیدبغدادی رحمه‌الله فرموده اند: آزمایش برای اهل عرفان حثیت چراغ را دارد وبیداری برای پیروان شان می باشد. وصلاح برای جمیع مسلمانان است وتباهی برای اشخاص غافل است. دریافت نمی کند شرینی ایمان راهیچ کسی تازمانیکه برآن مصیبت نیاید. باید خوش حال شود وصبرکند. پیامبر بزگوار اسلام فرموده اند: شخص که یک شب مریض شدوشکیبانی نمود واز خداوند خوشنود گشت از لابلای گناه ها خارج می گردد مثل روزی که از مادر بدنیا آمده باشد وقتکه بیمار گردیدید امید صحت یابی را نکنید.

ضحاک رحمه‌الله گفته اند: کسیکه درمیان چهل شب، کدام غم واندو گرفتارنشد برای آن نزد خداوندﷻ خوبی وجود ندارد.

اذمعاذبن جبلﷺ روایت است که فرموده اند: وقتیکه آزموده شودیک بنده مسلمان به مرض خداوند برای ملائکه دست چپ آن میگویدکه قلم رااز نوشتن گناهان بنده من بازدار وبرای فرشته دست راست میگوید: بنویس برای بنده من بهتراعمال راکه انجام داده بود درحدیث ازمحمدﷺ آمده است: درهنگامیکه یک شخص مریض میگردد الله متعالی برای آن دوفرشته رامی فرستد وبرای شان میگوید برو بندکه بنده چه میگوید اگران ستایش خداوندرا میکند ان رابه سوی الله بلند کنید حال انکه خداوندﷻ برحال آن باخبراست پس خداوند می فرمایدکه حق بنده من بالای من باشد اگرآن را مرانیدم آنرا داخل جنت کنم واگر خواستم که پوره سازم حق آنرا عوض گوشت وخون آن بهتررا برایش میدهم وگناهانش را دورمی سازم» حکایت شده است که شخص بزه کاری بود در بنی اسرائیل وهیچ وقت دست ازکارهای زشت نمی کشید تااینکه تمام مردم شهربه ستوه آمدند واز منع آن ناتوان گردیدند درین زمان بشوی خداوند رجوع نمودن وعجزخویش را به خداوند کردند الله برای موسیﷺ وحی نمود یک نفرجوان در بنی اسرائیل کارهای نادرست وفسق میکندآن را از آن شهربیرون سازید تاکه عذاب وآتش درآن شهربه سبب آن واقع نشود دراین وقت موسیﷺ آمدوآن رااز آن شیربیرون نمودآن جوان به شهردیگر رفت والله موسی را امرنمودکه آنرا ازآن شهرهم نیز بیرون نماید پس آن را موسیﷺ اخراجش نمود اوبه غاری رفت که درآنجا نه انسان وجود

(c) ketabton.com: The Digital Library

داشت ونه هم چیزی دیگر درچهار اطراف کدام آبادی وعمرانی به چشم نمی خورد ونه هم کدام نبات سبزدیده می شد. درهمان غار جوان مریض شدوبه احوال برسی اوکسی نرفت وهم کدام تیمار دار نداشت درآنوقت ازبسیار ضعف وناتوانی به زمین رفتید وگفت، ای کاش مادرم می بود تامراکمک می کرد،اگر زنم می بود به جوانیم گریان کرده بود واگرپدرم می بود درجوارم می بود برحالم شفقت کرده وبرحالتم گریان کرده بود. اگرپدرم درپهلوی ام می بود مراکمک می نمود اگرزن می داشتم به فراق من گریان خواهد کرد اگر فرزند می داشتم به الله متعال دعامی کردکه پروردگار پدرم را معاف کن آنها همرای جنازه ام می آمدند وبالای من گریان خواهد کردن. بازاوگفت: ای الله شمااز من پدر، مادر، دختر، زن واطفالم را جدا کردی ولی از فضلت مرا جدا نساز دلم به فراق عزیزان ودوستانم میسوزد ای الله بدنم رابه آتش دوزخ نسوزانید درخلال همین نیایش الله متعال فرشته رابه صورت پدرش ودیگری بصورت مادرش ودیگری هم بصورت خانمش وچند تن از غلمان جنت به صورت فرزند انشن فرستادند همهٔ آنها دراطراف اوگرد آمدند وبراوشیون وگریان را آغاز نمودند اوبه این عمل خوشحال گردید وروحش از جسم جدا شد در همین اثناء الله متعال به موسیؑ وحی فرستاد که به فلان جای بروید آنجادوستم فوت نموده انتظام تدفین وتکفین اورا بگیربه اساس حکم الهی موسیؑ به سوی نماز رفت دیدکه جوان فوت نموده آن شخص که اولاً از شهر به قریه وسپس به غار تبعید شده بود ودر اطراف برای تعزیت نشسته بودند موسیؑ در حضرر الله متعال عرض کردوگفت: ای رب العزت! این همان جوان است که به حکم تواز شهر تبعید کرده بودم الله متعال برایش فرمود: من به سبب گریان کردن وفراقش ازدوستان واقارب اش رحم کردم وفرشته هارا بصورت شکل والدین، زن وفرزندانش فرستادم که دردیار غربت به حالت بدی اوگریان کند زمانیکه اوفوت نمود به بیچارگی اوساکنین زمین واسمان گریان کردمن که ارحم الراحمن هستم چرابه اورحم نکنم زمانیکه مسافر در مسافری بمیرد هنگامیکه مسافر فوت می نماید وچشم خودرا از دنیا بسته می کند الله متعال به ملائکه (فرشته ها) می فرماید: مسافری بیچاره است اهل وعیال ووالدین خودراترک نموده زمانیکه فوت می گردد کسی نمی باشد که به اوگریان کندالله متعال فرشته ها خودرا به صورت بستگانش می فرستند زمانیکه دوستان خود راگردش می بیند بسیار زیاد خوشحال می گردد ودرائناء همین سرور وخوشی روحش پرواز می کند سپس همان فرشته ها درحالت گریان وزاری (پریشانی) باجنازه اش همراهی می کند وتاروز قیامت برایش دعا مغفرت می خواهد الله متعال می فرماید:

(c) ketabton.com: The Digital Library

﴿ اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهٖ ﴾[1] ترجمه: الله دارای لطف است به بندگان خود.

ابن عطار رحمه الله فرموده است که: صدق وکذب انسان درحالت مصیبت وخوشحال او هویدا می گردد کسیکه دروقت خوشحال شکر پرودگار رابجامی آورد ودروقت مصیبت فریاد وفغان می کشد اوکاذب است اگربه کسی علم دوعالم داده شود وسپس براو مصایب هجوم بیاورد ودرمقابلش فریاد کندبه اوعلمش هیچگونه منفعت نمی رساند وآن علم بی منفعت وبی بهره است حدیث قدسی است که الله متعال فرموده اند: کسیکه برقضاء من راضی بناشروبر نعمت من شکرنکند اوبرای خودش رب وپروردگار دیگری را جستجوکند حکایت: وهب بن منبه می گوید: یکی از انبیاء تاپنجاه سال عبادت الله متعال راکرد الله متعال برایش وحی فرستاد که تورامعاف کردم تبی عرض کردن که ای الله من مرتکب گناه نشدم که مورد عفوقرار گرفتم؟ الله متعال یک رگی اورا بند ساخت که همهٔ شب ناراحت بود وخواب نشدصبح که فرشته بسوی او آمدنبی از مسدود شدن رگ شکوه نمود فرشته برایش گفت: الله متعال می فرماید ازعبادت پنجاه ساله ات این شکوه تان زیاد است توبه عبادت خود چرا بالیدی.

---

[1] (الشوري ۱۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهارم

دربیان ریاضت وخواهشات نفسانی

حکم درود گفتن به حضرت موسی علیه السلام : الله متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد وفرمودند: اگرمی خواهیدکه من ازسخنان تان که به زبان ارانه می دارید واز خیالات دلت واز روح بدنت وازنور چشمانت از شنیدن گوشهایت به شمازیاد ترنزدیک شوم باید به محمد ﷺ به کثرت درود بفرستید فرمان الهی است:﴿ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ ﴾ ترجمه: وباید بنگرد هرنفس که چه فرستاده است برای فردا؟ بدان ای انسان بیشک که عمل زشت شما بدتراز شیطان است غلبهٔ شیطان بالای تان از خاطر خواهشات خودتان بوجود می آید کسیکه از الله متعال غافل می شود پیروی نفس خویش را اختیار می کند دعوای بعضی انسان ها دعوای دروغین می باشد اگربخاطر رضای نفس خویش پیروی (خواهشات) رامی کنید هلاک برباد می شوید واگراز محاسبه نفس خویش غافل می شوید در دریای گناهان غرق خواهید شداگر تابعداری خواهشای نفس خویش را اختیار کردید به جهنم سوق داده خواهیدشد ونفس به طرف نیکی برنمیگردد وهمین نفس اساس تمام مصائب ومخزن تمام شرمندگی وخزان شیطان است وجای تمام قبائح است که نمی دانداز را بغیراز خداوند. الله متعال می فرمایند:﴿ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴾ ترجمه وترسیده باشید ازخدا هرآئینه خدا خوب خبردار است به آنچه میکنید. درتفسیر ابو اللیث آمده که اگرکدام شخص به خاطر آخرت عمرگذشته خویش را بررسی ودرآن فکر می کند این به مشابه غسل دادن به قلب محسوب می گردد چنانچه درحدیث پیامبر ﷺ است: فکرکردن یک ساعت ازعبادت یکسال بهتر و افضلتر می باشد لذا به هرمسلمان مناسب است که مغفرت گناهان خویش را خواستار گرددوبه کرام چیزکه اقرار می نمایند بایدبه همان چیز غورکند وبرای آخرت خویش توشه آماده سازد امیدهای خویش را که نمایند ودربارهٔ توبه نمودن عجله کند ذکرالله متعال را بجا آورندند از ارتکاب محرمات خود داری نمایند ونفس خویش رابه صبرکردن عادت دهند وپیروی خواهشات نفسانی را ترک گویند زیراکه نفس بمثابه بت هست شخص که متابعت وپیروی نفس خویش راکندگویابه عبادت ها پرداخته است وکسیکه عبادت الله متعال را بااخلاص انجام داده نفس خویش زیرپا نهاده است حضرت مالک بن دنیار رحمه الله خواست تاانجیربخورد یکی از روزها ازبازار بصره عبورمی کرد انجیررا دید دلش می خواست که اینرا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بخورد به سوی دکاندار رفت ومطلوبش راخواست وبرایش گفت درمقابل چپلی ام انجیر بدهید هنگامیکه دوکاندار به چپلی هایش نگاه کرد کهنه بود درپاسخ گفت درعوض این هیچ چیزداده نمیتوانم مالک بن دینابه شنیدن این پاسخ حرکت کرد. یک شخص به دوکاندار گفت: شمااین نفررامی شناسید؟ اوگفت نه خیر نفراولی گفت: این شخص مالک بن دنیار مدنی عالم مشهور است وقتیکه درکاندار این سخن راشنید کجاوه مملو از انجیربه دست غلام خود به آنجناب ارسال نمود وبرایش گفت اگراین کجاوه انجیربه مالک بن دنیار اعطاء نمودید من ترا آزاد خواهیم کرداوبه بسیار عجله به عقبش رفت وبرایش گفت آقا این انجیر را بپذیرید مالک جواب داد من نمی گیرم غلام برایش گفت: اگرشمااین انجیر را قبول نمودید من آزاد خواهیم شد مالک درپاسخ گفت: دراین کار برای تان آزادی است وبرای من هلاکت وتباهی هنگامیکه غلام بسیار اصرار ورزید. مالک برایش فرمود من قسم خوردم که در دربدل انجیر دین رانمی فروشم وتاروزقیامت انجیررا نخواهم خورد.صبرکردن درلحظات آخری زندگی: به مالک بن دنیار درمرض مرگ خود خواهش پیداشد به سرید نان خودش نان گرم که درآن عسل وشیرباشد بخورد غلام اش تمام چیزهای مطلوب راحاضر نمودند مالک بن دینار چند دقیقه به آن نگاه کرد و گفت: ای نفس شما از سی سال به این طرف صبر نمودی و در لحظاتی آخری زندگی صبر کرده نمی توانی؟ این سخن راگفت وپیاله شرید را ازاست خودیک سوکرد وچند لحظه بعد جهان فانی را وداع گفت. سلیمان علیه السلام فرموده اند: کسیکه به نفس خویش غالب بوده باشد وانراکنترول نمایند ازآن شخص قوی تر هست که به تنهای یک شهررا فتح نماید. علی رضی الله عنه می گوید: من در مورد نفس خویش طوری همان شبانی می باشم که رمهٔ خودرا یکجامی کند ولی آنها ازیکدیگر جدا می شوند. کسیکه نفس خودرا بشکند آن را درکفن رحمت می پیچاند ودرزمین کرامت آنرا دفن می کند کسیکه دلش را نابود نماید آنرا درکفن لعنت می پیچاند ودرزمین عذاب دفنش می سازد یحیی بن معاذ رازی می فرمایند: بانفس خودمقابله کردن «ریاضت» شب بیداری، کم گفتن، تکالیف از طرف مردم تحمل نمودن، و کم خراب کردن ذهن صفا می شود و به گفتن کم انسان از بلاها نجات می یابد و به تحمل کردن اذیت مردم درجات بلندمی گردد وبه خوردن طعام کم شهوات نفسانی ازبین می رود زیراکه خوردن طعام زیاد باعث تاریکی وسیادلی می کردد گرسنگی نورحکمت است خوردن طعام به پرکردن شکم انسان را از الله متعال دورمی سازد. پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم می فرماید: نوروقلوبکم ترجمه: دلهای تان رابه گرسنگی منور سازید بانفسهای تان به گرسنگی وتشنگی جهاد نمائید همیشه به وسیله گرسنگی دروازهای بزنید زیراکسیکه خودرا گرسنه نگاه دارد آجروثواب آن مثل شخص است که درراه الله متعال جهاد می کند ونزد الله متعال عمل شایسته

(c) ketabton.com: The Digital Library

ونیک مفیداز گرسنگی وتشنگی دیگری نیست. فرشته های السمان درپهلوی آن شخص که طعام رابه شکم سیر خورد، باشد ومزهٔ عبادت را ازدست داده باشند حاضر نخواهندشد.

درمنهاج العابدین از ابوبکر صدیق رضی الله عنه نقل است که فرمود: ازآن زمانیکه به دین بین اسلام مشرف شدم به شکم سیر نان نخوردم تامزه عبادت پروردگارم دریابم وبه همین ترتیب به شوق ورغبتی که به دیدار پروردگارم دارم آب رابه شکم سیرنتوشیدم زیراکه به خوردن ونوشیدن زیاد درعبادت کمبودی می آید، وقتیکه یک شخص شکم پورطعام بخورد جسم آن ثقیل می گردد وچشمانش ازخواب بیدار نمیشود ودر جسم نوع شستی ایجاد می گردد باوجود سعی وکوشش بدون خواب چیزی دیگری بدستش نمی آید. پس مانند خود مرده ومتروک بیرون فایده می باشد.

درمنیة الفتن آمده است: لقمان حکیم به فرزندخویش فرمود: خوردن، نوشیدن، خواب کردن راکم نمائید زیراکسیکه خوردن وخوابیدن زیاد نمایند روزقیامت از اعمال نیک دستش تهی می باشد ارشاد مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم است که مرفرماید: دلهای تان به خوردن ونوشیدن زیاد تباه نکنیدزیراکه به دادن آب زیاد کشت تباه می گردد به همین طوربه طعام خوردن ونوشیدن زیاد دل انسان هلاک می شود بعضی ازنیکان معده رابه دیگ سیاه مشابهت داده است که به جوش می آید وبخاران به دل می رسد وبه اساس آن قلب غلیظ وکثیف می گردد به خوردن زیاد درعلم وفکر کمبودی می آید وشکم راپرکردن فطانت وتیز هوش رانابود می سازد حکایت است که: یحیی بن زکریا علیهما السلام شیطان را دید که دامهای زیادی را بلند کرده است و از او پرسید: این چیست؟ شیطان جواب داد: این شهوات است که بنی آدم مادرآن بندمی سازم یحیی علیه السلام برایش گفت: ریا برای من هم کدام دامی است؟ شیطان پاسخ داد: نه خیر. مگریک شب به شکم سیرنان خورده بودی که به ان سبب درغار برای تان سستی آمد یحیی علیه السلام فرمود: من درآینده شکم خویش را پورنمی سازم شیطان گفت: اگرقضیه همن طورباشد من به هیچکس نصیحت نخواهم کرد این است حالتی آن پیامبر که درعمرخود یک بارشکم سیرنان خورده بود وچطور خواهد شد حالت کسانیکه هرشب شکم خود را مملو ازطعام می سازد.

حکایت:

یک شب حضرت یحیی علیه السلام ازنان جوشکم خودرا پر نمود و به عبادت پروردگار مشغول شد الله متعال برایش وحی کرد وفرمود: ای یحیی: ایاشما این دنیا را از آخرت بهتر وافضلتر حساب نمودی ویا از دربار رحمت من دربار رحمت دیگری را دریافت نمودی به جلال وعظمت خودقسم می خودم (سوگندیادمی کنم) که اگرجنت الفردوس را ببینید وبه جهنم نگاه افگنید ازچشمانت اشک جاری خواهد شد وبه عوض این جامهٔ (پیوندی) جامه آهنین رابه تن خواهد کردی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجم

غلبه نفس و دشمنی شیطان

برای هرعاقل ضروری است که خودرا گر سنه نگهدارد وشهوات را از جزورش قلع نمایندگرسنگی برای نفس قهراست، برای شیطان ازتمامی وسایل عمده خواهشات، خوردن ونوشیدن زیاد است ارشادپیغمبر ﷺ است که می فرماید: شیطان درجسم تان مثل خون جریان دارد راههای آن را به واسطه گرسنگی مسدور نمائید یقیناً بروز قیامت ان کس به نزد الله متعال بسیارنزدیکترمی باشند که برآنها گرسنگی وتشنگی آمده باشند برای انسانان از هرچیز تباه کننده خواهشات شکم است لذا به اساس همین شکم آدم علیه السلام وحضرت از جنت کشیده شدند که ازخوردن میوه یک درخت منع شدند وآنان ازخاطر خواهشات شکم از آن خوردند همین شکم ازآن درحقیقت منبع ومرکز شهوات می باشد.

سخن های برگزیده یک عالم که می گوید: شخص راکه نفسش غالب آید اواسیر شهوات وسخنان نادرست می گردد ودلش ازتمامی منافع محروم می شود کسیکه اعضاء خودش به آب شهوات سیراب کرد اودرحقیقت دردلش تخم ندامت رازرع کرد. الله متعال سه نوع مخلوق را آفریده است: (۱) فرشته ها را خلق نموده آنهاراعقل داد واز شهوات پاک آفرید (۲) حیوانات را ازعقل خلق نموده وبرآنان شهوات داده است (۳) انسانان را عاقل وبا شهوات خلق نموده است شهوات آن شخصیکه برعقلش غالب آید از حیوان بدتراست وآن مسلمانیکه عقلش برشهوات آن غالب شود اواز فرشته ها بهترمی شود.

حکایت: ابراهم خواص رحمه الله می گوید: مادرکوۀ اشکام بودم آنجا آنار دیدم ودر دلم شوق خوردن آنرا آمد یک انار را گرفتم وآنرا دوشق کردم دیدم که ترش مزه است آنرا انداختم واز آنجا حرکت کردم چندقدم پیشتر دیدم که یک تقربه زمین افتیده است زمبورها دورا دورآنرا گرفته وبه بدنش چسپیده اورا سلام دادم، سلام من راجواب داده نامم راگرفت من به تعجب ازا وپرسیدم که تومرا چطور شناختی که بچه خواص هستم؟ اوبرایم گفت: کسیکه الله متعال اورا بشناسد ازاو کدام چیزی پوشیده نمی ماند گفتم: نزد الله متعال مقامت خیلی عالی خواهد بود چرا ازپروردگارنمی خواهی که زنبورهای بدنت دور را نمایند؟ اوبرایم پاسخ داد وگفت: من میدانم که نزد رب العزت مقامت هم عالی است، چرا این دعانکردی که

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازخواهش خوردن انار ترا محفوظ، نگهداری می کرد عذاب زنبورها دنیوی. ولی خواهش خوردن انار عذاب اخروی است زنبورها عذابشان تنها برای دنیا می می باشد أما عذاب انار اخروی است وبه دل نیش می زند، هنگامیکه سخنان پرمحتوی انرا شنیدم حرکت کردم ورفتم شهوات بادشاهان رافقیر می سازد وشکیبائی فقیران را پادشاهان می سازد شما حکایت حضرت یوسف علیه السلام وذلیخا را شنیده باشید که یوسف علیه السلام بوسیله صبربه پادشاهی مصر رسید وذلیخااز خاطرخواهشات خود عاجزورسواشد بنائی اش رفت وموی اش سفیدشد زیراکه ذلیخادرمحبت یوسف علیه السلام از صبرکار نگرفت.

ابوالحسن رازی پدرش را درخواب دید: ابوالحسن رازی می گوید: که پدرم را پس از مرگش درخواب دیدم که درتنش لباس جهنمی قیرگون است من ازپدرم پرسیدم که چرا؟ ای فرزندم ازمکرنفس بر خود باش مرانفسم به جهنم کشید؟

ترجمه: من درمحاصرهٔ چهار دشمن درآمده ام که به سبب بدبختی وگناهانم برماغالب شده است شیطان نفس، دنیا وخواهشات چطور می توانم که ازچنگال آنهارهای یابم ولی اصلاً همهٔ آنها دشمنان من هست که درتاریکی خود بینی وشهوات خواهشات دلم بسوی شهوت دعوتم می کند «قول حاتم اصم رحمت الله علیه است که می گوید: نفس تنبیله است، علم سلاح من است، نا امیدی گناه من است شیطان دشمن من است، وبه نفس خود قریب می دهم. نقطهٔ عارفانه یک عارف بالله می گویدکه جهاد به سه نوع است:

(۱) باکفار جهاد کردن که این نوع ظاهری جهاد است الله متعال می فرمایند: ﴿ تُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ [1] ﴾ ترجمه: جنگ می کنند درراه خداوند ﷻ (۲) بامردم جاهل وکاذب بواسطه علم جهاد کردن است الله متعال می فرماید ﴿ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ [2] ﴾ ترجمه: ومناظره کن به ایشان بطریقی که وی نیک است» (۳) مبارزه علیه نفس سرکش وتغیان گراست که الله متعال می فرمایند﴿ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا [3] ﴾ ترجمه: وآنانکه کوشش کردند برای ما (در راه ما) (هر آینه) نشان میدهیم به ایشان راه همان خودرا» ارشاد پیامبر ﷺ است که می فرمایند: افضل الجهاد جهاد النفس» ترجمه بهترین جهاد مبارزه بانفس است زمانیکه صحابهٔ کرام ازجهاد به منازل

---

[1] (المائدة ٥٤)

[2] (النحل ١٢٥)

[3] (العنكبوت ٦٩)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خودباز گشت می کرد می گفتنداز جهاد اصغربه جهاد اکبرعورت نمودیم.

صحابه کرام به جهاد ضد نفس وشیطان نسبت به جهاد درمقابل کفار را اکبر گفته اند: که جهاد درمقابل نفس همیشه ودوامدار می باشد ودرمقابل کفار بعضی وقت واحیاناً می باشد. سبب دومی این است جهاد درمقابل کفار غازی رقیب خویش رامشاهده می کند وشیطان را دیده نمی شود وهر دشمنیکه دیده می شود جنگ علیه او آسان تر است نسبت به آن دشمنی که به چشم دیده نمی شود.

سبب سومی این است: که درمقابل دشمن هویدا هیچ نوع نرمی دردل غازی نمی آید امادرجهاد علیه شیطان نفس وخواهشات انسان باشیطان یاری می کند لذا مقابله شیطان سخت تر گردد.سخن دیگراین است: که اگر غازی کافر را بکشد مال غنیمت وموفقیت راحاصل نماید اگرشهید گردد مستحق داخل شدن جنت می شود ولی درجهادبه کشتن شیطان تسلط نمی یابد واگرشیطان آنرا ابکشد یعنی از راۀ مستقیم گمراه اش میکند مورد عذاب الهی قرار می گیرد لذا گفته شده که: اگربه روزجنگ اسپ کسی بگریزد دردست کفار بیافتد واگرایمان کسی بگریزد درغضب الهی گرفتار می شود. وکسیکه نزد کفاربندی واسیر گردد دردست وپای شان زنجیرها رابسته کند وآنها راگرسنه وتشنه وعریان نگهداری نمی کندمگرکسیکه مورد غضب پروردگار بگردد روی شان سیاه می شود وبه زنجیرها بسته می گردد درپاهای زولانه والچک انداخته می شود. خوردن نوشیدن ولباس اوازآتش جهنم ساخته می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب ششم
در بیان غلفت

باغفلت شرمندگی زیادمی شود. نعمت زائل می گردد. جذبه خدمت ازبین می رود. حسد. ملامتی وندامت زیاد می گردد.

حکایت است: که یک شخص نیک استاد خودرا درخواب دید واز اوپرسیدکه در نزد توازهمه غم بزرگ وحسرت چطور باشد؟ استاد برایش گفت: ازهمه بزرگترحسرت وغفلت است روایت است که یک شخص ذنون مصری رحمة الله در خواب دید واز اوپرسید که الله متعال باشما چطور مامله (سلوک) نمود؟ اودر پاسخ گفت که الله متعال مرا درحضور خویش ایستاد کرد وفرمودندای دروغ گو وکاذب ادعای محبت مراکردی وبعداً غافل شدی أنت فی غفلة وقلبک ساهی ذهب العمروالذنوب کماهی.

ترجمه شمادرغفلت هستید ودلت درترس است عمرتمام شدوگناهان هما نطور باقی ماند. حکایت: یک شخص نیک پدرخویش را درخواب دید واز اوپرسیدای پدر چطور هستید؟ پدرش درجواب گفت مازندگی خودرا درغفلت سپری نمودیم ودرهمین غفلت دنیای فانی راترک نمودیم. پیک اجل: درکتاب زهرالریاض آمده که یعقوب علیه السلام باملک الموت ارتباطات خوب داشتند یک روز ملک الموت حاضرشد. یعقوب علیه السلام ازاوپرسید: شمااز خاطر ملاقات تشریف آوردی یا بخاطر قبض کردن روحم؟ ملک الموت گفت بخاطر ملاقات آمده ام. یعقوب علیه السلام برایش گفت من یک پرسان میکنم. اوبرایش گفت بگو: یعقوب علیه السلام برایش گفت فرمود: هنگامیکه مرگم نزدیک می شود وشما برای قبض کردن روح تشریف می آورید برایم پیش از وقت اطلاع بدهید. ملک الموت برایش گفت: بسیار خوب. من پیش ازآمدنم سه ویا چهار قاصد برای تان ارسال می نمایم زمانیکه به یعقوب علیه السلام وقت مرگ فرارسید ملک الموت برای قبض کردن روحش آمد یعقوب علیه السلام برایش فرمود: شما همرای من وعده کرده بودید که پیش ازآمدنم سه چهار قاصد برای روان میکنم ملک الموت فرمود: همین طورکردم:

(۱) موهاتان سپید گشت این اولین قاصدم بود.

(۲) قوت بدن تان کم شداین قاصد دومی بود.

(۳) دوتاگرران قامت تان از استقامت. ای یعقوب علیه السلام من به هرانسان همین سه قاصد می فرستم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مضی الدهر والأیام والذنب حاصل وجاء رسول الموت والقلب غافل.

نعیمک فی الدنیا غرور وحسرة وعیشک فی الدنیا محال وباطل.

ترجمه: زمانه گذشت گناهان ات سرگذاشتم، قاصدمرگ رسید ودل از الله متعال غافل شد نعمتها دینوی تان فریب وخدعه است ودر دنیا ماندن محض دروغ ومحال است شیخ الوعلی دقاق رحمه‌الله می گوید: من به زیارت شخص رفتم که اوازجمله مشائخ بزرگ محسوب می شدمن دراطراف اوشاگردان را دیدم که نشسته بودند وشیخ گریه می کردمن برایش گفتم ای شیخ برای دنیا اشک می رزانی؟ اوگفت نه خیر. بلکه من بخاطر من بخاطر قضاشدن نمازها گریه می کنم من برایش گفتم: شمایک شخص عابدهستید چرا ازپیش تان نمازها قضاء شد؟ شیخ در پاسخ گفت: من هرسجده را درغفلت اجرا کردم ودرغفلت سرم را بلند نمودم وحالا درغفلت وفات می شوم آه او أفوس کرد واین بیت را زمزمه کرد.

تفکرتُ فی حشری و یوم قیامتی ... و إصباحِ خدی فی المقابر ثاویا

فریداً وحیداً بعد عزٍ ورفعة ... رهیناً بجرمی والتراب وسادیا

تفکرت فی طول الحساب وعرضه ... وذل مقامی حین أعطی کتابیا

ولکن رَجَانی فیک ربی وخالقی ... بأنک تعفو یا إلهی خطانیا

ترجمه: من درمحشر (روزقیامت) وزندگی قبرم فکر کردم وجای رخسارم هنگام که درخاک گذاشته شود درازی روزحساب فکر کردم وشرمنده گی همان روز را تصور کردم که صحنه دادن نامه اعمال من می باشد. ای رب ذوالجلال امیدهای من رحمت تان همواره است توخالق وپروردگار وبخشاینده گناها نم هستی.

تنها دعوی نمودن درعیون الاخبار از شقیق بلخی رحمه‌الله آمده است که فرموده: مردم تنها سه چیز به زبان می گویند ولی عمل شان خلاف قول شان می باشد.

(۱) می گویند مابنده گان الله هستیم مگر عمل شان طور شخص آزاد مطابق طبعیت شان انجام می گیرد.

(۲) می گویند الله متعال برای مارزق می دهد مگر دلهای شان بدون جمع کردن مال ومتاع دنیا تقرر نمی یابد واین خلاف قول شان می باشد.

(۳) می گویندکه روزی مرگ به سراغ ما می آید ان کارهای را نجام می دهندکه گویا نمی میرند ای مخاطب: کمی بیندیش به کدام روی پیش پروردگار می روی وبه کدام زبان همرای اومتعال سخن می گوی درهمان زمان که الله متعال ازپیش تواز کارهای خورد وبزرگ

(c) ketabton.com: The Digital Library

شما بپرسند بخاطرهمان سوالها جوابها مناسب پیدا کنید تادران روزبه رسوای وشرمنده گی دچارنه شوید.

الله متعال می فرمایند:﴿ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴾[1] ترجمه وبترسید ازخداوند تحقیق الله خبر داراست به آنچه میکنید.

باز الله متعالی مسلمانان رامی فهماندکه اوامر خداوندی را ترک نه گوئید ودرهر حالتی به وحدانیت پروردگار اعتراف کنید ثمر اطاعت الله متعالی: درحدیث شریف آمده است که به پایهٔ عرش رب العزت نوشته شده که کدام شخص پیروی واطاعت مرا کند من سخن اورا قبول می کنم کسیکه بامن محبت نمایند من اورا محبوب خود می گردانم کسیکه از من چیزی می خواهد اورا عطاء می کنم وکسیکه ازمن بخشش می خواهد اورا عفوی کنم.

طبق فرمان نبوی برهر مسلمان لازم است که عبادت پروردگار را به اخلاص کامل همرای شوق ورغبت اجرا نمایند وبه قضای الله متعال رضایت داشته باشند به مصائب ومشکلات صبرنمایند وبه نعمتهای رب العزت شکر کندوبه قسمت ونصیب خودقناعت کنید الله متعال می فرمایند «من لم یرض بقضائی. ولم یصبر علی بلائی. ولم یشکرنی علی نعمائی. ولم یقنع بعطائی فلیطلب رباً سوائی» ترجمه جواب قناعت بخش حسن بصری رحمت الله علیه: یک شخص به حسن بصری رحمت الله علیه گفتند من حیران هستم که درعبادت احساس لذت نمی کنم او برایش گفت: البته شماکسی رادیده باشید که ازخداوند ﷻ ترس نمی کند حق بندگی این است که ازخاطررضای رب العزت تمام چیزها ترک گردد. کسی به ابویزید رحمة الله گفت من درعبادت احساس کیف وخوشی رانمی کنم اوپاسخ داد: زیراکه شمابندگی عبادت رامی کنیدنه بندگی رب العزت را ازشمایک باربندگی الله متعال رامی کردید بازخود لذت عبادت دَریافت می نمودید.

عبادت مخلوق یاعبادت الله متعال: یک شخص نمازرا ادامی نمود هنگامیکه به «ایاک نعبد وایاک نستعین» رسید دردلش آمدکه من صرف عبادت پروردگار رابجا می آورم یک آوازغیبی آمدکه دروغ می گوئید شماعبادت مخلوق را اداء می نمائید پس ازاین واقعه بامخلوق ارتباط وهمبستگی خودرا قطع نمود ونمازرا شروع کرد باز که به همین آیت رسید همان سخن دردلش آمد متعاقباً اواز غیبی آمدکه شماعبادت مال می کنید اوتمام مال خودرا

[1] (الحشر ۰۱۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

در راه الله متعال صدقه نمود ونیت زمانیکه به همین آیت مبارکه رسید دردلش آمدکه من حقیقتاً عبادت پروردگار را انجام می نمائیم برایش آواز امدکه شما دروغ می گوید عبادت لباس تان را میکنید بغیراز لباس جان تمام لباس های خویش را صدقه کرد باردیگربه همین آیت رسید برایش آواز آمدکه فعلاً در دعوای خود صادق هستید به یک نصیحت غلام خودرا آزاد ساخت: درکتاب رونق المحالس آمده است: که جام یک شخص گم شد ودزدآن معلوم نگردید زمانیکه به نماز خواندن شروع نمود دزد در ذهنش آمد وقتیکه ازنماز فارغ شدبه غلام خودگفت که بروید از فلان شخص جامه را بیارید. غلام درپاسخ گفت جامه درکدام وقت به یادت آمد؟ اوبرایش گفت: درنماز خواندن غلام فوراً جواب داد که شمانمازرا خاطرهمین خوانده ایدنه ازخاطرالله متعال اوبه شنیدن این سخن فوراً غلام خود راآزاد ساخت برای هرعاقل ودانا لازم است که دنیاراترک کند وعبادت رب العزت را نمایند ودرباره مستقبل خود فکر کند الله متعال دراین مورد می فرمایند:﴿ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلْأَخِرَةِ نَزِدْ لَهُۥ فِى حَرْثِهِۦ ۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْأَخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ﴿٢٠﴾ ترجمه وهرکه باشد که خواهد کشت دنیارا میدهیم اورا آزآن (درصورتیکه بخواهیم) ونیست اورا درآخرت هیچ بهره» یعنی ازدلش محبت دنیامی برآید زیرا ابوبکرصدیق رضی الله عنه برای پیامبر ﷺ چهل هزاردینار ظاهراً وچهل هزار دنیار بصورت خفیه خرج نموده اندتاکه به او ﷺ هیچ چیز باقی نمانده بود نبی کریم ﷺ واهل بیتش ازدنیا وتقضای آن بطور مکمل پرهیزمی نمودند زیراکه (جهیز) (سامان عروسی) حضرت فاطمه رضی الله تعالی عنهما یک پوست رنگ شده گوسفند ویک بالشت بودکه ازپوست خرماپرشده بود.

(الشوري ۲۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتم

درمورد فسق، نفاق و از یاد بردن الله ﷻ

یک زن بسوی حسن بصری رحمه الله آمد وگفت دختر جوانم فوت نموده می خواهم اورا درخواب ببینم یک دعابرایم تعلیم بدهید که بوسیله آن مطلبم حاصل گردد اوبرایش یک دعا تعلیم داد آن زن درشب دعا خواند ودخترش را درخواب دید حالش اینطوربود که لباس قیرجهنمی به تن داشت در دستهاوپاهایش زنجیرهای آتشین بودهمان زن صبح همان خواب رابه حسن بصری پیش کرد اوبسیار پریشان وغمگین شد. چندوقت پس حسن بصری همان دختر را درخواب دیدند که به سرش تاج بود. دختر گفت آیا مرامی شناسید؟پرسید حالت تان چگونه تبدیل شد؟ دختربرایش گفت یک شخص نیک وصالح به سرقبرستان عبور می کرد او به پیامبر ﷺ درود خواندکه به برکت او الله متعال از مرده عذاب را دور کرد.

نکته: جای فکر و اندیشه است که به برکت درودگفتن یک شخص این مقدار زیاد مورد عفوالله تعالی قرار گرفتن آیا کسیکه ازمدت پنجاه سال به این طرف به محمد ﷺ درود می فرستند در روزقیامت مورد عفونمی گردد الله متعال فرموده اند﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ ﴾ ترجمه ومشوید مانند آنانکه فراموش کردند خدا را.

آنها امر الله گذاشتند درخلاف آن عمل کردند وبه خواهشات دنیا ولذت بردند ومایل شدند به زینت دنیا.

فرق مابین مسلمان ومنافق:

ازپیامبر ﷺ در مورد مؤمن ومنافق پرسیده شد پیامبر ﷺ فرمودند. توجه اواهتمام مؤمن سوی نماز و روزه می باشد و توجه منافق مثل حیوان بسوی خوردن و نوشیدن می باشد و بطرف نماز و روزه توجه ندارد مؤمن درراه الله متعال صدقه می کندودر تعقیب عفومی رود ومنافق درگرداب حرص وهوس مصروف می باشد. مؤمن دید را مقدم می شمادر ومنافق بدون الله متعالی به تمام مخلوق مراجعت می کند مؤمن بدون الله تعالی از کسی دیگر ترس ندارد ولی منافق بدون الله تعالی از هرکس خوف دارد مومن کار خیرمی کندوبه الله متعال گریه

(المختر ۰۱۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

میکندولی منافق مرتکب گناه می شود وخوشحال می باشد مؤمن تنهای راخوش دارد ولی منافق مجالس راخوش دارد مؤمن کشت می کارد وازتباهی زراعت درهراس می باشدولی منافق تخم می کاردوپس ازخراب شدنش امید دروکردنش دارد مؤمن همرای تدبیر دین به نیکی حکم وازبدی منع واصلاح مردم می کند، ولی منافق بخاطرتکبر خودفتنه وفساد درپیش می گیرد و مردم را از نیکی منع وبه بدی دعوت می نمایند ارشاد الله متعال است:

﴿ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ بَعْضُهُم مِّنۢ بَعْضٍ ۘ يَأْمُرُونَ بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ ۚ نَسُوا۟ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٦٧﴾ ﴾[1]

﴿ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ هِىَ حَسْبُهُمْ ۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾ ﴾[2]

ترجمه: مردان منافق وزنان منافق بعضی ایشان (متحد.ومشابه) با بعض دیگر دارد کردار و دین امر میکنند بکاربد وبازمیدارند ازکار پسندیده ومی بندند دست های خودرا فراموش (ترک) کردن الله را پس فراموش (ترک) کرد ایشان را بیشک منافقان ایشانند بکلی برآمد گان از طاعت. وعده کرده مردان منافق وزنان منافق وکافران را آتش دوزخ جاوید باشند درآن آن است ایشان را و دوراند ایشان را الله ازرحمت وبرای ایشان است عذاب برقرار میفرماید﴿ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْكَٰفِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾[3] ترجمه: (هرآینه) خداجمع میکند منافقان(وکافران را در دوزخ همه آنهارا) الله متعال در ارشاد خود اول ذکر منافقان راکرده زیرامنافق ازکفار زیاد بدبخت هستند والله متعال برای آنهاعذاب جهنم را تیار کرده است الله متعال می فرمایند:﴿ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿١٤٥﴾[4] ترجمه: هرآینه منافقان همه درطبقه زیرین آتشند ازدوزخ لفظ منافق از «نافق الیربوع» مشتق است می گوین؛ که درخانه موش جنگلی دوغار می باشد یکجا بخاطرداخل شدن ودیگری بخاطرخارج شدن ازیک سوراخ دیده می شود واز دیگری خارج می شودبه منافق هم ازاین لحاظ منافق گفته می شودکه اوظاهراً مسلمان ودرباطن همرای کفار می باشد درحدیث آمده است که مثال منافق

---

[1] (التوبة ۰٦۷)
[2] (التوبة ۰٦۸)
[3] (النساء ۱٤۰)
[4] (النساء ۱٤۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

طوری گوسفنداست که درمیان دورمه می باشندکه احیاناً با یک رمه وباری بارمه دیگری حرکت می کند یعنی بایکی استقامت وایستادگی کرده نمی تواند به همین ترتیب منافق هم نه مکمل با مسلمانهای باشند ونه کاملاً باکفار

دروازه های جهنم هفت است: الله متعال جهنم راخلق کرد وبرایش هفت دروازه گذاشته چنانچه الله متعال می فرمایند:و﴿ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ [1]﴾ ترجمه اوراهفت دراست» دروزاه های جهنم ازآهن ساخته شده وبرهرکدام آن لفظ لعنت نوشته شده است ظاهراین دروازه هاازآهن اماباطن آن ازسرب ساخته شده درعمق جهنم عذاب است ودربلندی آن غضب الهی است زمین جهنم از آهن شیشه سرب وفولاد می باشد برای ساکنین قسمت های بالا وپائین. راست چپ آتش می باشند ودرآن منازل وطبقات راست که پائین ترین آن برای منافقان است درحدیث آمده است که پیامبر محمدﷺ درباره جهنم گرمی آن از جبرئیلؑ پرسید اوبرایش گفت: الله متعال اول جهنم ا خلق کردباز تایکهنرارسال آنرابه آتش گرم ساخت که ازگرمی بسیار زیاد سیاه وتاریک گشت به جبرائیلؑ گفت قسم به الله که شمارا نبی برحق فرستاده است اگر پیراهن وبا تنبان یکی ازدوزخیان به دنیا آورده شود مردم تمام دنیا هلاک خواهد شد وهمچنان اگر یک دلو ازآب جهنم به آب دنیا یکجا گردد تمام آب دنیازهر آلود خواهد شد واگر هر کسی ازآن بنوشد خواهدمرد وهمچنان اگریک قطعه از زنجیرهای جهنم به کوههای دنیا گذاشته شود آنرا ذوب خواهد کرد وبه همین ترتیب اگریکی از دوزخیان به دنیا آورده شود تمام مردم هلاک خواهدشد دربارهٔ زنجیرهای جهنم فرمان الهی است که می فرمایند: ﴿ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا [2]﴾ ترجمه: در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است» محمدﷺ به جبرائیلؑ فرمودند: آیادوازه های جهنم مثل دوازه های دنیااست جبرائیلؑ درپاسخ فرمود: نه خیر اواز چندطبقه ساخته شده چیزی پائین وچیزی بالااندازه درمیان دروازه ها هفتادسال است هرکدام در وازه ازدیگربه اندازه هفتاد مرتبه گرم است محمدﷺ ازباشندگان آن پرسیدند. جبرئیلؑ پاسخ داد: پائین ترین دوازه آنها به نام «هاویة» است که باشنده گان آن منافقن است چنانچه الله متعال فرموده اند﴿ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِي

---

[1] (الحجر ٤٤)
[2] (الحاقة ٣٢)

(c) ketabton.com: The Digital Library

آلدَّرۡكِ آلۡأَسۡفَلِ [1]﴾ ترجمه: هر آینه منافقان در طبقه زیرین آتش اند در دوزخ»

طبقه دوم جهنم جهنم است که درآن مشرکان می باشند. نام طبقه سوم آن سقراست که درآن ستاره پرستان می باشند نام طبقه چهارم لظی است که درآن ابلیس می باشند که پیروان آن مجوس ها هستندبه نام طبقه هاپنجم حطمه است که درآن یهودیهامی باشند نام طبقه ششم آن سعیر است که درآن نصرانیهامی باشند بعدازاین جبرائیل علیه السلام سکوت کرد. باز پیامبر ﷺ پرسید آیا دربارهٔ طبقه هفتم جهنم برای من معلومات داده می توانید؟ جبرائیل علیه السلام عرض کردای رسول الله درین باره استفسار نکنید. پیامبر ﷺ فرمود معلومات اندکی برایم بدهید. جبرائیل علیه السلام درپاسخ گفت: درین طبقه امتیان شمامی باشند که مرتکب گناهان کبیره گردیده باشند وبدون توبه کردن ازدنیا رفته باشند روایت است. زمانیکه این آیت مبارکه نازل شدکه﴿ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَا [2]﴾ ترجمه: ونیست از شما هیچکس مگررسنده به آن خوف پیامبر ﷺ درمورد امت زیاد شده برحال آنها گریان زیاد نمود کدام شخص که از گرفت پروردگار وقهرش اگاهی پیداکند برایش مناسب است که زیاد خوف وترس نمایند وبرگناهان شان گریان کند ونادم شود پیش ازین که عذاب جهنم رابیند آن جاهای را نظر کندکه برایش ساخته شده ودر برابر ذات منتقم حقیقی ایستاد شود وبه جهنم انداخته شود پس ازمرگ آه افسوس کردن بسا از موی سفیدان بودند که درجهنم آه می کشیدند فریادمی کردند وبسیاری ازجوانان به ضیاع شدن جوانی اش فریاد می کشند وگریان می کندوبسیاری از آنها به ارتکاب اعمال قبیح که انجام داده به صدای بلند فریاد می زند درحالیکه روی و اجسام شان سیاه شده است نه عزت موسفیدان کرده می تواند ونه ترحم بر جوانان ای پروردگار مرا ازعذاب آتش نجات ده واز همه کارهای که مرابسوی آتش جهنم می کشاند حفاظت کنی به برکت رحم خویش مرابه جنت داخل نمای عزیز. ای غفار. ای الله متعال هرعیب های مایان پرده افگند. مرا از خوف وترس نجات بدهید مرا از گناها وخطاها محفوظ دارند آمین یارب العالمین.

---

[1] (النساء ۱٤٥)

[2] (مریم ۷۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتم

دربیان توبه

توبه وندامت کردن ازگناهان بالای هرمسلمان مرد وزن واجب است چنانچه الله متعال فرموده اند:﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا ﴾[1] ترجمه: ای مؤمنان توبه کنید بسوی الله توبه خالص «ودرآیت دیگری نیز فرموده است:﴿ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ ﴾[2] ترجمه: ومشوید مانند آنانکه فراموش کردن خداﷻ را کتابهای الله متعال رابه پشت سرگذاشته گویا آنها به خود شان رحم نکرده وخود را ارتکاب گناهان محفوظ نگهداری نکرده بخاطر روز قیامت عمل نیکو انجام نداده اند. نبی اکرمﷺ می فرمایند: کسیکه بالله متعال ملاقات راخوش ندارد رب العزت هم ملاقات وی راخوش ندارد.

الله متعال می فرمانید﴿ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴾[3] ترجمه: (آن جماعة ایشانند نافرمانان).

انواع فاسقان:

فاسق به دوقسم است. اول: فاسق فاجر، دوم: فاسق فاجر کافر آن است که به الله متعال وپیامبرﷺ ایمان ندارد هدایت را ترک نموده و در تعقیب گمراهی روان می باشند چنانچه فرمان الهی است که ﴿ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓ ﴾[4]

ترجمه: (پس بیرون شد از فرمان پروردگار خود) فاسق وفاجر کسی است که شراب می نوشد مال حرام می خورد واعمال قبیح را انجام می دهد عبادت نمی کند وهمیشه درگناه مبتلا می باشد مگر همرای این بدیها الله متعال رابه یگانگی می شناسد با اوکسی راشریک نمی داند فرق درمابین آنها این است که: فاسق کافر پیش از مرگش بیدون گفتن کلمه توحید وتوبه کردن عفو نمی شود وفاسق فاجر که قبل از مرگش توبه بکند وبه اعمال بدش پشیمان گردد

---

[1] (التحریم ۰۰۸)
[2] (الحشر ۰۱۹)
[3] (الحشر ۰۱۹)
[4] (الکهف ۰۵۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

امکان عفو مغفرت دارد. کدام گناهی که اساس آن تکبر وخود بینی باشد مغفرت آن ناممکن است زیراکه سبب اساسی نافرمانی شیطان همین تکبر وخود خواهی بوده. ای انسان: شایسته ا بن است که پیش از فرا رسیدن مرگ توبه کنید شاید الله متعال گناهان تانرا معاف کند. چنانچه الله متعال فرموده است:

﴿ وَهُوَ ٱلَّذِى يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ [1] ﴾.

وهمچنان درحدیث شریف آمده است: توبه کننده از گناهان مثل شخص است که هیچ گناه نکرده باشد.

حکایت: یک جوان بود هر وقت که گناه می کرد انرا درکتابچه خود نوشته می کرد یک بار او مرتکب یک گناه شد زمانیکه کتابچه خودرا باز کرد می بیند که درآن این ایت شریف نوشته شده:﴿ فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٍ [2] ﴾.

ترجمه: (پس ایشانرا تبدیل میکند الله متعال به جای بدیهای ایشان نیکیها).

از این آیه همین مطالب ومفهوم برمی آید که به عوض شرک ایمان وبه عوض بدی مغفرت وبه عوض گناه عصمت ونیکی نوشته می شود.

شرمندگی یک جوان:

یک بار عمرؓ از یک کوچه مدینه منوره عبور می کرد یک جوان را دید که در زیر لباس های خود بوتل از شراب راپنهان کرده بود عمرؓ از او پرسید ای جوان درین بوتل چه است؟ جوان بسیار خجالت شد ودر دلش گفت چطور می توانم بگویم که در این شراب است درین اثنا در دلش دعا نمود. ای الله من را درپیش عمر شرمنده مساز ومن پس ازین هیچ وقت شراب نمی نوشم. جوان گفت ای امیر المؤمنین: درین بوتل سرکه هست برایش گفت برایم نشان دهید که ببینم بوتل را برای عمرؓ داد هنگام که دید واقعاً سرکه است.

ای انسان کمی فکر کن یک شخص از شخص دیگری به سبب ترس توبه مخلصانه نمود رب العزت شراب آنرا به سرکه مبدل ساخت. همین طور کدام گناهگار که به گناهای خود نادم شود وتوبه کند الله متعال شراب نافرمانی وی رابه سرکه فرمانبرداری مبدل می سازد چنانچه همرای آن جوان واقع شد که گناهانش را درکتابچه خود یا داشت می نمود.

---

[1] (الشوري ۰۲۵)

[2] (الفرقان ۰۷۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکایت: ابوهریره رضی الله عنه می فرماید که یک شب من با محمد ﷺ نماز می خواندم بیرون بر آمدم یک زن را دیدم وی از من پرسان کرد وگفت: من مرتکب گناهی شدم آیا توبه کرده می توانم من از وی پرسیدم شما چگونه گناه نمودی زن گفت مرتکب گناهی شدم که حمل برداشتم وضع حمل نمودم وآنرا قتل نمودم من برایش گفتم تو تباه شدی برایت هیچ توبه نیست او بی هوش شد و بر زمین افتید من حرکت کردم ورفتم در راه برایم درفکرم آمد که چرا از محمد ﷺ پرسان نکردم و بیرون اطلاع پیامبر ﷺ فتوی دادم در حالیکه رسول الله درمیان ما موجود است به پیامبر ﷺ حاضر شدم وتمام داستان برایش بیان نمودم. پیامبر ﷺ مرا تهدید کرد پس برگشتم درمجلس وفرمود: آیا شما این ایت شریف رانشنیده آید.

﴿ وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ ﴾[1] ترجمه: (وانانکه نمی پرستند با الله معبود دیگر).

ابوهریره رضی الله عنه فرمود: وقتیکه این سخن راشنیدم درجستجوی آن رفتم وازهر کسی پرسان آنرا شروع نمودم تا دربارهٔ آن زن معلومات یابم واینقدر تفتیش نمودم که اطفال برمن خنده می کردند ومرا دیوانه گمان می کردند بالآخره آن زن را یافتم وهمان آیت شریف را برایش تلاوت نمودم که به این حصه رسیدم :﴿ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ ﴾[2].

ان از مسرت آواز کشیده گفت باغ دارم که آنرا برای خداوند ﷻ وپیامبر بخشیدم.

داستان دیگر: روزی به مجلس حسن بصری رحمه الله آمد درآن لحظه حسن بصری تفسیر آیت مبارک رامی کرد که درآن آمده است: ﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ ٱللَّهِ ﴾[3]

حسن بصری تفسیر وتشریح آیت به اندازهٔ کرد که مردم گریان را اغاز کردند یک جوان بلند شد وگفت ای بندهٔ مؤمن: آیا مثل من یک شخص فاسق و فاجر اگر توبه کند قبول خواهد شد؟ حسن بصری گفت بلی. الله متعال گناهان شما هم عفوی می نمایند هنگامیکه غلام این سخنان را شنید رنگ وچهره اش زرد شد وبه بدنش لرزه آمد وبه زمین افتید زمانیکه به هوش آمد حسن بصری به پهلوی او رفت و این قطعه را خواندند:

---

[1] (الشوری ۰۲۵)
[2] (الفرقان ۰۷۰)
[3] (الحدید ۰۱۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

أیا شبّا لرب العرش عاصی ... أتدری ما جزاء ذوی المعاصی
سعیرٌ للعاصة لها زفیرٌ ... وغیظٌ یوم یُؤخذ بالنواصی
فإن تصبر علی النیران فاعصهْ ... و إلا کنْ عن العصیان قاصی
وفیما قد کسبت من الخطایا ... رهنت النفس فاجهد فی الخلاص

ترجمه: (ای جوان. نافرمان الله تومی فهمی که سزای نافرمانان چیست؟ برای مردم نافرمان جهنمی برای آن آواز است وخشم قهر است رب العزت در روز قیامت هنگام به موی پیشانی گرفته شود درصورتیکه تو اگر میخواهی بر آتش جهنم صابر باشی برگناهان مداومت کن و گر نه از گناه کردن دست برداری کن تو در بدل گناهان خود را گرو کردی و درخلاص کردن آن کوشش نمای.

عتبه صدا داد وباز به بیهوشی رفت زمانیکه به هوش آمد گفت: ای شیخ آیا الله متعال تو به مثل من بدبخت راقبول خواهد کرد حسن بصری به اوگفت الله مهربان توبه بنده ظالم خود را قبول می کند درین وقت سرخود به طرف آسمان بلند نمود وسه بار دعا کرد: ای الله اگر به من عفو کرده باشید وتوبه مرا پذیرفتید به من حافظه وعقل بدهید که از قرآن کریم وعلوم هرچیز بشنوم او از یاد نبرم. ای الله مرا به صدای نیک وخوش عزت بخش که به هر اندازه آدم سخت دل هم باشد بشنیدن تلاوتم دلش نرم گردد ای روزی ده مرا از جای که گمان ندارم الله متعال خواسته های وی را براورده ساخت عقلش زیاد. وحافظه اش قوی گردید. وقتیکه او تلاوت می نمود هر شنونده از گناهانش توبه می کرد. و درخانه اش هر روز از رزق حلال یک کاسه شوربا و دو دانه نان می امد وبرای هیچ کس معلوم نمی شد که این طعام از کجا می آید. تمام زندگی عتبه به همین ترتیب دوام کرد. این حالتی کسی است که تنها بسوی الله برمی گردد بیشک الله تعالی اجر وپاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد.

بعضی از علماء پرسان کرده شد شخصی توبه کند آیا معلومات قبول شدن ویا نشدن توبه برایش اشکار میگردد. عالم درپاسخ گفت: درین مورد فیصله قاطع نشده است اما بعضی نشانهای وجود دارد که از آن علائم قبول شدن توبه پدیدار می گردد او از ارتکاب گناهان خود داری می کند در قلب وی تواضع پیدامی شود وهر وقت پروردگار خویش راحاضر وناظر دانسته. نیکی رامی پسندد واز بدی نفرت می ورزد نعمت کم دنیا را زیاد حساب می کند. نیکی آخرت هرچند که زیاد باشد کم می پندارد. دلش همیشه در اداء نمودن فرائض الله مصروف نگهمیدارد و زبانش همیشه از گفتن سخنان به بیهوده خود داری می کند. همیشه به گناهان سابقه اش فکر واندیشه وپشیمانی می نماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نهم

دربارهٔ محبت

شخصی در صحراء چیزی بدمنظری را دید واز او پرسید توکیستی؟ او برایش گفت: من عمل بد تان هستم. او برایش گفت: آیا از تو راه نجات یافتن هست؟ او برایش گفت: درود گفتن به پیامبرﷺ راه نجات است زیراکه پیامبرﷺ فرموده اند: برما درود گفتن روشنانی (نور) پل صراط است کسیکه شب هشتاد بار بر من درود بگوید گناهان هشتاد ساله اش معاف می شود.

اعراض محمدﷺ از آنانیکه درود نمی گویند: کسی به محمدﷺ درود گفت او یک شب محمدﷺ را درخوابش دید پیامبرﷺ بروی هیچ، او پرسید ای رسول الله چرا بر من قهر هستی؟ پیامبرﷺ فرمودند: من ترانمی شناسم او عرض نمود ای رسول الله چگونه مرا نمیشناسید؟ درحالیکه من از علماء کرام شنیده ام که شما امتیان خویش از مادران شان بهتر می شناسید؟ پیامبرﷺ فرمود: علماء کرام راست گفته اند مگر شما برمن درود نه گفتید لذا من شمارا نمی شناسم لذا امتیان من هر کس که برمن درود زیاد بگوید به همان اندازه آنرا خوب می شناسم او سخن پیامبرﷺ را درگوش گرفت و روزانه صد بار درود گفتن را ورد خویش نمود. چند وقت پس باز پیامبرﷺ را درخواب دید. وبرایش گفت: من حالا ترا خوب می شناسم وشفاعت تانراهم می کنم زیراکه محبوب پیامبرﷺ شده بود الله متعال می فرمایند: ﴿ قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ ﴾[1].

ترجمه: (بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزد بشما گناهان شمارا وخدا آمرزنده مهربانست).

شان نزول آیت شریف این است وقتیکه محمدﷺ به کعب بن اشرف ویارانش دعوت اسلام پیش کرد. آنها گفتند: ما مثل فرزندان الله متعال هستم وبا او محبت زیاد داریم در این اثناء الله متعال به پیامبرﷺ وحی فرستاد که به آنها بگویند که اگر با خداﷻ محبت داشته باشید اطاعت من راکنید من فرستاده خداوند متعال هستم ومن پیام پروردگار به شما می آورم وبه شما به صفت حجه فرستاده شدم ام اگر شما متابعت مرا بکنید پروردگار شما را محبوب

---

[1] آل عمران (۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود می گرداند وگناهای شما را عفو می کند الله متعال غفور و رحیم است.

محبت مسلمانان به خداوندﷻ این است که به احکام او عمل نمایند وعبادت او کنند ورضای اورا جستجو نمایند. محبت الله متعال یا مومنان این است الله برایشان رحم نماید وانها را ثواب دهد وگناهای شان راعفوه نمایند وآنها را شامل رحمت توفیق. عفت وعصمت نماید امام غزالی دراحیاء العلوم می گویند: کسیکه از چهار چیز ادعای چهار چیز رامی کند او کاذب (دروغ گوی) هستند.

۱) دعوای جنت رامیکند ولی نیکی نمی کند.

۲) دعوای محبت پیامبرﷺ دارد ولی باعلماء کرام دوستی ندارد.

۳) دعوای ترس از آتش جهنم می کند ولی باگناه مقاطعت نمی ور زد.

۴) با خداوندﷻ ادعای محبت رامی کند ولی درمقابل مشکلات شکایت می کند قسمیکه رابعه می فرماید:

تَعصی الإلٰهَ و أنت تُظهر حُبَّه ... هذا لعمری فی القیاس بدیعُ

لو کان حُبک صادقاً لا طعتَهُ ... إن المحب لمن یُحِبُّ مطیع

ترجمه: نافرمانی الله متعال رامی کنید ولی ظاهراً با الله متعال ادعای محبت دارید من قسم می خورم که این یک نوع سخن جدید درقیاس است اگر محبت تان صادق می بود اطاعتش می کرد زیرا که محب باکسی محبت می کند اطاعت اوراهم می نماید.

نشانه های محبت موافقت با محبوب واز او مخالفت نه کردن است. ادعای محبت بالشبلی نعمانی رحمه‌الله: مردمی نزد شبلی آمدند وگفتند: باتو محبت داریم. شبلی به آنها نگاه کرد وباز آنها را سنگ باران کرد سپس آنها فرارنمودند شبلی گفت: اگر بامن محبت می داشتید چرا درمقابل این مشکلات اندکی ایستادگی کرده نتوانستید فرارنمودید باشبلی گفت: محبت کننده گانی که پیاله محبت رانوشیدند زمین بر آنها تنگ گردیده است خداوندﷻ را انقدر شناخته اند که حق شناختن او بود آنها درعظمت پروردگار سرگردان هستند ودر قدرت الله حیران هستند؟ جام محبت پروردگار رانوشیده اند و در دریای الفت او غرق شده اند بانیایش کردن الله لذت گرفتن وباز این بیت را زمزمه نموده:

ذِکْرُ المحبة یا مولای أسکرنی ... وهل رأیتُ محبّاً غَیْرَ سکران

ترجمه: ای دوستم یاد محبت مرا بی هوش می سازد آیا شما محبتی رادیده اید که بی

(c) ketabton.com: The Digital Library

هوش نگردد می گوید: هنگامیکه شتر مست شود تاچهل روز علف نمی خورد وهیچ چیز خوشش نمی آید درهمین اثنا اگر دو برابر بار به او حمل شود برده می تواند زیراکه دلش درياد محبوب بی تاب می باشد او نه گیا اشتها دارد ونه از بار سنگین هراس دار ده آیا شما بخاطر رضای پروردگار وقتی خواهشات ناچیز تانرا ترک گفتید؟ ویا هم کدام از خوردنیها و نوشیدنیها خود ترک نمودید؟ ویا بر خود تان بار سنگین رابه رضاء الله برداشتید اگر شما از این چیزها هیچ کدام را نگیردید دعوای تان غلط وبی بنیاد هست که نه در دنیا برای تان کدام نفع رسانده می تواند ونه در آخرت نه به نزد مخلوق مفید واقع می گردد ونه در حضور خالق لایزال.

علی رضی الله عنه فرموده اند: کسیکه امید جنت داشته باشد درکاهای خیر عجله می کند. کسیکه از جهنم می ترسند از کارهای ناروا و خواهشات نفسانی خودرا محفوظ نگهمیدارد. کسیکه به مرگ یقین دارد لذائذ دنیا را ترک می گوید.

از ابراهیم (خواص) رحمه الله در بارهٔ محبت پرسیده شد او گفت: محبت نام ایست که ختم تمام اراده وقصد است نابود کردن تمام صفات نیاز مندیها ودر دریای اشارات خواهشات خودرا غرق کردن راگویند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب دهم

عشق ومحبت

تعریف محبت: میلان طبیعت به سوی چیز مرغوب را محبت گویند. اگر این میلان افزایش یابد عشق نامیده می شود. درین کمی و زیادت می آید تاکه عاشق غلام حلقه بگوش محبوب خود می گردد مال و دولت خود را برآن قربان می کند. مثال ذلیخا رابببنید که درمحبت یوسف علیه السلام مال خوب و دولت خود را مصرف کرد گفته می شود که همرای زلیخا بار هفتاد شتر لعل وجواه بود که درعشق یوسف علیه السلام قربان کرد. هر کس که می گفت من یوسف علیه السلام در فلان جای دیدم به او یک طوق قیمتی تحفه می داد تاکه همرای شان چیزی باقی نماند به او هر کس یوسف علیه السلام معلوم می شد وبه اثر محبت زیاد هرچیز از یادش رفته بود زمانیکه به آسمان نگام می کرد درهر ستاره نام یوسف علیه السلام رامشاهده میکرد گفته می شود هنگامیکه زلیخا ایمان آورد وبا یوسف علیه السلام ازدواج کرد بدون ریاضت، عبادت وتوبه کردن کاری دیگری نداشت. زمانیکه یوسف علیه السلام زلیخا را در روز طلب می کرد او میگفت صبح می آیم یوسف علیه السلام برایش می گفت از زلیخا شمادر محبت ام دیوانه شده بودی. او برایش گفت: آن دروقتی بود که من از ماهیت محبت تان خبر نداشتم فعلاً حقیقت محبت را درک کرده ام که درمحبتم شراکت شما را تحمل کرده نمی توانم. یوسف علیه السلام فرمود: الله متعال برماحکم نموده وبرایم فرموده است که از شکم تو دوبچه تولد می شود که به هر کدام آن مرتبه پیامبری می دهد. ذلیخا گفت: اگر این حکم خداوند جل جلاله باشد و درین امر همین حکمت بوده باشد ما تسلیم هستیم. مجنون برای خودش خطاب لیلی کرد: کسی از مجنون پرسان کرد که نامت چیست؟ او گفت لیلی. یک روز کسی برایش گفت آیا لیلی مرده؟ مجنون برایش گفت: لیلی فوت نه کرده او در دلم جای دارد وهمین من لیلی هستم. مجنون در پهلوی خانه لیلی می گذشت به ستاره های آسمان دید ورفت. کسی برایش گفت پائین ببینید که شاد نظر به لیلی بافتد. ای مجنون به آسمان سیل نکو به دیوار سیل کو که شاید نظر به لیلی بیفتید. مجنون درپاسخ گفت: برایم ستاره های که بالای خانه لیلی هست کفایت می کند.

ابتداء وانتهاء محبت: زمانیکه منصور حلاج از بندیخانه هجده روز سفری نمود شبلی به سوی او رفت وازو پرسید ای منصور: محبت چه است؟ منصور برایش گفت صبح از پیشم

(c) ketabton.com: The Digital Library

بپرس(امروز پرسان نکو سبا پرسان کو) هنگامیکه صبح شد و اورا به طرف کشتارگاه برد درآنجاء منصور شبلی را دید وبرایش گفت ابتداء محبت سوختاندن وانتهاء او کشتن است.

اشاره: زمانیکه نظر حق بینانه منصور حقیقت را درک نمود که بدون ذات الله متعال هر چیز باطل است نام خودش هم از یادش رفت لذا وقتیکه از او پرسیده شد که نامت چیست؟ او درپاسخ گفت من حق هستم منتهی صدق محبت درسه چیز پدیدارمی گردد.

۱) محب سخنان محبوب خودرا از هر چیز خوش دارد.

۲) مجلس او را از تمام مجالس خوبتر می بیند.

۳) ورضا حبیب خود با رضا دیگری مقدم می شمارد.

می گوید: ۱) عشق شکل اجنبی می باشد که رازها افشاء می نمایند.

۲) وجد دروقت لذت ذکر غلبه روح از حمل کردن شوق عاجز می شود تاکه دروقت(وجد) از انسان عضو از اعضایش قطع می گردد او هیچ تکلیف را احساس نمی کند.

حکایت: یک شخص در دریای فرآت بازی می کرد پس از یک کسی شنید که این آیت شریف راتلاوت می کرد که الله تعالی می فرماید:﴿ وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٥٩﴾ [1].

ترجمه: (گفته میشود برای کافران جدا شوید امروز ای مجرمان) به شنیدن این آیت او مثل بسمل است وباز د از جهان درگذشت. محمدبن عبدالله بغدادی رحمه‌الله می گوید: ما در بصره به یک مقام بالا یک جوان رادیدم که به مردم می گفت: کسیکه می خواهد به مرگ عاشقان بمیرد (باید بمیرد) زیراکه درعشق بدون مردن چیزی دیگری نیست این کلمات راگفت وخودرا از همان انداخت. مردم که انرا بلندکرد جان داده بود. جنید می گوید: تصوف نام ترک کردن چیزهای دلخواه می باشد.

حکایت: در زهرالریاض امده که ذوالنون مصری می گوید: من یک روز درخانهٔ کعبه در آمدم که دو پهلوی ستون یک شخصی را دیدم که از سینه اش آواز گریان می آمدند من بطرفش رفتم وسلام دادم وازو پرسیدم توکیستی؟ او برایم گفت من یک عاشق مسافر هستیم به سخنانش فهمیدم من برای وی گفتم من هم مثل شما هستم او به گریان شد به سبب گریان او من هم گریان کردم او برایم گفت چرا گریان دارید؟ من برای وی گفتم زیرا که مرض من وشما یک چیز هست او یک صدا کشید و دنیا فانی راترک گفت من براو چا دری برابر کردم

---

[1] (یس ۵۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

وبخاطر کفن خریدن به بازار رفتم زمانیکه باز گشت نمودم مرده را در انجا نه یافتم از دهن ما ناگهان کلمه سبحان الله بر آمد درآن وقت یک اواز غیبی راشنیدم که می گفت: ای ذوالنون در زندگی وی شیطان درجستجوی وی بود مگر آنرا نیافت ملانکه دوزخ آنرا می پالید مگر انر نه یافت، فرشته جنت انرا دریافت نکرد من پرسیدم که او چه شد؟ مرا پاسخ داد: ﴿ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾ ﴾[1].

ترجمه: نشتند درمجلس راست نزدیک بادشاه توانا بر همه چیز).

او بر اساس عشق خود وعبادت زیاد وتعجیل توبه به حضور رب العزت رسید.

شناسائی عاشق: از یک شیخ دربارهٔ عاشق پرسیده شد او درجوابش گفت: عاشق هر وقت از مردم دور تنها درغور و فکر غرق می باشد، وقتیکه به او نظر شود به نظر نمی آید، هنگامیکه به او صدا داده شود نمی شنود، زمانیکه به او سخن گفته شود نمیداند، وقتیکه بر مصیبت و مشکلات پیش آید خسته نمی شود او دربارهٔ گرسنگی، تشنگی، وعریانی پروای ندارد از تهدید کسی ترس نمی خورد، هنگامیکه تنها می باشد به پروردگار التجا می کند با رحمت الله متعال محبت دارد، او بخاطر دنیا باسرمایه داران جنگ نمی کند ابو تراب بخشی دربارهٔ نشانه های عاشق چند اشعار گفته اند که ترجمه آن ازاین قرار است: شما اورا فریب ندهید زیرا با محبوبش دلائل وباخودش وسائل وتحائف است یک نشانه او این است که از امتحان تلخ مزه می گیرد و محبوب او هر چیز که می کند بر او خوش می باشداو از منع شدن هم عطیه است وفقر برای او زیادت عزت ونیکی عاجل است نشانه دیگری این است: که به اطاعت او یقین محکم دارد اگر کسی آنرا ملامت هم کند.

علامه دیگری این است: که همیشه درخنده می باشد اگر چه دردلش آتش محبوب خویش افروخته شده باشد.

علامه دیگری این است: که او به سخنان بزه کاران می فهمد.

علامه دیگری اینست: که تو به آن هر سخن که می گوی حفاظت کننده اش می یابید.

حکایت: عیسی علیه السلام درپهلوی یک جوان می گذشت که آبیاری باغ می نمود او از عیسی علیه السلام خواست که برایش دعا کند وبرایش گفت: که برای من دعای کند که پروردگار یک ذرهٔ از عشق اش را برایم بدهد، او فرمود: یک ذرهٔ هم بسیار است شما تحمل آنرا ندارید

---

[1] (القمر ۵۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

او برایش گفت خوب دعای نیم ذرهٔ راکنید عیسی علیه السلام به پروردگار دعا کرد یا الله به او نیم زرهٔ از عشقت بدهید واز آنجا رفت بعد از گشت وقت زیاد عیسی علیه السلام به همان راه گذشت ودربارهٔ همان جوان طالب معلومات شد مردم برایش گفت: که او دیوانه شد وبه کوهها رفت عیسی علیه السلام دعا کرد واز الله متعال خواست که با آن جوان ملاقاتش شود جوان رادید که بالای یک سنگ ایستاد است وبه آسمان می بیند، عیسی علیه السلام به او سلام داد ولی جوان جواب سلام وی را نداد عیسی علیه السلام برایش گفت: مرامی شناسید من عیسی هستم. الله متعال به عیسی علیه السلام وحی فرستاد وفرمود ای عیسی دردل کسی که نیم ذرهٔ محبت من باشد چطور می تواند که سخنان دیگری رابشنود، من به عزت وجلال خود قسم می خورم او را اگر به اره دوشق هم کنند احساس نخواهد کرد. کسیکه ادعای سه چیز رامی کند وازسه چیز خودرا نگهدار نمی کند دعوه او باطل وکاذبانه می باشد.

۱) کسیکه دعوای محبت الله متعال می کند ودرعین حال با دنیا هم محبت دارد.

۲) کسیکه به اعمال خود دعواه اخلاص دارد واز مردم خواهش عزت می کند.

۳) کسیکه دعوای محبت الله متعال می کند ونفس خویش را ذلیل وپایمال نمی سازد.

ارشاد نبوی است که: عنقریب زمانهٔ بر امت آمدنی است که با پنج چیز محبت می کند وپنج چیز را فراموش خواهد کرد.

۱) با دنیا محبت می کنید واخرت رافراموش می سازید.

۲) بامال محبت می کنید و روز حساب رافراموش می سازید.

۳) با مخلوق محبت می کنید و خالق را فراموش می کنید.

۴) باگناهان محبت می کنید وتوبه را فراموش می نماید.

۵) به خانه ها محبت می کنید وقبرها را فراموش می نماید.

منصور بن عمار به یک جوان نصیحت کرد وبرایش گفت: ای جوان شما را درفریب نیندازد. بس جوانانی بودند که توبه راتاخیر کردند وامیدهای خود را طولانی نمودند، مرگ را فراموش کردند وگفتند: صبح ویا صبح دیگر توبه می کنیم تاکه ملک الموت آمد وآنرا درقبرسیاه وتاریک داخل نمودند. الله متعال می فرمایند:﴿ يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ ﴾[1]

[1] (الشعراء، ۸۸-۸۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: در روزی که نفع ندهد مال ونه فرزند هیچ یک را مگر کسی راکه بیاید نزد خدا به دل سالم (از کفر).

ای الله پیش از مرگم توفیق توبه را اعطاء نماید وازخواب غفلت بیدارم سازید وشفاعت محمد ﷺ رانصیب من گردان واز شفاعت محمد ﷺ محروم نساز.

تعریف مؤمن این است که او هر لحظه توبه می کند وبه گناهان گذشته اش ندامت می نمایند به مال اندکی دنیوی راضی می باشد کار دنیا راترک نموده و درفکر آخرت باشد و با اخلاص کامل عبادت الله متعال به پیش می برد.

حکایت: یک منافق که بسیار بخیل بود و به زن خود گفت: که اگر شما به کسی صدقه وخیرات دادید بالای من طلاق هستید یک روز یک سایل به این طرف رو آورد وبه نام الله متعال چیزی خواست. زن منافق برایش سه نان داد. در راه همان منافق با سایل رو به رو شد واز او پرسید این نان برای تان کی داد؟ سایل به طرف خانه وی اشاره نمود وگفت زن بود دران خانه که برایم نان داد. بخیل به بیسار تیزی به خانه اش آمد وبه زنش گفت: من با تو نه گفته بودم که به کسی چیزی ندهید؟ زنش درپاسخ گفت درویش به نام الله طلب نمود ومن برایش دادم. بخیل تندور راگرم کرد به زنش گفت: به نام الله دراین تندور خودرا بیندازید. زن بلند شده وتمام زیورات خودرا گرفته طرف تندور رفت بخیل برایش گفت: زیورات راچرا درتندور می سوزانید؟ زن برایش گفت: امروز به محبوب خود ملاقات دارم وبازیورات باحسن به دربار او میروم این سخن راگفت وخود را در تندور انداخت وبخیل سر تندور را بند کرد تاسه روز آنجا بند نگهداری کرد. سه روز پس که تندور را باز کرد می بیند که به قدرت الهی صحت وسالم نشته است بخیل حیران ماند و درین اثناء یک اواز غیبی آمد وگفته: آیا به شما معلومات نیست که اتش دوستان مرا نمی سوزاند؟

ایمان آسیه رضی الله عنها: آسیه ایمان خودرا از شوهرش مخفی نگاه کرده بود هنگامیکه فرعون از ایمانش اگاه گشت حکم صادر نمود که به او عذابهای گوناگون را تا آن اندازه که امکان باشد داده شود تا که ایمان را ترک کند. مگر آسیه ثابت قدمی را اختیار نمود. فرعون میخ راخواست ودر وجود او زدند وبرایش گفت: تاهنوز هم فرصت دارید که از ایمان وعقیده ات روگردان شوید. مگر آسیه درجوابش گفت: تو بر بدن ظاهری ام قادر هستید لیکن دلم در پناه گاه پروردگار است اگر تو یک اندام مکمل مرا قطع کنید عشق ما زیادتر می شود دراین زمان موسی علیه السلام از این جای می گذشت آسیه از او پرسید! که آیا پروردگارم از من راضی

(c) ketabton.com: The Digital Library

هست یا خیر؟ موسی علیه السلام برایش گفت: فرشته های اسمانی درانتظار شما است. الله متعال به کار کردیهای شما افتخار می کند شما میخواهید حاجت تان پوره می شود. آسیه دعا کرد که: ای الله متعال دربهلوی ات برایم جنت بدهید مرا از فرعون ومظالم او نجات بدهید.

سلمان رضی الله عنه می فرماید: آسیه رضی الله عنها درگرمی سخت درافتاب عذاب داده می شد وقتیکه مردم از پیش او می رفتند فرشته ها به پرهای خود بالای او سایه می کرد او جایش را درجنت می دید ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: هنگامیکه به بدن آسیه چهارمیخ را زدند وبه سینه اش ماند آسیه به طرف آسمان نگاه کرد واین عرض راپیش کرد: ﴿ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ ﴾.

ترجمه: (ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانهٔ دربهشت).

حسن بصری می فرماید: الله متعال به برکت این دعا آسیه را از فرعون نجات داد و اورا دربهشت جای داد و درانجاه می خورد ومی نوشد.

از ازین حکایت این سخن واضح می شود که درمشکلات ومصایبی از الله متعال پناه خواستن وبه الله متعال التجا نموده کار صالحین ومسلمان است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یازدهم

دربیان اطاعت الله، محبت الله، ومحبت محمدﷺ

الله متعال می فرماید: ﴿ قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ ﴾[1]

ترجمه: (بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد شما راخدا) الله متعال برایتان رحیم وفضل نمایند. شما برین بدانید که محبت با الله متعال وبسویش اطاعت آنان اند و تعمیل حکم آنها است. محبت الله متعال با بنده گانش این است که برآنها رحیم نمایند هنگامیکه یک مرد این سخن را بپذیرد که کمالات حقیقی صرف برای الله متعال است وکمالات مخلوق هم دراصل کمالات الله متعال است واوپروردگار برایش اعطاء نموده است لذا محبت اوبه الله متعال ورسولش(محمدﷺ) اختصاص می یابد. همین امر تقاضای این حقیقت رامی کند که بنده باید اطاعت الله متعال رابجا آورد وبا احکامات او محبت نماید زیراکه به محبت نام است برای اطاعت عبادت واخلاص با الله متعال وبا متابعت رسول اللهﷺ مشروط دانسته شده است.

حسن بصری می فرماید: که بعضی از مردم به محمدﷺ عرض نمودند که ما با الله متعال محبت داریم الله متعال این آیت را برای شان نازل نمود که اتباع محمدﷺ موجب محبت خداوندﷻ است تاکه متابعت محمدﷺ صورت نگیرد محبت الله متعال حاصل نمی گردد.

چطور به بشر حافی رحمه‌الله مقام والا نصیب شان شد؟ بشر حافی رحمه‌الله می گویند من محمدﷺ درخواب دیدم مرا پرسید وفرمود: ای بشر حافی: آیا شما می دانید که خداوندﷻ چرا مقام تانران از دیگران عالی ساخت؟ من عرض نمودم. ای رسول اللهﷺ نه خیر. من نمیدانم. او درپاسخ گفت: زیراکه شما خدمت مردم نیک وصالح رامی کنید به دوستان تان نصیحت می کنید با سنت واهل سنت محبت دارید وبا اقرباء تان رویه نیک می نمائید.

ارشاد نبوی است که: کسیکه سنت من را زنده ساخت او همرای من محبت کرده وکسیکه بامن محبت نمود او به روز قیامت با ما باشد. درشرعت الاسلام واثار مشهوره آمده است زمانیکه درمذهب فتنه ها رخ دهد و در بین مردم اختلاف پدیدار گردد درین اثنا به

---

[1] (آل عمران ۰۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

سنت پیامبرﷺ عمل نمودند صواب صد نفر شهید را دارد نبی کریمﷺ فرموده اند: کسیکه متابعت مرا کرد او به جنت می رود، وکسیکه نافرمانی مرا کرد او انکار کرد. هر کدام عمل که به طریقه وراه مابرابر نباشد گناه است.

ارشاد یک عارف است که می گوید: اگر کسی درحالت پرواز کردن و یا در دربار درحالت بیبیند که بر سر آب روان می باشد ویا در درون آتش صحیح وسالم باشد اما قصداً تارک فرض الله متعال ویا تارک سنت پیامبرﷺ باشد او کاذب است دعوای محبت و ولایت او باطل است و کرامتش نبوده بلکه استدراج است یعنی کار خارق العاده که از کافر صادر شده باشد همان را استدراج گفته میشود قول جنید رحمه‌الله است که می فرمایند: بیدون متابعت سنت هر عمل باطل ونادرست است.

فرمان رسول خداوند است که: ۱) یک شخص از یک دیوانه عملی رادید که او خلاف توقع بود او نزد معروف کرخی آمد وتمام حکایت را برایش کرد کرخی رحمه الله برایش گفت: بسیار زیاد عاشقان خداوند خورد وکلان هستند بعضی شان هوشیار او بعضی دیگر دیوانه هستند که شما دیده اید عاشق دیوانه پروردگار هست.

حکایت: جنید رحمه الله می گویند: که شیخ لقطی سری رحمه الله مریض شده ما به اسباب مرض شان نفهمیدیم کسی برایم آدرس یک داکتر دانا و تجربه کار داد ماشب دریک بوتل ادرار مریض رابه داکتر بردیم. داکتر به بسیار دقت آنرا معاینه نمودند وبرایم گفت: این ادرار بوتل یک عاشق معلوم می شود. به شنیدن این سخن من بی هوش شدم وبوتل از دستم افتید من که دربازگشت سخن به داکتر به سری لقطی کردم او خنده کرد وگفت: خداوندﷻ اورا بنهساند چطور برایش معلوم شد که من دیوانه هستم؟ ما پرسیدم آیا اثرات محبت در ادرار هم می باشد.

قول فضیل است که می گویند: اگر کسی از تو پرسان کرد که با خداوندﷻ محبت دارید شما سکون را اختیار کنید اگر این قول را نفی کنی کافر می شوید واگر اعتراف به اثباتش کنید در تو کدام عمل وحرکت عاشقان دیده نمی شود پس برای تو مناسب است که درحالتی خاموشی خود را از نارضایتی محفوظ نگا دارید.

سفیان رحمه الله می فرمایند: کسیکه با دوستان الله متعال دوستی کند و با احترام کننده گان الله متعال احترام کند او درحقیقت احترام الله متعال را بجاء آورده است.

سهیل می گویند: علامه بزرگ محبت با الله متعال محبت با قرآن کریم است نشانهٔ محبت

(c) ketabton.com: The Digital Library

با الله متعال وقرآنکریم علامه محبت با محمدﷺ است وعلامه محبت با محمدﷺ محبت کردن با سنت او است وعلامه محبت با سنت محبت کردن با آخرت است. وعلامه محبت با آخرت علامه بغض با دنیا می باشد. وعلامهٔ بغض با دنیا قناعت کردن باچیزی کم واندکی می باشد بخاطر آخرت مصرف کردن دنیا بدست می آید.

حسن زنجانی می گوید: اساس عبادت سه چیز می باشد: چشم. دل. زبان. چشم برای عبرت. دل برای دقت. وغور فکر زبان برای ذکر الله متعال و راست گفتن همچنان ارشاد الهی است: ﴿ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ [1].

ترجمه: (یاد کنید خدا را یا دکردن بسیار وبه پاکی بخوانید او را صبح وشام).

حکایت: عبدالله واحمد بن حرب با هم بجانی رفتند. احمد بن حرب درآنجا یک دسته گیاه خشک را درو کردند عبدالله بن احمد بن حرب گفت: به شما پنج حاصل شد به این کار تو دلت از ذکر ا لله متعال غافل شد نفست بدون ذکر الله متعال به کارهای دیگر مشغول کردی توبرای خودت راه راتیارنمودی که او به تعقیب تان می رود. تو آنرا از تسبیح الله متعال سدود کردی ودر روز قیامت به نفس خود یک دلیل داری.

شیخ سری لقطی رحمه الله علیه گفت اند: ما نزد شیخ جرجانی (ستوان) میده شده رادیدم واز او پرسیدم شما بدون ستوان چیزی دیگر رانمی خورید؟ او درپاسخ گفت: درخوردن وتیار کردن نان از پیش ما هفتاد بار تسبیح می شود که این نقصان او هست از چهل سال به اینطرف من نان نخوردم تاکه از من تسبیحات نماند.

سهل بن عبدالله درپانزده روز یک بار نان می خورد وهنگامیکه ماه مبارک رمضان داخل می شد باز یک بار نان می خورد و دربعضی اوقات درهفتاد روز نان نمی خورد زمانیکه او نان خوردنی دیگر رامی خورد ضعیف می شد ودرنخوردن وگرسنه بودن قوی می گردید.

ابو حماد الاسود سی سال مجاور کعبه بود هیچ کسی اورا درحالت خوردن ندیده وبرای یک لحظهٔ هم از ذکر الله متعال غافل نمی ماند.

حکایت: عمرو بن عبیدالله رحمه الله علیه بدون سه کار دیگر از خانه خارج نمی شد برای نماز جمعه. زیارت مریض. وشرکت درجنازه. اومی گفت: ما مردم را دزد و راهزن را دیده ام عمر یک جوهری است که قیمت او معلوم نمی گردد لذا سزاوار است که به همین ذخیرهٔ

---

[1] (الأحزاب ٤١-٤٢)

(c) ketabton.com: The Digital Library

آخرت ساخته شود به طالب آخرت لازم است که در دنیا ریاضت نماید تاکه ظاهر وباطن او برابر گردد زیراکه بدون کنترول ظاهر باطن تسلط یافتن محال است.

شبلی فرموده اند در روز های اول ریاضت که برایم خوب می آید درچشمانم سرمه نمک می انداختم وزمانیکه از زیادت خواب به تنگ می آمدم (سلائی) گرم رابه چشمانم می کردم ابراهیم بن حاکم می گوید: هنگامیکه به پدرم خواب می آمد به دریا می رفت و در آنجا ذکر الله متعال رامی کرد به شنیدن تسبیح او ماهی ها جمع می شدند تسبیح می گفتند.

وهب بن منبه رحمه الله علیه به الله متعال دعا کرد که خواب شبم ختم شود الله متعال دعاء اش پذیر فت وبراو تا چهل سال خواب نیامد وتمام عمر درعبادت الله معال سپری نمود.

حسن صلاح بدن خود را از بجلک پا تا رانها سیزده جای به زنجیر بسته کرده بود و در این حالت دریک شب یکهزار رکعت نماز می خواند.

جنید بغدادی در روزهای اول به بازار می رفت و در روی دکان خود پرده رامی آویخت و در درون دکان چهار صد رکعت نفل می خواند وباز به خانه می آمد.

حبشی بن داود تاچهل سال به وضوء خفتن نماز صبح را اداء نموده. لذا به هر مسلمان لازم که با وضوء باشد زمانیکه بی وضوء می شود باید فوراً وضو نموده و دورکعت نماز را بخواند و در هر مجلس روبه قبله بنشیند به حضور کامل ومراقبه درد تصور نماید که او روبروی پیامبرﷺ نشسته تحمل وبردباری برای خویش لازم بگرداند. مشکلات راتحمل شود ولی جواب بدی به بدی ندهد از گناهایش استغفار بخواهد نه به خودبینی وریا نزدیک نشود. زیرا که خودبینی عمل شیطان است کم خورد وبه مردم نیک وصالح به نظر احترام ببیند. کسیکه احترام دیگران را نکند الله متعال او از مجلس ایشان محروم می سازید شخص که حرمت وعظمت عبادت را نشناسد الله متعال از دلش لذت عبادت را دور می سازد.

از فضیل بن عیاض پرسیده شد که چه وقت انسان صالح میگردد؟ گفت: زمانیکه درنیت او نصیحت. در دل او خوف وترس، به زبان او راستگوئی و از اعطاء بدن او اعمال نیک وصالح صادر گردد همان وقت صالح پنداشته میشود.

درشب معراج الله متعال به محمدﷺ فرمودند: ای محمدﷺ اگر میخواهی که از تمام مردم دنیا پرهیزگار باشید از دنیا بی رغبتی وبا آخرت رغبت نمائید. پیامبرﷺ عرض نمود. با دنیا بی رغبتی چطورمی باشد؟ الله متعال فرمودند: از مال دنیا به اندازهٔ ضرورت استفاده نماید وبرای صبح ذخیره نکنید. ذکر مرا کنید. محمدﷺ پرسید به ذکر چطور تداوم نمائیم؟ برایش

(c) ketabton.com: The Digital Library

هدایت نمودند. از مردم دوری کنید. نماز وگرسنگی طعام خود بگردانید.

پیامبرﷺ فرموده اند: دوری کردن از دنیا تازه گی روح وبدن است ونزدیک شدن با دنیا فکر کردن وغمگینی را زیاد می کند. محبت با دنیا سرچشمه تمام گندگی است و دوری کردن ازآن اساس خیر وبرکت است.

علاج دل بیمار (مریض): یک شخص صالح از پهلوی مجموعه مردم عبور کرد انجا یک داکتر از امراض و دوای آن سخن می گفت: جوان صالح از او پرسید. ای داکتر جسم ها آیا به شما علاج دلها هم است؟ او گفت: بلی بگو مرض دل تان چیست؟ جوان نیک گفت: سیاهی گناهان دلم سخت گردانیده. داکتر برایش گفت: علاج او صبح شام گریان. فریاد. استغفار و در اطاعت الله متعال کوشش کردن واز گناهان خود معذرت خواستن است. دوا این بیماری(مریضی) همین است وشفا در دست الله متعال است. جوان صالح به شنیدن این سخنها بی هوش شد وگفت: راستی که تو طبیب خوب هستی برایم علاج خوب رانشان دهی نمودی طبیب گفت: این علاج دلی است که توبه کرده باشد ودرپیشگاه الله متعال حاضر شده باشد.

خدمت دوبا دار: یک شخص غلامی راخرید. غلام گفت: ای سید من ای بادار من: من سه شرط دارم: اول اینکه وقت نماز بیاید مرا از نماز منع نکنید. دوم: در روز هر چه خدمت باشد من پوره می کنم لیکن درشب مرا بگذارید. سوم: برایم یک اطاق بدهید که بدون من کسی دیگری درآنجا نباشد. ملک هر سه شرط آنرا پذیرفت وبرایش گفت: درخانه برای خودت اطاق بگیرید. غلام یک اطاق خراب و ادنی برایش انتخاب نمود. مالک برایش گفت: این اطاق خراب چرا انتخاب نمودید؟ غلام برایش گفت: ای بادار عزیز این اطاق خراب در نزد الله متعال مثال چمنستان است او در روز خدمت بادارش می کرد و در شب عبادت خداوند ﷻ را بجا می کرد یک شب بادارش از نزد اطاق او عبور می کرد دید که اطاق روشن است وغلام بسجده افتیده است وبر سر او یک قندیل نورانی آویزان است واوبه فریاد وگریان می گوید: ای الله متعال تو برمن خدمت بادارم واجب کردی اگر او بر عهده نداشتم من شب و روز عبادت ترا میکردم. ای الله عذر در درگاه ات بپذیر مالکش تمام شب به عبادت او می دید تاکه صبح شد قندیل خاموش گشت سقف اطاق بحالت سابقه اش درآمد. اوبه خانه اش برگشت وتمام قصه را به زنش کرد با فرا رسیدن شب دومی همرای زنش آمد. دید که غلامش به سجده افتیده است وقندیل نورانی آویزان بود آنها در دروازه ایستاد شدند. وتمام شب به عبادت او می دید وگریان می کرد هنگامیکه صبح شد غلامش راخواست وبه او گفت: ما ترا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بخاطر رضای الله متعال ازاد ساختم. تاکه به فراغت کامل الله متعال رابجا آوری غلام دستهای خود طرف آسمان بلند کرد وگفت:

یاصاحبَ السِرِّ قد ظهرا ولا أرید حیاتی بعدما اشتهرا

ترجمه: ای مالک راز: راز (سرم) افشاء گردید، وپس از این من زندگی نمی خواهم. باز گفت: ای الله متعال مرا بمیران واین راگفت وبر زمین افتید وجان رابه جان آفرین سپارید.

به راستی که حالت صالح واقعی عاشق وطلبکار الله متعال به همین منوال می باشد.

فرمایشی یک دوست موسی علیه السلام به او:

در زهر الریاض آمده که یک دوست مهربان موسی علیه السلام بود یک روز او به موسی علیه السلام گفت: ای موسی برایم دعا کنید که الله متعال برایم همرای نصیب فرماید. الله متعال دعا او پذیرفت. او شخص از آبادی به کوههای رفت و در اینجا باحیوانان زندگی را اختیار نمود. زمانیکه موسی علیه السلام اورا ندید به الله متعال التجا نمود که دوست من چه شد؟

الله متعال بر او فرمود: ای موسی کسیکه مرا بمعنی صحیح بشناسد او دوستی از مخلوق هیچ وقت خوش ندارد او باتو و مخلوق دیگر دوستی خویش راقطع می نماید.

درحدیث شریف امده است: حضرت عیسی علیه السلام ویحیی علیه السلام هر دوی آنان یکجا به بازار روان بودند یک زن به زور آنان را از راه دور کردند. یحیی علیه السلام فرمودند: به الله متعال قسم یاد می کنم که مابر او هیچ نفهمیدم. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای بچه خالهٔ اگر به اندازه یک لحظه هم دلم از الله متعال جدا شود من می فهمم که پروردگارم نشاخته ام.

گفته شده که معرفت صادق این است که انسان دُنیا و آخرت راترک گوید وصرف برای یک الله متعال شود واینطور شراب محبت بنوشد که بدون دیدار الله متعال به چیزی دیگری به هوش نیاید همین طور شخصی معرفت یافته است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب دوازدهم

شیطان وعذاب او

الله متعال می فرمایند: ﴿ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: (پس اگر روی گردانیدند پس (هرآئینه) خدا دوست ندارد کافران را)

اگر شما از اطاعت الله متعال ورسولش اعراض نمائید الله متعال شمارا عفو نمی کند ونه توبه تانرا قبول می کند طوریکه توبه شیطان به سبب تکبر وکفر مورد پذیرش قرار نگرفته وتوبه آدم علیه السلام به سبب ندامت واعتراف به خطای خود قبول گردید طبق قول صحیح آدم علیه السلام حقیقتاً مرتکب کدام گناه نشده بود زیرا که پیامبران علیهم السلام پیش از نبوت وبعد از او از هر نوع گناه معصوم هستند لیکن صورت وشکل این کار طوری گناه بود از آدم علیه السلام به پروردگار عرض نمود ﴿ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ ﴾[2].

ترجمه: (ای پروردگار ما ستم کردیم برنفسهای خود واگر نیامرزی ومهربانی نکنی بر ما البته میباشیم از زیان کاران).

آدم علیه السلام به خطای خود خفه وپریشان شد امید رحمت پروردگار را کرد و در توبه نمودن عجله کرد از الله متعال نا امید نشد. چنانچه الله متعال می فرمایند: ﴿ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ﴿٥٣﴾ ﴾[3].

ترجمه: (نا امید مشوید از مهربانی الله).

لیکن شیطان خطای خود رانه پذیرفت وتوبه نکرد وبه اساس تکبر از رحمت پروردگار نا امید شد امروز هم کیفیت کسیکه مثل شیطان باشد توبه را پذیرفته نمی شود وکسیکه به نفس قدم آدم علیه السلام رفتار کند توبه اوقبول خواهد شد زیرا هر گناهی که با خواهشات تعلق دارد مغفرت وعفو ممکن است وگناهی که به تکبر و خودِ بینی تعلق دارد عفو او نا ممکن است غلطی شیطان همین بود ولی غلطی آدم علیه السلام از خواهش نفس بود.

---

[1] (آل عمران ۳۲)

[2] (الأعراف ۲۳)

[3] (الزمر ۵۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکایت: یک شیطان به سوی موسی علیه السلام آمد وبر او گفت: شما پیامبر الله متعال هستید وبه شما سخن می گوید موسی علیه السلام فرمود: بلی همین طور است. شما کیستی وچه می خواهید او گفت من شیطان هستم به الله متعال بگوید: که مخلوق تان خواست پذیرش توبه خود دارد. الله متعال به موسی علیه السلام وحی فرستاد که به او بگوئید: که الله متعال توبه تانرا به این شرط پذیرفت که به قبر آدم علیه السلام سجده کنید هنگامیکه سجده نمودید توبه تانرا قبول خواهم کرد وگناهای تانرا عفو می نمایم. زمانیکه موسی علیه السلام به شیطان همین سخن راگفت شیطان از قهر سرخ گشت وبه بسیار تکبر گفتند: ای موسی علیه السلام ما در جنت به آدم علیه السلام سجده نکردم وحالاً به قبر او چطور سجده کنم؟

روایت است درجهنم به شیطان عذاب سخت داده خواهد شد و از او پرسیده خواهد شد که چطور عذاب است؟ او درجواب بگوید: بسیار سخت است. به ا و گفته می شود: که آدم علیه السلام درجنت است بروید به اوسجده کنید از تکبر خود صرف نظر کنید وبه اعمال بد تان ندامت کنید تاکه برای تان عفو صورت گیرد. لیکن شیطان باز هم از سجده کردن انکار می کند وپس ازین به او هفتاد از جهنمیان دیگر زیادتر عذاب داده می شود. دریک روایت آمده است که الله متعال هرّ دفعه بعد از یک سال شیطان را از دوزخ بیرون می کند وبرایش امر سجده کردن به آدم علیه السلام می نماید مگر او بدبخت انکار می کند وپس به جهنم انداخته می شود. اگر از ابلیس راه نجات یافتن را دارید، دامن رب کریم رابگیرید وپناه از پیش او طلب نمائید. هنگامیکه روز قیامت بیاید به شیطان چوکی آتش مانده شود ومی نشنید تمام شیاطین وکفار درآنی جمع می گردد شیطان به اواز خر به دوزخیان می گوید: وعده پروردگار را چطور نظر نمودید. تمام آنها می گویند: بالکل به صداقت راستی شیطان باز می گوید: من امروز از رحمت الله متعال ناامیدشده ام دراین اثناء از طرف الله متعال به فرشته ها حکم داده می شود که: به پیروان وتابعداران شیطان گذرهای اتشین را استعمال نمائید. به او هیچ وقت حکم خارج شدن ازاینجاه داده نمی شود و تا ابد دراینجاه باقی خواهد ماند.

دریک روایت آمد که شیطان در روز قیامت حاضر خواهد شدّ ودر گردنش طوق لعنت می باشد وبه چوکی اتش شانده می شود. الله متعال به فرشته های جهنم حکم می دهد که چوکی او درجهنم بینداز ولی آنها به کوشش کردن زیاد این چیز راکرده نمی تواند باز به جبرائیل علیه السلام همرای هشتاد هزار فرشته حکم داده می شود آینها ازین کار عاجز می شوند. ما زحکم الله متعال صادر می شود که اگر فرشته های خلق کرده شده من دوچند آن هم بیائید این

(c) ketabton.com: The Digital Library

کار را کرده نمی تواند زیراکه درگردن اوطوق لعنت اویخته شده است به سبب ثقل آن ازین جا حرکت نمی کند.

نام شیطان دراسمانهای مختلف: نام شیطان دراسمان ا ول عابد، در آسمان دوم زاهد، در آسمان سوم عارف، در آسمان چهارم ولی، در آسمان پنجم متقی، در آسمان ششم عزازیل، و در لوح محفوظ ابلیس است او از عاقبت وانجام خود فکر نداشت. هنگامیکه به او امر سجده کردن به آدمؑ صادر شد اوگفت: ای الله تو او را برمن فضیلت دادی، من از او بهتر هستم، من را از آتش و او را از خاک خلق نمودید، الله متعال فرمودند: چیزیکه بخواهم انرا می کنم، شیطان خود را از آدمؑ بهتر دانست وبه سبب تکبر روی خود را از آدمؑ تابید وقتیکه فرشته ها به آدمؑ سجده نمودید دیدند که شیطان سجده نکرده آنها دوباره سجده شکر کردند لیکن شیطان همچنان به تکبر ایستاده بود وبه کردن این کار ندامت نکرد.

الله متعال او را مسخ کرد به شکل خنزیر گردانید و سرش مثل شتر گردید سینه اش سینهٔ ماهی شتر واری بینی و پیشانی او به طوری شادی چشمانش برآمدگی، بینی اش مثل جام خلیفه سلمان گردید، لبانش لبهای گاو ماده شد، دندانهای او مثل دندانهای خنزیر وریشش صرف هفت تار مانده بود، به همین شکل از جنت به دوزخ انداخته شد او به اساس کفر خود در زمین خفیه گشت گذار دارد وتا روز قیامت بالای آن لعنت خواهد بود شیطان چطور خوش قواره، کثیرالعلم، کثیرالعبادات، سردار ملائکه وکلان مقربین بود، مگر هیچ ازینها برایش سود نکرد، وسبب تکبر خود مستحق عضب ولعنت الله متعال گشت، که درین واقعه به مردم عاقل جای عبرت است.

دریک روایت است وقتیکه الله متعال قهر وغضب خود را بالای ابلیس نازل کرد جبریل ومیکائیل به گریان اغاز کرد، الله متعال برایشان فرمودند، چرا گریان میکنید؟ آنها عرض نمودند: یا الله ما از ترس گرفتن تان گریان می نمایم الله متعال فرمودند: همین طور از گرفتن ماهر وقت گریان کنید.

غلبه شیطان بر اولاد آدمؑ:

شیطان به الله متعال گفت: ای الله مرا به سبب آدمؑ از بهشت بیرون نمودید حالاً به اولاد او برایم غلبه بدهید الله متعال فرمود: ما برایت بدون انبیاء علیهم السلام به تمام انسانها غلبه دادم. شیطان گفت: دیگر هم غلبه بدهید، الله متعال برایش فرمود: بدون خودت تمام لشکرهای پیاده سوار را طلب کنید وبه همکاری او به حاصل نمودن مالهای حرام اماده سازید

(c) ketabton.com: The Digital Library

و در روزهای حیض به ا ساس مجامعت اولادهای حرام بدهید. وسایل حرام برایشان مهیا سازید. وبرایشان تعلیم شرکی بدهید مثل عبدالعزی وغیره و آنها به وسیله سخنهای نادرست. اعمال نا شایسته ومذاهب غلط گمراه سازید. وبر آنها امید های دروغین وکاذبانه بدهید مثل شفاعت معبودهای باطل. فخر کردن به کرامتهای آباء واجداد شان. وبه واسیطهٔ امیدهای طولانی تاخیر کردن درتوبه وغیره تمام این چیزها بطور تهدید بودند. مثل فرمان الهی است:﴿ اِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ ﴾[1].

ترجمه: (بطور تهدید به آنها گفته شود: بکنید هرچه میخواهید)

آدم علیه السلام عرض نمود: ای الله: بالای اولاد من ابلیس را مسلط گردانیدید واز نجات یافتن بدون رحمت تان ناممکن می باشد. الله متعال فرمودند: من هرکدام از اولادهای تان یک یک فرشته می فرستم. آدم علیه السلام فرمود: کمک دیگری هم ضرورت دارد که همرایشان باشد. الله متعال فرمودند: ثواب یک نیکی به ده آن می دهم. آدم علیه السلام عرض کرد: دیگر هم بدهید. الله متعال فرمود: تالحظهٔ اخری زندگی اش توبه انان راقبول خواهم کرد. آدم علیه السلام عرض کرد: دیگری هم بدهید. الله متعال فرمودند: برای آنها مغفرت و بخشش عام می سازم من بی نیاز هستم. آدم علیه السلام فرمود: ای رب همین کفایت می کند.

شیطان گفت: ای الله متعال: تو در اولاد آدم پیامبر خلق کردی برآنها کتابها را نازل کردید پیامبر وکتاب من کی خواهد بود؟ درپاسخ گفته شد: کهان رسول تان باشد. وشم کتاب تان باشد. دروغ حدیث(سخن) تان باشد. شعر قرآن تان ساز و سرود مؤذن تان باشد. بازار مسجد تان باشد. حمام خانه تان باشد. نانیکه بر او نام ما خوانده نشود طعام تان. مواد نشئی شراب تان. زنها دام تان باشد.

---

[1] (فصلت ۴۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سیزدهم

امـــانت

فرمان الهی است:﴿ إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا ﴿٧٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: (هرانینه پیش کردیم امانت برآسمانها وزمین وبرکوها پس قبول نکردند که بردارند آنرا وترسیدن از آن).

درین آیت مبارک معنای امانت آن عبادات وفرائض است که به بجا آوردن وترک کردن آن ثواب وعقاب مرتب می گردد امام قرطبی می گوید: امانت نام تمام شرائط وعبادات دین است واین قول علماء جمهور است ولی درتفصیل آن چیزی اختلاف وجود دارد. ابن مسعودﷺ می فرماید: این امانت مال است مثلیکه مال امانت مانده باشد.

و از اوﷺ این روایت هم است: درفرائض از همه مهتر امانت است.

قول ابوالدرداءﷺ است می فرماید غسل کردن از جنابت امانت است. قول ابن عمرﷺ است که می فرمایند: از همه اولتر الله متعال شرمگاه انسان راپیدانموده وفرمودند: این امانت است که برایت می دهم. او از بی راهی وبدی حفاظت کن اگر تو حفاظت اورا کردی من حفاظت ترا می کنم لذا شرمگاه امانت است گوش امانت است. زبان امانت است. شکم امانت است. دستها وپاها امانت هستند. وکسیکه به امانت اهتمام وتوجه نمی کند در آن ایمان نیست.

قول حسنﷺ است که می فرمایند: هنگامیکه امانت به کوهها. اسمانها. وزمین ها پیش کرده شد تمام اینها وچیزی که درآن بود مضطرب شدند. الله متعال برای شان فرمودند: اگر شما عمل نیک را انجام دهید به شما اجر داده می شود واگر عمل بد کردید به شما عذاب خواهم داد آنها از بالاکردن امانت انکار کردند.

مجاهد می فرماید: وقتیکه الله متعال آدمﷺ راپیدا نمود به او امانت راپیش کرد وهمین سخن برایش گفت او آنرا پذیرفت وگفت: که من این بار امانت راحمل خواهم نمود.

این در ذهن تان بیگیرید که به زمین. آسمان. کوهها در قبول کردن ویا رد کردن امانت اختیار داده شده بود وآنها مجبور نساخته بودند اگر بر آنها امر قبول شدن حکم می شد باز آنها

---

[1] (الأحزاب ۷۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

انکار کرده نمیتوانست.

قفال ودیگران می گویند: درین آیت مبارک یک مثال عرض داده شده که اگر بر زمین، آسمان وکوهها با وجود همین جسامت قوی مسئولیت احکام شریعت لازم می شد، از نگاه داد، عذاب وثواب برآنها بسیار سنگین تمام می شد مگر انسان آنرا پذیرفت.

الله متعال می فرمایند: ﴿ وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَٰنُ ﴾[1]. (به آدم علیه السلام این امانت درآن زمان تقدیم شد که اولاد شان به شکل مرچه سرخ از پشت اوبیرون شده بودند آدم علیه السلام این امانت را پذیرفت طوریکه الله متعال می فرماید:﴿ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴾[2].

ابن عباس رضی الله عنه می فرمایند: این امانت به آدم علیه السلام تقدیم شد وبر او امر کرد که بطور کامل بپذیرد.

اگر اطاعت کردی تراخواهم عفو کنم واگر نافرمانی کردی عذاب خواهم داد آدم علیه السلام عرض کرد: یا الله ما این رابه طور مکمل قبول کردم. از همان روز از دیگر تاشب گذشته نبود که آدم علیه السلام از درخت ممنوع شده خورد. الله متعال بر او رحمت کرد.

آدم علیه السلام توبه نمود وبه راه درست روان شد.

معنای امانت:

امانت از ایمان مشتق است کسیکه حفاظت امانت می کند الله متعال حفاظت ایمان اورا میکند ارشاد مبارک نبی صلی الله علیه وسلم است که می فرماید: آن شخص ایمان ندارد که به امانت اهتمام نمی کند و آن شخص دین ندارد که به وعده خود وفا نمی کند. یک شاعر گفته اند:

تَبّاً لمن رضی الخیانة مُهیعاً ... و ازْوَرَّ عن صَوْنِ الأمانة جانبُه

رَفَضَ الدیانة والمروءة فاغتدی ... تتری علیه من الزمان مصائبُه

ترجمه: الله متعال آن شخص راتباه کند که خیانت راپناه گاه خود سازد واز حفاظت امانت خود را می کشد او دیانت ومروت راترک کرد ومصائب ومشکلات مسلسل بر او آمد.

اخْلِقْ بمن رضی الخیانة شیمةً ... أن لا یُری إلا صریع حوادث

ما زالت الأرزاءُ ینزل بؤسُها ... أبداً بغادرِ ذمّة أو ماکث

---

[1] (الأحزاب ۷۲)

[2] (الأحزاب ۷۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

یک شاعر دیگر می گوید:

کسیکه خیانت را خصلت خود بگرداند او قابل این است که شکار مشکلات زندگی گردد شخصیکه وعده خلافی می نمایند بر او سخن ومشکلات می آید مانند باران.

رسول الله ﷺ فرموده اند: امت من تازمانی درمنفعت وبهره مندی خواهد بود تاکه مال امانت را غنیمت ومال صدقه(خیرات) راتاوان محسوس نکنید.

رسول الله ﷺ می فرماید: کسیکه ترا امین شمرد امانت بر او برگردان وکسیکه با تو خیانت می کند با او خیانت نکنید این حدیث بخاری ومسلم روایت کرده است.

از نشانه های منافق این است: هنگامیکه سخن می گوید دروغ می گوید دروعدهٔ وفا نمی کند. در امانت خیانت می کند، یعنی اگر کسی اورا امین کدام سخن بگیرد او رانگهداری نمی کند در مردم اورا افشاء می کند یا کدام مال که مردم برایش مانده باشد از دادن او انکار می کند. و اورا نمی دهد. یا درکار خود خیانت می کند وبه طریقه احسن انجام نمی دهد وغیره.

حفاظت امانت صفت فشته های مقرب، پیامبران ومردم نیک وصالح می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا ﴾[1].

ترجمه: (هرآئینه خدا امر میکند به شما که اداء کنید امانتها رابه اهل آن . مفسرین حضرات می فرمائید: در این آیت شریف بسیار احکام شرعی موجود است این خطاب بطور عام به همه والیان. خاکمان ومسئولین دیگری دولتی می باشد زیرا به والیان سزاوار است که با مظلومان انصاف نمایند از اشکار شدن حق باید چشم پوش نکند زیرا که این عمل به آنها خیانت است بطور عموم باید از اموال تمام مسلمانان ویتیمان بطور خصوصی حفاظت شود.

به علمائن کرام لازم است که به مردم تعلیم علوم دینی و احکام انرا بیاموزاند زیراکه علماء عهد بالاکردن این بار ثقیل رانموده اند برای پدر لازم است که اولاد شان رویه نیک نمایند وبه او تعلیم صحیح بدهد زیرا که اولاد با او امانت است.

پیامبر ﷺ فرموده اند: (کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته) ترجمه: (هر کدام تان حاکم است وهر یکی تان جواب دهنده رعیت خود است).

در زهر الریاض آمده است که روز قیامت یک شخص پیش الله متعال آورده می شود الله متعال برایش می فرمایند: آیا تو امانت فلان شخص را دادی. بنده عرض می کند: نه خیر. الله

---

[1] (النساء ۵۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

متعال به فرشته ها امر می نماید: که این شخص را به جهنم بیندازید او همان امانت را دربیخ جهنم ببیند و او به طرف همان امانت حرکت کند هفتاد سال بعد به انجام مواصلت می ورزد وآن امانت راگرفته وقتیکه به لب جهنم برسد پایش لرزه کند و دوباره پائین انداخته شود به همین منوال او پائین بالا می شود. تاکه به شفاعت محمدﷺ نجات می یابد ومالک (صاحب امانت) از او رضا می شود. بدون قرض دیگر تمام گناهان او بخشیده می شود. ام سلمه رضی الله عنها می فرمایند: ما درخدمت پیامبرﷺ حاضر بودیم که یک جنازه آورده شد تاکه براو نماز جنازه خوانده شود. نبیﷺ پرسان کرد که بالایش کسی قرض دارد؟ عرض شد بلی هست. پیامبرﷺ فرمود: آیا چیزی میراث ازو مانده است؟ عرض که از او سه دینار مانده است. محمدﷺ بالای او نماز خواند. یک جنازه دیگری آورده شد. محمدﷺ فرمودند: آیا بالای او کسي قرض دارد؟ عرض شد بلی: ای رسول اللهﷺ کسی بالایش قرض ندارد. محمدﷺ بر او نماز جنازه خواند. پیامبرﷺ فرمودند: آیا بالای او قرض هست؟ صحابه کرام عرض کردند بلی بالای این مردم قرض دارند. پیامبرﷺ فرمودند: آیا پشت سر شان چیزی گذاشته اند؟ اصحاب عرض کرد یا رسول اللهﷺ هیچ چیز از او نمانده. محمدﷺ به صحابه کرام فرمدند شما بر او نماز بخوانید و خودش بر وی نماز نخواند.

قتادهﷺ می فرمایند: یک جوان از نبی کریمﷺ پرسید: اگر من در راه الله متعال شاکر صابر به امید ایمان وثواب شهید شوم. آیا الله متعال گناهانم عفو می کند؟ پیامبرﷺ فرمودند: بلی. زمانیکه جوان از پیش وی ﷺ مرخص شدند او ﷺ صدا کرد وبرایش گفت: الله متعال بدون قرض دیگر تمام گناهان تان می بخشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهاردهم

خضوع و خشوع در نماز

ارشاد الله متعال است: ﴿ قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ ۝١ ٱلَّذِينَ هُمْ فِى صَلَاتِهِمْ خَٰشِعُونَ ۝٢ ﴾[1].

ترجمه: (هرائینه به مقصود رسیدند مؤمنان آنانکه ایشان درنماز خود فروتنی کنندگان اند)

علماء کرام فرموده اند: که خشوع به دومعنی استعمال می گردد. بعضی از علماء آنرا دراعمال محسوب نموده مثل: ترسیدن، انبساط وغیره، وبعضی از علماء این را درافعال ظاهری شمرده مثال به اطمئنان ایستاده شده از غفلت (بی فکری) خود داری کردن. درمعنای خشوع یک اختلاف دیگری هم است که این درفرائض نماز است یا درفضایل او؟ کسیکه این به حساب به ذیل استدلال می نمایند: درحدیث شریف آمده است (لیس للعبد من صلاته الا ما عقل).

ترجمه: نماز یک بنده مسلمان تا آن زمان صحیح نمی شود که برآن خوب نفهمیده باشد.

الله متعال می فرمایند: ﴿ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ ۝٢٠٥ ﴾[2].

ترجمه: (ومباش از غافلان)

آنها به استثناء این دلایل گفته اند که خشوع د رنماز فرض است.

امام بیهقی از محمد بن سیرین روایت کرده که: هنگامیکه محمدﷺ نماز می خواند به طرف آسمان نظر می کرد بعداً این ایه شریف نازل گردید: امام عبدالرزاق درین روایت زیادت نموده گفته اند وقتیکه به محمدﷺ حکم خشوع داده شد باز به عوض آسمان به طرف زمین به جای سجده اش نظر می کرد. حاکم و بیهقی از حضرت ابوهریرهؓ روایت نموده که نبی کریمﷺ سرخود را پائین کرد وبه زمین می دیدند. حضرت حسنؓ گفته اند.

که حدیث پیامبرﷺ که فرموده اند: مثال نماز های پنجگانه طوری است که پیش روی خانه یکی تان جوی آب زیاد باشد و او درین جوی پنج دفعه غسل می نماید آیا دربدنش کدام نجاست وکثافت باقی خواهد ماند؟ لذا هنگامیکه نماز به خشوع وخضوع خوانده شود انسان بدون گناهان کبیره از تمام گناهانشان پاک خواهد شد. بدون خشوع کردن نماز قبول نمی گردد حدیث نبی کریمﷺ است که فرموده: کسیکه دو رکعت نماز خواند و دردلش فکر (خیال) دنیایی نیامد گناهان سابقه اش بخشیده خواهد شد؟ فرمان نبی کریمﷺ است که

---

[1] (المؤمنون ۰۰۱-۰۰۲)

[2] (الأعراف ۲۰۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرموده اند: فرضیت نماز حکم حج طواف ومناسک دیگری حج برای یاد کردن (ذکر) الله متعال است. و دروقت اداء نمودن این مناسک اگر در دل بخاطر ذکر الله متعال هیبت وعظمت نباشد پس اداء نمودن این عبادت کدام قدر و قیمت ندارد. ارشاد نبوی است هرنماز که انسان را از فحش واعمال زشت وگردان نکند(نجات دهد) او از الله متعال دور خواهد شد عبدالله بن بکر می گوید: ای انسان اگر می خواهید درحضور مالک تان بدون اذن وترجمان حاضرشوید درپیش او داخل شوید. پرسان شد که این کار چطور می شود؟ او گفت: وضوء کامل نمائید وبه مسجد بروید همین دربار الله متعال است وبدون ترجمان به الله متعال سخن بگوید.

عائشه رضی الله عنها می فرمایند: که ما ومحمدﷺ درمیان خود گفتگو می کردیم ووقت نماز که می رسید از عظمت پروردگار به حالتی رو رو می شدیم که ما با هم هیچ شناخت نداریم درحدیث مبارک پیامبرﷺ است می فرمایند: الله متعال به نماز کسی نمی بیند که دلش همرای بدن او درعبادت شامل نباشد. زمانیکه ابراهیمؑ برای نماز ایستاد می شد. از فاصله دور حرکت دلش شنیده می شد ومی گوید: هنگامکه سعید رحمه‌الله به نماز ایستاد می شد اشک چشمانش بالای ریش مبارک او می چکید نبی کریمﷺ مردی را دید که درحالت نماز خواندن باریش خود بازی می کرد. پیامبرﷺ فرمودند: اگر دردلش خشوع می بود اعضاء اش پرسکون می بود. نماز علیؓ: زمانیکه وقت نماز می رسید رنگ علیؓ تغیر می کرد وبه او لرزه می آمد. از او پرسیده شد ای به تو چه حالت می آید؟ او فرمود: وقت او امانت پروردگار رسیده است که آسمان زمین و کوهها پیش شده بود و آینها از حمل او معذرت خواسته بود وما آن امانت راپذیرفتیم.

روایت است که وقتیکه علی بن حسینؓ وضوء می کرد رنگ اش تغیر می کرد زنش پرسید: درین وقت برای تو چرا این حالت می آید؟ او در پاسخ گفت: آیا شما نمی دانید که درحضور کی امادگی ایستاد شدن رامی کنم؟ از خانم اصم دربارهٔ نمازش پرسیده شد. او گفت: هنگامیکه وقت نماز می آید ما وضوء کامل کرده به جای نماز خواندن می آیم و زمانیکه اعضای بدنم پرسکون و آرام می شود برای نماز خواند ایستاد می شوم درین اثناء کعبه شریف رو برو پل صراط زیر پایم. بهشت به طرف راست و دوزخ به طرف چپ. ملک الموت پشت سرم تصور می کنم. واین نماز طوری نماز آخری ام محسوب می کنم درمیان خوف و امید ایستاد می شوم. از دلم به تصدیق کامل تکبیر می گویم به قراری و آرامی تلاوت می کنم. به تواضع رکوع وبه خشوع سجده می نمائیم به ران چپ می نشینم و پای راست را ایستاده می کنم و از سر تا پا اخلاص می شوم مگر باز هم نمی دانم که نماز ما قبول گردید یا نه؟ عباسؓ می فرمایند: دو رکعت نماز خواندن به خشوع بهتر است از تمام عبادت درشب

(c) ketabton.com: The Digital Library

سیاه (تاریک).

فرمان نبوی است: که در زمانهٔ اخر تعدادی از امتیان ما طوری باشند که درمساجد حلقات جور می کند ومی نشنید سخن ها وگفتگو های دنیوی رامی گویند خبردار: که درمجالس آنها ننشیند الله متعال به آنها هیچ ضرورتی ندارد.

دزدی درنماز:

حسن رضی الله عنه می گویند که پیامبر ﷺ فرمودند: آیا به شما بدترین دزدها را نشان دهی کنم؟ صحابه کرام پرسان کرد او کیست؟ محمد ﷺ فرمودند: او دزد نماز است عرض شد یا رسول الله درنماز چطور دزدی می شود؟ محمد ﷺ فرمود: آن شخصیکه درنماز رکوع وسجده به طریقه مسنون اداء نمی نمایند آن دزد نماز است نبی کریم ﷺ می فرمایند: بروز قیامت از هر چیز بیشتر پرسش نماز می شود اگر نماز های شامل کامل باشد حساب وکتاب دیگری رابه آسانی پایان می یابد. اگر در نماز کدام کمبود می باشد الله متعال به فرشته ها امر میکند که اگر از بنده ام چیزی نوافل باشد به آن نمازهایش راکامل پوره سازید. فرمان پیامبر ﷺ است که برای یک بنده توفیق دادن دو رکعت نماز نوافل از هرچیز بزرگتر وانعام است پس عظیم.

عمر رضی الله عنه زمانیکه قصد نماز خواندن می کرد بدنش به لرزه می آمد و دندانهایش باه میخورد طوریکه بسیار انسان را سردی گرفته باشد حرکت می کرد. از او دربارهٔ این حالت پرسیده شد او در پاسخ گفت: وقت دادن امانت وپوره کردن فرض نزدیک گردیده ومن نمی دانم که چطور این امانت را اداء نمائم.

حکایت: خلف بن ایوب رحمه الله به نماز ایستاد بود که یک درندهٔ آنرا به دندان گرفت وخون از بدنش جاری شد مگر او هیچ نفهمید تا که این سعید بیرون بر آمد وبر او گفت: او کالای که به ریختن خون نجس شده بود از او پرسیده که تورا درندهٔ گزیده وخون از بدنت جاری شده وباز هم تو نفهمیدهٔ او گفت: کسیکه به حضور الله متعال ایستاده باشد و عقبش ملک الموت طرف چپش جهنم و زیر پایش پل صراط باشد او چطور میتواند که دیگری رابفهمد.

عمر بن ذر یک عابد و زاهد جلیل القدر بود در دستش زخمی پیداگردید که داکتران به اوامر قطع کردن را صادر کرد او برایشان گفت: دستم قطع نمائید. داکتران برایش گفت: که ترا به زسیمان محکم بسته می کنم تا حرکت نکنید او برایشان گفت: به بسته کردن ضرورتی نیسته. زمانیکه من به نماز ایستاد می شوم دستم قطع کن. هنگامیکه او به نماز ایستاد شد داکتران دستش رابریدند مگر او هیچ نفهمید وهیچ نوع بیصبری وفزع ننمود وبدون فریاد کار به انجام رسید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پانزدهم

امر بالمعروف ونهی از منکر

انس بن مالک﷜ می فرمایند بنده که برمایک بار درود بگوید الله متعال درنفسش ابرسفید راپیدا می کند باز بر او حکم استفاده کردن از بحر رحمت داده می شود پس از آن به او حکم باریدن می شود از وهر قطرهٔ که بر زمین بیفتد الله متعال ازو طلا وقطرهٔ که به کوهها بیفتد ازو نقره پیدامی کند وهر قطرهٔ که برکافر بیفتد به او مال و دارائی وایمان داده می شود الله متعال می فرماید:﴿ كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ [1] ﴾.

ترجمه: (هستید شما بهترین تمام امم که برون آورده شده برای مردم امر میکنید بکار پسندیده ونهی میکنید از کار ناپسند وایمان می آرید به خدا).

کلبی می گوید: د، ین آیت شریف فضیلت وبهتری امت محمدﷺ بر امتهای دیگر است و تمام امت مسلمان بطور عموم بر امتهای دیگری فضیلت دارد نسبت بر امت های دیگر این ابتداء وانتهاء خوب وپسندیدهٔ دارد، اگر که بعضی اشخاص بطور خصوص اصحاب فضیلت وکمال زیاد بودند مثل صحابه کرام رضی الله عنهم اجمعین که دربارهٔ احادیث زیاد موجود است وکلمه (اخرجت) معنایش این است که درتمام اوقات به مردم بخاطر رساندن خیر ونیکی به حیث یک امت ممتاز فرستاده شده فرمان الله متعال است ﴿ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ [2] ﴾.

ترجمه: (امر میکند بکار پسندید ونهی میکند از کار ناپسند وایمان می آرید به خدا).

این جمله مستأنفه (مستقل است) درین واضح گردیده که فضیلت امت مسلمان به این اساس است که آنها امر به نیکی ونهی (منع) از بدی می کند وبر الله متعال ایمان دارد اگر این راه را ترک نمایند این امتیاز شان باقی نخواهد ماند، آنها درمقابل کفار جهاد می کند تا از ظلم دست بردارشود واسلام رابپذیرد لذا آنها را به دیگران ترجیح داده شد، فرمان نبی کریمﷺ است که: که بهترین انسان آن است که به مردم نفع برساند وبدترین آن است که به مردم

---

[1] (آل عمران ۱۱۰)

[2] (آل عمران ۱۱۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ضرر ونقصان برساند (تؤمنون بالله) آنها تصدیق توحید الله متعال رامی کند وبر او ثابت قدم می ماند واقرار نبوت محمدﷺ من نمایند. زیرا هر کس که نبوت محمدﷺ قبول نکند الله متعال راقبول نکرده اند براین اساس او کتاب نازل شده(قرآن کریم) را درحقیقت قبول ندارد فرمان نبوی است: اگر شما کسی را به کار بد ببینید او باید به دست منع نماید اگر طاقت این نداشت باز به زبان بفهماند اگر این نمی تواند در دل با او نفرت نمایند واین کمترین ایمان است. بعضی گفته اند: ازبین بردن بدی ومنکر کار طبقه حاکم می باشند وجهاد کردن بر زبان بالای علماء کرام است دردل با منکر نفرت نمودن کار عوام الناس است. بعضی دیگری می گویند کسیکه قدرت هرنوع از انواع داشته باشد باید از همان نوع کار گرفته ومنکر راخاتمه دهد. الله متعال می فرمایند:﴿ وَتَعَاوَنُوا عَلَى ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ ﴾[1].

ترجمه: (و مدد کنید همدیگر را بر نیکو کاری وبه پرهیزکاری ومدد مکنید همدیگر رابر گناه وظلم).

مراد از تعاون درین حالت ترغیب دادن به نیکی واسان نمودن راههای خیر می باشد وبرای نابودی شر و فساد به اندازه توان وطاقت خود سعی نمودن است درحدیث شریف آمده کسیکه به مخالف سنت و راه درست توهین کرد و اورا از خود دور ساخت الله متعال دل همان شخص را از ایمان واطمئنان دور می سازد واگر کسی صاحب بدعت راتوهین نمایند الله متعال دل توهین کننده را روز قیامت از هر نوع ترس و هراس محفوظ می سازد وکسیکه امر به نیکی کرد او خلیفه پروردگار است.

حذیفهؓ می فرمایند زمانی عنقریب می گردد که به مردم از شخص امر کننده به نیکی نهی کننده از بدنی بالای خر ارزشمند وبا اهمیت می باشد.

موسیؑ عرض کرد: ای پروردگار عوض وبدله آن شخص چه خواهد بود که به برادران خود امر به نیک و نهی از بدی نمایند؟ الله متعال فرمودند: درعوض هر کلمهٔ که گفته اند اجر عبادت یکسال نوشته می گردد و رحمت من اورا از جهنم نجات می دهد.

حدیث قدسی است که الله متعال فرموده است: ای انسان از آن اشخاص نباشید که در توبه نمودن تاخیر می کند. امیدهای طولانی نموده وبه آخرت بدون کدام عمل نیک رحلت می کند. سخنان خیر می گوید مگر خود اش عمل منافقان را انجام می کند اگر برایش رزق و روزی داده شود قناعت نمی کند. واگر محروم شود صبر نمی کند. مردم دیگر را از بدی منع

---

[1] (المائدة ۰۰۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

می نمایند وخودش بدی راترک نمی کند.

۱) میخوانید کتاب را چرا پس فکر نمیکنید (عمل زشت خود را)

۲) ومنع میکند از بدی و بر پا میدارند نماز را

ارشاد محمدﷺ دربارهٔ وقت آخر: بیان نمودن حدیث شریف مناسب است ولی از بیان کردن حدیث شریف راوی این حدیث علیؓ فرموده اند: به الله متعال سوگند یاد می کنم که افتیدن کوه بالا ام آسان تراست نسبت به دروغ بسته کردن واختلاف حدیث دروغ بر پیامبرﷺ زیرا که آن عمل بر من خیلی سخت وباری ثقیل است. باز فرمودند من از حضرت محمدﷺ شنیده ام که در زمانهٔ آخر یک گروه از مردم کم عمر و نافهم پیدامی گردد که سخنان خوب می زند ولی ایمان شان از حلق های شان پائین نمی شود آنها از دین طوری خارج می گردد مثلیکه تیر از شکار بیرون می آید درهر جای که این افراد دابینید آنرا به قتل برسانید زیرا که به این امر روز قیامت پاداش وثواب زیاد داده می شود.

برای یک مسلمان ضروری است که دروقت نیکی نمودن باید خودش هم عمل نیک انجام بدهد: حدیث مبارک پیامبرﷺ است که فرموده: من شب معراج مردمی را دیدم که لبهای شان به قیچی های آتش قطع وبریده می شد. من از جبریلؑ پرسیدم اینها کیست؟ او برایم پاسخ داد: این خطبای امت شما است که بر مردم امر نیکی می کند وخود را فراموش کرده اند. الله متعال فرموده است:﴿ أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ ﴾[1].

ترجمه: (آیا امر میکند مردم رابه نیکونی وفراموش میکنند نفسها خود را حال اینکه شما

برای شخص مسلمان ضروری است که به نیکی حکم نمایند و از بدی منع کند وهم خودش باید فراموش نکند. مثلیکه الله متعال می فرمایند:﴿ وَٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ ﴿٧١﴾ ﴾[2].

ترجمه: (ومردان مؤمن و زنان ایمان دار بعضی ایشان کار سازان بعضی دیگرند امر میکند بکار پسندیده).

درین آیت مبارک الله متعال این وصف مسلمانان رابیان نموده که آنها به نیکی حکم می کند وکسیکه امر بالمعروف ونهی از منکر را انجام نمی دهد چنانچه که الله متعال می فرمایند:

---

[1] (البقرة ٤٤)

[2] (التوبة ٧١)

(c) ketabton.com: The Digital Library

﴿ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴾[1].

ترجمه: (بودند که منع نمیکردند یک دیگر را از عمل زشت که میکردند آنرا هر آنینه بد چیزیست که میکردند.

لذا ابو الدرداء رضی الله عنه روایت است می فرماید: شما مردم رابه نیکی دعوت می کنید و اینها را از بدی منع نمی نمائید اگر این وجیبه را انجام ندهید الله متعال بالای تان حکام رامقرر می سازد که احترام کلانهای تان راندارند و بر خورد های تان ترحم ندارد، کلانهای تانرا طلب می نمایند ولی سخنان شان رانمی پذیرد، اینها کمک دهنده را می خواهد لیکن به اینها کمک صورت نمی گیرد، مغفرت می خواهد لیکن مورد عفو قرار نمی گیرند.

از ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت است که محمد ﷺ فرموده اند: الله متعال به اهل قریهٔ عذاب فرستاد و در آنجا هشتاد هزار مردمی بودند که مثل انبیاء علیهم السلام عملکرد های نیکی داشتندپرسیده شد که این عذاب چگونه واقع گردید؟ پیامبر ﷺ فرمود: زیراکه اینها مردم را از بدی منع نمی کردند واعمال شوم وبدی شان بد نمی دیدند.

مجاهدین والا مقام که منزلت شان روی زمین از شهیدان بلند است: ابو ذرغفاری رضی الله عنه می فرمایند: که ابوبکرصدیق رضی الله عنه از محمد ﷺ پرسید بدون مجاهدین که درمقابل مشرکین می جنگند جهاد دیگر هم وجود دارد؟ محمد ﷺ درپاسخ او فرمود: بلی هست ای ابوبکر بر زمین الله متعال مجاهدین است که از شهداء بهتر می باشد بر زمین می گردند رزق می خورند، الله متعال در مجموعهٔ (دسته) فرشته ها بر آنها فخری می نمایند. برای آنها بهشت آرایش وبرابر می گردد، طوریکه ام سلمه برای محمد ﷺ (آراسته) شده بود ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسان کرد آنها کی هستند؟ محمد ﷺ فرمودند: آنها مردمی هستند که به نیکی حکم می کنند و از بدی منع می نمایند وبرای الله متعال دوستی می کنند وبخاطر او دشمنی می نمایند. وباز فرمودند: به آن ذات عظیم لایزال سوگند می خورم که جان من در دست او است، این قسم مردم دربالاخانه های بهشت می باشند که از بالاخانه های شهداء هم بلند می باشد که دارای سه صد دروازه باشد که از یاقوت و زمرد سبز ساخته شده باشد و هر دروازه آن از نور می باشد وبه سه صد حور پاک ازدواج می کنند. هنگامیکه به یک از آنها نظر می کند او برایش می گویند: آن روزی به یا دتان هست که به نیکی امر می کردی و منع از بدی می فرمودید؟ دیگری برایش می گوید آیا آن جای را یاد داری که تو امر به نیکی و منع از بدی میکردی.

روایت است که الله متعال به موسی علیه السلام فرمودند آیا برای من عمل کردی؟ موسی علیه السلام

---

[1] (المائدة ۷۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

برایش گفت: ای پروردگار من برایت نماز ها راخواندم روزه راگرفتم. خیرات و صدقات داده ام. سجده کردم. حمد تانرا گفتم. کتاب تانرا تلاوت نمودم. ثناء وصفات تانرا بجا آوردم. الله متعال برایش می فرماید. ای موسی علیه السلام نماز برای تان حجت روزه برایت پس صدقه وخیرات برایتان سایه. تسبیح برایت در بهشت درختها. تلاوت کتاب ام برایت حور بهشت. وذکر مرا برایت نور وروشنائی است. الله متعال برایش می فرمایند: بگو ای موسی برایم چه کردی؟ موسی علیه السلام عارض می شود ومی گوید: ای الله برایم بگو آن کدام عملی است که برایت انجام بدهم؟ الله متعال فرمود: آیا بخاطر من با کسی محبت کردی؟ آیا بخاطر من باکسی دشمنی نمودی؟ موسی علیه السلام فهمید که از تمام اعمال نیک و افضلترین آن دوستی ومحبت بخاطر رضای الله متعال است وهمچنان دشمنی بخاطر الله است ابوعبیده بن الجراح رضی الله عنه می فرمایند: که ما ازپیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم. ای رسول خدا کدام شهید به نزد الله متعال عزت وشرف زیاد دارد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آن جوانیکه به حاکم ظالم به نیکی حکم کرد وازبدی اورا منع نمود و درهمین حال کشته شد اگر از قتل نجات بیابد تا که زنده باشد گناهان شان نوشته نمی گردد.

حسن بصری رحمه الله می فرماید: که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: در امت من بهترین شهداء آن است که به حاکم ظالم رفت و اورا به نیکی دعوت نمود و ازبدی منع کرد وبه همین سبب کشته شد جای واجر این نوع شهید بهشت است و درمیان حمزه وجعفر رضی الله عنهما درجنت می باشد. الله متعال به یوشع بن نون وحی کرد که من از امت تان چهل هزار مردم خوب وچهل هزار مردم گناه کار را هلاک می سازم. یوشع علیه السلام عرض کرد. جرم مردم نیک چه خواهد بود؟ الله متعال برایش گفت: آنها دشمنان مارا دشمن نه گرفته و درمیان خود یکجاء زندگی نموده است.

انس رضی الله عنه می گوید که مابه پیامبر صلی الله علیه وسلم عرض نمودم: ای رسول خدا آیا ما درآن صورت به نیکی امر کنیم که خودمان به اوعمل محکم می نمایم؟ و ازبدی و گناهان آن وقت مردم رامنع نمایم که ما از ارتکاب آن بسختی خود دارای نمایم؟ محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: شما به نیکی حکم نمائید اگر چه شما بآن عمل کرده نمی توانید. و مردم را از بدی منع نمائید اگر شما از آن بطور کامل خور داری کرده نمی توانید.

یک شخص صالح به اولادهای خود نصیحت کرد وگفت: اگر یکی از شما حکم به نیکی کردن را می خواهد بر او سزاوار است که نخست خود را به صبر عادت دهد وبه الله متعال امید صبر نمایند. شخصیکه به الله متعال اعتماد وباور نماید او هیچ وقت به مصائب ومشکلات دوچار نمی گردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شانزدهم

عداوت و دشمنی با شیطان

با علماء کرام و مسلمانان نیک محبت نمایند در مجالس آنها اشتراک ورزند به چیزیکه نمی فهمند از آنها استفسار نمایند از نصائح ومواعظ آنها مستفید شوند از کارهای بد خود داری نمایند وشیطان را دشمن خویش محسوب کنند چنانچه الله متعال می فرمایند:﴿ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ﴾[1].

ترجمه: (هرآئینه شیطان شمارا است دشمن پس بگیرید اورا دشمن).

درعبادت الله متعال از صدق دل وحفاظت عقاید واعمال خود را بطور متداوم حفاظت نمائید اگر انجام دادن کدام کار وعملی رامی خواهید در مورد اواز ریاکاری خود را نگهدارید زیرا که ریاکاری شرک است وبرآن هیچ ثواب مرتب نخواهد شد.

عبدالله بن مسعود می فرماید: که محمدﷺ درحضور مایان یک خطی راکشید وفرمود این راه الله متعال است وپس به طرف راست وچپ آن خطهای دیگری راهم ترسیم نمود وگفت: این خطهای کج راههای شیطان است که مردم را از راه راست منحرف می سازد باز محمدﷺ این آیت شریف را تلاوت نمود: ﴿ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِى مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِۦ ﴾[2].

ترجمه: (وهرآئینه این راه من است(راه) راست پس پیروی کنید آن راه را ومکنید پیروی راهای دیگر را که (این راها) جدا گرداند شما را از راه خدا).

محمدﷺ راههای زیادی شیطان رابیان نمود تا درفریب شیطان واقع نشویم.

انجام وسوسهٔ شیطان: از نبی کریمﷺ روایت است که می فرمایند: شیطان در (گمراه کردن) یک زاهد که از بنی اسرائیل بود از این فریب کار گرفت که دختر را به مریضی شکم مبتلا ساخت وبه خانوادهٔ آن دختر این سخن راگفت که تداوی این مریض بدون از زاهد کسی دیگر کرده نخواهد توانست بعداً دختر را به نزد زاهد بردند. زاهد از تداوی آن نگهداری او را

---

[1] (فاطر ۰۰٦)

[2] (الأنعام ۱۵۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نزد خود رد نمود. از اصرار آنها دل زاهد نرم شد و دختر را بخاطر علاجش درخانه خود پذیرفت. هنگامیکه دختر بخاطر علاج ودم کردن به زاهد می رفت شیطان اورا مزینتر می ساخت تاکه زاهد از حسن وجمال آن متاثر شد وآنرا بی حد خوش آمد وکار به مرحلهٔ رسید که با آن دختر جماع کرد. شیطان در دل زاهد وسوسه ایجاد کرد که این یک کار بدی صورت گرفت زهد وتقوی من لکه دارشد لذا باید ا ین دختر را بکشم ودرجای مخفی اورا دفن نمایم واگر کسی از خانه اوبیاید به او میگویم که دختر مرد به وسوسه شیطان دختر راکشت و دریکی از اماکن آنرا دفن نمود از طرف دیگر شیطان دلهای خانواده او این سخن را انداخت که دختر آنها را زاهد کشته است وجای اورا دفن نموده آنها به زاهد آمدند و پرسان دختر خود را کردند زاهد در پاسخ گفت که او مرد آنها به زاهد فشار آورد تاکه اورا مجبورساخته بگوید که دختر راقتل نموده اند آنها به زاهد راگرفت وطلب قصاص او شدند. شیطان آمد و زاهد راگفت: دختر من به بیماری شکم مبتلا ساخته بودم ومن خانواده اورا از حقیقت کار آگاه نمودم حالاً یک سخن مرا بشنو. وشما را نجات می دهم. زاهد درپاسخ گفت:کدام کار بکنم؟ شیطان درپاسخ به اوگفت: به من سجده کن. زاهد بخاطر نجات دادن خود به شیطان دوسجده نمود. شیطان به بسیار خوشی وشادمانی به زاهد گفت: من ازتمام عملکردهای تان بیزارهستم مثلیکه الله متعال می فرماید: ﴿ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَٰنِ ٱكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّنكَ إِنِّىٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ ﴾[1].

ترجمه: (چون گفت انسانرا کافر شو پس چون کافر شد گفت (شیطان) هر آئینه من بیزارم از تو).

پرسش گمراه کننده شیطان:

شیطان از امام الشافعی رحمه‌الله پرسید که به نظر شما در مورد آن ذاتیکه مرا طبق خواهش من خلق نمود وبالای من چیزی که می خواست انجام داد پس ازین اگر او بخواهد مرا به بهشت ببرد یا به دوزخ آیا این نوع ذات عادل می باشد یا ظالم.

امام شافعی رحمه‌الله پس از اندک توقف پاسخ داد وگفت: ای پرسنده اگر همان جلاله ترا طبق منشأ تان خلق نموده است حقیقتاً شما مظلوم هستی واگر الله ﷻ ترا طبق اراده قدرت

---

[1] (الحشر ۱۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود خلق کرده است پس الله ﷻ ذاتی است هرچیزیکه می خواهد میکند شیطان از شرم طوری آب درو شده گفت: من به اساس این پرسش هفتاد هزار عابد را گمراه ساخته ام.

قلب انسان مثال قلعه را دارد:

مثال قلب انسان مثل قلعه است وشیطان دشمنی است که می خواهد بر قلعه تسلط پیداکند. به خاطر حفاظت قلعه باید تدابیر گرفته شود که همه طریق داخل شدن را مسدود ساخته باشد. و بر دیوار و دروازه کاملاً نظارت شدید صورت گیرد واین کار کسی کرده میتواند که از تمام طریق با خبر باشد. همچنان حفاظت دل برای هر انسان عاقل ضروری و فرض عین است. با تهاجم شیطان تا ان وقت.مقابله شده نمی تواند که شخصی از تمام راههای او با خبر نباشد وبر هر مسلمان فرض و لازم است که از تمام راههای عبور و مرور شیطان خود را باخبرو آگاه سازد راههای شیطان اعمال وکارهای خود انسان است مثل غصه و شهوت. زیراکه غصه عقل را از بین می برد لهذا لشکر شیطان زمانی به انسان تهاجم می برد که انسان خشمگین گردد. زمانیکه انسان غضب ناک گردد شیطان همراه او طوری بازی می کند مثل یک طفلک با توپ بازی می کند. یک شخص از شیطان پرسید که برایم بگوئید چطور برانسان غلبه وتسلط پیدا میکنی. او در پاسخ گفت: من در زمانی به او غلبه در می یابم که باغصه وقهر شود دوباره تحت تسلط شهوات بیاید.

از راههای شیطان یک هم حرص و حسد است زیراکه حرص انسان را کور می سازد و گوشهایش را تر می نماید. شیطان از همین موقع سوء استفاده کرده و آنرا غنیمت می شمارد و تمام بدیهای انسان به شکل آراسته و زیبا تقدیم می کند. و انسان اورا به این نیت می پذیرد که آنها خوب و نیک است. شیطان درکشتی نوح ﷺ : روایت است وقتیکه نوح ﷺ اول از هر جنس یک یک جوره آنها را در کشتی سوار نمودند وخودشان هم در آن سوار شد او یک شخص موی سفید را دید. و از او پرسید که ترا کی درکشتی سوار نموده اند. او در پاسخ گفت: من بخاطر تسلط پیداکردن بردلها اصحاب شما آمده ام که دلهای شانرا با من وتنهای شان به شما باشد. نوح ﷺ گفت: ای دشمن الله از کشتی پائین شو. ابلیس درجواب گفت: ای نوح پنج چیز ا ست که بذریعه آنها مردم را درگمراهی مبتلامی سازم که سه آنرا برای تو میگویم. ودو آنرا برای تو نمی گویم. درین زمان الله تعالی به نوح ﷺ وحی فرستاد که به شیطان بگوئید که به سه آنها هیچ ضرورتی ندارم وصرف همان دو را برایم بگوئید. شیطان گفت: آن دو چیز طوری است که آن هیچ وقت مارا کاذب و دروغ گو نمی سازد ونه مارا

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناکام می نماید وبه ذریعه آنها مردم رابه تباهی می کشانیم و او یکی حسد است دومی حرص. که بوسیله همین حسد از درگاه الله تعالی رانده شدم وملعون گشتم وبوسیله حرص به آدم علیه السلام از درخت ممنوعه خواهش و آرزو خوردن پیداشد و آرزو من براورده گردید.

راه دیگر شیطان شکم سیری انسان است:

اگر که آن از رزق حلال هم پر کرده باشد زیرا که شکم سیر شهوات را زیاد تقویه می بخشید واین بزرگترین وسیله شیطان است.

خوردن به شکم سیر هم انسانرا در دام شیطان می اندازد:

روایت است که یحیی علیه السلام یک روز شیطان را دید که او دامهای زیادی را په شانه خود حمل می کرد از او پرسید: که این چه است. شیطان درپاسخ گفت: این دامهای است که انسانرا به وسیله آن شکار میکنم. یحیی علیه السلام از شیطان بار دیگر پرسید که آیا از من هم باری شکار کرده اید؟ شیطان جواب داد زمانیکه به شکم سیر نان بخورید من شمارا از ذکر ونماز خواندن سست می سازم یحیی علیه السلام بار دیگر از شیطان پرسید. که دیگر دامها چه است؟ شیطان گفت: چیزی دیگری نیست. یحیی علیه السلام سوگند خورد که درآینده هیچگاه به شکم سیر نان نمی خورم شیطان هم درپاسخ گفت: من درمستقبل به هیچ مسلمان نصیحت نخواهم کرد.

یکی از دامهای شیطان محبت وعشق بامال ومتاع دنیا است:

زیرا زمانیکه شیطان قلب انسان رابسوی مال ومتاع در تمایل با او ببیند شیطان این مال رابه شکل و چهره بسیار زیبا و مزین تقدیم می کند وسعی می ورزد که اورا در اپارتمان های بزرگ و در زیب و زینت دنیا مبتلا بسازد به لباس های زیبا وقشنگ وموترهای لوکس و مادرن و امیدهای زندگی دراز وطولانی راگرفتار بسازد. وقتیکه یک شخص به این مرحله برسد. رجوع و باز گشت او بسوی الله بسیار دشوار می گردد زیرا که یک خواهش وامید او کامل نشده باشد که درجستجوی حصول امید دیگری می باشد تاکه بر او مرگ برسد واز این دنیا رحلت نماید.

طریق اغواء شدن دیگر شیطان امید بستن بامردم است:

حضرت صفوان بن سلیم می فرماید: شیطان پیش عبدالله بن حنظله آمد وبرایش گفت: من شما را نصیحت می کنم آنرا حفظ کن او درپاسخ فرمود: من به نصیحت تان کدام ضرورت ندارم. شیطان درجواب گفت: یک بار آنرا بشنو اگر نصیحتی خوب ومناسب بود آنرا قبول

(c) ketabton.com: The Digital Library

کن واگر نه آنرا رد کن، نصیحت این است که بدون الله ﷻ خواست حصول خواهشات تانرا نکن وبه این نظر کن که درحالت قهر وغصه با چه وضع دچار می شوی زیراکه در وقت قهر و غصه انسان به او مسلط می شوم.

طریق دیگری اغوا وگمراه کردن شیطان فقدان ثبات واستقامت درانسان است:

حدیث نبی کریم ﷺ است که عجله کردن فعل شیطان است. تحمل وبردباری عطیه و داد الله ﷻ است درعجله انسان شیطان اورا به بسیار آسانی وسهولت بسوی بدی طوری مائیل می سازد که او هیچ آنرا درک نمی کند.

روایت است که هنگام تولد عیسی علیه السلام همه شاگردان شیطان در دورا دور او تجمع کردند و درمیان خود گفتند: امروز تمام بتها سرنگون شدند. شیطان گفت: معلوم می شود که امروز یک حادثه عظیمی واقع گردیده شما در همین انتظار باشید من حالات رامعلوم می کنم او حالات را از مشرق تا مغرب بر رسی کرد وهیچ خبری را دریافت نکرد تاکه به مکان ولادت یا سعادت عیسی علیه السلام رسید. شیطان به این وضع بسیار حیران شد که فرشتها عیسی علیه السلام را دقبضه خود اورده بود. شیطان به شاگردان برگشت وگفت: شب گذشته پیامبری تولد شده من در ولادت هر طفل حضور می داشتم ولی از ولادت او هیچ خبری را نیافتم وپس ازین شب عبادت وپرستش بتها خاتمه می یابد. لهذا باید بر انسان در وقت عجله وغفلت او هجوم ببرید.

طریق دیگری اغوا نمودن شیطان پول و زمین است:

زیراکدام چیزی که ضرورت وحاجت انسان اضافه می شود مسکن شیطان میگردد. قول ثابت البنانی است که: زمانیکه الله ﷻ نبی کریم ﷺ رامبعوث ساخت. شیطان به شاگردان خود گفت: امروز یک واقعه عظیم به میان آمده، بروید ببینید که چه حادثهٔ واقع شده؟ آنان درجستجو و تلاش این امر رفتند ولی موفق نشدند وگفتند: هیچ چیزی را ندیدم.

شیطان برای شان گفت: که شما انتظار کنید من احوال کامل می آورم. زمانیکه اوعودت نمود گفت محمد ﷺ مبعوث گردیده است شیطان تمام شاگردان خود را به تعقیب صحابه کرام روان کردند. که آنها راگمراه کند ولی زمانیکه عودت می نمودند می گفتند ای استاد: ما فی الحال چنین ناکامی راندیده بودم وقتیکه آنها به نماز ایستاده شوند تمام مساعی ما هدر وبی ثمر می رود شیطان بر آنها گفت: هراس کنید. اندکی انتظار دیگری هم بکنید بسیار به زودی مال و دنیای آنها زیاد خواهد شد و همان وقت مساعی مایان نتیجه خواهد داد وبر پیروزی می رسیم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

روایت است که یک روزی عیسی علیه السلام به یک مستگ تکیه زد نشسته بود، شیطان از پهلوی او مبارک گذشت. وبرایش گفت: ای عیسی آیا شما رغبت دنیا را کرده نید؟ عیسی علیه السلام اورا محکم گرفت وپشت اش سلی محکم زد و برایش گفت که ای لعین دنیا برای تو هست باخود برید.

راه دیگری شیطان ترس وهراس از فقر وفاقه وبخل است:

زیراکه این چیزها انسان را از خرج ومصرف کردن در راه الله تعالی منع می سازد و اورا دعوت به ذخیره کردن مال و دولت می دهد تاکه ذریعهٔ عذاب دردناک گردد.

نقصان بزرگ بخل این است که بخاطر جمع نمودن مال و دولت در راههای وکوچه ها وبازار ها گشت و گذار می کند که این همه راههای شیطان است ودر گمراه کردن انسان از همین جاها به فعالیت آغاز میکند.

ویکی از راههای شیطان نفرت از مذهب پیروی خواهشات با مخالفین خود بغض وحسد نمودن و آنها را به نظر حقارت نگاه کردن واین چیز اگر در مورد عابد باشد یا فاسق بدون تفکیک باعث هلاک می گردد.

فرموده حضرت حسن رضی الله عنه است که شیطان گفت:

ما پیروان محمد صلی الله علیه وسلم را درگناهان مبتلا ساختم ولی آنها از الله تعالی مغفرت گناهان خویش را نمود. ومرا به این استغفار شکست داد. به تعقیب آن آنان را به گناهی مبتلا نمودم که زمانی هم استغفار نمیکند وآن خواهشات ناجائز انسان اند سخن شیطان ملعون بالکل صحیح است زیراکه بطور عام مردم براین نمی فهمند که همین خواهشات مردم را به سوی گناه مایل می سازد.

راه دیگری شیطان در مورد مسلمان بدگمانی است:

اگر شما شخصی را پیدا نمانید که عیوب مسلمین راجستجوی وبدگمانی را پیدامیکند باید فهمید که آن شخص خودش آدم خوب نیست واین کار به بدی او دلالت میکند لهذا بر هر فرد مسلمان لازم است که تمام راههای دخول شیطان رامسدود نماید وبه یاد ذکر الله متعال دل خویش رابه یک قلعه مستحکم تبدیل نماید.

در دار الندوه مشوره شیطان به سران قریش: روایت ابن اسحاق رحمه الله است که زمانیکه قریش مکه تعداد فراوان صحابه کرام را دیدند که راه هجرت را درپیش گرفتند وتعدادی زیادی را در حالت مسلمان شدن نگاه کردند برای آنها خطری هویدا گردید که مبادا محمد صلی الله علیه وسلم

(c) ketabton.com: The Digital Library

هم هجرت نکند و در دباره هجرت کدام تنظیم قوی یا جمعیت را نسازد بالآخره به ما شکست ندهد درنظر داشت این خوف هراس اجتماعی او در دارالندوه دایر ساخت و این خانه قصی بن کلاب بود، درین خانه تمام مسائل ومشوره های قریش را زیر غور می گرفتند از اینجا به دار الندوه مسمی گردید او از سن چهل سالگی شخصی کم عمر اشتراک کرده نمی توانست به روز شنبه مردم همراه ابوجهل نیشستند زیرا این روز بروز فریب و خدعه گفته می شود وباهمین مردم ابلیس هم اشتراک می کرد، وقصه اشتراک این ملعون طوری است که! هنگامیکه قریش ىکه به دروازۀ دارالندوه رسیدند یک موی سفید بزرگ را درکمپل پیچیده ایستاده بود، دریک روایت آمده است که چادر ابریشمی یمنی درتن داشت آنها پرسیدند شما کیستید؟ او گفت شیخ نجد هستم شما که عزم کدام کار هستید ما ازو خبر دارم وآن سخن را شنیدم و من ازین سبب آمده ام که سخنان شما را بشنوم وبه شما مشوره بدهم تمام این مردم از دروازۀ داخل شدند و درمیان خود با مشورۀ آغاز نمودند، ابوالبختری که در غزوۀ بدر کشته اندگفت: محمدﷺ را دریک پنجره اهنی زندانی نمائید وانتظار بکشید تا انجامش طوری شعرای دیگر شوند. شیخ نجد گفت: به خداوند سوگند که این سخن صحیح نیست اگر اورا درپنجره آهنین بند می نمائید باز او میتواند که از پنجره بیرون آید وخود را به اصحابش برساند. ابوالاسود ربیعه بن عمروالعامری نظر خود را پیش کرد وگفت: محمدﷺ از وطن خود تبعید کنید به هر طرفیکه برود پروا ندارد صرف باید اینجا زندگی ننماید.

شیخ نجدی این نظر راهم رد نمود وگفت: آیا شما سخنان خوش مزه اخلاق نیکو و محبت دام با او ندیده اید؟ اگر شما اورا جلا وطن ساختی واز او مطمئن شدید این یک اشتباه بزرگ شما هست و او یک قبیله دیگر می رود وبه سخنان خوش مزۀ خویش مردم را به خود عاشق وجلب وجذب می نماید. وبعد از ساختن یک جمعیت بزرگ بالای شما حمله خواهد کرد و شما را شکست خواهد داد، وشان شوکت شمارا خاتمه خواهد داد، چیزیکه می خواهد به مقابل شما انجام خواهد داد. ا بوجهل گفت: در ذهن و دماغ من سخن درگردش است که کسی دیگری آنرا نگفته است و او این است که از هر قبیله مردم قوی جمع گردد و آنها مشترکاً به شمشیر های خویش محمدﷺ حمله اور شوند و اورا به قتل برساند که درنتیجه باهم از او نجات می یابیم وبنو عبدمناف هم نمی تواند که باتمام قبایل جنگ نمایند وبه اخذ دیت مجبور می شوند که ماهم درتادیه دیت سهم می گیرم. شیخ نجدی به شنیدن این سخن به خندۀ قهقهۀ پرداخت وگفت این سخن صحیح وراست است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به یک اتفاق کامل فیصله پذیرفته شد و مردم به خانه های خود رفتند حضرت جبریل علیه السلام فوراً به محمد ﷺ امد وبرایش گفت: ای رسول ﷺ امشب شما درین چیرکت استراحت نکنید. زمانیکه شب شد جوانان قریش به دور را دور خانه حضرت محمد ﷺ حلقه زده، درین انتظار بودند که چه وقت محمد ﷺ از خانه می براید که کشته شود. محمد ﷺ درخوابگاه خود حضرت علی رضی الله عنه راخواست و دستور داد تا در بستر محمد ﷺ بخواهد وبالای او یک چادر سبز انداخت که اورا بعداً در روزهای عیدین وجمعه می پوشید. علی رضی الله عنه اولین شخصی بود که بیع خود حفاظت نبی کریم ﷺ راکرد طوری که علی رضی الله عنه اظهار احساسات خود را در ابیات ذیل نموده اند:

وَقَیْتُ بنفسی خیرَ من وطیء الثری ... ومن طاف بالبیت العتیقِ وبالحجر

رسولَ إله خاف أن یمکروا به ... فنجّاه ذو الطَّوْل الإلهُ من المکر

وبات رسولُ الله فی الغار آمنا ... موقًّا وفی حفظ الإله وفی ستر

وبتُّ أراعیهم وما یتهمونني ... وقد وطّنتْ نفسی علی القتل والأسر

ترجمه:۱) من دربدل جانم حفاظت آن خیر خلائق محمد ﷺ را کردم که از تمام مخلوقات روی زمین بهتر وافضلتر است واز هر طواف کننده و بوسه کننده حجر اسود بهتر است.

۲) برای محمد ﷺ از سوی مشرکین قریش وهم وسوسه فریب وخدعه پیداگردید الله ﷻ از فریب ومکر آنها نجات داد.

۳) رسول الله درغار ثور به بسیار اطمنان درحفاظت پروردگار شب راسپری نمود.

۴) مگر من روبرو درمقابل کفار قریش ایستاده بودم وبه همین اساس خود را برای زندانی نمودم و یا قتل کردن آماده کرده بودم.

الله ﷻ این جوانان قریش را کور ساخت و محمد ﷺ بر روی آنها خاک پاش کرد وبا تلاوت این آیت مبارک ﴿ فَأَغْشَيْنَٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴾[۱] خارج شد درین اثناء شخصی امد وگفت: شما اینجا چه میکنی؟ انان گفتند: ما انتظار محمد ﷺ را داریم او درپاسخ گفت: به خدا سوگند که او به پاش نمودن خاک بالای سرهای تان خارج گردیده والله تعالی شما را خوار و ذلیل ساخته است حالاً شما چه می کنید؟ زمانیکه آنها بر سرهای خود را دستهای شان راتیر کردند واقعاً سرهای شان گرد وخاک آلود گردید بود. وقتیکه آنان علی رضی الله عنه زیر چادر سبز

[۱] (یس ۰۰۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

درچیرکت دیدند گفتند: قسم به خدا که همین محمدﷺ است، هنگامیکه صبح شد دیدند که او علیؓ است گفتند: که آن شخص سابقه برای مایان به صدق و راستی گفته بود و درین مورد این آیت مبارک نازل گردید: ﴿ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ [1] ﴾.

ترجمه: (ویاد کن نعمت الهی: انگاه که تدبیر بد کردن درحق تو کافران تا حبس کند ترا یا جلا وطن کنند ترا وایشان تدبیر بدمی کردند یعنی با ایشان وخدا بهترین تدبیر کنندگان است ابیاتی از شعر:

لا تجز عن فَبَدَ العُسر تیسیرٌ وکلُّ شیء له وقتٌ وتقدیرُ
وللمقُدّر فی أحوالنا نظرٌ وفوق تدبیر نا الله تدبیرُ

ترجمه: ترس وهراس ندارد از هر مشکلی زیرا به تعقیب و آسانی وسهولت است و هرچیز تاوقت مقرر و معین می باشد، مقدر ا ز مایان زیاد علیم وباخبر است وبد تدابیر ما تدبیر اللهﷻ غالب است. حضرت عبدالله بن عباسؓ درمورد وضاحت فرمان اللهﷻ گفته است که: وقل رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا.

ودر سوره اسراء، ایت ۸۰ . ترجمه: وبگو ای پروردگار من در آر مرا درآوردن پسندیده وبیرون آر مرا بیرون آوردن پسندیده وقرار ده برای من از نزد خود قوتی پاری دهنده، روایت امام حاکم است که علیؓ فرموده است که محمدﷺ از جبریلؑ پرسید که درسفر هجرت همراهم کسی هم صحبت باشد؟ او فرمود: ابوبکر صدیقؓ. نبی کریمﷺ علیؓ را از تصمیم هجرت خود آگاه ساخت وبرایش فرمود: همرای من امانتهای مردم است که پس از سپردن آن به اصحاب شان شما هم هجرت کنید وخود را با من وصل نمائید.

تشریف آوری محمدﷺ به ابوبکرصدیقؓ: از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که ما در وقت چاشت درخانه نشسته بودیم، طبرانی از حضرت اسماء رضی الله عنها نقل نموده که محمدﷺ درمکه مکرمه روزانه دوکرت صبح ودیگر به خانه ام تشریف می آورد مگر در روز هجرت نمودنش دروقت چاشت تشریف آورد من به پدرم ابوبکرصدیقؓ گفتم: امروز خلاف معمول محمدﷺ درخانه ماتشریف آورد وبه روی خود حجاب گرفته است، ابوبکرؓ فرمود: به اللهﷻ سوگند که محمدﷺ بخاطر کدام کاری مهم تشریف آورده است، او چپرکت

[1] (الأنفال ۳۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود به محمدﷺ فارغ ساخت. هنگامیکه محمدﷺ به چپرکت نشست فرمود: این دو دختر را خارج کنید؟ ابوبکرصدیقؓ عرض کرد؟ این دو دختر ا ز خانوادۀ تان است. دریک روایت آمده است که: ابوبکرؓ گفت: شما از طرف آنها مطمئن باشید. اینها دختران من است ازینها هیچ نوع ترس وهراس نداشته باشید. محمدﷺ فرمود: اللهﷻ برایم اجازه هجرت کردن را داده وشما همراهم باش. عائشه رضی الله عنها می فرمایند: هنگامیکه پدرم ابوبکرؓ سخنان محمدﷺ راشنوید اشک از چشمانش جاری گردید وعرض کرد یا رسول اللهﷺ از دو مرکب من یکی رابرایت انتخاب کن محمدﷺ فرمود: بلکه قیمت آن را می دهم. دریک روایت آمده است که محمدﷺ فرمود: یکی از مرکب تان بالایم بفروش. او ﷺ قیمت مرکب را اداء کرد تافضیلت کامل هجرت راحاصل نماید وابتداء هجرت خود به ایثار و قربانی جان ومال را آغاز کرد. عایشه رضی الله عنها می فرماید: که به ما زود ترین حالت سامان سفر شان را بسته کردم. دریک روایت آمده است که ما برای محمدﷺ وابوبکر سامان خوبتر سفر را تیار کردم وآنرا دریک بوری جابجا نمودم.

توشۀ راه در سفر هجرت: واقدی رحمه‌الله می گوید: درتوشۀ سفر شان یک بز کباب شدۀ بود حضرت اسماء رضی الله کمر بند را کشید وبر او دهن بوری را بسته نمود لذا او بر ذات النطاقین مسمی گردید. عایشه رضی الله عنها می فرماید: محمدﷺ و ابوبکر صدیقؓ سه شب را درغار ثور سپری نمودند درین غار ثور بن عبدمناف زندگی می کرد از همین سبب این غار به غار ثور مسمی گردید. روایت است که محمدﷺ وابوبکرؓ دروقت شب از کلکین آخری خانه بخاطر هجرت خارج شده بودند؟ در راه ابوجهل روان بود ولی اللهﷻ نظر اورا گرفت وبه خیر وعافیت از شر ابوجهل نجات یافتند؟ اسماءرضی الله عنها می فرماید: که ابوبکرؓ باخود پنج هزار درهم برد. صبح دمید وقریش محمدﷺ راپیدا ننمودند چهار طرف مکه مکرمه را تفتیش نمودند وبه تعقیب شان جواسیس را روان کردند. مردمانی که بسوی غار ثور رفته بودند آثار قدمهای محمدﷺ و ابوبکرؓ را دیده بودند لذا بطرف همان غار حرکت کردند هنگامیکه به غار نزدیک شدند کدام آثار و یا نشانه های قدم های شان رانیافتند. قریش به هجرت محمدﷺ بسیار خشمگین بودند ازین لحاظ به کسانیکه محمدﷺ راپیدا نمایند جائزه و انعام صد شترؒ را اعلام کردند از قاضی عیاض رحمه‌الله روایت شده که کوه شبیر به محمدﷺ عرض کرد که از بالایم پائین شوی من ترسم اگر شما به شهادت برسی سبب تان مرا تعذیب نشوم غار ثور التجاء نمود وگفت: یا رسول الله بمن تشریف بیاوری.

(c) ketabton.com: The Digital Library

روایت است: هنگامیکه محمدﷺ وابوبکرؓ داخل غار ثور شدند الله ﷻ در دهن غار نبات را پیدا کرد بسبب او ازنظر کفار پنهان گردیدند به حکم الله ﷻ عنکبوت درآنجا اشیانه ساخت وکبوترهای جنگلی نیزد درآنجا اشیانه ساختند الله متعال به همان دو کبوتر اجر وپاداش نیک عطاء نمود که تاالحال هـ کبوتر های حرم شریف از نسل آنها است. طوریکه آنها حفاظت محمدﷺ رانموده بود به همین ترتیب الله ﷻ شکار وصید نمودن شان درحرم شریف حرام ساخت. جوانان قریش دنده وچوب بدست به چهار اطراف مکه مکرمه منتشر شدند از میان شان بعضی به طرف غار ثور رفتند و در دهن غار آشیانه و تخم کبوتر های رامشاهده نمودند به اصحاب شان عودت کردند وگفتند: محمدﷺ درآنجا نیست زیراکه مادر دهن غار تخم وآشیانه کبوتر را دیدم اگر کدام شخص داخل غار می شد کبوتر ها حتماً فرار می کردند. محمدﷺ سخنان آنها را شنید وفهمید که الله ﷻ مشرکین را درپیداکردنم ناکام ساخته اند. یکی از آنها گفت: شما داخل غار را نظر کنید که آیا در داخل کسی هست یا خیر؟ درپاسخ امیه بن خلف گفت: درداخل شدن به غار هیچ ضرورتی نیست زیراکه نه آشیانه عنکبوت درغار بیانگران است که اوقبل از تولد محمدﷺ موجود بود اگر کدام شخص داخل غار می شد این تخم وآشیانه نابود می شد وازبین می رفت. این امر درحقیقت برای شکست و ناکامی قریش یک معجزه عظیم وبزرگی بود. به قدرت وتوان الله ﷻ نظر کنید که: محمدﷺ چطور کامیاب گردید ودشمنی او چطور ناکام ونامراد شد؟ عنکبوت قبل از قریش دهن غار را مسدود ساخت مفتشین طوری متحیر شدند که از نزدیکی غار عودت نمودند به عنکبوت سعادت دائمی نصیب گردید. ابن نقیب درین مورد چطور شعر خوبی زمزمه کرده اند:

و دود القزُّ إن نسجت حريرا ... يجمل لبسه في كل شي

فإنّ العنكبوت أجلّ منها ... بما نسجت على رأس النبي

ترجمه: کرم ابریشم رابوجود آورد که در دنیا بی مثال است واستعمال او درهرچیز زیب و زینت است. ولی عنکبوت به مراتب از او بهتر است زیراکه سبب اشیانه وی باعث حفاظت محمدﷺ گردید. در صحیحین از انسؓ روایت شده که ابوبکرؓ فرمود: من در غار به محمدﷺ گفتم: اگر کفار زیرا قدام خود نظر کنند یقیناً مارا می بینند محمدﷺ مرا فرمود: ای ابوبکر! دربارهٔ آن دو شخص چه نظر درای که الله ﷻ سوم آنها باشد؟ بعضی از نویسندگان سیرت نوشته است: وقتیکه ابوبکرؓ این تشویش را اظهار نمود اوﷺ فرمود: اگر مشرکین ازین راه داخل غار شوند ما از راه دیگری خارج خواهیم شد ابوبکرؓ بطرف دیگر نظر کرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

دروازهٔ را دیده که پیش او دریای بزرگی موجود وددهن غار کشتی عظیمی ایستاده بود.

بخاطر محمدﷺ قربانی وفدای جان ابوبکر از اهداف والای اوبود: حسن بصری رحمه‌الله می فرماید: هنگامیکه خبر هجرت وهمراهی وی با محمدﷺ منتشر گردید که بطرف غار ثور درحرکت هستند. ابوبکرصدیقؓ احیاناً پیش می رفت وگاهی هم به تعقیب محمدﷺ حرکت می کرد. محمدﷺ پرسید ای ابوبکر! چرا سیرو حرکت تان اینطور هست؟ او ؓ درپاسخ گفت: زمانیکه در ذهنم مردمی می آیند که به دستگیری تان مبادرت می ورزد من به تعقیب تان می روم وقتیکه دشمن درکمین نشسته را متصور می شوم از تو سبقت می کنم تاکه به شما کسی تکلیف واذیت نرساند محمدﷺ برایش فرمود: دروقت خطرناک و اضطراری بسبب من کشتن راخوش دارید؟ ابوبکرؓ عرض کرد: به الله سوگند که همین کار آرزو وتمنای من است.

وقتیکه به غار ثور رسیدند ابوبکرؓ گفت: شما انتظار کنی من اول غار را پاک خواهم کرد زمانیکه ابوبکرؓ داخل غار شد بدست های خود به بسیار فکر وتأمل غار را پاک نمود درهر ناحیهٔ که غارهای خورد را می دید درآن قطعه از رخت می نهاد وآنرا بند می کرد تاکه همه قطعه های رخت راخلاص کرد ویک غار باقی ماند که برای اوچیزی نداشت درآن خود را گذاشت این کار را بخاطر حفاظت محمدﷺ انجام می کرد که کدام چیز مضر باعث تکلیف او ﷺ گردد محمدﷺ داخل غار گردید وسر مبارک خود رابه زانوی ابوبکرؓ نهاد وخواب شد از آن سوراخی که ابوبکرؓ درآن پشت پای خود نهاده بود ماری در آمد ابوبکرؓ را گزید ولی او ؓ پایش را حرکت نداد تامبادا محمدﷺ از خوابش بیدار نگردد از درد والم زیاد اشک از چشم ابوبکرؓ جاری شد وبر روی مبارک محمدﷺ افتید محمدﷺ بیدار شد وعلت ریختن اشک اش پرسید. اوؓ گفت: مرا مار گزید محمدﷺ لعاب دهنش را بالای او گذاشت واثر زهر رانابود کرد. حسانؓ درین مورد چقدر خوب فرموده که:

والثانی اثنین فی الغار المُنیف وقد ... طافَ العدوُّ به إذ صَعَّدَ الجبلا
وکان حبَّ رسول الله قد علِموا ... من الخلائقِ لم یعدلْ به بدلا

نبی کریمﷺ به روز پنجشنبه از مکه مکرمه خارج شد وسه روز درغار ثور سپری نمود به روز دوشنبه اول ربیع الاول از آنجا حرکت نمود وبه تاریخ ۱۲ربیع الاول به مدینه منوره مواصلت کرد.

بنام ذکریا زاهد مشهوری گذشته است بعد از گذشتن مرض سخت وپر مشقت که بر او نفسهای مرگ راسرا زیر شد یکی از دوستان وی بر او تلقین کلمه نمود ولی او روی خود را

(c) ketabton.com: The Digital Library

طرف دیگری کرد دو ستش دوباره بر او تلقین کلمه کرد زاهد گفت: کلمه نمی گویم دوستش که این سخن راشنید بی هوش بر زمین افتید بعد از لحاظاتی که حالت زاهد رو به صحت شد چشم خود را باز نمود وبه دوست خود گفت: شما برایم چه گفته بودی؟ او در پاسخ گفت: بلی من برایت تلقین کلمه نموده بودم مگر تو دوکرت رویت گشتاندی وبار سوم از گفتن کلمه إبا ورزیدی. زاهد گفت: حقیقت امر طوری است که شیطان برایم جام (ظرف) آب آورد و در طرف راستم ایستاد شد وبرایم کاسه آب آشکاره نموده گفت: آب راضرورت وحاجتی داری؟ من برایش گفت: بلی. او درپاسخ گفت: بگو که عیسی علیه السلام فرزند الله جل جلاله هست. من از او رویم گشتاندم. شیطان باز به طرف چپم آمد وگفت: (ای سخنان سابقه اش تکرار نمود) ومن هم همان عمل سابقه ام انجام دادم زمانیکه بار سوم برایم همان سخنی تکرار کرد. درپاسخ گفتم: هیچگاه نمی گویم. شیطان به شنیدن این سخن کاسه را بر زمین انداخت وحرکت کرد من این سخن رابه شیطان گفته بودم نه باتو. سپس کلمه شهادت راگفت.

از عمر بن عبدالعزیز رحمه الله روایت است که بعضی از بندگان الله جل جلاله راسوال کرد مارا جای شیطان درقلب انسان نشانی کن او درخواب مثل شیشه پاکیزه وصفا یک جسم انسان را مشاهده کرد که داخل او از خارج دیده می شد. شیطان را دید که مانند بقه (ضفدع) درمیان طرف چپ به قلب انسان داخل کرده وساوس وتشویش هارا می انداخت هنگامیکه آن شخص ذکر الله جل جلاله رامی کرد شیطان فوراً به عقب خود فرارمی کرد ای الله جل جلاله مرا به فضل وکرم خود از شیطان مردود نجات عطاء نمائی واز زبان حاسد مرا حفاظت کن وتوفیق ذکر و شکر خودرا بده آمین یا رب العالمین.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفدهم

دربیان امانت و توبه

فضیلت درود شریف: محمد بن المنکدر رحمه‌الله از پدر خود روایت کرده است که سفیان ثوری رحمه‌الله در وقت طواف نمودن کعبه جوانی رامشاهده کرد که دربالا نمودن هر قدم خود درود می گفت سفیان ثوری رحمه‌الله می گوید: من برایش گفتم: ای جوان: چرا عوض تسبیح وتهلیل صرف درود می خوانی؟ سبب این عمل چیست؟ جوان درپاسخ گفت: توکیستی؟ گفتم: سفیان ثوری هستم. او برایم گفت: اگر تو از بندگان نیک الله ﷻ نمی بودی ترا هر گز ازین کار آگاه نمی کردم اساس این کار طوری است که باری همرای پدرم سفر حج حرکت کردم دراثنای سفر پدرم شدیداً بیمار ومریض گردید من سعی وتلاش زیاد کردم ولی او فوت نمود ورویش سیاه گشت و انا لله وانا الیه راجعون گفتم ورویش راپوشیدم به سبب غم واندوه خواب شدم درخواب جوانی خوش چهرهٔ رادیدم که مانند او درحسن و زیبایی کسی راندیده بودم لباس قیمتی ونفیس به تن داشت بسیار نظیف ومعطر بود آمد واز روی پدرم حجاب بلند نمود وبرایش اشاره کرد ورویش را مسح کرد که به این ساس رنگ پدرم سفید گشت زمانیکه او عودت می کرد از دامنش محکم گرفتم وبرایش گفتم: الله ﷻ به سبب تو روی پدرم سفید کرد شما کیستی؟ او درجواب گفت تو مرا نمی شناسی من پیامبر الله ﷻ محمد بن عبدالله هستم باهمه گناهان بزرگی که پدرت مرتکب آن بود ولی بالایم درود زیاد می خواند ومن باکسی همکاری می کنم که او بالای من درود می فرستد. جوان گفت: پس ازین حادثه ازخواب بیدارگشتم دیدم که روی پدرم سفید گشته. عمرو بن دینار رحمه‌الله از ابوجعفر روایت می کند که محمد ﷺ فرمود: کسیکه درود گفتن برمن فراموش کرد او راه جنت را گم کرد.

تعریف امانت:

امانت از أمن ماخوذ است وهیچ کسی به ترک کردن حق مامون نمی شود ضد امانت خیانت است که از (خون) مشتق شده که معنای آن کم کردن است هنگامیکه درکدام چیز خیانت می کنی درآن کمبود می آید. ارشادات نبی کریم ﷺ دربارهٔ امانت: ارشاد نبی کریم ﷺ است که می فرماید: فریب، خدعه و خیانت شیوهٔ جهنمیان است کسیکه بامردم درخرید وفروش ظلم نکرد وبه آنها دروغ نگفت آنان به مقصود شان رسیدند عدالت شان آشکار

(c) ketabton.com: The Digital Library

گردید وبه آنها دروغ نگفت آنان به مقصود شان رسیدند عدالت شان آشکار گردید وبه آنها برادری کردن ضروری گشت.

یک اعرابی درتعریف یک قوم می گوید: او امین است باکسی فریب روانمی دارد وعزت کدام مسلمان راپائمال نمی کند و حق کسی رانخورده لذا آن بهترین قوم ا ست امروز حالت به حدی رسیده است که درچهره ولباس انسان گرگ روان می باشد طوریکه شاعری گفته است:

بمن یثق الإنسان فیما ینوبه ومن أین للحر الکریم صحابُ
وقد صار هذا الناسُ إلا أقلّهم ذئاباً علی أجسادهن ثیابُ

ترجمه: برای کسیکه با انسان باوجود مشکلاتیکه به او می رسد هم اعتماد نماید به پس برای شخص آزاد و باعزت اصحاب از کجا موجود می شود. بدون بعضی انسانان دیگران درلباس انسان گرگ هستند.

شاعری دیگر می گوید:

ذهب الذین یقال عند فراقهم لیت البلاء ومابها تتصدّعُ

ترجمه: آن مردمی رفتند که درفراق شان گفته می شد ای کاش این شهر را خراب می شد و قیامت بر پاو قایم می گردید.

از حذیفه رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: عنقریب امانتها بالا می شود. ومردم درمیان خود به تجارت می پردازند وهیچ درمیان شان امین پیدانمی شود. تاکه گفته می شود درفلان قبیله فلان شخصی امین است یعنی پس از تفتیش وجستجوی زیاد هم امین پیدانمی گردد.

وجوب توبه کردن: وجوب توبه نمودن از آیات واحادیث نبوی ثابت ا ست. الله جل جلاله می فرماید: ﴿ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾ ﴾[1].

ترجمه: (ورجوع کنید بسوی خدا همه ای مسلمانان بود که رستگار شوید).

درین آیت الله جل جلاله به مومنان امر توبه کردن رانموده تاکه توبه نمایند وکامیابی نصیب شان گردد درآیت دومی الله جل جلاله می فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ﴾[2].

---

[1] (النور ۰۳۱)
[2] (التحریم ۰۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: (ای مسلمانان رجوع کنید بسوی خدا رجوع خالص لفظ نصوح از (نصح) گرفته شده که معنای آن خاص بخاطر الله ﷻ توبه نمودن است. فضیلت توبه ورجوع بسوی الله ﷻ ازین آیت قرآنی ثابت می گردد. الله ﷻ می فرماید:﴿ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾ [1].

ترجمه: (هرآئینه خدا دوست می دارد توبه کنندگان را دوست می دارد پاک شوندگان ارشاد نبوی است که می فرماید: تائب دوست پروردگار است ومثل همان شخص است که هیچ گناه نکرده باشد.

ارشادات نبوی دربارهٔ توبه: فرمان نبوی است که الله ﷻ به توبه نمودن بندهٔ مؤمن از آن شخص زیاد تر خوشحال وخوشنود می گردد که او درسفری سخت ومشقت بار درحرکت می باشد وبه مرکب خود مال ومتاع خوردنی ونوشدنی حمل کرده باشد دراثنای سفر بخاطر رفع تعب وخستگی استراحت نموده خواب می شود. هنگامیکه بیدار می گردد که مرکب وسامان محمولهٔخویش گم شده باشد درتلاش پیداکردن مرکب خویش حرکت می کند وازشدت حرارت بسیار تشنه می شود وپس به همان استراحت گاه سابقه اش عودت می کند بعد از ناراحتی وسرگردانی زیاد به انتظار مرگش دست زیر سرش می گذارد تصادفاً مرکب با بار و متاعت او مشاهده می کند به دیدن مرکب همرای سامان و متاع سفرنهایتاً خوشنود ومسرور می گردد. همچنان الله ﷻ به توبه بنده خود مسرور وخوشحال می گردد.

ازحضرت حسن رحمه الله روایت است که: زمانیکه الله ﷻ توبه آدم علیه السلام راقبول کرد فرشته ها به او تبریکی گفتند جبریل ومیکائیل علیهما السلام حاضر شدند وگفتند ای آدم علیه السلام شما به پذیرفتن توبه تان مسرور شدی، آدم علیه السلام گفت: اگر پس از قبولیت توبه ام ضرورت ونیاز به سؤال کردن پیداشود چه خواهم کرد؟ الله ﷻ به آدم وحی نازل کرد وبرایش فرمود: ای آدم شما او لاد تان را وارث تکلیف و مشقت گشتاندی ومن آنانرا توبه عنایت کردم وکسیکه برایم فریاد نماید من مثل تو فریاد آنانرا می شنوم اگر کسی از من سوال مغفرت بکند اورا نا امید ومایوس نمی سازم زیراکه من نزدیک هستم ودعا رامی پذیرم. ای آدم من توبه کنندگان را طوری حشر من کنم که به خنده وخوشحالی بسوی من درحرکت می باشند ودعاهای شان راقبول می کنم. ارشاد نبوی است که دست های رحمت پروردگار از شام تاصبح و از صبح تا

---

[1] (البقرة: ۲۲۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شام بخاطر نجات گناهگاران باز می باشد واین کار تا روز قیامت به همین منوال می باشد. یعنی تا روز قیامت توبه بندگان خود می پذیرد.

محمدﷺ می فرماید: اگر گناهان تان به آسمان برسند و باز توبه کنید اللهﷻ توبه شمارا قبول می کند. نبی کریمﷺ فرمود: کسی مرتکب گناه می شود که به سبب او داخل بهشت می گردد از محمدﷺ پرسیده شد چطور؟ اوﷺ فرمود: به تعقیب ارتکاب گناه فوراً به دربار اللهﷻ گریه می کند واشک خود می زیزاند. یعنی به گناهان خود ندامت می کند وگریه می نماید.

نبی کریمﷺ می فرماید: ندامت کفاره گناهان است. ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است که می فرماید: توبه کننده از گناهان مثل شخص است که هیچ گناه نکرده باشد. غلام حبشی درخدمت نبی کریمﷺ حاضر گردید وعرض نمود: یا رسول اللهﷺ من مرتکب گناه می شوم آیا توبه ام پذیرفته می شود؟ او ﷺ فرمود: بلی. آن شخصی رفت ولی اندکی پس دوباره آمد وگفت: وگر من گناه می کنم آیا اللهﷻ مرا میبیند؟ پیغمبرﷺ فرمود: بلی: غلام حبشی که سخنان پیغمبرﷺ را شنید فغان کشید وروحش پرواز نمود (یعنی فوت کرد).

تا وجود آخرین نفس انسان توبه پذیرفته می شود: روایت است هنگامیکه اللهﷻ ابلیس راملعون ساخت ابلیس تا روز قیامت مهلت خواست اللهﷻ برایش وخت داد. شیطان گفت: به جلال وعظمت تان سوگند می کنم تاکه انسان زنده باشد از قلب او توبه کردن خارج می سازم. اللهﷻ فرمود: به جلال وعظمت خود سوگند یادمی کنم تاکه انسان زنده باشد از او توبه پنهان می کنم وبر او حجاب می بندم. پیامبرﷺ می فرماید: حسنات ونیکی ها گناهان طوری پاک وصفا می سازد مانند آب که ناپاکی وچرک پاک می کند. از سعید بن المسیب رحمه‌الله روایت است که آیه مبارکه ﴿ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ ﴾[1].

ترجمه: (پس هرآئینه وی هست رجوع کنندگانرا آمرزنده د دربارهٔ شخص نازل گردیده که گناه می کرد وبه تعقیبش توبه می کرد باز مرتکب گناه می شد وباز توبه می نمود.

فضیل رحمه‌الله می فرماید: ارشاد رب الجلال است که می فرماید: به گناهگاران بشارت بدهید اگر آنها توبه کنند آنرا می پذیرم. صدیقین راخبردارسازید: اگر اعمال شان وزن کنم هیچ کسی آنها را از عذاب نجات داده نمی تواند یعنی اگر با آنها عدل کنم مستحق عذاب می گردد. عبدالله بن عمرﷺ می فرماید: اگر کسی به گناهان خود ندامت کند وقلب وی از خوف

---

[1] (الإسراء ۲۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله ﷻ به لرزه درآید گناهان او عفو می شود. نجات دهنده از گناهان صرف الله ﷻ است وبس.
روایت است که یک نبی پروردگار مرتکب خطاء گردید الله ﷻ برایش وحی نازل کرد که: اگر بار دوم مرتکب چنین غلطی شدی از عذاب من نجات نمی یابی. نبی عرض کرد: یا الله ﷻ! تو تو هستی. ومن من هستم. من به عزت وجلال تو سوگند می کنم اگر مرا از گناهان نجات ندهی. هرگز نجات نمی یابم به این کار الله ﷻ از خیالات گناه هم محفوظ کرد.

دروازه مسدود نمی شود: کسی از ابن مسعود ﷺ پرسید: به ارتکاب گناهانم بسیار خجالت وشرمنده هستم آیا برایم توبه هست؟ ابن مسعود ﷺ روی خود دور داد و بار دوم که به طرف گناه گار نظر کرد دید که از چشمانش اشک می ریزد وفرمود: جنت هشت دروازه دارد که هم بند می شود وهم باز می گردد ولی دروازه توبه هیچگاه هم بند نمی شود عمل کن واز رحمت پروردگار مایوس نشوی.

روایت است که دربنی اسرائیل جوانی بود که بیست سال متواتر عبادت الله ﷻ را انجام داد وبیست سال دیگر در ارتکاب گناه سپری کرد. روزی چهره اش درآیینه دیدکه درریش وی موهای سفید پیداشده خیلی زیاد پریشان شد و درحضور پروردگار عرض کرد: ای الله ﷻ بیست سال عبادت تانرا کردم دبیست دیگر درگناه ونافرمان تان مصروف بودم اگر باز به طرف تان رجوع کنم آیا این کارم قبول می کنی؟ اواز غیبی شنید که می گفت: با ما محبت نمودی پس ترا هم محبوب مان شدی. ما را ترک کردی شما را هم ترک کردم. توگناه کردی ما ترا مهلت دادم الان اگر تو رجوع می کنی رجوع وتوبه تورا می پذیرم.

از ابن عباس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: زمانیکه یک بنده توبه کند الله ﷻ توبه اش می پذیرد فرشته های حفظه گناهان سابقه بنده رافراموش می سازد واعضاء بدنش نیز گناهان انجام کرده خویش رافراموش می کند. آن قطعه زمین که بالای او گناه کرده باشد وآن حصه آسمان که زیر آن نیز مرتکب گناه شده باشد گناهانش فراموش می سازد. زمانیکه روز قیامت آید هیچ بخاطر شهادت بر گناهانش پیدانمی شود. از علی ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: چهار سال قبل از پیدایش وخلقت مخلوقات به چهار اطراف عرش نوشته شده بود که: ﴿ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا ثُمَّ ٱهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: و هر آئینه من بزرگ آفرزنده ام برای کسیکه توبه کرد وایمان آورد وکردکار

[1] (طه ۸۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شایسته پس راه راست یافت.

توبه نمودن از گناهان صغیره وکبیره فرض عین است زیراکه اصرار نمودن برگناه صغیره کبیره می گردد. الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا۟ فَٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ﴾[1].

ترجمه: (و آنانکه چون کار زشت کنند یا ستم کنند برخود شان...)

توبه نصوحه آن است که انسان از ظاهر وباطن خویش توبه نماید و در آینده از ارتگاب گناهان دیگر با عزم راسخ خود داری نماید کسیکه ظاهراً توبه می کند مثال او طوری آن چیزی ناپاک و نجس است که مردم بالای آن پرده ابریشمی هموار نموده باشند و ناظرین آنرا به نظر حیرت مشاهده می نمایند زمانیکه این پردها از او (مزبله) بلند شود مردم ازآن اعراض می نمایند بنظر تعجب مشاهده می کنند مگر روز قیامت چادر ریاکارانه آنها پاره می گردد وفرشته ها از آنها پاره می گردد وفرشته ها از آن اعراض می نمایند اینگونه محمد ﷺ فرموده است: الله ﷻ به اشکال وچهرهای تان نظر نمی کند بلکه به دلها وقلوب تان نظر می نماید از ابن عباس ﷺ روایت است که روز قیامت مردم می آیند که گویا آنها تائب می باشند و درحقیقت امر آنها توبه ننموده باشد بلکه آنها دروازه های توبه بخاطر ندامت وبه پشیمانی بسته نکرده باشد بلکه توبه آنان رد کعده شده باشد زیرا که دروازه های توبه بخاطر ندامت به گناه بسته نکرده باشد. وپس از توبه عزم نکردن گناه رانموده باشند. حقوق مردم بر آنها سپرده ننموده باشد از الله ﷻ برای مغفرت اهتمام خاص نکرده باشد. به فکر او الله ﷻ راضی است. فراموش نمودن گناه وعدم توجه واهتمام بر آن این عمل خطرناکی است برای هر شخص عاقل و دانا لازم است که هر زمان محاسبه نفس خویش بکند وگناهان خود را فراموش نماید چنانچه شاعری می گوید:

يـا أيُّهـا المـذنب المُحصـي جرائمـه ... لا تـنسَ ذنبـک واذکـر منـه مـا سَـلفا

وتُـب إلـى الله قبـل المـوتِ وانزجـرا ... يـا عاصـياً واعتـرفْ إن كنـت معترفـاً

ترجمه: ای شمار کننده جرائم خود گناهان خویش رافراموش نکنید و ذاکر گناهان سابقه ات باش وقبل از مرگ خود بسوی الله ﷻ رجوع کن از ارتگاب گناهان خود دارای کن وبرگناهان خویش اعتراف نمایی.

از ابواللیث سمرقندی روایت است که باری عمر ﷺ درحالت گریه نمودن درخدمت پیغمبر ﷺ حاضر شد محمد ﷺ پرسید چرا گریه می کنی؟ عمر ﷺ عرض نمود وگفت: در دروازه

---

[1] (آل عمران ۱۳۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

جوانی ایستاده است که فغان وگریان او جگرم سوخته است پیغمبرﷺ برایش فرمود: او را به داخل بیار زمانیکه آن جوان داخل مجلس گردید محمد از او علته گریه کردن راپرسید. جوان درپاسخ گفت: من به زیادت گناهان واز خوف نا رضایتی پروردگار گریان می گنم محمدﷺ از آن جوان پرسید آیا مرتکب شرک شده اید؟ او گفت نه خیر. محمدﷺ پرسید آیا کدام شخص راقتل کرده ای او گفت: نه خیر پیامبرﷺ فرمود: اگر گناهان تان مانند هفت آسمان، زمین وکوههای باشد باز هم الله ﷻ برحمت خود شمارا عفو می کند جوان درپاسخ گفت: یا رسول الله ﷺ گناهانم از او هم بزرگ است محمدﷺ از او پرسید گناهان تان بزرگ است یا عرش الله ﷻ به جوان درپاسخ گفت: گناهانم زیاد بزرگ وعظیم است محمدﷺ از او پرسید گناهان تو بزرگ است یا الله ﷻ؟ او درجواب گفت: الله متعال بسیار بزرگ است محمدﷺ فرمود: یقیناً ذات عظیم الله ﷻ گناه بزرگی راعفوی می سازد باز از همان جوان پرسید گناهان تانرایگو که مرتکب کدام آنها شدی؟ او عرض کرد یا رسول الله دربیان نمودن آن شرم وحیا می کنم. محمدﷺ برایش فرمود: هیچ عیبی نیست جوان گفت: از هفت سال به این طرف کفنهای مردگان رابه سرقت می آورم، یکی از دختران انصار فوت نمود من بخاطر کفن کشیدن او رفتم قبرش راباز کردم وکفنش راگرفتم حرکت کردم چند قدم نرفته بودم که شیطان بر ما غلبه کرد دوباره عودت نمودن وهمرای آن دختر زنا کردم چند قدم که پیش رفتم دیدم که دختر بلند شد وبرایم گفت: الله ترا تباه ونا بود کند آیا تو از آن محافظ خوف و هراس احساس ننمودی که برای هر مظلوم از ظالم حق اورامی گیرد. مرا درصف مردگهان عریان کردی ودر دربار پروردگار ناپاک ونجس ساختی محمدﷺ بعد از شنیدن سخنایش اورا فرمود: از من دور شوی سزاوار ولائق جهنم هستی. جوان از همانجا به فغان وگریه درحالتی بیرون رفت که بر زبانش استغفار جاری بود. بر جوان چهل روز بر همین منوال گذشت روزی او بطرف آسمان نظر کرد وگفت: ای اله محمد و آدم وابراهیم علیهم السلام اگر مرا معاف کرده باشی محمدﷺ واصحاب کرام اورا اگاه کن ورنه برای سوختاندنم آتش از آسمان بفرستی ومرا از عذاب دوزخ نجات بده درین اثناء جبریلؑ به خدمت محمدﷺ حاضر گردید وبرایش فرمود: پروردگار تو بر تو سلام می فرستد واین پرسان می کند که این مخلوق تو خلق کردی؟ محمدﷺ فرمود: نه خیر من خلق نکردم بلکه من وهمهٔ را مخلوقات الله ﷻ آفریده است وهمان الله ﷻبرای شان رزق می دهد جبریلؑ برایش فرمود: الله ﷻ می فرماید من توبه همان جوان راقبول کردم. محمدﷺ جوانی راخواست وبشارت پذیرفتن توبه او را داد.

توبه الم ناک: در زمان موسیؑ شخصی بود که هیچگاه به توبه خود ایستاء نمی شد زمانیکه به الله ﷻ رجوع می کرد دوباره توبه اش را نقض می کرد الی بیست سال به همین

(c) ketabton.com: The Digital Library

منوال روان بود الله ﷻ به موسی علیه السلام وحی نازل کرد که به این بنده ام بگو که من از تو خیلی ناراض هستم. هنگامیکه موسی علیه السلام این پیام الهی به همان شخص رساند او بسیار زیاد خفه واندوه گین شد به صحرا رفت و به دربار الله ﷻ عرض نمود ای ذوالجلال: رحمت تانرا خاتمه یافت ویاهم گناهانم برایت اذیت وتکلیف داد؟ خزائن تان رابه پایان رسید یا بر بندگان خود نظر رحمت تانرا به انتها رسید. درمقابل عفو وبخشش تان هیچ گناهی بزرگ نیست. تو کریم هستی ومن بخیل. آیا بخل من بر کرم تان غلبه کرد. اگر بندگان تانرا از رحمت خود محروم نمودی پس آنها به درکی پناه ببرند؟ ای الله قادر وقهار! اگر عفو وکرم تان به خاتمه رسیده باشد وبرایم عذاب باقی مانده باشد پس عذاب هم گناهگاران ومجرمین رابه من بده بخاطر شان خود را فدا می سازم. الله ﷻ به موسی علیه السلام وحی فرستاد: که به بنده ام بگو که تو قدرت کامل. عفو وحقیقت درگذشت من شناخته ای اگر بر گناهان تان زمین ها پرشود باز هم شما راعفو می کنم. نبی کریم ﷺ می فرماید که برای رب العزت از صد آواز توبه شخص گناهگار چیزی دیگری محبوبتر نیست. هنگامیکه اوبه الله ﷻ آواز می کند وتوبه می کند الله ﷻ برایش می فرماید: من هستم چیزی که می خواهی طلب کن نزد من منزلت و مرتبه تان مانند بعضی از فرشته ها یکسان است. من طرف راست. چپ و بالا هستم واز حرکت دل تو هم نزدیکتر هستم. ای فرشته ها: شما گواه باشید که من اورا عفو کردم. ذونون المصری گفته است: بندگان فراوانی الله ﷻ وجود دارد که نالهای خطار را زرغ کرده است و اورا به آب توبه سیراب کرده اند. ثمر حسرت وندامت را ازآن خورده است او رابدون دیوانگی مجنون گفته شده وبدون رسیدن تکلیف ذلت راحاصل نموده آنانی است که الله ﷻ راشناخته اند آنها شخصیتهای بلیغ. فصیح وعدیم النظیر هستند آنها جامهای محبت را نوشیده است بخاطر صبر نمودن از مال ومتاع صبر کامل نموده وبهره مند وسدمند گردیده است سپس درعالم ملکوتی قلبهای شان راملول وغمگین گردیدند و سایه پردها وحجابات عالم جبروتی به افکار آنها نور و روشنی اعطاء نموده اند آنها درخدمت ندامت زندگی کردند. صحائف گناهان شان راقرائت کردند دست به فریاد وفغان زدند تاکه بر اساس تقوی و پرهیزگاری خود به حصول مراتب بلند زهد نائل شدند. تلخی ترک نمودن دنیا راخوش مزه وشیرین پنداشتنبه و بسترهای سخت رانهایت نرم تلقی نمودند تاکه راه نجات ونهادهای سلامتی را دریافت نمودند به ارواح شان درجنت مکانی مهیا گردیده وحقدار زندگی دائمی شدند واز خندقهای آه وگریان عبور نمودند وازپل های خواهشات گذشتند تاکه همجوار علم شدند واز حوض حکمت و دانای سیراب شدند ودرکشتیهای فهم وفراست سوار گردیدند و دربار سلامتی به دولت نجات قلعه ها را آباد ساختند وصاحبان باغها ومالکان خزانه های عزت وکرامت گردیدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هجدهم

در فضیلت شفقت

نبی کریمﷺ فرموده اند: دربهشت مردم ومهربان داخل می گردند صحابهٔ کرام عرض نمودند: همهٔ مارحیم هستم. پیامبرﷺ فرمود: رحیم کسانی نیستندکه بالای خود شان رحم کنند بلکه مردمی هستند که بالای خود شان ودیگران هم رحم می کنند.

حقیقت رحم کردن:

مطلب رحم کردن بالای خودشان اینست که باکسی اذیت و اذاء نرساند. محمدﷺ می فرماید: مسلمان کسی است که از رساندن ضرر دست وزبانش دیگران محفوظ باشند واوبر حیوانات هم رحم نماید واز آنها به اندازه طاقت وتوان شان کار بگیرد. فرمان مبارک نبی کریمﷺ است که می فرماید: شخص سفری می کرد و در راه باتشنگی شدیدی مواجه گردید او چاه رادید واز آب او خود را سیراب کرد در جوار خود سگی بسیار تشنه رامشاهده کرد که زبانش کشیده افتیده بود. مسافر فکر کرد که سگ هم مانند من تشنه رامشاهده کرد که زبانش کشیده افتیده بود. مسافر فکر کرد که سگ هم مانند من تشنه شدیدی است عودت کرد وسگ را هم آب داد اللهﷻ به برکت این عمل تمام گناهان شان راعفو کرد. صحابه کرام پرسیدند: آیا در رحم کردن بالای حیوانات هم اجر وثواب کمائی می گردد او ﷺ فرمود به سبب رحم وشفقت بالای هر ذی روح ثواب حاصل می گردد.

از انسؓ روایت است که شبی عمرؓ گشت می کرد درین اثناء بالای قافلهٔ عبور کرد ودر ذهنش گشت شاید کسی ازین قافله ذردی کند. در راه عبدالرحمن بن عوف عمرؓ را دید وبرایش گفت: ای امیرالمؤمنین درین وقت کجا می روی؟ او فرمود: قافلهٔ استراحت نموده خوف دارم کدام شخصی از آنها ذردی نکند بیائید حفاظت آنها رابکنیم. هر دوی آنها بسوی قافله رفتند وامنیت آنها را گرفتند وتمام شب حفاظت قافله را کردند زمانیکه صبح شد عمرؓ اواز داد ای اهل قافله برخیزید نماز صبح را اداء کنید هنگامیکه آنها ازخواب بیدار شدند عمر وعبدالرحمن رضی الله عنهما به خانه های شان عودت کردن.

بر ما مسلمانان لازم وضروری است که عملکرد صحابه کرام راتعقیب کنیم وطبق نقش قدم شان رفتار کنیم. اللهﷻ درمورد آنها فرموده است: (رحماء بینهم) یعنی آنها درمیان خود

(c) ketabton.com: The Digital Library

رحیم ومهربان است، رحم شان به اندازهٔ بود که کافر ذمی هم از رحم وشفقت شان محروم نمی شد. عمرؓ موسفید ذمی در دروازه های مردم رامشاهده کرد که بخاطر گدایی وسوال می گشت. عمرؓ فرمود: من باتو انصاف نکردیم درجوانی از تو جزیه گرفتیم ودرپیری به گدایی کردن در دروازه های مردم مجبور ساختیم درهمان لحظه از بیت المال برایش تنخواه مقرر کرد واز گدایی نجات اش داد.

از علیؓ روایت است که یک صبح عمرؓ را دیدم که بالای شتر خود سوار است وکدام طرفی درحرکت بود از او پرسیدم: ای عمر کجا روان هستی؟ او فرمود: از شترهای صدقه شتری گم گردیده درجستجوی یافتن او هستم من برایش گفتم: شما خلفای آینده تانرا درمشقت وتکلیف قرار دادی عمرؓ درپاسخ گفت: ای ابوالحسن: مرا ملامت مکن به اللهﷻ سوگند می کنم که محمدﷺ رابرحق پیامبر فرستاده است اگر بر لب دریای فرات گوسفندی یکساله بمیرد روز قیامت دربارهٔ مرا پرسان خواهد شد. زیرا عزت آن امیر نیست که مسلمانان را به هلاکت بکشاند ونه مقام آن امیر بدبختی است که مسلمانان را بترساند.

ارشادات نبوی دربارهٔ رحم وشفقت:

نبی کریمﷺ می فرماید: که امت من به خواندن نمازها وگرفتن روزه ها به جنت داخل نمی شود بلکه به سبب صحت قلبها سخاوت وبالاس مسلمان رحم کردن داخل بهشت می گردد. ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است که اللهﷻ بالای رحیم رحم می کند شما به آنانی که درزمین زندگی می کند رحم کنید تا آن ذاتی که در آسمان است بالای تان رحم نماید. نبی کریمﷺ می فرماید: کسیکه بالای دیگران رحم نمی کند او هم مستحق رحم نمی گردد وکسیکه دیگر را مورد عفو نمی گیرد برای او هم عفو نیست. از مالک بن انسؓ روایت است که نبی کریمﷺ فرموده است بالای تو مسلمانان چهار حق دارد نصرت محسن تانراکنید. برای گناهگاران تان طلب مغفرت نمائید. پرسان مریض رابکنید وبا توبه کننده دوستی کنید. روایت است که موسیؑ به اللهﷻ عرض کرد که ای اللهﷻ مرا به کدام عمل صفی خود کردی؟ اللهﷻ برایش فرمود: به سبب رحم کردن تان بالای مخلوق من ترا صفی خود گشتاندم. ابوالدرداءؓ از اطفال چوچه های پرنده می خرید وآنرا ازاد می ساخت ومی فرمود: بروید زندگی ازاد نه کنید؟ نبی کریمﷺ می فرماید: همه مسلمانان درترحم. شفقت و محبت مانند یک جسم می باشند هرگاه که به عضو آن تکلیف می رسد تمام جسم به تکلیف ودرد مبتلامی گردد داستان: در بنی اسرائیل زمانه قحطی بسیار سخت آمده بود. یک عابد بالای تپه

(c) ketabton.com: The Digital Library

سنگریزه عبور کرد ودر دلش آمد کاش این تپه سنگریزه تپه آرد می بود که به بنی اسرائیل توزیع می کردم الله ﷻ به بنی اسرائیل وحی فرستاد که به آن بندهٔ نیک من بگوئید که کدام اجر و پاداش که به توزیع نمودن آن تپه سنگریزه که به آرد تبدیل می شد حاصل به همان اندازه ثواب بخاطر حسن نیت تانرا برایت اعطاء نمودم زیراکه ارشاد نبی کریم ﷺ است: نیت مومن از عمل او بهتر است.

حکایت: باری عیسی علیه السلام کدام طرف می رفت شیطان رادید که دریک دستش عسل و در دست دیگر خود خاکستر گرفته بود او ﷺ از شیطان پرسید ای دشمن الله ﷻ این دوچیز برای چه استخدام می کنی؟ شیطان گفت: عسل به لب های غیبت کننده می نهادم تاغیبت را اداء بدهد وخاکستر بر روی های ایتام پاش می دهم تا مردم دیگر هم از آنها متنفر گردند. نبی کریم ﷺ فرموده است کسیکه یتیم راطعام داده الله ﷻ برایش جنت واجب ساخت. نبی کریم ﷺ فرموده است هنگامیکه به کدام یتیم تکلیف برسد؟ به گریان این یتیم عرش پروردگار به لرزه می آید. الله ﷻ می فرماید: ای فرشته ها این یتیم کی به گریان درآورده است؟

در روضه العلماء آمده است که ابراهیم علیه السلام قبل از خوردن طعام یک دومیل مسافه راطی کرد تاکدام مهمان رادریافت نماید وباوی طعام بخورد. باری علی ﷺ گریان کرد مردم خواست تا باعث گریان او معلوم کنند او ﷺ فرمود: بسیار وقت گذشت که بسوی من مهمان نیامده شاید الله ﷻ ازمن خوشنود نباشد (خفه باشد) نبی کریم ﷺ می فرماید: اگر کدام شخص فی سبیل الله کسی راطعام بدهد برایش بهشت واجب می گردد. وکسیکه به کدام شخص گرسنه نان نداد الله ﷻ روز قیامت فضل وکرم خود را از او می بندد واو را عذاب می دهد.

شخصی سخاوتمند به الله ﷻ نزدیک و از دوزخ دور می باشد. نبی کریم ﷺ می فرماید: شخصی سخی وجواد به الله ﷻ جنت ومردم نزدیک وازجهنم دور می باشد. نبی کریم ﷺ می فرماید: سخی وجواد جاهل نسبت به بخیل عابد به نزد الله ﷻ محبوب است. نبی کریم ﷺ می فرماید: روز قیامت چهار نوع مردم بدون حساب داخل بهشت می گردد:

۱) عالم با عمل

۲) حاجی که بعد از حج نمودن تامر گش مرتکب گناه نشده باشد.

۳) شهیدی که بخاطر بلند شدن دین الله ﷻ درمیدان جنگ شهید شده باشد.

۴) آن سخی وجوادی که مال حلال کسب نموده وبخاطر رضای الله ﷻ مصرف نماید. این مردم درمیان خود به این مساله مناقشه دارند که کدام آنها اولتر به جنت داخل گردد. از این

(c) ketabton.com: The Digital Library

عباس رضی الله عنه روایت است که نبی کریم ﷺ فرموده اند: الله ﷻ به بعض از بندگان خود مال ودولت داده تابه مردم نفع برسانند وکسیکه درکار خیر ومنفعت رساندن با مردم بخل می نمایند الله ﷻ دولت ومال آنها رابه کسی دیگر منتقل می سازد، نبی کریم ﷺ فرموده است که سخاوت دربهشت درختی است که شاخهای او بر زمین آویزان وافتیده باشد کسیکه یکی از همین شاخها رامحکم گرفت به سبب او به جنت وصل می شود.

ازجابر رضی الله عنه روایت است که از محمد ﷺ پرسیده شد کدام عملی بهتر است؟ او ﷺ فرمود: صبر و گذشت. مقداد بن شریح از پدرش و از پدر خود روایت می کند که پدر کلان او به محمد ﷺ عرض نمود: مرا عملی نشان دهید که به سبب او داخل جنت شوم محمد ﷺ فرمود: از اسباب مغفرت به مردم نان دادن، سلام دادن واخلاق نیکو است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نزدهم

خشوع وخضوع نمودن در نماز

درحدیث آمده است که روزی جبریل علیه السلام درخدمت نبی کریم ﷺ حاضر شد وفرمود: من در آسمان فرشته رادیدم که بر تخت نشسته بود هفتاد هزار فرشته صف بسته درخدمت او مصروف بودند واز هر نفس آن یک فرشته خلق می گردد وحالاً همان فرشته رابالاهای شکسته اش درکوه قاف درحالت گریان کردن رادیدم هنگامیکه مرا مشاهده کرد گفت: درنزد الله ﷻ شفاعت وسپارش مرابکن. پرسیدم مرتکب کدام جرم وگناه شدی؟ او گفت: شب معراج که براق محمد ﷺ عبور می کرد من به تخت نشسته بودم وبخاطر تعظیم محمد ﷺ ایستاد نه شدم لهذا الله ﷻ مرا به این عذاب مبتلاساخت. جبریل علیه السلام فرمود: من تو أم باگریه درحضور الله ﷻ شفاعتش کردم الله ﷻ برایم فرمود: به آن فرشته بگو که به محمد ﷺ درود بفرستید او به محمد ﷺ درود خواند وبه سبب گناهش معاف گردید وبالهای جدید برایش اعطاء شد روز قیامت اولتر همه پرسان نماز می شود. روایت است که روز قیامت اولتر از همه چیزها به نماز شخص نظر کرده می شود اگر نماز های او کامل وپوره شود تمام اعمال او بشمول نماز هایش قبول می گردد واگر نماز هایش ناقص شد بناءاً اعمال وی هم مسترد می گردد.

روز محشر که جان گداز بود
اولین پرسش نماز بود

ارشاد نبوی است که نماز فرض بمثابهٔ ترازو است کسیکه اوراکامل کرد آن شخص کامیاب گردید. یزید الرقاشی رحمه الله می گوید: نماز محمد ﷺ طوری بود گویا که وزن شده است. ارشاد نبی ﷺ است که دونفر از امت من نماز می خواند رکوع وسجده آنها یکسان می باشد ولی درنماز های شان تفاوتی آسمان و زمین می باشد دریکی از نماز او خشوع می باشد و نماز دیگری آن بنده نظر رحمت نمی کند که درمیان رکوع وسجده کمر خویش را برابر نسازد حدیث شریف است که: شخصیکه نماز خود را مکمل بخواند وضوء خود بطریقه مسنونه انجام داد در رکوع وسجده اش خشوع وخضوع کرد ونماز خود را به تضرع وعاجزی اداء نمود نمازش مانند براق سفید به آسمان می رود ومی گوید: ای بنده: طوریکه شما حفاظت مرا کردی الله ﷻ حفاظت تانرا بکند ولی کسیکه نمازش دروقت خود اداء نکرد ووضوء خود

(c) ketabton.com: The Digital Library

بطریقه صحیحه انجام نداد رکوع وسجده اش به خشوع و خضوع کردن زیبائی نبخشید (نداد) نمازش به رنگ سیاه بطرف آسمان می رود ومی گوید: طوریکه مرا خراب وضائع کردی الله ﷻ هم شمارا ضائع کند. تاکه مانند قطعه های رخت کهنه پیچانده می شود ودر روی صاحبش زده می شود(مسترد می گردد).

بدترین انسانها دزد نماز است:

حدیث شریف است که بدترین شخص دزد نماز است ابن مسعود ﷺ می فرماید که: نماز پیمانهٔ است کسیکه آنرا تکمیل کرد کامیاب گردید وکسیکه آنرا کامل نساخت برایش عذاب است. بعض از علماء می گویند: نماز گذار مانند تاجری است درمالی ربح حاصل می کند که آن خالص وصاف باشد. همینطور عبادت نماز گذاری را تازمانی مفید واقع نمی شود تاکه فرائض اوبه طریقه صحیح و درست اداء نگردد. زمانیکه وقت نماز نزدیک می شد ابوبکر ﷺ به مردم می فرمود: کدام آتشی که الله ﷻ برایتان تیار نموده به وسیله نماز آنرا خاموش کنید. ارشاد نبی کریم ﷺ است نماز بسکون وتواضع اداء می گردد کسیکه درنتیجه نمازش از فحش واعمال ناشایسته خود داری ننمود آن شخص از الله ﷻ دور خواهد شد. کسیکه به غفلت نماز می خواند آن شخص نمازش را از ارتکاب اعمال نادرست منع نمی کند.

ارشاد نبی کریم ﷺ است که بسیار از نماز گذاران طوری است که برای شان بدون درد وتکلیف چیزی دیگری حاصل نمی شود. اشاره رسول الله ﷺ بسوی آن نماز خوانانی است که به غفلت نماز می خوانند. ارشاد نبی کریم ﷺ است که درآن نماز حصه ونصیب نماز خوان است آغاز نمودن آن به علم، قیام آن به حیا، اداء نمودن آن به تعظیم واختتام آن به ترس وهراس از الله متعال.

بعضی از مشائخ می گویند: قلب آن شخص که برحقیقت نماز عالم نباشد نمازش فاسد است. محمد ﷺ شخصی رامشاهده کرد که درنمازش به ریش خود بازی می کرد پیامبر ﷺ فرمود: اگر درقلب وی خشوع می بود دراعضاء خود هم خشوع می داشت از بازی کردن به ریش خود هوید امی گردد که دردلش خشوع نیست. پیامبر ﷺ فرمود: نماز آن شخص که دردلش خشوع نباشد هدر وبی ثواب است.

اوصاف آن نماز گذرانی که نمازهای خود را به خشوع وخضوع می خوانند: الله ﷻ ستایش آنانی که نماز های خود رابه خشوع وخضوع می خوانند درآیاتهای زیادی بیان نموده است

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله ﷻ می فرماید:﴿ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: (در نماز خود فروتنی کنندگانند).

﴿ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ ﴾[2].

ترجمه: (برنماز های خود دوام کنندگانند باحقوق آن).

﴿ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾ ﴾[3].

چه خوب گفته اند: نماز گذاران زیاد است ولی کسانیکه نماز شان به خشوع می خوانند کم هستند.

نماز درست وصحیح: نماز صحیح عبادت از خشوع، خضوع وعاجزی درنماز است وهمین کار نشانه پذیرش وقبول شدن آن است قسمیکه بخاطر جواز نماز شرائطی است برای قبول شدن آن همه شرائط است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ ﴾[4].

ترجمه: (هر آئینه به مقصود رسیدند مومنان، آنان که ایشان درنماز خود فروتنی کنندگانند)

یعنی شرط جواز او اداء نمودن فرائضی او است وشرط قبول وی خشوع می باشد. وهمچنان تقوی ضروری است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ ﴾[5].

ترجمه: (جز این نیست که قبول می کند الله ﷻ از پرهیزگاران).

نبی کریم ﷺ می فرماید: کسیکه دو رکعت نماز باخشوع وخضوع اداء نماید از گناهانش مانند کسی پاک می گرددکه نو از مادرش تولد شده باشد.

نماز باید در تاریکی خواند شود: حقیقت این است که قلب درنماز به سبب خیالات فاسد به معانی اصلی وصحیح فهمیده نمی شود ونه هم متوجه می گردد لذا فارغ ساختن دل ازین نوع خیالات یک امر ضروری است نجات ازین چند راه دارد که یکی از اینها نماز خواندن

---

[1] (المؤمنون ۰۰۲)
[2] (المؤمنون ۰۰۹)
[3] (المعارج ۰۲۳)
[4] (المؤمنون ۰۰۱-۰۰۲)
[5] (المائدة ۰۲۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

درتاریکی است ویاهم درمکانی خوانده شود که آنجا سکون وخاموش بطور کامل مسلط باشد وزیر پا باید فرش الگلین وملون نباشد وهمچنان باید نماز گذار جامه منقش به تن نداشته باشد زیرا که بمجرد نظر کردن به این نوع چیزها توجه وخشوع نماز گذار خدشه دار می گردد چنانچه درحدیث شریف آمده است که محمدﷺ در آن قمیص که از طرف ابوجهم ارسال گردیده بود نماز اداء کرد هنگامیکه از نماز فارغ شد قمیص خود کشید وآنرا دوباره به ابوجهمؓ فرستاد این طور توجه و تشریح کرد که این قمیص توجه ام را در نماز خراب کرد.

باری پیامبرﷺ بوتهای نو و جدیدی را پوشیده بود ودرحین نماز به اونظر کرد وبعد از نماز آنرا کشید و دوباره بوتهای کهنه اش پوشید وفرمود: دروقت اداء نماز توجه ام به این بوتها بود قبل از حرمت طلا بالای مردها پیامبرﷺ یکبار انگشتری رابوشید وبه منبر تشریف برد اوﷺ انگشتری طلایی راکشید واورا انداخت وفرمود: این چیز توجه ام را خراب می سازد. باری ابوطلحهؓ نماز خود را درباغ اداء می نمود و درین ناگهان گنجشکی پرواز کرد و درتلاش بیرون رفتن از درخت گردید، ابوطلحهؓ به تعجب این صحنه رامشاهده کرد وبرین اساس تعداد رکعات نمازش رافراموش کرد او در خدمت پیامبرﷺ حاضر شد واین واقعه رابیان کرد وگفت: یا رسول اللهﷺ! باغم را صدقه کردم درموردش طبق خواست خود تان تصمیم بگیرید وآنرا بفروش برسانید.

شخصی در زمان خلافت عثمانؓ درباغ خویش نماز می خواند وتوجه وی طرف خرما گردید که تعداد رکعات نماز را فراموش کرد او نماز خود را اداء نمود وبطرف عثمانؓ آمد وبرایش گفت: من باغم بنام اللهﷻ صدقه کردم وآنرا در راه اللهﷻ بفروشید عثمانؓ آنرا به پنجاه هزار روپیه به فروش رساند وهمچنان از سلف صالح رحمه الله نقل گردیده که درنماز چهار چیز بسیار بداست وآن طوری است: بطرف دیگر توجه کردن، روی بدست خود لمس کردن، بطور مکرر پاک کردن سنگریزها، ونماز خواندن در راه.

اللهﷻ بنده خود را مشاهده می کند: درحدیث شریف آمده است که: الله تا آنزمان به بنده خویش متوجه می باشد تاکه از نماز خود فارغ نشده باشد، ابوبکرؓ که به نماز ایستاد می شد طوری معلوم می گردید که گویا در زمین میخ شده باشد، بعضی از نیکان طوری رکوع می کردند که پرنده ها آنرا سنگ می پند اشتند وبرآن می نشستند. ذوق سلیم هم همین تقاضا دارد که هنگامیکه کسی به تعظیم عظمای دنیا حاضر می گردد به پیش خالق تمام مخلوقات حاضر شدن با تعظیم به طریق اولی باید باشد درتورات آمده است که انسان درحالت گریه

(c) ketabton.com: The Digital Library

کردن به دربارم از حاضر شدن ترس وخوف نداشته باشد پروردگارت از قلب تو هم نزدیک است ودرهر جا با علم وقدرت خویش می تابد وجلوه می نماید، روایت است که عمرؓ به منبر تشریف آورد وفرمود: شخصی دراسلام موی سفید می شود ولی نمازش کامل نمی باشد ازا وپرسیده شد این چطور است؟ عمرؓ فرمود: در دلش خشوع نیامده باشد ودر او تواضع وانکساری پیدانگردیده ودرنماز خواندن بصفت کامل متوجه نمی باشد پس چطور نمازش کامل شد؟ از ابوالعالیه رحمه الله درباره این آیه مبارکه که: (الذین هم صلاتهم ساهون) پرسیده شد او درپاسخ گفت: این برای کسی است که در نماز خود توجه و اهتمام نمی کند باسهو مواجه می گردد وبرایش معلوم نمی شود که چند رکعت نماز خواند دو رکعت، سه رکعت ویا هم چهار رکعت اداء نمود؟ حسن رحمه الله می گوید: این آیت شریف برای آن شخصی است که درنماز سهو می شود وتعداد رکعات رافراموش می کند تاکه وقت نماز خاتمه می یابد، ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است که اللهﷻ فرمود اند: بندگان من بدون اداء نمودن فرائض نجات نخواهند یافت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیستم

دربیان غیبت

وعید شدید درمورد غیبت: الله ﷻ درقرآن کریم بدی غیبت رابیان نموده وبه غیبت کننده نسبت آن شخصی کرده است که گوشت خبیث وحرام رامی خورد چنانچه الله ﷻ فرموده است: ﴿ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم ﴾[1].

ترجمه: (وغیبت نکنید بعضی شما بعضی را آیا دوست می دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مردهٔ خود را (نی دوست نمی دارد) پس بدانید آنرا (پس غیبت راهمچنان بد شمارید).

پیامبرﷺ می فرمایدکه: بالای هر فرد مسلمان ریختاندن خون و پایمال نمودن مال وعرض مسلمان دیگری خود حرام است. حدیث پیامبرﷺ است که می فرماید: خود را از غیبت کردن نگهداری کنید زیرا غیبت نمودن از زنا کردن بد تر است، شخصی مرتکب زنا می شود وپس از ارتکاب این عمل توبه می کند الله ﷻ توبه وی راقبول می کند لیکن غیبت کننده قبل از عفو آن شخص که غیبت اورا کرده باشد الله ﷻ برایش عفو نمی کند می گوید: مثال غیبت کنند مانند آن شخصی است که منجنیق را آماده کرده باشد وبوسیلهٔ آن نیکی هارا به طرف راست وچپ می زند، پیامبرﷺ می فرماید: ازغیبت پرهیز کنید زیراکه غیبت کردن از زنا بد تر است. همچنان پیامبرﷺ فرموده است غیبت آنرا گفته می شود که تو آن چیزی برادرتو را ظاهر وافشاء کنی که ظاهر شدن آنرا نمی خواهد برابر است که آن غیبت دربدن یا درنسب یا درفعل ویا درقول ویا در دین ویا هم درامور دنیوی وی باشد حتی که ذکر کردن عیب درلباس، چادر، و یا مرکبش باش هم غیبت است. قول بعض از ائمه سلف است که گفته اند: اگر کسی بگوید که لباس کدام شخص کوتاه ویاهم دراز است این کار هم غیبت است واین مساله بسیار عظیمی است که عیوب شان را ذکر کنید.

روایت است که زنی کوتاه قدر درخدمت پیامبرﷺ بخاطر کدام کاری حضور یافت هنگامیکه او عودت نمود عائشه ؓ گفت: این زن چقدر کوتاه بود پیامبرﷺ برایش فرمود: ای

---

[1] (الحجرات ۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

عائشه غیبت اش کردی؟ نبی کریمﷺ فرموده است خود را از غیبت پرهیز کنید زیراکه درین کارسه مصیبت است.

۱) دعای غیبت کننده قبول نمی شود.

۲) حسنات او دربارگاه اللهﷻ پذیرفته نمی شود.

۳) بر او هجوم گناهان سرازیر می شود.

انجام عملکرد نمام:

پیامبرﷺ فرموده است بدترین انسانها روز محشر کس است که دو روی دارد برای تان به یک روی می آید وبه دیگران به روی دیگر کسیکه در دنیا عمل نمامت را انجام می دهد روز قیامت برای وی دو زبان آتش می باشد. همین طور حدیث پیامبرﷺ است که می فرماید: شخصی نمام داخل بهشت نمی شود.

حکمت: اللهﷻ در دهن تمام مخلوقات زبان خلق کرده است ولی ماهی را محروم کرده اند زیرا هنگامیکه فرشته ها به حکم اللهﷻ به آدمؑ سجده کرد وابلیس به چهره مسخ شد طرف زمین افتید وبه دریا رفت ونظرش به ماهی خورد وبرایش حکایت تخلیق آدمؑ را کرد وگفت: آدمؑ شکار حیوانات بری وبحری خواهد کرد ماهی این داستان رابه حیوانات بحری کرد بدین وسیله از نعمت زبان بی بهره ومحروم گردید.

عذاب نمام: عمرو بن دینار رحمه الله می فرماید: که درمدینه منوره شخص زندگی می کرد وهمشره اش درنواحی مدینه می زیست او بیمار شد واین شخص درخدمت همشیره خود مصروف گردید درنتیجه زن فوت نمود وبرایش درتکفین وتجهیز میت مصروف شد زمانیکه از تدفین میت فارغ شد به خانه اش عودت کرد به یادش آمد که خلطه پول وی درقبر مانده است او ازیکی دوستان خود طلب همکاری نمود هر دوی آنها رفتند وقبر را باز نمود و خلطه پول را گرفت اوبه دوست خود گفت: اندکی دور ایستاد شوی تا احوال همشره ام معلوم کنم زمانیکه درلحد نظر کرد همشیره خود درمیان آتش مشاهد نمود دهن بسته عودت کرد وازمادرش پرسید: آیا همشیره ام کدام عادتی خراب داشت؟ مادرش گفت: همشره ات به سخنان همسایه گان گوش می گرفت ونمامت می کرد کسیکه می خواهد از عذاب قبر نجات یابد بر اولازم و ضروری است که ازغیبت ونمامت پرهیز نماید.

واقعه ابواللیث بخاری رحمه الله: ابواللیث بخاری رحمه الله بخاطر سفر حج از خانهٔ خود حرکت کرد ودو دینار باخود داشت دروقت سفر کردن سوگند خورد که اگر در دوران سفر

(c) ketabton.com: The Digital Library

الی مکه مکرمه وباز گشت از آن غیبت کسی را کردم این دو دینار خیرات می دهم او تامکه رفت وپس آمد ولی هر دو دینار درجیبش باقی مانده بود. از ابولیث درمورد غیبت پرسیده شد که چطور هست؟ گفت: یک دفعه غیبت نمودن اگر صد بار زنا کردن بد وقبیح می بینم.

قول جناب ابو حفصی الکبیر است که: غیبت کردن شخصی را از ترک کردن روزه ماه رمضان بد می بینم. باز فرمود: کدام شخصی اگر غیبت یکی از علماء را کرد روز محشر بر روی اونوشته می باشد: این از رحمت الله ﷻ ناامید است. حدیث شریف است که: شب معراج به قومی عبور کرد که بوسیله ناخوان های خود گوشت روی های شان قطع می کردند و گوشت نجس رامی خوردند. از جبریل علیه السلام پرسیدم این مردم کی هستند؟ جبریل امین علیه السلام فرمود: این مردمی هستند که دردنیا گوشت مردم رامی خوردند یعنی غیبت آنها رامی کردند. حسن رضی الله عنه گفته است: به الله ﷻ سوگند می خورم که غیبت دردین بنده مومن بسرعت خلل پیدا می کند از لقمهٔ که به شکم انسان می رسد یعنی از آن لقمه هم سریعتر در دین انسان خلل وراد می سازد. سلمان فارسی رضی الله عنه ابوبکرصدیق رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه درسفری یکجا حرکت می کردند سلمان رضی الله عنه طعام آماده می ساخت باری سلمان رضی الله عنه کدام چیزی خوردنی را پیدا کرده نتوانست که آنرا تیار نماید. ابوبکر رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه اورا بخدمت محمد ﷺ رافرستاد که کدام خوردنی را تلاش نماید او رضی الله عنه برگشت وفرمود: هیچ چیزی را نیافتم درحین بازگشت ابوبکرصدیق رضی الله عنه فرمود: اگر به فلان چاه هم رفتی هم آب خشک می شد باز این آیه شریف راتلاوت نمود: ﴿ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ ﴾[1].

ترجمه: (وغیبت نکند بعضی شما بعضی را آیا دوست می دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مرده خودرا (نی دوست نمی دارد) پس بد بدانید آنرا پس غیبت راهمچنان بد شمارید).

ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: کسی اگر گوشت برادر مسلمان خودرا در دنیا خورده باشد روز قیامت هم به همان گوشت برادر خود حاضر می گردد وبرایش گفته می شود که: این گوشت نجس را بخورید زیراکه تو دردنیا هم همین گوشت راخورده اید او همین گوشت نجس رامی خورد سپس این آیه مبارکه راتلاوت نمودکه: ﴿ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا ﴾[2].

---

[1] (الحجرات ۱۲)

[2] (الحجرات ۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: (آیا دوست می دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مردهٔ خودرا).

بوی غیبت بد را الحال چرا محسوس نمی شود؟ از جابرﷺ روایت است که در زمانه محمدﷺ غیبت با قلت وکمبودی هم بوی آن محسوس می شد لیکن درین زمان غیبت اینقدر عام گردید که بینی به بوی بد وقبیح غیبت عادت گرفته است او مانند شخصی است که پوستها را رنگ می کند اگر کسی از بیرون داخل خانه اش گردد از بوی بد پوستها یک دقیقه هم انتظار کرده نمی تواند اما صاحب خانه که شغل رنگ کردن را دارد درهمان می خورد وهیچ نوع بوی بد را احساس نمی کند همین حالت بد بویی غیبت است. کعبﷺ می فرماید: من درکتابی دیدم که چنین نوشته بود کسیکه از غیبت توبه نماید او از همه مردم متاخر داخل جنت می شود وکسیکه تا آخر عمر خود درغیبت مبتلا می باشد او از همه مردم اولتر داخل جهنم می گردد اللهﷻ می فرماید: ﴿ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝ ﴾[1].

ترجمه: (وای بر هر طعنه زنندهٔ عیب جو.)

این آیه تشریف درباره ولید بن مغیره نازل شد که درحضور مسلمانان غیبت محمدﷺ ومسلمانان رامی کرد. شان نزول این ایه مبارکه خاص است ولی وعید آن عام است. غیبت کردن از زنا هم بدتر است. محمدﷺ می فرمایدکه: از غیبت کردن پرهیز کنید که این از زنا هم بد وقبیح است پرسیده شد چطور؟ محمدﷺ فرمود: زمانیکه زنا کار تائب شود توبه اش قبول می گردد لیکن غیبت کننده تازمانی مستحق عفو قرار نمی گیرد تا شخصی که غیبت ا ش شده باشد خودش برای وی عفو نکند لذا برای هر غیبت کننده لازم وضروری است که درنزد اللهﷻ توبه نماید و از شخصی غیبت کرده شده معذرت و معافی بخواهد تا از آتشی که به سبب غیبت برایش می رسد نجات حاصل نماید. فرمان نبی کریمﷺ است که قبل از اختتام مجلس غیبت از اللهﷻ عفو بخواهد ودرباره هر شخصی که غیبت آنرا کرده باشد باید قبل از رسیدن سخنان وی به او رجوع نماید زیرا که پیش از رسیدن سخنان غیبت کننده توبه او پذیرفته می شود لیکن بعد از رسیدن سخنان توبه غیبب کننده تازمانی قبول نمی شود تا از همان شخصی عفو نخواهد و او همین تقاضای وی قبول نماید همچنان اگر زن شوهر دار زنا کند تا شوهرش برای او عفو نکند توبه زن قبول نمی گردد ومساله نماز، روزه و زکات هم بدون قضاء آوردن توبه اش پذیرفته نمی شود.

---

[1] (الهمزة ۱۰۰۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست ویکم

دربیان زکات

الله ﷻ می فرماید:﴿ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ﴿٤﴾ ﴾[1].

ترجمه: (وآنان که ایشان زکات را اداء کنند گانند).

از ابو هریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرموده: کسیکه حق مال و دولت خود را اداء نمی کند شکم وپشت او روز قیامت بر سنگهای گرم جهنم داغ می گردد و بدنش عریض می گردد زمانی که حرارت او کم گردد دوباره گرم می شود. واین عذاب برایش تا پنجاه سال طولانی می شود تاکه فیصله اعمال مردم خاتمه می یابد وبعداً داخل جنت می شود. الله ﷻ بی فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ ﴾[2].

ترجمه: (وانانیکه ذخیره می کنند طلا ونقره را وخرج نمی نمایند آنرا در راه الله ﷻ پس مژده ده ایشانرا بعذاب دردناک. روزیکه گرم شود آتش بر آن مالها درآتش جهنم پس داغ کرده شود به آن پیشانیهای ایشان وپهلوی های ایشان اکنون بچشید وبال آنچه ذخیره می گردید برای نفسهای خود ایشان و پشتهای ایشان (گفته می شود برای ایشان) اینست آنچه خزانه می گردید برای نفسهای خود روز قیامت فقراء برای اغنیاء باعث هلاکت می شود: نبی کریم ﷺ می فرماید روز محشر فقراء باعث هلاکت اغنیاء می گردد. زمانیکه روز قیامت فقراء به نزد الله ﷻ عارض می شوند که الله ﷻ اغنیاء حقوق مارا پامال نمودند وبالای مایان ظلم کردند الله ﷻ می فرماید: به عزت وجلال خود سوگند می خورم که امروز شمارا درجوار رحمت خود مقام می دهم وآنها را از رحمت خود دور می سازم وباز این آیه مبارکه را تلاوت نمود: ﴿ وَٱلَّذِينَ فِىٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾ لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾ ﴾[3].

---

[1] (المؤمنون ٠٠٤)

[2] (التوبة ٠٣٤-٠٣٥)

[3] (المعارج ٠٢٤-٠٢٥)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث شریف است که محمدﷺ فرمود: شب معراج به قومی عبور کردم که آنها پیش وپس خود پینه مانده بودند مانند حیوانات به ضریع، زقوم، و اضیف جهنم می چریدند(ضریع گیاهای خار د ار را می گوید، زقوم: درخت جهنم، و اضیف سنگهای راگوید که درجهنم گرم شده باشد پرسیدم ای جبریل: این مردم کی هستند او فرمود: ای محمدﷺ این مردمی هستند که زکات مال خود را اداء نمی کردند الله ﷻ بالای شان ظلم نکرده بلکه آنها بالای خودشان ظلم کرده است.

حکایت تعجب آور:

طائفه از تابعین کرام به ابوسنانؒ آمدند هنگامیکه آنها درینجا تاخیر نمودند ابوسنانؒ فرمود: همسایه ام فوت نموده بیائید تا بخاطری تعزیه برادرش برویم، محمد بن یوسف الفریابی می گوید: با او رفتیم دیدیم که اوبسیار آه وفریاد می کند برایش تسلیت زیاد دادیم ولی اواز عملش دست بردار نشد برایش گفتیم آیا برایت معلوم نیست که هر انسان یکروز فوت می گردد او گفت: این یک واقعیت است ولی بر عذاب برادرم گریان دارم بر او گفتم آیا الله ﷻ از عذاب برادرت بر شما خبر داده است؟ او گفت: نه خیر ولی سخن طوری است که بعد از تدفین برادرم مردم عودت نمودند ومن در آنجا ماندم وازقبرش آواز شنیدم که می گفت: افسوس که آنها مرا تنها گذاشتند ومن درعذاب مبتلا هستم نمازها و روزه هایم کجا است؟ من تحمل صبر از دست دادم وقبر را باز نمودم تاحالت برادرم را با خبر شوم، هنگامیکه اورا دیدم قبرش مملوء آتش بود و درگردنش طوق آتشین افتیده بود من بامحبت برادرانه پیش رفتم تا طوق را ازگردنش دور کنم. بمجرد رسیدن دستم انگوشتهایم سوختاند وهمچنان به دستهایم شعله آتش رسیده بود سپس کار همین بود او دردوام سخنان خود افزود: قبر وی را دوباره بند کردم وعودت نمودم اگر من گریان نکنم کی باشد اشک بریزاند؟ مابرایش گفتم: آیا برادرت ازین نوع کدام عملی داشت که مستحق چنین سزا وعذاب گردید؟ او گفت: برادرم زکات مال خود رانمی داد، ما گفتیم: این عذاب تصدیق همان جرم وگناه است. الله ﷻ می فرماید:﴿ وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا۟ بِهِۦ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ﴾[1].

---

[1] (آل عمران ۱۸۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: (ونه پندارند آنانکه بخل می ورزند به آنچه داده است ایشان را الله ﷻ از فضل خود که این بخل بهتر است دربارهٔ شان بلکه آن بسیار بداست دربارهٔ شان زود درگردن شان طوق می شود آنچه بخل ورزیده اند به آن د روز قیامت به برادرت قبل از روز قیامت عذاب داده شد. محمد بن یوسف السفریابی می گوید: ما از همانجا به خدمت حضرت ابوذر ﷺ آمدیم واز داستان همین شخص اگاه نمودیم و از او پرسیدم: یهودی وعیسوی هلاک می شود لیکن تاالحال همرای شان این نوع روش صورت نگرفته سبب این امر چیست؟ او ﷺ فرمود: درین شکی نیست که آنها درعذاب دایمی قرار می گیرند ولی الله ﷻ بخاطر عبرت مسلمان اینطور حالت را اظهار می کند. الله ﷻ فرموده است: ﴿ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ عَمِىَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾ ﴾[1].

ترجمه: (پس کسیکه دید برای خودش است وهر که نابینا ماند پس بروی نقصان است ونیستم من بر شما نگهبان).

ارشاد مبارک محمد ﷺ است که: شخصیکه زکات نمی دهد مانند یهودونصاری هست وکسیکه عشر اداء نمی کند مانند مجوس هست. وکسیکه زکات وعشر هر دورا اداء نمی کند به لسان محمد ﷺ وفرشته ها ملعون می گردد وشهادت او مورد قبول نیست وفرمود: برای آنانیکه زکات وعشر را اداء نمود بشارت است و روز قیامت از عذاب الهی نجات یافتن هستند کسیکه زکات مال خود را داد الله ﷻ اورا از عذاب قبر نجات می دهد وبر وی جهنم حرام می گرداند وهمچنین بدون حساب اورامستحق جنت می گرداند و روز قیامت تشنه نمی شود.

---

[1] (الأنعام ١٠٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست و دوم
دربیان قباحت زنا

الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ ﴿٥﴾ ﴾[1].

درآیه کریم دیگر آمده است: ﴿ وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلْفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ﴾[2].

ترجمه: (ومشوید نزدیک به بی حیائیها آنچه ظاهر باشد از آن وآنچه پوشیده باشد).

اینجا مراد از گناه کبیره زنا است واز گناه صغیره قبله گرفتن است وبه نظر شهوت اورانظر کردن ولمس کردن است چنانچه درحدیث شریف آمده است: دست ها پاها وچشم زنا می کند. الله ﷻ می فرماید: ﴿ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا۟ مِنْ أَبْصَٰرِهِمْ وَيَحْفَظُوا۟ فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ﴾[3].

ترجمه: (بگو برای مومنان که پایان اندازند برخی ازنظرهای خود را (یعنی چشم خود را از محرمات بپوشند) ونگهدارند شرمگاه خود را این پاکیزه تراست ایشان را.

الله ﷻ درآیات متعددی حرمت زنا رابیان فرموده است چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ ﴾[4].

ترجمه: (وهر که بکند از آنچه مذکور شد بیند جزای گناه).

دربارهٔ اثام گفته شده که این یک وادی جهنم است بعضی از مفسرین فرموده اند که این غاری درجهنم است هنگامیکه این غار باز می گردد از بدبویی او مردم فریاد خواهند کرد زناشش مصیبت را احتواء می کند. از بعضی صحابه کرام چنین روایت آمده است که از ارتکاب زنا پرهیز کنید زیرا که درآن شش مصیبت وبلا ها است که سه آن در دنیا واقع می شود وسه مصیبت دیگران درآخرت می باشد.

---

[1] (المؤمنون ۰۰۵)
[2] (الأنعام ۱۵۱)
[3] (النور ۰۳۰)
[4] (الفرقان ۰٦۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

سه مصیبت دنیوی طوری است که: رزق انسان کم می شود. عمر انسان کوتاه می گردد و روی انسان مسخ می شود و در آخرت نا رضایتی الله ﷻ امتحان سخت ودخول درجهنم از مصائب آخرت است. روایت است که به شیطان از یکهزار مرد بدکار یک زن بدکار بسیار خوش ومحبوب است. از موسی ﷺ روایت کرده شده که او گفت: یا الله سزای زناکار چیست؟ الله ﷻ فرمود: براو درع آتشین پوشانیده می شود اگر اوبه یک کوه بلند نهاده شود به ریگ مبدل خواهد شد. درکتاب المصابیح از رسول الله ﷺ منقول است که کسیکه زنا می کند ایمانش از بدن وی خارج می گردد وبالای سرش مانند چتری ایستاده می باشد زمانیکه از زنا فارغ می شود ایمانش بروی دوباره بر می گردد. درکتاب اقناع آمده است که محمد ﷺ فرموده است نزد الله ﷻ از ارتکاب زنا گناهی بزرگی نیست که شخص نطفهٔ خو را در رحم ناروا می نهاند. لواطت از زنا بد تر است چنانچه از انس ﷺ روایت شده که نبی کریم ﷺ فرموده است خوشبویی جنت به مسافه پنجصد سال می رسد ولی لواطت کننده ازین نعمت محروم می باشد.

بچه خوش چهره وحسین فتنهٔ بزرگی است:

عبدالله بن عمر ﷺ بیرون خانه اش نشسته بود نظر کرد که یک بچه خوش چهره بطرف وی درحرکت است او ﷺ به سرعت داخل خانه گردید و دروازه خود بند کرد اندکی بعد پرسید آیا فتنه وبلا رفت؟ مردم گفتند: بلی رفت او ﷺ از خانه خارج گردید وگفت: نبی کریم ﷺ فرموده است به بچه خوش چهره نظر کردن وهمرای وی سخن گفتن و درجوارش نشستن حرام است. امام قاضی رحمه الله گفته است: از بعض مشائخ شنیده ام که می گفتند: همرای زن یک شیطان می باشد وهمرای بچه خوش چهره وحسین هجده شیطان می باشد. روایت است که می گوید: کسیکه به شهوت بچه را بوسه کرد او درجهنم پنجصد سال به عذاب می شود وکسیکه از دختر جوان باکره بوسه گرفت گویا او با هفتاد دختر جوان مرتکب زنا شد وکسیکه بادختر جوان (باکره) زنا کرد گویا او با هفتاد هزاران زن زنا کرد.

در رونق التفاسیر از کلبی رحمه الله روایت است که: نخست از همه مردم شیطان عمل ناشایسته لواطت را آغاز کرد و در قوم لوط ﷺ به شکل یک بچه حسین وخوش چهره آمده و مردم رابه خود جلب وجذب کرد تاکه درمیان شان لواطت عام گردید هر مسافری که از سفر عودت می کرد با او لواطت می کردند. لوط ﷺ آنانرا ازین عمل ناشایسته وقبیح منع نمود وبسوی الله ﷻ دعوت کرد واز وقوع عذاب الهی ترساند ولی آنها به لوط ﷺ گفتند: اگر شما درسخنان خود صادق وراست کار هستی بروبرما عذاب الهی نازل کن لوط ﷺ به الله ﷻ

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعا کرد که درنتیجه آنان سنگ باران شدند که بر هر سنگ نام شخصی نوشته شده بود سنگها بالای همان مردمی می افتید که نامهای شان نوشته شده بودند الله ﷻ می فرماید: ﴿ مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ [1] ﴾.

ترجمه: (نشان کرده شده نزد پروردگارتو).

داستان یکی از تجار لوط ﷺ : یکی از تجار قوم لوط ﷺ بخاطر تجارت به مکه مکرمه آمد وسنگی که برآن نامش نوشته شده بود فرشته ها آنرا به سبب حرمت این سر زمین مکه مکرمه معطل ساخت تاچهل روز این سنگ خارج آسمان درفضا آویزان بود زمانیکه او ازمکه حرکت کرد به همان سنگ زده شد وهلاک گردید لوط ﷺ تمام اهل خانه اش از منزل خارج کردند و فرمود: هیچکس باید عقب خود نظر نکند زمانیکه آواز عذاب قوم خود را شنید، زنش به عقب خود نظر کرد وگفت: ای قوم: بمجرد این تلفظ سنگ برایش رسید وبه سرش اصابت کرد و هلاک گردید. مجاهد رحمه الله گفته است هنگامیکه صبح عنقریب شد جبریل ﷺ آن قریه رابه بالهای خود بلند نمود به جای بلند کرد که فرشته ها آواز هاس سگها ومرغ ها را شنیدند درین اثناء قریه رابه سوی زمین انداخت وسرچپه ومعکوس گردید از همه اولتر چراغ های شان افتیدند وبعد از آن روی به زمین آمدند وبه تعقیب آن سنگ باران شدند، گفته می شود که تمام شهرهای آن پنج بودند که بزرگترین آنها شهر(سدوم) بود وتعداد ساکنین آن چهار صد هزار شخصی بود الله ﷻ درسوره توبه (برائت) به (مؤتفکات) ذکر کرده است.

---

[1] (هود ۸۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست وسوم

دربیان حقوق والدین و صله رحمی

الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِی تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ ﴾[1].

ترجمه: (وبترسید از آن خدا که سوال می کنید از یکدیگر به آن وخبردار باشید از خویشاوندان (وبترسید از قطع رحم).

و در آیت دیگر الله ﷻ می فرماید:﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ۝ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ۝ ﴾[2].

ترجمه: (پس آیا توقع می شود از شما که اگر حکومت داده شود شما را آنکه فساد کنید در زمین قطع کنید رشته دارهای خود را (آری) آن جماعه اناف اند که لعنت کرد ایشان را الله ﷻ پس کرساخت ایشانرا وکور کرد چشمانهای ایشان را.

بعضی از احادیث مبارک نبی کریم ﷺ در همچین از ابوهریره ؓ روایت است که نبی کریم ﷺ فرموده است هنگامیکه الله ﷻ از خلقت مخلوق فارغ شد. قرابت عرض کرد که من از قطع کردن صله رحمی به تو پناه می خواهم الله ﷻ برایش فرمود: که آیا تو برین راضی هستی که هر کس باتو ارتباط راقائم نمود من هم با او ارتباط می گیرم وکسیکه باتو ارتباط خود را قطع نمود من هم با او ارتباط خود راقطع می کنم او گفت: بلی من به همین کار راضی هستم بعداً پیامبر ﷺ فرمود: اگر می خواهید آیه مذکور را تلاوت کنید که فهل عسیتم...

از ابوبکر ؓ روایت است که محمد ﷺ فرمود: بغاوت وقطع صله رحمی گناهانی است که بوسله آن مرتکبش در دنیا وآخرت مجازات می گردد. و در حدیث صحیحین آمده است: قاطع صله رحمی به جنت داخل نمی شود. درمسند امام احمدرحمه الله آمده است که: اعمال انسانها درهر شب جمعه به الله ﷻ تقدیم می شود ولی هیچ عمل قاطع صله رحمی درحضور الله ﷻ پذیرفته نمی شود.

جبریل ؑ به تاریخ نزده شب ماه شعبان تشریف آورده وبرایم فرمود: امشب الله ﷻ به

---

[1] (النساء ۰۰۱)

[2] (محمد ۰۲۲-۰۲۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

اندازۀ موی های بزهای بنو کلب گناهان را عفو می کند مگر مشرک حاسد. قاطع صله رحم وکسیکه با تکبر ازار خویش پایین می کند وبه راه می رود وکسیکه نافرمانی والدین می نماید وشراب می نوشد قابل عفو نمی شوند. از ابن حبان رحمه‌الله روایت است که سه نوع اشخاص داخل بهشت نمی شوند: شراب خور، قاطع صله رحم، جادوگر (ساحر). درمسند امام احمدرحمه الله ابن ابی الدنیا وبیهقی آمده است که بعضی از افراد این امت درخوردن، نوشیدن ولهو لعب شب راسپری می کنند، وقتیکه صبح می شود چهره های شان مسخ شده باشند و در زمین غرق می شوند مردم در میان خود باهم می گویند که فلان خانواده کاملاً در زمین غرق شده وبر آنانی که شراب می نوشیدند، سودمی خوردند، قاطع صله رحم هستند وبا سازوسرود محبت دارند به سبب نوشیدن لباس ابریشم مانند قوم لوط علیه‌السلام سنگ باران خواهند شد ومثل قوم عاد همرای اهل وعیال خویش بواسطه باد سخت هلاک خواهد شد.

امام طبرانی درمعجم اوسط از جابر رضی‌الله‌عنه روایت کرده است که نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از خانه اش تشریف آورد ما در آنجا نشسته بودیم مرا دید وفرمود: ای مردم از الله جل‌جلاله بترسید وصله رحم را قائم کنید زیرا که پاداش و ثواب صله رحمی عجالتاً بدست می آید، از ظلم وتجاوز خود داری کنید زیراکه گرفت الله جل‌جلاله سریع می باشد از عقوق (نافرمانی) والدین پرهیز کنید زیراکه از خوشبوی جنت محروم می شود درحالیکه خوشبویی جنت به مسافه هزارسال محسوس می گردد قاطع رحم، زناکار کهن سال وکسیکه إزار خویش را از روی تکبر پایین بگذارد ازین خوشبویی محروم خواهد شد.

از اصفهانی روایت است که مادرخدمت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودیم محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: درمجلس من باید قاطع الرحم نباشد شخصی ایستاد شد و درخانه خاله اش رفت درمیان شان چیزی مشکل واقع شد او از وی معذرت خواست ویکدیگری راعفو نمود و دوباره درمجلس محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشست محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: آن قوم مستحق رحمه الله جل‌جلاله نمی شود که درمیان شان قاطع الرحم باشد، تائید این مساله ازین طریق هم ثابت می شود که ابوهریره رضی‌الله‌عنه احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم رابیان می کرد درحین تشریح فرمود: هرکسیکه قاطع الرحم باشد باید از مجلس خارج شود، جوانی ایستاد شود ودرخانه خاله خود رفت که درمیان شان از دوسال به اینطرف مقاطعه بود هنگامیکه یکدیگری راعفو نمودند خاله اش گفت: شما بروید تاسبب این کار راپیدانمائید که بالاخره این کار چطور بوجود آمد؟

ابوهریره رضی‌الله‌عنه گفت: من از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیده ام درکدام قومی که قاطع الرحم باشد برآنها

(c) ketabton.com: The Digital Library

رحمت الله ﷻ نازل نمی شود.

درطبرانی از اعمش رحمة الله روایت است که صبحی ابن مسعود ﷺ دریک محفلی حضور داشت او فرمود: من قاطع الرحم راقسم می دهم که ازین محفل خارج گردد تا مایان از الله ﷻ طالب رحمت شویم زیراکه برقاطع الرحم دروازه های جنت مسدوداست. اگر او اینجا باشد دعای مایان پذیرفته نمی شود. درصحیحین آمده است که قرابت و دوستی درعرش الله ﷻ معلق می باشد ومی گوید: هر کسیکه مرا وصل کرد الله ﷻ اوراهم وصل نماید وکسیکه بامن ارتباط خودرا قطع نمود الله ﷻ آنرا قطع نماید.

عبدالرحمن بن عوف ﷺ می فرماید که ازنبی کریم ﷺ شنیدم که می گفت: الله ﷻ فرموده است: من الله هستم، رحمن هستم، رحم را خلق نمودم و او از نام خود مشتق کردم کسیکه صله رحم کرد او را به رحم خود وصل نمودم وکسیکه صله رحم راقطع کرد اورا از رحمت خود دور می سازم. در مسند احمد رحمه الله روایت است که فرموده اند: از همه بزرگترین سود خوردن مال مسلمانان به وجه ناحق است. قرابت وصله رحم شاخهٔ نام پروردگار است کسیکه حق قرابت وخویشاوندی را اداء ننمود الله ﷻ براو جنت حرام می سازد.

درصحیحین ابن حبان آمده است که رحم عطیه وهدیه ذوالجلال است رحم درحضور الله ﷻ عرض نمود وگفت: ای الله در حق من ظالم شد و مرا دشنام گفته شد وقطع شدم الله ﷻ برایش فرمود: کسیکه ترا وصل کرد اورا بارحمت خود وصل می کنم وکسیکه ترا قطع کرد اورا از رحمت خود دور می کنم.

در روایت بزار آمده است که: سه چیز با عرش الله ﷻ وصل است: قرابت می گوید باتو هستم هیچگاه از تو جدا نمی شوم. امانت می گوید: ای پروردگار هیچگاه از رحمت تان جدا نخواهم شد. نعمت می گوید: ای الله: نمی خواهم که از رحمت تان جدا شوم وعرض وخواستم باید رد نگردد.

امام بیهقی روایت کرده که: خصلت با دروازه های عرش معلق است زمانیکه درصله رحم تشلیک بوجود آید گناهان زیاد می گردد به احکام الله ﷻ جرأت عمل ننمودن راپیدامی شود درین اثناء خصلت فرستاده می شود وبر قلب انسان حاوی می گردد که ازین به بعد برایش شعور گناه پیدانمی شود. درصحیحین آمده است که نبی کریم ﷺ فرموده است: کسیکه به الله ﷻ و روز قیامت ایمان داشته باشد باید قدر واحترام مهمان رابکند صله رحم بجا آورد سخنهای خوب بگوید ویاهم سکوت اختیار نماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در روایت دیگر آمده است کسیکه آرزوی عمر دراز وو سعت رزق را داشته باشد باید صله رحم نماید از ابوهریرهؓ روایت است او می گوید: که از نبی کریمﷺ شنیده ام کسیکه امید عمر دراز ووسعت رزق را داشته باشد باید صله رحم باشد بعداً فرمود: نسب خویش را ذکر کنید تا اقارب وخویشاوندان خود را بشناسد زیرا که نشستن وخستن با دوستان وارتباطات با آنها محبت میان افراد واعضاء خانواده را زیاد می گرداند. مال و دولت اضافه تر می شود وعمر انسان دراز می گردد.

در روایت بزار وحاکم آمده است: اگر شخصی بخواهد که عمرش طولانی و رزق او واسع وبا برکت وازمرگ بد محفوظ باشد باید از الله ﷻ ترسد وصله رحم باشد بزار رحمه الله وحاکم رحمه الله روایت نموده که نبی کریمﷺ فرموده است: درتورات آمده کسیکه امید عمر دراز ووسعت رزق را دارد باید اقارب خویش خویشاوندی کند. ابولیلی شخصی مربوط قبیله بنو خشم روایت کرده که اوفرموده است: من درخدمت نبی کریمﷺ حاضر شدم محمدﷺ باصحابه کرام نشسته بود پرسیدم شما دعوای پیامبری کردی؟ محمدﷺ فرمود: بلی. گفتم: ای پیامبر الله کدام عمل نزد الله ﷻ بسیار محبوب است؟ محمدﷺ فرمود: ایمان آوردن به الله ﷻ پرسیدم پس از آن کدام است؟ فرمود: با اقرباء دوستی کردن. باز پرسیدم: کدام عمل نزد الله ﷻ بسیار مبغوض است؟ محمدﷺ فرمود: شریک گرفتن با الله ﷻ پرسیدم بعد از آن کدام است؟ فرمود: قطع کردن دوستی با اقرباء. پرسیدم باز کدام است؟ محمدﷺ فرمود: امر کردن به قبائح ونهی از معروف. دربخاری ومسلم آمده است که نبی کریمﷺ برشتری سوار بود با همیاری چند تن از صحابه کرام روانهٔ سفر بود یک بدوی (صحرانشین) آمد جلو شتر محمدﷺ راگرفت گفت: یا رسول اللهﷺ مرا عملی رانشانی کن که بوسیله آن به جنت نزدیک وازجهنم دور شوم محمدﷺ ایستاد شد وبه صحابهٔ خویش نظر نمود وفرمود: این شخص هدایت یافته است. نبی کریمﷺ به بدوی فرمود: استفسار دوباره تکرار کن. بدوی دوباره همان سخن تکرار کرد. محمدﷺ درپاسخ فرمود: الله ﷻ به یگانگی بگیر وعبادت او کن نماز بخوان. زکات اداء کن وصله رحمی بر پاکن وحالاً جلو شترم رها کن زمانیکه بدوی رفت محمدﷺ فرمود: اگر این شخص به همین چیزها عمل نمود داخل جنت می شود. روایت طبرانی است که محمدﷺ فرمود: قومی است که الله ﷻ شهرهای آنان را آباد می سازد ومال های شان را زیاد می کند از زمان خلقت شان برآنها نظر نارضایتی خویش رانکرده اند پرسید شد چرا؟ محمدﷺ فرمود: سبب صله رحمی آنان یعنی آنها درمیان شان صله رحم هستند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

چند احادیث مبارک درمورد صله رحمی: در مسند امام احمد روایت شده که به کسیکه نرمی ولطافت داده شده به اونیکی وحسنات دنیا واخرت داده شده است.

نتیجه همسایگی خوب واخلاق نیکو عمران وآبادی شهرها و دراز شدن عمرها است ابوالشیخ اصفهانی، ابن حبان وبیهقی روایت کرده که: کسی پرسید که یا رسول الله ﷺ از همه اعمال کدام عمل خوب وبهتر است؟ او ﷺ فرمود: کسیکه از الله ﷻ زیاد می ترسد وبه قرابت صله رحم زیاد پابند باشد امر به معروف ونهی از منکر می کند، طبرانی وابن حبان روایت می کند که ابوذر ؓ می فرماید: دوست ومحبوب خودم محمد ﷺ نصیحت چند چیزی خوبی رابرایم نموده است که آنها طوری ذیل است: که باید شخصی بالا و اعلی از خود نگاه نکنم بلکه به شخصی که از من درمقام ومنزلت پایین باشد نظرکنم با یتیمان نظر کنم وبا آنها نزدیک باشم صله رحمی وخویشاوندی را بجا نمانیم، اگر که آنها روی شان ازمن دور نگهدارد در معامله با الله ﷻ از کسی نترسم سخن نیکو بگویم اگر که آن تلخ هم باشد (لاحول ولا قوه الا بالله) رابه کثرت تکرار کنم زیرا که این کلی جنت است، درصحیحین آمده است که ام المؤمنین میمونه ؓ کنیز خود را بدون مشوره با محمد ﷺ آزاد ساخت زمانیکه محمد ﷺ تشریف آورد ام المؤمنین برایش گفت: یا رسول الله ﷺ برای تان معلوم است که من کنیز خود را ازاد ساختم، درپاسخ پیامبر ﷺ فرمود: آیا یقیناً همین طور شد؟ او رضی الله عنها فرمود: بلی، پیامبر ﷺ فرمود: اگر کنیزتان برای پسرخاله خود می دادی ثواب زیاد حاصل می کردی.

ابن حبان وحاکم روایت می کند که شخصی درخدمت محمد ﷺ حاضر شد وگفت: یا رسول الله مرتکب گناهی شدم صورت توبه نمودن آنرا برایم واضح کنید محمد ﷺ از وی پرسید آیا مادر تو حیات است او عرض کرد بلی زنده است محمد ﷺ فرمود: برو خدمت آنرا بکن همین صله رحم است.

دربخاری ودیگر کتابهای حدیث آمده است که: صله رحم این نیست که صرف با آنهانیکه با شما سکونت دارند وباتو نزدیک هستند قرابت کنید بلکه صله رحم این است که باکسانیکه قرابت راقطع کرده باشد رفت آمد وارتباطات را قائم نمائید. روایت ترمذی است که نبی کریم ﷺ روایت کرده است مانند آنها نشوید که می گویند کسیکه باما خوبی کردند ما در عوض خوبی شان هم خوبی می کنیم واگر آنها بالای مایان تجاوز کردند ماهم درمقابل ایشان عمل بالمثل انجام می دهیم بلکه سخنان آنها عادی محسوب کن اگر مردم باشما خوبی می کردند شما هم با آنها خوبی کن واگر آنها بالای تان ظلم کردند شما بالای آنان ظلم نکنید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درمسلم شریف آمده است که: شخصی درخدمت محمدﷺ عرض کرد وگفت: من بادوستان خود صله رحمی می کنم ولی آنها ارتباطات خود را قطع می کنند من با آنها خوبی واحسان می کنم مگر آنها با من بدی می کنند، من باآنها سلوک وروش حلم بردباری درپیش می گیرم ولی با آن همه امور در ذهن شان نمی گردم پیامبرﷺ فرمود: اگر سخنان تان درست باشد سفری طولانی راطی نمودی واگر با انجام نمودن این ثابت باشی الله ﷻ حامی وناصر خواهد بود.

در روایت طبرانی حاکم وابن خزیمه آمده است که: بهترین صدقه آن است که به اقرباء کینه گر و حسود داده می شود) یعنی شخصیکه می خواهد با تو ارتباط و دوستی قطع نماید و تو با آن دوستی وقرابت را قائم می کنی همین مطلب فرمان نبی کریمﷺ است که می فرماید: وصل من قطعک روایت بزار، حاکم وطبرانی است که می فرماید: کدام شخصیکه صاحب این سه خصلت گردید حساب او خیلی آسان خواهد بود صحابه کرام عرض کردند که یا رسول الله این سه خصلت کدام است پیامبرﷺ فرمود: کسیکه شمارا محروم ساخت تو اورا چیزی می دهید وکسیکه همرای تان قطع تعلق وارتباط کرد توبا او ارتباط وصل می نمائید وکسیکه بالای تان ظلم کرد تو اورا معاف می کنید پس جای سکونت تان بهشت است. درمسند امام احمدرحمه الله آمده است که عقبه بن عامرﷺ می گوید: درخدمت محمدﷺ حاضر شدم ودستهای مبارک شان رامحکم گرفتم وپرسیدم. یا رسول اللهﷺ اعمال نیک و افضلی رابرایم نشانی کنید محمدﷺ فرمود: ای عقبه! با مردم که باتو قطع تعلق کردند آنها راوصل کن وکسیکه ترا از دادن کدام چیز محروم ساخت اواچیزی بده ومحروم ساز وکسیکه بالای تو ظلم کرد اورا معاف کن.

در روایت حاکم آمده است کسیکه آرزوی عمر دراز ووسعت رزق را دارد باید صله رحم نماید. در روایت طبرانی آمده است که محمدﷺ فرمود: ای مردم آیا برای تان عادتهای افضلتر ونیکوتر دنیا و آخرت رانشانی کنم؟ با آن اقارب و دوستان تان صله رحمی کنید که باشما قطع ارتباط می کند با آنانی بدهید که شما را محروم می سازد وکسانیکه بالای تان ظلم می کنند آنها را معاف کنید.

در روایت طبرانی آمده است که محمدﷺ فرمود: باکسانیکه با توارتباط وقرابت راقطع می کنند صله رحم کن وآنانیکه ترا محروم می کنند آنها را بدهید وکسیکه ترا دشنام وبد می گویند اورا معاف کن این از بهترین اعمال است. در روایت بزار آمده است که رسول الله ﷺ

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرموده است آیا به شما آن چیزها را تعلیم ندهم که بوسیله آن درجات تان بلند گردد؟ صحابه کرام عرض کردند: بلی یا رسول الله ﷺ! پیامبر ﷺ فرمود: کسیکه از شما اعراض می کند اورا مورد عفو قرار بدهید وکسیکه بالای تان ظلم کرد اورا معاف کنید وکسیکه شما را محروم ساخت بر آنها اعطاء نمائید وکسیکه با شما قطع قرابت و دوستی کرد با آنها صله رحمی کنید. در روایت ابن ماجه آمده است که درهمه اعمال که پاداش وثواب او سریعتر می باشد نیکی وصله رحمی است ودرهمه اعمال بسرعت عذاب الله ﷻ را بوجود می آورد ظلم، تجاوز وقطع قرابت و دوستی است. در روایت طبرانی آمده است که: دروغ گفتن، قطع قرابت وخیانت کردن باعث عذاب اخروی و دنیوی می گردد وازهمه اعمال انسان که اجر و پاداش او ذودتر حاصل می شود صله رحمی است اگر که اهل فامیل شان گناهگار هم باشند بازهم مال و اولاد شان زیاد می گردد که با دوستی وقرابت اهتمام هم باشند باز هم مال و اولاد شان زیاد می گردد که با دوستی وقرابت اهتمام کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست وچهارم

در مورد نیکی کردن با والدین

در صحیحین از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که من از پیامبر ﷺ پرسیدم که نزد الله ﷻ کدام عملی خیلی محبوب وبهتر است؟ پیامبر ﷺ فرمود: نماز در وقت خود اداء نمودن، گفتم پس ازآن؟ پیامبر ﷺ فرمود: سلوک نیک وروش خوب با والدین پرسیدم بعد از آن کدام عملی خوب است؟ پیامبر ﷺ فرمود: جهاد کردن در راه الله ﷻ. درمسلم شریف آمده است که: شخصی به مجلس محمد ﷺ آمد وعرض کرد من بخاطر رضای الله ﷻ بدست تان بیعت هجرت وجهاد را می کنم پیامبر ﷺ فرمود: آیا یکی از والدین تان حیات است؟ گفت: بلی بلکیه هر دوی شان زند هستند. پیامبر ﷺ فرمود: آیا از الله ﷻ اجر وثواب می خواهی؟ گفت: بلی پیامبر ﷺ فرمود: به والدین خود بروید وخدمت شان را بکنید.

در روایت ابو یعلی وطبرانی آمده است که شخصی درخدمت محمد ﷺ حاضر شد وگفت: من آرزوی جهاد را دارم ولی بسبب چند مشکلاتی که دارم خود را معذور می دانم پیامبر ﷺ فرمود: آیا یکی از والدین تان حیات است. گفت: بلی مادرم زنده هست. پیامبر ﷺ فرمود: به توفیق الله ﷻ خدمت مادرتان رابکن پاداش واجر حج، عمر وجهاد فی سبیل الله را حاصل می کنید. درطبرانی آمده است که شخصی آرزوی جهاد راکرد پیامبر ﷺ ازاو پرسید آیا مادرت زنده است؟ او گفت: بلی محمد ﷺ فرمود: زیر پای(قدم) مادر تو جنت راپیداخواهید کردی روایت ابن ماجه است که از محمد ﷺ وسلم پرسیده شد والدین بالای او لاد خود چه حق دارد؟ پیامبر ﷺ فرمود: با آنها که رویه خوب نمائید داخل جنت می شوی واگر نافرمانی آنها رابکنید داخل دوزخ می شوی درابن ماجه، نسائی وحاکم روایت شده که شخصی درخدمت محمد ﷺ حاضر گردید وگفت: یا رسول الله ﷺ! من قصد وعزم جهاد را دارم وبخاطر مشوره به شما آمده ام پیامبر ﷺ برایش فرمود: آیا مادرتو زنده هست؟ او گفت: بلی زنده هست. محمد ﷺ برایش فرمود: با مادرتو رویه خوب ونیک رابکن جنت زیر قدم های او است. دریک روایت آمده است آیا والدین تان زنده است او گفت: بلی، پیامبر ﷺ فرمود: خدمت شان رابکنید بهشت زیر قدم های آنها است. در ترمذی آمده است که شخصی از ابوالدرداء رضی الله عنه پرسید مادرم امر نموده تا زن خود را طلاق کنم او رضی الله عنه برایش گفت: من از نبی ﷺ شنیده ام والدین دروازه های وسط

(c) ketabton.com: The Digital Library

بهشت است شما مخیر هستی آیا آنرا ضائع می سازی ویاهم خدمت آنرا می کنی.

روایت ابن حبان است که شخصی به ابوالدرداء ﷺ شکایت کرد وگفت: پدرم نخست مسأله عروسی را بایم تقدیم می کرد وحالاً می گوید: زن تانرا طلاق کن او ﷺ برایش فرمود: من برایت نمی گویم نافرمانی والدین تانرا بکنید و یازن خود را طلاق کن برای تو حدیث پیامبرﷺ را ذکر می کنم محمدﷺ فرموده است: پدر دروازهٔ وسط جنت است اختیار داری حفاظت آنرا می کنی ویا هم آنرا ضائع می سازی. درسنن اربعه و صحیح ابن حبان آمده است که عبدالله بن عمرﷺ فرموده است: زنی داشتم بسیار محبوب و دوستم ولی پدرم اورا دوست نداشت پدرم گفت: زن تانرا طلاق کن من انکار کردم پدرم درخدمت پیامبرﷺ حاضر شد واین داستان را بطور کامل به پیامبرﷺ بیان کرد سپس پیامبرﷺ برایم فرمود: زنت طلاق کن. درمسند امام احمد رحمه الله آمده است اگر کسی آرزوی عمر دراز ووسعت رزق داشته باشد با والدین خود صله رحمی نماید.

روایت ابو یعلی وحاکم است که محمدﷺ فرمود: کسیکه با والدین خویش رویه خوب کرد برایش بشارتی است که اللهﷻ عمرش را دراز نمود.

روایت ابن ماجه، ابن حبان، وحاکم است که محمدﷺ فرمود: انسان بوسیله گناهانش از رزق خود محروم می گردد، دعا تقدیر را رد می کند، وحسن سلوک عمر دراز می سازد، روایت حاکم است که از زنان اجنبی پرهیز کنید تا زنهای تان هم پاک بمانند با والدین خود رویه نیک نمائید تا اولاد تان با شما معامله خوب کنند، شما گذشت کنید زنهای تانرا هم گذشت خواهند کرد.

در روایت مسلم آمده است که محمدﷺ فرموده اند: بینی کسی راخاک آلود شود از خواری وذلت این سخنی را سه بار تکرار نمود عرض شد از کی یا رسول اللهﷺ؟ محمدﷺ فرمود: که والدین خود یا یکی از آنها را درحالت پیری (موی سفیدی) پیدا نماید سپس داخل جنت نگردد یا بوسیله آنها داخل جنت نشود.

حدیث طبرانی است که: باری پیامبرﷺ به منبر خطبه می گفت وقبل از آغاز خطبه فرمود: امین، امین، امین اندکی بعد فرمود: جبریلؑ آمد وعرض کرد که: یا رسول اللهﷺ کسیکه والدین خود یا یکی از آنها دریافت کند وبا او روش و رویه خوب نکرد و آنها فوت شدند، آن شخص به جهنم رفت اللهﷻ اورا از رحمت خویش دور نماید شما بگو امین من امین گفتم، باز جبریلؑ فرمود: یا رسول اللهﷺ کسیکه ماه مبارک رمضان را یافت کرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

وگناهانش معاف نگردید وفوت شد او هم به جهنم رفت. الله ﷻ او را از رحمت خود دور نماید گفت: بگو امین من امین گفتم باز برایم فرمود: درحضور کدام شخصت که نام تان ذکر شود وبر تو درود شریف نگوید وبمیرد به جهنم رفت الله متعال اورا از رحمت خود دور کرد. بگو امین من امین گفتم.

در صحیح ابن حبان آمده است: کسیکه والدین خود ویا یکی از آنها را دریافت نمود وبه آنها سلوک خوب ننمود او به جهنم رود الله متعال اورا از رحمت خویش دور نماید من امین گفتم در روایات حاکم ودیگر ائمه آمده است: آن شخصی از رحمت الهی دور گردید ک والدین خود یا یکی از آنها درحالت پیری دریافت نمود و آنها همین شخص را به بهشت نرسانید من امین گفتم.

در روایت طبرانی امده است کسیکه والدین خود یا یکی از آنها درحالت حیات دریافت نمود مگر به آنها روش خوب نکرد او از رحمت الله متعال دور گردید ومستحق عذاب پروردگار گردید من امین گفتم.

در روایت احمد آمده است کسیکه غلام خود را آزاد ساخت او از جهنم آزاد گردید وکسیکه یکی از والدین خویش را درحالت حیات پیدا نمود باز هم بوسیله ایشان عفو نگردید الله متعال اورا از رحمت خویش دور نماید. حدیث بخاری ومسلم است که از محمد ﷺ پرسیده شد. یا رسول الله ﷺ کدام شخصی درمیان مردم شائسته ولایق تر برای خدمت است؟ محمد ﷺ فرمود: مادرت. پرسیده شد باز کی؟ فرمود: مادرت. باز پرسیده شد فرمود: مادرت می باشد هنگامیکه دفعه چهارم پرسیده شد فرمود: پدرت است درصحیحین از اسماء بنت ابی بکر ؓ روایت است که درزمانهٔ محمد ﷺ ما در مشرک من بسوی من آمد من به محمد ﷺ عرض کردم که مادر مشرک من آمده است من با او چگونه روش کنم؟ او ﷺ فرمود: روش وسلوک خوب کن. روایت ابن حبان وحاکم است که محمد ﷺ فرمود: رضای الله متعال در رضای پدر ومادر است. نارضایتی الله متعال درناخوشی پدر ومادر است. طبرانی روایت می کند که دراطاعت والدین اطاعت پروردگار است ودرنافرمانی آنها نافرمانی الله متعال است. در روایت بزار آمده است که رضای والدین رضای الله تعالی است ودر پرشانی وخفگان آنها نارضایتی پروردگار است روایت ترمذی. ابن حبان وحاکم است: شخصی به محمد ﷺ عرض کرد که من مرتکب گناهی شدم آیا برایم توبه هست؟ او ﷺ فرمود: آیا مادر تان زنده است؟ او گفت: نه خیر فوت نموده. باز پرسید آیا خالهٔ شما زنده است؟ گفت: بلی. محمد ﷺ برایش فرمود: برو با خاله است

(c) ketabton.com: The Digital Library

سلوک خوب کن. درسنن ابوداود وابن ماجه آمده است: شخصی پرسید آیا بعد از مردن (فوت شدن) والدین کدام صورت است که با آنها نیکی شود؟ او ﷺ فرمود: برای آنها دعای مغفرت کن وعده های آنانرا پوره کن وبادوستان آنها ارتباط قائم کن وبا دوستان آنها ارتباط قائم کن وعزت اقرباء شان را نما. در روایت این هم آمده است که: آن جوان گفت: این چقدر سخن خوب وجامع است محمدﷺ برایش فرمود: برو برآن عمل کن. روایت امام مسلم است که عبدالله بن عمرؓ به طرف مکه مکرمه روان بود در راه بدوی را دید. او ؓ آن بدوی رابه مرکب خود سوار کرد وعمامه خود رابه سرآن بدون نهاد. ابن دنیا برائش گفت: اللهﷻ متعال بر تو رحم کند این نوع مردم بدوی به چیز کم هم خوش می گردد. او ؓ فرمود: پدراش دوست ورفیق پدرم بود. من از محمدﷺ شنیده ام با پدرخود نیکی کن واحسان فرزندش این است که بادوستان پدر خود دوستی کنند. درصحیح ابن حبان روایت ابوهریرهؓ است: هنگامیکه به مدینه منوره آمدم عبدالله بن عمرؓ بسوی من تشریف آورد وبرایم فرمود: آیا می فهمی که من به نزد تان چرا آمدم؟ من به او گفتم: نه خیروی) ؓ فرمود: من از پیامبرﷺ شنیده ام: شخصی که بعد از وفات پدرش قصد نیکی کردن را دارد او با دوستان پدرش سلوک نیک نماید درمیان پدرم (عمرؓ) و پدرتان دوستی (رفاقت) بود من درخدمت تان حاضر شدم.

سه جوان واعمال نیک آنان:

درصحیحین ودیگر کتابهای احادیث آمده است که: در زمانه سابق سه جوان عرض مزدوری رفتند در راه بر آنها باران شد آنها دریک غاری رفتند ناگهان سنگی لغزید و دهن غار را مسدود ساخت آنها درمیان خود فیصله نمودند که هر یکی از ما باید عمل نیک خود را بیان کند ودرعا راطلب نماید تاکه سنگ از دهن غار دور شود. الفاظی یک روایت این است که شما کمی فکر کنید وعملی رابیان کنید که طرف بخاطر رضای الله کرده اید وآن عملی را واسطه بگردان ودعاء دورشدن سنگ راکنید. الفاظ روایت دیگری است که: به اثر افتیدن این سنگ نشانه وعلامه غار را از بین رفت وهیچ کس نمی فهمید که ما در کجا هستیم: یکی از آنها گفت: ای الله والدین من پیر بودند. ای الله من به اولاد های خود تاوقتی شیرنمی دادم که والدین خود نمی دادم یک دفعه طوری که من بخاطر کدام کار کدام جا رفتم زمانیکه برگشتم آنها خواب شده بودند من شیر را دردست گرفته بر سر شان شب کامل ایستاده بودم تا آنها بیدار گردد وشیر را برای شان بدهم ولی تاصبح آنها بیدار نشدند واولاد هایم تاصبح

(c) ketabton.com: The Digital Library

گرسنه بودند. ای الله من این عمل رابخاطر رضای شما انجام داده بودم این سنگ را از ذهن غار دور نمائید به این دعا سنگ به اندازهٔ دور شد که شعاع آفتاب بداخل غار رسید الفاظ روایت دیگری است که: من اولادهای خورد داشتم وبعد از چراندن بزها به خانه بر می گشتم وپس از (دوشیدن) شیر نخست به والدین خود وبعد اطفال خویش رامی دادم. یک بار بخاطر کار ضروری رفتم زمانیکه برگشتم والدین من خواب شده بودند من طبق معمول شیر را گرفته ودرپهلوی والدین خود ایستاد شدم تاکه آنها بیدار شود، وبرایشان شیر بدهم اطفال دن نزدیک پایایم افتیده بودند از من طالب شیر بودند ولی من قبل از والدین به اطفال خود شیر ندادم تاکه صبح دهید. ای الله! اگر این عمل من صرف بخاطر رضای توبه می بود. این سنگ را دور کنید که آسمان راببینم. سنگ به اندازه دور گردید که آسمان رادید شخص دیگر سخن زن با دختر کاکای خود را کرد. شخص سومی آنان. با مذدوری خود سخن امانت داری رابیان نمود تاکه سنگ بطور مکمل دور گردید و آنها از غاز بیرون آمدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست و پنجم

دربیان زکات وبخل

فرمان الهی است که: کسیکه درمال الله متعال بخل می کند انرا برایش خوب نپندارد بلکه اوبرایش مصیبت است: ﴿ وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا۟ بِهِۦ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ [1] ﴾.

ترجمه: (ونه پندارند انانکه بخل می ورزند به انچه داده است ایشان راخدا از فضل خود که این بخل بهتر است دربارهٔ شان بلکه آن بسیار بداست دربارهٔ شان زود درگردن شان طوق میشود آنچه بخل ورزیده اند آن در روز قیامت. وفرمان الهی است:﴿ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۝ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ [2] ﴾.

ترجمه: (و وای مشرکان را، آنانکه نمیدهند زکوه).

ارشاد مبارک پیامبرﷺ است که: کسیکه زکات مال خود را نمی دهد روز قیامت مال خویش را مانند ماری درگردنش تاب می خورد پیامبرﷺ از پنج چیز به الله متعال پناه خواسته است:

نبی کریمﷺ فرمود: ای مهاجرین پنج بلاهی است که از آنها برایتان از پروردگار پناه می خواهم. زمانیکه در یک قوم بدفعلی علناً اشکار گردد الله متعال بر آنها مکروهاتی نازل می گرداند که قبل از آنها به دیگران نازل نگردیده، هنگامیکه قوم درترازو پیمانه تنقیص می کند بر آنها تنگ دستی، قحط سالی وحاکم ظالم مسلط می گردد، زمانیکه یک قوم زکات مال خود راندهد بر آنها خشک سالی می آید اگر در زمین چهارپایان نمی بود هیچگاه باران نمی شد، زمانیکه یک قوم عهدالله متعال وپیامبرش رابشکند بر آنها دشمنان شان مسلط می گردد که تمام مال و دولت شان را غضب می کنند زعیم هر قوم که به کتاب الله متعال فیصله نکند دردلهای شان یک از دیگری ترس وخوف پدید می آید، حدیث که الله متعال زندگی بخیل ومرگ سخی را دوست ندارد، حدیث شریف است که: دوعادت درمؤمن جمع نمی گردد یکی بخل ودیگر اخلاق بد.

نبوی ارشاد است که: الله متعال قسم خورده که بخیل رابه جنت داخل نمی کنم. حدیث

---

[1] (آل عمران ۱۸۰)

[2] (فصلت ۰۰۶-۰۰۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شریف است که: از بخیل خود را محفوظ نگهدار در مردمی که بخیل پیداگردد آنان زکات نمی دهد صله رحمی نمی کنند وبرناحق قتل می کنند وخونیها را می ریزاند. از حسن رضی الله عنه دربارهٔ بخیل پرسیده شد که بخل چیست؟ او رضی الله عنه فرمود بخل این است که انسان خرج کردن مال در راه الله متعال زیان محسوب نماید وجمع کردن آن خوب پندارد بنیاد بنیاد اولاد وبنیاد محبت با مال فقر ترس از احتیاج وامید درازی (طولانی) است.

درحدیث شریف است که: بعضی مردم دادن زکات مال خویش وبراهل وعیال خود انفاق کردن خوب نمی بیند. وی با جمع کردن پول وحفظ نمودن علاقه زیادی دارد (حال آنکه) اوبه این خوب می فهمد که یک روزی بمیرد. درمورد این بخلاء قول شاعری است که می گوید:

أ أُخَيَّ إنَّ من الرجال بهيمةً ... في صورة الرجل اللبيب المُبصر
فَطِنٌ بكلِّ مُصيبةٍ في ماله ... فإذا أُصيب بدينه لم يَشعُرِ

ترجمه: ای برادر به چهره مردمان عاقل حیوانات هم زندگی می کند. به زیان مال خود خوب می فهمد لیکن اگر به دین خویش زیان می رسد هیچ معلومات برایش هویدا نمی گردد.

شاعر دیگری می گوی:

البخل داءٌ قويٌّ لا يليق بذي ... مروءة لا ولا عقل ولا دين
من أثرَ البخلَ عن وفْر وعن جِدَةٍ ... فقد لعمّري أضحى وهو مغبون
يا بؤسَ من منع الدارين حقَّهما ... فباعَ دُنياه بعد الدين بالدون

ترجمه: بخل بیماری است که به شخص با مروءت عاقل ودیندار سزاوار و مناسب نیست.

کسیکه مال و دولت راحاصل نمود وباز بخل کرد. من به زندگی خود قسم می خورم که او فریب خورد.

افسوس به شخصی که حقوق دنیا وآخر را اداء ننمود واو در بدل چیزی حقیر بعد از دین دنیای خویش رافروخت. شاعری دیگری می گوید:

إذا المال لم ينفع صديقاً ولم يُصب ... قريباً ولم يُجبَر به حالُ مُعْدِمِ
فعقباه أن تحتازه كفُّ وارثٍ ... وللباخل الموروث عُقبى التندُّمِ

ترجمه: هنگامیکه مال به کدام دوست فایده نرساند وبه درد عزیز ننخورد ومشکل محتاج را پوره ننماید. آنجام این کار طوری می شود که مال اش بدست وارث خود می افتد وبخیل روز قیامت خود می برد.

بشر رحمه الله می گوید: دیدن بخیل موجب ملالت می گردد. عربهای یک دیگری رابه

(c) ketabton.com: The Digital Library

بخل طعن می گفت: شاعری میگوید:

أنفق ولا تخشَ إقلالاً فقد قسمت ... علی العباد من الرَّحمنِ أرزاقُ
لاینفعُ البخلُ مع دنیا مولیةٍ ... ولایضرُّ مع الإقبالِ إنفاقُ

ترجمه: مصرف کن وترس کمبودی مکن زیراکه الله تعالی ارزاق مردم راتقسیم نموده است: واز دنیا رحلت ورفتن است بخل کدام فائده ندارد ونجات هیچ گونه نقصان نمی سازید.

قول شاعری دیگری است که میگوید:

أری النّاسَ خلاّنَ الجوادِ ولا أری ... بخیلاً لهُ فی العالمین خلیلُ
وإنی رأیتُ البخلَ یُزری بأهلهِ ... فأکرمتُ نفسی أن یُقال بخیلُ

ترجمه: من دوستان سخیان را دیده ام مگر درهر دو جهان دوست بخیل راندیده ام من دیده ام که بخل بخیلان راخوار و ذلیل وخوار زبون کرده است. زیرا من خودرا از بخل دور نگهداشتم برای بخیل همین ذلت کفایت می کند که برای شخصی دیگری مال را جمع می کند، و در خرج کردن مال تکلیف احساس می کند، ولی از زیادت آن لذت می برد.

در مورد همچو مردم وکیع رحمه الله میگوید: شعر

لئیمٌ لا یزال یلم وِفرا ... لوارثهِ ویدفع عن حماه
ککلبِ الصید یمسک وهو طاوٍ ... فریسته لیأکلها سواه

ترجمه: بخیل همیشه برای وارثان وباز مانده گان خود مال جمع می کند، وآنرا حفاظت می نماید، او مانند سگ شکاری است که با وجود گرسنگی حفاظت صید رامی نماید تاکه دیگران از آن مستفید گردد وآنرا بخورد.

ضرب المثلی است: که به وارث بخیل بشارت ده، امام ابوحنیفه رحمه الله می فرماید: من فیصله بخیل را کرده نمی توانم زیراکه او بخاطر بخل سعی می روزد که از حق خود زیاد تر بگیرد واین شخص امانت دار نمی باشد.

إبلیس لعین بخل رامی پسندد. حضرت یحیی علیه السلام با ابلیس ملاقات نمود واز او پرسید که: شما چطور اشخاص را زیاد دوست می دارید: شیطان گفت: من بخیل را زیادتر دوست می دارم ولی سخی گناه کار را دوست ندارم.

او علیه السلام پرسید چطور؟ شیطان گفت: زیراکه بخیل بوسیلهٔ بخل خود غرق خواهد شد لیکن از مورد سخی فاسق ازین هراس دارم که نشودگناهان اورا الله تعالی به سبب سخاوت وی معاف کند، شطان دروقت رفتن گفت: اگر شما پیامبرنمی بودید من این سخنان رابه شما نخواهم گفت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست و ششم

دربیان امیدهای دراز و طولانی

پیامبرﷺ می فرماید: من از ترک کردن دوچیز برشما ترس دارم:

یکیی امیدهای طولانی، دوم پیروی خواهشات نفساتی. بدون شک به سبب داشتن امیدهای دراز آخرت را فراموش می سازد، وپیروی از خواهشات انسانرا از حق وصداقت منع می نماید. پیامبر ﷺ می فرماید: من برای سه شخص ضمانت سه چیز را می کنم یکسی خود را برای دنیا غرق نموده است او حریص دنیا است و بخل می کند برای آنها فقر دائمی است که هیچگاه غنی نخواهد شد، هر وقت مصروف کار دنیا می باشد، او هیچ وقت فراغت را حاصل نمی کند ودر غم می باشد که هیچ وقت ازاو نجات نمی یابد.

ابو درداءؓ به مردم حمص گفت: آیا به این کار شرم وحیای تان نمی آید که خانه های رامی سازید، که درآن زندگی نمی کنید آرزوهای را دارید وآنرا بر آورده نمی سازید، وآلاتی واسبابی جمع آوری می کنید که آنرا مصرف کرده نمی توانید؟ مردمان گذشته تان خانه های عالی راتیار کرده بود ومالهای زیادی راجمع کرده بودند وآرزوهای طولانی را داشتند. ولی امیدهای شان صرف فریب ثابت گردید، ومالهای جمع شده شان رابرباد کردند، وخانه های شان به قبرها مبدل گردید.

علیؓ به عمرؓ فرمود: اگر امید ملاقات دوستانرا دارید لباس پینه راپوشید وبوت کهنه را بپا کنید آرزوهای تانرا کم نمائید وبه شکم سیرنان نخورید.

آدمؑ به فرزندخویش شیثؑ توصیه پنج سخن نمود، وبرایش گفت: این وصایا رابه اولادهای تان باز گونمائید.

۱) به دنیا عارضی مطمئن نباشید من به بهشت جاودانی مطمئن بودم الله تعالی مرا از آن خارج کرد.

۲) طبق خواست همسرتان عمل ننمائید، من مطابق خواهش شان عمل کردم واز درخت میوه خوردن سبب ملامتی من گردید.

۳) درمورد کردن هر کار به انجام او فکر نمائید اگر در انجام (وفکر می کردم از بهشت اخراج نخواهم بود).

(c) ketabton.com: The Digital Library

۴) از عملک. قلب تان مطمئن نباشد از او خود داری کنید زیراکه از درخت ممنوعه تناول کردم درحالیکه قلب من مطمئن نبود مگر باز هم از او خوردم.

۵) قبل از انجام هر عمل مشوره کنید اگر من با فرشته ها مشوره میکردم متحمل این مشکلات نمی شدم.

مجاهد رحمه الله میگوید: که عبدالله بن عمرؓ برایم فرمود: در وقت صبح غم واندوه شام رانخورید و در وقت شام غم صبح رانکنید. قبل از مرگ زندگی وقبل از مریضی صحت راغنیمت بشمارید زیراکه حالت صبح آینده تان مجهول است.

از الله متعال کما حقه شرم وحیا داشته باشید. نبی کریمﷺ به صحابه کرام فرمود: آیا شما آرزوی رفتن به بهشت داردید؟ صحابه کرام عرض کردند بلی. محمدﷺ فرمود: امیدهای تانرا کم کنید واز الله تعالی کما حقه حیا داشته باشید.

صحابه کرام عرض نمودند: یا رسول اللهﷺ مایان از الله متعال شرم وحیا می کنم.

محمدﷺ فرمود: شرم این نیست که شما می پندارید. بلکه حیا کردن این است که شما قبر وعذاب آنرا یاد نمائید. شکم های تانرا از حرام نگهدارید. دماغ تانرا از سخنان بی هوده محفوظ بدارید. کسیکه عزت آخرت رامی خواهد باید عزت دنیوی راترک نماید. همین است شرم وحیای حقیقی که بوسیله اش قرب الهی حاصل میگردد. درحدیث شریف آمده است که اولین نیکی این امت زهد ویقین کامل است.

وسبب هلاکت اخروی این امت بخل و آرزو های بی هوده و دروغین اوست.

ارشادات صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین از حضرت ام منذرؓ روایت شده است که محمدﷺ بطرف مردم تشریف فرماگیردید و فرمود: ای مردم از الله تعالیٰ حیا کنید صحابه کرام عرض نمودند: یا رسول الله چگونه حیا کنیم؟ پیامبر اسلام فرمود: شما چیزها راجمع می کنید که آرزوی آنرا ندارید ونه آنرا می خورید. امیدهای رامی نمائید که آنرا حاصل کرده نمی توانید وخانه های را آباد می سازید که درآن متداوم زندگی کرده نمی توانید.

از حضرت ابوسعید خدریؓ روایت است که اسامهؓ برای یک ماه کنیز رابه قرض صد دینار خرید. هنگامیکه محمدﷺ به این سخن آگاه گردید فرمود آیا شما حیران نشدید که اسامه کنیزی رابه مدت یک ماه قرض گرفت امید او بسیار طولانی است به خداوند لایزال قسم میخورم که من امیدی را ندارم که چشم بعد از باز کردن بند وبسته گردد و اگر از بندکردن آن پیش بمیرم امید بند کردن آن قبل از باز کردن هم ندارم. امید جویدن لقمه پیش

(c) ketabton.com: The Digital Library

از خوردن آن هم ندارم که آیا تا آن زمان زنده خواهم بود یا خیر.

بار دیگر ارشاد فرموده گفت: ای مردم شما عاقل هستید خود را مردگان محسوب کنید قسم به خداوند که بر شما مرگ درهمان وقت معین میرسد، وشما خبر آنرا ندارید.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ به خاک مسح میکرد، من برایش میگفتم که یا رسول الله آب نزیدک است آن جناب می فرمود: نمیدانم که به آب رسیدگی می توانم یا نه؟ روایت است که سه چوب رابالا کرده یکی را پیش روی خود ودیگری را درپهلوی وسومی آن را دور نصیب نمود وبعداً فرمود: شما می فهمید که این چه است؟ صحابه کرام فرمودند: که الله وپیامبرش خوب می داند. پیامبر ﷺ فرمود: این مرگ است و او امیدهای انسان است که انسان به تعقیب دنبال آرزوهای خویش می دود، مگر خبر نیست که مرگ به سراغش نا آگاه میرسد وبه زندگی و آرزوهایش یک دم خاتمه می بخشد.

واقعه حضرت عیسی علیه السلام

روایت است که عیسی علیه السلام نشسته بود که شخصی پیر مردی را دید که کلنگ رابدست گرفته و به کندن زمین آغاز نمود، حضرت عیسی علیه السلام به خداوند التجا نمود خواست که ای الله امید زندگی این شخص پیرمردی راخاتمه فرمائید، این بود که پیرمردی کلنگ را برزمین انداخت پیرمرد به زمین غلطید وخوابید زمانی گذشته عیسی علیه السلام بار دیگر از خداوند خواست ودعا کرد گفت: خداوند امیدهای این شخص را دوباره احیا گردان، موی سفیدی دوباره از زمین بلند شد ودست به کلنگ کرد وشروع به کندن زمین نمود، عیسی علیه السلام از پیرمردی درین باره طالب معلومات شد، پیرمردی درجواب گفت: در دلم گذشت که من موی سفید شدم تاچه وقت جان بکنم لهذا کلنگ رابه زمین انداختم وخوابیدم زمانی بعد به خاطرم گذشت به خاطر امرار معیشت چیزی برایت بکار است لذا بار دیگر شروع به کندن زمین نمودم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست وهفتم

دربیان عبادت وترک اشیای حرام

معنای اطاعت اداء نمودن فرائض وپرهیز کردن از حرام وبه حدود شرع شریف عمل کردن است. مجاهد رحمه الله در مورد آیه کریمه﴿ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا ﴾می فرماید: مطلب ومقصد فرمان الهی است که بنده باید هر وقت به عبادت واطاعت الله تعالی پابند باشد.

حقیقت اطاعت: حقیقت اطاعت معرفت الله تعالی و از او ترسیدن است وبه او تعالی امید داشتن وهمیشه به طرف او رجوع کردن است. کسیکه از اوصاف فوق تهی باشد حقیقت ایمان را درک کرده نمی تواند. لهذا اطاعت تازمانی صحیح نمی شود تاکه معرفت الله تعالی بی مثل وبی مثال. قادر وخالق به تمام صفات اوایمان آورده نباشد. بدویی به محمد بن علی بن حسین رحمه الله عرض نمود آیا شما الله تعالی رادیده اید که عبادت اورا میکنید؟ او درجواب فرمود من اورا می بینم وعبادتش میکنم آن شخص بار دیگر پرسید چگونه؟ محمد بن علی رحمه الله برایش گفت: الله تعالی به نورچشم دیده نمی شود بلکه او ﷻ به روشنائی و ادراک قلب دیده میشود. الله تعالی به حواس حس نمی شود. بلکه به نشانه ها وعلاماتی بی شمار معرفت او تعالی حاصل میگردد. پروردگار به صفات بسیار زیادی موصوف است که بکسی ظلم نمی کند او تعالی ذات اقدس مالک آسمان وزمین بغیر از او تعالی معبود برحق نیست. بدوی گفت: الله تعالی میداند که درکدام خانوادهٔ پیامبر می فرستد.

علم باطنی چیست؟:

از یک مردی عارف درمورد علم باطنی پرسیده شد او رحمه الله گفت: علم باطنی یک امر الهی است که خداوند در دلهای دوستان خود می اندازد. واین اخر به هیچ کدام از انسانها وملائک هویدا نمیگردد. کعب الاحبار رحمه الله گفته است: اگر انسانها به اندازه دانه ویا زره عظمت خداوند متعال یقین پیداکند او درهوا پرواز خواهد کرد. وبر سر آب حرکت خواهد نمود. پاک است ذاتی که به ادراک معرفت خود اقرار و اعتراف عاجزانه انسان را درچه ایمان داد. وبه نعمتهای داده شده عدم اعتراف شکر انسان راشکر کردن راگفته اشعار محمودالوراق بیانگر این مطلب است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

إذا كان شُكرى نعمةَ الله نعمةً ... علىَّ له فى مثلها يجب الشكر
فكيف بلوغ الشكر إلا بفضله ... و إن طالت الأيام واتَّصل العمر
إذا مسَّ بالسَّراء عمَّ سرورُها ... و إن مسَّ بالضراء أعقبها الأجر
وما منهما إلاّ له فيه نعمةٌ ... تضيقُ لها الأوهامُ والبَرُّ والبحر

ترجمه: اگر بر نعمتهای پروردگار شکر کردن نعمت پروردگار باشد هم بر ما شکر کردن واجب است پس چگونه بغیر از کرم الله متعال شکر اداء کردن رامی توانیم اگر برای من عمر درازی داده شد، زمانیکه به انسان خوشی وسرور حاصل گردد، او عام می شود، وهنگامیکه به او غم وتکلیف برسد برایش پاداش خوب داده میشود.

درهر غم وخوشی نعمتهای الله متعال پنهان است که او در بر و بحر نمی گنجند، زمانیکه معرفت الهی حاصل شود اعتراف بنده گی لازم میگردد، وزمانیکه ایمان دردل جاگزین گردد، اطاعت الله تعالی واجب میگردد.

ایمان بر دو قسم است: ظاهری و باطنی. که اقرار به زبان را ایمان ظاهری میگوید، وتصدیق به قلب را ایمان باطنی میگوید. درقرب الهی عبادت واطاعت مؤمنان دارای درجات مختلفی هستند، مگر درایمان تمام آنها شریک هستند، وقتیکه مؤمن درتوکل واخلاص ورضای الهی به کدام اندازه حصه داشته باشد به همان مقدار درجه اش بلند می گردد.

اخلاص این راگویند که نیک از الله تعالی طالب درجه اعمال خود نباشد زیرا که شخص به خاطر امید ثواب وخوف از عذاب عبادت میکند از او اخلاص نمی باشد زیراکه او بخاطر منفعت خود عبادت است.

درحدیث آمده است: که مانند سگ مباشید که از خاطر ترس کارمیکند ونه مانند مزدوری ناشید که بغیر از مزد کار نمی کنید، خداوند متعال می فرماید:﴿ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ﴾[1].

[1] (الحج ١١)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: وبعضی از مردمان آن است که بندگی میکند الله را برگناه پس اگر برسد او را خوبی ثابت می ماند بر بندگی واگر برسد اورا مصیبتی بر میگردد بر روی خود زیان کرده ودنیا و آخرت راهمین است زیان اشکار.

اگر الله متعال درعوض اعمال اجر ومکافات نمی داد باز هم احسان وانعامات پروردگار به اندازهٔ زیاد هست که بر ما عبادت و اطاعت ضروری می بود. واین سخن علیحده است که پرودگار برمایان حکم عبادت وبندگی راکرده است وعده اجر دادن را نموده است.

توکل این است که در وقت ضرورت به الله تعالی توکل شود وبر طرف الله متعال رجوع شود و در وقت مشکلات ابراز سکون واطمئنان صورت بگیرد زیرا که شخص متوکل به این خوب می فهمد که مشکلات از طرف خداوند متعال می آید وواقع شدن هرچیزی از جانب الله تعالی می باشد و همیشه بغیر از الله تعالی بکسی دیگری اعتماد وتوکل نمی کند چنانچه که الله تعالی فرموده است: ﴿ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُۥٓ ﴾[1].

ترجمه: کسیکه به الله تعالی توکل نمود الله تعالی اوراکافی است.

معنای رضاء این است: که انسان تمام کارها را به خوشی وسرور بپذیرد. بعضی از علماء گفته است که در نزد الله تعالی از همه نزدیکتر شخصی است که به رضای الله متعال راضی باشد قول حکما است که زیادتر از خوشحالی بیماری می باشد وزیاد تر بیماری ها شفاء می باشد مثل که یکی از شعراء می گوید:

کم نعمة محمودة	لک بین أنیاب النوائب
ومسرة قد أقبلت	من حیث ترتقب المصائب
فاصبر علی حدثان ده	رک فالأمور لها عواقب
ولکل کربٍ فرجة	ولکل خالصة شوائب

۱) بسیار از نعمتها طوری می باشد که پر از مصائب ومشکلات است.
۲) درخوشحالی از خوشی وسرور به شکل مصائب نازل شده است.
۳) درخوشحالی وغم یکنوع صبر کن زیرا که انجام هر دویکی است.
۴) پس از هر غم راحت وخوشی می باشد ودرهر خوبی مشکلات تهیه است.

---

[1] الطلاق ۰۰۳

(c) ketabton.com: The Digital Library

چنانچه الله می فرماید: ﴿ وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ﴾[1].

ترجمه: وشاید ناگوار دارید چیزی را مال آنکه آن بهتر است برای شما.

عبادت نیک تازمانی ناقص می باشد که با دنیا محبت وخوشی راقطع نکرده باشد. قول شخصی دانشمند وهو شیاری است که بهترین نصیحت آن است که دردل هیچ پرده راناند حجاب وپرده ارتباطات دنیوی است، یعنی به این نصیحت تمام مجنبها از دنیا قطع گردد. قول حکیمانه دیگری است که: دنیا لحظاست باید در اطاعت وبندگی خداوند گذشتانده شود.

ابوالولید الباجی میگوید:

إذا كنتُ أعلمُ علماً يقيناً ... بأنّ جميعَ حياتي كساعة

فلمْ لا أكونُ ضنيناً بها ... وأجعلها في صلاحٍ وطاعة

ترجمه: شما خوب میدانید که در زندگی تان در دنیا از یک ساعت زیاد نیست پس چرا محتاطانه عمر خودرا در اطاعت وعبادت خرج نمی کنید.

شخصی به محمدﷺ عرض نمود که یا رسول الله من مرگ را بد می پندارم محمدﷺ فرمود آیا مال وچیزی دیگری دارید؟ او گفت بلی! هست محمدﷺ فرمود: نخست مال ترا ارسال نمائید زیراکه مال باصاحبش می باشد ارشاد حضرت عیسیﷺ است که در سه چیز خیر و منفعت است: سخن گفتن دیدن وسکوت کردن، سخنان کسی که در آن ذکر الله متعال نباشد لغو است، دیدن شخصی که برای عبرت نباشد آن سهو ونسیان است. وسکوت شخصی اگر بخاطر غور کردن انجام خویش نباشد او بیکاری است زیرا که به فکر کردن میلان دنیوی نابود میشود و آرزوی چیزی های خوب پژمرده می گردد وانسان عادت غور وفکر کردن رامی گیرد وبرای هر انسان ضروری است که بطرف حرام نظر نکند زیراکه نظر کردن تیر است که خطاء نمی رود واین قوت محکم است.

نبی کریمﷺ فرموده است که: نظر کردن یکی از تیر شیطان است کسیکه بخاطر خوف الله متعال چشم خود را از حرام بست کرد، الله متعال اورا لذت ایمان نصیب می گرداند.

حکماء می گویند: کسیکه چشمهای خود را باز کرد وبی شرمی عادت میکرد همین آزاد دیدن، انسان را بی نقاب می سازد او را ذلیل میکنید و تا مدت زیاد اورا به جهنم داخل می

---

[1] (البقرة ۲۱٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

سازد. اهتمام نظر تان بکنید اگر همین کار را نکردید به بدیهای گوناگون گرفتار خواهید شدی واگر بالای او کنترول حاصل کردی همه اعضای بدن تان اطاعت شما را خواهد کرد.

از افلاطون پرسیده شد به بدن چیزی مضر گوش است ویا چشم؟ او درپاسخ گفت: هر دو برای دل مانند دو پر وبال پرنده است قلب بوسیله همین دوبال پر وازمی کند واگر یکی از آنها شکسته شود او درپرواز کردن تکلیف و مشقت را محسوس می کند.

محمد بن ضوء می گوید: الله تعالی برای هر عاقل سزای راتخصیص کرده که: برای دیدن آن چیزی مجبور می گردد که آز آن نفرت می جوید.

زاهدی شخصی رادید که بابچه خود بسیار خوشی وخنده گفتگو می کند زاهد به او گفت: ای کور عقل (بی عقل) آیا فرشته های کراماً کاتبین وحفظه به نظر تان نمی آید که اعمال را بنویسید وآنرا حفظ نماید، وبه گناهان تان شهادت دهد وبه گناهان تان خبر شود.

که از اظهار او درمیان مردم خوف دارید واز شرمندگی حراس.

تمتعا یا ناظریَّ بنظرة ... فأوردتما قلبی أشرَّ الموارد

أعینای کُفّا عن فؤادی فإنّهٗ ... من البغی سعیُ اثنین فی قتل واحد

ترجمه: این چشمانم به نظر کردن بدتان دلم به جای بسیار خرابی قرار دارید. ای چشمانم از گمراه کردن دلم دست بردارید، شما دونفر کوشش کشتن یکنفر را دارید.

علی﵁ می فرمایدکه: چشم دام شیطان است چسم اثر تیز دارد وبه بسیار ذودی با شکست مواجه میگردد هر کسی اعضای بدنش درعبادت الله متعال مصروف سازد او کامیاب گردیده است. وکسیکه اعضای بدنش درخواهشات نفسی خویش مصروف کرد اعمال نیک او باطل گردد.

إذا ما صفت نفس المُرید لطاعة ... ولمّا تَشُبْها للمعاصی شوائب

وأتبعها فعل الجوارح کلّها ... فتلک علیه أنعمٌ ومواهب

نلقته فی دار الخلود کرامةً ... إذا جُبَّ للعاصی سنام وغارب

نصائح عبدالله بن مبارک: عبدالله بن مبارک رحمه الله فرموده است تصدیق کردن کتابهای نازل شده بر پیامبران الله ایمان گویند. کسیکه تصدیق قرآن کریم را می کند وبه احکام او عمل می کند اورا از جهنم نجات می دهد. کسیکه خود را از ارتکاب اشیاء حرام حفظ کرد او به توبه مایل گردید. کسیکه رزق حلال خورد متقی شد. کسیکه فرائض راپوره کرد اسلام او

(c) ketabton.com: The Digital Library

مکمل شد. کسیکه زبان خود را به گفتن راست عادت کرد خود را از هلاکت نجات داده است. وکسیکه به اخلاص عبادت الله متعال راکرد اعمال او قبول شد.

از حضرت ابو درداء روایت است که من به محمد ﷺ عرض کردم که برایم وصیت کن. محمد ﷺ برایم فرمود: هر کسب حلال وپاک را یادگیر وعمل نیک را انجام ده واز الله متعال رزق روزمره راطلب کن وخود را در زمره مردها حساب کن. برای هر انسان لازم است که به اعمال نیک خود فخر نکند زیرا که این کار برای اعمال خویش هلاکت عظیمی است. این شخص به اعمال نیک خود به الله متعال منت نگذارد درحالیکه معلومات پذیر فتن اعمال وبا نه پذیرفتن معلوم نمی باشد گناهیکه درپی آن ندامت داشته باشد از عبادت که همراه تکبر وریا باشد بهتر است. الله متعال می فرماید:﴿ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا۟ يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾ ﴾[1].

ترجمه: وظاهر شود ایشانرا از الله آنچه گمان انرا نمیداشتند. بعضی از مفسرین میگوید که مطلب این آیه شریف این است که شخصی در دنیا عمل خوبی میکرد وبرآن افتخار میکرد. درآخرت نیکی های او به شکل بدیهای آشکار گردید. هنگامیکه یکی ازین آیت شریف راتلاوت کرد.فرمود: این به کسی هلاکت است که عبادت بخاطر ریاء انجام میدهد.

بعضی از علماء ازین فرمان الهی استنباط کرده که درعبادت الله متعال کی دیگر راشریک سازید. یعنی گفته است این شرک وریاء است. از ابن مسعود ﷺ روایت است که آخرین آیه نازل شده این است که:﴿ وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾ ﴾[2].

ترجمه: بترسید از آن روز که باز گردانیده شوید درآن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وایشان ستم کرده نشوید.

محمد بن بشیر رحمه الله می فرماید:

مضى أمسُك الأدنى شهيداً معدلا ... ويومُك هذا بالفعال شهيدُ
فإن تكُ بالأمس اقترفت إساءةً ... فثنِّ بإحسان وأنت حميد
ولا تُرْجِ فعلَ الخير منك إلى غد ... لعل غداً يأتي وأنت فقيد

---

[1] (الزمر ٤٧)
[2] (البقرة ٢٨١)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: قسمت زیاد از زندگی ترا زمانه پایان داد. وعمر کمی ترا طوری مصرف نمانید توشاید عادل باشی وافعال تان شهادت اعمال نیک تانرا بدهد.

اگر در روز های گذشته تان گناهی راجمع کرده باشید الآن نیکی کنید تاکه نیک بخت شوید.

کار نیک رابه فردا مگذارید مبادا که فردا اید وشما نباشید.

نصیحت های داود علیه السلام به سلیمان علیه السلام:

حضرت داود علیه السلام به سلیمان علیه السلام فرمود: سه خصلت است که به پرهیزگاری مؤمن دلالت دارد یا میکند.

۱) توکل خوب دروقت نه یافتن مقصود.

۲) رضای خوب دروقت دریافتن مقصود.

۳) صبر کردن در وقت حاصل نه شدن مقصود.

حکمت: کسیکه بر مصیبت صبر کند به مطلبش مایل میگردد. شاعری میگوید:

علیک بالصبر إن نابتک نائبةٌ ... من الزمان ولا تترکنْ إلی الجزع

وإنْ تعرّضت الدنیا بزینتها ... فالصبرُ عنها دلیلُ الخیر والورع

فجاهدِ النفسَ قسراً فیهما أبداً ... تلقَ الذی ترتجیه غیرَ مُمتنع

ترجمه: اگر کدام مصیبت دنیوی بالای تان نازل شد. فریاد مکن. اگر دنیا به تمام زیبائی ز روی گردان شود. صبر کن زیراکه این علامه نیکی وتقوی است. ۳) نفس تانرا به صبر کردن وتقوی مجبور سازید پس شما آن فضیلت راخواهند یافت که آرزوی آنرا دارید.

شاعری دیگر میگوید:

الصبر مفتاح ما یُرجَّی ... ولم یزل دائماً یعینُ

فاصبرْ و إن طالت اللیالی ... فربَّما ساعدَ الحزون

وربَّما نیلَ باصطبارِ ... ما قیل هیهاتَ لا یکون

ترجمه: صبر کردن مفتاح وکلی بدست اوردن مقصد وهدف است. ویک مددگار دائمی است.

اگر شب غم وانده به دراز اکشید صبر کن زیراکه اکثراً دیده که سر انجام تکلیف ومشقت سرور وخوشحالی است.

بارها دیده شد که بعد از صبر کردن صابرین نادم وپشیمان نمیگردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

چنانچه شاعری دیگر میگوید:

الصبر أوثق عروة الإيمان ... ومَجنّةٌ من نزغة الشيطان
الصبر فيه عواقبٌ محمودةٌ ... والطيشُ فيه عواقبُ الخسران
فإذا لقيبَ من الزمان ملمّةً ... وكذاك فينا عادةُ الأزمان
فتدرَّع الصبرَ الجميلَ تيقّنا ... إن التصبُّر رائدُ الرضوان

ترجمه: صبر کردن ریسمان محکم ایمان وسپر برای دسایس شیطان است.
انجام صبر خوب وانجام قهر وغصب خیلی بد است.
اگر از طرف من به تو غمی برسد باید فهمیده شود که این کار روز اول زنده گی انسان جریان دراد.
صبر یقین محکم مانند لباس رزه آهنین است پوشیده میشود که رافع ضرور مستقبل خوشی دارد. صبر اقسامی دارد. که عبارت است از: پابندی والتزام به اداء کردن فرائض الله متعال واهتمام به اوقات صبر کردن بر عبادت به صبر کردن به ظلم دوستان و همسایه. صبر در بدل مرض و فقر، از ارتکاب گناهان، خواهشات ناروا، و وسایس شیطانی ودر اعمال غیر ضروری، از استخدام اعضای بدن صبر نمودن وغیره.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست و هشتم

دربیان یاد کردن مرگ

حدیث مبارک است که نبی کریمﷺ وسلم می فرماید: ترجمه: بگذارید وترک نمائید لذتها دنیوی را ومرگ به کثرت یاد نمائید درین فرمان حضرت پیامبرﷺ اشارت است کی می رساند: که به تکرار کردن مرگ از لذتهای دنیا دست بردار شوید تا در دربار الله متعال مقام کسب نمائید تکرارو یا دکردن مرگ با شهید یک زنده میگردد. حدیثی دیگری که می فرماید: اگر حیوانات مانند شما به مرگ می فهمید هر گز حیوان چاق وفربه را برای ذبح کرده نمیتوان یافت.

حضرت عایشه رضی الله عنها پرسید: که یا رسول اللهﷺ باشهید کدام اشخاص یکجای خیزد؟ پیامبرﷺ فرمود: آن شخصیکه درشب و روز مرگ را بیست مرتبه یاد کند. باعث این فضیلت این است که یادنمودن مرگ قلب انسان را از دنیا می گرداند وبرای استعداد و آماده ساختن توشه برای آخرت آماده می سازد.

وفراموش کردن مرگ باعث وسبب محبت باخواهشات دنیا می گردد. نبی کریمﷺ می فرماید: مرگ برای مؤمن تحفه است زیراکه مؤمن در دنیا مانند زندانی زنده گی میکنید زیراکه مؤمن همیشه درمقابله نفس وشیطان درمبارزه مناقشه می باشد. واین کار برای بنده مؤمن از عذاب کم نیست. مگر مرگ نجات دهنده از تمام این مصائب ومشکلات است لهذا مرگ برای مؤمن تحفه شمرده شده است. حدیث شریف است که: مرگ برای مسلمان کفاره است زیراکه هدف مسلمان مؤمن بودن کامل است. که مسلمانان از ضرر دست وزبانش در امان باشد. و در او اخلاق حسنه پیدا شود واز تمام گناهان کبیره خود داری کند. برای این گونه شخص مرگ باعث کفاره گناهان صغیره اش میگردد. ادا نمودن فرائض خداوند اورا از گناهان پاک ومحفوظش میدارد.

از عطاء خراسانی روایت است: که روزی پیامبرﷺ بر مجلس گذشت که درآن مردم به آواز بلند می خندیدند. حضرت پیامبرﷺ برای شان گفت: درمجالس خویش لذائذ دنیوی راترک وفراموش سازید. پرسیدند که یا رسول اللهﷺ آن چیست که لذائذ رافراموش می سازد. آن حضرتﷺ فرمود: آن مرگ است. از حضرت انسؓ روایت است که محمدﷺ

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرمود که مرگ را زیاد یادکنید که یاد کردن مرگ سبب محو گناهان میگردد، ورغبت تانرا به دنیا کم می سازد.

حدیث دیگری است که: مرگ برای جدایی شدن کافی است. بار دیگر فرمود که: مرگ ناصح بزرگ وعظمی است: یک رتبه نبی کریمﷺ به مسجد می رفت او جماعتی از مردم را دیدند که مصروف خندیدن بودند. نبی کریمﷺ برای شان گفت: شما مرگ را یاد کنید به الله تعالی سوگند می خورم که به آن چیزیکه من میدانم ومی فهمم اگر شما بدانید وبه فهمید پس خنده را کم وگریه را زیاد خواهد کرد.

ارشادات نیکان: از حضرت عبدالله بن عمرؓ روایت است که فرمود: من شخصی دهم بودم که درخدمت پیامبرﷺ فرمود: کسیکه مرگ را زیاد یاد می کند وبرای مرگ امادگی میگرد این نوع مردم دنیا وآخرت باعزت هستند.

درحضور پیامبرﷺ یاد آوری شخصت شد اهل مجلس توصیف زیادی شخصی رانمود. پیامبرﷺ گفت: رفیق تان تاچه حد مرگ را یاد می کنید. صحابه جواب دادند مایان ذکر مرگ را نمی شنویم رسول اللهﷺ فرمود: دوست ورفیق تان مستحق ثناء وصفت نیست.

قول حسنؓ است که: مرگ دنیا رابی قیمت وبی ارزش ساخته. ازین او شخصی عاقل و دانا و زیرک به بودن به دنیا خوشنود نیست. ربیع بن خثیم رحمه الله: برای انتظار مومن از هنه انتظار مرگ بهتر است او فرمود که شخصی دانشمند وهوشیار به دوستش نوشت که درین مقام قبل از رفتن تان بجای که انجا به بسیاری عذر و زاری مرگ نمی آید عمل نیک رابکن.

درمحفل امام ابن سیرین رحمه الله یاد آوری مرگ کرده میشد هر اندام بدنش بی حس وبی حرکت میگردید. دستور وطریقه عمر بن عبدالعزیز رحمه الله طوری بود که هر شب علماء را جمع می کرد تا یاد آورمی گور، مرگ و روز قیامت وآخرت راباد آوری کند اما عمربن عبدالعزیز بد اندازهٔ گریه میکرد که گویا که درحضورش نعش جنازه قرار دارد.

قول ابراهیم تیمی رحمه الله است که: حینکه مرگ واستاده شدن خود را درحضور اللهﷻ رابه قلب وخاطر خود می آورم از زندگی دنیا بی خبرو نا آشنای گردم.

کعبؓ می فرماید: کسیکه مرگ را شناخت از او تمام غمها و تکالیف دنیا ختم می گردد. مطرف رحمه الله می فرماید: درخواب دیدم که کسی که درمیان مسجد بصره ایستاده است ومی گوید: یاد کردن مرگ جگرهای مردم خدا ترس راپاره پاره ساخته به الله متعال قسم می خورم که آنها را همیشه پریشان بینید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

از اشعث ﷺ روایت است که زمانیکه مایان درخدمت پیامبر ﷺ حاضر می شدیم انجا بحث وگفت گوی مرگ جهنم روز قیامت رامی شنیدیم.

از ام المؤمنین صفیه رحمه الله روایت است که زنی به حضور عایشه رضی الله عنها از سنگ دلی خود شکایت نمود، وی برایش فرمود: مرگ رابکثرت یاد کن قلبت نرم میگردد. زن موصوف سید از مدتی که هدایات بی بی عائشه ﷺ را عملی کرده بود و در او تحول بعد عجیب پیدا واحساس نرمی قلب خویش رانموده بود بار دیگر به حضورش آمد ازتوصیهٔ نیکش گذرای کرد.

حالت حضرت عیسی علیه السلام به سبب یاد کردن مرگ:

زمانیکه نزد عیسی علیه السلام ذکر مرگ می شد از بدن مبارکش خون می چکید، وبه هنگامیکه درنزد حضرت داود علیه السلام ذکر مرگ و روز قیامت می شد قلبش استاده میگردید وبه بدنش لزره می افتاد. و زمانیکه درنزد شان ذکر رحمت میشد حالتش دیگر گون ومتغیر میگردید.

قول حسن ﷺ است که: هر عاقلی را که دیدم او از مرگ می لرزید.

عمربن عبدالعزیز رحمه الله به عالمی گفت: برای من نصیحت کن. عالمی برایش گفت: باوجود خلافتت از مرگ نجات نداری. از حضرت آدم گرفته تا الحال هرکس مزه مرگ راچشیده است حال نوبت شما ومن است. عمربن عبدالعزیز بعد از ین توصیه بسیار گریان نمود ومرگ را یاد میکرد.

ربیع بن خیثم درجوار خانه اش به خود قبری حفر کرده بود در روز چند مرتبه درقبرش می خوابید وهمیشه مرگ را یاد میکرد ومیگفت: اگر من یک لحظهٔ از مرگ غافل شوم همه کارها خراب خواهد شد.

قول مطرف بن عبدالله بن الشخیر: که مرگ دنیا را به مالداران وسرمایه داران تخ وتنگ ساخت است از الله تعالی همیشه توان چیزهای را بکنید که دائمی وپایدار باشد.

عمر بن عبدالعزیز ﷺ گفت: مرگ را بکثرت یادکن اگر همراه تان مال زیاد باشد شما را تنگ دست می سازد. اگر تنگ دست باشید برای شان وسعت می بخشد.

ابوسلمان دارانی رحمه الله می گوید: من از ام هاران پرسیدم آیا با مرگ محبت دارید؟ او گفت: نه خیر من پرسیدم چرا؟ وی گفت: من که نافرمانی کسی رامیکنم خواهش ملاقات او هرگز نمی کنیم. برای مرگ هیچ کاری نکردم لهذا من او را چطور بخواهم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابوموسی تیمی می گوید: زن شاعر مشهور فرزدق فوت نمود و درجنازه او بزرگان مردم بصر شرکت نمودند که درجمله آن حسن بصری رحمه الله هم بود. او گفت: ای ابو فراس! تو برای این خانه چیزی راتیار کرده یی؟ او گفت: از شصت سال این طرف مسلسل اقرار به واحدانیت ویگانگی الله تعالی را می کنیم زمانیکه او را دفن کرد. فرزدق به قبر او اشعار ذیل را خواند:

إخافوراءَ القبر إن لم تُعافني ... أشدَّ من القبر التهاباً وأضيقا
إذا جاءني يومَ القيامة قائدٌ ... عنيفٌ وسوّاقٌ يسوق الفرزدقا
لقد خابَ من أولاد آدم من مشى ... إلى النار مغلول القلادة أزرقا

ترجمه: باری آیا اگر مرا معاف نکنی من از شعله آتش ها وفشار قبر زیاد می ترسم در قبر زمانیکه روز قیامت آمد ملائک ها وفرشته های سنگ دل وهیبت ناک فرزدق راکش کند. بدون شک از نسل ادم علیه السلام آن شخص رسوا و شرمنده گردید که درگردنش طوق افتیده وبه جهنم فرستاده شد برای زنده گی کننده گان قبور بعضی شعراء اشعار پرمحتوی وعبرت ناک را سروده ودمزمه کرده است.

قف بالقبور وقُلْ على ساحاتها ... من منكم المغبورُ في ظلماتها
ومَن المُكرَّم منكمُ في قعرها ... وقد ذاق برد الأمن من روعاتها
أما السكونُ لذي العيون فواحدٌ ... لايستبين الفضل في درجاتها
لو جاوبوك لأخبروك بألسنٍ ... تصفُ الحقائق بعد من حالاتها
أما المطيع فنازل في روضة ... يُفضي إلى ماشاءَ من دوحاتها
والمجرمُ الطاغي بها متقلّبٌ ... في حُفْرة يأوي إلى حيّاتها
وعقارب تسعى إليه فروحُهُ ... في شدّة التعذيب من لدغاتها

به مقبره ایستاده شوید واز آنها پرسید که کدام تان در تاریکی غرق گردیده است.
وکی درعمق آن در امن وسکون وعزت هست.
برای شخص بینا سکون است وتفاوت مراتب دیده نمیشود.
اگر او جواب بدهد از زبانش حقیقت حالات طوری بیان گردد.
کسیکه مطیع وفرمان بردار بود او درباغهای جنت هر جا که بخواهد گردش میکند.
مجرم بدبخت درخندقهای پر از اژدها واز شدت در روایم فریاد می زند.
گزدمها بطرف او بسرعت می آید وروح او به سبب وی درعذاب سخت مبتلا است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مالک بن دینار رحمه الله می فرماید: من به خواندن این قطعه شعر از مقبره عبور کردم:

أتیتُ القبور فنادیتها — فأین المعظَّم والمحتقر
وأین الذُّلُّ بسلطانه — وأین المزکّی إذا ما افتخر

ترجمه: من به مقبره آمدم وآواز کردم که مردم باعزت وفقیر کجا هستند؟
افتخار کننده به پاک دامنی خود وسلطان زمان کجا است؟
مالک بن دینار رحمه الله می گوید: جواب قطعه شعری راکه سروده ام چنین داده شده.

تفانَوا جمیعاً فما مخبرٌ — وماتوا جمیعاً وماتَ الخبز
تروح وتغدو بناتُ الثَّری — فتمحو محاسنَ تلک الصورْ
نیا سائلی عن أناسٍ مضَوا — أما لک فیما تری معتبرْ

همه فنا شدند کسی خبر دهند نیست که تمام آنها مرده اند علائم آنها از بین رفته است.
صبح شام میشود وچهره های حسین شان راخاک نابود می سازد.
ای کسیکه از مردم سابقه پرسان می کنید آیا ازین قبرستان عبرت گرفتید وپند حاصل نموده اید.

به قبری دیگری نوشته شده بود.

تناجیک أجداثٌ وهنَّ صُموت — وسکّانُها تحت التراب خفوتُ
أیا جامعَ الدنیا لغیر بلاغةٍ — لمن تجمع الدنیا و أنتَ تموتُ

قبر ها که اصحاب مان زیر خاک صامت وخاموش هستند به لسان حال برایت میگوید.
ای جمع کننده دنیا شما هم فوت شدنی هستید پس این دنیا برای چه کسی جمع می کنی.

ابن السماک: می گوید من به مقبره عبور کردم وبالای قبر نوشته بود.

بمرِّ أقاربی جنباتِ قبری — کأنَّ أقاربی لم یَعرفونی
ذوو المیراث یقتسمونَ مالی — وما یألون إن جَحدوا دیونی
وقد أخذوا سهامَهم وعاشوا — فیالله أسرعَ ما نسونی

دوستان من درجوار قبر به ناخبری گذر می کنند.
آنها مال مارا تقسیم نمودند وی قرض مارا اداء نه ساخته اند.
آنها بر حصه های شان خوشحال هستند آه برحال آنها مرا حقدر به سرعت فراموش کردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به قبری دیگری نوشته بود.

إن الحبیبَ من الأحباب مُختلس — لایمنع الموتَ بوابٌ ولا حرسُ
فکیف تفرحُ بالدنیا ولذّتها — یا من یُعدّ علیه اللفظ والنَّفَسُ
أصبحت یا غافلاً فی النقص مُنغمساً — و أنت دهرَک فی اللّذات مُنغمسُ
لایرحم الموتُ ذا جهلٍ لغرّته — ولا الذی کان منه العلمُ یُضتبسُ
کم أخرسَ الموتُ فی قبر وقفت به — عن الجواب لساناً ما به خرسُ
قد کان قصرُک معموراً له شرفٌ — فقبرُک الیومَ فی الأجداثِ مُندرسُ

مرگ دو را از محفل دوست دیگری جدا ساخت وهرگز به جدائی وفراق آن چاره سازنی نکرد.

اوز آسانی وسهولت های دنیا چطور مسرور می گردد. درحالیکه هرنفس وکلاس زیر حیات است.

ای غافل شما از زیان ونقصان سرگرم هستید و در زنده گی خود درخواهشات نفس وشیطان غرق شده اید.

مرگ به جهالت ما جاهلی ویا به علم عالمی رحم نمیکند.

مرگ خوار مردمان را را درقبر فرو برده وخاموش ساخته که توان جواب دادن را ندارد وصدایش نمی آید.

دیروز محل تان از عزت وشرف مملو بود اما امروز نشانی هم بر قبری تان دیده نمی شود.

وقفتُ علی الأحبّة حین صُفّتْ — قبورُهم کأفراسِ الرِّهانِ
فلما أن بکیتُ وفاض دمعی — رأت عیناي بینهم مکانی

زمانیکه قبر ها دوستانم هموار گردید برایم معلوم شد. با گریان و زاری نمودم واشک غم ریختم. ولی اشک آنها استاده بود. دیگر توان ریختی راانداشت.

قد قلتُ لما قالَ لی قائلٌ — قد صارَ لقمانُ إلی رمسه
فأین من یُوصف من طبّه — وحذقه فی الماء مع جسّه
هیهات لایدفع عن غیره — من کان لا یَدفع عن نفسه

هنگامیکه پرسیده شد درپاسخ گفتم مانند لقمان شخصی طبیب وهوشیار هم. درقبر خوابیده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

کجاء است آن شخصی که طبابت اش به دنیا پزیرفته شده بود و در مهارت مثلی نداشت.
کسیکه مرگ را از خود دور کرده نتواند چطوری ممکن است که از دیگران دور بسازد.
به قبری دیگر نوشته بود:

یا أیُّها الناس کان لی أملُ ... قصَّر بی عن بلوغه الأجلُ
فلینق الله رءٌ رجلٌ ... أمکنه فی حیاته العملُ
یا أنا وحدیَ نُقلت حیث تری ... کلٌّ إلی مثله سینتقلُ

ای مردم: من آرزوهای زیاد داشتم ولی مرگ برایم فرصت بر آوردن را نداد.
از الله تعالی بترسید ودر زندگی خود اعمال نیک را انجام دهید.
تنها من اینجا نه آمدم بلکه هر کس اینجا آمدنی است وناگزیر می آید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب بیست ونهم

دربیان آسمانها وابحاث دیگری

روایت است که الله تعالی از هم نخست جوهر را آفرید هنگامیکه او رابه نظر رحمت دید او ذوب شد واز خوف الله تعالی به لرزه آمد وبه آب تبدیل شد.

باز الله متعال اورابنظر رحمت دید پس نیم حصه آب جامد گشت وازآن عرش ساخته شد. عرش به جنبیدن درآمد، وبر او لااله الا الله محمد رسول الله نوشته شد. بوسیله نوشتن کلمه عرش ساکن گردید اما آب همان گونه باقی ماند تا روز قیامت با امواج متلاطم حرکت میکند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَكَانَ عَرْشُهُۥ عَلَى ٱلْمَآءِ ﴾[1].

ترجمه: بود عرش پروردگار بر آب خلقت کائنات زمانیکه در آب امواج پدید آمد بالاو پایین ابرها دود بلند شد. کف و رطوبت به میان آمد از آنها زمین و سمانها پیداشد که یکی بار دیگری چسپیده بود وبعداً درمیان آنها الله ﷻ هوا را خلق کرده وبه فشار آن طبقات زمین از هم جدا گشته چنانچه الله متعالی می فرماید: ﴿ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِىَ دُخَانٌ ﴾[2].

ترجمه: باز متوجه شد به سوی آسمان و او مانند دود بود.

حکما می گویند: الله تعالی اسماء آنها را از دود بخاطری این خلق کرده که دود باهم چسپیده می باشد ودرمکان بلند قرار می تواند. از بخار سبب این خلق نکردن که او دوبارهٔ پائین می آید این علامه ادنی علم حکمت پروردگار هست وطبع ارشاد نبوی: الله تعالی به طرف آب نظر رحمت کرد او جامد گردید.

نامهای آسمانها و نکهای آنان: آسمان زمین و دنیا. پس درمیان هر آسمان پنجصد سال فاصله است همین طور هر آسمان حجم خود دارد. روایت است که آسمان اول مانند شیر رنگ سفید دارد. به سبب سبز بودن کوه قاف درنظر مایان آبی معلوم می شود. واسمش رقیعه است. نام آسمان دوم مبدوم یا ماعون است او از آهنی ساخته شده شعاعهای نور از آن عبور کره می تواند. آسمان سوم از مس ساخته شده واسمش ملکوت یا هاریون می باشد اسم آسمان چهارم

---

[1] (هود ۰۰۷)
[2] (فصلت ۰۱۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

زاهر است واو از نقره ساخته شده واسم آسمان که چشم به او دیده نمی تواند. اسم آسمان پنجم مزینه بامهره است که از طلاء ساخته شده واسم آسمان ششم حاسعه است که از مروارید ساخته شده و درآن بیت المعمور می باشد ستونهای بیت المعمور چهار است یکی از یاقوت سرخ دوم از زبرجد سبز سوم از نقره وچهارم آن از طلا ساخته شده است وعمارت آن از عقیق سرخ ودرآن هر روز هفتاد هزار فرشته صرف یک بار داخل میگردد تا روز قیامت به آن بار دوم نوبت نمی رسد قول معتبر این است که زمین از آسمان بهتر است زیراکه زمین مکان تولد ومدفن انبیاء علیهم السلام است. و درهمه طبقات زمین طبقهٔ بالائی آن بهتر است زیراکه در آن مخلوقات الله متعال سکونت دراد. و از او لذت می گیرد. هفت ستاره وآسمانهای آن از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که درمیان هم آسمانها کرسی بهتر است زیراکه چت آن با عرش پروردگار چسپیده است. و ا ز همین ستاره گاه هفت گانه ستاره های دیگری هم درهمین آسمانها وجود دارد.

تفصیل ستاره های هفتگانه قرار ذیل است:

ذحل: ستاره روز هفته است ودرآسمان هفتم موقعیت دارد مشتری ستاره روز پنجشنبه است که درآسمان ششم موقعیت دارد، مریخ ستاره روز سه شنبه است که در آسمان پنجم موقعیت دارد. شمس: ستاره روزیک شنبه که درآسمان چهارم واقع زهره ستاره روز جمعه است. که دراسمان سوم موقعیت دارد.

عطارد: ستاره یوز چهار شنبه ا ست که درآسمان دوم موقعیت دارد. قمر ستاره روز دوشنبه است که درآسمان اول واقع است.

نکته: الله تعالی درخلقت زمین و آسمان عجائب خیلی زیادی راگذاشته است درحالیکه هم آسمانها از دود ساخته شده لیکن درمیان خود با هم برابر نیستند وشکل و اشکالی مختلف دارد. از آسمان باران رانازل کرده است وبوسیله آسمان سبزی جات مختلف را خلق نموده است که رنگ ومزه آنها یکی از دیگری جدا می باشد. در اولاد ادم علیه السلام اقسام مختلفی راخلق نموده که بعضی از آنها سفید ودیگری سیاه پوست بعضی از آنها خوشحال و دیگر پریشان وخسته می باشد بعضی از آنها مؤمن برخی دیگر آنها کافر. بعضی عالم بعضی جاهل ں باشد، درحالیکه همه از آنها از نسل ادم علیه السلام می باشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سوم

دربیان عرش، کرسی، فرشته های مقرب، رزق و توکل

الله تعالی می فرماید: ﴿ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ﴾[1]. ترجمه: فرا گرفته است کرسی او آسمان ها وزمین را.

مراد از کرسی علم الهی یا پادشاهیت الهی است. یا اسم کدام آسمان مشهوری است. از علی رضی الله عنه روایت است که کرسی مروارید است که طوق بغیر از الله متعال به کسی دیگری معلوم نیست. درحدیث شریف آمده است که هفت آسمان و زمین ها نسبت به کرسی چنانچه درصحرای بزرگ حلقه افتیده باشد. آسمان در کرسی است وکرسی زیر عرش الهی قرار دارد. از عکرمه رضی الله عنه روایت شده است که آفتاب حصهٔ هفده هم کرسی است وعرش حصه هفده هم حجاباب پروردگار است.

روایت است که درمیان فرشته ها بلند کنندهٔ عرش وکرسی فاصله پنجصد ساله وجود دراد اگر این پرده ها نمی بود حاملین کرسی درحاملین تجرید میگرفت عرشی جسمی است نورانی که از کرسی بلند تر است. وبا این قول حسن بصری رحمة الله مخالف است.

ساخت عرش الهی:

در مورد عرش الهی روایات متعدی وجود دراد بعضی از آنها طوری است که از مروارید سفید ساخته شده ولی دراصل این حقیقت به الله متعال خوب معلوم است ماهرین فلکیات به آسمان نهم فلک اعلی وفلک افلاک وبا فلک اطلس می گوید.

درین هیچ ستاره وجود ندارد. طبق قول ماهرین سابقه تمام ستاره ها درآسمان هشتم است که بدان فلک ابروج گفته میشود. واهل شرع به آن کرسی می گوید. عرش الهی سقف مخلوقات است هیچ چیزی از دائره او خارج شده نمی تواند وانتهای علم وادراک بندگان است الله تعالی براو نسبت عظیم کرده است چنانچه که می فرماید: ﴿ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾ ﴾[2].

---

[1] (البقرة ۲۵۵)

[2] (التوبة ۱۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

درتورات اسم پیامبرﷺ متوکل بوده زیراکه هیچ کس از او زیادتر صاحب معرفت الله متعال شده نمیتواند محمدﷺ سردار موصلینن ورهبر عارفان کامل است. بر او ﷺ حقیقت توکل مانند روز روشن اشکار بوده.

حقیقت توکل:

مقصد وهدف توکل این نیست که ازحصول اسباب خود داری ودشت بردار گردد. شخصی بدوی از محمدﷺ پرسید آیا پای شتر رابسته کرده توکل کنیم ویا رها کرده اعتماد بر تو کل کرد؟ آنجناب فرمود: اول پای شتر را ببند بعداً توکل کن. ارشاد محمدﷺ است که اگر شما حقیقت توکل را درک می کردید پس الله تعالی به شما مانند پرنده ها رزق می داد که صبح می رود وشام به شکم بر عودت می نماید سوال وجواب میان ابراهیم ادهم وشقیق بلخی درمکه مکرمه باهم ملاقات نمودند. ابراهیم پرسید که ای شقیق شما این مرتبه را چطور کسب نمودید؟ شقیق جواب داد من از بیابانی عبور میکردم که پرنده را دیدم که هردوبالش شکسته است در دلم گذشت برای این مرغک رزق از کجا می آید من در آنجا نشستم تا ببینم که چطور رزق حاصل می کند زمان گذشته بود که مرغ دیگری آمد ملخی را درمنقار خود گرفته ودر دهن او داد. با خود گفتم که رازق کائنات به وسیله پرنده به پرنده معیوب رزق می رساند وحتماً برایم رزق تعین شده ومی رسد. لهذا همه کار وکسب خودرا ترک گرفته به عبادت پروردگار مشغول گردیدم. ابراهیم برایش گفت: آیا تو مانند پرنده مجبور و محتاج زنده گی را پریرفتید؟ اگر مانند پرنده سالم زنده گی راقبول می کردی مقام بلند نصیب تان می شد آیا این فرمود محمدﷺ را نشنیده اید که دست بالا از دست پایین بهتر وافضلتر است. مؤمن همیشه درجستجو و تلاش مقام بلند می باشد تا درصف ابرار ونیکان ایستاد گردد. زمانیکه سخنان پر معنی وارزنده ابراهیم رحمه الله راشنید برایش گفت: واقعاً که استاذ ومعلم من هستید.

توکل حقیقی چیست؟

هنگامیکه انسان اسباب ووسایلی رزق رامهیا نماید پس عوض اسباب باید خالق کائنات را نصب العین خود قرار دهد. زیراکه درحقیقت روزی رسان او است آن گدایی گری که کچکول بر شانه درحرکت می باشد وگدایی می کند او به طرف کشکول نظر نمی کند بلکه بسوی سخی وجواد می نگرد که برایش چیزی می دهد. حدیث مبارک نبی کریمﷺ است که: هر شخص که می خواهد از همه غنی تر گردد او باید از مال خود به انعام الهی زیادتر بگردد ونظر نماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مثال توکل حقیقی:

حذیفه مرعشی از خدام ابراهیم ادهم مردم برایش گفت: کدام داستان جالب ابراهیم برای مایان حکایت کن او درپاسخ گفت: باری بسوی مکه درحرکت بودیم دراثنای سفر خرج وغذای مایان تمام شد و ما دریکی از مساجد مخروبه کوفه استراحت کردیم ابراهیم رحمه الله بسوی من نظر کرد وگفت: حذیفه شما را گرسته فکر می کنم، گفتم: بلی بسیار زیاد گرسنه شدم او دواة وقلم خواست وبعد از بسم الله الرحمن الرحیم نوشت: ای الله متعال درهر حالتی همین تومقصد وملجأ مایان هستید وسپس این ابیات شعر را نوشته کرد:

إنا حامد أنا شاكر أنا ذاكر ... أنا جائع أنا ضائع أنا عاري
هي ستةٌ و أنا الضمين لنصفها ... فكن الضمينَ لنصفها يا باري
مدحي لغيرك لهبُ نار خضتُها ... فأجرْ عُبيدك من دخول النار

ترجمه: من حامد، شاکر وذاکر شما هستم، من گرسنه خسته، وبرهنه هستم.
ای الله ﷻ من ضامن سه چیز هستم وضمانت سه چیز را شما پذیرفتید.
بغیر از تو ثنا و ستایش دیگران از شعله آتش کم نیست پس بندگانت ازین آتش نجات ده.

برایم این رقعه را داد وگفت: در دلت هیچ کسی راجای ندهید هر شخصی که اولتر باتو ملاقی گرید این رقعه برایش بدهید، نخستین شخصی راکه دیدم کسی بود که به مرکب خود سوار بود این خط برایش دادم او این نامه راخوند گریان کرد وبرایم گفت: نویسنده این رساله کجا است؟ من بر او گفتم: درفلان مسجد مخروبه نشسته است او خلطهٔ داد که درآن شش صد دینار بود سپس درمورد این شخص از کسی پرسیدم او برایم گفت: این شخصی عیسوی مذهب است بعد از عودت وباز گشت خود تمام داستان رابه ابراهیم رحمه الله بیان نمودم او رحمه الله گفت: کمی صبر کن آن شخصی همین جا خواهد آمد اندکی بعد آن شخص همینجا آمد وبدست ابراهیم رحمه الله ایمان آورد ومسلمان شد.

لاحول ولا قوة إلا بالله نیرو و قوت است:

از حضرت ابن عباسﷺ روایت است که: الله متعال فرشته های حاملین عرش راخلق نمود و برآنها حکم بلند نمودن عرش راصادر کرد اما آنها از بلند نمودن عرش عاجز شدند. الله متعال همرای هر فرشته مانند فرشته های آسمان هفتم فرشته های دیگری را آفرید وبرای شان حکم بلند نمودن عرش را داد ولی آنها بازهم موفق به این کار نشدند سپس الله ﷻ برای شان

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرمود: لاحول ولاقوه الا بالله بخوانید آنها که این دعا را گفتند عرش رابلند کردند لکن اقدام شان درهوای زمین هفتم محکم شد. زمانیکه به فرشته ها معلوم شد که پاهای شان درهوا معلق است وزیر اقدام شان کدام چیزی محکم وجود ندارد آنها عرش پروردگار را محکم گرفتند وبه گفتن لاحول ولا قوه الا بالله آغاز نمودند تا از افتیدن خود را محفوظ نگهدارند حالاً آنها عرش را بلند کرده اند و اورا محکم گرفته اند بلکه تمام قدرت الهی رامحکم کرده اند. روایت است: کسیکه صبح وشام (حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم) می خواند الله متعال هم مرامها وخواهشات اورا پوره می کند. در روایتی آمده است که الله متعال تمام کارهای دنیوی واخروی وی را بر آورده می سازد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی ویکم

دربیان ترک کردن دنیا وبدی های آن

درقرآن کریم آیاتهای زیادی دربارهٔ قبح، بدی وعدم توجه به دنیا ومیلان بطرف آخرت موجود است بلکه بعثت پیامبران هم درهمین مورد است بخاطر شهرت زیاد از آیاتهای قرآن کریم صرف به ذکر چنده احادیث شریف اکتفاء می کنیم. درمورد بدی وقباحت دنیا چند حدیث نبی کریمﷺ روایت است که محمدﷺ درجوار بز مردار و متعفن عبور کرد وفرمود: آیا این بز مردار و بد بو را صاحبش دوست دارد؟ صحابه کرام فرمودند: اوازخاطر بدبویی اش اینجا انداخته است، محمدﷺ فرمودند: به الله متعال سوگند می خورم که نزد اللهﷻ این دنیا ازین بز بی ارزش وبی اهمیت است اگر دنیا نزد اللهﷻ متعال به اندازهٔ بال مگس اهمیتی می داشت کافر یک جرعه آب هم از آن نوشیده نمی توانست.

محمدﷺ فرمود: دنیا برای مومن بندیخانه وبرای کافر بهشت است باز فرمود: دنیا ملعون است وهرچیزی دنیا که بخاطر الله متعال نباشد ملعون است. از ابوموسیؓ روایت است که محمدﷺ فرمود: کسیکه بدنیا محبت کرد اوبه آخرت خود زیان وارد نموده وکسیکه با آخرت محبت نمود پروایی دنیا ندارد شما به دنیای فانی را درمقابل سرای همیشگی ترجیح ندهید، حدیث از نبی کریمﷺ روایت است که محبت دنیا آسیایی هر نوع بدی است.

اشک ریختن ابوبکرصدیقؓ:

از زید بن ارقمؓ روایت است که مایان در خانه ابوبکرؓ نشسته بودیم او ؓ آب خواست برایش آب و عسل آورده شد هنگامیکه آب دارد دردهن خود نزدیک کرد بی اختیار به گریان آمد تمام صحابه کرام رضی الله عنهم گریان کردند بعد او باز خوا ستار آب گردید زمانیکه آب وعسل رادید دوباره گریان کرد، زمانیکه اشک ریختن خویش راتمام کرد، صحابه کرام پرسید ای خلیفه رسول اللهﷺ چرا گریان نمودی؟ او ؓ فرمود: روزی با محمدﷺ نشسته بودم او از بدنش چیزهای که به چشم دیده نمی شد دور می کرد، من پرسیدم ای رسول اللهﷺ شما کدام چیز را درو می کنید؟ محمدﷺ فرمود: لحظه قبل دنیا بدستم آمده بود من بر او گفتم: از من دور شوید، آن درو شد وبرایم گفت: شما دور شدی ولی مردم آینده این رویه

(c) ketabton.com: The Digital Library

کرده نمی تواند. ارشاد نبوی است که برای شخص تعجب است که به بهشت ایمان دارد ولی درحصول نمودن دنیا سعی زیاد می نماید.

مثالی دربیان کیفیت دنیا:

روایت است که محمدﷺ درجوار خاکستردان عبور می کرد وفرمود: بسوی دنیا بیائید محمدﷺ قطعه رخت کهنه واستخوان کهنه را بلند کرد وفرمود: این دنیا است. دروضاحت این مثال اشاره است که زیبایی وزینت دنیا مانند این قطعه رخت فرسودهٔ است که محومی گردد استخوانهای مردم زنده هم مانند همین استخوانها کهنه می گردد. ارشاد نبوی است که: دنیا سبز و زیبا است الله ﷻ شما را درین دنیا بصفت خلیفه فرستاده است واعمال تان رامشاهده می نماید. زمانیکه به بنی اسرائیل وفرت دنیا آمد آنان تمام زندگی خویش رابرای بدست آوردن زیورات طلا، لباس، زنان خوشی وسرور را وقف نمودند شما انجام آنها را مشاهده نمودید؟ عیسی علیه السلام فرموده است: شما بندگان دنیا نشوید. خزائن تانرا پیش پروردگار جمع نمائید که نفع وجمع شدنی کسی را ضائع نمی کند برای خزانه های دنیا ترس وهراس ضائع شدن وهلاکت می باشد مگر اشخاصیکه خزائن خود را نزد الله ﷻ جمع کرده باشند هیچگاه تباه نخواهد شد. او علیه السلام به حواریین فرمود: ای حواریین من: دنیا را انداخته ام شما هم بعد از من دنیا را به سینه های تان محکم ننمائید. ضرر و زیان بزرگی دنیا این است که انسان نافرمانی الله متعال رامی کند بدون ترک نمودن حصول منفعت آخرت ناممکن است با دنیا محبت نکنید واورا بنظر پند وعبرت بنگرید واز او خود را خبر دار سازید زیرا محبت دنیا اصل وریشهٔ تمام بدیها است. برای یک لحظهٔ پیروی خواهشات نفسانی پشیمانی وندامت طولانی را در پیش رو دراد؟ او علیه السلام فرمود: دنیا برای تان مرکبی است وشما بالای آن سوار شدنی هستید. حالاً سلاطین و ز نان شما راپایین نکنید درمقابل سلاطین بخاطر مال و دولت جنگ نکنید آنها بای تان مال وچیزهای با قیمانده تان را واپس نمی دهند وبه نمازها و روزهٔ از شر زنان تان خود را نجات دهید او اضافه نموده گفت: دنیا هم طالب است وهم مطلوب کسیکه طالب رضای الله ﷻ است دنیا طالب او می شود و اورا روزی می دهد کسیکه طالب دنیا باشد آخرت اورا بطرف خود طلب می کند ومرگ اورا از عقبش می گیرد وبسوی آخرت می برد. از حضرت موسی بن یسار رضی الله عنه روایت است که محمدﷺ فرمود: درهمه مخلوقات پروردگار بدترین چیز نزدش دنیا است از زمان خلقت دنیا یکبار هم او را بنظر رحمت ندیده روایت است که باری سلیمان علیه السلام به تخت خود نشسته بود وبه جای می رفت پرنده گان بالای تخت سوار بودند

(c) ketabton.com: The Digital Library

انسانان وجنیات طرف راست و به چپ او نشسته بود. عابد بنی اسرائیل گفت: ای سلیمان علیه السلام سوگند به الله ﷻ که شما را بادشاهی بزرگی را اعطاء نموده است او علیه السلام فرمود: به الله ﷻ سوگند می خورم که پاداش یک بار تسبیح نوشته شده درعمل نامه مومن از تمام سلطنت من بهتر است. زیراکه سلطنت فانی است وتسبیح باقی می ماند. حدیث شریف است که: (به انسان خطاب می شود) شما کثرت مال را مشغول ساختی. انسان می گوید: مال من. مال من. مگر چیزی که از مال تو خوردی ختم شد وچیزی که پوشیدی او تمام شد وچیزی که در راه الله ﷻ مصرف نمودی او باقی است. حدیث نبوی است که: دنیا خانهٔ کسی است که خانه ندارد ومالی کسی است که مال ندارد. دیوانه مال راجمع می سازد وجاهل بخاطر مال جنگ می کند شخصی نادان بخاطر مال کینه. حسد و دشمنی می کند وشخصی بی یقین بخاطر حصول دنیا سعی وتلاش می ورزد. ارشاد نبوی است که: کسیکه آرزوی حصول دنیا دارد نزد الله متعال هیچ حصه ونصیبش باقی نمی ماند. الله ﷻ بر قلب او چهار چیز را مسلط می سازد. غم دوامدار. مصروفیت همیشگی. فقر دائمی و آروزوی که هیچگاه بر آورده نمی شود. ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: روزی محمد ﷺ برایم فرمود: آیا برایت حقیقت را نشان ندهم؟ من عرض نمودم بلی نشان بدهید. او ﷺ دستم گرفت وبه یک خاکستر دان مدینه منوره رفتیم که درآنجا قطعه های رخت کهنه واستخوانهای سر انسانان بود او ﷺ برایم فرمود: ای ابوهریره این سر هاهم مانند سرهای زیاد حریص بودند ومانند تو سخن های زیاد داشتند مگر امروز استخوانهای خالی هستند که پوست ها از او جدا شده است زودتر به خاک مبدل خواهد شد این خاکستر رنگ های همان غذا های هستند که امروز مردم ازآن روهای شان می گردانند نمی خواهند که او را ببینند این قطعه های رخت کهنه لباس های آنها است که امروز بالای فضلات افتیده است وهوا آنرا از یک جا به جای دیگری می برند واین استخوانهای مرکبهای آنها است که ازیک شهر به شهر دیگری بواسطه آنها سفر می نمودند کسیکه می خواهد به انجام دنیا گریان کند باید ا شک خود بریزاند واین امر مستحق گریان نمودن است. ابوهریره رضی الله عنه می فرماید که سپس من ومحمد ﷺ گریان زیاد کردیم. روایت است که هنگامیکه آدم علیه السلام به زمین پایین کرده شد الله ﷻ فرمود: برای نابود شدن عمارتهای رابسازید وبرای مرگ اطفال را خلق نمائید. از حضرت داود بن بلال رحمه الله روایت است که درصحائف حضرت ابراهیم علیه السلام نوشته شده بود که ای دنیا: تو در نظر مردمان نیک همرای تمام زیبایی و زینت تو بی اهمیت وبی ارزش هستی من دردلهای آنان عداوت ونفرت ایجاد کردم من مانند

(c) ketabton.com: The Digital Library

تو چیزی حقیر دیگری راخلق ننمودم وهر شان ومقام تو دروغ وفناء شدنی است من در زمان خلقت تو فیصله نموده بودم که: نه تو باکسی باقی می مانی ونه کدام شخصی همیشه زنده می ماند اگر که عاشق تو هر چه زیادتر بخل نماید. برای آن مردم نیک وصالح خوشبختی است که دلهای شان به رضای من راضی است ودلهای آنان گهوارهٔ صدق واستقامت است. زمانیکه آنها از قبور مجموعه مجموعه می خیزند به آنها جزای من دهم که پیش شان نور وفرشته ها باشند که با همراهی آنان داخل بهشت می گردد. حدیث مبارک است که: دنیا درمیان زمین و آسمان معلق است از افریدنش اورا به نظر رحمت ندیده روز قیامت دنیا به الله ﷻ عارض می شود که مرا هماری ادنی ترین دوستان بپذیرد الله ﷻ درپاسخ می فرماید: خاموش شوی شما هیچ چیزی نیستی یقیناً شما برای شان در دنیا نخواستم آیا درآخرت برای شان شما را قبول کنم؟

حیرانی وسرگردانی آدم علیه السلام

روایت است زمانیکه آدم علیه السلام از درخت ممنوعه خورد او درشکم خود احساس سنگینی نمود درحالیکه میوه های بهشت این خاصیت ندارد او علیه السلام بخاطر قضای حاجت خود به هر طرف به حیرت وپریشانی دچار سرگردانی بود درین اثناء به حکم الله ﷻ فرشته آمد وبرایش گفت: ای آدم چرا حیران وسرگردان هستید؟ او علیه السلام درجواب گفت: من بخاطر از بین بردن سنگینی شکم خود راه رابیابم فرشته برایش گفت: این چیزی ثقیل در کجا می خواهی بیندازید؟ برای انداختن این کثافت (نجاست) درجنت جای نیست به دنیا بروید.

پیامبر ﷺ دریک حدیث شریف می فرماید: روز قیامت مردمانی می آیند که اعمال نیکوی شان مانند کوههای تهامه می باشد مگر باوجود این هم به جهنم می روند. صحابه پرسیدند آیا آنها نماز نمی خواندند و روزه نمی گرفتند؟ نبی کریم ﷺ فرمود: بلی آنها روزه می گرفتند و دریکی از حصه های شب هم می خواندند آنها عاشقان دنیا می باشند. نبی کریم ﷺ می فرماید: بنده مؤمن درمیان دو خوف زندگی می نماید دربارهٔ اعمال گذشته اش فکر می کند ودربارهٔ آینده اش پریشان می باشد که درقضاء وقدر الله ﷻ برایش چه نوشته می باشد؟ برای بنده مسلمان سزاوار است که در زندگی خود احسان ونیکی کند بوسیله دنیا خوش آخرت خود رامزین نماید به حیات خود آخرتش وبه جوانی خود پیری اش مزین می سازد. زیراکه دنیا بخاطر شما و شما برای آخرت خلق شده اید به رب العزت قسم می خورم که بعد از مرگ به بنده مؤمن هیچ تکلیف ومشقت نیست وپس از دنیا بغیر از بهشت و دوزخ جای دیگری نیست عیسی علیه السلام می فرماید: چنانچه دریک ظرف آب وآتش جمع نمی گردد همینطور

(c) ketabton.com: The Digital Library

درقلب بندهٔ مؤمن محبت دنیا وآخرت یکجا نمی شود. روایت است که علیه السلام از نوح علیه السلام پرسید که شما عمر طولانی را سپری نمودی برایم بگوئید که دنیا را چطور گذرانیدی؟ او علیه السلام فرمود: دنیا مانند حویلی است که دو دروازه دارد از یکی داخل شدم و از دیگری خارج گردیدم. به حضرت عیسی علیه السلام شخصی گفت: چرا برایت خانه نمی سازید؟ عیسی علیه السلام درپاسخ فرمود: خانه های کهنه مردم سابقه برایم کفایت می کند. از حسن رضی الله عنه روایت است که محمد صلی الله علیه وسلم به مجلس صحابه کرام تشریف آورد و پرسید کی است که از الله جل جلاله به عوض کورشدن سوال بصیرت رامی کند؟ خبر باشید کسیکه به دنیا مائل شد وبه آن چشم امید بست. قلب او کور گردید وکسیکه خودرا از دنیا کناره کرد و اورا چشم امید نگرفت الله جل جلاله او را نور بصیرت می دهد او بدون تعلیم علم وبغیر سستی وکسالت هدایت وراهنمایی حاصل نمود. پس از شما قومی ظهور خواهد کرد که بنیاد سلطنت شان ظلم. قتل و جفا می باشد. مالدار و دولت مند آنان بخیل ومتکبر می باشد بدون خواهشات نفسانی باچیزی دیگری محبت نمی کنند. خبردار باشید! اگر یکی از شما آن عصر و زمانه را دریابد همرای دولت مندی باتواضع زندگی خود را سپری کرد الله جل جلاله به او صبر پنجصد صدیقین (راستین) رامی دهد. روایت است که باری حضرت عیسی علیه السلام درباران شدید وسختی گیر آمد او درجستجو وتلاش نجات دادن به نفس خود بود. خیمهٔ ایستاده شده را مشاهده نمود. هنگامیکه به او نزدیک شد می بیند که در داخل خیمه زنی نشسته بود از اوکه برگشت درکوه غاری را دید زمانیکه به آنجا رسید شیری ایستاده شده رامشاهده کرد وی برپش شیر دستش راگذاشته فرمود: ای ذوالجلال شما برای هرچیز جای وآشیانه ساخته اید ولی من هیچ مسکنی ندارم الله جل جلاله برایش فرمود: جای تو رحمت من است. من روز قیامت عروس تانرا باده تن خور العین بسته خواهم کرد ودعوت به ولیمه تانرا الی چهارهزار سال جاری خواهم نمود. روز هر کدام سال آن به اندازه زندگی دنیا می باشد. منادی به فرمان تونداء می کند ای کناره کنندگان دنیا بیائید عروس زاهد بزرگ عیسی علیه السلام رامشاهده کنید عیسی علیه السلام می فرماید: برای طالب دنیا هلاکت باشد او چطور ترک خواهد کرد و فوت می گردد وهمه توجه وجای امید اودنیا بوده این نوع مردم بامرگ چگونه مقابله خواهد کرد که آنان از محبوب شان جدا می سازد و از اول برای شان گفته شده بود که هلاک باشد آنهائیکه تمام سعی وتلاش شان برای جلب منافع دنیا بوده واعمال بدی را انجام داده بودند ومرتکب گناهان شده اند. آنها روز قیامت از گناهان شاه چگونه نجات حاصل خواهند کرد الله جل جلاله به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد وفرمود: ای

(c) ketabton.com: The Digital Library

موسی علیه السلام شما با ظالمان هیچ تعلق وارتباطی ندارید ارتباط تو با دنیا که بدترین خانه ها است قطع کنید زیرا که این برای کسی است که درآن زندگی می کند ولی صرف بخاطر خوشی نمودن پروردگار باشد. ای موسی! بشنو! من حق مظلوم از ظالم من ستانم.

خطاب محمد ﷺ به انصار:

روایت است که محمد ﷺ ابوعبیده بن الجراح رضی الله عنه رابه بحرین فرستاد او از همانجا باخود مال و دولت آورد هنگامیکه این امر به انصار هویدا گر دیدکه ابوعبیده رضی الله عنه آمده است همه آنها به نماز صبح حاضر شدند بعد از فراغت شان از نماز محمد ﷺ آنها را دید تبسم نموده فرمود: بر شما تبریک باشد بر الله جل جلاله سوگند می خورم که درمورد تان از فقر وفاقه ترسی ندارم بلکه از زمانی خوف دارم که مانند امتهای سابقه دنیا برشما فراخ گردد ووسعت پیدا کند وشما درآن مصروف ومشغول شوید و درآن هلاک وتباه شوید. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: من زیادتر ازین خوف دارم که الله جل جلاله برای تان دنیا باهمه فتن که دارد فراخ گرداند. فرمان نبوی است که قلبهای تانرا در ذکر او مصروف محمد ﷺ از یاد کردن او ممانعت ورزیده واین امر بالاتر از آن است که کسی هم توجه واهتمام به دنیا متمرکز سازد.

اجساد بی قبر و بی کفن:

از عمار بن سعید رضی الله عنه روایت است که عیسی علیه السلام درجوار قبری عبور می کرد که ساکنین آن در راه مرده افتیده بودند او به حواریین خود فرمود: این مردم به قهر وغضب پروردگار او روبرو شده است ورنه آنها حتماً دفن می شدند. حواریین شان عرض نمودند: مایان می خواهیم از حالت آنها خبر شویم. عیسی علیه السلام به الله جل جلاله دعا نمود الله جل جلاله برایش فرمود: در وقت شب از آنها پرسان کنید آنان داستان هلاکت خود بیان خواهند کرد. هنگامیکه شب رسید عیسی علیه السلام فرمود: ای باشندگان قریه آواز آمد وگفته شد! لبیک یا روح الله عیسی علیه السلام پرسید چرا به این حالت دچار شدید؟ وسبب این عذاب بالای تان چیست؟ آنها درپاسخ گفتند: مایان زندگی با عافیت ومرفع سیری نمودیم ومستحق جهنم شدیم زیراکه مایان با دنیا محبت وپیروی گناهگاران می کردیم. عیسی علیه السلام پرسید! محبت تان با دنیا چگونه بود؟ آنها درجواب گفتند: مایان با دنیا طوری محبت داشتیم مانند محبت مادر با طفل خوردش. هنگامیکه دنیا در دسترس ما قرار می گرفت خوشحال و مسرور می شدیم وزمانیکه از دست مایان می رفت بسیار غمگین وپریشان می شدیم. او علیه السلام پرسید: چه علتی است که صرف شما جواب می دهید ودیگر رفیقان تان خاموش وساکت هستند؟ او گفت: من با این مردم زندگی داشتیم ولی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مانند آنها گناهان رانمی کردم زمانیکه عذاب الهی آمد و نازل گردید با آنها گرفتار شدم وحالاً در ناحیه جهنم آویزان هستم والان نمی دانم آیا نجات حاصل کرده می توانم ویا درآن مبتلا وگرفتار می شوم. عیسی علیه السلام به حواریین خود فرمود: خوردن نان جو بانمک، پوشیدن لباس کهنه وفرسوده وپینه شده وخواب شدن بر زمین از منفعت دنیا و آخرت است از انس رضی الله عنه روایت شده که محمد صلی الله علیه وسلم بنام (عصبا) شتری داشت که بسیار تیز رو بود باری شتری بدوی (صحرانشین) از آن سبقت کرد صحابه کرام بسیار خسته وپریشان شدند محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: این قانون ونظام قدرت الهی است که (برای هر کمال زوال می آید)

باری عیسی علیه السلام فرمود: کی است آن شخص که با امواج بحر خانه خود را بسازد دنیا هم مانند همین است، دنیا راجای زندگی تان نسازید. به عیسی علیه السلام گفته شد برای مایان نصیحت بکن که به وسیله آن الله تعالی به مایان محبت کند. عیسی علیه السلام فرمود: شما با دنیا دشمنی کنید که الله تعالی باشما محبت کند.

از ابودرداء رضی الله عنه روایت است محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است: با آن چیز که من می فهمم اگر شما می فهمیدید زیاد گریان خواهد کردی واندک خنده وآخرت رابه دنیا ترجیح می دادید.

وخطاب ابودرداء رضی الله عنه به مسلمانان: ابودرداء رضی الله عنه فرمود: ای مردم اگر شما به آن چیزی می فهمیدید که من می فهمم دنیا راترک خواهد کرد وبه سوی کوهها رو گشتاندید ودرآنجا به ریاضت کمرها داسته خواهد کرده بودید، گریان وفغان کرده بودید از مال ومتاع ضروری دیگر دنیا را ترک خواهید کردید ولی دنیا مالک اعمال گشته است، امید دنیا در دلهایتان ذکر و یاد آخرت را ختم کرده وازبین برده است وشما به خاطر دنیا مانند جاهلان سرگردان هستید بعضی از شما از حیوانات هم بدتر هستند که درمورد انجام خود هیچ فکر وتامل ندارند. همرای اینکه شما درمیان خود برادر هستید ولی باز هم محبت نمی کنید ونه یکی دیگر را نصیحت می کنید. خبث باطنی تان راههای تانرا جدا ساخته است. اگر شما براه مستقیم می رفتید حتماً درمیان خود محبت می کردید شما درمورد مسائل دنیوی باهم مشورة های را انجام می دهید ولی دربارهٔ آخرت تأمل وتفکر نمی کنید شما با ذاتی که با شما محبت می کند محبت نمی کنید وشما رابه سوی منفعت آخرت روان می سازد این کار به اساس صورت گرفته که دردلهای تان ایمان ضعیف شده اگر شما به منفعت وزیان آخرت یقین می داشتید مانند یقین تان به دنیا درآن صورت حتماً آخرت رابه دنیا ترجیح می دادید زیراکه آخرت مالک اعمال تان هست اگر شما بگوئید که محبت دنیا بالای مایان غالب آمده این عذر

(c) ketabton.com: The Digital Library

نامعقول تان هست زیراکه شما به آخرت که در زمان معین آمدنی هست دنیا را ترجیح می دهید واجسام تان رابه کارهای که هیچ منفعت ندارد به تعذیب می سازید. شما بسیار جاهل هستید حقیقت ایمان را اصلاً نمی شناسید اگر به کتاب الله باور ویقین ندارید به سوی مایان بیائید به شما نوری راهدایت کنم که به آن دلهای تان مطمئن شود به الله ﷻ سوگند که شما به بهانهٔ جهالت انجام مدهید به شما چه شده که به چیزی بی ارزش وبی فائده خوشحال می شوید.

وبه زیان ناچیز بسیار خفه وپریشان می شوید زبانها ورویها نمایان تکلیف ومشقت هست شما زیان ناچیزی دنیوی رامصیبت بزرگ می پندارید شما در دنیا زندگی رابه گناه سپری می کنید واکثر احکامات را درنظر نمی گیرید این کار هیچ نوع ندامت وپشیمانی را محسوس نمی کنید به این چنین هویدا می گردد که الله متعال از شما بیزار است شما درمیان خود محبت می کنید اما درحضور پروردگار به سبب اعمال قبیح تان حاضر شدن را بد می بیند شما خیانت کرده اید ودرعقب آرزوهای تان روان هستید انتظار مرگ رافراموش کرده اید.

من درحضور الله متعال دعای می کنم که از شما جدا کنم وبه محبوبم برسانم اگر محمد ﷺ دردنیا می بود من هرگز با شما زندگی کردن را خوش نه داشتم. اگر درشما محبت اصلاح شدن باشد من شما را زیاد نصیحت کردم از الله متعال سوال نعمتهای اورا بکنید وبه بسیار سهولت آنرا حاصل می کنید من برای خود وشمایان دعا خیر می کنم.

ارشاد ناصیحانه عیسی علیه السلام:

عیسی علیه السلام به حواریین خود فرمود: چونکه مردم مال دارد ودولت مند به سبب محبت با دنیا با دین محبت کم دارد شما هم به خاطر سلامتی دین و دنیا کمتر خوش باشید و در این مورد چطور شعر خوب گفته است:

أری رجالاً بأدنی الدین قد قنعوا ... وما أراهم رضوا فی العیش بالدون

فاستغنِ بالدین عن دنیا الملوک کما اس ... ستغنی الملوک بدنیاهم عن الدین

ترجمه: من مردمی را دیدم که بادین اندک راضی شدند ولی با دنیا کم رضایت نه کرد چنانچه مردم دنیادار دربدل دنیا از دین بی نیاز شدند شما هم دربدل دین از دنیا بی زاد شوید.

عیسی علیه السلام فرمود:

یا طالب الدنیا لتبر ... ترکُک الدنیا أبرّ

ای عاشقان دنیا و نقره ترک دنیا کار بهتر وافضل تر است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمدﷺ فرموده است: بعد از من به شمامال فراوان می آید آن ایمان تانرا طوری می خورد مثل که آتش چوب را می خورد.

محبت با دنیا گناه بزرگی است:

الله متعال به موسیؑ وحی فرستاد که موسیؑ در صحبت دنیا مشغول نشوید به نزد من از این عمل گناه بزرگ وجود ندارد روایت است که موسیؑ درجوار شخص بسیار گریان کننده عبور نمود زمان که برگشت او همین طور کما فی السابق گریان می کرد. موسیؑ عرض کرد! یا الله بنده تو از خوف تان گریان نمی کند. الله تعالی فرمود: اگر از چشمانش مغز سرش براید ودستهای بلند شده اش شکسته شود باز هم به او عفو نمی کنم. زیراکه او با دنیا محبت می کند. از علیؓ روایت است که شخصی که شش وصف را داشته باشد او از جهنم نجات یافت وجنتی گردید شگانه قرار ذیل است.

۱) الله متعال را شناخت وعبادت کرد.

۲) شیطان را شناخت ومخالفت کرد.

۳) حق را شناخت و متابعت کرد.

۴) باطل را دانست و از او اجتناب ورزید.

۵) دنیا را شناخت وآنرا ترک نمود.

۶) آخرت را شناخت و درجستجوی او بر آمد.

حسنؓ می فرماید: الله تعالی بر مردم رحم کرد که برایشان دنیا طور أمانت حاصل گردید واورا بدون خیانت دوباره واپس کردند در درگاه پروردگار سبک بار حاضر شدند او ﷻ اضافه کرد کسی که شما را ترغیب دین داد بپذیرید وکسی که ترغیب دنیا را دهد آنرا مسترد نمائید ودرگردنش بیندازید.

دنیا بحر عمیق است: لقمانؑ به فرزند خود نصیحت کرد وفرمود: دنیا بحر عمیق است که درآن بسیار مردم غرق گردیده است وبه خاطر عبور کردن ازین بحر کشتی خوف از خداوندﷻ بسازید وآنرا از ایمان پرکنید وبراه توکل آنرا بر حرکت درآورید که بدون این دیگر راه نجات وجود ندارد. فیضل رحمه الله میگوید: به این آیات که الله متعال می فرمائید: ﴿

(c) ketabton.com: The Digital Library

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۝ وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ۝[1].

ترجمه: هرآئینه ماساخته ایم هرچیز یراکه بر زمین است ارایش آن تا امتحان کنیم.

ایشانرا کدام کس از ایشان نیکو تر است درعمل و هرآئینه ماگردانندہ ایم آن چیزیراکه بروی است میدان هموار بی گیاه.

قول شخصی حکیم است: که کدام حصه دنیا برایت رسیده است به مردم سابقه هم رسیده است وبعد از توهم به بسیاری از مردم خواهیم رسید دنیا برایت نان صبح وشام است به خاطر همین غذا خود را درهلاکت نینداز دردنیا روزه بیگیرید ودرآخرت افطار کنید مال دنیا خواهشات هست ومنفعت از او آتش دوزخ است. از راهب درمورد زمانه پرسیده شد او گفت: زمانه اجسام را کهنه می کند امیدها را زیاد می سازد مرگ را نزدیک می گرداند وآرزوها را دور می سازد دربارهٔ مردم مالدار و دولت مند از او پرسیده شد او گفت کسی که دنیا را حاصل کرد درغم وتکلیف مبتلا گردید وکسیٔ که دنیا را حاصل نمود او درمصیبت واقع شد. زیراشاعر می گوید:

ومن يَحمَدْ الدنيا لعيشٍ سرَّهُ ... فسوف لعمري عن قليل يلومُها

إذا أدبرتْ كانت على المرءِ حَسرةً ... و إن أقبلت كانت كثيراً هُمومها

ترجمه: کسیکه شخص را بخاطر دنیا و دولت می کند من به زندگی خود سوگند می کنم که عنقریب قبح وبدلی انرابیان خواهد کرد.

هنگامیکه دنیا از دست برود ازعقب خود غم واندوه را می گذارد وزمانی که می آید همراه غم واندوه می آید.

شخصی هوشیار و دانا می گوید: دنیا از سابق بود ولی من نه بودم این دنیا باقی می ماند ولی من پناه می شوم ومن پروای این ندارم زیراکه عمرش کوتاه است پاکی وصفایی او چرک (خیره) وناپاکی است بساکن دنیا به نابودی او وبه نازل شدن مصیبت وازآمدن او بسیار درهراس می باشد.

---

[1] (الکهف ۰۰۷-۰۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

قول شخصی دانا است: که دنیا به هیچ کس مطابق خواست او مسیر نمی گردد باز هم درد سرش قرار می گیرد. سفیان رحمه الله می فرمایند: به نعمتهای دنیا نظر کنید اوبه اساس بدی وقبح خویش با مردم کم عقل می باشد.

ابوسلیمان الدارانی می فرماید: هنگامیکه دنیا زیر سلطهٔ طالب وخواستگار دنیا بیاید دیگر را هم تمنا دارد و زمانیکه به خواستگاه آخرت اجرش داده شود طلب زیادت آنرا دارد که درانجام کار نه تمنا طالب دنیا به انتها می رسد ونه هم طلب گار (خواستگار) اجرا آخرت خواهش خود را ختم می کند.

شخص از ابوحازم رحمه الله درمورد دنیا شکوه نموده وگفت: من خانهٔ ندارم. او رحمه الله برایش فرمود: الله ﷻ که کدام چیزی برایت داده از آن صرف روزی حلال بگیرد وجای خوب وصحیح آنرا مصرف بساز به این ترتیب محبت دنیا برایت زیان رسانیده نمی تواند او رحمه الله به این سبب سخن را ارائه نمود اگر خود را در محبت دنیا وقف کنید تو را در مشقت و تکلیف مبتلا کند که از دنیا به تنگ خواهد آمدی و راه گریز از دنیا را جستجو خواهید کرد.

یحیی بن معاذ می فرماید: که دنیادکان شیطان است از آن چیزی را دزدی نه کنید اگر این طور کنید شیطان درعقب تان می آید.

خوف چگونه از طلا بهتر می گردد:

فضیل می گوید: اگر دنیا مانند طلا ختم شدنی می بود و آخرت مانند خزف باقی می ماند چیزی که باقی ماند باچیزی که فانی میشود برابر نیست. درحالیکه که این دنیا مانند خزف واین آخرت مانند طلا هست مایان باز هم این دنیا را اختیار نموده ام.

ابوحازم رحمه الله می فرماید: که از طلب دنیا خود را نگهداری کنید. من شنیده ام کسیکه عزت دنیا را می کند روز قیامت درحضور پروردگار آورده می شود وبرایش گفته می شود که چیزی را توعزت می کردی که خداوند ﷻ آنرا ذلیل خلق کرده بود.

ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: که هرشخص در دنیا مانند مهمان زندگی می کند وهر چیزی آن مستعار است مهمان اخیراً کوچ می کند وچیزی مستعار گرفته می شود. درین موضوع شاعری چنین گفته است:

وما المال والأهلون إلا وديعةٌ ولابُدَّ يوماً أن تُردَّ الودائع

ترجمه: این مال و اولاد ذخیره های مستعار است یک روز هم آنها واپس کرده خواهد شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به اطراف رابعه رحمه‌الله رفقائش جمع شدند وبیان قبح دنیا را آغاز نمودند او برایشان گفت: خاموش باشید بحث دنیا را مکنید شاید از یکی گوشه های دلهای تان محبت دنیا باشد. کسیکه با چیزی محبت داشته باشد آنرا ذکر می کند. از ابراهیم رحمه الله درمورد دنیا پرسیده شده او درپاسخ گفت:

نُرقِّعُ دنیانا بتمزیق دیننا ... فلا دیننا یبقی ولا ما نرقّع
فطُبی لعبدٍ آثر اللهَ ربَّه ... وجاد بدنیاه لما یتوقّع

مایان به خاطر دنیا دین راقطعه. قطعه نمودم ولی نه دنیا بدست آمد ونه دین باقی ماند.

آن شخص خوش نصیب ونیکبخت است که به سوی پروردگار توجه کرد ودنیا را بخاطر بهتری آخرت خرج نمود.

شاعری می گوید:

أری طالبَ الدُّنیا و إن طالَ عمرُه ... ونالَ من الدنیا سروراً و أنعُما
کبانٍ بنی بُنیانه فأقامَه ... فلما استوی ما قد بناه تهدَّما

ترجمه: طلبگار دنیا اگر عمر طولانی هم داشته باشد وبرایش هر نوع خوشحالی، سرور و نعمتهای متفاوت مهیا می شود.

مگر من مانند کسی دنیا را حاصل می کنم که خانه را آباد کرده باشد ولی با مجرد آباد کردن آنرا تخریب و از بین برده باشد.

شاعری دیگری می گوید:

هب الدنیا تُساقُ إلیک عفواً ... ألیسَ مصیرُ ذاک إلی انتقال
وما دنیاک إلاّ مثلُ فیءٍ ... أظلَّک ثم آذنَ بالزوال

ترجمه: این اخیراً به طرف دیگر آن منتقل می گردد این دنیا را در راه پروردگار مصرف کن که برایت راه عفو باز گردد.

دنیا برایت مثل سایه است چند وقت بالای تان سایه می کند وباز او بالای سرتان جای دیگر میرود.

حضرت لقمان به فرزند خود فرمود: ای فرزندم: دنیا را برای آخرت مصرف کن دو برابر سود برایت حاصل میشود و آخرت را برای دنیا خرج مکن که دو برابر زیان وضرر برایت وارد میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطرف بن شخیر رحمه الله می فرماید: به عیش وعشرت ولباس نازک سلاطین نظر نکنید به این بنگرید که به چه سرعت از دنیا رحلت می کنند وبرایشان چی جای بد وناگوار خواهید بود.

ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: که الله متعال دنیا را به سه حصه ساخته است یک حصه برای مومن، وحصه دوهم برای منافق وحصه سوم برای کافر است، مومن انرا توشه راه می سازد ومنافق زیب و زینت می کند وکاف از آن بهر مند می شود بعضی از صالحین می گویند: دنیا مانند جثه(کالبت) مرده است کسی که آنرزوی حصول آن را داشته باشد آنها به زندگی چون سگها آمده هستند، همچنین شاعری گفته است:

یا خاطبَ الدُّنیا إلی نفسها ... تنحَّ عن خطبتها تسلمِ
إنَّ التی تَخْطُبُ غدّارةٌ ... قریبةُ العُرس من المأتمِ

ترجمه: ای کسانیکه دنیا را میخواهید آنرا ترک کنید چون سالم خواهید ماند.
کدام غریب کار که به پهلوی ات دعوت میکند او با هیبت ومملو از گناه است.

ابودرداء رضی الله عنه می فرماید: به نزد پروردگار دنیا از این خاطر بی ارزش است که سر چشمه همه گناهان هست وبدون کناره گیری از دنیا نعمت های الله متعال حاصل نمی گردد زیرا که شاعر گفته است:

إذا امتحنَ الدنیا لبیبٌ تکشَّفتْ ... له عن عدوٍّ فی ثیابِ صدیق

هنگامیکه شخص عاقل و دانا دنیارا امتحان کرد او دنیا را درلباس دوستی و دوشمنی دریافت.

دراین موضوع ابیات را نقل می نمائیم:

یا راقدَ اللیلِ مسروراً بأوّلِه ... إن الحوادثَ قد یطرقنَ أسحارا
أفنی القرونَ التی کانتْ منعَّمةً ... کرُّ الجدیدین إقبالاً و إدبارا
کم قد أبادتْ صروفُ الدَّهرِ من ملکٍ ... قد کان فی الدَّهرِ نفَّاعاً و ضرَّارا
یا من یُعانقُ دنیا لا بقاءَ لَهَ ... یُمسی ویُصبح فی دنیاه سفّارا
هلاَّ ترکتَ من الدُّنیا معانقةً ... حتی تُعانقَ فی الفردوسِ أبکارا
إن کنتَ تبغی جنانَ الخُلدِ تسکنها ... فینبغی لک أنْ لا تأمنَ النارا

ترجمه آن قرار ذیل است:

(c) ketabton.com: The Digital Library

ای کسیکه درحصه اول شب به بسیار خروش وسرور خواب می شوی بعضی اوقات حوادث زمانه درحصه آخر شب نازل می گردد.

گردش شب و روز قرنها را زیر پناه نموده است که خوشحالی آن بی نظیروبی مثال بود.

گردش زمانه ممالک زیادی تباه کردن وطوری که در زمانه غم ها وخوشی ها می باشد.

ای عاشق دنیای فانی تو صبح وشام درسفر هستی دراین حالت عشق کردن با دنیا چه سود ومنفعتی دارد.

تو با دنیا چرا ارتباط خود را قطع نکردی؟ تا درجنت حورهای پاک وصفا درآغوش توبیاید.

اگر خواهش زندگی درجنت را داشته باشید شما را از آتش جهنم بی پروایی مناست است؟

از ابو امامه باهلی روایت است که زمانی محمدﷺ به پیامبری مبعوث گردید شیاطین به سوی لشکر خویش آمد آنها به شیطان گفتند نبی مبعوث گردید ویا او امتش هم است. آیا آنها دنیا را دوست دارند؟ او گفت: بلی بعداً شیطان برایشان گفت باکی ندارد اگر آنها بوتها را پرستش نمی کنند باک ندارد ومایان آنها در سه چیز می بندیم مال کسی را گرفتن و همان مال را درکارهای بدخرج کردن وحقوق مردم اعاده نه نمودن همین سه چیزی بنیاد تمام بدیها است. شخصی از علیؓ درمورد تعریف دنیا پرسید او درپاسخ گفت: تعریف آن خانه را چطور کنم. شخصی با صحت او درحقیقت بیمار. مطمئن آن پریشان. مفلس آن غمگین مالدار و دولت دارآن به مصائب مبتلا می باشد. یا داشتن حلال محاسبه می گردد. وبه ارتکاب حرام عذاب داده میشود واعمال مشکوک ملامت می گردد.

از علیؓ بار دوهم درمورد دنیا پرسیده شد او فرمود: به وضاحت برایتان می گویم ویا به اختصار به شمایان بیان کنم؟ عرض شد که درالفاظ کوتاه برای مایان واضح سازید او فرمود: بداشتن مال حلال محاسبه می گردد وبا مال حرام مؤاخذه می شود، ومستحق عذاب می گردد.

مالک بن دینار رحمه الله می فرماید: از ساحر قوی خود را نگهداری کن واوساحر به قلب های علماء هم اثر می کند واوساحر دنیا است چطور می توان با دنیا مقابله کرد:

ابوسلیمان دارنی رحمه الله می گوید: زمانی که درقلبهای فکر آخرت موجود که در دنیا به او مقابله می کند زمانی که دردل فکر دنیا جاء گزین شهود آخرت مقابله آن کرده نمی تواند زیراکه تصورات وافکار آخرت کریمانه وافکار ووساوسی دنیا نهایتا جاهلانه می باشد واین کار بزرگی است به نظر من دراین مورد سیار بن حکم چه خوب گفته است: دنیا و آخرت جمع میگردد سپس هر کدام آن که غالب آمد دویم تابع آن میگردد غم دنیا زیاد وغم آخرت

(c) ketabton.com: The Digital Library

کم می گردد. مالک بن دینا رحمه الله می فرماید: درمورد دنیا به کدام اندازه که غمگین واندوه گین میشوید به همان اندازه آخرت از دلهای تان کم میشود وبه کدام اندازه که غم آخرت را کم می کنید به همان اندازه غم دنیا کم میشود این قول از ارشاد علی رضی الله عنه مأخوذ است که می فرماید: دنیا و آخرت با هم مانند دو زن و یک شوهر می باشد یکی از آنها به کدام اندازه که خوش ومسرور می گردد دوهم آن هم به همان اندازه ناراحت وغمگین می شود. حسن رضی الله عنه می فرماید: الله تعالی اقوام را آفریده است که دنیا درنظیر شان مانند خاک بی ارزش و ذلیل است آنها در مورد دنیا مال ومتاع بی پرواه بوده ودرین باره فکری نه نموده که مال ومتاع دراختیار کی است وکدام شان از او محروم است کسی از حسن رضی الله عنه دربارهٔ آن شخص که خداوند متعال برایش مال و دولت اعطاء نموده باشد واز آن در راه الله متعال مصرف می کند وصلهٔ رحمی را پرورش می دهد؟ او رضی الله عنه فرمود: نی اگر تمام دنیا هم در دامن او بیفتد و زیر تسلط او قرار بیگیرد باز هم برایش مای روز یکروزه می باشد. فیضل رحمه الله می فرماید: اگر تمام دنیا از طریق کسب حلالم بدستم بیاید و در آن منفعت آخرت نباشد من دانم از او طوری جمع می کنم که کدام کسی دامن خود از مردار جمع می کند. هنگامیک عمر رضی الله عنه بخاطر دیدن از شام وارد آن شهر شد ابوعبیده رضی الله عنه درحالت به استقبال عمر رضی الله عنه آمد که به شتری سوار بود از سلام دعا وگفتگو درمیان خود به خیمهٔ ابو عبیده رضی الله عنه تشریف برد. انجا بدون پالان شتر شمشیر وسپر چیزی دیگری نیافت. عمر رضی الله عنه پرسید. آیا بدون این سامان چیزی دیگری هست؟ ابوعبیده درپاسخ گفت: آیا برای آرام و اسودگی مایان همین کافی نیست. حسن رضی الله عنه فرموده است: بنی اسرائیل بخاطر محبت دنیا عبادت پروردگار را ترک کرده بود وعبادت بنها را آغاز کرده بودند. سفیان رضی الله عنه فرموده است: به خاطر پرورش بدن غذائی دنیوی و پرورش قلب غذائی اخروی حاصل نمائید. وهب رحمه الله فرموده است من درکتاب خوانده ام دنیا برای عاقلان مال غنیمت وبرای جاهلان سامان غفلت است آنها به این حقیقت آگاهی نیافتند از دنیا رحلت نموده اند. اما اینکه حقیقت این امر برایشان اشکار گردید آنها خواشند عودت به دنیا نماید ولی پذیرفته نشد.

لقمان علیه السلام به فرزند خود نصیحت کرد وفرمود: ای فرزندم: اگر با دنیا توجه کم وبه سوی آخرت توجه واهتمام زیات کردی به خانهٔ نزدیک گردیدی که به مراتب ازاین خانه (دنیا) بهتر و افضلتر هست سعیدبن مسعود رحمه الله فرموده است اگر شخص را دیدیدی که دنیا(مال و متاع) او زیاد میشود ونمومی کند واعمال اخروی او کم می گردد آن شخص به این

(c) ketabton.com: The Digital Library

وضع خوشحال می باشد بدان که او فریب خورده چهره او مسخ می گردد واو نمی داند. عمرو بن العاص﵁ به منبر ایستاده شد وفرمود: به الله متعال سوگند می کنم که من مانند شما قومی را ندیده ام از چیزی که محمدﷺ ابتعاد میکرد. شما به او نزدیک می شوید قسم به الله که به محمدﷺ سه روز طوری نگذشته بود که قرض او آزمانش زیاد نمی بود. حسن﵁ این آیه مبارک را(فلا تغرنهم الحیاء الدنیا) تلاوت نمود وفرمود آیا شما می دانید که این فرمان فرمان کیست این فرمان افرنیندہ کائنات ومالک تمام مخلوقات تام هست خود را از مصروفیتهای دنیا نگهداری کنید در دنیا مصروفیتهای زیادی وجود دارد اگر کسی دروازه مصروفیتهای آخرت را باز کند دردنیا ده دروازه برایش باز می گردد باز فرمود انسان چقدر مسکین هست به خانهٔ را ضی شده است که به حلال او محاسبه می گردد وحرام او مؤاخذه می شود ومستحق عذاب می شود اگر او به کسب حلال تمام دنیا را حاصل نماید درآخرت حساب وکتاب از وی صورت میگرد واگر مال حرام خورده باشد مستحق عذاب می گردد انسان را کم می پیدار دوی متاسفانه عمل را کم نمی پندارد مصیبت آخرت خوشحال ومسرور می گردد وبه مصیبت دنیا فریاد وفغان می کشید حسن بصری وعمر بن عبدالعزیز نامهٔ ارسال کرد که بعد از سلام دعا طوری نگاشته بود که تو انسان آخر هستی که پیاله مرگ نوشیدی او درپاسخش نوشته کرد. گویا تو در دنیا هیچ وخت زندگی نکردی وهمیشه درآخرت مانده ای یعنی مانند من توهم در دنیا زندگی می کنی وپیاله مرگ را خواهید نوشید فضیل بن عیاذ گفته است آمدن به دنیا کار آسان است ولی از او رفتن زیاد دشوار ومشکل هست بعضی از صوفیان گفته اند به آنان تعجب است که بر حقانیت مرگ قائل ولی باز هم خوشحال هست وجهنم را قبول ندارند وخنده می کنند هلاکت دنیا را می بینند ولی باز هم مطمئن هستند تقدیر پرودگار می پزیرد باز هم غمگین هستند پیش معاویه﵁ شخصی از نجران آمد که او صد سال عمر داشت از او پرسید که دنیا را چطور یافتی؟ او گفت: هم خوب است وبه هم بد در عوض روز روز درعوض شب. شب نیکی وبدی این ها با یک سان است. طفل خلق می گردد قاتل آن طفل را به قتل می رساند اگر مردم نو پیدانمی گردید خلق بسیار کنه می شدند وچهرهای خوب شان را از دست می دادند. که باز خوبی و رونق شان از بین می رفت وخوب معلوم نمی شد اگر هلاک کننده نمی بود دنیا از مخلوق مملوء می گردید تنگتر می شد. او﵁ برایش فرمود اگر چیزی می خواهید بگو: او گفت: عمر گذشته وام را واپس می کنید ویا اجل مقررم را دور کنید او﵁ گفت: این دراختیارم نیست شخص برایش گفت: پس از توجه به خواهیم ابوالدرداء

(c) ketabton.com: The Digital Library

الطائی﵀ فرموده: که ای انسان تو به حصول آرزوهای خود خوشحال می کردی درحال ی
اجل تان نزدیک گردیده و در انجام اعمال نیکو تأخیر نمودید گویا این از تونه از کس
دیگری است.

بشر رحمه‌الله فرموده است: در دنیا هیچ چیزی نیست که تورا خوش و مسرور سازد مگر
الله متعال دراین صفت هم مانده است که اوبرایت بد معلوم می شود. از حسن﵀ روایت شده
که: هر انسان به سه حسرت میرود.

۱) اینکه او باید ازمال جمع شده خود میرمیشد مگر سیر نمی شود.

۲) اینکه باید ارزوهای خودرا پوره میکرد ولی این کار عمل نشد.

۳) باید به خاطر آخرت اعمال نیکو خویش را می فرستاد ولی اینطور نکرد.

بندهٔ مؤمن کسی را گفت که من غنا را دریافتم او برایش گفت: کسیکه خود را از بردگی
آزاد کرد او حقیقتاً غنا راحاصل کرد. ابوسلیمان رحمه الله فرموده است: از خواهشات دنیا
شخصی دستبدار می شود درقلب خود فکر آخرت داشته باشد. ابوجازم فرموده است اندگی
محبت کرده با دنیا انسان را آخرت غافل می سازد. حسن﵀ فرموده است: عزت دنیا را نکنید
کسی که این کار نکند باید برایش بسیار آسان میگردد. زمانی کن خداوند متعال همراه بنده
خود خوبی میکند برایش چیزی کمی از دنیا می دهد. زمانیکه او انتهامی می رسد دیگری را
میدهد و زمانیکه بنده دنیا را حقیر شمرده باشد الله متعال برایش دنیای فراوان میدهد. شخص
نیک وصالح دردعاء خود میگفت: ای پروردگار کی اسمانها را از افتیدن بر زمین حفاظت
میکند مرا مال ندهید.

قول محمدبن المنکدر است که میگوید: روز قیامت هم شخصی میباشد که روز روزه
وشب به تهجد گزارنده باشد در راه الله متعال خود را مصرف وخرج کرده باشد وجهاد هم کرده
باشد وخود را از بدیها وقبائح نکهداشته لیکن به اوگفته می شود: شما همان شخصی هستید که
چیزهای حقیر خداوندﷻ را بزرگ و عالی پنداشته و چیزهای مقام والا را حقیر دانسته اید
لیکن باید فکر وتامل شودکه در میان ما چقدر مردم به این مصیبت مبتلاء هستند وهمراه این
بار ثقیل وسنگین گناهان چطور خواهد شد.

ابوحازم رحمه‌الله گفته است: درمورد دنیا و آخرت تکالیفی وجود دارد ولی تفاوت درانجا
است که درحصول آخرت کدام همکار ومدد نه می بینی مگر حصهٔ بدست آوردن دنیا درلحظه ی
ز دستت پیش میکنی بدبختی دیگری را از خود مقدم می بینی. از ابوهریره﵁ روایت است از

(c) ketabton.com: The Digital Library

هنگامیکه الله متعال دنیا را آفرید آنرا درمیان زمین واسمان مانند مشک کهنه اویزان ساخت تابه روز قیامت به همین منوال باقی خواهد بود. وقتی که اوبه الله متعال عرض کرد که چرا من را برایت دوست نه گرفتن الله متعال برایش فرمود ای حقیر و ناچیز ساکت باش.

عبدالله بن مبارک فرموده است: زمان که گناهان ومحبت دنیا قلب را شکار کرده باشد دراو نیک واحسان پیدانمی شود. قول وهب بن منبه است که: قلب شخص که به اساس چیزی دنیوی خوشحال گشت. از او هوشیاری ودانانی خارج شد وکسیکه خواهشات را زیر پا کرد شیطان از سایه آن شخص فرار می کند وعلم شخص که به خواهشات او غالب گردید درحقیقت همان شخص غالب شد.

کسانیکه با دنیا محبت دارند برایشان درآخرت بهرهٔ نیست:

به بشر گفته شد که: فلان شخص فوت نموده او پرسید که آن شخص دنیا را جمع کرده واخرت را ضائع کرده است. مردم برایش گفتند: او این وآن کار خیر می کرد. او گفت: درقلب شخص که محبت دنیا باشد خیر ونیکی هایش بوی کدام نفع رسانده نه میتواند. قول شخص صالح است که: دنیا از ما فرار می کند ولی مایان درعقب او میروم (به سرعت حرکت می کنیم) اگر دنیا با ما محبت میکرد درآن وقت حالت مایان چطور می بود.

ترک کردن وخواستن دنیا:

از شخص دانا پرسیده شد که این دنیا از کی هست؟ او گفت: کسیکه دنیا را ترک کرده. از او پرسیده شد آخرت از کی هست؟ او گفت: کسی که آنرا خواست و اورا طلب کرد.

عالم گفته است: دنیا خانه ویران است وآن قلب از دنیا هم زیادتر ویران است که درعقب دنیا میرود وسرگردان می باشد، جنت خانهٔ آباد است ولی آن قلب از بهشت هم آباد تراست که درجستجوی او می باشد جهنم خانهٔ ویران است وآن دل از جهنم خانهٔ ویران تر است که تب وتالاش آنرا دارد.

نصائح شافعی برای برادر خود:

جنید رحمه الله می فرماید: امام شافعی رحمه الله شخص حق گو بود به برادر خود بخاطر ترس وخوف از الله متعال گفت: ای برادر این دنیا جای لغزش وخانه رسوایی است آبادی این بطرف ویرانی وساکنین این به طرف قبرها درحرکت است کثرث او قلت وافلاس او مالداری هست به چیزی اندکی او جداشدنی هست ومال فراوان هم به سوی افلاس میرود، به طرف پروردگار رجوع وتوجه نمائید وبه حصهٔ داده‌شده مال تان راضی باشید جنت را به دنیا

(c) ketabton.com: The Digital Library

گروگان مکن زیرا زندگی تان سایهٔ ختم شده ودیوال افتیده خواهد بود لهذا عمل زیاد و آرزوهای کم کن. ابراهیم بن ادهم به شخص فرمود: آیا یک درهم(دینار) درخواب به نظرت خوب می آید یا یک دنیا بیداری؟ او در پاسخ گفت: یک دینار بیداری او برایش گفت: دروغ میگوئید زیرا محبت تان با دنیا مانند خواب هست. ومحبت با آخرت بیداری است. اسماعیل بن عیاش رحمه الله فرموده است: دوست من به دنیا خنزیر می گفت ومی فرمود: ای دنیا از ما دور شوید اگر او کدام نام قبیح پیدا مینمود دنیا را با او مسمی میکرد. کعب﵁ فرموده است. شما با دنیا اینقدر محبت زیادی کرده اید که بالکل اورا پرستش می کنید. یحیی بن معاذ فرموده است که مردم هوشیار ودانا سه نوع است:

۱) شخص که پیش از رفتنش از دنیا دنیا را ترک نمود.

۲) کسیکه که قبل از فوت شدن خود را از اهل قبر ساخت.

۳) شخص که قبل از رفتن به حضور پروردگار اورا خوش ساخت.

همچنان اضافه کرد امید مطلق دنیا انسان از پرستش پروردگار منع می سازد اگر انسان خودرا بدنیا وقف کند چی حالت خواهد داشت. بکر بن عبدالله فرموده است: کسیکه درحالت مالداری از دنیا بی پروائی نمود مانند شخص است که به گیاه خشک اتش را خاموش می سازد ولی آتش با آن تیز می گردد. اگر شخص دولت مند درحالتی سخن گفتن از کناره گیری دنیا بندید بدان که مرید شیطان است. همچنان بندار رحمه الله فرمود کسیکه به طرف دنیا متوجه شد شعله های حرص آن اورا خاکسار کرده وکسیکه به آخرت متوجه شد بوسیله شعله ها صفا وپاک گشت مانند طلا که قابل استفاده گردیده وکسیکه بسوی پروردگار رجوع کرد. شعله های توحید ویگانگی از او ذر و مروارید می سازد.

علی﵁ فرموده است: یقیناً دنیا شش چیز می باشد خوردن. نوشیدن. لباس. مرکوب (سواری). منکوح عروس بویدن در مشوم در چیزهای خوردنی از همه بهتر عسل واین آب دهن زنبور است وبهترین چیز درنوشیدن آب است و دراین تمام خوب وبد مشترک است درلباس بهترین چیز آ آبریشم است وآن موادی فاضله کرم است ودرسواری از همه بهتر اسپ است که به اساس آن انسان بمیرد بخاطر عروسی ونکاح ازهمه بهتر زن است مگر از محل مباشرت اضافه تر چیزی دیگری نیست وچیزی عمده درزن زیبائی روی آن است وازهمه بدتر فرج(عورت) زن است. درچیزهای خشبوء از بهترین آن مشک است که آن هم از ناف آهو بدست می آید پس بدان که دنیا چه هست.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و دوم

دربیان قبح و بدی دنیا

بعضی از آنانیکه دنیا را ترک گفته اند می گویند که: درعمل نیک سبقت کند واز الله متعال خوف نماید، به ارزوهای دور غرگین مباشید، مرگ را فراموش نه کنید، به دنیا شوق و رغبت نه داشته باشید زیرا که این فریبکار ومکار است کسیکه به فریب آن از راهی الله متعال منحرف شد او درامتحان امیدهای دروغین گرفتار گردید، واین امر او برایت چهرهائی بسیار قشنگ مانند عروس بیگانه آشکار می گردد چشم آن رامی بیند وقلب فدای او می شود وارواح برآن عاشق می گردد. ولی بسیار از عاشقان خود گشته است وبسیاری از پروانه های خود را به ذلت مواجه ساخته اند اگر او را به نظر نه گیرید به شما معلوم خواهد شود که این خانهٔ مصائب است خالقش هم دیده هر چیزی او کهنه می گردد وسلطنت او ازمیان می رود آن ذلیل می گردد کثرت به قلت بدل می شود ومحبت او فناء می گردد ونیکی او ختم می شود وبه انتها می رسد خداوند لایزال برشمایان رحم نماید از غفلت بیدارشوید قبل از اینکه کسی بگوید فلان شخص مریض شوده ویا به مرگ قریب گردیده کدام دواهای داکتری اهبت که آن را شفا بدهد دوباره داکتر خواسته شود او در مورد زندگی تو اظهار ناامیدی می کند باز گفته می شود که زبان او بسته شد وبه اقارب خود گفتگو کرده نمی تواند.

وهمسایه خویش رانمی شناسید دراین حالت به پیشانی عرق می آید آه وفغان تو می شنود مرگ تو یقین گردد چشمانت ایستاده شود و غم هایت درست وصادق گردد زبانت گنگ شود اقارب به گریان اغاز نماید وبرایت گفته شود این فرزندی فلانی تو هست واین برادری فلانی تو هست مگر تو به آنها استطاعت سخن گفتن رانداشته باشی وبه زبانت مهر مانده شود بعد بر تو مرگ آید وازجمله اعضاء بدنت روح برایت وبه آسمان انتقال گردد بعداً برادرانی تو جمع گردد وبرایت کفن آورده شود آرزوهای تو قطع گردد و دشمن تو خوشحال ومسرور شود و خانواده ات به سوی مال توجه کند وبرای سزا گرفتن اعمال تنها باقی خواهد بود ولی هوشیار باش.

وصیت زاهدی به پادشاه:

زاهدی به یکی از ملوک در مورد بیان نمودن بدی وترک کردن دنیا به سلطان گفت بری عدم توجه وترک کردن دنیا کسی مستحق است که مالدار باشد ولو به وسیله دولت ومال

(c) ketabton.com: The Digital Library

تمام کارهای خودرا رانجام می دهد، امکان دارد به مال او آفت ومصیبت نازل گردد اورا محتاج سازد ویا کدام حاکم مال ضبط نماید ویا تکلیف وجود اورا خراب کند ویا دنیا از طرف خود به اساس چیزی با ارزش درنظر دوستانش حقیر و ذلیل نمودار شود این دنیا به این اساس هم قابل قبح است کدام چیزی را که بدهد آنرا پس میگیرد و دریک وقت با دونفر دوستی می نمائید باکسانیکه خنده دارند خنده می کند وبا اشخاصیکه غم ومصیبت دارند گریان می نماید در زمان دادن تقاضای پس گرفتن را هم دارد. امروز بالای سرهای سلاطین تا جهای می نهد وفردا آنها را درخاک آلوده می سازد.

ارشادات حسن بصری رحمه‌الله:

حسن بصری رحمه‌الله به عمر بن عبدالعزیز رحمه‌الله نامهٔ نوشته کرده که این دنیا رفتنی است. دنیای زندگانی نیست ادم علیه‌السلام به خاطر صداء دادن به این دنیا فرستاده شده است فلهذا این دنیا دور باشید. توشهٔ این دنیا ماندنی هست وسرمایه داری اش فقر است.

هر وقت طلبگارش راهلاک میسازد باعزت را ذلیل و مالدار را فقیر می سازد این زهر است که انسان از او انرا در نافهمی وجهالت میخورد می میرد درین اجراح مانند مجروح از غم واندوه طولانی بخاطر نجات یافتن از او باید صبر کرده بخاطر نجات یافتن وعلاج ازین بیماری چند لحظهٔ تکلیف ومشقت متحمل شد ازین دنیا مکار وفریب دهنده که درچهرهٔ دنیا زیبا و قشنگ ظاهر گردیده، جال مکر را تنیده ارزوهای زیادی دروغگین باخود آورده است وبه شکل عروس پدیده شده است هر شخص میخواهد آنرا بی بیند کسی به این دنیا عاشق شد دنیا عاشقان خود را ترک کرده است آیا عاقل از آن درس عبرت نمی گیرد؟ زمانه که عاشق دنیا انرا دریابد گمراه میگردد وبه اساس محبت با دنیا آخرت را فراموش می کند تاکه پایهایش به لغزش درآید وبه مسرت أبدی مبتلا گردد وبر آنها تکالیف ومشکلات مرگ می آید روح آن فرامون غم زیادی بدون کدام آمادگی از جلدش جدا میگردد وبه هیچ وجه منع نمی شود. ای امیرالمومنین از این خودرا حفاظت کن زیراکه دولت مند ومالدار درخوش ها وسروش غرق گردیده است. ا و درغم واندوه مبتلا میگردد دراین خسران و زیان دیده فریب خورده است اما کسیکه منفعت دنیا را حاصل نموده او فریب خورده زیادی هست زیراکه وسعت او تا مصائب ومشکلات سرایت کرده است. وجودش تا هلاکت ونابودی هست خوشحالی وسرورش درتکالیف پیچیده است کسی که یک بار دردام گیر آید باز عودت کرده نمیتواند واز انجام خود بی خبر می ماند، امیدهای او دروغ وخواهشات آن حاکم هست. صفا وپاک نجس وعیش

(c) ketabton.com: The Digital Library

او کوتاه است، اگر انسان غرور کند درخطرات آن قرار می گیرد نعمتهای آن پر از خطر و درد و ألم وباترس وخوف میباشد، الله متعال تنبیه اورا کرده است وفرمان نصیحت را بیان کرده است نزدی الله متعال دنیا هیچ عزت ندارد ونه اورا به نظر رحمت دیده است. به محمدﷺ کلید ها وخزائن دنیا تقدیم شده است مگر محمدﷺ از پذیرفتن آن انکار کرد. زیراکه این دنیا نزد پروردگار به مقدار بار مگس هم ارزش ندارد اگر محمدﷺ آنرا قبول میکرد باز هم درخزائن پروردگار کمبودی نمی آمد. یا خیر باشید! که وقتیکه درمحبت با دنیا مخالفت حکم الله متعال را نه کنید به اساس محبت به او الله متعال را ناراض نه سازید الله متعال به سبب ازمائش وامتحان از دوستان منع قرار داده ودشمنان خود را ازمال ومتاع دنیا سیرآب نموده است. شخص جاهل ونادان که صاحب مال ومتاع دنیا می گردد فکر می کند که گویا او نزد الله متعال معزز گشته است واین سخن را فراموش میکند که محبوب پروردگار ﷺ به شکم خود سنگ را بسته میکرد.

دربیان نمودن قبح دنیا حدیث قدسی:

الله متعال به موسیﷺ وحی کرده بود وفرمود: وقتی که ببینید دنیای به سوی تو می آید بدان که به تو سزا او جزائی گناهی می آید وزمان که فقر رامی بینی او را استقبال خوب وگرم کن زیراکه او نشانهٔ وعلامهٔ نیکی است) ای مردم اگر میخواهید بنقش قدم عیسیﷺ رفتار نمائید او ﷺ می گفت: گرسنگی پوست من، خوف وترس عادت من وپشم لباس من است در زمستان شعای آفتاب اتش من است مهتاب شمع من هردو پایم مرکب من. سبزی زمین غذاء من نه صبح چیزی داشته باشم ونه هم شام لاکن دردنیا از من غنی دیگر کسی نیست.

وهب بن منبه رحمه الله میفرمانید: زمانیکه الله متعال موسیﷺ وهارونﷺ را به سوی فرعون فرستادند فرمود: به شان وشوکت ونیوی فرعون هراس میکنید او بغیر از اذن واجازه صلاحیت سخن گفتن، تنفس وتبصر را ندارد زیراکه پیشانی او در دست من است، شما را باید منفعت وربح دنیا متعجب نسازد، رونق دنیا زینت مردم جاهل واحمق است اگر من بخواهم شما را درچنین جاه وحشمت وقدر ومنزلت دنیوی را اعزام کنم که به دیدن او فرعون اعتراف عجز وناتوانی خود را بکند لاکن من از تو دنیا را پنهان نمودم وتوجه تو از اوبه سوی دیگر جلب کرده ام زیراکه دوستانم از نعمت های او بعید نگهداری می کنم مانند چوپان که شترهای خود را از اماکن خطرناک بعید و دور نگهداری می کند این برای حفاظت او نیست بلکه بخاطر است که درعزت بخشیدنی ام مستفید گردد ونصیب کامل خود را حاصل نماند

(c) ketabton.com: The Digital Library

من دوستانم را بخوف، انکسار، خضوع وخشوع وتقوی مزین می سازم که از سر او پاهیشهان آشکار باشد وهمین لباس آنها است همین ظاهر وباطن آنها است همین عزت و تعارف آنها است زمانیکه آنها بی بیند به آنها سلوک وروش خوبی کنید زیان ودلهای تان را به آنان نرم سازید ویاد داشته باشید کسیکه دوستان مرا ترساند آنها بامن اعلان جنگ کرده است. به روز قیامت بر آنان مهر غضب خود نازل می گردانم، روزی علی﵁ خطبه داد وفرمود: ای مردم باخیر باشید به شما مرگ می آید وپس از مرگ زنده می شوید وجزاء وسزاء اعمال خود را می بینند. زندگی دنیوی شما را فریب ندهد زیراکه این مشکلات فانی شدنی است و درنا پایداری شهرت دارد وفریب وخدعه موصوف وهرچیز آن زوال می پذیرد واین برای طلبگار آن مانند دولچه است هر وقت به یک حالت نمی ماند درحالت زندگی دارد وازمصائب ومشکلان نجات یافتنی نیست وبحالات گوناگون خوشحالی وخفگان روبرو میشود واین حالات تغیر می پذیرد وتبدیل می شود دراین دنیا استراحت تقبیح گردیده است وزیادت مال با زوال مواجه می گردد وساکنین خویش را مانند تیر می زند وآن را می کوشد هر شخص تعین است وبه هر شخص رزق کامل وپوره داده میشود ای بندگان پروردگار ای شما مسافرین آن راه هستید که قبل از شما آدمیان عمر طولانی گذشته است، آنان به خاک مبدل شده اتد و در مقابل مجلات قوی ومحکم با آنها بالشتهای خاکی وقبرهای که از سنگها ساخته شده مدفن های شان گشته آنها از خانواده های خود جدا واز محل سکونت خویش بی پروا گشتند به مردم کدام کاری ندارند وبه آقارب و دوستان خوش هیچ ارتباطی ندارند وآنها دراسیاء مشکلات ومصائب سایده میشوند واجسام شان خوراک خاک شده اند آنها چند روز زندگی کردند ووفات شدند خوشحالی وسرور آنها به طور داستان باقی ماند وبس به مردم شان اقارب و دوستان شان گریان کردند و زیر خاک خواب شدند از دنیا کوچ نمودند و دوباره عودت شان به دنیا مستحیل وناشدنی است تا روز قیامت برای شان زندگی برزخ است شما هم مانند آنها هستید بالای چی خواهید گذشت زمانیکه قبرها باز شوند ورازهای دلها اشکار گردد وبخاطر حاصل نمودن جراء همه اعمال درحضور الله متعال استاده گردد وبرای هر شخص جزاء اعمال خود داده خواهد شد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَـٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ بِٱلْحُسْنَى ﴿٣١﴾ [1].

[1] (النجم ۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: تا جزاء دهد آنان را که بدی کردند قرار عمل شان وجزاء دهد آنانرا که نیکویی کردند پاداش نیک(جنت).

ترجمه: تا مردم بد جزاء اعمال ناشایسته خود ومردم نیک جرای اعمال نیک خود را بی بیند.

بعضی از دانشمندان می گویند که: زمانه مانند تیر و مردم نشانهٔ اوست زمانه هر روز تیر را بر سوی شما پرتاب می کند شما را درگردش شب و روز مبتلاء می سازد تمام اعضاء تان ضعیف می گردد وگذشتن ایام وروزها بقاء وسلامتی تان ناممکن است اگر به شما حوادث سابقه هویدا گردد هر روز آینده برای تان ترسنده ومخوف خواهد بود وهر شب برایتان مشکل خواهید بود لاکن تدبیر پروردگار را زهر تدبیر بلند است الله ﷻ مردم را لذائذ دنیا مبتلاء ساخته است درحالیکه دنیا از حنظل کرده هم تلختر است هر مدام او به اساس شان وشوکت ظاهری اش از فهمیدن عیب او ناکام شده است هر واعظ وجانب آن را به بسیار وضاحت بیان می کند. یا الله مرا هدایت نیکی کن، از شخص دانا در مورد دنیا وآخرت پرسیده شد او گفت: دراین وقفه به اندازهٔ واز کردن چشم است زیرا کدام وقت که گذشته واپس نمی آید وعلم مستقبل همراه تو نیست هر روز خبر شب گذشته را می شنوی وداستان لحظات گذشته را بیان می کند حوادث زمانه انسان را با تغیر متواطر دوچار می کند، زمانه اجتماعات مردم تیت و پاشان می سازد مال ومتاع از یک به دیگر انتقال می دهد ارزوهای مردم زیاد وزندگی ایشان کم است ودرهر کار رجوع بسوی پروردگار است.

خطبهٔ عمر بن عبدالعزیز رحمه الله:

عمربن عبدالعزیز خطبه را ایراد نموده وفرمود: ای مردم شما برای مقصد خاص خلق گردیده اید اگر شما این امر را می پذیرید بسیار نادان وکم عقل هستید زیراکه اعمال تان هیچ نیستواگر شما این را نمی پذیرید درهلاکت دنیا مبتلاء شدنی هستید شما همیش در دنیا نمی باشید بلکه از یکجا بجای دیگر میروید ای بندگان الله شما درخانه زندگی می کنید که غذائی او درگردنش است اگر شما درحصول شدن یک نعمت خوشحال ومسرور می شوید به جدائی نعمت دیگر خسته وپریشان می شوید آن خانه را بشناسید که به اورفتن تان هست وهمیشه دراو زندگی می کنید باز او درحالت گریان از منبر پائین می گردد. علی ﷺ درخطبه فرموده: من از شما وصیت ترک کردن دنیا وخوف الله متعال را می کنم، دنیا شما را ترک می کند ولی شما در عقب آن چنک زدنی هستید او اجسام تان را سست می کند ولی شما آنرا محکم وقوی می سازید شما مانند مسافری هستید بخاطر توشهٔ گرفتن آخرت به دنیا آمدید چنانچه براه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مسافر در راه استراحت نمی باشد شب و روز در سفر هستید همچنان باید دردنیا استراحت نه کنید شب و روز درانجام دادن نیک وقدم گذاشته شود بسیاری از مردم طوری هستند که آجال شان قریب است وبعض شان چند روز زندگانی شان باقی است آمدن مرگ بر آنها تمام اعضاء های شان را از بین می برد لهذا به تکلیف وغم آنان تأمل میکند زیراهمه آنها عنقریب ختم می گردد ومال و دولت دنیا سرور نه نمائید زیرا دراسرع وقت از بین میرود وزائل می گردد برای طالب دنیا شگفت است که او جستجو و تلاش دنیا را لیکن مرگ درتلاش او میباشد او از مرگ درغفلت می باشد مگر مرگ از او غافل نیست محمد بن حسین رحمه الله می فرماید: که به اصحاب علم وادب معرفت هویدا باشد الله ﷻ توصیف دنیا را آفریده است وبه نزدش چنین نهایت ذلیل و حقیر است وبرای دوستان خود آنرا خوش نمی کند محمد ﷺ ازین گناه کنار گیری کرده است. صحابه کرام نجات یافتن دنیا تاکید ورزیده اند اصحاب علم از او حصه ونصیب حصه وسط را گرفته اند ودیگری را در راه الله متعال مصرف نمودند آنها به قوت لایموت راضی شدند.

ودیگر از ترک نمودند آنها به لباس معمولی خود را پوشیدند به خوردن غذای عادی گرسنگی خودرا خاتمه دادند دنیا را فانی وآخرت راباقی تلقین کردند واز او ماندند مرکب توشه گرفته حرکت کردند آنها دنیا را خراب وآخرت را آباد کردند آنجا نعمت های وسیع ودایمی راحاصل نمودند، به هیچ مشقت او بردنخواهد شدند واین همه به توفیق پروردگار می گیرد وبس.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و سوم

دربیان فضیلت قناعت

برای فقیر سزاوار وضروری است که از مخلوقات چیزی را طلب نه کند وبه بالهای آنها نظر نکند. به کسب نمودن مال و دولت حرص ننمایند این امور در زمان ممکن خواهد بود که انسان طبق ضرورت خود خوردن ونوشیدن نماید ولی لباس هم به همین منوال بپوشید وضروریات خویش قانع باشد وبه چیزهای مادی اکتفاء نماید امیدهای خود را از یک روز یا یک ماه دراز وطولانی نه نماید. زیراکه به کثرت طلب وطول امید مفهوم زیر سوال می آید وانسان درحرص مبتلاء می گردد. بعد از همین حرص انسان رابه سوی بداخلاقی وبدیها سوق می دهد وبه همان چیز اورا اماده می سازد که به همین اساس خصلت های نیکو شخص را نابود نماید وحرص فطرت او می گردد شکم انسان را طرف خاک مملو خواهد کرد نبی کریمﷺ فرموده است: اگر به انسان دو هامون طلا هم داده شود امیدی سوم آنرا دارد شکم انسان را فقط خاک قبر پرخواهد کرد الله متعال توبه یی توبه کنندگان راقبول می کند از حضرت ابو واقد اللیثی روایت شده که زمان که به محمدﷺ وحی نازل می شد مایان به خاطر یاد گرفتن علم به او حاضر می شدیم باری مایان به خدمت او ﷺ حاضر می شدیم محمدﷺ فرمود الله متعال فرموده است مایان مال و دولت رابخاطر اداء کردن نماز و زکات عنایت کردم اگر به انسان صحراء طلاء داده شود طمع بیابانی دومی را می نماید اگر بیابانی دومی حاصل کند طمع سومی را هم دارد وشکم از انسان راخاک قبر پر خواهد کرد الله متعال توبهٔ هر توبه کننده راقبول می کند از ابوموسی الاشعریؓ روایت شده است که مانند سوره برائت سوره دیگری هم نازل گردیده بود که بعداً منسخ گردید درآن آمده بود که الله متعال این دین را به قومی محکم خواهد کرد که بر انان هیچ حصه نیکی می کند شکم انسان را صرف خاک قبر مملو خواهد کرد والله متعال توبه توبه کنندگان راقبول می کند پیغمبرﷺ فرموده است: دوه نوعه هر گز شکم سر دخواهد شد یکی گرسند علم دومی گرسنه مال درحدیث شریف آمده است که: انسان پیر می شو دولی دوه چیز جوان می ماند حرص دنیا ومحبت دولت چون که این خصلت انسان راگمراه می کند زیر الله متعال به پیغمبر بزرگوارش

(c) ketabton.com: The Digital Library

وصفت وستایش قناعت رانموده است چنانچه بر راه اسلام حرکت کند وبه زندگی عادی خویش قناعت کند.

حدیث شریف است که: روزی قیامت هر امیر وفقیر تمنای این را دارد که کاش در دنیا برایش غذای عادی میسر می گردید فرمان نبوی است که: به زیادت مال کسی مالدار نمی شود بلکه مالداری قناعت قلب است زیات درجستجوی دنیا نباشد محمدﷺ درکسب کردن دنیا وتلاش نمودن از حرص وطمع منع فرموده است وبه مردم نصیحت فرمود که: ای مردم از طریق درست رزق و روزی راحاصل کنید زیرا به بنده آن چیزی میسر می شود می شود که درقسمت او نوشته شده باشد وانسان تازمانی از دنیا رحلت نمی کند تاکی رزق خود ختم کرده نباشد روایت است که موسیؑ به اللهﷻ عرض نمود که کدام بنده تو بسیار غنی است؟

برایش ارشاد فرمود که: آن بنده که به رزق عطاء کرده من قانع باشد باز عرض نمود که عادل کیست؟ الله متعال فرمود: شخص که با خود انصاف می کند. از عبدالله ابن مسعودؓ روایت است که: نبی کریمﷺ فرموده است که: روح القدس برایم خبر داده که هیچ کس در دنیا قبل ختم کردن رزق و روزی اش رحلت نمی کند لهذا از اللهﷻ بترسید ورزق حلال را حاصل نماید. از ابوهریرهؓ روایت شده که محمدﷺ فرموده است: هنگامیکه گرسنه می شوید برایتان یک نان ویک پیاله آب کفایت می کند خواهش هلاکت است.

ابوهریرهؓ می فرماید که محمدﷺ برایم فرمود پرهیزگار باشید از همه عادلتر می شوی قناعت کن از همه شکر گذار می گردی چیزی که برای خودت می پسندی به دیگران هم به پسند مؤمن کامل میشوی. نبی کریمﷺ از جنجال منع فرموده است چنانچه از ابوایوب انصاریؓ روایت شده که یک بدوی درخدمت نبی کریمﷺ حاضر شد وعرض کرد که برایم نصیحت کوتاه بفرمائید اوﷺ برایش فرمود هر نماز آخرین نماز زندگی ات بپندار و اورا اداء کن سخن را مگوید که به آن پشیمان باشی وبه مال مردم چشم امید مگیر از عوف بن مالک اشجعی روایت است که: مایان هفت یا هشت ویاهم نه نفر درنزد حضور محمدﷺ نشسته بودیم او ﷺ فرمود آیا شما با محمدﷺ بیعت میکنید برایشان گفتیم. ای محمدﷺ ما قبلاً بیعت نموده ایم از میان ما شخص پرسید برای کدام سخن کنیم؟ او محمدﷺ فرمود ازاین سخن که شما عبادت الله را بکنید وبا او کسی را شریک نه گردانید پنج وقت نماز را اداء کنید، بشنوید واطاعت کنید بعد فرمود: از مردم چیزی را نخواهید. راوی می گوئید درمیان مردم هم وجود داشته که از آنها قمچین به زمین می افتید کسی را طلب بلند کردن اورا نمی کردند. عمرؓ

(c) ketabton.com: The Digital Library

می فرماید: طمع نه کردن مردم را که از مال و دولت بی پروا بمانند و اورا طمع نکنید او ازهمه غنی و مالدار هستند از شخص هوشیار و دانا در مورد مالداری پرسیده شد اوگفت: امید کوتاه به زندگی نمودن عادی رضایت کردن غنا است. زیرا شاعری گفته است:

العیش ساعاتٌ تمُرْ ... وخطوب أیّامٍ تکُرْ

اقنع بعیشک ترضه ... واترکْ هواک تعیش حرْ

فلربَّ حتف ساقه ... ذهبٌ ویاقوت و درْ

ترجمه: چند ساعت به خاطر عیش میگذرد وبه کارهای عالی وبلند فرصت زندگی است.

توبه عیش کردن که برایت حاصل دست قناعت کن وخواهشات را ترک کن آزادی و حریت حاصل وزندگی عیش را ترک کن.

زیاد مردم مردند واز آنها طلا، نقره، لعل وجواهر باقی ماندند.

محمد بن واسع رحمه الله نان خشک با آب می خورد ومی فرمود: کسی که به این قناعت کند آن محتاج نمی گردد.

بهترین دولت:

سفیان رحمه الله می فرماید: که بهترین دولت برایتان آن است که درقبضه وتسلط تان و دولتی که درقبضه وتسلط آمده است آن دولت بهتر است که از تسلط و قبضه تان خارج گردیده باشد ابن مسعود می فرماید: هر روز فرشته آواز می کند که ای انسان ازمال زیاد گمراه کننده آن مال کم بهتر است که برای بقا و زندگی ماندن تان کومک نماید.

سمیط بن عجلان رحمه الله می فرمائید که ای انسان خبردار باش که این طور نشود که شکم خورد تو ترا به جهنم برساند، از شخص دانا وهوشیار پرسیده شد که مال تو چیست؟ او گفت درظاهر نظافت و در باطن نیکی وازمال مردم بی پروائی وعدم اهتمام. روایت است که الله ﷻ می فرماید: اگر تمام دنیا بتو داده می شود از او به شما دو وقت نان می رسد حالا که به شما صرف غذا داده ام وحساب این شخص دیگری مانده ام احسان من بالای تو هست، ابن مسعود رضی الله عنه فرموده است زمانی که حاجت می خواستی کم بخواهید اینقدر نخوهید که بر دیگران بلاء شوید زیراکه نصیب وحصه که دارید برایتان حتماً می رسد، حاکم ابو امیر به ابوحازم نامه فرستاد که درآن به ارتباط ضروریات خانه پرسیده شده بود تا آن ضروریات را پوره کند ابو حازم رحمه الله درجواب او نویشته کرد. من می خواهم خودرا دربارگاه مالکم تقدیم نمایم کدام آن که الله متعال پورکلند خوشحال می شوم وکدام آن که ندهم قناعت می کنم از شخص دانا

(c) ketabton.com: The Digital Library

پرسیده شد کدام سخن برای دانا عیث خوشحال و دور کردن غم میشود. دانا جواب داد که: از همه خوشحالی بزرگ اعمال نیکو وبخاطر دور کردن غم به رضای الله متعال مددگار بزرگی هست. قول شخص دانا وهوشیار هست که: من درمردم از همه اند و هگین وغمگین بزرگی را حاسد یافتم واو از همه خوب زندگی گذارنده را قناعت پسند وازهمه با انواع مشکلات ومصائب مبتلا صابر که چنجال نکند وازهمه خوشحال ومسرور تارک دنیا وازهمه پشیمان زیاد عالم متجاوز را دیدم چنانچه شاعری دراین مورد شعر خوبی را گفته است:

أرفه ببال فتی أمسی علی ثقة ... أنَّ الذی قسم الأرزاقَ یرزقه

فالعرضُ منه مصونٌ لا یدنسهٌ ... والوجه منه جدیدٌ لیس یخلق

إن القناعة من یحلل بساحتها

ترجمه: زمانیکه جوان به این سخن اعتماد کامل نماید که رازق مطلقاً حتماً به او روزی میدهد او هیچگاه خراب نمی گردد طراقت ارزویش میرود بلکه تازه می باشد وکدام شخص که قناعت می کند او شخص هیچ وقت به چیزی محتاج نمی گردد ونه بر او سایهٔ غم می افتد شاعر دیگری می گوید:

حتی متی أنا فی حلٍّ وترحال ... وطول سعی و إدبار و إقبال

ونازح الدار لا أنفک مغترباً ... عن الأحبة لا یدرون ما حالی

بمشرق الارضِ طوراً ثم مغربها ... لایخطر الموتُ من حرصی علی بالی

ولو قنعت أتانی الرّزق فی دعة ... إنَّ القنوع الغنی لا کثرة المال

ترجمه: من تا چه وقت این نوع سفر را انجام میدهم کوششها زیادرفت وآمد را دایم درپیش میگیرم.

از خانه دور همیش از دوستان نهان زندگی میکنم برای آنها معلومات حالات من نمی باشد.

من احیاناً درمشرق و درمغرب می باشم حرص به اندازه غالب گشته که دردلم هیچ گاه فکری بر نمی آید.

اگر من قناعت می کردم خوشحالی را حاصل می نمودم زیرا که غناء حقیقی درقناعت قلب است ودرمال ومتاع زیاد غنا نیست.

ارشاد عمرؓ: عمرؓ گفته است: آیا به شما نشان ندهم که من هم از مال الله متعال مال حلال را انتخاب می کنم؟ برای موسم سردی وگرمی دوچادر دارم وبرای حج وعمره وغذا مانند

(c) ketabton.com: The Digital Library

جوان عادی قریش ای مردم: من از دیگر مسلمان اعلی وافضلتر نیستم به الله متعال قسم میخورم که من اینقدر هم نمی دانم که برایم گرفتن این مقدار جواز دارد ویانه؟ گویا او هم درین شک داشت که گرفتن این مقدار مصارف از دائره قناعت خارج نباشد.

شخص بدوی (صحرانشین) برادر خود را از حرص منع میکرد وبرایش میگفت تو طالب وخواستکار دنیا هستی ومطلوب آن چیز هستید که آن ختم نمی گردد توچیزی را جستجو می کنی که تو از اول حقدار او هستی گویا چیزهای غائب درحضور وچیزهای حاضر از تو منتقل می گردد. شاید تو کدام حریص محروم را فایده باشی وکدام تارک دنیا رزق پیداکننده را نه دیده باشید دراین موضوع شاعری گفته است:

أراک یزیدک الإثراء حرصاً ... علی الدنیا کأنک لاتموتُ

فهل لک غایةٌ إن صرتَ یوماً ... إلیها قلت: حسبی قد رضیتُ

ترجمه: می بینم که امیدت حرص تو را زیاد می کند که گویا به تو مرگ نمی آید.

احیاناً یابس نمودن حرص تو خواهید گفتی که این برایم کافی هست وبه این راضی هستم.

شعبی رحمه‌الله می گوید شخص پرنده را شکار کرد. پرنده برایش گفت: تو بر من چی میکنی؟ صیاد یا شکارچی گفت: ترا ذبح می کنم وبعد ترا می خورم پرنده برایش گفت: به الله متعال قسم که شکمت بر من پر نمی گردد وبرایت سه سخن تعلیم می دهم که از خوردن من برایت مفید خواهد باشد. یکی را درحالت برایت می گویم دومی را بعد از رهای در درخت برایت می گویم وسومی را بعد از نشستن برکوه برایت میگویم.

صیاد برایش گفت: صحیح است سخن اولی را برایم بگوئید.

پرنده برایش گفت: بشنو به گذشته ات ندامت وپشیمانی نکنی. صیاد اورا رها کرد زمانیکه او به درخت نشست. صیاد برایش گفت: سخن دومی را برایم بگو.

پرنده درپاسخ گفت: چیزی نا ممکن را ممکن فرض نه نمائید بعداً او از درخت پریدو به کوه نشست وبه صیاد گفت: ای بد نصیب اگر مرا ذبح می کردی از جاغورم برایت بیست مثقال در بدست می آمد به شنیدن این سخن صیاد خیلی زیاد خفه گردید ولباسهای خودرا بدندان گرفت وحسرت خود باز پرنده گفت: سخن سومت برایم بگو پرنده برایش گفت: تو سخنهای قبلی را فراموش کردی وحالا سخن سوم را چرا پرسان می کنی. من برایت گفته بودم که به کار گذشته ندامت نکنید وچیزی نا ممکن را ممکن نپندارید من با هم پرها بیست مثقال نه ام چطور در جاغورم بیست مثقال دو گزین شده میتواند اینر گفت وپرید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابن سماک رحمه الله فرمود: آرزوها حال دلت وزنجیر ها پاهایت است امید را از دل خارج کنید تا پایت آزاد شود.

بدی حرص: ابو محمد الیزیدی گفته است من به خلیفه هارون الرشید آمدم او نامه را قرائت میکرد که به آب طلا نوشته بود زمانیکه مرا دیده خندهٔ کرد من پرسیدم ای امیرالمؤمنین: آیا کدام سخن خاص است؟ او گفت: من درخزانهٔ بنی امیه ابیات شعر را یافتم که بر من تاثیر کرد وخوش من آمد و به آن شعر اضافه ساختم:

إذا سُدَّ بابٌ عنک من دون حاجة ... فدعه لأخری ینفتح لک بابها

فإنَّ قراب البطن یکفیک ملؤه ... ویکفیک سوآت الأمور اجتنابها

ولاتکُ مبذالاً لعرضک واجتنب ... رکوب المعاصی یجتنبک عقابها

ترجمه: زمانیکه دروازه حاجت بر وی تو بند گردد انتظار کن کسی دیگری حاجب تو را پوره کند.

بندگی شکم برای مملو کردن او کفایت می کند وبخاطر نجات یافتن از بدی ها از اجتناب کردن ضروری است.

بخاطر دست آوردن اهداف خود حرکات های ذلیل وحقیرانه را انجام ندهید از ارتکاب گناه خود داری کنید که به اساس او از سزا و عذاب محفوظ خواهید ماندید.

علم انسان را از حرص وسوال نجات میدهد:

عبدالله بن سلام از کهف رضی الله عنه پرسید: کدام چیز است که علم را از دلهای علماء بیرون می کند؟ کعب رضی الله عنه فرمود: طمع، حرص به مردم دست دراز کردن.

شخص از فضیل رحمه الله تشریح و توضیح این را خواست او درجواب فرمود: زمانیکه شخص به سبب طمع از چیزی هدف و مقصد خود قرار می دهد دین او ختم می گردد ورخصت می شود حرص این است که انسان احیاناً درطلب درطلب چیزی واحیاناً در دوری طلب چیزی دیگر باشدو او میخواهد اهداف زیاد خود را براورده سازد وبرای بدست اوردن او به مردم مختلف درتماس می گردد وبه اساس وسیله و ضرورت اورا پوره کند اصلاً اورا مهار کرد وجاه که بخواهد اورا کش می کند به سبب همین محبت دنیا هر وقت که در می گذرد سلام می اندازد وزمانیکه بیمار می شود با احوال پرسی او میرود این همه کار های او بسبب رضای پروردگار نمی باشد بلکه بخاطر خوشحالی وی می باشد کاش محتاج او نمی بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و چهارم

دربیان فضیلت فقراء

محمدﷺ می فرماید که: بهترین این امت فقراء هستند وازهمه مردم که به جنت داخل میگردند اشخاص ناتوان وضعیف هستند.

فرمان نبوی است که: دوکار است کسی که این دورا دوست دارد و درحقیقت بامن دوستی می کند وکسی این دورا بد می بیند گویا که با من بدبینی دارد. یکی فقر و دیگر جهاد است.

دنیا خانه کسی است که او خانه ندارد:

روایت است که جبرائیل امین درخدمت محمدﷺ حاضر شد وی گفت: الله متعال به تو سلام می فرستد ومی فرماید: اگر میخواهی کوه ها را برایت طلا می سازم محمدﷺ چند لحظه از سکوت به بعد فرمود: ای جبرئیل این دنیا خانهٔ کسی است که او خانه ندارد. این دولت از کسی است که او دولت ندارد واین راکسی جمع آوری می کند که او نادان وبی عقل باشد جبرئیل امین فرمود:

ای پیامبر خدا الله متعال شما را به همین صداقت قائم نگهدارد.

روایت است که عیسیٰ علیه السلام درحالت سفر درجوار شخص عبور می کرد که خود را درکمپل پیچیده بود وخواب رفته بود.

عیسیٰ علیه السلام اورا از خواب بیدار کرد وبرایش فرمود ای خواب برده بیدار شوید.

والله متعال یادکن او برایش گفت: دیگر چه از من می خواهی؟ در حالیکه دنیا را به دنیاداران تر ک گفته ا م محمدﷺ درپاسخ فرمود: ای دوستم دیگر بخوابید. الله متعال از دوست خود محبت دنیا رابیرون می کند موسیٰ علیه السلام درپهلوی شخص عبور می کرد که به خشت تکیه زده نشسته بود ریش و رویش خاک الود بود موسیٰ علیه السلام به الله متعال عرض فرمود که: ای الله این بنده ات در دنیا برباد گشت الله متعال به موسیٰ علیه السلام وحی فرستاد که به تو معلومات نیست زمانیکه بر بنده خود دروازهای فضل ومرحمت عطا کنم محبت دنیا از دلش بالکل بیرون می کنم از ابو رافع رضی الله عنه روایت است که مهمان محمدﷺ تشریف اورد ولی با محمدﷺ چیزی برای مهمان نوازی او وجود نداشت محمدﷺ مرا نزد یکی از یهودیهای چیز فرستاد وگفت: بر یهودی بگو تارجب المرجب ارد برایم قرض بدهید من به یهودی رفتم واین

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیغام را بر وی رساندم یهودی برایم گفت: چیزی بطور گرو درمقابل آرد بگذارید من به محمدﷺ این امر را یاد آور شدم محمدﷺ فرمود به خدای متعال قسم می خورم که امین زمین و آسمان هستم اگر برایم ارد قرض می داد من حتماً بدون شک انرا پس می دادم این زره (لباس آهنین) مرا بگیر وهمرای او بطور گرو بگذارید زمانیکه من حرکت کردم بخاطر تسلی واین آیت شریف نازل گردید:﴿ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٣١﴾ ﴾[1].

پیغمبرﷺ فرموده است: فقر پریشانی مومن از موی سفید پشانی اسپ هم زیباتر می باشد. درحدیث مبارک امده است کسیکه دلش مطمئن وبدنش تندرست باشد وهمرای وی غذای یک روز هم باشد گویا به او دولت تمام دنیا حاصل گردیده است. دیندار شکار نگردید ولی دولت مند ودنیا دار شکار شده از عطا خراسانی رحمه‌الله منقول است که نبی الله از ساحل عبوری کرد در آنجا شخص را دید که شکار ماهیان رامی کند او نام الله جل جلاله راگرفته وجال خودرا به دریا انداخت ولی هیچ ماهی درآن واقع نشده باز همین نبیﷺ درپهلوی شخص دیگری عبور کرد او نام شیطان راگرفته وجالش به دریا انداخت هنگامیکه جال خودرا راکشید مملؤ از ماهیان شده بود نبی الله دربارگاه پروردگار عرض نمود ای الله عالم الغیب درین چه راز نهفته است؟ الله جل جلاله به فرشته ها حکم داد که به هر دونفر مقام های درآخرت نشان بدهید زمانیکه محمدﷺ نزد الله متعال وقار وعزت شخص اول وحقارت شخص دوم رادید ناگاه یک بار از دهنش این اواز بر امد یا ا لله العالمین من به تقسیم تو راضی هستم. حدیث شریف است که: من جنت را دیدم اکثر ساکنین او فقراء بودند من جهنم را دیدم اکثر اهل او مردم مالدار وزنها بودند. دریک روایت امده است که محمدﷺ پرسید مالداران کجا هستند؟ برایم گفته شد که آنها به سبب عظمت وغنا در دنیا بند شده اند.

درحدیث شریف امده است: که زمانیکه اکثریت زنها درجهنم دیدم پرسیدم چرا؟ به من گفته شد به اساس محبت شان باطلا وخوشبویی مستحق این عذاب شدند. محمدﷺ می فرماید: فقر در دنیا برای مؤمن تحفه است. در روایت امده است که از جمله پیامبران اخرین شخص سلیمانﷺ است که به بهشت داخل می گردد زیراکه او دردنیا مزه ولذت وپاچاهی چشید است ودرجمله صحابه کرام اخرین شخص عبدالرحمن بن عوفؓ به سبب مال ومتاع به

[1] (طه ۱۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

بهشت داخل می شود. درحدیث دومی امده است که: عبدالرحمن بن عوف رادیدم که با زانوهای خود به بهشت داخل می شود، عیسی علیه السلام فرموده است که مالدار به بسیار مشقت داخل بهشت می گردد. از اهل بیت محمد ﷺ روایت شد که او ﷺ فرموده است که هنگامیکه الله ﷻ به انسان محبت می نماید او را درامتحان می اندازد وبا کسیکه زیاد محبت می کند برایش ذخیره می کند پرسیده شد ذخیره یعنی چه؟ چطور ذخیره می گردد؟ او ﷺ فرمود: اورا ازمال و اولاد محروم می سازد. درحدیث شریف امده است که: زمانیکه فقر بسوی تو آمد خیر مقدم بگو وهمچنان برایش بگو ای علامه نیکی بخیر امدید زمانیکه مال ودولت درهمین حالت برایش سوی تو درحرکت باشد بگو به سبب همین مال مرا دردنیا سزا او عذاب داده خواهد شد. موسی علیه السلام عرض کرد وگفت: یا الله ﷻ درمخلوق ات چه کسی را زیاددوست دارید که من همرایش دوستی کنم؟ الله متعال برایش فرمود: فقیر وفقر زیاد را دوست دارم شاید لفظ فقیر دومی بخاطر تاکید باشد. عیسی علیه السلام فرموده است: من فقر را دوست دارم غنی وراحت را دوست ندارم وبرایش بهترین نام که اورا دوست داشت این بود که بنام مسیکن یاد شود. زمانیکه سران ومالداران عرب به محمد ﷺ پشنهاد کرد که یک روز برای مایان ودیگری را برای فقراء اختصاص بدهید محمد ﷺ این امر را پذیرفت زیرا که از لباس فقراء مالداران بدیویی را احساس می کردند وضیقت رامی پنداشتند الله متعال برضای محمد ﷺ این آیت نازل کرد﴿ وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ٢٨ وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقٗا ٢٩﴾[1].

روزی ابن ام کلثوم رضی الله عنها درخدمت محمد ﷺ حاضر شد درین اثناء سردار قریش با محمد ﷺ نشسته بود او ﷺ به قریش دعوت اسلام را میداد محمد ﷺ به امدن ابن ام کلثوم خسته (ناراحت) شد الله متعال به این کار محمد ﷺ این ایات رانازل کرد:﴿ عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ١ أَن

[1] (الکهف ۰۲۸-۰۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ۝ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ۝ أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ۝ أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ۝ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ۝ [1].

سوره عبس ایه ۳۰ اینجا مطلب از خانه حضرت ابن ام کلثوم است ومطلب از شخص بی پروا همان سردار قریش است شخصیکه درحضور محمدﷺ قرار داشت. عزت واحترام بنده نامراد دنیا در روز قیامت. از محمدﷺ روایت است که روز قیامت شخص اورده خواهد شد الله ﷻ اورا چنین معذرت پیش می کند مثل که دردنیا شخص به شخص دیگری عذر خودرا تقدیم می کند. الله ﷻ برایش می فرماید: به عزت وجلال خود سوگند می کنم که من دنیا از تو به اساس حقارت تو دور نکرده بودم بلکه بخاطر همام اکرام وعزت تو که برایت اماده ساخته بودم محروم گردانیده بود. ای بنده من درصف همان مردمی حرکت کن که بخاطر رضای من توراچیزی خوردنی ویاهم چیزی بخاطر نوشیدن ویاهم لباس پوشیدنی داده است دست همان مردمی بگیرید وانها از تواست. مردم درین روز درعرق ایشان غرق می باشند وان شخصی (همان کمک دهند) را از دست شان گرفته وبه جنت داخل می سازد. همرای فقراء دولت است: حدیث شریف محمدﷺ است که فقراء رابشناسید و اورا احترام کنید با آنها دولت است پرسیده شد یا رسول الله ﷺ با آنها کدام کدام دولت است؟ او ﷺ فرمود: هنگامیکه روز قیامت بیاید الله متعال به آنها می فرماید: انانیکه برایشان خوراک ونوشیدن داده است وباهم برایتان لباس راتهیه نموده دستهای شان را بگیرید ونها رابه جنت داخل کنید.

حدیث شریف است که: معراج که به جنت رفتم در پیش خود اوازپای کسی راشنیدم من که نظر کردم او بلال ﷺ بود من به بلندی جنت نظر کردم انجا فقراء امت من وفرزندان شان را مشاهده کردم وبه طرف پایین جنت نظر کردم انجا دولت مندان را دیدم و زنهای درجنت کم بودند من این امر را پرسیدم برایم گفته شد که زنها را طلا و وابریشم از دخول جنت منع نموده اند ومردم مالدار به اساس حسابات زیاد ان از منازل عالی وبلندی جنت محروم گشته است.

من به صحابه کرام نظر کردم ولی عبدالرحمن بن عوف را انجا ندیدم چندی بعد او درحالت گریان امد من از او پرسیدم که تو چرا متاخر هستید؟ عبدالرحمن بن عوف ﷺ فرمود: من بعد از تحمل کردن تکلیف زیاد درخدمت تان حاضر شده ام من فکر می کردم که شاید هیچگاه هم نه بینم عبدالرحمن بن عوف ﷺ از مسلمانان سابقه وا وائلی بود که به محمدﷺ

[1] (عبس ۱-۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود را فدا کردند واز جملهٔ ده صحابه بود که محمدﷺ برایشان بشارت جنت را داده بود وازجمله دولت مندانی بود که محمدﷺ درمورد شان فرموده بود: مگر انانی که اموال شان به این وآن طریقه مصرف کردند آنها هم به مصیبت مالداری مبتلا گردیدند روزی محمدﷺ درجوارشخص عبور کرد که همرای او هیچ حال و متاع دنیا وجودنداشت او ﷺ فرمود: اگر روشنانی ونورش به همه مردم دنیا توزیع شود به همه شان خواهد رسید.

سلطان بهشت: نبی کریمﷺ فرموده است آیا بر شما سلطان (بادشاه) را هویدا و ظاهر نه سازند؟ عرض شد چراء نی محمدﷺ فرمود: هر انکه ضعیف وغریب شمرده شده موی سرش غیر منظم غبار آلوده وچادر کهنه باشد وهیچ کس به او اهتمام نه کند اگر او به الله سوگند کند الله حتماً سوگند اورا پوره می کند غربت فاطمه رضی الله عنها از عمران بن حصینؓ روایت ا ست که محمدﷺ بر ماگمان نیکی رامی کرد باری محمدﷺ فرمود: ای عمران! همرای من مقام خاص دارید آیا به احوال پرسی فاطمه می روی؟ من گفتم پدر و مادر فدای تو باشد میروم مایان به دروازی فاطمه رضی الله عنها او ﷺ دروازه رادفق الباب نمود وبعد از سلام اجازه داخل شدن را خواست فاطمه گفت: بفرماید داخل شوید محمدﷺ فرمود همرای من شخص دیگر است پرسان کرد کیست؟ او ﷺ فرمود: عمران است فاطمه گفت به الله سوگند که من در دریک چادر خودرا پوشیده ام او ﷺ به اشاره دست فرمود این طور پرده (حجاب کن) او برایش گفت به این ترتیب جسم پوشیده شده لیکن سرم برهند می ماند او ﷺ چادری کهنه را داد وبرایش فرمود به این چادر سرت ببوش ازین بعد او ﷺ پس از سلام پرسید دخترم چطور هستید. او عرض کرد وگفت پدرجانم بسیار به تکلیف هستیم یکی تکلیف مریضی ودیگر گرسنگی همراه من چیزی نیست تا بوسیله آن گرسنگی خود را رفع سازم. زمانیکه محمدﷺ سخنانی دخترش شنید اشک از چشمان مبارکش سرا زیر شد وفرمود ای دخترم! فکر نه کنید قسم به الله که پیش الله مقام بلند دارم چیزی بخواهم حتماً برایم می دهد لیکن من آخرت را به دنیا ترجیح داده ام. پس محمدﷺ دستهای خود را به شانه ی فاطمه رضی الله عنها گذاشت وفرمود خوشحال باشید. تو سرور زنهای جنت هستی او پرسید اسیه و مریم کجا خواهد بود؟ او ﷺ فرمود اسیه بهترین امت خود وتو بهترین ا مت هستی شما درمحلات جنت بود وباش دارید که درآن هیچ نوع غم ومشقت نمی باشد بعداً برایش نصیحت فرمود که: با فرزند کاکایت زندگی خویش وسرور بگذرانید من عروس ترا با سردار دنیا وآخرت کرده ام کسیکه مال و دولت را جمع اوری می کند برای وی چهار مصیبت نازل می

(c) ketabton.com: The Digital Library

گردد از علی﵁ روایت شده است که رسول اکرمﷺ فرموده است کسیکه با فقراء دشمنی نماید شان وشوکت دنیوی اشکار سازد وبه خاطری جمع آوری پول زندگی خویش را وقف نمایند برای آنها چهار مصائب را نازل می کنم گرداند قحط سالی سلطان پادشاه ظالم، حاکم، خاین، خوف و دشمنی از ابو درداء﵁ روایت شده است که از دارنده یک درهم حساب دارنده اش دو درهم سنگین خواهد بود.

گریان وفریاد سعید بن عامر ﵁:

عمر﵁ به سعید هزار دینار فرستاد سعید بن عامر بسیار اندوه هگین گردید خانم پرسید. آیا کدام کاری خاص رخ داده است؟ سعید فرمود: سخنی بزرگ است وباز به نماز استاده شد و تا صبح درعبادت الله مصروف بود وبعداً فرمود: من از محمدﷺ شنیده ام که فقرای امت من پنجصد سال پیش از اغنیاء داخل جنت می شوند حتی اگر کدام شخص مالدار در قطار فقراء شامل باشد از دستش گرفته واپس خواهد شد از ابوهریره﵁ روایت شده که سه نفر به جنت داخل می گردد شخصی که قصد شستن لباس خود را دارد ولی لباسی دیگری ندارد که اورا بپوشد ولباس خود بشوید وکسی که به تندور خود دو دیک را پخته کرده نمی تواند سوی شخص که دعوت نوشیدن را بدهد از نوشیدنی پرسان نه کند کی تو چی می نوشی. سفیان توری با فقراء محبت فراوان داشت درمجلس سفیان ثوری شخص فقیر حاضر شد او برایش فرمود: مهربانی کن پیش بیاید اگر تو مالدار می بودی من اجازه ورود شدن رابرایت نمی دادم. به اساس محبت زیاد که فقراء داشت دوستان مالدارش می خواست که کاش اینها فقیر می بودند.

مؤمل رحمه الله فرموده است: من درمجلس سفیان ثوری باعزت از فقیر و ذلیل از غنی را ندیدم. قول شخص دانا وهوشیار است که: اگر انسان از تنگدستی وازفقر می ترسد به اندازه او از جهنم هم میترسد از هر دو نجات پیدامینمود. وبه کدام اندازه کی با دنیا محبت دارد اگر با جنت همین اندازه محبت میداشت هر دو را حاصل می نمود. وکدام اندازه که به ظاهراً از مردم خوف می نمود اگر به همان اندازه از الله متعال می ترسید درهر دوجهان نیکبخت وسعید خواهد بود.

ابن عباس﵁ فرموده است: کسیکه عزت مالدار و توهین فقیر را میکند او ملعون هست. لقمان﵇ دریک نصیحت به فرزند خویش میگفت: به اساس لباس کهنه کسی به نظر حقارت نظر نه کنی زیرا که رب او وتو یکی است. یحیی بن معاذ رحمه الله میگفت: محبت تان با فقراء یکی از اوصاف پیامبران است به مجالس فقراء رفتن از علائم نیکی واز آنها فرار نمودن از علائم منافقان است. دربعضی از کتابهای سابقه آمده است که الله متعال به بعضی پیامبران

(c) ketabton.com: The Digital Library

وحی فرستاد که از دشمنی من بترسید اگر با شما دشمنی کردم از مرتبه عزت پایین خواهد افتید وبه شما باران مال و دولت خواهم کرد. یعنی بودن مال و متاع دنیا نزد الله متعال موجب حقارت وبی عزتی است معاویه ابن عامر و دیگر صحابه کرام به عایشه رضی الله عنها یک لک درهم ارسال نمودند. عایشه هم همین پول را دریک روز توزیع کرد درحالیکه درچادر عایشه رضی الله عنها پیوند ها مانده شده بود. کنیزش برایش گفت: تو روزه داربودی اگر یک درهم برایم می دادی از بازار برایت گوشت می آوردم با آن افطار می کردی.

وصیت محمدﷺ به عایشه صدیقه ؓ:

محمدﷺ به عایشه رضی الله عنها فرمود: اگر امید ملاقات با من داری زندگی فقراء را اختیار کن واز محفل مالداران دوری کن وچادرت وقتی از سرت پایین نه کنی تاوقت که چند پیوند نخورده باشد.

شخص به ابراهیم ادهم ده هزار درهم اورد وبه عاجزی اورا گفت این مبلغ رابپذیرد او انکار کرد وبرایش گفت: آیا در مقابل ده هزار درهم اسم من از دفتر فقراء دور خواهد نمود؟ به الله ﷻ سوگند که هرگز این کار نخواهد کرد فرمان نبوی است که: بشارت برای کسی که زندگی خودرا مطابق دین اسلام بگذارند به چیزی عادی قناعت کند. ارشاد نبوی است که: ای فقراء: از قلب به رضای پروردگار راضی باشید به شما ثواب فقر داده خواهد شد وانه از این ثواب محروم می شوید. به نعمت پروردگار راضی باشید وبه رضای الله متعال رضا داشته باشید مطلب از این سخن این است که به فقیر حریص ثواب فقرش داده نمی شود مگر از بعضی احادیث معلوم می شود که براو ثواب فقر د اده می شود شاید هدف از عدم رضا این باشد که بند شدن دنیا بالایش نیکو نمی پندارد. بسیار از طلبگاران دنیا طوری باشند که انکار کردن از خالق لایزال را دوست ندارند لهذا درطلب او کدام جرم وگناهی نیست لیکن سخنی اول اعمال را نابود می سازد که از طرف پروردگار ندادن مال ومتاع دنیا خوب نمی بینند. از عمرؓ روایت شده که نبی کریمﷺ فرمود: برای هر چیزی کلید می باشد وکلید جنت محبت کردن با فقراء هست به اساس صبر کردن خویش روز قیامت به الله متعال نزدیک می باشند. از علیؓ روایت شد ه که محمدﷺ فرمود: به الله متعال آن بنده از همه محبوب است که فقیر باشد به رضای الله متعال راضی وبه رزق داده شده او قانع باشد. محمدﷺ دعا نمود که ای الله! رزق و روزی آل محمدﷺ به اندازه ومقدار باشد. وفرمود: روز قیامت کدام فقیر ومالداری نباشد که این امید نکند که کاش مرا دردنیا رزق و روزی ام مطابق ضرورتم می بود. الله

(c) ketabton.com: The Digital Library

متعال ﷻ به اسماعیل ؑ وحی فرستاده که: مرا در دالانهای مخروبه تلاش نمائید او ؑ پرسید ای الله این مردم کی هستند؟ الله متعال برایشان می فرماید: آنها فقراء مسلمین بودند ی به حصه داده شده من قانع وبه رضای من راضی هستند. آنها را درجنت داخل نمائند. مردم درحساب وکتاب مبتلا وسرگردان می باشند واین فقرا و غربا درجنت خوردنوش می کنند

قناعت ورضای الهی:

درمورد قناعت ورضا احادیث فراوانی وارد گردید است این سخن را ذهن نشین سازید که عکس وضد قناعت حرص وطمع می باشد عمر ؓ فرموده است که: طمع تنگدستی وقناعت غنی است کسیکه طمع نمی کند وقانع باشد اورا از مردم بی پروا می سازد. از ابن مسعود ؓ روایت است که: هر روز فرشته از عرش اواز می کند که: ای انسان از مال زیاد گمراه کند مال کمی کفایت کنده بهتر وافضلتر است. ابو الدرداء ؓ فرموده است که: شخصیکه عقلش کم وضعیف باشد زمانیکه به او مال زیاد حاصل گردد بی حد خوشحال می شود ولی گردش شب وروز که عمرش راکم می کند هیچ نوع پریشانی احساس نمی کند ای انسان! افسوس است که زیادت مال به تو فایده نمی رساند درحالیکه عمرت را کم می گردد.

غنا چیست؟

از شخص دانا وهوشیار درمورد غنا پرسیده شد او جواب داد به امیدهای کم وبه رزق و روزی عادی قناعت کردن غنا است. روایت است که ابراهیم بن ادهم از اهل النعیم خراسان بود. باری از محل خود بیرون شد شخص را دید که در دست خود نان گرفته اورا خورد وخواب گردید او رحمه الله به یکی از غلامان خود را گفت: زمانیکه این شخص بیدار گردید برایم روان کنید (بیاورید) هنگامیکه او بیدارشد اورا به ابراهیم حاضر کرد. او رحمه الله از او پرسید ای جوان گرسنه بودی وبه یک نان سیر شدی؟ او گفت: بلی. اورحمه الله از دل خود فکر کرد که دیگر باید سرگردان نباشم نفس انسانی به یک نان هم قناعت کرده می تواند. شخص عامر بن قیس را دید که همرای نمک سبزی می خورد. او برایش گفت: ای بنده الله ﷻ آیا به همین چیزی کم قانع هستی؟ او گفت: هر کسی که به این چیز کم قانع گردد به او بشارت چیزی داده می شود. بعد فرمود: کسیکه به دنیا راضی شد او را آخرت حاصل نمی گردد وشخصیکه دنیا را ترک کند آخرت نصیبش می گردد محمد بن واسع نان همرای اب ونمک می خورد ومی فرمود: کسیکه به چیزی کم قانع گردد او به هیچ چیزی محتاج نمی شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

حسن رحمه الله فرموده است که: الله تعالی به مردمی لعنت فرستاده است که به نصیب خود خوشحال نباشد بعداً این آیت شریف راتلاوت کرد:﴿ وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ ﴾.

باری ابوذر ﷺ دربین مردم نشسته بود که زنش از خانه آمد وگفت: تو درمیان هستی آیا درخانه چیزی برای خوردن و نوشیدن وجود ندارد. او ﷺ برایش فرمود: آیا برایت معلوماتی که درپیش مایان راههای مشکل وجود دارد ازین مشکلات کسی را نجات یافتنی است که حمنش سبک باشد زنی که سخنان اورا شنید ،درحال سکوت به خانه برگشت: ذو لنون فرموده است که: گرسنه بی صبر، نزدیک می باشد از شخص دانا پرسیده شد که مال و دولت تان چیست؟ او پاسخ داد: پاکی ظاهری، نیکی قلبی وبی پروایی از مال مردم روایت است که الله تعال درکتابهای سابقه فرموده است که: ای انسان! اگر همه مال و دولت دنیا بدست تومی افتید وبرایت نان خوردنی می رسید الان که برایت غذا داده ام وحسابش درگردن دیگر انداخته ام درحقیقت بر تو احسان نموده ام. درمورد قناعت شاعری گفته است:

إضرع إلى الله لاتضرع إلى النهاس ... واقنع ببأس فإنَّ العزَّ في اليأس
واستغنين عن القربى و ذي رَحِمٍ ... إن الغنيَّ مَنِ استغنى عن الناس

از الله تعالی طلب کن وازمردم مخواه وازمال آنها استغنا کن وقناعت بجوی زیراکه درطمع کردن از مردم حقارت وبی عزتی است.از هر دوست وقریب خودرا دور کن زیراکه دربعضی نیازی از مردم غنا است.

شاعری دیگری چه خوب گفته است:

يا جامعاً مانعاً و الدهرُ يرمقه ... مقدّراً أنّ باب منه يغلقه
مفكّراً كيف تأتيه منيّتُه ... آغادياً أم بها يسري فتطرقه
جمعتَ مالاً فقل لي: هل جمعتَ له ... يا جامعَ المال أيّاماً تفرّقه
المالُ عندك مخزون لوارثه ... ما المالُ مالك إلاّ يوم تنفقه
أرقه ببال فتىً يغدو على ثقة ... أن الذي قسّمَ الأرزاق يرزقه
فالعرْض منه مصون ما يدنّسه ... والوجه منه جديدٌ ليس يُخلقه
إن القناعة من يَحْلُل بساحتها ... لم يلق في ظلّها هماً يؤرّقه

الذاريات ۲۲-۲۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: ای جمع کننده مال ودولت زمانه مقدر هر کس را می بیند تو دروازه کی را مرد خواهد کردی.

درین فکر هستی که امید ها کامل می شود وابراین مشکلات است یا اسایش پس تو آنر ترک می کنی.

ای جمع کننده مال، مال راجمع نمودی مرا بگو که برای مصرف نمودن آن روزهایش م جمع نمودی ویا خیر؟ وتوبه زندگی ات اطمنان داری.

دولت همرای تو خزانه وارثان است بدون آن مال که درراه الله ﷻ مصرف کردی دیگ هیچ نصیب از مال نداری.

زمانیکه جوان به این سخنی اعتماد نماید که ذاتی که ارزاق را تقسیم نموده است او ذ برایم هم رزق می دهد.

درآن زمان عزتش باقی می ماند وهیچگاه با رسوائی روبرو نمی گردد ونه روی بی را می شود. کسیکه قناعت کند وهیچ وقت غم سایه نمی افگند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و پنجم

دربیان نگرفتن دوست و ولی بدون الله متعال و روز قیامت

باکفار ایستادگی نکن الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَنُوٓاْ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ﴾

بعضی مفسرین می گویند که اهل سنت برین متفق هستند که (رکون) مطلق میلان وتوجه را گویند اگر او عادی(معمولی) باشد ویاهم زیاد. عبدالرحمن بن زید گفته است: مطلب (رکون) پوشیدن راگوید یعنی به کفر انان انکار نکنید مکرمه رحمه الله فرموده است که مطلب از آیه این است که باکفار احسان ننمائید معنای ظاهری آیت شریف این است که با کفار وبدکاران نشست وخواست ننمائید. نیشاپوری درتفسیر خود فرموده است که: مطلب از (رکون) کفر را دوست داشتن وکارهای کفار راخوب دانستن و درحضور دیگران ستایش انان را کردن و درکارهای گمراهی یاری انان نمودن اگر بخاطر بند کردن مظالم کفار واز انان استفاده کردن باشد باز همین نشست وخواست باکی ندارد. لیکن به نظر من بخاطر طلب معاش و مزدوری همرای آنها نشستن وخواست جائز است ولی تقاضای تقوی این است که بلکل از کفار دوری نمودن است آیا الله متعال جل جلاله بخاطر حل کردن مشکلات کافی نیست؟ من می گویم که قول امام نیشاپوری بالکل صحیح است امروز ضرورت مبرم است که باکفار مقاطعهٔ کامل صورت بگیرد زیراکه دراین دور فاسد امر بالمعروف ونهی عن المنکر ناممکن است همچنان ظلم وتجاوزکفار به حدی رسیده است که با آنان هر نوع معامله نمودن برای مسلمان هلاکت است. شما درمورد آن شخص چه نظر دارید که با ظالمان ومشرکان محبت می کند ودرمحافل شراب نوشی و ارتکاب محرمات اشتراک می ورزد وخواهشات دوستی آنان را برآورده می سازد وبه نقش قدم آنان پامی گذارد مانند آنها لباس می پوشد اگر به حقیقت نظر شود این اعمال تماماً نا درست وبی اهمیت است وراضی شدن به او رضایت ومشابهت با جیفهٔ مردار است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث شریف است که: انسان به دین و دوست خود می باشد شما ببینید که دوست تان کی شخص است. روایت است که دوست خوب مثل عطر فروش را دارد اگر او برایت عطر ندهد حد اقل خوشبوئی آن بتو می رسد و رفیق بد مانند آهنگر است اگر او ترا نسوزاند دود آن حتماً برایت بدبویی اعطاء می کند. لباس تو را خیره وزیان من می سازد وبه تنفس تو نقصان می رساند.

بدون الله کسی دیگری رادوست وولی گرفتن: الله متعال می فرمانید:﴿ مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلْعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتْ بَيْتًا ﴾[1].

ترجمه: (مثالی آنانکه گرفتند بجز الله ﷻ دوستان مانند مثال عنکبوت است که ساخت خانه).

حدیث شریف است که: کسیکه به خاطر مال و دولت توقیر و احترام کسی را کرد دوحصه ایمان او ضایع شد. فرمان نبوی است که: زمانیکه ستایش بدکار و فاسق می شود الله متعال زیاد خفه وپریشان می گردد وعرش الهی به لرزه می افتد.

الله متعال می فرمائید:﴿ يَوْمَ نَدْعُوا۟ كُلَّ أُنَاسٍۭ بِإِمَٰمِهِمْ ﴾[2].

ترجمه: روزیکه بخوانیم هر فرقه را با پیشوای ایشان.

درمیان مفسرین درمورد امام اختلاف است عبدالله بن عباس واصحابش می گوید از امام تمام اعمال می باشد. چنانچه فرمان الهی است:﴿ فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ﴾[3].

ترجمه: پس اما آنانکه داده شد نامهٔ اعمال او بدست راست او.

زید ﷺ می فرمائید مطلب از امام کتابهای پروردگار است وبه مردم گفته می شود ای اهل تورات ای اهل انجیل وای اهل قرآن.

مجاهدرحمه الله می فرمائید: مطلب از امام نبی است، مردم طوری دعوت می شوند که ای پیروان ابراهیم ﷺ وای اتباع موسی ﷺ وای اتباع محمد ﷺ بیائید.

علی ﷺ می فرمائید که: مطلب از امام امام همین عصر است که به حکم وفرموده او رفتار می شود از ابن عمر ﷺ روایت است که حضرت محمد ﷺ فرموده است که: الله متعال روز قیامت همه مخلوقات را جمع می کند وبه هر شخص بیرق داده می شود وبرایش گفته می شود

---

[1] (العنکبوت ۴۱)
[2] (الإسراء ۷۱)
[3] (الحاقة ۱۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

که این بیرق غدر وخیانت فلان بن فلان است ترمذی ودیگر کتب از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: که محمد ﷺ درتفسیر این ایات شریف فرموده است که از مردم یک نفر خواسته خواهد شد ودر دست راستش عمل نامه داده می شود وقدش شصت ذراع دراز می گردد و بر سرش تاج دُر (لوء لوء) مانده می شود و رویش از زیبائی مانند آفتاب می درخشد بعد او بسوی اقارب خود می رود که از دور این شخص را می شناسد و می گوید: مرتبه اش را بلند نمائید و مایان را هم همین قسم فضیلت بدهید زمانیکه او با آنها برسد برایشان می گوید بشارت است برای تمام شما همین مرتبه است و روی کافر سیاه می گردد وقدش شصت زراع دراز می شود وبرسرش تاج ظلم و تاریکی مانده می شود او که به سوی اصحابش پرود آنان می گویند ای خداوند ما را از سرش نجات بده ومایان این مرتبه نمی خواهیم.

او برایش می گوید: الله تعالی شما را از رحمت خود دور کرده است وبه هریکی از شما مانند من معامله خواهد شد.

الله متعال می فرمانید: ﴿ إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ ﴾[1].

ترجمه: وقیتکه جنبانیده شود زمین بجنبانیدن سختش وبیرون آورد زمین بارهای خودرا.

ابن عباس رضی الله عنه درمورد تفسیر این آیات فرموده است که: زمین از زیر می جنبد وتمام زخائر خود را نشان می دهد. وتمام ذخائر و مرده های که در داخل زمین وجود دارد ازمیان زمین به بیرون می آید واز زمین خارج می شود یا میگردد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ این ایات را تلاوت کرد: ﴿ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ ﴾[2] ﴿ وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا ۝ ﴾[3].

ترجمه: درآن روز بیان کند زمین خبرهای خودرا.

وفرمود: آیا میدانید او چه میگوئید وسخنانش چیست. صحابه عرض نمود: الله ورسولش خوب می فهمد او ﷺ فرمود: او دربارهٔ آن مردو زن خبر دهد که بخاطرش اعمال انجام داده است. درحدیث طبرانی آمده است: که محمد ﷺ فرمود: به زمین از گناه کردن اجتناب ورزید او مادر تان است هر کسی که درآن مرتکب کدام عمل شود او را اشکار می سازد وخبرش را بیان می دارد.

---

[1] (الزلزلة ۰۰۱-۰۰۲)
[2] (الزلزلة ۰۰٤)
[3] (الزلزلة ۰۰۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و ششم

دربیان نفخ صور، اجساد

حشر و بعث بعد الموت

فرمان نبوی است که من چطور سکون حاصل خواهد کردم درحال که اسرافیل علیه السلام صور در دهن خود گرفته سرش به پروردگار جل جلاله پائین گرفته وگوش هایش به حکم الله متعال متوجه است که چه وقت برایش حکم نفخ صور داده میشود.

راجع به نفخ صور: مقاتل رحمه الله فرموده است: سور مانند شاخ است که اسرافیل علیه السلام به طور نانی به دهن خویش نزدیک گرفته است دایرهٔ راس صور به اندازهٔ طول زمین واسمان است واسرافیل علیه السلام چشمان خویش سوی الله متعال طرف بالا گرفته که کدام وقت برایش از سوی پروردگار حکم نفخ صور صادر می گردد. زمانیکه نفخ صور بار اول صورت می گیرد به اثر اضطراب شدید بدون جبرائیل میکائیل، اسرافیل وعزرائیل همه زنده جان هلاک می شود، بعد به عزرائیل علیه السلام حکم می شود که ارواح سه فرشته (جبرائیل، میکائیل و اسرافیل) را قبض کند پس از این ملک الموت از زندگی خود محروم میگردد ومی میرد. زمانیکه بنفخ صور چهل سال بگذرد الله متعال اسرافیل را دوباره زنده میسازد او دوباره نفخ صور انجام می دهد.

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ﴿٦٨﴾ ﴾[1].

ترجمه: باز دمیده شود درآن بار دیگر پس درآن وقت ایشان ایستاد گانند مینگرند(هر طرف را).

حدیث نبوی است که زمانیکه اسرافیل علیه السلام خلق گردیده صور در دهنش قرار دارد او یک قدم پیش ویک قدم پس استاده است ومنتظر حکم پروردگار می باشد.

دانا وهوشیار باشید وازوقت نفخ صور بترسید درهمان وقت ذلت وعاجزی مردم را تصور کنید زمانیکه دوباره نفخ صور آنها ایستاده خواهند شد ودر مورد فیصله خوب و یا خراب دربرابر شان منتظر می باشند اگر دراین دنیا آسوده ومالدار می باشید براین بدانید که پادشاه امروز آنها را ذلیل وحقیر می گرداند ومانند ذرات زیر پای می شوند درآن روز همه حیوانات

---

[1] (الزمر ٦٨)

(c) ketabton.com: The Digital Library

درندۀ کوها وجنگل ها از ترس وخوف همان روز سرهای خود را پائین گرفته اندو درمیان مردم حرکت می کنند آنها از خاطر گناهان خود نه بلکه از هیبت نفخ صور زنده می گردد واز آنها احساس خوف ندارند مثلیکه الله متعال می فرماید: ﴿ وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ [1].

ترجمه: وقتیکه جانوران وحشی جمع کرده شود.

بعد شیطان نافرمان سخت به خاطر نافرمانی وسرکشی خویش درحضور الله متعال به بسیار ذلت وخواری حاضر میشود وچنانچه که الله متعال می فرمانید: ﴿ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ [2].

ترجمه: قسم است به پروردگار تو که(هرآنینه) جمع کنیم ایشان وشیاطین را باز هر ئینه حاضر می سازیم ایشان را گردا گرد بزانو در افتید).

اندکی تامل کنید که حال تان چه گونه می باشد زمانیکه مردم از قبور برمی خیزند بدن پاهایشان برهنه به میدان وسیع قیامت که زمین پاک وصفا می باشد بیایند وبخاطر پناه کردن وپوشیدن کدام غار وکوه وتپه یافت نمی شود هوار می باشد مردم فوج(فوج) آورده میشوند به تحقیق رب ذوالجلال مالک قدرتهای عظیم وبزرگ از هر گوشه وکنار تمام مخلوقات به جمع آوری میایند به آن روز دلها ترسنده وچشمها ذلیل می باشند.

ارشادات محمدﷺ درمورد قیامت:

ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است که: مردم روز قیامت دریک میدان صفا وهموار استاده می شوند که از هر نوع درختهای کوه ها وتپه ها پاک می باشد این زمین مانند زمین نمی باشد. بلکه بنام زمین می باشد.

چنانچه الله متعالﷻ می فرماید: ﴿ يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ غَيْرَ ٱلْأَرْضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ ﴿٤٨﴾ [3].

ابن عباسؓ فرموده است که درین زمین کمبود و زیادت صورت بگیرد کوهها. دریاها و دره ها از بین میرود ومانند پوستکش می شود وبه میدان صفا تبدیل می گردد که برآن نه کسی قتل کرده باشد ونه هم کدام گناه شده باشد، آسمان، آفتاب، ستاره ها، ومهتاب از بین می رود. ای انسان ضعیف وناتوان اندکی فکر کن وبی اندیش که هیبت آن روز به چه اندازه

---

[1] (التکویر ۰۰۵)

[2] (مریم ۰٦۸)

[3] (ابراهیم ۰٤۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

عظیم خواهد بود همه ستاره ها ختم می گردد به اثر نه بودن روشنای آفتاب مهتاب وستاره و زمین راکاملاً تاریکی گرفته باشد درین زمان آسمان منفجر می گردد وپاره وپاره می شود به اساس این انفجار شدید درکوشهای تو اواز مخوف وهیبت او اثری راجاگزین می کشد آسمان مانند قلعی زرد.ذوب می شود ومثل تیل گرم مبدل می گردد کوههای خاکستر می شود ومردم سوس یکدیگر پریشان در حرکت می باشد.

حدیث شریف است که: برهنه پا، و بدن برسر زنده می گردد و تاگوشهای شان در عرق غرق باشند. ام المؤمنین سوده ﷺ عرض کرد که یارسول الله ﷺ چطور منظر عبرتناک باشد ی یک دیگر را درحالتی برهنگی ببینیم؟ او ﷺ فرمود: هر شخصی را درغم خود بیهوش باشد هیچ کس را درمیان خود یکدیگر رانمی بینند زیراکه که مردم دراشکال وچهره های متفاوتی درحرکت می باشند بعضی شان به شکم وبعضی دیگرشان روافتیدگی حرکت می کنند.

به آنها هوش یکدیگر رانظر کردن نمی باشد حالت های سرگانه روز قیامت: از ابوهریره ﷺ روایت شده که محمد ﷺ فرموده مردم روز قیامت سه نوع حالتی دارند شود، پیاده و روا فتیده حرکت می کند پرسید: چطور روافتید حرکت می کنند؟ او ﷺ فرمود: ذاتیکه مردم رابه پاحرکت داده او مردم راهم به سینه روان کرده هم می تواند. درطبیعت انسان ماده انکار خیلی زیاد است چیزیکه نمی بیندانرا انکار می کند اگر انسان مار را به سینه درحرکت نمی دید او هیچگاه این رانمی پذیرفت که کسی به سینه حرکت کرده نمی تواند لهذا به شما سزاوار است که قیامت به دنیا قیاس نکنید، اندکی دردلهای تان غور کنید که درآن وقت حالت تان چه خواهد بود. درچنین روزیکه برهنه ایستاد باشید وانتظار فیصله خوبی وبدی را داشته باشد کیفیت میدان محشر در مورد ازدحام مردم فکر کنید درمیدان محشر که مخلوقات زمین آسمان جن انسانها، شیاطین، حیوانات و پرندگان همه دریکجا جمع شده باشند آفتاب می برآید و حرارت دوچند می گردد آفتاب نزدیک سرهای مردم قرار دارد درین اوز بدون سایه عرش رب العزت سایهٔ دیگری پیدانمی دراینجا مردم نیکو همه ایستاده باشد بسیاری از مردم درغم ومشقت قرار مردم یکدیگر را دورمی کند که ازدحام کم شود درین روز مردم از حاضر شدن درحضور پرودگار بسیار ذلیل وپریشان می باشند درین اثناء حرارت آفتاب حرارت وگرمی نفسها وگرمی ندامت در دلها وجود دارد وهمچنان این وضع پیرامون خوف شدید می باشد وازهر موی عرق جاری می باشد تامیدان قیامت از دست گرس

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر و مبلول گردد وانها هر کدام به اندازه گناهان خویش درعرق غرق می باشد بعضی از مردم تاران وبعضی ایشان تاناف وبعضی دیگران تا کوشها درعرق غرق می باشند.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: محمد ﷺ فرموده است: روز قیامت عرق مردم هفتاد (باع) بلند می گردد و تا گوشهای شان می رسند این حدیث متفق علیه است در روایت دیگر ذکر است که: مردم تا چهل سال چشمهایشان را به طرف آسمان گرفته باشد وبه اساس زیادت تکلیف ومشقت عرق شان تاگوشهای شان می رسد. ای انسان ضعیف و ناتوان حالت خطرناک وناگوار را به یاد اور درین مردمی هم می باشند که می گویند: ای الله مرا ازین مصیبت نجات بدهید. اگر مرابه جهنم و توهم از آنها خواهد بودی وبرائت معلوم نیست که تاکدام اندازه درعرق باشید. هر شخصیکه عرقش بخاطر جهاد. حج. روزه. نماز خدمت مسلمانان حکم به نیکی ومنع از بدی ریخته نباشد روز قیامت از ترس وهراس وشرمندگی عرق زیاد خواهد ریخت درتکلیف بسیار زیاد مبتلا می باشد اگر انسان از جهالت زیاد کار نگیرد وبسیار فکر وتامل نماند به او هویداخواهد شد که درعبادات تحمل سختی ومشقت از سختی وتکالیف روز قیامت به مراتب اسان است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و هفتم

دربیان فیصله های مخلوق

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرموده است آیا میدانید که مفلس کیست؟ مایان گفتیم مفلس کسی است که مال دولت وپول نداشته باشد محمد ﷺ فرمود: مفلس کسی که روز قیامت با روزه، نماز، زکات، واعمال نیکوی دیگری را حاضر گردد مگر اوبه کسی دشنام داده باشد وغیبت کسی را کرده باشد وکسی رابه ناحق قتل کرده باشد وبه کسی ظلم کرده باشد ومال کسی را به ظلم وناحق خورده باشد وعزت وآبروی کسی را ریختانده باشد تمام نیکی های او به مردم تقسیم گردد زمانیکه همه اعمال نیکوی وی ختم گرددگناهان مردم یاد شده بروی حمل شود و در نتیجه او به جهنم فرستاده شود. ای انسان! اندکی تامل کن درآنروز حالت تو چطور خواهد بود همرای تو نیکی نیست که بدون ریا و و وساوس شیطان انجام داده باشی اگر تو در روزی گذشته هم کار نیک کرده باشی آن هم دراثر ظلم تو از دست برود، شاید نفسی با خود محاسبه کرده باشد وبرایت معلوم شده اگر تمام شب درعبادت وتمام روز روزه گرفته باشید ولی زبانت از غیبت مردم توقف نکند همه عبادت تو نابود می گردد همچنان بغیر از دین گناهان دیگری رامانند مال غیر به طریقه حرام خوردن غضب وبه چیزهای دیگر شکم خودرا پرکردن درعبادت الله متعال ﷻ از تقصیر کردن خودرا چطور نجات حاصل خواهی کرد درآن روز هر حیوان بی شاخ از حیوان شاخدار حکم انتقام گرفتن داده می شود و او بدل خودرا می گیرد.

از ابو ذر روایت است که محمد ﷺ دو بز درحالتی جنگ کردن را دید محمد ﷺ از من پرسید: ای ابوذر رضی الله عنه تو می دانی که آنها چرا اینطور می کنند؟ من گفتم: نه خیر. محمد ﷺ فرمود: الله ﷻ خوب می داند که آنها چرا جنگ می کند ودرمیان خود شاخ به شاخ گردیده است؟ و الله ﷻ روز قیامت فیصله آنها را می کند. ابوهریره رضی الله عنه درمورد تفسیر ایه شریف ذیل می فرماید: ﴿ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا طَٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم ﴾[1].

---

[1] (الأنعام ۳۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: که به روز قیامت تمام مخلوقات حیوانات حشرات پرنده ها وهمه آنها زنده می گردد وهر چیز را انصاف داده می شود تا به حیوان بی شاخ از حیوان شاخدار بر گرفته شود وبعداً برای شان گفته می شود شما خاک شوید، درین زمان کافران می گویند: کاش مایان را هم امر خاک شدن داده می شد ﴿يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَٰبَۢا ۝٤٠﴾[1].

ترجمه: کاشکی من می بودم خاک.

ای انسان د ران روز که اعمال نامه ات ازنیکیها خالی باشد تو از غم بسیار خواهد گفتی حسنات من چه شد؟ به شما گفته می شود او به اعمال نامه های دشمنان تو منتقل گردیده است درآن وقت اعمالنامه ات از حسنات خالی واز بدیها پرخواهد دیدی درحالیکه در دنیا بخاطر ارتکالیف زیاد تحمل شده بودی تو می گوی: ای الله ﷻ من مرتکب این گناهان نبودم به شما گفته خواهد شد که این گناهان مردمی هستند که انان را غیبت کرده بودی وبه انان دشنام گفته بودیدرمعامله به همسایه گفت وشنود وبه انان رویه بدی کرده بودی درعمل نامه تو نوشته شده است...

از ابن مسعود ﷺ روایت شده است که محمد ﷺ فرمود: شیطان درجزیرة العرب از بت پرستی نا امید شده است لاکن او از ارتکاب گناهان که از بت پرستی کم است راضی خواهد وآن گناهان است که به نظر تان خورد می آید و او درحقیقت هلاک کننده است پس حتی الوسع از ظلم کردن خود داری کنید زیراکه روز قیامت انسان هم می آیند که حسنات او از کوه ها هم زیاد باشد و او گمان خواهد کرد که نجات یافتنی است ومگر به اشخاص می آیند وی گویند که ای الله این شخص بالای من ظلم کرده است الله تعالی امر می کند حسنات وی را بگیرید وبرای مظلوم بدهید یک نیکی هم نخواهد ماند مثال آن طوری است که: درسفر یعنی مردم درصحرا می مانند وهمراه شان چوب نمی باشند پس طرف رفته تپ وتلاش کرده آتشی برزگی را ساخت وهدف خودرا برآورده ساخت همین مثال گناهان است. زمانیکه این آیات شریف نازل گردید:﴿ إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ۝٣٠ ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمۡ تَخۡتَصِمُونَ ۝٣١﴾[2]

---

[1] النبأ (۴۰)

[2] الزمر (۳۰-۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: به راستی که تو هم مردنی هستی و (هرانینه) ایشان هم مردنی هستند. با زالت شما روز قیامت نزد پروردگار خود مجادله خواهید کرد.

زبیر ؓ عرض کرد یا رسول الله: آیا که مایان دردنیا با یک دیگر ظلم می کنیم آیا انتقام آن گرفته می شود محمد ﷺ فرمود: تابه هر مظلوم حق او داده شود.

زبیر ؓ فرمود: به الله این امر بزرگی هست، روزی عظیمی است که یک گناه خوردی کسی بخشیده نمی شود وبرای هر مظلوم از ظالم حق گرفته میشود.

از انس ؓ روایت شده است که محمد ﷺ فرمود: که الله متعال روز قیامت مردم را برهنه غبار آلوده ودست خالی از قبرها برمی خیزاند وبعداً الله متعال می فرمائید واین فرموده را دور ونزدیک یک سان می شنود: من پادشاه هستم به هر شخص مطابق عمل خویش بدله دهند، هستم هیچ جنتی به جنت وهیچ دوزخی به دوزخ بدون مکافات ومجازات داخل نمی شود تاکه بدل عمل بزرگ وناچیز هم داده می شود. مایان از رسول الله ﷺ پرسیدیم: چطور بدله داده خواهد شد؟ او ﷺ فرمود: به احسانات و سیئات بدله هم خواهد داده شد. لهذا از الله متعال بترسید. اموال مردم را بطریق ناروا نه گیرید. عزت وشرف آنان را پامال نکنید دلهای شان را آزارمند نسازید. همراه شان سلوک نادرست نه نمائید. زیراکه گناهان درمیان بنده والله ﷻ زودتر معاف می شود، کسیکه از گناهان وظلم بالای بنده گان خود داری کند برایش مناسب سزا وار است که نیکی کند وبه قیامت ذخیره بسازد، بعد ازاین باید حسنات را انجام دهید، که بدون پروردگار گر کسی بر آن اعمال عالم وخبردار نباشد. امکان دارد که بابرکت همین اعمال با الله متعال نزدیک گردید و در جمله مؤمنان محبوب به پروردگار محسوب گردید.

انعام عفو و بخشش:

از انس ؓ روایت است که: مایان به محمد ﷺ نشسته بودیم که او ﷺ تبسم کرد دندانهایش آشکار شد.

عمر ؓ عرض کرد که پدر و مادرم فدای تو گردد چرا خنده کردی؟ او ﷺ فرمود: سه شخص از امت من حضور الله متعال حاضر می شوند یکی می گوید: ای الله متعال از این شخص حق من را بگیر یعنی انصاف کن الله متعال به شخص دومی می گوید به این شخص حق اش را بده شخص می گوید: یا الله احسانات من چیزی باقی نه مانده است. الله متعال به طالب حق می فرمائید: آل چی می گوئید او عرض خواهد کرد: آل گناهان من را بالایش حمل کن. چشمان مبارک محمد ﷺ از اشک پرشد وگفت: بیشک که این روز بسیار سخت ومشکل خواهد بود،

(c) ketabton.com: The Digital Library

مردم به محمدﷺ حمل گناهان خود با دیگران به تشویش می باشد. الله متعال به شخص اول می فرمائید: به جنت نظر کن او که به جنت می بیند می گوئید: من محلات بلند طلا و نقره دیدم ودرآن در یا مروارید کار شده است این برای کدام پیامبر وصدیق ویا هم شهید است؟ الله ﷻ برایش می فرمید هر کسی که قیمت این را برایم بپردازد برایش می دهم او می گوید که قیمت آنرا پرداخته می تواند. الله ﷻ برایش می فرمائید: قیمت این همراه توهست و او این است که همراه معافیت این شخص است او همین کار را میکند وبرایش گفته می شود دست برادرت رابگیر وبه جنت داخل شوید از ا ین به بعد محمدﷺ فرمود: از الله متعال بترسید وبا یکدیگر همکاری نمائید الله متعال درقیامت با یک دیگر صلح می نماید دراین ارشاد به این تأکید است که مسلمانان باید با یک دیگر صلح می نماید دراین ارشاد به این تأکید است که مسلمانان باید با یک دیگر اخلاق خوب را کار نماید وبا مردم احسان ونیکی کنند پس ای انسان! اندکی فکر کن اگر دراین روز عمل نامه ات از مظالم پاک باشد ویا الله متعال بر تو رحم کند وتورا معاف کند وبرای تو سعادت ابدی میسر گردد وازعدالت الله ﷻ در او وقت بازگشت توچقدر خوشحال و مسرور خواهد باشید بدن تو ملبس به لباس رضای الهی باشد وشهادت ابدی نصیب گردد وهمیش درنعمتهای الهی قرار بگیرید ورویت مانند مهتاب شب چهاردهم می تابد دربین مردم با چشم بلند بگردی وازحمل گناه پاک باشید همه مردم به تو نظر کرده دربین خود در مورد حسن وجمال تو گفتگو می کند فرشته ها پیش و پس تو درحرکت باشد وبه مردم می گویند این شخص فلان بن فلان است الله ﷻ از وی راضی است واو هم از الله متعال راضی می باشد وبرایش سعادت ابدی حاصل می گردد وهیچ گاه شقی نخواهد شد آیا تو این نوع مقام را از مقام دنیوی بلند نمی پنداری که به ریا منافقت وبه زیب و زینت ظاهری دربین مردم می خواهد بدست آورد؟ اگر این کار راخوش داری ویقیناً مقام آخرت خوب وبهتر است پس به صدق واخلاص به دربار پروردگار سبقت کن تاصاحب این مقام وامتیاز شوید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و هشتم

دربیان قبح مال ومنال دنیا

مال و اولاد برایتان امتحان است الله متعال می فرمانید:﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ۝ ﴾[1].

ترجمه: ای مؤمنان غافل نکند شما را مالهای شما ونه اولاد شما از یاد الله ﷻ و هر که بکند این کار را پس آن جماعه ایشانند زیان کاران.

در آیت دیگری می فرماید:﴿ إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ۝ ﴾[2].

ترجمه: به تحقیق مال شما و اولاد شما فتنه است و در نزد خداوند پاداش بزرگ است.

لهذا کسیکه مال و اولاد را به رحمت پروردگار ترجیح داد او با نقصان و زیان روبرو می گردد. الله ﷻ می فرمانید:﴿ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَيَطۡغَىٰٓ ۝ أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ ۝ ﴾[3].

ترجمه: نه چنان است هر آئینه انسان سرکشی می کند با ینکه ببیند خودرا بی پروا)

و درجای دیگر می فرمانید:﴿ أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ۝ ﴾[4].

ترجمه: غافل کرد شما حرص افزونی)

حدیث شریف است که قسیکه آب سبزیجات را سبز می کند همان قسم مال دنیا نفاق را در دل انسان سبز می کند. حدیث شریف است که مردم مالدار زیات هلاک شدند ومردم که اموال را خرج راه خداوند ﷻ می کردند نجات یافتند از محمد ﷺ پرسیده شد: بدترین امت تو کی اند؟ او ﷺ فرمود: مالدار از حضرت محمد ﷺ روایت است که می گوید: بعد از شما قومی می آید که رزق بهترین دنیا را می خورند وبه بهترین اسپها سوار می شوند وبه زنهای زیبا عروسی می کنند. لباسهای زیبا می پوشند شکمهای شان پرنمی شوند ودلهای شان به مال و دولت قانع نمی شوند صبح و شام بندگی مال را می کنند واورا معبود خود قرار می دهد درکارهای دنیا خیلی زیاد مصروف می باشند کسیکه این زمانه را دریافت وصیت محمد ﷺ است که با آن سلام ندهد اگر مریض شوند اورا عیادت نکند در جنازۀ های شان اشتراک نکند

---

[1] (المنافقون ۰۰۹)

[2] (التغابن ۰۱۵)

[3] (العلق ۰۰۶-۰۰۷)

[4] (التکاثر ۰۰۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

وعزت سران شان نکنید وکسیکه مخالفت حکم من را کرد او در نابود شدن اسلام کومک کرده است حدیث شریف است که: دنیا را برای دنیاداران بگذارید که کسیکه از ضرورت خود مال زیاد گرفت او درنا آگاهی خود را درهلاکت انداخته است.

مال خرج شده در راه خداوند ﷻ باقی خواهد ماند:

حدیث شریف محمد ﷺ است که: انسان می گوید: مال من، مال من مگر مال تان ان است که شما خورید وتمام شد ویا نرا پوشیدید وکنه گردید وچیزیکه در راه الله مصرف نمودی آن باقی مانده است. یک شخص عرض نمود یا رسول الله ﷺ بر من چی شده است که مرگ خوشم نمی آید. محمد ﷺ فرمود: آیا همراه تو مال، اولاد و دولت است؟ او گفت: بلی. محمد ﷺ برایش فرمود: آنرا در راه الله مصرف کن زیراکه دل مؤمن با مال خود بسته می باشد اگر مالش را با خودنگاه کند دلش به مرگ آماده نمی شود واگر مال خویش را پیش از مرگ خود روان کند و در راه پروردگار خرج نماید دلش هم به آنجا به خاطر رفتن آماده می شود.

ارشاد محمد ﷺ است که: برای انسان سه دوست است یکی تا مرگ همراهی اش میکند که او مالش است دومی تاقبرش همراهی اش میکند او خانه واد؛ اش میباشد سومی تا آخرت همراهی اش می کند که آن اعمالش هست.

اصحاب عیسی ﷺ از وی پرسیدند این چه سبب است که شما سرآب می گردید ومایان نمی توانیم؟ عیسی ﷺ درپاسخ گفت: شما مال و دولت چطور می پندارید. آنان گفتند: خوب می شماریم. عیسی ﷺ فرمود: برای من سنگ، قلخ و پول یکسان است ومی باشد.

مالدار گناه گار از پل صراط عبور کرده نمی تواند:

سلمان فارسی به ابوالدرداء ﷺ گفت: ای برادر خودرا از نگهداشتن مال وجمع آوردنش نگهدار که شکر انرا ادا کرده نمی توانید زیرا محمد ﷺ فرموده است: دولت مند مطیع وتابعدار الله ﷻ روز قیامت همراه مشال خود می آید ومی خواهد ازپل صراط عبور کند مالش برای آن شخص می گوید عبور کن زیرا تو حق من را در دنیا اداء کرده اید. و وقت که مالدار گناه گار می آید ومی خواهد از پل صراط تیر شود مالش میگوید: ایستاد شوید نو دردنیا حقم را اداء نکرده بودی بعداً اودرهلاکت می افتد.

حدیث شریف است که: زمانیکه انسان از این دنیا می رود ملایکه ها می گویند: آیا این انسان قبل از خود چیزی ارسال نموده است یانه؟ یعنی در راه الله ﷻ چیزی خرج نموده است یانه؟

ولی انسان می گوید چقدر مال درمیرات از میت متروکه مانده است.

نبی کریم ﷺ فرموده است که: شمامال و دولت جمع آوری نکنید اگر همین طور کردی دنیا محبت خواهد کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

روایت است که شخص به ابوالدرداء رضی الله عنه سخنانی زیادی گفت: او به این سخنان زیادی خسته گردید وبرایش در بارگاه پرودگار دعاء بدخواست وگفت: ای الله ﷻ کسی که برای من سخنان بد ودشنام گفته است به او جسم تندرست، عمر طولانی و مال زیاد عطاء کن، گویا تندرستی، عمر دراز و مال زیاد را چیزی بدو ناشانسته و از راه مستقیم سبب دوری می پنداشت.

حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه به ام المؤمنین زینب بنت جحش مبلغی را فرستاد او پرسید این چی هست؟ مردم برایش گفتند که عمر رضی الله عنه از چه مقدار پول نقد برای تان فرستاده است او رضی الله عنها فرمود: الله ﷻ به عمر رضی الله عنه رحم کند بعداً او پرده را گرفته وچند قطعه کرد و از آن خلطه جور کرد ودر آن پول را جابجا کرد وانرا به مردم فقیر و یتیم توزیع نمود، باز هر دو دست خود را بلند کرد ودعا فرمود: ای الله! قبل از این که درسال اینده برای من پول بیاید من را مرگ عطاکن وازین دنیا من رابببرید.

حضرت زینت از امهات المؤمنین اولین زنی بود که ازین دنیا رحلت نمود.

حسن رضی الله عنه فرموده است: کسیکه دنیا را عزت داد الله ﷻ او را ذلیل کرد. روایت است وقتی که پول جمع آوری گردد از همه اول شیطان می آید آن پول را بوسه می کند وبه پیشانی خود لمس می کند ومیگوید: کسیکه با تو محبت کرد او بنده وغلام من هست.

سمیط بن عجلان رضی الله عنه فرموده است: مال و دولت برای منافقان آسمانی است که اورا به جهنم کش میکند. یحیی بن معاذ رضی الله عنه فرموده است: مال وپول گژدمهای است که اگر شما «منتر» اورا یاد ندارید برایشان دست بدهید اگر شما را گزیدند پس زهر آنان شما را خواهند کشت. گفته شد: که برای آنان منتر چه هست؟ گفت: به طریقه حلال کسب کردن وبه راه حلال مصرف کردن است.

علاء بن زیاد میگوید: دنیا برایم از همه خوب تر وزیباتر آمد ومن برایش گفتم: من از شر تو پناه میخواهیم. دنیا برایم گفت: اگر از شرم پناه می خواهی با پول وپیسه دشمنی کن، زیراکه پیسه ومال جمع کردن و دولت حاصل کردن دنیا هست. کسیکه ازین دور زندگی می کند او از شر دنیا محفوظ می ماند زیراشاعری گفته هست:

إنی وجدتُ فلا تظنُّوا غیره ... أنّ التورُّع عند هذا الدرهم

فإذا قدرتَ علیه ثم ترکته ... فاعلم بأن تُقاکَ تقوَی المسلم

ترجمه: من این راز را دریافت کردم وشما بدانید که یقیناً به ترک کردن مال و دولت دنیا تقوی بدست می آید.

زمانیکه دنیا را ترک کنید تو واقعاً تقوی مسلمان صادق را کسب کرده اید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

شاعری می گویند:

لا یغرنّکَ من المر ءقمیصٌ رقّعَهْ
أو إزارٌ فوق عظمِ الستر السّاق منه رفعَهْ
أو جبینٌ لاح فیه أثر قد خلعَهْ
أره الدرهمَ تعرفْ حبّه أو ورعَه

ترجمه: تو را قمیص پینه شده ویا ایزار که از کوتاهی تادل بپایین رسیده باشد درفریب ودوکه نه بندازد.

ویا هم نشانی عبادت بالای پیشانیش ترا درفریب نیندازد.

وشمایان تأمل کنید که مبادا با مال و دولت دنیا محبت و دلبستی نداشته باشید.

وفات حضرت عمر بن عبدالعزیز ﷺ:

روایت است که وقت مرگ عمر بن عبدالعزیز فرارسید سلمه بن عبدالملک براه او آمد وگفت: ای امیرالمؤمنین: شما کارهای را انجام داده اید که سلاطین سابقه آنرا نکرده است تو اولاد خود را تنگدست وبی مال ماندی او ﷺ سیزده اولاد داشت وقتیکه سخن سلمه را شنید فرمود: مرا بلند کنید که بنشینم زمانیکه اورا تکیه داد ونشست فرمود: من هیچ گاه حق آنها را اداء ننموده ام ونه حق دیگران رابه آنها داده ام اگر آنها فرمانبردار الله باشد الله متعال تمام نیازمندی های انهای را بر آورده می سازد و او ﷻ سرپرست نیکوکاران هست اوگر آنها بدکار وبدعمل بودند من پروا دار آنها نیستم.

روایت است که بدست محمد بن کعب القرظی مال زیاد افتاد به اوگفته شد که برای اولاد خودهم پول زیادی بگذارید او فرمود: این مال رابرای اولادم نه بلکه برای خودم پیش الله ذخیره می کنم والله ﷻ برای اولادم ذخیره می کند. روایت شده است که شخص به ابوعبدربه گفت: ای برادرم: شر نبرید وبه اولاد خود خیر و نیکی بگذارید پس او عبد ربه از مال خودیک لک درهم در راه الله متعال خرج کرد. یحیی بن معاذ گفته است: که دونوع مصیبت طوری است که به امتهای قبلی نیامده است ونه به آینده خواهد آمد واو در وقت مرگ به مال خود افسوس کردن است. پرسیده چطور؟ او گفت: یکی از او همه مال گرفته می شود. دوم این که از او حساب تمام مال خواسته می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب سی و نوم

دربیان اعمال، میزان وآتش جهنم

درمورد وزن کردن اعمال و دادن عمل نامه ها بدست راست ویا بدست چپ هر وقت تأمل سزاوار وضروری است زیراکه بعد از حساب مردم به سر گروه تقسیم می گردد یکی آن مردم می باشند که آنها هیچ قسم نیکی وحسنات نکرده باشد وبه او گردن سیاه از جهنم بالا و دراز شود واو را طوری بالا و ازبین میبرد مثل یک پرنده که یک دانه را بالا می کند.

واین بدبختی به این شخص به ابدمی باشد که هیچ راه نجات برایش میسر نمی شود گروه دومی ان است که آنها هیچ گناه کرده نمی باشد آواز می شود که به هر حالت حمد گویند از الله ﷻ باید بترسند.

آن گروه می خیزند وبه بسیار اطمئنان به جنت داخل می شود، باز دروقت شب عبادت کننده الله متعال ﷻ و ذاکرین در وقت مزید وفروش به جنت داخل می گردد. درآن وقت آواز می شود که برای شان سعادت ابدی ودائمی نصیب شان است. وبه انان هیچ نوع غم وتکلیف درهیچ وقت نخواهد آمد.

گروه سومی آن می باشد که دراعمالنامه آنان نیکی وبدی باهم مساوی می باشد ولی برایش معلوم نمی باشد که حسنات او زیاد است ویاهم سیئات وبدیها آیا عمل نامه اش بدست راست داده می شود ویا هم به دست چپ به این چنین حالتی می باشد که هوش وعقل شان هیچ کار کرده نمی تواند.

گریان حضرت عایشه رضی الله عنها در ذکر آخرت: از حسن ﷺ روایت است که محمد ﷺ سر خودرا درآغوش عایشه رضی الله عنها نهاد و برایش خواب آمد دریا داخرت به عایشه رضی الله عنها گریان آمد واشکش به روی مبارک محمد ﷺ افتید چشمان مبارک محمد ﷺ بازشد او ﷺ پرسید چرا گریان داری به او عرض کرد. بخاطر یاد آخرت گریان کردم آیا روز قیامت مردم اهل فامیل خودرا یاد میکنند او ﷺ برایش فرمود: قسم به الله ﷻ که درسه حالت مردم بدون خودشان کسی دیگر را ذکر نمی کنند زمانیکه ترازوی عدل مانده شود واعمال مردم وزن شود هرچیز از یاد مردم می رود وبسوی ترازوی بیند که آیا حسنات او زیاد میگردد ویا سیئات او وهمچنان دروقت اعطاء اعمال نامه ها فکر میکنند که آیا به دست راست داده می شود ویا هم

(c) ketabton.com: The Digital Library

بدست چپ حالت سوم درعبور کردن پل صراط هر چیز از یادشان می رود. از انس ﷺ روایت شده که روز قیامت شخص دربرابر ترازو ایستاده می گردد وفرشته ها به انان مقرر و مؤظف می شود اگر ترازوی وی سنگین گردید فرشته اواز می گردد وفرشته آواز می کند فلان بن فلان سعادت ابدی راحاصل نمود وهیچگاه بدبخت نخواهد شد واگر ترازوی عمل وی سبک گردید فرشته آواز می کند که فلان بن فلان برای ابد بدبخت گردید دربین زمان فرشته های عذاب باگرزهای آهینی پیش می آید ولباس های آتشین به تن دارند و دوزخیان رابه جهنم داخل میکنند. فرمان نبوت است که: روز قیامت الله ﷻ آدم علیه السلام را طلب می کند وبرایش می فرماید: برخیزید و دوزخیان به دوزخ بفرستید آدم علیه السلام می پرسد! چقدر مردم به جهنم روان کنم؟ الله ﷻ به او می فرماید: از هر هزار شخص نو صد نودنو(۹۹۹) به جهنم روان کن صحابه کرام از ترس و خوف قیامت خنده راترک نموده بودند. زمانیکه صحابه کرام این سخن را شنیدند خنده راترک گفتند. محمد ﷺ که حالات ووضع آنها را دید پس فرمود: عمل کنید وخاطر را جمع سازید قسم به الله متعال که روحم در دست واختیار اوست بدون از کفار وشیاطین دو نوع مخلوقات وجود دارد که از شما هم زیاد هست صحابه کرام پرسیدند آنها کی هستند؟ او ﷺ فرمود: یا جوج وماجوج صحابه کرام به شنیدن این سخن خوشحال شدند. محمد ﷺ فرمود: عمل کنید ومطمئن باشید به الله قسم که روز قیامت شما مانند داغ سیاه درشکم شتر ویاهم نقطه درپای حیوانات می باشید وداغ درحیوان سفید هستید. ای عاشق دنیا فانی! ای کسیکه درشغل دنیا دیوانه شدی درمورد این دنیای فانی غم وفکر زیاد نکنید بلکه دربارهٔ آن خانه فکر وتأمل کن که جای اصل سکونت تان است وآنجا می روی تو حتماً به پل صراط عبور می کنی چنانچه فرمان الهی است که هر شخص به این عبور می کند وعدهٔ پروردگار حتمی است و ما پرهیزگاران رانجات می دهم وظالمان را دران می اندازیم. افتیدنتو درآن یقینی واز او انجات یافتنت درشک است لهذا برایت مناسب و سزاوار است که از آن درهراس باشی آن حالتی در دلت بپاوری درکدام روزی که مردم را انتظار عمال نامه های خودشان باشند وچشم های خویش را به طرف بالا گرفته ودرخوف وهراس شدید می باشند بطرف کدام سپارش کننده می بیند که شفاعت شان کند یک دفعه (ناگهان) تاریکی خوفناک از مجرمین برمیگردد وگرد اگرد آنان را احاطه می کند وبالای شان آتش شعله ور می باشد درآن آوازهای ترسنده وخوفناک می باشد درآن زمان مجرمین به هلاکت ونابودی خویش متیقن می گردد آنها به زانوها مانند طفل خود درحرکت می باشند فرشته عذاب آواز می کند که فلان بن فلان درکجا هست که دردنیابه

(c) ketabton.com: The Digital Library

امیدهای دراز وطولانی خود را تسلی می دادند وزندگی خود را انجام دادن به اعمال زشت می گزراندند وفرشته های عذاب آنان را باداشتن گرزهای آهنین پیش قدمی می کنند ومجرمین رابه جهنم داخل می سازند بعداً به آنان می گوید الآن مزه این عذاب را بچشید بسیار هوشیار بزرگ ومهربان بودی.

چند عذاب جهنم: مجرمین درجای انداخته می شود که راهها تنگ وتاریک می باشند هلاکتها ونابودیهای باشند ودر آن سکونت ابدی می نمایند درآن آتش می باشد نوشیدن آنان آب گرم می باشد آنها هلاکت می خواهند ولی به آنان مرگ نمی آید پاهای شان با به پیشانی های شان بسته می شود وروی های شان به اساس گناه سیاه می باشند آنها آوازمی کنند که ای مالک! مدت سزای مایان پوره گردیده پوشتهای مایان افتیدند دیگر مرا از جهنم بیرون کنید مایان دیگر اعمال بد را انجام نمی دهیم. فرشته ها برایشان می گویند این فریاد تان کدام نفع برایتان نمی رساند وشما از ینجای ذلیل وحقیر خارج کرده نمی شوید همین جای تان است ودرین سکونت کنید دیگر فریاد نکنید اگر شما بیرون شوید باز هم همین اعمال بد را انجام می دهید که سابقاً می کردید به شنیدن این جواب نا امیدمی گردند وبه گناهان شان اعتراف میکنند لیکن این ندامت شان به آنان کدام منفعت نمی رساند آنها درمیان آتش می باشند(قطران) جهنم لباس شان می باشند وبرای عذاب شان فرشته ها مقرر می باشند درزنجیرهای شدید ومحکم بسته می باشند ودرعذاب سخت سرگردان می باشند درآتش طوری جوش می خورند مانند آبی که در دیک جوش می خورد آنها گریان وفریاد می کنند وآروزی مرگ رامی کنند به سرشان آب جوش انداخته می شود به اساس آن پوستها وروده های شان ذوب می گردد سرهای شان به چکش ها زده می شود از دهنهای شان می برآیند از تشنه گی جیگرهای شان قطعه قطعه می شود چشمان تاراو آویزان می گردد وگوشت روی شان ذوب می گردد زمانیکه پوستهای شان آب و ذوب گردد پوستهای دیگر به آنان تجدید می شود استخوانهای شان از گوشت خالی می باشند ارتباط ارواح بارگها که باجسم پیوست ومتصل است پرقرار می باشد آرزوی مرگ دارند ولی به آنان مرگ نمی آیند روی های شان سیاه، چشمان شان کور، زبانهای شان لال، کمرهای شان دوتاگوش های شان پوستهای شان مانند رخت وتکه قطعه قطعه دستهای شان پشت سربسته وبر رویها درجهنم افتیده باشند ماران وعقارب جهنم آنرا میگزند اگر شما این حالت را ببینید حالت شما چه خواهد بود؟ توبه این عذاب کمی بیاندیش ودران فکر وتامل کن. حدیث شریف است که در دوزخ هفتاد هزار

(c) ketabton.com: The Digital Library

دره(وادی) است ودر هر دره هفتاد گودال ودر هر گودال هفتاد هزار مار وگژدم می باشند که هم کفار ومنافقان درآنجا انداخته می شوند.

عذاب ریاکار: از علی رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرموده است که از دره غم پناه بخواه پرسیده یا رسول الله ﷺ این چه هست به او فرمود این دره جهنم است که از آن روزانه هفتاد هزار مرتبه جهنم پناه می خواهد. وسعت جهنم ودره های او مانند نشیب و فراز(بالاو پائین) زندگی انسان وخواهشات نفسانی او یکسان می باشد. دروازه های جهنم به تعداد اعضاء انسان برابر است که انسان به وسیله او مرتکب گناه می گردد او بالا وپائین می باشد اول جهنم. دوم سقر سوم لظی چهارم حطمه پنجم سعیر ششم جحیم هفتم هاویه است. چنانچه انسان به امید بزرگی دیگر انتها می یابد به همین طور هر یکی از هاویه به (چقوری) دیگر ختم می گردد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که مایان با محمد ﷺ بودیم که آواز انفجار راشنیدیم محمد ﷺ فرمود! می دانید این چیست؟ مایان گفتم الله ﷻ وپیامبرش خوب می دانند. او ﷺ فرمود: هفتاد سال قبل سنگی از جهنم غلطیده است حالا به(پائین) جهنم رسید واین آواز همان افتیدن است.

درجات جهنم: الآن به درجات جهنم فکر کنید بیشک آخرت به اساس طبقات وخصائص تفاوت بسیار وسیع است چنانچه در دنیا مردم درجات مختلف دارد درجهنم هم درجات مختلف است درکدام شخصیکه گناه باشد ودارد، مبتلا باشد او درآتش غرق می گردد ولی گناه گار عادی درآتش کم انداخته می شود به همین منوال آتش هم مانند گناه انسان سوختانده می شود زیراکه الله ﷻ بر هیچ شخص به اندازه ذره هم ظلم نمی کند لهذا به هر انسان یکسان عذاب داده نمی شود بلکه به اندازهٔ گناهان خود عذاب داده می شود ولی اگر از همه عذاب کم وآسان جهنم به دنیا آشکار گردد از گرمی او تمام دنیا سوختانده خواهد شد. حدیث شریف است که: عذاب عادی جهنم این است که به یک دوزخی چپلی آتش پوشانده می شود که به اساس حرارت او دماغش به جوش می آید اگر شما به سوختاندن آتش شک دارید انگوشت خود را درآتش دنیا داخل کنید به شما معلوم خواهد شد ولی آتش دنیا بسیار ضعیف است لیکن فکر کنید هنگامیکه آتش دنیا شدیدترین عذاب است عذاب آتش آخرت چه قدر شدید وسخت خواهد بود؟ اگر شخص جهنمی آتش دنیا را درقیامت ببیند به بسیار خوشحال وسرعت خواهد امد دران خود را داخل نمود واین رابرای خود نجات محسوب می نماید آتش دوزخ وآتش دنیا با هم چه تفاوتی دارد؟ دربعضی احادیث آمده است که: آتش جهنم هفتاد مرتبه به آتش رحمت شسته شده است وباز به برای استعمال دنیا ارسال گردیده است محمد ﷺ

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرموده است که: الله ﷻ حکم داد که درجهنم آتش دبل شود هزار سال بعد جهنم سرخ گشت وباز تا هزار سال آتش مانده شد برای جهنم سفید گشت وهزار سال دیگر آتش همچنان مانده شد تاجهنم بالکل سیاه گشت. فرمان نبوی است که: جهنم به الله ﷻ شکایت کرد که بعضی از حصه ها وجوانبم به اساس گرمی وحرارت حصه دیگر نابود می گردد الله ﷻ به او صرف دو کشیدن دونفس اجاز داد یکی درگرمی ودیگر در سردی که به همان اساس موسم گرم ودر سردی یخ می شود.

از حضرت انس ﷺ روایت است روز قیامت بسیاری از مردم مالدار کافر آورده می شوند وآنها را درآتش انداخته می شود واز آنها پرسیده می شود که شما دردنیا کدام نعمت راحاصل نموده اید؟ او می گوید: نه من هیچ نعمتی را ندیده ام باز شخصی آورده می شود که دردنیااز همه غمهای وتکالیف زیادی را دیده باشد او به جنت داخل خواهد شد وباز پرسیده می شود که آیا در دنیا غم و دردی را دیده بودی؟ او می گویند نه من هیچ غم راندیده بودم.

از ابوهریره ﷺ روایت شده که: اگر درمسجد هزار شخص یا از آنان زیاد تر موجود باشند درآنجا شخص جهنمی نفس بکشد تمام این افراد به اساس همین نفس می میرند بعضی علماء از قول الله ﷻ که می فرماید: ﴿ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ﴾[1] چنین مطلبی گرفته است که به یک گرمی اتش تمام گوشت ها از استخوانهای ریزد از ابوسعیدخدری ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرموده است اگر یک سطل گزک جهنمی در دنیا افتیده شود به اساس بدبوئی او نفس های تمام زنده جان بند خواهد شد.

این شراب جهنمیان است درحالت خواست شان زمانیکه از تشنگی آب می خواهند به یکی از آنها آبی داده می شود، چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ ﴾[2]. ترجمه: از آب زرد آب، جرعه، جرعه فرو کشد آنرا از گلوفرو برده نمی تواند آنرا ومی آید اورا موت از هرجای ونه بود او مرده.

﴿ وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَآءٍ كَٱلْمُهْلِ يَشْوِى ٱلْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ ﴾[3].

---

[1] (المؤمنون ١٠٤)

[2] (إبراهيم ١٦)

[3] (الكهف ٢٩)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: واگر فریاد کنند بداد ایشان رسیده نشود بنوشانیدن آب مانند مس گداخته و بریان کند چهره هارا آن بد آشامیدنی است و دوزخ بد آرامگاهی است.

غذاء دوزخیان: باخبر باش! خوراک دوزخیان زقوم می باشد. الله ﷻ فرماید:﴿ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ ٱلْهِيمِ ﴿٥٥﴾ ﴾[1].

ترجمه: باز هر آئینه شما ای گمراهان دروغ شمارندگان خواهید خورد از درختان زقوم، پس پرخواهید کرد از آن شکم هارا، پس خواهید آشامید بر آن طعام از آب گرم، پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی.

الله ﷻ درسوره صافات فرموده است:﴿ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِىٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَـَٔاكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ ﴾[2].

ترجمه: هرآئینه وی درختی است که بر می آید در قعر دوزخ، خوشه آن مانند سرهای شیاطین است، پس هر آئینه دوزخیان بخورند ازان درخت پس پر کنند از آن شکم هارا پس هر آئینه ایشان را طعامی آمیختنی باشد از آب گرم باز هر آئینه بازگشت ایشان بسوی دوزخ بود.

الله فرموده است. ﴿ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ ﴿٥﴾ ﴾[3] الله ﷻ درسوره مزمل، همچنان فرموده است:﴿ إِنَّ لَدَيْنَآ أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ ﴾[4].

ترجمه: در آیند در آتش افروخته شده آبی نوشانیده شود از چشمهٔ نهایت گرم (غاشیه) هر آئینه است نزد ما قیدهای گران و آتش افروخته و طعام گلوگیر و عذاب درد دهنده. (مزمل)

---

[1] (الواقعة ۵۱-۵۵)
[2] (الصافات ۶۴-۶۸)
[3] (الغاشية ۴-۵)
[4] (المزمل ۱۲-۱۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: اگر یک قطره زقوم در دریاهای دنیا خلط گردد برای مردم زندگی کردن سخت وبه عذاب مبدل می گردد وبرای چطور حالش خواهد بود که همین زقوم غذاء شان باشد. از انس رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرموده است الله ﷻ با چیزهای که امر محبت کردن را داده است با آنها محبت کنید واز چیزهای که منع فرموده است از آنها بپرهیزید از عذاب الله ﷻ وجهنم بترسید اگر یک ذره جهنم همرای تان دردنیا می بود این دنیا برای تان مهلک وتباه کن می بود. ازابوالدرداء رضی الله عنه روایت شده ی محمد ﷺ فرموده است به دوزخیان گرسنه گی مسلط می گردد وآنان مطالبهٔ غذا می کنند برای شان بخاطر غذاء (ضریع) تقدیم می شود که بسیار تلخ ونهایت بدبوی می باشد که بخوردن او نه چاق می گردد ونه هم گرسنگی شان مرفوع می شود آنها باز التجاء غذا می کنند به آنها غذا تقدیم می شود که از گلو پائین نمی شود ودر آنجا بند می ماند آنها برای بلع شدن این لقمه نان التجاء آب می کنند به آنها آب جوش داده می شود هنگامیکه به دهن های خود نزدیک کنند به اساس بخارش گوشت روی های شان می افتد زمانیکه این آب به روده های شان برسد روده های شان قطعه قطعه می گرد. آنها به پهره داران جهنم پیشنهاد می کنند که به پروردگار تان دعا کنید که برای یک روز عذاب مایان خفیف و سبک گردد. آنها برایشان می فرمایند: آیابرای تان پیغمبر با دلائل نیامده بود؟ آنها میگویند: بلی آمده بود. فرشته های جهنم برای شان می گویند: خودتان دعاکنید درین زمان دعاء آنها هیچ فائده نمی رساند پس مالک(فرشته) جهنم را طلب می کنند وبرایش می گویند: الله ﷻ مارابکشند که دیگر ازین عذاب خلاص شویم. مالک برای شان می فرماید: برای تان مردن نیست وبرای همیش وانه درینجا می باشید. اعمش رحمه الله فرموده است: از خواست جهنمیان وجواب هزار سال می گذرد باز می گویند: بدون پروردگار کسی دیگر مشفق ومهربان زیاد نیست لهذا درحضور رب العزت عرض می نماید که ای رب! بدبختی بر ما غالب گردیده وما گمراه شدیم حالاً ما را ازین آتش بیرون کنید اگر ماهمان اعمال بد را انجام دادیم ما ظالم هستیم به آنها جواب داده می شود دورشوید درهمین سکونت کنید وساکت باشید. محمد ﷺ فرموده است درین وقت آنها ندامت خیلی شدید می کنند آواز هلاکت می نمایند وازهر نوع نیکی واحسان نا امید می شوند. از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ درتشریح این آیت الهی ﴿ مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ

(c) ketabton.com: The Digital Library

وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ [1] که است می فرماید: زمانیکه به آنها آب آورده شود از آن نفرت می کنند وزمانیکه به دهنها نزدیک می کنند روی های شان می سوزاند وپوست سرش همرای موی او زیر می افتد هنگامیکه او را بنوشد رودهای شان قطعه قطعه می گردد ومی بر آید. الله ﷻ می فرماید:

﴿وَسُقُوا مَآءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَآءَهُمْ [2]﴾

ترجمه: ونوشانیده شوند آب گرم، پس پاره پاره ساخت روده های ایشان را.و همچنان می فرماید: درجهنم مار ها وعقارب بردوزخیان چسپیده می باشند و اورا می گزند، محمد ﷺ فرموده است به کدام شخص که الله ﷻ مال بدهد او زکات آن مال ندهد روز قیامت آن مال مانند ماری که سرش از موی خالی باش می آید که به سرش دو داغ سیا هم می باشد درگردنش می چسپید او دردهن خود می گیرد وبرای مالدار می گوید: من خزانه مال تو هستم بعداً پیامبر ﷺ این آیت شریف راتلاوت نمود که:﴿ وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ هُوَ خَيْرًا لَّهُم ۖ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا۟ بِهِۦ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ [3]﴾.

ترجمه: و باید که گمان نکنند آنان که بخل می کنند به آنچه عطاء کرده است الله ایشان را از فضل خود این بخل را بهتر برای خویش بلکه او بد است برای ایشان، نزدیک است که بر شکل طوق پوشانیده شود ایشان آنچه بخل کرده اند به آن روز قیامت و خدا را است میراث اهل آسمانها و زمین و الله به آنچه می کند دانا است.

حدیث شریف است که در دوزخ مانند شترهای بختی ماران باشند وقتی آنها نفس می کشند حرارت آنها به مسافه چهل سال دور محسوس می گردد. آنها عقارب خوفناک می باشد به اشخاصی مسلط می باشند که در دنیا بخل وبد اخلاق کرده باشند وباعث اذیت مردم قرار گرفته باشند. درجهنم اجسام دوزخیان خیلی خشین سخیف عریض وطویل می باشند الله ﷻ اجسام آنان زیاد تر بزرگ می سازد تا درد والم زیادتر متحمل شوند. از ابوهریره ﷺ روایت شده که محمد ﷺ فرموده است درجهنم یک کافر مانند کوه بزرگ احد می باشد وضخامت پوستهای آنان باسفر یک روز برابر می باشد لب پائین آنان تابه سینه اپشان می رسد ولب

---

[1] (ابراهیم ۱۶-۱۷)
[2] (محمد ۱۵)
[3] (آل عمران ۱۸۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

بالای او به اندازهٔ بالا رفته که تمام روی آنان پوشیده می گردد کافر درجهنم زبان خود را کش می کند ومردم بالای زبانش پامی گذارند وزیر پا می کنند آتش پوست اورامی سوزاند وچند مرتبه پوست او تبدیل می شود، حسن رضی الله عنه درمورد ارشاد الله ﷻ که می فرماید: ﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾[1]

ترجمه: هرگاه که پخته گردد پوست های ایشان بعوض پیدا کنم برای ایشان پوست های دیگر غیر از آن ما بچشند عذاب را هر آنینه الله هست غالب استوار کار.

چنین توضیح می دهد، آتش اجسام شان دریک روز هفتاد هزار مرتبه می سوزاند. حدیث مبارک است که: روز قیامت جهنم درهفتاد هزار رسمان بسته شده آورده می شود وبا هر رسمان هفتاد هزار فرشته همراه می باشند از انس رضی الله عنه روایت شده که محمد ﷺ فرموده است جهنمیان به اندازه گریان زیاد می کنند زمانیکه اشک شان ختم گردد از چشمان شان خون جاری می گردد تاکه در روی آنان دره های ساخته شود اگر درآن کشتی باشد روان خواهد شد به آنها اجازه گریان فغان ومرگ می باشد به این امر دلهای شان مبتلامی گردد که بعداً از آن منع می گردند، التجاء دوزخیان مسترد می گردند، از محمد بن کعب رحمه الله روایت است که الله ﷻ از پنج سوال جهنمیان به چهار آن جواب می دهد ولی بعد از جواب دادن پرسش پنجم آنان هیچگاه با آنها گفتگونمی کند، چنانچه الله ﷻ نقل قول آنها طوری ذکر می کند: ﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ۝﴾[2].

ترجمه: گویند ای پروردگار ما میراندی مارا دو بار زنده گردانیدی مارا دو بار پس اعتراف کردیم به گناهان خود پس آیا سوی بیرون رفتن راهی است.

الله ﷻ می گویند: ﴿ذَٰلِكُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِن يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا ۚ فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۝﴾[3].

ترجمه: این عذاب سبب آن است که چون یاد کرده می شود الله تنها انکار می کردید و اگر شریک با مقرر کرده می شد باور میداشتید پس فرمان الله بلند قدر و بزرگوار راهست.

---

[1] (النساء ۰۵۶)
[2] (غافر ۰۱۱)
[3] (غافر ۰۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باز آنها می گویند:﴿ رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا [1]﴾ . الله متعال بر آنها جواب می فرماید:﴿ أَوَلَمۡ تَكُونُوٓاْ أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ﴿٤٤﴾ [2]﴾ باز آنها می گویند:﴿ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ [3]﴾ ترجمه: ..... الله ﷻ بر آنها درپاسخ می فرماید:﴿ أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ [4]﴾ ترجمه: .... باز جهنمیان می گویند:﴿ قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ﴿١٠٧﴾ [5]﴾ ترجمه: الله ﷻ بر آنها درجواب می فرماید:﴿ ٱخۡسَـُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ [6]﴾ .

ترجمه: واین برای آنان عذاب بزرگ می باشد پس ازین با الله ﷻ هیچگاه گفتگو نخواهد شد.

از مالک بن انس ﷺ روایت شده که الله ﷻ درمورد فرمان الهی ﴿ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ ﴿٢١﴾ [7]﴾ . ترجمه: ...

می گوید: آنها صد سال صبر می کنند وباز صدسال دیگر آه و فریاد می کند وبعد از صد سال صبر کردن می گویند: (سواء علینا اجزعنا ام صبرنا). ترجمه: ... حدیث شریف است که روز قیامت مرگ مانند گوسفند چاق فربه آورده می شود ودربین جنت و جهنم ذبح ر گردد پس از ذبح کردن مرگ به جنتیان گفته می شود: الآن درجنت بدون ترس وخوف مرگ برای ابد و همیش زندگی نمائید وهمچنان به دوزخیان گفته: حالاً به شمامرگ نمی آید وبرای همیش درجهنم زندگی کنید. حسن ﷺ می فرمود: شخصی یک هزار سال بعد از جهنم خارج می شود کاش او حسن می باشد. شخصی حضرت حسن درجای گوشه درحالت گریان کردن دید ازو پرسید چرا گریان دارید؟ او درپاسخ گفت: ازاین ترس می کنم که الله بی نیاز درجهنم نیندازد. عذابها وتکلیف های جهنم خیلی زیاد است وازهمه عذاب بد وناگوار این است که از

---

[1] (السجدة ۱۲)
[2] (ابراهیم ٤٤)
[3] (فاطر ۳۷)
[4] (الفاطر ۳۷)
[5] (المؤمنون ۱۰٦-۱۰۸)
[6] (المؤمنون ۱۰۸)
[7] (ابراهیم ۲۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نعمت های جنت، رضای پروردگار و دیدار او محروم شوم، زیراکه آنها در دنیا پول ناچل را خوش نمودند وپیروی خواهشات نفسانی را اختیار نمودند وبه ارتکاب این عمل ناشائسته ندامت خواهند کرد وخواهند گفتند:

ای افسوس: مادرنافرمانی پروردگار خود را ضایع ونابود کرده ایم مابه زندگی تعین شده چرا نفس خود را اماده صبر کردن نتوانستیم، اگر ما در دنیا به احکامات پروردگار عمل می کردیم، وخواهشات خودرا زیر می گذاشتیم درجوار رحمت رب العالمین مقام حاصل می نمودیم اگر آنها نظاره ومشاهده جنت را نمی کردند پس اینقدر غم وافسوس نمی نمودند، آنها اولاً جنت اشکار می گردد، چنانچه درحدیث آمده است که: روز قیامت مردم به جنت نزدیک می گردد خوشبوئی جنت را محسوس می کند محلات جنت را مشاهده می کنند، پس به حکم پروردگار از جنت دور می گردند وبرای شان گفته می شود که: برای شما درجنت مکانی نیست آنها به بسیار غم وحسرت حرکت می کنند ومی گویند: ای رب اگر به مابان جنت را اشکار نمی کردی ومستقیماً مارا به جهنم ارسال می کردی انقدر پریشان نمی شدیم. الله ﷻ برایشان می فرماید: این کار را باشما از این سبب کردم هنگامیکه به طرف من دعوت می شدید به بسیار کبر می آمدید واز ریاکار می گرفتید از مردم خوف می کردید و از من مردم را بزرگ می دیدید بخاطر منافع شخصی خود با مردم قطع علائق می کردید ولی بخاطر رضای من با هیچ کس قطع علاقه نمی کردید امروز شما را بخاطر نعمت های دائمی برای همیش وابد محروم می سازم وبرای شما عذاب سخت وشدید می دهم.

احمد بن حرب رحمه الله فرموده است: ما درمقابل گرمی سایه را ترجیح می دهیم ولی درمقابل دوزخ جنت را ترجیح نمی دهیم.

ارشاد عیسی علیه السلام است که: بسیار اصحاب بدنهای سالم، وچهره های زیبا وزبان های شیرین در جهنم اه وفغان می کنند.

التجاء داوود علیه السلام دربارگاه خداوند ﷻ: داؤد علیه السلام دربارگاه الله ﷻ عرض کرد وفرمود: ای الله ﷻ اگر بر حرارت آفتاب صبر کرده نمی توانم درآتش جهنم چطور صبر توانم کرد؟ که حوصله شنیدن آواز رحمت تو را ندارم آواز عذاب تورا چطور خواهم شنید. ای انسان ضعیف! درمورد این عذابهای بزرگ ودردناک غور وفکر کنید وبه این خود را بفهمانید که الله ﷻ اتش سوزندهٔ را ا فریده است ومردم درآن به آن همیش باقی ماند اشخاص که بیکار وکافر هستند ونافرمانی پروردگار را می کنند برای تو همیش این کار تعجب آور است که به این می دانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

که به روز قیامت برای انسان گناهگار عذابهای سخت وشدیدی است باز هم درلهو ولعب مصروف می باشید اگر می خواهید که برای تان انجام عذابهای مردم آزادی وکارتان معلوم باشد انجا علائمی است به آن نظر کن وباز امیدهای خود را قائم نگهداری کن.

اول به اعمال و افعال خود نظر بینداز اگر شما درکارهای مصروف شده باشید که الله ﷻ برای آنها خلق نموده باشد وشما با نیکی محبت دارید بدانید که از جهنم دور هستید اگر اراده نیکی داشته باشید ولی در مقابل او موانع ایجاد گردد وزمانیکه اراده بدی راکنید راه برایت اسان می گردد وبه اسانی وسهولت این کار غلط وناروا را انجام می دهید بدانید که جهنمی هستید چنانچه باران به نباتات ودود به آتش دلالت می کند همچنان این اعمال بد تو به انجام بد تو دلالت می کند. الله ﷻ می فرمائید: ﴿إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ﴿١٤﴾﴾[1].

ترجمه: بی شک نیکوکاران دربهشت است وبیشک بدکاران در دوزخ.

آیاتهای متذکره را نصب العین خود قرار داده ومسکن خود را دردنیا وآخرت شناسانی خواهید کرد.

---

[1] (الانفطار ۱۳-۱٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهلم

دربیان فضیلت اطاعت

مطلب اطاعت الهی این است که کارهای نیکورا انجام داده ودرقران کریم درآیاتهای متعددی مردم رابه نیک کردن تشویق وترغیب نموده وبرای حاصل شدن این هدف انبیاء علیهم السلام رافرستاده است تامردم را از گمراهی خارج نموده وبراه راست ومستقیم ومعرفت خداوندی بر آورند از آن جنت باید مستفید گردد که الله جل جلاله برایشان تهیه نموده است. الله جل جلاله مردم را بیهوده خلق نه نموده بلکه برای این آفریده است که به مردم بد سزاوجزای بدی او رابدهد وبرای نیکو کاران پاداش نیکی را اعطاء نماید وجزاء نیکی را بدهد. الله جل جلاله از عبادت بی نیاز است بدی واعمال زشت مردم برای خداوند جل جلاله نقص و زیان رسانیده نمی توانند ونه درکمال خداوند جل جلاله کدام صدمه وارد کرده نمی تواند اگر مخلوق عبادت الله جل جلاله رانکنند احتیاجی برآنها ندارد. فرشته های پروردگار صبح وشام درستایش مهر خداوند جل جلاله مشغول هستند وهیچگاه خسته وناراحت نمی گردند کسیکه نیکی کرد برای خودش ا ت وکسیکه گناه کرد ازار او به دوش خودش هست الله جل جلاله غنی وبی نیاز است وشما فقیر ومحتاج هستید چنانچه الله جل جلاله این امورات را درآیت ذیل توضیح نموده:﴿ لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَـٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ بِٱلْحُسْنَى ﴿٣١﴾ ﴾[1].

ترجمه: تاجزا دهد آنانرا که بدی کردند قرار عمل شان وجزا دهد آنانرا که نیکوی کردند بپاداش نیک (جنت).

﴿ فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ ﴿٣٨﴾ ﴾[2].

ترجمه: پس اگر تکبر کنند چه باک پس آنانکه نزد پروردگار تواند تسبیح می گویند اورا شب و روز وایشان مانده نمی شوند.

﴿ مَّنْ عَمِلَ صَـٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ ﴾[3].

---

[1] (النجم ۳۱)

[2] (فصلت ۳۸)

[3] (فصلت ٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: هر که بکند کار نیک پس برای (نفع) خود اوست وهر که بدی کند پس وبال او بروی است.

وهمچنان فرموده است: ﴿ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ ﴾[1].

ترجمه: خداوند غنی وشما فقیر هستید.

تعجب در این است زمانیکه مایان غلام می خریم این کار را خوش داریم که باید خدمت مارا بکنند وسخن مایان را بپذیرند اطاعت مایان را بکنند درحالیکه مایان آنرا به قیمت خیلی ها کم خریده با شیم اگر غلام کدام کار بد را بکنند مایان اورا بخود دشمن اعلان می نمائیم ومورد قهر وغضب آنرا قرار می دهیم. اورا غذا نمی دهیم ویا آن را می فروشیم درحالیکه مایان اطاعت مالک حقیقی خود را نمی کنیم که مارا به چهرهٔ خوب آفریده است ومایان مانند قطره های باران گناه ها را انجام می دهم مگر او خداوند متعال بالای مایان هم نعمت های خود را نازل می سازد اگر رحمت خداوند ﷻ نباشد یک قدم را بلند کرده نمی توانیم اگر او بخواهد بخاطر یک گناه هم مایان را محاسبه کرده می تواند مگر او ﷻ مایان راوخت داده است تا مایان توبه کنیم و او توبه مایان راقبول می کند گناهان مارا عفوه وعیوب ما را دورمی کند هر شخص عاقل و دانا خوب می فهمد که لایق اطاعت وفرمانبرداری کی هست؟ اوبه طرف همان ذات بزرگ وعظیم متوجه می گردد ودر دامن رحمت او پناه می گیرد زمانیکه مرتکب گناه می گردد بسو، خالق خود رجوع می نماید واز رحمت او مایوس ونا امید نمی گردد وفکر نعمت های پرو ردگار را بجا آورده تادر دوستان الله ﷻ محسوب گردد وقتیکه به او مرگ آید مشتاق دیدار الهی می باشد والله ﷻ دیدار خود را به او اشکار می کند.

رحمت او پناه می گیرد. زمانیکه مرتکب گناه می گردد بسوی خالق خود رجوع می نماید واز رحمت او مایوس ونا امید نمی شود وشکر نعمتهای پروردگار را بجا آورده تا درجمله دوستان الله ﷻ محسوب گردد وقتیکه به او مرگ آید مشتاق دیدار الهی می باشد الله ﷻ به او دیدارخود را آشکار می سازد وباری ابوالدرداء ﷺ به کعب ﷺ فرمود: برایم آیت خاصی تلاوت کن او این آیت راتلاوت نمود: رب می فرماید: مردم نیک وصالح رغبت دیدارم دارند ومن از آنها زیادتر آرزو دارم کعب ﷺ فرمود: درحاشیه این آیت نوشته بود: کسیکه من را جستجو کرد

---

[1] (محمد ۳۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مارا پیدا خواهد کرد. وکسیکه دیگران راجستجو کرد از دیدارم محروم خواهد گشت.
ابوالدرداء رضی الله عنه فرمود: به الله ﷻ سوگند می خورم که من هم از محمد ﷺ همچنان شنیده ام.

وحی الله ﷻ به داؤد علیه السلام الله ﷻ به داؤد علیه السلام وحی فرستاد وفرمود: ای داؤد: پیامم رابه همه ساکنین دنیا برسانید وبرایشان بگوئید: من دوستی کسی هستم که مرا دوست بدارد کسیکه به مجلس من می آید او هم مجلس من است. کسیکه باز کرم محبت دارد من با او محبت دارم وباکسی می کنم با من دوستی دارد وباگسی دوستی می کنم که مرا دوست خود تلقی کند وکسی راخوش می سازم که فرمانبردار من باشد. سخن کسی رامی شنوم که از صمیم قلب بامن محبت دارد اوراخوش دارم وبی مثال با او محبت می کنم. کسیکه حقیقتاً مرا طلب نمود مرا پیدا کرد وکسیکه بغیر از من کسی دیگر را طلب کرد او ازمن محروم گشت. ای مردم دنیا تاچه وقت درفریب دنیا مبتلا هستند بکرامت دوستی و مجلسم بیاید و بامن محبت کنید شما از محبتم مالا مال خواهید شد زیراکه ضمیر دوستانم از ضمیر ابراهیم علیه السلام موسی علیه السلام ومحمد ﷺ ساخته ام ارواح آنان را از نور خود ونعمتهای آنان را ازجمال خود خلق نموده ام. از شخص صالح ونیک روایت شده که الله رب العزت به یکی از دوستانش الهام کرد وبرایش فرمود: آیا دربندگانم بنده هم است که مرا دوست ومحبوب خود می شمارد وما آنها را دوستان خود می شمارم آنها شوق دیدار من دارد ومن شوق دیدار آنها ذکر من می کنند ومن آنها را یاد می کنم آنها بسوی من نگاه می کنند ومن آنان را به نظر رحمت می بینم اگر شما به نقش قدم آنها بروید من همرایتان محبت خواهم کرد واگر از مسیر آنها مخالفت ورزیدی با تو دشمنی خواهم کرد. او پرسید: یا الله ﷻ علایم ونشانه های آنها چیست؟ الله ﷻ فرمود آنها در روز تفکر وتاملی می کنند مانند چوپان درمورد گوسفندان خود فکر می کند وبه غروب آفتاب عجله دارند چنانچه پرندگان بعد از غروب به آشیانه های شان شوق وعجله دارند. زمانیکه شب اید شتاب وتاریکی منتشر شود فرشتها هموار گردد تخت برای خوابیدن مانده شود بسیاری از مردم خواب می شوند وبرخی دیگر آنها درمیان خود با صحبت کردن مشغول می شوند ولی آنها بخاطرم ایستاد می شوند وبرایم، سجده می کنند همراه من گفتگو می کنند ارزوهای انعاماتم دارند همه شب گریان وفریاد می کنند، رحمتم را آرزو دارند وازعذاب من ترس وهراس می کنند، قیام، قعود، وسجده می کنند به ذات خود قسم که بخاطرم چیزی راتحمل نمی کنند آنها شکوه ومحبت من نمی کنند. بار اول به آنها سه چیز را عطاء می کنم:

۱) دردلهای آنها نور می اندازم که بوسیله آن خبرم می گیرند احوال شان می گیرم.

۲) اگر درترازوی اعمال شان آسمان ها وزمین نهاده شود باز هم اعمال نیکو آنان سنگین وثقیل خواهد بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳) من آنها رابه نظر رحمت می بینم.

اوصاف اشخاصیکه با الله ﷻ محبت دارند:

الله ﷻ به داؤد علیه السلام وحی فرستاد که: ای داؤد! جنت را یاد می کنید ولی باکسانیکه همرای من محبت دارند دعای شمولیت نمی کنید. داؤد علیه السلام عرض کرد وفرمود: یا الله ﷻ محبت کنندگان شما کیست؟ الله ﷻ فرمود: محبت کنندگان من کسانی هستند که دلهای شان از هر نوع کدورت ونجاست پاک هست آنها را از منهیات آگاه ساخته ایم آنها از گوشه دلهای شان مرا نظر می کند ودرامید رحمت من هستند قلوب شان رابه دست خود درآسمانها می گذارم وفرشته های مقرب خود را طلب می کنم وهمه آنها مرا سجده می کنند وبرای شان می گویم که برای سجده شما را نخواسته ام بلکه بخاطر دیدار قلب های عاشقان خود خواسته ام این مردم قابل فخر است دلهای شان درآسمانها طوری می درخشند مثل آفتاب که برکره زمین می درخشد.

ای داؤد: من دلهای محبین خویش را از رضای خود وعیش آنانرا از نور آفریده ام وآنها را دوستان خود گرفته ام وجود آنها در دنیا مرجع نظر رحتم هست و درقلب های شان راه ساخته ایم که بوسیله او ملاقات مارا می کنند. داؤد علیه السلام عرض کرد وفرمود: یا الله ﷻ برایم عاشقان خود رانشانی کن که با آنها ملاقات کنم الله ﷻ برایش فرمود: به کوه لبنان بروید درآنجا چهارده تن از دوستانم زندگی می کند که درمیان شان جوانان وموسفیدان هستند برای شان سلام من برسانید وبگونید که: شما دوستان ومحبان پرودگار هستید والله ﷻ به خوشحالی تان مسرور می شود اوﷻ می فرماید: شما چرا حاجت خود را از من نمی خواهید. داؤد علیه السلام بخاطر ملاقات شان حرکت کرد وآنها را درپهلوی چشمهٔ دریافتند که مشغول تأمل وتفکر درعظمت وجلال الله متعال بودند. زمانیکه آنها داؤد علیه السلام رادیدند یکطرف دیگر طرف خود را پنهان کردند داؤد علیه السلام فرمود: من فرستاده پروردگار هستم وبسوی شما فرستاده شده ام آنها نظرهای خود را طرف زمین کردند وبرای شنیدن فرمان او اماده شدند داؤد علیه السلام برای شان گفت: من از طرف پروردگار برایتان فرستاده شده ام الله ﷻ برشما سلام گفته وفرموده است که چرا از من پوره کردن حاجت تان را طلب نمی کنید ورفع حوانج تان را خواستار نیستید تا دعاء شما را قبول کنم شما دوست ومحبوب من هستید به خوشحالی شما خوش می شوم محبت تانرا خیلی دوست دارم هر وقت شما رابه نظرشفقت ومهربانی می نگرم. زمانیکه آنها فرمان پروردگار راشنیدند از چشمان شان اشک جاری شد کلان آنها صدا زد وگفت: یارب ما غلامان تان هستیم و اولاد غلامان تان هستم درلحظاتی اعمار گذشته مایان کرد درغفلت از

(c) ketabton.com: The Digital Library

ذکر تان گذشت عفو وبخشش می خواهیم. دوم شان گفت: مایان غلامان تان هستیم واولاد غلامان تان هستیم برایت پاکی وقداست هست کدام معاملاتی دربین ماو شما هست درآن ما را به نظر رحمت نگاه کن. سوم شان گفت: ای الله تو پاک هستی. ای الله تو پاک هستی ما غلام تو واولاد غلامان هستیم ومارابه دعا کردن ترغیب داده اید وبالای ما احسان کامل کن تا برای همیشه بر راه راست روان باشیم. محب دیگری گفت: یا الهی مایان رضای کامل تانرا نمی یابیم بر ما رحم کن. مارا نصرت کن تارضای کامل تانرا دریابیم. محب دیگری گفت: یا الله ﷻ ما را از نطفه خلق نموده اید ودرمورد ذات مقدس تو خزانهٔ تفکر وتأمل داده اید یا الله ﷻ مارا ترغیب سخن گفتن را داده اید که درفهم و دانسته گی عظمت شان تو مشغول هستیم و درجلال تان غور وفکر می کنم مایان از تو خواست وسوال قرب نور تانرا می کنیم. محب دیگری گفت: یا الله ﷻ مارا توفیق ذکر کردن تانرا داده اید مارادر رحمت خود مشغول ساخته اید وازتمامی دنیا مارابی نیاز ساخته اید وتقصیر شکر کردن کما حقه شما را مورد عفو خود قرار بدهید. دیگری گفت: یا الله ﷻ شما می دانید که بدون دیدارت تمنای دیگری نیست دیگری از آنها گفت: مالک غلام راحکم خواست کردن می کند ولی غلام جرئت خواست کردن راندارد پس مارا نور اعطاء کن تا از تاریکی های آسمان بیرون شویم وراه هدایت را دریابیم دوست دیگری گفت: ای الله ﷻ: مارا همیشه برین عبادت قائم بسازید. دیگری گفت: ای الله ﷻ برایم ضرورت چیزی دیگری بدون از جمال تو نیست پس جمالت دوست را برایم آشکارا بسازید. محب دیگری گفت: ای الله ﷻ من رفعت وقداست ترا شناختم ومحبت تو که با دوستان ومحبان تان دارید هم شناخته ایم و احسان دیگری هم بالای مایان بکنید که در دلهای مابدون شما خیال کسی دیگری باقی نماند.

پس از الله ﷻ به داؤد علیه السلام وحی فرمود که: ای داؤد: آنها را بگوئید که هم سخنان تانرا شنیدم وآنرا پذیرفتم از یکدیگر جداشوید وبرای دیدارم امادگی بگیرید پرده هاکه درمیان ما و شما وجود دارد وآنرا بلند خواهم کرد تانور وجلالم ببینند. الله ﷻ به داؤد علیه السلام فرمود: به محبان و دوستانم بگوئید: برای شما درآن روزی که در سر و روی مردمم پرده بیندازیم هیچ محرومیت نخواهد بود.

وشما بر چشمان قلب دیدارم می کنید وبر شما هیچ مشکلی نخواهد بود.

محبت الله ﷻ همراه با محبت دنیا درقلب واحد جمع نمی گردد. دراخبار داود علیه السلام نوشته شده است که: الله ﷻ به دواؤد علیه السلام وحی فرستاد که: اگر دعوای محبت ما را می کنید از قلب های تان محبت دنیا را دور نمائید زیراکه محبت من و دنیا امکان یکجا شدن راندارد. ای داؤد! با دنیا محبت داشته باشید ولی محبت صرف با من کنید پیروی دین من کن وپیروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مردم ننمائید چیزیکه مناسب و درآن محبت من آشکار گردد آنرا حاصل نمائید درچیزیکه با مشکلات مواجه شدی بسوی من رجوع کن، مشکلات وتکالیف را اصلاً من مرفوع می سازم، رهبر و قائد تان می شوم قبل از خواست تان حاجت تانرا پوره می سازم وآنرا بر آورده می کنم درمصائب ومشکلات نصرت وکمک می کنم. من بذات خود قسم می خورم که آن سوال وعرض بنده رامی پذیرم که به عجز و نیاز بخواهد وبه این معترف باشد که از من بخواهد ترس وخوف اورا دور می سازم درقلب او غنی وبی نیازی از مردم رامی گذارم زیراکه من بذات خود قسم خورده ام که بنده از دنیا قطع تعلق وارتباط نماید وصرف برمن اعتماد و توکل کند بر وی هر نعمت دنیا میسر می سازم ودراعمالش تضاد ومخالفت خلق نمی کنیم، از مردم بی نیاز باشید هیچ یکی از رفقاء و دوستان شما مشکلات تانرا حل کرده نمی تواند صّرف بر ما اعتماد کنید وبسوی من توجه نمائید، معرفت، عنایت وعطاء ام حدی ندارد واورلا محدود پندارید به بنی اسرائیل بگو دربین من ومخلوق هیچ ارتباط خویشاوندی وجود ندارد وبه آنها بشارت جنت را بدهید که هیچ کس به چشم ندیده ونه هم کسی درمورد او بر گوشها خود چیزی شنیده است ونه هم در دل شخص دربارهٔ او چیزی آمده است هر وقت من را حاضر بشمارید من را به چشم سرنه بلکه به چشم قلب نظر کنید من به عزت وجلال خود قسم خوردم کسیکه قصداً در اداء عبادتم تاخیر کند اورا از ثواب محروم می کنم ادب واحترام استاد ومعلم را کنید وبر پیروان خود ظلم میکنید ای داؤد! هیچ پیروی از نشهٔ خود آگاه نسازید و درمحبت من غرق بگذارید ترادر جملهٔ تلاش کننده گان محسوب می کنم وکسیکه را درآن لست بنویسم او ازمخلوقات هیچ نوع ترس نمی کند.

ای داؤد! بر سخن من تأمل کنید وبر او عمل محکم کنید وبرای خودکارهای خوب انجام دهید با دنیا محبت مکن مبادا محبت تو با من ختم گردد، بندگانم از رحمت من مأیوس ونا أمید مشوید بخاطر من خواهشات راختم نمائید زیراکه من خواهشات را ضعیف آفریده ام مردم قوی پروای شهوات را ندارد درباگا هم شهوات شیرین ولذت مناجات را از میان می برد برای شخص قوی عذابها را می دهم طوریکه اوبه لذت دیدارم نزدیک می گردد درمقابلش پرده می اندازم و او محرم می گردد.

ای داؤد! دربین من وخویش مخلوق را حائل مساز مبادا که نشست آنها ترا از محبتم دور کند این مخلوق برای اشخاصیکه با من محبت دارند مانند دروازه داران اند برای همیش با روزه باش زیراکه بوسیلهٔ روزه از تاثیر شهوات نجات می یابید به روزه تدام کن زیراکه من روزه گیران را دوست دارم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و یکم

دربیان شکر

الله ﷻ درقرآنکریم همراه ذکر شکر راهم آورده است چنانچه الله ﷻ می فرمائید: ﴿ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ﴾[1].

ترجمه: وهرآئینه یادکردن الله ﷻ از همه بزرگتر است. ودرجای دیگر می فرمائید: ﴿ وَسَنَجْزِى ٱلشَّٰكِرِينَ ﴾[2].

ترجمه: و زود جزا می دهد الله ﷻ شکر گذاران را.

الله ﷻ درمورد بیان قصهٔ شیطان مردود فرموده است: که شیطان به الله ﷻ گفت: ﴿ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ ٱلْمُسْتَقِيمَ ﴾[3]

ترجمه: البته بنشنیم برای ادمیان براه راست تو.

بعض از علماء گفته اند که هدف از راه راست دراین آیت راه شکر کردن است. شیطان درمورد طعنه گفتن برای مخلوق الله ﷻ گفته بود: ﴿ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ ﴾[4].

ترجمه:... ونمی یابی اکثر ایشان راشکر گذار.

ودر آیه دیگر الله ﷻ می فرمائید: ﴿ وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِىَ ٱلشَّكُورُ ﴾[5]. ترجمه:....

واندک اند از بندگان من احسان پذیرند(شکر گذار).

الله ﷻ در بارهٔ زیاد شدن نعمت ها خویش به وسیلهٔ شکر کردن چنین ارشاد فرموده است که: ﴿ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ﴾[6]. ترجمه:...

اگر شکر کنید زیاده دهم شمارا.

---

[1] (العنکبوت ۰٤٥)

[2] (آل عمران ۱٤٥)

[3] (الأعراف ۰۱٦)

[4] (الأعراف ۰۱۷)

[5] (سبأ ۰۱۳)

[6] (إبراهيم ۰۰۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

دراین آیت شریف الله ﷻ هیچ چیزی را استثناء نکرده است وپنج چیزی دیگری است که پروردگار درآن استثناء آورده است که قرار ذیل میباشد.

۱)توانائی. ۲) قبولیت. ۳) بخشش رزق. ۴) توبه.

چنانچه الله ﷻ می فرمائید: ﴿ فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦٓ [1] ﴾. ترجمه: پس بزودی غنی سازد شما را الله ﷻ بفضل خود.

همچنان درآیت دیگری فرموده است که: ﴿ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ [2] ﴾. ترجمه: اگر الله ﷻ بخواهد آروزهای تان را برآورده می سازد.

درآیه دیگری فرموده است: ﴿ وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ [3] ﴾. ترجمه: والله ﷻ روزی می دهد کسی را که خواهد بی شمار.

الله ﷻ فرموده است: ﴿ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ [4] ﴾. ترجمه: ومی آمرزد ماسوای شرک هر که را که بخواهد.

و درآیه دیگری فرموده است:﴿ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ [5] ﴾. ترجمه: وتوبه میدهد (رجوع به مرحمت می کند) الله ﷻ بر هر که خواهد.

شکر یکی از صفات پروردگار است مثلیکه فرموده اند:﴿ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ [6] ﴾. ترجمه: ... وخدا قدردان بردباراست.

الله ﷻ فرموده است: ﴿ وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ [7] ﴾. ترجمه: هنگامیکه جنتیان داخل جنت شوند از همه اولتر شکر وحمد پروردگار را بجامی آورند که به آنها وعدهٔ خود را پوره کرده است.

﴿ وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾ [1] ﴾.

---

[1] (التوبة ۰۲۸)
[2] (الأنعام ۰٤۱)
[3] (البقرة ۲۱۲)
[4] (النساء ۰٤۸)
[5] (التوبة ۰۱۵)
[6] (التغابن ۰۱۷)
[7] (الزمر ۰۷٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: وآخر دعای شان این است که حمد الله ﷻ را است پروردگار عالمها.

درمورد شکر احادیث زیانی منقول هست چنانچه دریک حدیث شریف آمده است: کسیکه طعام را بخورد شکر آنرا اداء نماید مانند روزه دار هست.

شکر کردن محمد ﷺ

عطاءرحمه الله می فرمائید: من درخدمت عایشه رضی الله عنها حاضر شدیم وعوض نمودیم که کدام کار عجیب محمد ﷺ برای مایان بگونید، عایشه رضی الله عنها فرمود: هیچ کدام عبادت محمد ﷺ عجیب نبود بلکه این حکایت را بشنوید: روزی محمد ﷺ تشریف آورد همراهم به بستر استراحت کرد جسم مبارکش با وجودم تماس پیداکرد وفرمود: ای دختر ابوبکر برایم اجازه بده که عبادت پروردگارم بکنم، من عرض کردم! اگر چه قربت شمایان را دوست دارم واو را ترجیح می دهم ولی باز هم برایتان اجازه می دهم که عبادت پروردگار خود را بکنید، او ﷺ بلند شد وبه مشک آب رفت وبه آب کم وضوء کرد به نماز خواندن استاد شد درنماز به اندازه گریان نمود که اشک مبارکش به سینه مبارکش ریخت محمد ﷺ بعد از بلند شدن سجده و رکوع زیاد گریان کرد، تاکه بلال ﷺ آمد وبرای نماز صبح آمادگی می گرفت. من عرض کردم یا رسول الله ﷺ شما از طرف خداوند معاف شده اید پس چرا اینقدر عبادت وگریان می کنید او ﷺ فرمود: آیا بنده شکر گذار پروردگار نشوم؟ درآن وقت از ترس گریان می کردم حالاً درخاطر خوشی و مروت گریان می کنم دل انسان مانند سنگ هست وبا از او هم سخت وشدید شدت قلب درهر دو حالت خوف وشکر به گریان وفریاد ختم می شود نبی کریم ﷺ می فرمائید: که روز قیامت گفته خواهد شد که محمدگویان ایستاد شوند طائفه از مردم ایستاد خواهد شود وبرایشان بیرق ایستاد گردد وهمه شان به جنت می روند پرسیده شد که ای رسول الله ﷺ محمدگویان کیست؟ او ﷺ فرمود: آنانیکه وقت شکر اداء می نماید درالفاظ روایت دیگری آمده است که درمشکل وسهولیت شکر الله ﷻ را اداء می نمایند فرمان نبوی هست که: شکر چادر رب رحمن است الله ﷻ به ایوب ﷺ وحی فرستاد که: من دربدل سخنان طویل ودراز از دوستان خود به واسطه شکر کردن راضی هستم ودرتعریف صابرین فرموده است که خانه شان درجنت هست زمانیکه آنها به جنت می روند به آنان شکر

---

[1] (یونس ۱۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

کردن را تعلیم می دهم زیراکه شکر یک لفظ بهتر است به وسیلهٔ او نعمت ها را زیاد می دارد خویش را تا زمانی برای شان شکار می کنم زمانیکه درمورد جمع کردن اموال وحی الهی نازل گردید از محمدﷺ پرسیده شد که: مایان چطور مال را جمع کنیم محمدﷺ فرمود: لسان ذاکر وقلب شاکر ازاین حدیث شریف هویدا گردید: که مابه عوض مال باید قلب شاکر را انتخاب کنید. ابن مسعودؓ فرموده است که: شکر کردن نصف ایمان هست.

طریقه های اداء نمودن شکر:

شکر به زبان، قلب، واعضای بدن می شود، شکر دل این است که ازاده نیکی کند و درغیاب مردم کارهای نیک را انجام دهد شکر لسان این است که آن کلمات را بخواند که برای شکر کردن مخصوص شده باشد شکر اعضای بدن این است که آنها را در عبادت پروردگار محفوظ نگهدارد ودرکاهای بد وقبیح استخدام نکند شکر چشم این است که عیب مسلمان را بپنید انرا افشاء نسازد شگر گوشها این است که بدی مسلمان را بشنود وبه کسی دیگری بیان نکند شکر این هم است که به تقدیر الهی رضایت خود را اشکار سازد چنانچه محمدﷺ از شخص پرسید چطور هستید؟ او گفت: خوب هستیم. محمدﷺ باز پرسان کرد چطور هستید او گفت: خوب هستیم؟ او ﷺ بار سوم پرسید چطور هستید؟ او گفت: حمد وشکر الله ﷻ را اداء می کنم خوب هستیم بعد از این محمدﷺ فرمود: شنیدن همین کلمه را می خواهم.

طریقه های اداء نمودن شکر نیکان:

طرق اداء شکر سلف الصالحین بود که از دیگران می پرسید چطور هستید؟ هدف شان این بود که مردم در جواب شان شکر خداوند ﷻ را ادا نمایند و همه در جمله شکر کنندگان محسوب کردند درین امر آنها در ریا کاری کدام دخلی نداشتند از شخصیکه در مورد احوالات اش پرسیده شد او در جواب آن از سه چیز یکی را می کند، یا شکر را اداء می کند ویا شکایت می کند، ویا سکوت اختیار می نماید. اداء کردن شکر عبادت است. شکایت کردن گناه است برای هر بندهٔ مسلمان مناسب هست وسزاوار هست که درمقابل بندهٔ دیگر به عوض شکایت صرف دربارگاه رب العزت عذر و زاری می نماید زیراکه از هر نوع مشکلات نجات دهنده همان پروردگار هست وبس. این یک حقیقت واضح هست که درمقابل الله ﷻ ابراز عجز وذلت عزت حقیقی و واقعی هست ولی در مقابل مثل خود انسان گله وشکوه نمودند کار خیلی ذلیل ورسوا اشکار هست. الله ﷻ فرموده است: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ

(c) ketabton.com: The Digital Library

رِزْقًا فَٱبْتَغُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزْقَ وَٱعْبُدُوهُ وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥٓ [1]. ترجمه: هر آئینه آنانی راکه پرسید بجز الله ﷻ نیستند مالک روزی شما (نمی توانند برای شما روزی دادن).

پس طلب کنید از نزد خدا روزی راوپرستش کنید اورا وشکر او بجا آرید.

وهمچنان الله ﷻ فرموده است که: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ [2].

ترجمه: هر آئینه کسانی راکه می خوانید بجز خدا بندگانند مانند شما.

از انواع شکر شک نمودن لسان هم آمده است که به عمربن عبدالعزیز ﷺ هیئتی آمد وجوان در مابین آنان ایستاد شد وخود را برای سخن گفتن آماده ساخت او ﷺ برایش فرمود: عزت سران را کن به کلانها وسران فرصت گفتگو را بدهید تابه من سخن بگویند آن جوان درپاسخ گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر معیار امر موی سفیدی میبود پس از شما مسلمانان دیگری خیلی زیاد بود که عمرهای شان از شما بسیار زیاد است. او ﷺ بعد ازاین سخن فرمود: خوب سخنان خود را آغاز کن او گفت: مابه خاطر گرفتن کدام چیز نیامده ایم زیراکه ازفضل و مرحمت تان چیزی زیادی بدست آورده ایم وهمچنان از خاطر ترس وخوف کدام شخص هم نیامده ایم زیراکه عدل وانصاف تان خوف وترس مایان را ختم کرده است وزندگی مأمون برای مایان اعطاء نموده است وصرف به خاطر این أمر آمده ایم که شکر تان را اداء کرده وعودت نمائیم.

---

[1] العنکبوت ۱۷)

[2] الأعراف ۱۹٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و دوم

دربیان قبح عجب (خود نمائی) وتکبر

الله ﷻ درقرآن کریم درمواضع زیادی بدی تکبر را بیان نموده است وبه هر متکبر خود مروجبار بدگفته وفرموده است: چنانچه الله ﷻ ارشاد فرموده است که: ﴿ سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ [1] ﴾.

ترجمه: باز خواهم داشت از (تأمل) درآیات من کسانی راکه تکبر می کنند درزمین ناحق.

وهمچنان فرموده است: ﴿ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ [2] ﴾.

ترجمه: همچنین مهر می نهد بر هر دل متکبر سرکش.

وهمچنان فرموده است: ﴿ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ [3] ﴾.

ترجمه: هر آئینه او دوست نمی دارد سرکشان را.

وهمچنان فرموده است: ﴿ وَٱسْتَفْتَحُوا۟ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ [4] ﴾. ترجمه: وطلب فتح کردند ونومید ماند هر سرکش ستیزنده.

وهمچنان فرموده است: ﴿ لَقَدِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا [5] ﴾. ترجمه: به تحقیق بزرگ پنداشتند خود را دردلهای خود وسرکشی کردند سرکشی بزرگ.

وهمچنان الله ﷻ فرموده است: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ [6] ﴾. ترجمه: به تحقیق آنانی که تکبر می کنند از عبادت من بزودی درآیند در دوزخ ذلیل شدگان.

در حدیث شریف آمده است: درقلب شخص که به مقدار دانهٔ خوردی کبر موجود باشد به جنت داخل نمی شود وبه همین طور دردل شخص که به اندازه یک دانه خورد ایمان باشد به

---

[1] (الأعراف ١٤٦)
[2] (غافر ٠٣٥)
[3] (النحل ٠٢٣)
[4] (ابراهیم ٠١٥)
[5] (الفرقان ٠٢١)
[6] (غافر ٠٦٠)

(c) ketabton.com: The Digital Library

جهنم داخل نمی شود. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرموده اند: الله ﷻ فرموده است که: کبریا چادرم و عظمت ایزارم هست کسیکه به این دعوی می کند اورا به جهنم می اندازم. وبروانی کسی را ندارم از ابوسلمه بن ابوعبدالرحمن رحمه الله روایت است که: درمیان عبدالله بن عمرو عبدالله عمرو درکوه صفا ملاقات صورت گرفت اندکی بعد از گفتگو عبدالله بن عمرو ازاین جاء حرکت کردن عبدالله بن عمر رضی الله عنه گریان کرد مردم سبب گریان کردن آن را پرسیدند که چرا گریان می کنی او رضی الله عنه فرمود: عبدالله بن عمرو رضی الله عنه گفته: که او از رسول کریم ﷺ شنیده است: کسیکه درقلب به اندازهٔ دانهٔ اسپند تکبر باشد الله ﷻ اورا به جنت داخل نمی کند.

حدیث شریف است که: کسیکه پیروی خود را کند او درلست متکبرین نوشته می شود و درعذاب مبتلاء می گردد روزی سلیمان علیه السلام پرنده گان، انسانان، جن وحیوانات فرمود همراه من حرکت کنید دولک انسان و دولک جنیات همراه وی به تخت نشستند و در هوا به اندازهٔ بلند رفتند که تسبیحات فرشته ها را شنیدند وباز پائین آمدند تا با بحر نزدیک شدند درآن زمان سلیمان علیه السلام آواز را شنید که در دل کدام یکی از اصحاب تان به اندازهٔ ذرهٔ تکبر باشد او را به عمق جهنم می اندازم به مقدار تخت که بلند رفته هست.

عذاب خاص جهنم به سه نوع اشخاص:

نبی کریم ﷺ فرموده است از جهنم گردنی خارج خواهد شد که او دوگوش و دوچشم زبانی هم دارد که توانانی سخن گفتن را دارد او آواز می کند که برسه شخص مقرر شده ام برای شخص سرکش، متکبر، ومشرک ومصورین حدیث شریف هست که: بخیل متکبر وانسان بدخوی به جنت نه میرود. فرمان نبوی است که: جنت وجهنم درمیان خود بحث ومباحثه می کند جهنم گفت: من براه خود مردم سرکش ومتکبر را انتخاب کردم. جنت گفت: به من مردم ضعیف وناتوان وعقب مانده می آیند الله ﷻ به جنت فرمود: تو رحمت من هستی برای هر بندهٔ که بخواهیم به سوی تو اعزامش می کنم وبه جهنم فرمود: تو عذاب من هستی براء هر کسی بخواهم داخل تو ارسال می کنم وهر دوی تان را پر خواهم کرد.

بدترین انسانها:

نبی کریم ﷺ می فرمائید که شخص متکبر، سرکش وکسی که الله قادر مطلق را فراموش کند بدترین انسانها است وآن شخص بسیار بداست که تکبر وخود را از دیگران بلند وعالی می پندارد. الله عظیم وعزیز را فراموش می کند عذاب وقبر را فراموش می کند وآن شخص بسیار است که طغیان وسرکشی کرد وابتداء وانتهاء خود را فراموش کند. از ثابت رضی الله عنه روایت است که: کسی به محمد ﷺ گفت که: فلان شخص بسیار متکبر هست پیامبر ﷺ فرمود: آیا برای او مرگ نیست؟ یعنی او از مرگ نمی ترسد؟ از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که: محمد ﷺ

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرمود: نوح علیه السلام دروقت مرگ فرزندان خود را طلب کرد وبرای شان فرمود: برای شما حکم کردن دوکار را می دهم وازانجا دوکار شمایان را منع می کنم شما را ازتکبر وشرک منع می کنم به گفتن (لا اله الا الله. سبحان الله وبحمده) حکم می کنم زیرا که عمل نامه های زمین واسمانها وهمه چیزهای که درآن هست دریک پله ترازو و در پلهٔ دوم ترازو (لا اله الا الله) مانده شود همین پلهٔ سنگین خواهد شد. اگر آسمان و زمین مانند دائره شود و درآن کلمه طیبه(لا اله الا الله) مانده شود آن دائره شکسته خواهد شد شما را حکم خواندن(لا اله الا الله) و (سبحان الله وبحمده) را می دهم زیراکه این همه تسبیح هست وبه او هر چیز را رزق داده می شود. عیسی علیه السلام فرموده است: به شخص بشارت است که الله علم کتاب خودرا داده باشد وازدنیا درحالت تکبر رحلت نکرده باشد حدیث شریف است که هر سنگ دل وشخص که برای کبر روان باشد مال جمع می کند واز راه الله جل جلاله منع کنندهٔ جهنمی هست وهر ضعیف. مفلس جنتی هست.

حدیث است که: از همه خیلی محبوب کسی است که صاحب اخلاق نیکو باشد وآن شخص بسیار بد است که به مردم خنده می کنند ، خنان بی هوده می گویند ومتفقهین باشند پرسیده شد ومتفقهین کی هست؟ او ﷺ فرمود: آنها متکبرین هستند.

حدیث شریف است که: روز قیامت متکبرین به چهره های مرچه زنده می گردد وازقبرهای شان می خیزند مردم بالای شان قدم ها می گذارد وآنان را زیر قدم های خود می کنند آنها بسیار ذلیل می باشند باز به بندیخانه های جهنم فرستاده می شوند. که نامش بولس می باشند برآنها آتش جهنم آغاز می شود وبرای شان صدید که از وجود جهنمیان روان می باشد به خاطر نوشیدن داده می شود.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرموده است: متکبرین روز قیامت به چهره مورچه ها حرکت می کنند ومردم بالای شان پاهای خودرا می مانند،وآنرا ریزه می کنند. از محمد بن واسع رحمه الله روایت است که: به سوی بلال بن ابی برده رفتم واو راگفتم که پدرت برایم این حدیث شریف محمد ﷺ رابیان نموده است که: درجهنم درهٔ به اسم هبهلب وجود دارد. الله جل جلاله درآن دره متکبرین را داخل می سازند ای بلال متوجه باش که از ساکنین این دره نشوید.

حدیث شریف هست که درجهنم یک محل است که درآنجا همه متکبرین جمعه کرده خواهد شد سپس بالای شان آن محل خواهد افتید.

حدیث شریف است که: کسی در دنیا درحالت رحلت نماید که ازسه چیز بری بوده باشد به جنت داخل می گردد تکبر. قرض، وخیانت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابوبکر صدیق ﷺ فرموده است: هیچ مسلمان باید مسلمان دیگری راحقیر نشمارد زیرا مسلمان خود از نزد پروردگار بسیار معزز است، وهب رحمه الله فرموده است که: الله ﷻ بعد از خلق کردن جنت عن به او نظر کرد وفرمود: تو بر هر منکر حرام هستی. احنف بن قیس ﷺ با مصعب ﷺ تشریف آورد ولی مصعب ﷺ بسیار غمگین وپریشان نشست وفرمود: تعجب است که انسان تکبر می کند درحالیکه از جای قضاء حاجت خارج شده است. حسن رحمه الله فرمود تعجب است که انسان روزانه یک دو مرتبه قضاء حاجت خودرا می شوید وخود را صاف می کند لکن باز هم باالله ﷻ مقابله می کند ودر مورد آیت شریف: ﴿ وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ﴿٢١﴾ ﴾[1] . ترجمه: و درذات های شما نیز (آیا نمی نگرید) بعضی علماء گفته اند که مطلب ازاین شرمگاه (عورت) انسان است. قول محمدبن الحسین بن علی ﷺ است که: در دل انسان به اندازهٔ که تکبر داخل گردد به همان اندازه عقلش راکم می کند کسیکه متکبر زیاد باشد عقل او به عقلش کم می باشد او به تناسبش زیاد می شود.

اگر تکبر کم باشد عقل او تناسبش زیاد می باشد. نعمان بن بشیر ﷺ به سرمنبر فرمود: اگر باشیطان دامها است از او یک دام هم این است که به عطاء پروردگار فخر کرده شود وبر بندگان الله ﷻ تکبر کردن متابعت چیزهایکه او را دوست ندارد. ای الله ﷻ به فضل وکرم خود دردنیا واخرت ما عفو کن وعافیت مارا نصیب گردان امین.

از سلیمان در مورد گناهی که با او نیکی فایده ندارد پرسیده شد او گفت: کبر است. نبی کریم ﷺ فرموده است که: شخص که بخاطر تکبر پاهای خودر به زمین می کشاند الله ﷻ اورا به نظر رحمت نمی نگرد. او ﷺ فرمود: شخص به چادر خود زیاد فخر می کرد وبراو خیلی تکبر زیاد می نمود الله ﷻ او را درزمین داخل کرد وتا قیامت او در زمین داخل میگردد.

روایت است که باری محمد ﷺ درکف های خود گل را گرفت وفرمود: ای انسان! تو عجیب غرور می کنی درحالیکه ترا از قطره آب افریده تاکه کامل گردیدی وتو لباس رانگارنگ می پوشی وبر زمین به تکبر کشت وگذارمی کنی زمانیکه اجازت صدقه کردن را می کنی ولی وقت صدقه کردن راپیدانمی کنی. حدیث نبوی است که: کسیکه خود را بزرگ وکلان می شمارد وبه تکبر حرکت می کند او با الله ﷻ درحالتی ملاقات می کند که بر او قهر وغصه مند است. فرمان نبی کریم ﷺ است که: زمانیکه یکی از امتی یانم به تکبر وغرور بر زمین حرکت می کند ومردم فارس و روم خدمت گار او گردد الله ﷻ بر

---

[1] (الذاریات ۲۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

آنها مردم دیگری را مسلط می سازد. از ابو بکر الهذلی رحمه الله روایت است که مابا حسن رحمه الله نشسته بودیم درین اثناء ابن الهشیم رحمه الله درپیش ما عبور کرد که به خانه خود می رفت حسن رحمه الله اورانگامی کرد وفرمود: افسوس افسوس که شخص به بسیار تکبر وغرور روان می باشد و از اعمال دست خود بی خبر می باشد. ای کم عقل دربغل خود نعمت های را می بینید که شکر آن را اداء نکرده اید ونه هم حقوق پرودگار را اداء نموده اید درهمه اعضاء تو نعمت های الله جل جلاله است وشیطان برای تسلط آوردن همراعضای تو سعی وتلاش می ورزد به الله جل جلاله سوگند می خوردم که طبق فطرت خود حرکت کردن یا اعضای مانند شخص متعب به راه رفتن از حرکت بهتر است. ابن الهشیم که این سخنان راشنید عودت کرد ومعذرت خواست او رحمه الله برایش فرمود: برایم عذر خواهی نکنید بر الله جل جلاله رجوع کنید آیا این حکم پروردگار را نشنیده اید که می فرماید:﴿ وَلَا تَمْشِ فِي ٱلْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ ٱلْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ ٱلْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ ﴾[1].

ترجمه: و مرو در زمین خراسان هرآئینه تو نخواهی شگافت زمین را نرسی به کوهها در درازی مناسب نیست که انسان بجوانی خود فخر فروشی کند.

از جوار حسن رحمه الله شخص می گذشت که لباس خوب پوشیده بود اورا خواست وبرایش فرمود: ای انسان تو بر جوانی خویش می بالی(افتخار می کنی) وبا عادات خود محبت و دوستی می کنی گویا قبر بدنت را پوشانیده واعمال خویش را دیده اید افسوس برایت بدوی علاج قلبت بکنی الله جل جلاله به دلهای انسان خوب ضرورت دارد. روایت است که عمربن عبدالعزیز رحمه الله قبل از رسیدن وی به مسند خلافت صبح اداء نمود. طاووس رحمه الله اورا دید که بسیار به ناز و خرامان حرکت می کند طاووس رحمه الله از انگشت او محکم گرفت وبرایش فرمود: این رفتار شخص شده نمی تواند که درشکم او گندگی افتیده باشد. عمربن عبدالعزیز رحمه الله به لهجهٔ معذرت وعذر خواهی گفت: ای کاکایم: هر عفو بدنم مرا به ا سلوب چنین رفتاری مجبور ساخت واین اسلوب را اموختم. محمد بن واسع رحمه الله فرزند خودرا دید که متکبرانه حرکت می کند اورا خواست وبرایش فرمود: آیا می دانی که تو کسیتی؟ مادرت رابه صد درهم خریده ام وپدرت درمخلوتات پروردگار از همه مرتبه نازل دارد. عبدالله بن عمر رحمه الله شخص را درحالتی دید که: لنگ اورا از درعقب خود کش می کرد. او رحمه الله فرمود: این برادر شیطان است واین سخنی راسه کرت تکرار نمود. روایت است که

---

[1] (الإسراء: ۳۷).

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطرف بن عبدالله من الشخیر رحمه الله مهلب را دید که چپن ابریشمی رابه تن کرده وبه بسیار غرور وتکبر روان است مطرف برایش آواز کرد وفرمود: ای بندهٔ الله ﷻ این نوع رفتار اسلوب کیست که الله ﷻ اورا دوست ندارد ودشمنان محمد ﷺ هستند. مهلب برایش گفت: مرا می شناسید که من کیستم؟ مطرف برایش درپاسخ گفت: مقدار بسیار خوب می شناسم. ابتداء نواز نطفه ناپاک واشتهاء ات گندگی ونجاست درعمر اوسط خوب نجاست راحمل می کنی؟ مهلب که این سخنان راشنید اسلوب کبر و غرور را ترک نمود. درین موضوع شاعران زیاد اشعار دارند که قرار ذیل است:

عجبتُ من مُعْجَبٍ بصورته ... وكان بالأمس نطفةً مَذِرَهْ
وفي غدٍ بعد حُسْنِ هيئته ... يصير في القبر جيفةً قذِرَهْ

ترجمه: کسیکه به خویشتن می بالد حیران هستم زیراکه از تا روز گذشته نطفهٔ ناپاکی بود.

لنا صاحب مُولَع بالخلاف ... كثير الخَطَاء قليل الصواب
أشدُّ لجاجاً من الخنفساء ... و أزهى إذا ما مشى من غراب

ترجمه: دوستی دارم که اختلاف می پسندد اخطاء زیاد وحسنات کم دارم.
او از اختفاء زیاد ضدی هست ودر رفتن از غراب زیاد متکبر ومغرور است.

شاعری دیگری می گوید:

قلتُ للمُعْجَبِ لمّا ... قال: مثلي لا يُراجَعْ
يا قريبَ العهد بالمخ ... رجِ لُمْ لا تتواضَعْ

ترجمه: ای از مرگ فرار کننده ومتکبر! بر تو سلام باشد ما از گل خلف شده ایم.
این زندگی دنیا چند روزه هست وبا فرار رسیدن مرگ به زندگی خاتمه می یابد.

مجاهدرحمه الله ارشاد الله ﷻ که ﴿ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ ﴿٣٣﴾ ﴾[1]. چنین بیان نموده است او به خانه خود با کبر و غرور رفت. یعنی باز برفت بسوی اهل خانه خود تکبر کنان.

---

[1] (القیامة ۳۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و سوم

دربیان تفکر وتأمل در زندگی

الله ﷻ انسان را درمواضع زیادی از قرآن کریم به فکر وتأمل امر کرده است که: ﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ [1] ﴾. ترجمه: به تحقیق درآفرینش آسمانها و زمین واختلاف شب و روز.

عطاء رحمه الله فرموده اند: مطلب از اختلاف نور، ظلمت کمبود وزیادت است به شاعری چه خوش گفته است:

یا راقد اللیل مسروراً بأوله ... إن الحوادث قد تطرقن أسحارا
لاتفرحن بلیل طاب أوله ... فربَّ آخر لیلٍ أجّجَ النارا

ترجمه: ای کسیکه درحصهٔ اول شب خواب هستی احیانا مصائب در وقت صبح هم نازل می گردد.

از پاکی اول شب خوشحال مشو اکثر حصه های آخر شبها جهنم را مشغول می کند.

شاعری دیگری میگوید:

إنّ اللیالی للأنام مناهل ... تُطوی وتُنْشر دُونها الأعمارُ
فقصارهنّ مع الهموم طویلة ... وطِوالهُنّ مع السرور قِصار

ترجمه: بی شک شب ها منازل مردم است به وسیله اعمار مردم خورد وبزرگ میگردد. شب های خودر به اساس غم هار دراز میشود وهم چنان شب های دراز به وسیله غم های خورد می گردد.

اولوالاباب کیست؟ الله ﷻ تعریف اصحاب تأمل وتفکر نموده وفرموده است که: ﴿ ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا [2] ﴾.

---

[1] (البقرة ١٦٤)
[2] (آل عمران ١٩١)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: آنانکه یادمی کنند خدا را ایستاده ونشسته وپر پهلوی خویش خفته وفکر می کنند درپیدایش آسمانها وزمین ومی گویند ای پروردگار ما نیا فریدی این را عبث.

ممانعت از فکر کردند در آن الله ﷻ از ابن عباس ﷺ روایت شده که بعضی مردم در ذات پروردگار فکر کردند محمد ﷺ برایشان فرمود: درمخلوق الله ﷻ فکر کنید ودر ذات الله ﷻ فکر ننماید زیراکه که شما به قدرت بی شمار پروردگار دست یافته نمی توانید(قادر نمی شوید). از محمد ﷺ آمده است که او ﷺ از جوار جمعیتی عبور میکرد که درتفکر و تأمل غرق بودند او ﷺ پرسید چیست! چه سخنی است؟ چرا گفتگو نمی کنید؟ آنها گفتند ما در مورد الله ﷻ فکر میکنم او ﷺ فرمود: این کار خوب است ولی شما از مخلوقات الله ﷻ فکر کنید ودر ذات او ﷻ فکر نکنید بعد فرمود: درعزت زمینی نوری سفید واقع است که خورشید انجا درمدت چهل روز میرسد الله ﷻ درآنجا مخلوق را آفریده که از زمان پیدایش تا هنوز یک لحظه هم نافرمان پروردگار را نکرده است مردم پرسیدند یا رسول الله آیا آنجا شیطان نرفته است؟ او ﷺ فرمود: به او علم خلقت شیطان نیست. پرسیده شد که آیا آنها اولاد ادم ﷺ نیستند؟ او ﷺ فرمود: آنها را درمورد خلقت آدم ﷺ معلومات نیست. از عطاء رحمه الله روایت است که یک روز من وعبیده بن عمیر درخدمت عایشه رضی الله عنها حاضر شدیم درمیان مایان پرده آویزان بود او پرسید که: ای عبیده چرا به احوال پرسی ام نه می آی؟ او ﷺ برایش گفت: من بخاطر آن فرمان پیامبر ﷺ در زیارت تأخیر میکنم. که فرموده بود(زر غبا تزددحباً) درزیارت کردن تأخیر کن به اساس او محبت زیاد میگردد. ابن عمر برایش فرمود: ای عائشه رضی الله عنها یکی از سخنان عجیب پیامبر ﷺ رابرایم بیان دارید.

عایشه ﷺ گریان را آغاز کرده فرمود: هر کار پیامبر ﷺ عجیب بود. باری پیامبر ﷺ درشب پیشم تشریف آورد وهمراهم استراحت نمود اندکی بعد برایم فرمود: برایم اجاز ه بده که عبادت پروردگار را اداء کنم او ﷺ بسوی مشک آب رفت وضوء کرد برای اداء نمودن نماز ایستاد شد وبسیار زیاد گریان کرد تا ریش مبارکشان از ریختن اشک زیاد تر گردید بعداً به سجده رفت ودر آنجا به حدی گریان کرد که زمین را تر کرد وپس از سلام دادن استراحت نموده تابلال ﷺ آز آن صبح را داد اورابخاطر نماز خواندن خوست وعرض کرد که یا رسول الله ﷺ چرا اینقدر گریان دارید؟ درحالیکه الله ﷻ برایت گناهانی قبلی وبعدی را معاف کرده. او ﷺ فرمود: یا بلال! افسوس است برایت که مرا از گریان منع می کنی درحالیکه

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله ﷻ به همین شب برما آیت شریف ذیل را نازل کرده اند: ﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ [1] ﴾.

ترجمه: هرآئینه درآفرینش آسمانها وزمین و آمدن شب وروز نشانه ها است هر خداوندان خرد را.

پس ارشاد فرمود وگفت: افسوس برای شخص که این آیت شریف را تلاوت کرد و در آن فکر وتأمل نکرد. از امام اوزاعی پرسیده شد که دراین ایات مقصد وهدف از غور وفکر کردن چیست؟ او رحمه الله گفت: این ایات راتلاوت کن وسعی دانستن آنرا بدارید. از محمدبن واسع رحمه الله روایت است که شخصی از ساکنین بصره پس از اوقات ابوذر ﷺ نزد خانمش رفت و درمورد عبادت ابوذر ﷺ از او پرسان کرد.

خانم ابوذر ﷺ برایش گفت: او تمام روز دریک گوشه خانه می نشست فکر وتأمل می کرد حسن ﷺ فرموده است فکر وتأمل یک لحظهٔ از عبادت تمام شب بهتر است. فضیل ﷺ فرموده است که فکر وتأمل نمودن آنینه است که حسنات و سینات تو را آشکار می سازد از ابراهیم رحمة الله پرسیده شد که شما فکر و تأمل زیاد می کنید او فرمود: فکر وتأمل اساس عقل است. سفیان بن عیینه رحمه الله این بیت شاعر را بطور مثال تقدیم میکنم:

إذا المرء كانت له فكرة ففي كل شيء له عبرة

ترجمه: زمانیکه درانسان مادهٔ فکر وتأمل نمودن موجود باشد، درهرچیزبرای وی عبرت وپندها به نظر می آید.

جواب عیسی ﷺ به حواریین خویش: از طاوسی رحمه الله روایت است که حواریون به عیسی ﷺ گفتند حالا برروی زمین مثل تو کسی است؟ او ﷺ فرمود: کسیکه سخنان نش ذکر الله می باشد سکوت ا و غور وفکر وچشمانش چشم پند وعبرت باشد او مثل من است. حسن ﷺ فرموده است که سخنان شخص که حکیمانه نمی باشد او لغو است و سکوت شخصیکه برای غور وفکر نباشد او دیوانگی پس وچشم شخصیکه از گرفتن عبرت خالی می باشد او بیهوده وبی فائده است. الله ﷻ فرموده است که: ﴿ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ﴿١٤٦﴾ [2] ﴾.

---

[1] (آل عمران ۱۹۰)
[2] (الأعراف ۱٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: باز خواهم داشت در(تأمل) درآیات من کسانی را تکبر می کنند در زمین ناحق حسن رحمه الله می گوید: معنی این آیت مبارک این است که من در دلهای شان صلاحیت غور وفکر کردن رانابود می سازم. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرموده است به چشمان تان هم حصه عبادت را بدهید. عرض شد که حصهٔ آن چیست؟ او ﷺ فرمود: تلاوت کردن قرآن کریم و درآن غور وفکر کردن وبه آن چشم که درعجائب آن عبرت حاصل نماید وپند می گیرد فکر و تامل نماید واز زنی که نزدیک مکه معظمه دریک جنگل زندگی داشت روایت است که اگر دلهای نیکان بعد از فکر وتأمل کردن انعامات گردد پرده غیب پوشیده است که ای الله ﷻ برای شان تهیه کرده است بینید زندگی دنیا برای شان بشکل بیهوده هویدا می گردد. لقمان علیه السلام تاوقتی و زمانی زیاد ساکت وخاموش می نشست وفکر می کرد خدمت گارش درجوار او می گذشت وبرای وی میگفت شما همیشه علیحده می نشینید اگر همراه مردم خوب می نشستی خوشحال میدشدی او علیه السلام درپاسخ وی فرمود: تنهائی طویل به انسان غور وفکر دایمی می بخشد وتفکر طویل راه جنت است.

قول وهب بن منبه است که شخصی که فکر وتأمل او زیاد میگردد درحقیقت علم او زیاد می شود وشخصی که علمش زیاد میگردد او قابل عمل گردنش میشود. عمر بن عبدالعزیز رحمه الله فرموده است که درنعمت های الله ﷻ از همه عبادات فکر وتأمل کردن است.

روزی عبدالله بن مبارک رحمه الله سهل بن علی را درحالت تفکر وخاموشی دید واز او پرسید به کجا رسیده ای؟ او درپاسخ گفت: دربارهٔ پل صراط فکر وتأمل می کنم. ابن عباس رضی الله عنه فرموده است که دو رکعت نماز با حضور قلب به تنهایی همرای فکر وتأمل اداء نمودن از عبادت همه شب بدون حضور قلب وبه غیر از فکر و تأمل اداء نمودن بهتر وافضلتر می باشد. ابو شریح رحمه الله جای می رفت ناگهان چادر خودرا به تن کرد وبه خاموشی نشست وگریان را آغاز نمود درمورد گریان از او پرسیده شد او گفت: به عمل کم عمرم گذشت وبه روز آمدن مرگم گریان دارم. ابوسلیمان رضی الله عنه گفته است که گریان کردن چشم وفکر و تأمل نمودن قلب عادیپندار او فرمود که فکر کردن درامور دنیا پرده برای آخرت است وبرای نیکان عذاب است لکن فکر کردن دربارهٔ آخرت انسان را وارث علم میگرداند ودل ها را زنده می سازد.

حاتم رحمة الله فرموده است که درحصول پند وعبرت علم انسان زیاد میگردد به ذکر محبت زیادی می شود وبا فکر و تأمل نمودن خوف الله ﷻ زیاد میگردد وهم چنان حاتم رحمه

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله فرموده است که فکر وتأمل کردن ترغیب به نیکی ها وحسنات می شود وندامت برگناهان انسان برای ترک کردن سیئات آماده می سازد.

روایت است که الله ﷻ دربعضی کتابهای خود فرموده اند که: من کلام هرعالم ودانشمندی نشستم وبه نیت ومحبت او می بینم اگر نیت ومحبت او برایم باشد پس خاموشی وسکوت او درسکوت فکر وتأمل وگفتگوی وی درحمد حساب می کنم باوجودیکه او ساکت وخاموش نشسته باشد. حسن ﷺ فرموده است که: عقلمند همیشه ذکر کردن بسوی فکر و با فکر وتأمل به ذکر الله ﷻ رجوع می کند تاکه قلب وی سخنی می گوید. سخن علم وحکمت را گوید: اسحاق بن خلف رحمه الله می فرماید که: داؤد طایی در روشنایی آفتاب به بام خود می نشست و درعجائبی که الله ﷻ درزمین واسمان افریده است فکر وتأمل می کرد. به آسمان نگاه میکرد. به آسمان نگاه می نمود وگریه می کرد. شبی بی هوش شد ودرخانه همسایه افتید صاحب خانه شمشیر بدست بسوی وی به سرعت زیاد آمد وپرسید ترا کی از بام انداخت او گفت: برایم معلوم نیست جنید رحمه الله گفته است که: بهترین مجلس آنست که درمورد توحید فکر وتأمل کرده شود از بحر محبت نوشیدن پیالهٔ محبت بهترین شراب است.

واز راز معرفت وهوای معطر لذت ومزه گرفتن از همه هوادیگر بهتر ا ست از الله ﷻ امید اجر وپاداش کارنیک بی مثال وبی نظیر است. بعد فرمود: آن دل چقدر خوب است که این نوع مجلس را می شناسد براو بشارت است که با نوشیدن پیاله های لذیذ دهن خودرا بامزه بسازد. امام شافعی رحمه الله فرموده است که درخاموشی سخن گفتن وبخاطر حصول علم فکر و تأمل را وسیله بگردان. افزود: درمورد کارهای خوب فکر کردن انسان را ا ز فریب و ناوان نگهداری می کند. وفکر رقیق انسان را از شرمندگی نجات میدهد. درکارها فکر کردن انسان را هوشیار و دانا می سازد. مشوره های دانایان ذهانت وبصیرت را قوت می بخشد لهذا قبل از آغاز نمودن کار فکر کن وقبل از وقت مشوره کن وی افز دکی: فضائل جهاد است.

اول: حکمت که دارومدار او باعقل باشد.

دوم: عفت که مراد او اجتناب از شهوات است. سوم: قوت دارومدار او درغصه کردن است.

چهارم عدل: که مهور او اقوام ها دراعتدال قوت های نفسانی است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و چهارم
دربیان شداید مرگ

از حسن ﷺ روایت است که محمد ﷺ دربارهٔ سختی مرگ فرمود: درد مرگ با درد سر با صد ضربه زدن شمشیر یکسان است. از محمد ﷺ درمورد تکلیف و شدت مرگ پرسیده شد او ﷺ فرمود: مرگ آسان هم مانند چوپ نازک خار دار درمیان پشم میباشد هنگامیکه چوب را می کشید حتماً با او چسپیده میباشد. محمد ﷺ به شخصی مریض آمد وبرایش فرمود: من میدانم ی مریض چقدر درتکلیف است وبر او چرا عرق می آید این همه به اساس درد وتکلیف وسختی است. علی ﷺ مردم را به جهاد آماده میساخت ومی فرمود: اگر شما درجهاد اشتراک نکنید باز هم مرگ تان حتمی وضروری است به الله ﷻ قسم که هزار ضربه شمشیر برایم از استراحت کردن دربستره آسان وسهل است. امام اوزاعی رحمه الله فرموده است که: برایم این معلومات است که مرده درقبر تا روز قیامت سختی وتکلیف مرگ رامحسوس می کند.

تفصیل بعضی از تکالیف مرگ:

شداد بن اوس رحمه الله فرموده است: مرگ برای مؤمن از همه خوف ها وترهای دنیا خوف شدیدی او آواز اره شدن اعضاء خوف داغ شدن دیگ بیشتر وزیاد سخت است اگر مرده زند گردد وسختی وتکالیف مرگ رابه مردم دنیا بیان نماید آنها تمام لذائذ زندگی را فراموش خواهند کرد وهیچ گاه به آرامی خواب نخواهند شد.

زید بن اسلم رحمه الله از پدرش روایت می کند که هنگامیکه یک مؤمن به اساس اعمال نیکو خود صاحب درجه نگردد دروقت مرگ با تکلیف مواجه میشود تاهمان درجه اخری که عبارت از بهشت است بدست بیاورد شخصی که بوسیله اعمال نیکو اش حاصل نکرده بود اگر کافری عوض وبدله اعمال نیکو خودرا نگرفته باشد برا وشداید وسختی های مرگ آسان می شود. تاعوض اعمال نیک خود را بگیرد وپس از مردنش مستقیماً به جهنم برود. یک شخصی دائم الوقت مرگ را زمزمه میکرد زمانیکه او به مرض الموت مبتلا گردید مردم از او درمورد شداید مرگ استفسارات کردند او گفت: چنین محسوس میگردد که زمین وآسمان با هم چسپیده باشد و روحم از سوراخ سوزن خارج میگردد نبی کریم ﷺ فرموده است: مرگ مناجات برای مؤمن راحت وبرای گناهگار رحمت است. از مکحول رحمه الله روایت شده

(c) ketabton.com: The Digital Library

است محمد ﷺ فرمود: اگر یک موی مرده به ساکن زمین وآسمان مانده شود همه شان مرده خواهند شد زیراکه بر هر موی او مرگ میاید زمانیکه به چیزی مرگ اید او محو و نابود میگردد روایت است که اگر یک قطره الم و درد مرگ برکوه ها مانده شود تمام آن ذوب خواهند شد. مرگ پیامبران بسیار آسان میباشد. روایت است زمانیکه ابراهیم علیه السلام از دار فنا رحلت می نمود الله ﷻ فرمود: ای خلیفهٔ مؤمن! مرگ راچطور محسوس کردی؟ او فرمود: زمانیکه یک سیخ درپشم نمناک داخل گردد وبعداً اخر رخ کرده شود. الله ﷻ برایش فرمود: بایت مرگ رابسیار آسان نموده بودم.

روایت است که روح موسی علیه السلام درحضور پروردگار حاضر گردید الله ﷻ از اوپرسید! مرگ را چطور محسوس کردی؟ او علیه السلام فرمود: مانند پرنده که دردام افتد ونمیرد بلکه او نجات می خواهد ولی نجات نمی یابد که پرواز کند وهمین حالت دروقت نزع می باشد. این روایت هم است که دروقت مرگ محمد ﷺ درجوارش پیالهٔ آب بود که از آب می گرفت وبه پیشانی خود می مالید ومی فرمود: ای الله ﷻ تکالیف مرگ رابرایم آسان کن. فاطمه رضی الله عنها برایش گریه میکرد ومی گفت: وای تکالیف پدرم محمد ﷺ برایش فرمود: پس از این به پدرت کدام تکلیف و درد نمی آید عمر رضی الله عنه به کعب رضی الله عنه فرمود: مارا درمورد مرگ چیزی میگو کعب رضی الله عنه فرمود: ای امیرالمؤمنین: مرگ مانند آن نشانی است که در او خارهای زیادی باشد ودر بدن انسان قرار دارد وهر خاری درهر رگ داخل باشد باز آن رابه بسیار سختی کشد که درنتیجه بعضیٔ از آنها خارج میگردد ودیگری آن باقی می ماند. فرمان نبوی است که انسان سختی وتکلیف مرگ رابیماری می پندارد ومی خواهد آنرا معالجه کند مگر اعضاء بدنش یکی از دیگر جدامی باشد ومی گوید بر تو سلام باشد حالاً تا قیامت از همه جدا خواهد بود حالات مقدس فوق شامل اشخاص می باشد که دوستان ومحبوب پروردگار بودند مایان با چه مواجه خواهم بود مارا بدون تکالیف مرگ شداند و افات های دیگر هم باشد. سختهای مرگ سه چیز می باشد اول: تکلیف نزع. دوم: دیدن ملک الموت وهراس از او اگر یک شخص بسیار دلاور هم ملک را درصورت اصلی اش ببیند توان وطاقت دیدن او را ندارد. روایت است که ابراهیم علیه السلام ملک الموت راگفت: مرا آن چهره اصلی ات را نشان بدهید بخاطر ارواح نزع گنهگاران می آید ملک الموت برایش گفت: اندکی بعد آنسو نظر کن. کمی بعد که نظر آنسو نظر کرد شخص سیاه پوست که از بینی اش شعله های آتش و دود شراره میکرد زمانیکه ابراهیم علیه السلام او را دید بی هوش گردید وقتیکه به هوش آمد می بیند که ملک الموت به شکل

(c) ketabton.com: The Digital Library

اول خود درجوارش قرار دارد. او ﷺ فرمود: اگر به فاسق وفاجر بدون مرگ شداند دیگری هم نباشد صرف دیدن ملک الموت برایش عذاب بزرگ است.

از ابوهریره ﷺ روایت شده که داؤد ﷺ جوان خیلی با عبرت بود زمانیکه او بیرون تشریف می برد در وازها رابسته می کرد روزی او تمام دروازه ها رابند کرد وبیرون رفتن خانش دید که دصحن خانه شخصی ایستاده است او گفت: چطور به خانه داخل گردیدی اگر داؤد ﷺ بیاید به این کار حتماً ناراحت وپریشان می شود بعد داؤد ﷺ تشریف آورد واورا دیده پرسان کرد تو کسیتی؟ او برایش گفت: من کسی هستم که از سلاطین نمی ترسم ونه همه کدام پرده درمقابل ام حائل شده میتواند. داؤد ﷺ سکوت کرد وفرمود پس تو ملک الموت هستی.

گفتگو عیسی ﷺ با جمجمهٔ (کاسه): روایت است که عیسی ﷺ سر انسان را دید اورا به پای خود زد وفرمود: به حکم الله ﷻ همراهم گفتگو کن سر درپاسخ گفت: ای روح الله! من فلان درفلان زمان حاکمی بودم روزی درمیان لشکر خود تاج به سر نشسته بودم تصادفاً ملک الموت آمد وبه دیدنش اعضاء بدنم بی حیس گشت وروحم پرواز کرد در دنیا برایم هیچ چیز نبود جدای درمقابلم قرار گرفته بود با او محبت کردن بدون وحشت چیزی دیگری نبود این دنیا فقط فریب است وبرای پیروان او این سخنان پنداست. وبرآن ها همین نصیحت من است. این آن افتی است که هر گناهگار وفرمان بردارش می بیند. انبیاء کرام علیهم السلام فقط شداند نزع بیان نمودند آن خوف و وحشت را بیان نموده اند که به دیدن ملک الموت با او مواجه میگردد اگر کسی چهره ملک الموت را درخواب ببیند او زندگی باقی مانده خویش را به ارامی واسودگی نخواهد کرد. فرمان برداران الله ﷻ ملک الموت را درچهرهٔ حسین وزیبا می بیند چنانچه ابراهیم ﷺ شخصی خیلی با غیرت بود به عبادت خانه میرفت زمانیکه از اوبیرون می آمد آنرا بند می کرد روزی از بیرون به عبادت خانه تشریف آورد شخصی در داخل عبادت خانه دید از او پرسید چه کسی شما را اینجا آورده است او گفت: مالک این مکان مرا آورده است او ﷺ برایش فرمود: مالک این مکان من هستم او درپاسخ گفت: کسی اینجا داخل کرده است که از من و تو زیاد حقدار ومالک این مکان است او ﷺ درجواب فرمود: آیا چهرهٔ اصلی ات که در وقت قبض کردن ارواح برای مومنان می آی برایم اشکار کرده میتوانید؟ ملک الموت گفت: بلی اندکی به آنسو نگاه کن چند لحظه بعد به طرف ملک نظر کردم که او جوان حسین گشته بود و از نور می تابید. لباس های وی خیلی زیبا وپاک بود خوشبو ومعطر بود. او ﷺ که این

(c) ketabton.com: The Digital Library

منظر را دید فرمود: ای ملک الموت اگر برای مؤمن دروقت مرگ بدون دیدارت نعمت دیگری هم حاصل نگردد همین نعمت وانعام بس کافی است.

دیدن فرشته های(ملائکه) حفظه: دروقت مرگ مصیبت بزرگی دیگر دیدن فرشته های حفظه است.

از وهب رحمه الله روایت است که برایم این خبر هم رسیده است شخصی قبل از مردن فرشته های کرام الکاتبین رانمی بیند اگر شخص خوب باشد برایش میگویند جزاک الله خیراً مارا درمجالس نیک قرار می دادی وکارهای خوب برای نوشتن انجام داده ای واگر شخص نزدیک به مرگ گناهگار باشد برایش میگوید الله جل جلاله برایت پاداش نیک ندهد ما درمحافل بد داخل میکردی ویا دیدن سخنان بد وقبیح مارا مجبور میکردی الله جل جلاله برایت اجر خیر ونیکی ندهد درین اثناء چشم انسان باز می ماند بدون فرشته های الله جل جلاله چیزی دیگری رانمی بیند. مصیب سوم وقت نزع(قبض کردن روح) این است که شخص گناهگار مسکن خودرا درجهنم می بیند وخیلی زیاد درخوف وهراس میباشد اعضاء بدنش سست می شود ودروحش پرواز می کند مگر بدون او بشارت ملک الموت چیزی دیگری شنیده نمی شود وبرهمین مشتمل می باشد. ای دشمن پروردگار: برایت بشارت جهنم است ویا این اواز که ای دوست پروردگار! برایت بشارت جنت است. همین سبب است که شخصی عاقل قبل از مرگ زیاد می ترسد. نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرموده است هیچ کسی از شما تا زمان از دنیا رحلت نمی کند تا مسکن خودرا دربهشت ویا دوزخ ندیده باشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و پنجم
دربیان حالت قبر و سوال های آن

حدیث شریف است: زمانیکه مرده درقبر مانده می شود قبر برایش میگوید: ای انسان! برایت افسوس است درمورد من ترا چه کسی فریب داده بود؟ آیا برایت معلوم نبود که من خانهٔ ازمایش، تاریکی، تنهائی، ومسکن کدام مور هستم. زمانیکه درجوارم عبور میکردی درکبر وغرور بودی اگر مرده صاحب عمل نیک باشد یک منادی برایش آواز می کند ای قبر! به شما معلوم نیست که این شخص امر به نیکی می کرد ومردم را ازبدی منع می نمود. قبر درجواب میگوید: خوب حالاً برایش چمن سبزی میشوم بدنش نورانی خواهد بود وروحش به سوی پروردگار می رود.

آواز مدفن: از عبید بن عمیر اللیث رحمه الله روایت است که شخص که بمیرد آن قطعه زمین که درآن دفن گردد آواز می کند که من خانه تاریکیها ومسکن تنهایی هستم اگر درزندگی خود نیکی کرده باشید برایت مکان خوشحالی وسرور پوره باشیم واگر نافرمانی کرده باشید برایت امروز عذاب میگردم من آن خانه هستم که اگر شخص فرمان بردار بیاید ازینجا به خوشی وسرور خارج میگردد وکسیکه نافرمان وغیر مطیع بیاید اوبه بسیار ذلت ورسوای عودت می کند. محمدبن صبیح رحمه الله می فرماید: مرا این روایت رسیده است: کسیکه درقبر مانده شود واورا عذاب داده میشود مردگان هم جوار او می گویند: ای برادران زنده(حیات) آیا بعد از مردن ما پند وعبرت نگرفتید؟ آیا پس از آمدن ما ودفن شدن ما درمقابر عبرتی را حاصل نمودید شما نگاه کردید که پس از مردن مال اعمال مایان ختم گردید لیکن شما زنده بودید وبرای انجام دادن اعمال نیکو وقت کافی داشتید وفرصت درست تان بود لیکن شما موقع استفاده نکردید واعمال نیکو انجام ننمودید مقابر برای شان می گویند ای کسیکه به مال ظاهری دنیا می بالی وافتخار می کنی! چرا از انعده دوستان خود به نعمتهای دنیا می بالیدند وافتخار می کردند غیرت نگرفته اید آنها درمحضر تان درخاک دفن شدند شما آنها را بر تخت ها جنازه های شان را به شانه های خود گرفته وبه مقابر آوردید وبه خاک سپردید.

اعمال هم چنان از مردهٔ پرسان می کند: یزید الدقاسی رحمه الله گفته است که مرا این روایت منقول شده که زمانیکه مرده درقبر مانده شود همه اعمالش جمع میگردد والله جل جلاله بر او

(c) ketabton.com: The Digital Library

توان وطاقت سخن رامی دهد.او به مرده میگوید: ای انسان! قبر همه دوستان وعزیزانت را از نوجداشدند بدون من هیچ کسی دوست ندارید.

از کعب رضی الله عنه روایت است که: هنگامیکه شخص نیک درقبر مانده شد اعمال نیکو وی مثل روزه، نمازها، حج، جهاد، صدقه وغیره اعمال نیک وی درجوارش جمع میگرددتازمانیکه فرشته های عذاب از طرف پاهای او بیایند نماز برای شان می گوید با این مرده کاری ندارید به همین پاهای خود ایستاد می شد وعبادت پروردگار رامی کرد ازین شخص دور شوید باز همین فرشته ها از طرف سرش می آیند روزه برای شان میگوید با این مرده کاری نداشته باشید زیراکه بخاطر رضای پرودگار روزه های زیادی راگرفته اند گرسنگی وتشنگی زیادی رامتحمل شده است باز همین فرشته ها از طرف چپ و راست وی میایند حج وجهاد برایشان می گویند دور شوید او خودرا درتکلیف ومشقت قرار داده بود وبه خاطر رضای پروردگار جهاد وبارها حج کرده است روید با این شخص کاری نداشته باشید این فرشته ها از طرف دست وی می آیند، صدقه برای شان می گوید از دوستم بروید شوید دست های شان بخاطر رضای پروردگار صداقات وخیرات های زیاد را داده است شما اینجا کار ومسئولیتی ندارید باز به همان مرده گفته می شود زندگی ومرگ تو هر دو خواب است فرشته های رحمت برایش فرش های جنت را هموار می کنند وبرایش لباس وکالای جنت می آوردند به اندازه نظرش قبر وی فراخ میگردد چراغ جنت برایش روشن میگردد که تاروز قیامت روشن می باشد واورا روشنائی می دهد. عبیدالله بن عبید بن عمیر دریک جنازه گفت: برایم این روایت رسیده است که محمد ﷺ فرمود: مرده درقبردفن میگردد واو ازهای پاهای مردم را می شنود که درجوار نبرش عبور می کند با او قبر گفتگو می کند وبرایش میگوید: ای انسان! برایت افسوس است آیا درضیقیت، بدبوی، هیبت وکرم من ترسانده نشده بودی؟ چطور برایم آمده اید آیا چیزهای را آماده ساخته اید ویا هم بدست خالی آمده اید. دروقت مردن مسلمان فرشته ها می ایند، از براء بن عازب رضی الله عنه روایت است که ما با محمد ﷺ با جنازه جوان انصاری همراه بودیم محمد ﷺ درجوار قبر او نشست وسر خود را با زانو ها اش مانده سه بار(اللهم اعوذبک من عذاب القبر) رافرمود: پس از آن روی خود را گشتانده ومارا مخاطب قرار نمود وگفت: زمانیکه مرگ مؤمن نزدیک گردد الله ﷻ به سوی او فرشته ها را اعزام می کند که روی های شان مانند آفتاب می درخشد وبرایش خوشبو وکفن می آورد تاجای دور می نشستند وقتیکه روح مؤمن پرواز می کند فرشته هاییکه درمیان زمین واسمان هستند برای بلند شدن درجات وی دعا می

(c) ketabton.com: The Digital Library

کند برایش دروازه های آسمان ها باز میگردند وهر آسمان این تمنی را دارد که این روح مبارک از من عبور کند وقتیکه این روح به آسمان بلند برده می شود گفته می شود که ای الله! فلان بنده ات آمد. الله ﷻ می فرماید: این را ببرید وآن نعمت ها رابرایش اشکار سازید که برایش تهیه نمودم واین وعده را کرده ام که چنانچه از خاک افریده ام دوباره به خاک پس میگردانم. مرده در قبر آواز مردم زنده را می شنود زمانیکه مردم از مقبره عودت می کنند برای مرده فرشته های نکیر ومنکر می ایند وبرایش میگویند رب تو کسیست؟ دین و پیامبر تو کیست؟او درجواب میگوید رب من الله ﷻ دین من اسلام وپیامبر من محمد ﷺ است باز فرمود: فرشته ها درقبر سرزنش خیلی زیادی می کند و این مصیبت آخری است که بر مرده نازل می گردد زمانیکه از پرسش های آنها فارغ می گردد منادی آواز می کند راست گفتی وهمین فرمان الله ﷻ است که ﴿ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ﴾[1] . استوار می سازد خدا مسلمانان را به سخن درست.

باز به سوی اوشخص حسین وجمیل می آید که از بدنش خوشبوی خیلی خوش ایند به مشامش می رسد ولباس زیبا وقشنگ به تن دارد او به مرده می گوید: بر شما نعمت ها ورحمت های پرودگار مبارک باشد مؤمن برایش می گوید: جزاک الله خیراً تو کسیتی؟ جواب داده میشود که اعمال نیک تان هستم کارهای نیک را انجام می دادی وخودرا از کارهای بد منع میکردی واجتناب می ورزیدی بدین سبب الله ﷻ برایت نعمت های خیلی بهتر وافضلتر داده است باز منادی آواز می کند برایش فرش جنت را هموار کنید وکلکینی از جنت باز کنید برای فرش جنت هموار میگردد وکلکین جنت کشاده می شود. او دعا می کند ای الله ﷻ قیامت را زود بر پاکن تا اهل وعیال خودرا ببینم. اما درمورد شخص کافر که از دنیا می رود به آخرت نزدیک میگردد برایش فرشته های که بی ترحم وهیبت ناک که باخود لباس آتش جهنمی قطران داشته باشند واورا به شدت می ترساند زمانیکه روحش از بدن جدا می شود تمام فرشته های میان زمین واسمان بر او لعنت می فرستند دروازه های براوبسته میگردد هنگامیکه روحش بالا میرود دوباره پایین افتیده انداخته می شود وفرشته ها می فرمایند ای الله ﷻ روح فلان بنده ات آمده ولی زمین واسمان اورا قبول نکرد الله ﷻ برایش می فرماید: او را دوباره روان کنید وآن عذاب برایش آشکار کنید که برای وی درقبر تهیه نموده ام زیراکه

[1] (ابراهیم ۲۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با انسان وعده کرده ام که:﴿ ۞ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ ﴾[۱]. ترجمه: از زمین آفریدیم شما را ودرآن بر می گردانیم. زمانیکه درقبر گذاشته شود مردم عودت نمایند مرده آواز قدم های شان می شنود واز او پرسان میگردد. رب تو کسیت؟ پیامبر تو کیست؟ و دین تو چیست؟ او می گوید: نمی دانم بر او گفته میشود تو نمی دانی سپس شخص بد شکل بدبو وصاحب لباس غلیظ می آید وبرایش میگوید: برایت بشارت قهر پروردگار وعذاب دوام دار میباشد. مرده کافر برایش می گوید تو کیستی؟ او برایش میگوید: من اعمال بدشان هستم در دنیا کارهای بد را انجام میدادی واز کارهای خوب خود داری می کردی لهذا الله ﷻ برایت سزای بد داد. باز به او فرشته می آید که لال وکور باشد همرای او چکوش آهنی می باشد که تمام انس وجن از خاطره سنگینی اش بلند کرده نمی تواند اگر به وسیله او ضربه به کوه داده شود که آنرا تحمل کرده نمی تواند وریزه ریزه خواهد شد. فرشته به این کافر رامی زند اوبه خاک مبدل میگردد ولی الله ﷻ اورا دوباره زنده می سازد دوباره همان زدن را تکرار می کند کافر ریزه ومیده میشود الله ﷻ اورا باز زنده می کند. فرشته اورا درمابین چشم به پیشانی می زند که آواز اورا بدون انس وجن همه مخلوقات پروردگار می شنوند. باز برایش آواز می شود که تخته جهنم راهموار می شود. از محمد ﷺ روایت شده برای هر شخص قبل از مرگش اعمال نیک وبدش برابر او آشکار می گردد او به حسنات خود بطور متداوم نگاه می کند وازگناهان خود چشم پوشی می نماید. از ابوهریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرموده است زمانیکه به مؤمن مرگ قریب گردد فرشته ها را دستمال ابریشمی شاخهای خوشبودار مشک رامی آورند. وقتیکه برای مؤمن این خوشبوی جنت برسد روحش به چنان به اسانی وسهولت خارج میگردد مانند خارج شدن موی از آرد خمیر باز برایش گفته می شود ای نفس مطمئن! به سوی پروردگار به خوشحالی بروید به طرف نعمت الله ﷻ وعزت الله ﷻ بروید زمانیکه روحش خارج میگردد در دستمال ابریشمی خوشبو گذاشته می شود وبه جنت می فرستد.

عذاب کافر: زمانیکه مرگ کافر نزدیک گردد فرشته ها آتش جهنم را دریک لگن گذاشته می آیند به اساس وحرارت وبدبوی آن روحش بسیار به عذاب میگردد وبرایش گفته می شود ای جسم مردار ومقهور! بطرف عذاب پرودگار برو. زمانیکه روحش خارج میشود به

[۱] (طه ۵۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

اخگر نهاده می شود وروحش گرم می شود باز دردستمال بدبوی پیچیده می شود به جهنم انداخته می شود.

محمد بن کعب فرطی رحمه الله این آیت شریف راتلاوت کرد که:﴿ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ٱرْجِعُونِ ۝ لَعَلِّيٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ ﴾[1]

ترجمه: کفار دربیان سخنان ناجائز خودند تاوقتیکه بیاید یکی از ایشان را موت گوید ای رب من را باز گردان مرا (بسوی دنیا) شاید کنم کار نیکو درآنچه گذاشتم. باز فرمود: زمانیکه الله ﷻ این آیت شریف را بشنود به او می فرماید: نه خیر برای انجام نمودن اعمال نیکو می خواهم عودت کنم الله ﷻ برایش می فرماید: هر کافر درزمان مرگ همین سخن می گوید از ابوهریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرمود: قبر مؤمن باغ سبز وزیبا می باشد هفتاد ذراع وسعت می یابد ومانند مهتاب بدر(ماه چهارده) می درخشد باز فرمود: آیا میدانید که این آیت شریف ﴿ فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا ﴾[2].

ترجمه: پس بیشک اورا است معیشت تنگ. برای کسی نازل گردیده؟ صحابه کرام عرض کرد الله ورسوله بهتر میداند او ﷺ فرمود: این بخاطر عذاب کافر نازل گردیده است درقبر برایش ۹۹مار مسلط میگردد هر مار اورا می گزد وتا قیامت درعذاب مبتلا میباشد به این بدان که به عذر مخصوص تعجب ننماید زیرا که تعداد ماران به تعداد گناهان او یکسان است مثل: تکبر، ریا، حسد، بغض، وغیره اگر که بنیاد بدی ها به چند عدد است ولی شاخهای او خیلی زیاد مهلک وخطرناک است ودرقبر به تعداد همین اعمال بدشان ماران مسلط میگردد کافریکه زیاد بد عمل باشد مار بزرگ اورامی گزد واگر اندکی کم باشد مانند مار او را می گزد و اگر از او هم کم باشد مانند عقرب می گزد اصحاب معرفت درپرتو بصیرت خودی اوراخوب می شناسد واورا می بیند مگر تعداد آن دریافت کردن کار پیامبران است.

---

[1] (المؤمنون ۹۹-۱۰۰)
[2] (طه ۱۲٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و ششم

دربیان علم الیقین، عین الیقین وپرسش های قیامت

الله ﷻ فرموده است:﴿ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ ٱلْيَقِينِ ۝ ﴾[1].

اگر حالات وواقعات روز قیامت را بصورت یقین می شناسید مگر کثرت مال و درمیان خود تفاخر نمودن شما را درغفلت انداختند اگر شما می فهمیدید آن کار را انجام خواهند کردید که برایتان مفید می بود واز آن کار پرهیز میکردید که شما را ازیان می رساند لهذا فرموده شده است: اگر واقعاً این موضوع را درک میکردید وعلم یقین رامی شناسید چنانچه انبیاء کرام شما را فهمانده بودند که مال وچیزهای فخر کرده است به همین اساس شما حتماً آتش جهنم را نگاه می کنید چنانچه خالق کائنات سوگند یاد کرده که: حتماً به چشم خود جهنم وشداند او خواهد دید الله ﷻ می فرماید:﴿ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ ٱلْيَقِينِ ۝ ﴾[2].

ترجمه: پس هرآئینه می بیند آنرا بچشم یقین یعنی جهنم به نوع بیند که اورا علم الیقین گفته می شود از آن به بعد هیچ نوع شک وشبهه باقی نخواهد ماند.

تفاوت درمیان مراتب یقین:

اگر درمورد علم الیقین وعین الیقین پرسیده شود جوابش اینست که علم الیقین به پیامبران به اساس پیامبری شان حاصل بود، عین الیقین به ملائکه بوده است زیراکه آنها به چشم سرشان جنت و دوزخ، لوح، قلم، عرش، وکرسی، رامی بیند، این جواب هم دارد که علم الیقین آنست که مردم حیات دربارهٔ مرگ وقبر دارند زیراکه آنها می داند مردگان درمقابر می باشد لیکن آنها به این امر نمی فهمند که به آنها چه نوع سلوک صورت می گیرد عین الیقین برای مردگان است زیراکه آنها قبر را به شکل باغ ویا هم با شکل گوران از جهنم به چشم خود می بیند، این هم گفته می توانیم که علم الیقین قیامت وعین الیقین قیامت ودیدن نکالیف آن، الله ﷻ می فرماید:﴿ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ۝ ﴾[3].

ترجمه: پس هر آئینه پرسیده خواهید شد درآن روز از نعمت ها.

---

[1] (التکاثر ۰۰۵)
[2] (التکاثر ۰۰۷)
[3] (التکاثر ۰۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

یعنی روزی روز قیامت درمورد نعمت های دنیوی مثل صحت، نعمت دیدن، نعمت شنیدن، طرف حصول رزق، چیزهای خوردنی ونوشیدنی پرسیده خواهد شد که آیا شما دربدل این چیزهای شکر الله ﷻ را اداء نموده اید ویاخیر؟ فرمانبردار الله ﷻ گردید ویا عدم پذیرش او امر پرودگار. روایت از ابی حاتم واین مرویه است که زید بن اسلم از پدر خود روایت کرده است که محمد ﷺ این ایات را تلاوت نمود: ﴿ أَلْهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ۝١ ﴾[1] یعنی شما خود را از عبادات الله دور ساخته است ﴿ حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ ۝٢ ﴾[2]. تا آنانکه دیدید قبر ها را.

تا زمانیکه به مقابر بیاید عنقریب خواهد دانستید ﴿ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝٣ ﴾[3] ترجمه:...

یعنی زمانی دانستید که به مقابر بیاید ﴿ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝٤ ﴾[4] یعنی زمانیکه از مقابر خارج شوید وبه محشر گاه بیاید ﴿ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ ٱلْيَقِينِ ۝٥ ﴾[5] یعنی آن زمان خواهد فهمید که با اعمال خود درحضور پروردگار ایستاده خواهید شد. ﴿ لَتَرَوُنَّ ٱلْجَحِيمَ ۝٦ ﴾[6] هرآئینه می بیند دوزخ را پل صراط به جهنم نهاده می شود بعضی از مسلمانان نجات می یابد وبعضی شان مجروح میگردد وبعضی دیگری آنها درجهنم می افتند سپس از شما دربارهٔ نعمت ها حتماً پرسان خواهد شد علی ﷺ فرموده است که مقصدّ از نعمت تندرستی وسلامت بدن است. کسیکه نان گندم خورده باشد اب یخ درپای فرات نوشیده باشد مسکن بود وباش داشته وغیره این همه نعمت ها اند که از او پرسان می شود. آب یخ هم نعمت است: از عکرمه ﷺ روایت است زمانیکه این آیت شریف نازل گردید صحابه کرام از محمد ﷺ پرسید. برایم کدام نعمت حاصل است؟ مایان کدام وقت شکم پرنان خورده ایم. الله ﷻ به محمد ﷺ وحی فرستاده که آنها را بگوید: شما بوت را به پا می کنید وآب یخ را می نوشید آیا این نعمت نیست؟ روایت ترمذی است که وقتیکه این سورت نازل گردید صحابه کرام پرسیدند از مایان دربارهٔ نعمت ها پرسان میگردد؟ ما را بدون آب وخرما دیگر غذا نمی رسد درگردن های ما شمشیر اویزان میباشد وبا

[1] (التکاثر ۰۰۱)
[2] (التکاثر ۰۰۲)
[3] (التکاثر ۰۰۳)
[4] (التکاثر ۰۰٤)
[5] (التکاثر ۰۰٥)
[6] (التکاثر ۰۰٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

دشمن مصروف جنگ میباشیم او کدام نعمت است که دربارهٔ او از ما پرسان می شود. او ﷺ برای شان فرمود: عنقریب به شما نعمت ها حاصل خواهد شد. از ابوهریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرمود: روز قیامت اول از انسان درمورد این نعمت ها پرسان کرده می شود. آیا برایت بدن سالم نداده ام وبرایت نوشیدن آب یخ نداده بودم.

در مورد گوشت، خرما، آب یخ روز قیامت پرسان خواهد شد. درمسلم وکتب دیگری احادیث شریف از ابوهریره ﷺ روایت شده که روزی محمد ﷺ از خانه بیرون تشریف آورد و در پیش او ابوبکر وعمررضی الله عنهما آمدند وازآنها پرسید درین وقت چرا از خانه بیرون آمده اید؟ آنها فرمود: یا رسول الله گرسنگی بیرون کرده است اندکی بعد هر سه آنها بخانه انصاری رفتند ولی او درخانه تشریف نداشت خانمش بر آنها خیر مقدم گفت: محمد ﷺ دربارهٔ شوهرش پرسان کرد کجا هست؟ او درجواب گفت: برایم آب یخ می آورد درآن وقت آن صحابی هم تشریف آورد زمانیکه او محمد ﷺ ابوبکر ﷺ وعمر ﷺ رادیدند بعد از گفتن الحمدلله گفت: امروز میزبان خیلی معزز هستم رفت ودریک ظرف خرما پخته ونیم پخته نهاده آمد وعوض اینکه بخورید کارد را گرفته وحرکت کرد. محمد ﷺ برایش آواز کرد بز شیردار را ذبح نکنید او ﷺ بز را ذبح کرد هم آنها گوشت را خورد وآب یخ نوشیدند زمانیکه گرسنگی شان رفع شد (سیر شدند) او ﷺ فرمود: قسم به الله ﷻ ابی بکر وعمر! روز قیامت حتماً از شما پرسان این نعمت ها میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و هفتم

دربیان فضیلت ذکر الله ﷻ

الله ﷻ فرموده است﴿ فَٱذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ ﴾ پس یاد کنید مرا یاد می کنم شما را. ثابت بنانی رحمه الله فرموده است که: زمانیکه پروردگار مرا یاد می کند من میدانم مردم به شنیدن این سخن حیران شدند وپرسیدند چطور دانی او گفت: زمانیکه الله ﷻ را یاد میکنم. او مرا یاد می کند. الله ﷻ می فرماید:﴿ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا [1] ﴾. یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار.

وهمچنان الله ﷻ می فرماید﴿ فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَٰتٍ فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِ ۖ وَٱذْكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمْ [2] ﴾ . پس آنگاه که باز گشتید برای طواف از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام ویا دکنید خدا را چنانکه هدایت کرده شمارا.

و درمکان دیگر فرموده است:﴿ ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ [3] ﴾. ترجمه: آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده ونشسته وبر پهلوی خویش خفته.

و درمکان دیگر الله ﷻ فرموده است:﴿ فَإِذَا قَضَيْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ [4] ﴾ . ترجمه: وهنگامیکه ادا کردید نماز راپس یاد کنید خدا را ایستاده ونشسته وبر پهلوی خویش.

ابن عباس ﷺ دربارهٔ تفسیر این آیت شریف فرموده است که الله ﷻ درشب و روز بحر و بر، سفر وحضر، غنی و فقر، مرض رحمت، سرو علانیه مقصد درهر حالت که باشید الله ﷻ را یاد کنید.

الله ﷻ دربیان نمودن بدی منافقین می فرماید:﴿ وَلَا يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ [5] ﴾.

---

[1] الأحزاب (٤١)
(البقرة ١٩٨)
[2] آل عمران (١٩١)
[3] (النساء ١٠٣)
[4] (النساء ١٤٢)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: وياد نمی کنند خدا را مگر اندکی.

همچنان الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَـٰفِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ [1].

ترجمه: وياد کن پروردگار خود را دردل خود بزاری وترس کاری وياد کن پروردگار خود را بکلام فروتر از اواز بلند دربامداد و در شب نگاه ومباش از غافلان.

الله ﷻ فرموده است: ﴿ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ﴿٤٥﴾ [2] وهر آئينه ياد کردن خدا از همه بزرگتر است.

از ابن عباس رضی الله عنه روايت است اين آيت شريف دومعنی را در بر دارد. اولاً همراهی شما ذکر الله ﷻ از ياد کردن شما خيلی بلند است. دوهم ذکر الله ﷻ از هر عبادت بلند ومرتفع است درين موضوع ايات ديگری نيز وجود دارد.

نبی کريم ﷺ فرموده است که مثال ذکر کننده الله ﷻ درميان غافلان طوری است که گياه سبز درميان گياه خشک باشد.

همچنان پيامبر ﷺ فرموده است مثال ذکر کننده الله ﷻ درميان غافلان مانند مجاهد درميان فرار کننده گان از او از ذکر خداوند ﷻ عمل بهتری نيست. نبی کريم ﷺ فرموده است برای انسان از ذکر الله ﷻ عمل ديگری وجود ندارد که وسيله نجات از عذاب پرودرگار باشد. عرض شد يا رسول الله آيا جهاد فی سبيل الله هم نيست؟ آن ﷺ فرمود: بلی مگر درصورتيکه با شمشير خود جهاد بکنيد واو قطع واين عمل سه بار تکرار گردد. بايد الله ﷻ راياد کنيد بصبری وزبانت بذکر الله ﷻ تر باشد. نبی کريم ﷺ صبح وشام ذکر کردن الله ﷻ را از جهاد کردن فی سبيل الله از شکستن شمشير در راه پروردگار از خرج کردن مال زياد بهتر دانسته است. نبی کريم ﷺ فرموده است زمانيکه بنده ام مرا باخود ياد کند اورا هم با خود ياد ميکنم وهنگاميکه مرا درجمعيت ياد کند اوراهم درجمعيت خوبتر ياد ميکنم وقتيکه او مرا يک شبر نزديک ميگردد من او را يک گز نزديک ميگردم زمانيکه او مرا يک گز نزديک ميگردد من

[1] (الأعراف ٢٠٥)
[2] (العنكبوت ٤٥)

(c) ketabton.com: The Digital Library

اورا دو گز نزدیک می شوم وقتیکه او به سوی من قدم بر می رود. در رحمت میگرم یعنی دعاء اورا قبول میکنم.

نبی کریمﷺ فرموده است که هفت نفر زیر سایه عرش میباشند که درآن روز(قیامت) سایهٔ دیگری نمیباشد. از جمله آنها کسی است که اللهﷻ به تنهائی یاد میکند واز ترس پروردگار از چشمانش اشک بریزد.

عمل نیک:

از ابو الدردا روایت است که پیامبرﷺ فرمود: آیا شما آن عمل عمده واساسی را نشان بدهم که نزد اللهﷻ از تمام اعمال پاک اعلی واز خیرات طلا ونقره بهتر واز جهاد با دشمن که درآن قتال میباشد اعلی وافضل میباشد.

صحابه کرام پرسیدند: یا رسول الله آن کدام عمل است؟ آن فرمود: بر ذکر اللهﷻ مداومت است. پیامبرﷺ فرموده است کدام شخصی که ذکر واز سوال کردن منع سازد انر بدون سوال کردن از همه سوال کنندگان خوبتر وبهتر می دهم.

فضیل رحمه الله می فرماید: که مارا این خبر رسیده است که اللهﷻ فرموده است که اللهﷻ فرموده است که زمانیکه دل کدام دربارم مشغول بینم من متولی همه امور آن می شوم. ومنشین دهم کلام او می شوم.

حسنؒ فرموده است که صبر بر دو قسم است به تنهایی اللهﷻ را یاد نمودن است که او عمده وسبب بزرگی است وبهتر از این ان است که اللهﷻ دروقت چیزهای منع شده یاد نماید واز او اجتناب ورزد.

روایت است که بغیر از ذاکرین دیگر تمام مردگان دروقت قبض شدن ارواح تشنه می میرند. معاذؒ فرموده است که بدون آن لحظاتی عمر خود که درآن ذکر اللهﷻ را ننموده ام بر دیگری غم واندوه ندارم.

ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است که جمعیتی در ذکر اللهﷻ نشسته باشند وآنرا یاد می نماید فرشته ها درگرد آنان می نشینند اللهﷻ چادر رحمت خود رابرآن می اندازد وآنها را از مقربین خود محسوب میکند.

کسانیکه ذکر اللهﷻ را میکنند خداوند متعال بر آنها انعام کرده است. ارشاد نبوی است که مردم که صرف بخاطر رضای اللهﷻ جمع می شوند منادی از آسمان اواز می کند ایستاد شوید گناهان تان معاف گردیده است وسینات تان به حسنات تبدیل گردیده است. فرمان نبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کریم ﷺ است که شخصیکه ذکر الله ﷻ را می کند وبر پیامبر ﷺ درود می فرستد بر آنها روز قیامت هیچ نوع غم نمی باشد. دواؤد ﷺ دربارگاه الله ﷻ عرض نمود ای الله ﷻ زمانیکه از مجلس ذاکرین می خیزم وبه سوی غافلین می روم پایم رابشکنانید. بی شک این عمل تو برای انعام بزرگی باشد. نبی کریم ﷺ فرموده است محفل نیک برای مؤمن کفاره دولک محافل خراب است ابوهریره ﷺ فرموده است که ساکنین آسمان به خانه های ذاکرین طوری نگاه می کند مثل که شما ستاره های آسمان را می بینند. یعنی به بسیار دوستی ومحبت آنرا نظر میکند.

سفیان بن عیینه رحمه الله فرموده است: زمانیکه جمغیت بخاطر یاد و ذکر الله ﷻ جمع می شوند دنیا وشیطان از آن جدا میگردند. شیطان برای دنیا می گوید: آیا تو ندیده اید که آنها چه میکند؟ دنیا برایش می گوید: آنها را بگذار زمانیکه از ذکر فارغ گردد آنها را از عقب شان میگرم وبه شما می سپارم. باری ابوهریره ﷺ به بازار تشریف آوردند وفرمودند: ای مردم شما را درین جاه می بینم درحالیکه میراث پیامبر ﷺ درمسجد تقسیم می شود مردم به مسجد آمدند ودرآنجا مالی نیافتند که تقسیم می گردد. آنها از ابوهریره ﷺ پرسیدند مایان تقسیم میراث را درمسجد نیافتم آن ﷺ پرسید؟ شما درآنجا چه نظر گردید آنها گفتند: ما در مسجد مردم را دیدم که ذکر الله ﷻ رامی کردند وقرآن کریم را تلاوت می نمودند آن ﷺ فرمود: میراث پیامبر ﷺ رابشمارید.

رحمت پروردگار بر ذاکرین:

اعمش از ابوصالح وآن از ابوهریره روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: الله ﷻ بغیر ازکرام الکاتبین فرشته های سیاح را آفریده است که در زمین گشت وگذار می کنند. زمانیکه مردمی راکه مشغول ذکر الله باشند نگاه کنند می گویند: به چیزی بیاید که آن اصل اسان است همه فرشته ها جمع می گردند وتا آسمان گیره می اندازند. الله ﷻ از آنها می پرسد بندگان مرا درچه حالتی ترک گفتید؟ آنها چه میکردند؟ فرشته های می گویند: آنها حمد وتسبیح تان رامی گفتند الله ﷻ می فرماید: آنها مرا دیده اند؟ فرشته ها عرض میکند. نه خیر الله ﷻ می فرماید: اگر آنها مرا ببینند چه خواهند کرد. فرشته عرض می کند اگر آنها شما را ببینند ازین زیاد حمد وتسبیح تانرا می خورستند. الله ﷻ می فرماید: آنها از کدام چیز پناه می خواستند؟ آنها می گویند: از جهنم پناه می خواهند گفت. الله ﷻ می فرماید: آیا جهنم را دیده اند. فرشته ها عرض می نماید: نه خیر الله برای شان می فرماید: اگر آنها جهنم را میدید چه حالت خواهند داشت فرشته ها عرض می کنند اگر آنها جهنم رابینند از آن زیادتر فرار می

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمایند. و از او نفرت می کنند. الله ﷻ برای شان می فرماید: آیا جنت را دیده اند؟ نه خیر. الله ﷻ برای شان می فرماید: اگر آنها جنت را می دیدند درچه حالتی قرار خواهند میگرفت؟ فرشته ها عرض می نمایند آنها زیاد تر سوال رامی کنند الله ﷻ برای شان می فرماید: شما را گواه وشاهد می گیرم که همه آنها را معاف ساختم. فرشته ها می گویند: درمیان آنها فلان بن فلان هم بود که بخاطر کدام ضرورت درآنجا آمده بود. الله ﷻ برای شان می فرماید: این چنین محفل ومجلس است که هم مجلس وهم نشینی ان محروم نمی گردد. ارشاد نبی کریم ﷺ است که از همه افضلتر وبهتر کلمه است که من وسائر پیامبران به زبان خود گفته است او عبارت است از(لا اله الا الله وحده لاشریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر).

خواند وثواب آزاد کردن ده غلام را حاصل نموده دراعمال نامه شان صد حسنات نوشته می شود وصد گناه آن معاف می گردد وتا شام از شر شیطان محفوظ می ماند. ازین عمل افضلتر نیست مگر کسیکه این را زیاد بخواند.

فرمان نبوی است که چنین کسی نیست که وضوء کند وبه طرف آسمان رو کند واشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله بخواند مگر به او دروازه های جنت باز نگردد واز هر کدام دروازه که بخواهد به جنت داخل گردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل و هشتم
دربیان فضیلت نماز

الله ﷻ فرموده است:﴿ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ ﴾[1].

ترجمه: هر آنینه نماز هست بر مسلمانان فرض دروقت مقرر آن.

حدیث شریف است که: الله ﷻ به بندگان خود پنج وقت نماز رافرض گردانیده تا آن را باعظمت پندارند وآنرا اداء نمایند وبرایش وعده دخول جنت داده شده است. وکسیکه نماز رانمی خواند برایش از جانب الله ﷻ هیچ نوع وعده داده نشده است اگر بخواهد عذاب دهد وآنرا واگر بخواهد معاف میکند، و داخل جنت می سازد.

حدیث شریف است که مثال نمازهای پنجگانه طوری است که پیش خانه یکی از شما جوی آب پاک وصفا روان باشد شخصی درآن پنج بار آب بازی می کند آیا بر بدنش کدام کثافت ونجاست باقی خواهد ماند؟ صحابه کرام عرض نمودند: نه خیر آن ﷺ فرمود: قسمیکه آن نجاست راپاک می کند همینطور نماز های پنجگانه گناهان را محو و نابود می سازد، نماز کفاره گناهان است.

ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که نماز کفاره گناهان است، به شرطیکه از ارتکاب گناهان کبیره خو داری کنید، چنانچه الله ﷻ می فرماید:﴿ إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ﴿١١٤﴾ ﴾[2] هرآنینه نیکونی های می برد بدی ها را.

ابن مسعود ﷺ ارشاد نبی کریم ﷺ رانقل می کند که شخص از یک زن قبله بوسه گرفت باز به محمد ﷺ حاضر گردید وبرای آن داستان خود رابیان نمود مقصد آن دربارهٔ کفارهٔ گناهش پرسان می نمود زمانیکه به پیامبر ﷺ این آیت را که﴿ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَىِ ٱلنَّهَارِ ﴿١١٤﴾ ﴾[3].

---

[1] (النساء ۱۰۳)
[2] (هود ۱۱٤)
[3] (هود ۱۱٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: وبر پاکن نماز را دوطرف روز وقسمتی از شب است. این آیت نازل گردید همان شخص عرض کرد: یا رسول الله ﷺ این آیت دربارهٔ من نازل گردید ان ﷺ برایش فرمود: این آیت برای هر امتی ام که مانند تو عمل اجرا نماید هست.

درتائید ارشاد نبوی درمسند امام احمد وصحیح مسلم از ابواسامه روایت است که شخص درمجلس پیامبر ﷺ حاضر گردید وگفت: بر حد نافذ کن او این سخن را دو سه بار تکرار نمود ولی محمد ﷺ بر او کدام توجه ننمود نماز خوانده شود زمانیکه ان ﷺ از نماز فارغ شد پرسان کرد همان شخص چه شد؟ آن عرض کرد حاضر هستم یا رسول الله! آن ﷺ برایش فرمود: تو از گناه طوری پاک گردیده اید مثلیکه حالاً از مادر تولد شده بودی درآینده باید این نوع عمل ننماید درین اثناء به محمد ﷺ این آیت نازل گردیده ﴿ إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ﴾[1].

ترجمه: هر آئینه نیکوئی ها می برد بدیها را.

حدیث مبارک پیامبر ﷺ است که درمیان و منافقین تفاوت درنماز های خوفتن وصبح است آنها به این نماز رسیدگی کرده نمیتواند. ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که کدام شخص که با الله درحالتی ملاقات نماید که نماز های خود را ضائع ننموده باشد الله ﷻ بروایی حسنات دیگر او را ندارد.

حدیث شریف محمد ﷺ است که نماز ستون دین است کسیکه نماز را ترک کرد آن بسیار دین را ترک ونابود ساخت. حدیث شریف است کسیکه با پاکی ونظافت کامل پنج وقت نماز را اداء نمود روز قیامت برایش حجت و روشنی می گردد وکسیکه نماز را ضایع ساخت او با فرعون وهامان حشر میگردد. حدیث مبارک نبی کریم ﷺ است که نماز کلید جنت است الله ﷻ پس از کلمه توحید عملی دیگری را فرض ساخته اند الله ﷻ فرشته ها را درنماز مشغول نموده است بعضی از آنها در رکوع وبعضی دیگری درسجده وبعضی از آنها درقیام وبعضی دیگری آنان درحالت قعده می باشند نبی کریم ﷺ می فرماید: کسیکه قصداً نماز را ترک کرد او به کفر نزدیک گردیده زیراکه او رکن مظبوط ایمان را ترک کرده محمد ﷺ فرموده است کسیکه قصداً نماز را ترک نمود او ازعهد بیرون گردید.

ابوهریره ؓ فرموده است کسیکه وضوء را به طریقه درست وکامل کرد وبرای اداء نمودن نماز از خانه اش خارج شد، او در نماز است وبه او دربدل هر قدم نیکی نوشته می شود

---

[1] (هود ۱۱٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

واز او یک گناه محو میگردد زمانیکه کدام شخص از شما اقامت نماز را شنود برای آن تأخیر کردن مناسب نیست از میان شما آن شخص اجر وپاداش زیاد را کمانی می کند که خانه اش از مسجد دور باشد. پرسیده شد ای ابوهریره رضی الله عنه سبب این کار چیست؟ آن رضی الله عنه فرمود: بخاطر قدم های زیاد نماز گذار این فضیلت برایش داده میشود. محمد ﷺ فرموده است: عبادت که درتنهائی اداء می شود از عبادتی دیگر افضل نیست شرط که فرحیت الله ﷻ حاصل گردد. ارشاد نبی کریم ﷺ است که برای مسلمان که بخاطر رضای پروردگار سجده می کند و دربدل هر سجده ان درجه اش بلند میگردد، وگناه وی محو میگردد.

روایت است که شخص به محمد ﷺ عرض نمود که برایم دعا کن که درمستحقین شفاعت تان محسوب شوم و درجنت هم صحبت تان گردم محمد ﷺ برایش فرمود: به سجده نمودن زیاد اعانت مرا بخواهید یعنی عبادت زیاد کن، محمد ﷺ درحدیث شریف دیگری فرموده است که انسان دروقت سجده نمودن به پروردگار خود چنین نزدیک می باشد مثلیکه الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَٱسْجُدْ وَٱقْتَرِب ۩ ﴾[1]. ترجمه: وسجده کن وقریب شو.

وهمچنان فرموده است: ﴿ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ ﴾[2].

ترجمه: علامت ایشان در روی های ایشان است از اثر سجده.

درمورد تفسیر این آیت شریف اقوال متفاوت است که از اقوال این است که هدف ان حصه اولی روی است که در وقت سجده به زمین تماسی گرفته ویا آن نوری خشوع وخضوع است که از باطن وظاهر می درخشد وروشنائی او بر روی آشکار میگردد وهمین سخن درست است ویا مطلب آن نوری است که دروقت وضوء کردن نشانی می گردد روز قیامت بر روی او می درخشد نبی کریم ﷺ فرموده است: زمانیکه شخص سجده تلاوت را اداء می نماید شیطان گریان کرده فرار میکند، ومی گوید: ای افسوس به این شخص حکم سجده شد کرد و او این حکم را پذیرفت وجنت را حاصل نمود، مرا حکم سجده کردن شد مگر من نافرمانی کردم وبرایم جهنم نصیب گردید. ارشادات علماء دین درمورد نماز: از علی بن عبدالله بن عباس روایت شده است که آن هر روز یک هزار سجده میکرد ازین رو مردم به او سجاد می گفتند. روایت است که عمر بن عبدالعزیز دائم الوقت برخاک سجده میکرد یوسف بن رباط

---

[1] (العلق ۰۱۹)

[2] (الفتح ۰۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

می گفت: ای جوانان! قبل ا ز مرض صحت را غنیمت شمارید وحرکت نماید صرف به شخص رغبت هوس می شود او رکوع وسجده بطور کامل اداء نماید همین امر دربین ما واوحایل گردیده است.

سعید بن جبیر ﷺ می فرماید: بدون سجده نمودن با هیچ چیز محبت و دوستی ندارم.

عقبه بن سالم رحمه الله گفته است الله ﷻ از آن عادت بنده خود عادت دیگری را دوست ندارد که درآن ملاقات الله ﷻ را دوست دارد. وقتیکه انسان درسجده باشد به الله ﷻ خیلی زیاد نزدیک میباشد.

ابوهریره ﷺ فرموده است که انسان درحالت سجده باشد. به الله ﷻ خیلی نزدیک میباشد لهذا درسجده دعاهارا زیاد نمائید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب چهل ونهم
دربیان عذاب ترک نماز

در مورد جهنمیان الله ﷻ فرموده است که آنها می گویند:﴿ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾ [1].

ترجمه: نبودیم از نماز گذاران و نبودیم که طعام می دادیم محتاج را وبودیم که فرو می رفتیم با فرورفتگان را.

از امام احمد روایت شده است: تفاوت درمیان ایمان وکفر ترک کردن نماز است. چند احادیث صحاح سته: مسلم شریف روایت کرده که درمیان اسلام وکفر بدون ترک نمودن نماز چیزی دیگری نیست. در روایت ترمذی شریف آمده است فرق وتفاوت درمیان کفر وایمان ترک نمودن نماز است. در روایت ترمذی شریف آمده است که محمد ﷺ فرموده: تفاوتی درمیان ما وآنها ترک کردن نماز است. در روایت طبرانی آمده است که کسیکه عمداً نماز را ترک کرد او مانند کفار عمل کرد کسیکه نماز را ترک نمود او طور مشرکین عمل کرده. در روایت دیگر آمده است که او اسلام را عریان کرده نهاد های اسلام سه چیز است که عمارت اسلام بر آن استوار است وکسیکه ازین سه چیز یکی را ترک گفت اوکافر شد وقتل او روا وجائز است. گفتن کلمه شهادت یعنی گواهی وشهادت به وحدانیت پروردگا نماز فرض را اداء نمودن وگرفتن روزه ماه رمضان.

در روایت دیگری حسن آمده است کسیکه این سه چیز یکی را ترک گفت او از الله ﷻ انکار کرد هیچ بدله وی پذیرفته نمی شود گرفتن مال وریختن خون او حلال است. درطبرانی به روایت حسن از عباده بن صامت روایت شده او گفته که: محمد ﷺ مرا نصیحت تا هفت چیز کرده است. هیچ کس رابه الله ﷻ شریک مگردان اگر که قطعه قطعه شوی ویا هم سوختانده شوی ویا بدار آویزان شوی عمداً نماز را ترک نکنی کسیکه قصداً نماز را ترک کرد او از اسلام خارج گردیده از گناه ونافرمانی اجتناب کن زیرا او باعث قهر الله ﷻ می شود شراب

---

[1] (المدثر ٤٢-٤٥)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشید زیراکه او منبع واساس همه گناهان است. روایت ترمذی است که صحابه کرام ترک نمودن نماز را کفر تلقی کرده اند. درحدیث صحیح آمده است که درمیان بنده وکفر فرق صرف به نماز است زمانیکه او نماز را ترک نمود او شرک کرد. در روایت بزار آمده شخصی که نماز نمی خواند او دراسلام هیچ نصیبی ندارد وکسیکه وضوء او درست نباشد نمازش صحیح نمی گردد. روایت طبرانی است کسیکه امین نباشد او ایمان ندارد. وکسیکه با وضوء نباشد نمازش صحیح نمی شود وکسیکه نماز راترک کرد دین وی باقی نمی ماند مثلیکه سر در بدن مقام خاص دارد همچنان در دین نماز مقام ویژه دارد درسند بزار از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که او فرمود: زمانیکه دید چشمانم ختم شد برایم گفته شد نماز را ترک کنید علاج چشم تانرا می کنم من گفتم: این چنین کاری ناممکن است زیراکه از محمد ﷺ شنیده ام کسیکه نماز را ترک گوید او با پروردگار درحالتی ملاقات خواهد کرد که با آن شخص با قهر و غصه باشد واز او ناراض است. روایت طبرانی است که شخصی درخدمت محمد ﷺ حاضر گردید عرض نمود مرا عملی نشان بده که بوسیله وی به جنت داخل شوم او ﷺ فرمود: با الله جل جلاله شریک مقرر مکن اگر که ترا عذاب دهند ویاهم زنده سوختانده شوی احترام پدر و مادرت رابکن اگر که ترا از همه مال محروم سازد عمداً نماز را ترک مکن زیرا اگرکسی قصداً همین کار راکرد او از ذمه پروردگار خارج گردیده.

در روایت دیگری آمده است که بالله جل جلاله شریک مگیر. اگر که کشته شوی. نافرمانی والدین مکن اگر که ترا از أهل وعیال خارج کنند. نماز فرض را ترک مکن زیرا هر شخص که نماز فرض را عمداً ترک کرد او از ذمه پروردگار خارج گردیده.

شراب منوش زیراکه نوشیدن شراب اساس هر بدی است از نافرمانی الله جل جلاله خود داری کن زیراکه به این امر الله جل جلاله ناراض می شود. در زمان جنگ از فرار نمودن پرهیز کن اگر که تو کشته شوی. اگر رفیق تان قتل گردد باید ثابت قدم باشید. مطابق توان وطاقت خود با اهل وعیال خویش احسان کن از تادید شان غافل شوید وهمیشه آنها را از پروردگار بترسان.

روایت صحیح ابن است که در روز ابر آلود نماز را در وقت اول بگذارید زیرا کسیکه نماز را ترک کرد او مرتکب کفر گردید. روایت ابو نعیم است کسیکه عمداً نماز را ترک کرد الله جل جلاله نماز اورا در آن دروازه جهنم می نویسد که درآن داخل می گردد. روایت طبرانی است کسیکه نماز را ترک کرد گویا مال واولاد او نابود گردیده. حاکم از علی رضی الله عنه روایت کرده است: محمد ﷺ به قریش فرمود: ای قریش! نماز را بخوانید وزکات را حتماً اداء نمائید واگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

همین کار را نکردید الله ﷻ به شما شخصی می فرستد که بخاطر دین عقب تان راقطع نماید.
روایت مرسل امام احمد درمسند است که الله ﷻ در رسوم چهار چیز رافرض گردانیده است
کسیکه از جمله آنها سه تکمیل کند ویکی را ترک کند او از عذاب الله ﷻ هیچ کس نجات
داده نمی تواند تاکه بر چهار آن عمل ننماید آن (نماز، روزه، زکات، وحج است) روایت
اصفهانی است کسیکه عمداً نماز را ترک کرد الله ﷻ اعمال اورا ضائع می سازد و از ذمه خود
اورا خارج می کند تاکه به درگاه پروردگار توبه نماید، روایت طبرانی است. کسیکه نماز را
ترک کرد او مرتکب کفر آشکار گردیده، محمد بن نصرو بن عبدالبر در مسانید خویش
موقوف روایت کرده است کسیکه نماز را اداء نکرد او کافر گردیده است ابن نصر رحمة الله
موقوف روایت نموده کسیکه نماز را ادا نکرد برایش دین وجود ندارد، ابن ابی شیبه روایت
کرده که محمد ﷺ فرموده است کسیکه نماز را ترک کرد او مرتکب کفر گردید(کافر شد) از
محمدبن نصر روایت شده که از اسحاق شنیدم که این حدیث شریف ثابت است که تارک
نماز کافر است از عصر محمد ﷺ حتی الآن همه علماء به این نظر اند که بدون عذر تارک نماز
کافر است، ابو ایوب ﷺ می فرماید: که ترک کردن نماز کفر است ودراین مورد اختلاف هم
وجود ندارد، الله ﷻ می فرماید:﴿ ۞ فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ
ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيّٗا ۝ إِلَّا مَن تَابَ [1]﴾.

ترجمه: پس آمد بعد از ایشان ناخلف که ضائع کردند نماز را ومتابعت کردند خواهشات
پس زود باشد که بر سند به (جزاء) گمراهی مگر کسیکه توبه کرد.

ابن مسعود ﷺ می فرماید: مطلب از ضائع نمودن این نیست که بالکل نماز نمی خواند بلکه
مطلب ومعنای او این است که نماز را تاخیر می کند، معنای ضائع نمودن نماز چیست؟ امام التابعین
سعید بن المسیب رحمه الله می فرماید: درین آیت مطلب از ضایع این است که نماز پیشین دروقت
دیگر ونماز دیگر را درشام و نماز شام را درعشاء ونماز صبح را در اشراق (آفتاب برآمد) بخواند
کسیکه این عمل را انجام دهد وبدون توبه بمیرد الله ﷻ برای او این وعده ها را کرده است خندق
عمیق وپر از عذاب جهنم است چنانچه الله ﷻ می فرماید:﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ
أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ۝ [2]﴾.

---

[1] (مریم ۵۹-۶۰)
[2] (المنافقون ۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: ای مؤمنان غافل نکند شما را مالهای شما ونه اولاد شما از یاد خدا وهر که بکند این کار راپس از جماعه ایشانند رایان کاران.

طائفه از مفسرین گفته است که مطلب از ذکر درین اثناء نماز است لهذا شخصی که از خاطر خرید وفروش مال خود مصروف گردد و او از نماز عافل شود ویا هم نماز رافراموش کند او خاسر است زیرا که محمدﷺ فرموده است روز قیامت از همه اولتر حساب نماز می شود اگر نماز او کامل بود فلاح وکامیابی نصیب شان گردید واگر نماز شان کامل نبود تمام آنها به اساس حرارت ذوب خواهد شد واین مسکن مردمی هست که درنمازهای انسان سستی وکسالت می کنند واز وقت معین خود آنرا تاخیر می کنند واگر به اللهﷻ توبه کنند واز اعمال گذشته خویش ندامت نمایند این کار دیگر است. مصعبؓ فرموده است که به پدرم گفتم آیا درمورد این فرمان الهی غور وفکر کرده اید که فرموده است﴿ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ۝ ﴾.

ترجمه: که ایشان از نماز خویش غافلند.

از میان ما کسی باشد که دروقت نماز خواندن فکر وتصور او متمرکز نماز نباشد او برایم گفت: مطلب این آیه این طور نیست که تومی گوی بلکه مطلب او اوقات نماز را تاخیر کردن وضائع کردن است.

وعید ها برای قضا کردن نماز:

در روایت ابن حبان آمده است کسیکه نماز را ترک کرد گویا مال و اولادش هلاک گردید. روایت حاکم است کسیکه دو نماز را یکجا اداء نمود او در دروازه گناه کبیره داخل شد. روایت صحاح سته است شخصی که نماز دیگرش فوت گردید گویا مال و اولاد و فامیلش هلاک شده. ابن فرعه رحمه الله درکتاب صحیح خود این الفاظ را اضافه نموده که امام مالک فرموده است مطلب ازین ضایع نمودن وقت است. روایت نسائی است درنمازها نماز است اگر شخصی او فوت شود گویا مال ومتاع وهمراه اهل واولادش هلاک گردیده او نماز دیگر است.

روایت مسلم ونسائیی است این نماز دیگر به امتهای قبلی تان تقدیم شد ولی آنها از دست دادند اگر از شما کدام شخصی به این پابندی نگذارد برایش عذاب دو چیز داده خواهد شد وپس ازین تا اشکار شدن ستاره ها نماز دیگر نیست. در روایت احمد، بخاری ونسائی است کسیکه نماز دیگر را عمداً ترک نمود عمل او برباد ونابود گردید. روایت احمد وابن ابی

(الملحون ۰۰۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شبیه است کسیکه نماز عصر را ترک نمود وقصداً اورا اداء ننمود الی فوت شدن وقتش بی شک عملش نابود گردید. روایت احمد وطبرانی است کسیکه قصداً نماز عصر را ترک نمود تاکه شام شد وعذری هم نداشت پس اهل و اولاد، مال و متاع او نابود شد. روایت امام شافعی وبیهقی است نماز شخصیکه فوت شد گویا خانواده ومالش نابود گردید. دربخاری روایت سمره بن جنید است که محمدﷺ زیادتر به صحابه کرا خود می فرمودند: درمیان شما اگر کسی خواب دیده باشد باید آنرا بیان کند هر کس خواب خود را بیان می کرد یک روز خود پیامبرﷺ مارا فرمود: دونفر به نزدم آمد ومرا از خواب بیدار کرد وگفتند با ما حرکت کن سپس با آنها رفتم درمکانی شخصی را دیدم که بر زمین افتیده است وشخصی دیگری سنگ بزرگی را گرفته بالای سرش ایستاد بود هنگامیکه به ا ین سنگ بر سرش می زد او به ذرات مبدل می شد. زمانیکه او دوباره سنگ را بلند می کرد سر شخص به حالت اول می آمد وبالکل جور می شد او باز همین عمل را تکرار می کرد سره میده می شد و دوباره صحیح می شد. من این عمل را می دیدم وبر هر دوی آن گفتم: سبحان الله این چه کاری است؟ مرا گفتند اندکی نزدیک شوید کمی پیش رفتم شخصی را دیدم که بر عقب خود افتیده است شخصی دیگری درپهلوی او چاقو و کارد آهنین به دست داشته ایستاده است درپهلوی دهانش تابه گوشها می دراند همین عمل را بابینی وچشمانش نیز می کند یعنی آنرا می درد باز به طرف دیگر او می آید وهمین عمل را تکرار می نماید. من گفتم: سبحان الله! این چیست؟ هر دو رفیقم برایم گفتند بیا اندکی پیش برویم، رفتیم مانند تنور چیزی را دیده. راوی می گوید: شاید رسول اللهﷺ این هم گفت که از آنها آواز های گوناگون می آمد محمدﷺ فرمود: که در آنها مردان وزنان برهنه نیز بود. ناگهان از ناحیهٔ پائین شان شعله آتش بلند می گردید وآنها آه وفغان می کردند. من پرسیدم این ها چه کسی هستند؟ آنها برایم گفتند بیا همرای ما پیش بروید کمی پیش رفتیم در پای را دیدم که درآب او مانند خوس سرخ گشته بود در آن شخصی را دیدم که حرکت می کرد در آب دریا شخصی بود که سنگها را در دست خود گرفته و اورا می زند من پرسیدم اینها کی هستند؟ آنها برایم گفتند: کمی پیش باما همراهی کن اندکی پیش رفتیم شخصی را دیدم که چهرهٔ خیلی قبیح داشت مانند او در قباحت کسی را ندیده بود او آتش راشعله ور می کند و در گرد او حرکت می کرد من پرسیدم اینها کی هستند؟ آنها برایم گفتند: هرایم پیش بروید سپس به باغ رسیدیم که درآن هر نوع شاخه ها، چمن وچیزهای

(c) ketabton.com: The Digital Library

دیگر درآن سبز بود درعقب او شخص که قدش به آسمان می رسید ایستاده بود در پیرامون او اطفال خورد سال ایستاده بود من پرسیدم اینها کی هستند؟ وچه می کنند؟

فرشته ها برایم فرمودند: کمی پیش با ما بروید با آنها پیش رفتم درآنجا درخت بزرگی را دیدم که مثل او درخت بزرگی ندیده بودم، آنها برایم گفتند: به این درخت بلند شو من بلند شدم شهری را مشاهد کردم که از خشت های طلا ونقره ساخته شده بود. من گفتم دروازه این شهر رابرایم باز کنید. دروازه باز شد فرشته با او گفتند درجوی آب داخل شوی دیدم که جوی سفیدی است آنها به سوی جوی حرکت کردند. زمانیکه برگشتند دیدم که روی های شان خیلی زیبا وحسین گشته بود. فرشته ها برایم گفتند: این جنت عدن است واین مکان شما است زمانیکه بالا نظر کردم مانند ابر سفید محل رامشاهده نمودم آنها برایم گفتند: این خانه شما است. به آنها گفتم بارک الله فیکم مرا اجازه بدهید که داخل شوم آنها فرمودند: حالاً داخل شده نمیتوانید باز به آنها گفتم کدام عجائبات را که دیدم حقیقت اورا برایم بیان دارید. آنها درپاسخ فرمودند: الآن برایت بیان می کنم نخستین شخص که دیدیم کسی بود که قرآن کریم راتلاوت می کرد وبرآن عمل نمی نمود ودر زمان نمازهای فرض خواب می شد وآنرا ترک می کرد شخصی دومی که دیدم کسی بود که خودش دروغ میساخت و آن را نشر می کرد چیزی مانند تنوری که دیدم در آن مردان وزنان زناکار می باشند. شخصی که در جوی خون دیدم او سود خور است وکسیکه آتش می افروخت وگرد ا و حرکت می کرد مسئولین جهنم است. شخصی قامت بلند راکه دیدیم او ابراهیم علیه السلام بود ودر پیرامون او اطفال خورد سن کسانی هستند که درعهد فطرت فوت نموده است. بعضی مسلمانها پرسیدند یا رسول الله ﷺ اطفال خورد که فوت گردد در آنجا می باشند؟ محمد ﷺ فرمود: بلی. وکسانی را نگاه کردی که یک پهلوی او خوب ودیگری بد وقبیح بود اشخاص هستند که دراعمال خود حسنات وسیئات هر دو باخود می آورد. الله ﷻ اخطاء او معاف می کند. در روایت بزار آمده است که محمد ﷺ به قومی عبور کرد که سرهای شان به سنگها زده می شد میده میده گردید وپس به حالت اصلی خود می گشتند وهمین عذاب بر آنها مکرراً داده می شد او ﷺ فرمود: آنها مردمی هستند که سرهای شان بخاطر نماز ثقیل می شد. یعنی نماز راترک می کردند.

نماز شخص مؤمن:

خطیب وابن النجار روایت کرده است نماز نماز نشانه علامة اسلام است قلب هر شخص که به نماز متوجه بود وآنرا با تمام شرائط وبه وقت خود به طریقه درست وصحیح اداء کرد او

(c) ketabton.com: The Digital Library

مومن است. ابن ماجه روایت کرده است که محمدﷺ فرموده: ارشاد مبارک الله ﷻ است که بر امت تان پنج وقت نماز را فرض گردانیدم ووعده نمودم که هر کس این نمازها را به وقت معین خود ادا نماید اورا به جنت داخل خواهم کرد وکسیکه پابندی آنرا ننماید برایش وعده نموده ام. روایت احمد وحاکم است کسیکه براین فهمید که براو نماز فرض گردیده وآنرا اداء نمود به جنت داخل می شود. روایت ترمذی. نسائی وابن ماجه است روز قیامت نخست حساب از نماز می شود اگر نمازهای او درست کردید موفق وکامیاب شد واگر درنمازهای او نقصان وکمبود بود خاسر و خائب گردید. اگر نمازهای فرض او کم شد الله ﷻ می فرماید نماز نوافل بنده ام نظر کنید ونقص نمازهای فرض وی را از نوافل تکمیل کنید پس دارمدار یعنی نقطه ارتکاز اعمال مربوطه به موفقیت ویا ناکامی به نماز است واساس وبیناد همین نماز است. حدیث نسائی است روز قیامت اولتر از تمام امور دربین مردم حساب وکتاب قتل می شود. درمسند احمد. ابوداؤد. نسائی وابن ماجه وحاکم حدیث شریف آمده است که روز قیامت از همه اولتر محاسبه نماز می شود سپس زکات وبعداً حساب وکتاب همه اعمال می گردد. حدیث شریف طبرانی است که محمدﷺ فرمود: جبرائیل امین پیام الله ﷻ برایم آورد وفرمود: الله ﷻ فرموده است که ای محمدﷺ به امت تو پنج وقت نماز را فرض گردانیدم کسیکه این نمازهای رابه وضوء درست وقت معین رکوع وسجده درست وصحیح اداء نماید من با آنها وعده نمودم که آنها رابه جنت داخل می کنم. وکسیکه روز قیامت درحالتی بامن ملاقات نمود که درنمازهای وی کمبود موجود باشد هیچ وعدهٔ ندارم. اگر بخواهم آنرا عذاب دهم واگر بخواهم در پرتو رحم خود قرار دهم.

حدیث شریف امام بیهقی است: کسیکه میزان نماز را پوره وکامل کرد او کامیاب گردید. حدیث دیلمی است که نماز روی شیطان را سیاه می کند. صدقه داده سرش رامی شکند بخاطر رضای الله ﷻ بامردم محبت کردن وباعلم دوستی نمودن شیطان را باناکامی مواجه می سازد. زمانیکه این اعمال را انجام بدهد شیطان به اندازه دوری مشرق ومغرب از شما فرار می کند. روایت ترمذی. حاکم وابن حبان است که از الله ﷻ بترسید وپنج وقت نماز را اداء کنید. روزه ماه مبارک رمضان را بگیرید و زکات مال خود رابدهید. اطاعت سران وبزرگان تان رابکنید جنت پروردگار تانرا بدست خواهید آورد. حدیث احمد. بخاری. مسلم. ابوداؤد و نسائی است که به نزد الله ﷻ از همه اعمال بهتر وافضلتر اداء نمودن نماز دروقت

(c) ketabton.com: The Digital Library

معین خود، سپس با والدین معامله خوب ونیک نمودن و پس از آن جهاد کردن است. در وقت درست و صحیح اداء نمودن نماز نزد الله ﷻ خیلی محبوب است واهمیت دارد.

بیهقی از عمر ﷺ روایت می کند که درخدمت محمد ﷺ کسی حاضر گردیده عرض نمود: مرا بفرماید که به نزد الله ﷻ کدام عمل خیلی محبوب است؟ او ﷺ فرمود: در وقت صحیح اداء نمودن نماز است کسیکه نماز را ترک کرد برایش دین نیست. نماز ستون دین است.

زمانیکه عمر ﷺ زخمی گردید کسی به او ﷺ گفت: ای عمر! وقت نماز است او ﷺ گفت: بسیار خوب، بی شک کسی که نماز را ضائع ساخت او در دین هیچ نصیبی ندارد. او ﷺ بلند شد ونماز را ادءا نمود درحالتی که از بدنش خون جاری بود. روایت ذهبی است که زمانیکه بنده در اول وقت نماز را بخواند نمازش به آسمانها بلند می گردد چهره او خیلی زیبا ونورانی می باشد تاکه به عرش برسد وبرای نماز گذار تاقیامت دعا می کند که پروردگار حفاظت تانرا بکند که حفاظت من را انجام دادی وکسیکه بی وقت نماز را بخواند نمازش به شکل بسیار قبیح به آسمان می رود او در تکه خیلی نجس وکهنه (قطعه قطعه شده) پیچانده می شود و دوباره بر روی نماز گذار زده می شود. روایت ابوداؤد است که محمد ﷺ فرموده است که سه شخص است که پروردگار نماز وذکر اورا نمی پذیرد از جمله آنها شخصی است که نماز خودرا تاخیر می خواند. یعنی علماء گفته اند وحدیث شریف هم است کسیکه اهتمام وپابندی نماز را می کند الله ﷻ به او پنج چیز را عنایت می فرماید: فقر اورا ازبین می برد. برایش عذاب قبر داده نمی شود. نامه اعمالش بدست راست داده می شود. به پل صراط مانند برق عبور می کند وبه جنت بدون محاسبه داخل می گردد.

نزول مصائب بالای کسانیکه در نماز سستی می کند: کسیکه درنماز سستی و تنبلی می کند الله ﷻ اورا با مصائب ومشکلات دچار می سازد. که سه آنها در دنیا وسه درحالت مرگ، وسه درقبر وسه بعد از خروج قبر مصائب دنیوی این است که برکت عمرش گرفته می شود علامه صالحین از روی او ختم می گردد. الله ﷻ اجر وپاداش هیچ اعمالش رانمی دهد. دعای وی به آسمان بلند نمی شود. دراستدعاء نیکان محسوب نمی گردد. مصائب یکه بر او در وقت مرگ می رسد این است که به ذلت می میرد. اگر تمام آب ها برایش داده شود باز هم به تشنگی می میرد. تشنه از دنیا می رود. مصائب که درقبر داده می شود این است که قبرش تنگ می شود. به اندازه وضیق می گردد که پایش یکی در دیگر داخل می گردد درقبرش آتش افروخته می باشد که شب و روز در آن می باشد. بر او ماری مسلط می گردد که ناخنش

(c) ketabton.com: The Digital Library

شجاع می باشد بر سر موی ندارد، چشمانش از آتش می باشد و ناخن او از آهن مانند برق (الماس) آسمان آوازی دارد با مرده با لهجهٔ سخت گفتگو می کند وبرایش می گوید: من ماری هستم که بر سر موی ندارم الله ﷻ برایم حکم کرده است که شب و روز بخاطر نماز ترا بگزم هنگامیکه او رابگزد هفتاد گز در زمین فرومی شود، وتاقیامت درین عذاب مبتلا می باشد. مصائب دیگ در وقت بیرون آمدن از قبر برایش می رسد این است که بر رویش سه سطر نوشته می شود که سطر اول این می باشد ای ضایع کننده حقوق الله ﷻ! مثل که تو حقوق الله ﷻ را در دنیا ضائع کرده بودی همین طور امروز از رحمت الله ﷻ نا امید هستی. درین حدیث که تعداد مجموعی آن پانزده شده است لکن تفصیل آن چهارده مصیبت بیان گردیده است. شاید مصیبت پانزدهم از ذهن راوی فراموش شده باشد.

از ابن عباس ﷺ روایت شده است شخصی روز قیامت ایستاده کرده خواهد شد الله ﷻ دربارهٔ او حکم صادر می کند که اورا به جهنم بفرستید او پرسان خواهد کرد که ای الله ﷻ چرا مرا به جهنم روان می کنی؟ الله ﷻ برایش می فرماید: زیراکه تو نماز ها را بعد از وقت معین او ضائع ساخته ای وبه اسم من سوگند کرده اید. از بعضی محدثین روایت شده است که روزی پیامبر ﷺ به اصحاب خود فرمود: که از پروردگار دعاء بخواهید که ای الله! کسی از میان ما محروم وشقی نسازد باز فرمود: آیا میدانید که شقی ومحروم کیست؟ صحابه کرام گفتند: یا رسول الله او کیست؟ او ﷺ فرمود: کسی است که نماز ها را ترک می کند. هم چنین روایت شده که روز قیامت روی شخص بی نماز سیاه گردانیده می شود درجهنم به اسم لملم درهٔ است که درآن مارها زندگی می کنند هر مار به اندازه شتر بزرگ می باشدوبه مسافه یک ماه سفر کردن دراز می باشد او بالای بی نماز مسلط میگردد. زهری آن تاهفتاد سال دربدنش جوش می زند باز گوشت او ذوب می گردد کسیکه قصداً نماز را ترک می کند از زنا کار هم بدتر است. درمورد کسی که قصداً نماز را ترک می کند روایت شده که زنی از بنی اسرائیل به موسی ﷺ آمد وعرض کرد ای نبی الله ﷻ! من مرتکب گناهی شدم واز آن توبه هم نموده ام از الله ﷻ دعاء بخواه تاگناه مرا معاف کند وتوبهٔ مرا قبول سازد. موسی ﷺ از او پرسید چه گناه کرده اید؟ او گفت: گناه کردم ام طفل که از طریق زنا به دنیا آمد اورا قتل نمودم به شنیدن این سخن موسی ﷺ برایشان فرمود: ای زن شقی وبدبخت! از اینجا بروید تابه اساس گناهت آتش از آسمان نیاید ومارا نه سوزاند. زن بسیار پریشان وخسته از اینجا رفت درین زمان جبرئیل امین آمد وبه موسی ﷺ فرمود: ای موسی ﷺ! زنی که از گناه توبه نموده چرا

(c) ketabton.com: The Digital Library

تو از نزد خود دورش نمودی؟ آیا تو از آن شخصی بدبختی را مشاهده نکرده ای؟ موسی علیه السلام فرمود: ازین زن شخصی دیگری هم زیاد شقی وبدبخت است؟ جبرئیل امین فرمود: شخصی است که عمداً نماز را ترک می کند.

از بعضی صالحین روایت شده است کسی خواهرش از دنیا درگذشته اورا دفن نمود درهمین وقت پول از اثر پریشانی درقبر افتید زمانیکه تمام مردم بعد از دفن کردن او به خانه های خود رفتند او راهمیانش بیاد آمد اودوبارهٔ به قبر برگشت کرد وقبر را دوباره باز نمود دید که درقبرش شعله های آتش فروزان است او قبر رابند نمود وبه گریان به خانه آمد وبه مادرش گفت: ای مادر! مرا بگو که خواهرم چه عمل داشت؟ مادرش درپاسخ گفت: چرا پرسان داری؟ او گفت درقبر خواهرم شعله های آتش را دیدم، مادرش گریان کرد وبرایش گفت: همشره ات درنماز سستی می کرد وپس از وقت آنرا اداء می نمود این حالتی کسی است که نماز را نا وقت می خواند، حالت آن مردی چه خواهد بود که یکباره نماز را ترک میکند. ای الله جل جلاله درحضور تان استدعا می کنم که مارا در وقت معین توان نماز خواندن را بدهید بی شک شما ذات مهربان رؤف و رحیم هستی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجاوم

دربیان طبقات جهنم و عذاب او

الله ﷻ می فرماید: ﴿ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴾[1].

ترجمه: اورا هفت دراست هر دری را گمراهان حصه است جدا کرده شده.

اینجا مطلب از جزء گروه وجماعت است ومطلب از دروازه طبقات است که یکی بالای دیگری ساخته شده است. هر طبقه جهنم برای یک گروه مخصوص است. ابن جریج رحمه الله گفته است: طبقات جهنم هفت است. جهنم. لظی. حطم. سعیر. سقر. جحیم. هاویه طبقه اول برای ملحدان دوم برای یهود. سوم برای نصاری. چهارم برای صابئین. پنجم برای آتش پرستان است وباقیمانده به ترتیب پائین آنها هستند یا مطلب این است که الله ﷻ پیروان ابلیس را بدو بخش تقسیم نموده است وهر گروه آن درهفت طبقه جهنم زندگی می کند چون درجات وگناه مختلف است لهذا درجات دخول جهنم هم متفاوت است. این هم گفته شده که هفت طبقه جهنم مطابق هفت عضوی انسان ساخته شده که او قرار ذیل است چشم. گوش. زبان. شکم. عورت. دست. پاها. چون این اعضاء اسباب های گناهان است. لهذا برای دخول آن هم هفت دروازه ساخته شده است. ازعلی رضی الله عنه روایت شده است که طبقات بالا وپائین جهنم هفت است. طبقه اول. دوم. سوم. چهارم. به همین منوال همه طبقات پر می گردد. بخاری در تاریخ خود وترمذی از ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده است که محمد ﷺ فرمود: دروازه های جهنم هفت است. یکی از آنها برای شخصی است که بر امتی ام شمشیر رابلند نموده است.

آتش جهنم:

طبرانی درمعجم اوسط خود روایت کرده است که باری جبرئیل علیه السلام در وقتی تشریف آورد که سابقاً درچنین وقت گاهی نیامده بود محمد ﷺ برایش ایستاده شد وفرمود: ای جبرئیل: چه سخن است؟ ترا پریشان نگاه می کنم. جبرئیل امین فرمود: من درحالتی درجوارت آمده ام که الله ﷻ حکم افروختن آتش جهنم را داده است. او ﷺ فرمود: ای جبرئیل مرا درمورد چیزی معلومات ارائه کنید. جبرئیل علیه السلام عرض کرد: الله ﷻ حکم کرد که درجهنم

---

[1] (الحجر ٤٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

برای هزار سال آتش افروخت شود. او چنین گرم شد که سفید گشت باز حکم هزار سال دیگر افروختن آتش داده شد تاکه مکمل سیاه گشت حالاً جهنم سیاره وتاریک هست نه ختم می گردد ونه شعله های او خاموش می شود به الله ﷻ سوگند اگر به اندازه سراخ بسوزن جهنم باز گردد ساکنین نابود وفنا خواهند شد به الله ﷻ سوگند اگر یک فرشته جهنم به بیاید تمام باشندگان دنیا هلاک خواهد شد. زیراکه او بسیار سیاه وبد چهره هست وبوی او درجهان منتشر می شود. به الله ﷻ سوگند اگر زنجیر جهنم که درقران کریم بیان آن امده است یک قطعه او بر زمین نهاده شود. زمین پاره پاره می شود. وآن قطعه به تحت الثری خواهد رسید. محمد ﷺ این سخنان شیند وفرمود: ای جبرئیل! این قدر معلومات کفایت می کند ودیگر ساکت باشید. این سخنان برایم بسیار پریشان کننده است.

راوی می گوید: زمانیکه محمد ﷺ به جبرئیل امین علیه السلام نظر کرد که او گریه کرد محمد ﷺ برایش گفت: چرا گریه می کنی؟ تو در نزد پروردگار مقام بلندی داری او گفت: چرا گریه نکنم من مستحق وحق چنین چیزی هستم معلومات نیست نزد پرودرگار دیگری داشته باشم معلومات نیست مانند ابلیس درامتحان بیفتم او دربین فرشته ها سکونت داشت چه معلومات است مانند هاروت وماروت امتحان شوم دراین اثناء از چشم مبارک محمد ﷺ اشک جاری گردید هر دوبسیار گریان کردند وبرای شان آواز شد ای جبرئیل ای محمد! الله ﷻ شما را از نافرمانی محفوظ گردانیده ام پس ازین جبرئیل امین به آسمان رفت. باری محمد ﷺ درجوار جمعیتی از انصاری عبور کرد که آنها درخنده وسخنان بیهوده مصروف بودند. او ﷺ برای شان فرمود: شما هنوز هم خنده می کنید، درعقب تان جهنم هست که اورا می بینم اگر شما جهنم را دیده بودید خند را کم وگریان را زیاد خواهید کرد. خوردن ونوشیدن راترک نمودید و به کوهها رفته بودید ودرآنجا عبادت پروردگار راکرده بودید. درین اثناء از طرف پروردگار آواز امد که ای محمد ﷺ بندگانم را نا امید مساز شما بشارت دهنده فرستاده شده اید نه بخاطر انداختن مردم درمشکلات ومصائب. باز محمد ﷺ به آنها گفت: به راه مستقیم حرکت کنید وامید رحمت الله ﷻ را داشته باشید. روایت احمد است که محمد ﷺ به جبرئیل گفت: من هیچ گاه میکائیل علیه السلام را درحالت خنده کردن ندیده ام چه علت است؟ جبرئیل امین فرمود: از زمانیکه جهنم خلق گردیده روزی هم جای خنده نکرده است.

درمسلم روایت شده است که محمد ﷺ فرمود: روز قیامت جهنم به هفتاد هزار زنجیر بسته آورده می شود. وهر زنجیر آن را هفتاد هزار ملائیکه کش می کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و یکم

دربیان عذاب جهنم

روایت ابوداؤد، ترمذی ونسائی است زمانیکه الله ﷻ جنت وجهنم را آفرید جبریل ؑ رافرستاده که شما بروید جنت وچیزهای دیگری که برای جنتیان خلق کرده ام نظر کنید جبریل امین آمد جنت وچیزهای که برای جنتیان خلق کرده بود همه را مشاهده نمود باز به بارگاه الله ﷻ حاضر شد عرض کرد به عزت وجلال تو سوگند یاد می کنم هرشخص که وصف این جنت و نعمتهای آنرا بشنود حتماً سعی آمدن جنت را خواهد کرد. الله ﷻ حکم کرد که جنت به مشقت حاصل می گردد، باز به حضرت جبریل حکم کرد که برو ببین برای آمدن جنتیان چه انتظامی گرفته شده است. زمانیکه جبریل امین آمد جنت با مصائب وتکالیف پوشانده شد دید و برگشت گفت: به جلال تو سوگند. می ترسم که به جنت کسی داخل نشود. باز الله ﷻ برایش حکم کرد که جهنم واسباب زندگی ساکنین اورا مشاهده کنید که کدام چیزها برای شان آماده ساخته ام. او آمد دید که آتش درمیان خود یکدیگر رامی خورد جبریل امین پس آمد وعرض کرد ای الله ﷻ به عزت تو سوگند یاد می کنم کسیکه وصف جهنم را بشنود سعی آمدن به آن رانخواهد کرد. الله ﷻ حکم کرد که جهنم درشهوات پوشانیده شده است.

الله ﷻ باز به جبریل امین امر کرد که حالاً بروید مشاهده کنید جبریل امین آمد جهنم را دید دوباره درحضور پروردگار حاضر گردید وگفت: به عزت وجلال تو سوگند یاد می کنم که ترس وخوف این امر دارم که هیچ کس از افتیدن درجهنم نجات نخواهد یافت.

بیهقی از عبدالله بن مسعود روایت کرده است که او این آیت شریف را ﴿ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴾[1] راتلاوت کرده ودرتشریح او فرمود: من نمی گویم که او مانند درختها پاره های بزرگی را می اندازد بلکه مانند شهرها وقلعه ها پاره های از آتش بزرگی رامی اندازد. احمد، ابن ماجه، ابن حبان درصحیح خود وحاکم روایت کره است که (ویل) درهٔ جهنم است کافر در او چهل سال کامل سفر می کند به عمل او رسیده نمی تواند. درترمذی همین طور گفته شده است درجهنم وادی(درهٔ) است که کافر تا هفتاد سال سفر کردن به حصه آخری آن نمی رسد. در هر روایت تفاوتی درتعداد سالها موجود است ولی مطلب هر او عمق وادی است که کافر به سالها

---

[1] المرسلات: ۳۲.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در او سفر می نماید. عذاب جب الحزن: حدیث شریف ابن ماجه وترمذی است که او ﷺ فرمود: از جب الحزن پناه بخواهید. صحابه کرام پرسیدند که یارسول الله ﷺ این چیست؟ او ﷺ فرمود: این یک وادی جهنم است که جهنم روزانه چهار مرتبه از او پناه می خواهد. پرسیده شد برای کی ساخته شده، او ﷺ فرمود: برای آنانکه اعمال خود را به نمائش می گذارد.

وآنرا آشکار می سازد به نزد الله ﷻ آن قراء بد هستند که با حکام ظالم نشست وبرخاست دارد. طبرانی روایت کرده است درجهنم وادی است که جهنم از آن روزانه چهار مرتبه پناه می خواهد وبرای امتیان ریاکار محمد ﷺ ساخته شده. از ابن ابی دنیا روایت شده که درجهنم هفتاد هزار وادی است که درهر وادی (درة) هفتاد هزار خندق است ودر هر خندق هفتاد هزار سراخ می باشد ودرهر سراخ ماری می باشد که روی جهنمیان رانیش می زند.

درترمذی مقطع السند روایت شده که از بلندی جهنم سنگی انداخته می شود که به گذشت هفتاد هم به آخرت (عمق) دوزخ نمی رسد. عمر ﷺ اکثراً می فرمود: جهنم را زیاد ذکر کنید که او زیاد با حرارت وعمیق است ودرآن گرزهای آهنین است. درمسلم از ابوهریره ﷺ روایت شده است که ما با محمد ﷺ یکجا نشسته بودیم.

ماگفتیم: الله ورسوله اعلم او ﷺ فرمود: این سنگی بو که هفتاد سال قبل الله ﷻ به جهنم انداخته بود الآن ژرمای جهنم رسید. روایت احمد وترمذی است که محمد ﷺ به سر اشاره کرد وفرمود: اگر به این اندازه سرب از آسمان به زمین انداخته شود میان زمین وآسمان با وجود مسافه پنجصد ساله قبل به زمین رسیده خواهد بود واگر از لب جهنم انداخته شود درمدت چهل سال به اخر جهنم نخواهید رسید.

روایت احمد ابو یعلی وحاکم است. اگر جهنم که از آهن ساخته شده بر زمین نهاده شود جن وانس تلاش بلند کردن آنرا کند بلند نخواهدکرد. از حاکم روایت است اگر کوهی به او زده شود ذره ذره خواهد شد. از ابن ابی الدنیا روایت است اگر سنگی جهنم به کوه دنیا نهاده شود از حرارت او ذوب خواهد شد.

از حاکم روایت است تعداد زمین هفت است ودرمیان هر دو زمین مسافه سفر پنجصد ساله میباشد از همه زمین ها بلند تر به پشت ماهی قرار دارد. واو چشم خود را دائم الوقت به آسمان گرفته است او به کوه مستحکم قرار دارد. ودر دست های ملائکه هست زمین دوم بندی خانه است زمانیکه الله ﷻ حکم هلاکت قوم عاد را داد به خازن هوا امر فرمود: بر آنها هوای بفرستید که همراه آن هلاک ونابود گردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

خازن عرض کرد وگفت: یا الله! برآنها هوایی برابر سوراخ بینی گاو می فرستم. الله ﷻ برایش فرمود: به اساس اینقدر هوا تمام مخلوق نابود خواهد شد بلکه به اندازه سوراخ بنی گاو باد بفرستید. این هوای است که الله ﷻ درمورد او می فرماید:﴿ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: نگذاشت هیچ چیز را بگذشت برآن مگر که گردانید آنرا مانند پوسیده.

در زمین سوم سنگهای جهنم است درچهارم نجاست جهنم است. صحابه کرام عرض کردند یا رسول الله ﷺ آیا برای جهنم نجاست وگندگی است؟ او ﷺ فرمودند: به الله ﷻ سوگند ی درجهنم سرداری نجاست وگندگی انقدر است که اگر مقدار کم به کوه بلند ومحکم دنیا نهاده شود او ذره ذره خواهد شد. در زمین پنجم ماران جهنم است که رهنمائی شان مانند غار ها است زمانیکه آنها یک بار کافر را بگزد استخوان های او گوشت باقی نخواهد ماند. در زمین ششم عقارب جهنم است که عقرب خورد آن مانند قاتر می باشد وقتیکه او کافر را بگزد تکالیف حرارت جهنم را فراموش میکند درطبقه هفتم زمین ابلیس با آهن بسته میباشد یک دست او پیش ودیگر پس میباشد زمانیکه الله ﷻ بخواهد او برای کدام بنده خود رها کند. او را باز میکند.

از احمد. طبرانی. صحیح بن حبان وحاکم روایت است که درجهنم مانند گردنهای شتر سختی ماران میباشد. زمانیکه یکی از آنها کسی را بگزد حرارت او به مسافه هفتاد کیلو متر حس میگردد درجهنم به اندازه قاترها کوه های کژدم میباشد.

زمانیکه او کسی را بگزد به فاصله چهل کیلو میتر حرارت او محوس میگردد. از ترمذی، حاکم. وصحیح ابن حبان روایت است که محمد ﷺ فرمان الله ﷻ (کالمهل) را درمورد فرموده است او مانند گندگی که درحصه آخری تیل زیتون باقی میماند. زمانیکه در نزدیکی روی های کفار نزدیک گردد فروه (حصه) روی اش در آن می ریزد.

از ترمذی روایت است زمانیکه به سرهای شان آب گرم جهنم انداخته شود از سرهای شان میگذرد وشکم های شان متاثر میگردد وچیزیکه درآن باشد همه رابیرون میکشد تابه همین شدن از پاهای شان میگزرد. وچربی وجودشان ذوب میگردد باز آنها دوباره مانند سابق به حالت اصلی می آیند. وباز بالای شان همین آب انداخته میشود واین کار همرای شان تکراراً صورت میگرد. قول ضحاک است که درجهنم آن آب گرمی است که از خلق شدن

---

[1] (الذاریات ۴۲.)

(c) ketabton.com: The Digital Library

آسمان و زمین بدین سو بخاطر دوزخیان گرم کرده میشود وبرای آنها نوشانیده میشود. وبالای سرهای شان انداخته میشود. قول است همان آبی از اشک جهنمیان جمع شده است وبر دوزخیان نوشانیده میشود ودر مورد اقوال دیگری هم منقول است وهمچنان در قرآن کریم ذکر آن آب آمده است ارشاد الهی است:﴿ وَسُقُوا مَآءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ﴿١٥﴾ ﴾[1].

ترجمه: او نوشانیده می شوند آب گرم پس پاره پاره می کند روده هایی ایشانرا. از احمد. ترمذی، وحاکم روایت است که محمدﷺ دربارهٔ ارشاد الله ﷻ ﴿ وَيُسۡقَىٰ مِن مَّآءٖ صَدِيدٖ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ ﴾[2].

ترجمه: ونوشانیده شود از آب زرداب، جرعه جرعه فرو کشد آنرا ونزدیک نبود که به آسانی درکشد آنرا، از گلو فروبرده نمی تواند آنرا.

فرموده است که دهن دوزخی به آن آب نزدیک کرده می شود ولی بخاطر بدبوئی آن اورا پسند نمیکند ام زمانیکه به اساس تشنگی زیاد دهنش را نزدیک کند دهنش می سوزد وپوست روی وسر او با موهایش می ریزد زمانیکه آن را بنوشد روده های شان قطع میشود وخارج میگردد. چنانچه فرمان الهی است که:﴿ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ ﴾[3].

ترجمه: واگر فریاد کنند فریاد رسیده شوند به آبی مانند ریم(مش گداخته) بریان کند روی ها را.

آب بدبوی جهنم:

از احمد وحاکم روایت است اگر یک دلو آب بدبوی جهنم دردنیا انداخته شود تمام مخلوقات دنیا به اساس بدبوی آن با حلیقه مواجه خواهد شد. اسم آن (غساق) است درقرآن کریم یاد آوری آن شده است چنانچه فرمان الهی است:﴿ هَٰذَا فَلۡيَذُوقُوهُ حَمِيمٞ وَغَسَّاقٞ ﴿٥٧﴾ ﴾[4] و ﴿ إِلَّا حَمِيمٗا وَغَسَّاقٗا ﴿٢٥﴾ ﴾[5].

ترجمه: این است پس بچشند آنرا آب جوشان وریم.

(محمد ۱۵)

(ابراهیم ۱۶-۱۷)

(الکهف ۲۹)

(ص ۵۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: مگر آب گرم وزرد آب.

درمورد آب دوزخیان ارشاد است که: آب گرم وغساق نوشیدن آنها است درمعنای غساق اختلاف وجود دارد.

قول ابن عباس رضی الله عنه است که مطلب ازین آب زخمهای دوزخیان است.

کعب رضی الله عنه فرموده است که این چاه جهنم است درآن زهر چیزهای زهر دار مانند مار، گژدم، وغیره جمع میگردد، باز کافر آنجا داخل میشوند درآن غوته داده میشود، زمانیکه از آن خارج میشوند هم پوست و گوشت شان می ریزد وازپای او چنان اویزان میگردد مثلیکه درپای کسی قطعه اویزان باشد. وکشان کشان همراه خود میبرد. از ترمذی روایت است که محمد ﷺ این آیت شریف را تلاوت کرد که: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ ﴾[1].

ترجمه: ای مؤمنان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی ومیمرید مگر مسلمانان.

محمد ﷺ فرمود: اگر قطرهٔ زقوم بر زمین افتیده شود مخلوق زندگی نخواهد کرد حال شخصی چه خواهد بود که غذایش زقوم باشد.

الفاظ روایت دیگر است که: حالتی شخص چه خواهد بود که غذای آن زقوم باشد.

از ابن عباس به روایت صحیح حدیث نقل شده است که این آیت شریف را﴿ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ ﴾[2] را تلاوت نموده فرمود غذا در سری او بند گردیده تو ضیح اورا چنین بیان کرد. درین خار باشد که درحلق او بند میشود که نه بالا می رود ونه هم پائین می گزرد.

روایت بخاری و مسلم است که فاصله میان دوشانه کافر به اندازه سفر سه روز مرکب سریع یکسان است. از احمد روایت است که روز قیامت دندان کافر مشابه کوه احد میباشد. وضخامت پوست او هفتاد گز میباشد. دست او به اندازهٔ کوه بیضاد میباشد درآن او مثل ورمان. مکان نشست او به مسافه میان مدینه وابذه میباشد. در روایت دیگر آمده است که جای نشستن درجهنم است.

از احمد، طبرانی ترمذی روایت است وامام منذری سر حدیث نیکو گفته است وترمذی این حدیث را از فضیل بن یزید نقل کرده است که: کافر درجهنم به مسافه یک یا دو فرسخ

---

[1] (آل عمران ۱۰۲)

[2] (المزمل ۰۱۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

زبان خود را بیرون کرده درعقب خود می کشاند. مردم بالای او قدمهای خود را می گذارند. فرسخ به اندازه سه میل میباشد(مقیاس طولی است) احمد وحاکم از مجاهد به سند صحیح روایت کرده است که ابن عباسﷺ فرموده: آیا می دانید که اجسام دوزخیان چقدر بزرگ است. ما گفتیم: نه خیر. آن ﷺ فرمود: بلی شما نمی دانید فاصله میان نرمی گوش وشانه های شان به اندازه هفتاد کیلو میتر می باشد که درعربی خریف آمده است.

سیل در بدن شان خون وصدید روان می باشد ما پرسیدم: جوی ها میباشد.

او ﷺ فرمود: نه دره های سیل روان میباشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و دوم
دربیان فضیلت خوف از گناهان

این سخن را زهن نشین کنید درسخنان مخیف وترسنده از گناهان، خوف الله ﷻ فکر انتقام، هیبت شان وشوکت او ﷻ خوف عذاب او و گرفت او ﷻ حیثیت اشکاری دارد، الله ﷻ می فرماید:﴿ فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ ﴾.

ترجمه: پس باید که بترسند آنان که مخالفت می کنند از حکم او ازینکه برسد ایشانرا فتنه یی یابرسید ایشانرا عذابی دردناک.

روایت است که محمد ﷺ به سوی جوان تشریف آورد که درحالت مرگ قرار داشت او ﷺ فرمود: خود را درکدام حالت میبینی؟ او عرض کرد یا رسول الله ﷺ ! امیدوار رحمت پرودرگار هستم، وازگناهان خود خوف دارم، محمد ﷺ که سخنان اورا شنید فرمود: از قلب یک بنده دو امر جمع نمی شود مگر الله ﷻ امیدهای اورا پوره می سازد وبه اساس خوف از گناهان خود بی نیاز است. از وهب بن الورد روایت شده که عیسی علیه السلام می فرمود: با جنت محبت واز دوزخ خوف وترس انسان را درحالت مصیبت صبر اعطاء میکند واین دو چیز را انسان لذائذ دنیا خواهشات ونافرمانی الله ﷻ دور می سازد قول حسن رحمه الله است به الله سوگند که پیش از شما مردمی گذشته است اگر آنها به اندازهٔ سنگ ریزه ها طلا انفاق کنند می ترسند که نجات حاصل نکند زیرا که گناه درنفس شان عظیم دیده می شد.

فرمان نبوی است که: چیزیکه من میشنوم آیا شما هم همان چیز را می شنوید؟ آسمان به آواز آمده است از فرشته ها ثقیل گشته است و حق دارد، که سنگین شود قسم می خورم که درآسمان به اندازه چهار انگشت مکان خالی وجود ندارد که در آن فرشته ها سجده کنند، و رکوع کننده وقیام کننده نباشد، به چیزیکه می می دانم اگر شما می دانستید خندهٔ کم وگریان زیاد خواهد نمودید از خانه هایتان خارج شده وبه کوه ها رفته خواهند بودید، از انتقام شدید الله ﷻ واز ترس وهیبت وجلال او ﷻ برایش پنادهنده می بودید دیک روایت قول بکر بن

(النور ۰۶۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

عبدالله المزنی رحمه الله آمده است کسانیکه به خنده وشوخی مرتکب گناهان می شود آنها به گریبان به جهنم می روند. دریک روایت آمده است اگر مؤمن از عذاب تیار شده با خبر می بود هیچگاه ذهنش از خوف جهنم خالی نمی بود. درصحیحین آمده است زمانیکه این آیت شریف ﴿ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ ٱلْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ [1] ﴾. ترجمه: وبترسان قبیله نزدیکتر خود را.

نازل گردید او ﷺ مستقیماً ایستاد شد وفرمود: ای قوم قریش خودرا از الله ﷻ بگیرید شما را درکاهای الله ﷻ از هیچ چیزی بی پروا نمی سازم. ای بنی عبدمناف (دوستان پیامبر ﷺ بودند) شما را دمورد احکام پروردگار از هیچ چیز نجات داده نمی توانم. ای عباس! شما را از هیچ عذاب الله ﷻ نجات داده نمی توانم. ای صفیه! درحضور پروردگار ترا از هیچ چیز نجات دهنده نیستم. ای فاطمه! از مال من چیزیکه می خواهی بخواه لیکن دربارگاه پروردگار شما را از هیچ چیز نجات داده نمی توانم. عایشه رضی الله عنها این آیت شریف را تلاوت کرد ﴿ وَٱلَّذِينَ يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَوا۟ وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَٰجِعُونَ ﴿٦٠﴾ [2] ﴾.

ترجمه: وآنان که می دهند آنچه می دهند درحالیکه دلهای ایشان ترسان است به سبب آنکه ایشان بسوی رب خویش رجوع کنندگان اند. باز پرسید یا رسول الله ﷺ این کسانیکه زنا سرقت می کند شراب می نوشد مگر از الله هم نمی ترسند؟ او ﷺ پرسید ای دختر ابوبکر! این طور نیست بلکه آن شخص مراد است که نماز می خواند، روزه می گیرد، خیرات می دهد مگر ازین کار هم درخوف میباشد که اعمال انجام شده وی پذیرفته نشود این حدیث را امام احمد روایت کرده است به حسن بصری رحمه الله کسی گفت: ای ابوسعید! چه نظر دارید! ما درمجلس کسانی می نشینم که آنها برایم سخنان امیدوار کننده رحمت الله ﷻ می گویند که دلهای مارا از خوشی وسرور به حرکت می آیند او فرمود: به الله ﷻ سوگند می خورم اگر شما بامردم نشست نمائید که با شما گفتگوی خوف وهراس الله ﷻ را می کنند وازعذاب الله ﷻ شما را می ترساند تاکه مطمئن شوید، این به شما از آن چیز بهتر است که شما با مردمی هم مجلس شوید که شما درغفلت ونا امیدی قرار بدهد تاکه خوف خداوند ﷻ شامل حال تان گردد.

---

[1] (الشعراء ٢١٤)
[2] (المؤمنون ٦٠)

(c) ketabton.com: The Digital Library

عمر ﷺ وخوف او از الله

زمانیکه عمر ﷺ شدید زخمی گردید. ولحظات مرگش نزدیک گردید او به فرزند خود فرمود: ای فرزندم: روی من را بر زمین بگذار افسوس خیلی افسوس اگر مورد رحمت پروردگار قرار نگیرم. ابن عباس ﷺ از او پرسید ای امیرالمؤمنین! از چه ترس دارید؟ الله ﷻ ﷺ فرمود: این کار را دوست به دست تان فتوحات زیاد نمودند. وشهرهای را آباد ساختید. او ﷺ فرمود: این کار را دوست درام که حسنات سیئات من یکسان شود. یعنی نه زیان داده شود ونه هم فائده.

زین العابدین بن علی بن حسین ﷺ از وضوء فارغ مگردید به لرزه می آمد مردم سبب لرزۀ وی را پرسیدند که بر شما چرا این حالت می آید؟ آن ﷺ درپاسخ گفت: بر حالتی شما افسوس می کنم آیا برای شما معلوم نیست که به حضور روان هستم وبرای کی مناجات می کنم؟

احمد بن حنبل فرمود. خوف الله وترس الله ﷻ از خوردن ونوشیدن منع کرده ام حالاً برایم خواهش خوردن ونوشیدن نیست.

روایت صحیحین است که محمد ﷺ یاد آوری همان نفر را کرد که به آنها الله ﷻ درحالت زیر سایه عرش مکانی میدهد که بدون آن سایه. سایه دیگر نمی باشد واز آن شخصی است که خلوت عذاب ووعید خداوند ﷻ را ذکر کند خودشان گناه کار تلقی کند وازچشمانش بخاطر ترس پروردگار اشک جاری گردد وبه اساس خوف الله ﷻ از سرکشی ونافرمانی دست بکشد.

دو چشم او عذاب پروردگار محفوظ است: از ابن عباس ﷺ روایت شده است محمد ﷺ فرمود: دوچشم طوری هست که آتش جهنم اورا نمی سوزاند یکی آن چشم است که از ترس الله ﷻ گریه کند دوم آن چشم است که در راه الله ﷻ بخاطر جهاد کردن بیدار مانده باشد. از ابوهریره ﷺ روایت شده که محمد ﷺ فرمود: روز قیامت هر چشم گریه میکند مگر چشمیکه از مردم نجات یافته باشد وچشم که در راه الله ﷻ بخاطر جهاد بیدار مانده باشد وآن چشم از ترس الله ﷻ بقدر سر مگن اشک ریزانده باشد از گریان محفوظ می ماند.

شخصیکه از خوف الله ﷻ گریان کرده باشد از دوزخ آزاد است. ترمذی بروایت حسن وصحیح از ابوهریره ﷺ حدیث نقل کرده است که محمد ﷺ فرمود: هیچگاه آن شخصی به جهنم نمی رود که از خوف الله ﷻ گریه کرده باشد تاشیر دوبارۀ در پستان داخل گردد. وگرد راه الله ﷻ و دود جهنم یکجا نمی شود قول عبدالله بن عمر بن العاص است به نظر من نزد الله ﷻ یک قطره اشک ریختاندن از هزار دینار خیرات کردن بهتر است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

عون بن عبدالله رحمه الله می فرماید: این روایت برای من رسیده است ازخوف الله ﷻ اشک جاری شده از چشم انسان درهر نقطهٔ بدن او برسد الله ﷻ به جهنم حراء می سازد سینه مبارک محمد ﷺ به اساس گریان زیادی طور به جوش می آمد مانند جوش دیگ کندی گفته است چشم که از ترس الله ﷻ گریان کرده باشد یک اشک او آتش طویل وعریض مانند بحر را می کشد. ابن سماک نفس خود را ملامت ساخت ابن سماک رحمه الله نفس خود را ملامت میکرد وی گفت: سخنان را هدافه دارید ولی درعمل مانند منافقان رفتار میکنند (دور شوید) برای جنت مردمی دیگر هستند که اعمال شان از ما بالکل مختلف است.

نصایح جعفر رحمه الله:

سفیان ثوری رحمه الله می فرماید: درخدمت جعفر صادق حاضر شدم وعرض کردم ای محبوب رسول الله ﷺ! مرا نصیحت کن او رحمه الله گفت: ای سفیان! درشخص دروغ گو وکاذب مروت نمی باشد. حاسد سرور وخوشحالی ندارد. درغمگین احساس برادر نمی باشد وبراش شخصی بدخوی سرداری نمی باشد. برایش گفتم: نصیحت دیگری هم برای من بکن او رحمه الله گفت: ای سفیان از محرمات پروردگار امتناع کن عابد می شوی به تقسیم الله ﷻ راضی باش مسلمان می شودی. کدام قسم دوستی که از مردم می خواهی تو هم به همان منوال با آنها دوستی کن موقت می شوی. با بدان دوستی مکن ورنه مانند آنان می شود. چنانچه درحدیث شریف آمده است: انسان به طریقه دوست میباشد که نگاه کن باکی دوستی دارید. درکارهای خود با مردم مشوره کنید که ازخداوند ﷻ می ترسند. من عرض کردم. ای فرزند رسول خدا ﷺ برایم نصیحت دیگری هم بکن!

آن رحمه الله فرمود: کسیکه بدون قوم خود عزت وبدون حکومت هیبت میخواهد برایش سزاوار است که از ذلت نافرمانی پروردگار برآید پیرو مطیع الله ﷻ گردد. عرض کردم مرا نصیحت دیگر هم کن. آن رحمه الله فرمود: پدرم سه چیز با ارزش ادب را تعلیم داده است یکی این است کسیکه هم صحبت بدان می شود او سلامتی خود را حفظ کرده نمی تواند دوم کسیکه به مقام بد می رود منهم می شود. سوم کسیکه حفاظت زبان خود را نمی کند با شرمندگی دچار میگردد.

ابن مبارک رحمه الله فرموده است: که وهیب از ابوالدرداء پرسید: کسیکه نافرمانی الله ﷻ میکند آیا به مزه ولذت عبادت می فهمد؟ او گفت: نه خیر همچنین کسیکه اراده گناه داشته باشد به لذت عبادت نمی داند. قول امام ابن الجوزی است: خوف برای خواهشات

(c) ketabton.com: The Digital Library

نفسانی آتش سوزنده است همینطور خوف که به کدام اندازهٔ انسان رابه عبادت تحریک میکند. به همان اندازه ترس وخوف پروردگار انسان را عزت می دهد زیرا به اساس خوف انسان صاحب تقوی، پاک دامن ومالک اوصاف ممتاز وارزنده دیگری می شود وقرب الله ﷻ راحاصل نماید چنانچه از آیات واحادیث ثابت میگردد الله ﷻ می فرماید:﴿ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾ ﴾[1].

ترجمه: هدایت بود وبخشایش آنانرا که ایشان از پروردگار خود می ترسند.

وهمچنان فرموده است:﴿ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾ ﴾[2].

ترجمه: خوشنود شد خدا از ایشان وخوشنود شدند ایشان (از خدا) این وعده است بر کسی راکه می ترسد از پروردگار خود.

وهمچنان فرموده است:﴿ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ ﴾[3].

ترجمه: وبترسید از من اگر هستید مومنان.

وهمچنان فرموده است:﴿ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ ﴾[4].

ترجمه: وکسی را که ترسیده است از ایستادن بحضور پروردگار خویش دو جنت است.

وهمچنان فرموده است:﴿ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾ ﴾[5].

ترجمه: بزودی پند گیرد کسیکه می ترسد.

و در جای دیگر فرموده است:﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴿٢٨﴾ ﴾[6].

ترجمه: جز این نیست که می ترسند از الله از جمله بندگانش خاص علماء.

هر آیت که به فضیلت وبهتری علم دلالت میکند اوبه فضیلت خوف هم دلالت میکند، زیراکه خوف باعلم است ابن ابی الدنیا روایت کرده که محمد ﷺ فرمود: زمانیکه بدن بنده از ترس الله ﷻ بر لرزه آید وموی های او ایستاد شود گناهان اوطوری می ریزد مانند برگها که از درخت می ریزد

---

[1] (الأعراف ١٥٤)
[2] (البينة ٠٠٨)
[3] (آل عمران ١٧٥)
[4] (الرحمن ٠٤٦)
[5] (الأعلى ٠١٠)
[6] (فاطر ٠٢٨)

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمدﷺ می فرماید: الله ﷻ فرموده است: به وجلال خود سوگند می کنم که به بنده خود دو امن و دو خوف یکجا نمی آورم اگر در دنیا ازمن نمی ترسد روز قیامت او را درخوف مبتلا می سازم اگر او در دنیا از من می ترسید اورا روز قیامت از خوف بی نیاز میسازم.

ابو سلیمان الدارانی فرموده است: کسیکه درقلب او خوف خداوند ﷻ نیست او یک ویرانه است الله ﷻ فرموده است: ﴿ أَفَأَمِنُوا۟ مَكْرَ ٱللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٩٩﴾ ﴾[1].

ترجمه: پس ایمن نمی شود از مکر الله ﷻ مگر گروه زیانکاران.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و سوم
دربیان فضایل توبه

دربیان فضیلت توبه آیاتهای بی شماری آمده است که بعضی از آنها قرار ذیل است:﴿ وَتُوبُوٓا إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾ [1].

ترجمه: ورجوع کنید بسوی الله همرای مؤمنان شاید رستگار شوید.

وهمچنان فرموده است:﴿ وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَٰعَفْ لَهُ ٱلْعَذَابُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُو۟لَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ [2].

ترجمه: وآنانکه نمی پرستند با الله معبود دیگر ونمی کشند آن نفسی راکه حرام گردانیده الله ﷻ قتل آنرا مگر بحق ونمی کنند زنا وهر که بکند از آنچه مذکور شد بیند جزای گناه دوچند کرده شود او راعذاب د ر روز قیامت وجاوید ماند درآن ذلیل مگر انکه توبه کرد وایمان آورد وعمل نیکو پس ایشانرا تبدیل می کند الله ﷻ به جای بدی ها ایشان نیکی ها وهست الله آمرزند ومهربان. وهر که توبه کند وکند کار نیک پس هرآئینه وی رجوع می کند بسوی الله ﷻ رجوع کردنی (پسندیده).

دربارهٔ رجوع وعودت نمودن احادیث زیادی را روایت شده، درمسلم شریف حدیثی روایت گردیده که بیشک الله ﷻ رحمت خود را از طرف شب وسعت می بخشد تاگناه گاران روز توبه بکشد الله ﷻ توبه شان را می پذیرد وهمچنان از طرف روز دست های بلا کیف باشد یعنی تا قیام قیامت همین کار رام می کند.

---

[1] (النور ۳۱)

[2] (الفرقان ۶۸-۷۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث صحیح ترمذی است که الله ﷻ درمغرب دروازهٔ برای توبه ساخته است که عرض او برابر هفتاد سال سفر میباشد الله ﷻ اورا تازمانی بسته نمیکند تا از مغرب آفتاب طلوع نکند چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا ﴾[1].

ترجمه: روزیکه بیاید بعضی نشانیهای پروردگار تو نفع ندهد کسی را ایمان آن.

گفته شده اکه این روایت و روایت سابقه درمورد مرفوع بودن شان تصریح نشده مثل که بیهقی تصریح این را نموده اند جواب او این است که این نوع گفتنی از سوی عقل صورت نمیگرد لهذا این حدیث درحکم مرفوع است. طبرانی به سند جید حدیث روایت کرده است که جنت هشت دروازه دارد هفت آن بند است ویکی برای توبه باز است تازمانیکه آفتاب از طرف مغرب طلوع نکرده باشد.

ابن ماجه به سند جید حدیث نقل نموده است اگر مرتکب گناهانی شوی که تا آسمان برسد وباز توبه کنی الله ﷻ توبه تانرا می پذیرد. روایت صحیح حاکم است که این سخن علامه ونشانهٔ سعادت بودن انسان است که زندگی وعمر او دراز شود الله ﷻ اورا توفیق توبه کردن را اعطاء نماید. از ترمذی، ابن ماجه، وحاکم روایت است که هر انسان خطاء می کند بهترین آنان کسی است که توبه کند.

یک خطا ومعافی آن: حدیث بخاری ومسلم است که شخص گناه کرد پس درحضور پروردگار عرض نمود وگفت: یا الله ﷻ ! ما مرتکب گناه کبیره شده ام مرا معاف کن الله ﷻ فرمود: او میداند که خالقو ورب دارد که به سبب گناه اورا میگرد وگناهان شان رامی بخشد لهذا گناهش را معاف کردم. باز که الله ﷻ خواسته بود گناه رانکرد با زمرتکب گناه دوم گردید وگفت: ای الله ﷻ ماگناهی دیگر کردیم مرا معاف کن الله ﷻ فرمود: بنده ام می داند که پروردگارش گناهان را معاف می کند ویا عذاب میدهد لهذا الله ﷻ گناهش را معاف کرد، تا مدتی که الله ﷻ خواسته بود گناه را نکرد تاکه او مرتکب گناه دیگری شد او گفت: یا الله من گناه دیگری کردم این گناهان مرا ببخش. الله ﷻ فرمود: بنده ام می داند که خداوند گناهان اورا می بخشد وبا آن حساب هم میکند لهذا گناهان اورا بخشیدم الله ﷻ میفرماید: بنده خود را بخشیدم چیزیکه میخواهد اورا بکند منذری رحمه الله فرموده است که چیزی میخواهد او را عملی کند مطلب این است که الله ﷻ ذات علیم وخبیر است او عالم است که زمانی بنده ام

---

[1] (الأنعام ۱۵۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرتکب گناه می شود فوراً باید توبه کند ودلیل او این است که بعد از ارتکاب گناه فوراً توبه نماید زمانیکه هم اسلو سر مشق خود بسازد که پس از گناه کردن او عمق قلب توبه کند درین صورت گناه او برایش نقصانی نمیسازند. معنای این کار این نیست به زمان توبه کند درقلب ما گناه نفرت نکند وبار تکراراً گناه می کند زیرا که این توبه دورغین وکاذب است و درآن صداقت جای ندارد.

طائفه از محدثین این روایت را صحیح نقل کرده است زمانیکه مؤمن مرتکب گناه میگردد درقلب او داغ سیاه به میان می آید اگر او توبه کند و از گناه دست بردارد و از الله ﷻ عفو بخواهد آن لکه پاک می گردد واگر مسلسل گناه می کند دردل او داغ های سیاه زیاد میشود. ذکر این مساله درقرآن کریم طوری آمده است که﴿ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ ﴾[1].

ترجمه: نه چنین است بلکه زنگ بسته است بر دلهای ایشان آنچه می کردند.

نصائح محمد ﷺ به معاذ: طبرانی وبیهقی از معاذ ﷺ روایت کرده است که محمد ﷺ دست مرا گرفت بعدا از سفری کم برایم فرمود: ای معاذ ترا از خوف خدا ﷻ سخن گفتن راست. پوره کردن امانت، پوره نمودن وعده، از خیانت پرهیز کردن، بر یتیم شفقت، حفاظت حقوق همسایه، صبر کردن بر قهر وغصه، سخنان نرم، سلام دادن، اطاعت امیر، تفکر وتأمل درقرآن کریم با آخرت محبت نمودن، از حساب ترس داشتن وداشتن امیدهای کم وانجام اعمال بهتر وافضلتر وصیت میکنم به مسلمانان دشنام نمودن تصدیق کردن شخص دروغگووکاذب، نه پذیرفتن سخنان صادق از نافرمانی حاکم عادل وبر زمین از فتنه وفساد نشر کردن رامنع میکنم. ای معاذ! درنزدیکی هر رخت وسنگ پروردگار ذکر الله ﷻ را بجا کن از هر گناه پوشیده به خفیه واز هر گناه آشکار علناً توبه کن.

گناه تائب از هر جا محو میگردد: روایت اصفهانی است زمانیکه از گناهان خود توبه کند الله ﷻ فرشته های حفظه آن، اعضاء بدن آن، وآن قطعه زمین که بالایش گناه کرده است گناه آن بنده را دور میکند، تا روز قیامت دربارگاه الله ﷻ پیش شود، بر گناهان او هیچ چیز شهادت دهنده نمی باشد، از اصفهانی روایت است که شخص نادم بر گناهان خود منتظر رحمت پروردگار میباشد، ومتکبر منتظر قهر ونا رضایتی پروردگار میباشد.

---

[1] (المطففین ۱٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ای بندگان الله ﷻ! هر عمل کننده اعمال خودرامی بیند از دنیا رفته نخواهد بود، که اعمال نیک وبد خود را بیند، دارومدار اعمال مربوط خاتم وانجام او می باشد.

شب و روز برای تان مرکب هست بر آنها سوار شوید وبه آخرت سفر نمائید. درتوبه کردن از تاخیر خود داری کنید زیراکه مرگ ناگاه می آید، هیچ کسی از شما به سبب حکم الله ﷻ تنبل دست نشود زیراکه آتش جهنم به شما از دوستان شما هم نزدیک است باز نبی کریم ﷺ این آیت شریف را تلاوت نمود:﴿ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُۥ ۝ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ ۝ ﴾.

ترجمه: پس کرده باشد بقدر یک ذره نیکی بیند آنرا وکسیکه کرده باشد بقدر یک ذره بدی بیند آنرا.

طبرانی این حدیث را نقل میکند که تائب گناهان مانند شخصی است که هیچ گناه نکرده باشد، بیهقی این حدیث را به اسلوب دیگر نقل کرده است که درآن این لفظ اضافه است: کسیکه عفو میخواهد وباز به مداوم مرتکب گناه میشود مانند کسی است که همرای پروردگار خود مزاح میکند.

از ابن حبان روایت صحیح است که شرمندگی وخجالت به گناه توبه است. خجالت شدن از گناه چنین رکن است مانند یستاد شدن درعرفه رکن حج است.

برای توبه این ضروری است که از گناهان به این نیت توبه نماید که گناهان بداست والله ﷻ به اساس آن انسان را عذاب میدهد نه بخاطر بی عزتی خود ویا ضایع نمودن مال آن میباشد.

حاکم به سندی روایت کرده است که درآن یک راوی ساقط است که خداوند ﷻ گناه یک بنده را قبل از آن عفو میکند که بر گناه شرم وندامت کند، حدیث مسلم وکتابهای دیگری است که محمد ﷺ فرمود: به ذاتی قسم که روح من از اختیار اوست اگر شما گناه نکنید ومغفرت نخواهید پس الله ﷻ شما را نابود سازد و دربدل تان قومی آورد که گناه کند واز الله ﷻ مغفرت طلب نماید، باز الله ﷻ آنها عفو نماید.

حدیث مسلم است: چنین کسی است که از الله ﷻ تعریف وتوصیف خود را زیاد خوش دارد، زیرا الله ﷻ تعریف خود را کرده است هیچ کس از خداوند ﷻ زیاد با غیرت نیست.

(الزلزلة ۰۰۷-۰۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

زیرا الله ﷻ کارهای بد را حرام گردانیده است هیچ کسی از الله ﷻ زیاد عذر قبول کننده نیست زیرا الله ﷻ کتابهای رانازل کرده وپیامبران را اعزام نموده است.

توبه زنا کار:

در روایت مسلم آمده است که زنی از قبیله جهینه حمل بر داشته بود درخدمت پیامبر ﷺ حاضر گردید عرض نمود: ای رسول الله ﷺ برمن حد نافذ کن مستحق حد گشتم. محمد ﷺ سرپرست آنرا طلب نموده برایش فرموده همرای وی معامله درست کنید زمانیکه طفل اش راتولد نمود نزد من ارسال نمائید آن شخص همین کار را اجرا نمود. محمد ﷺ برایش حکم کرد که کالا ولباس زن باید محکم بسته شود. بعداً حکم سنگ ساری وی صادر گردید. وبعد از اجراء عمل نماز جنازه بروی ادء کردند.

عمر ﷺ عرض کرد که یا رسول الله ﷺ نماز جنازه این زن زناکار را اداء نمودید؟ آن ﷺ برایش فرمود: این زن چنان توبه کرده که اگر به هفتاد نفر اهل مدینه توزیع گردد به هم آنها می رسد. آیا تو از آن شخص افضل وبهتری را دیده ای که خودرا بخاطر تطبیق حکم الهی حاضر کرده باشد. ترمذی به سند حسن وابن حبان به سند صحیح از عمر ﷺ حدیث نقل کرده است که آنها گفتند: ماسخنان محمد ﷺ را شنیده ایم که او ازیک و دوباره زیاد تکرار میکرد ولی این سخن را دوباره تکرار نمود او ﷺ می فرمود: دربنی اسرائیل شخص به ا سم کفل موجود بود از گناهان پرهیز نمیکرد او یک بار بسوی زنی رفت وآنرا به دادن شصت دینار آماده گناه نمود زمانیکه به او نزدیک گردید به زن لرزه آمد گریان کرد آن برایش گفت: آیا من را دوست نمی پینداری. زن پاسخ داد: من قبل از ین مرتکب چنین گناهی نشده ام وامروز به اساس مجبوری واراده به این گناه شده ام او برایش گفت: راست که شما درین حالت هم کار بد نکرده اید این دینار ها. برای تان بخشیده ام به الله ﷻ سوگند که درآینده گناه نکنم پس آن شخص درهمان شب فوت نمود. صبح به دروازهٔ اش نویشته شده بود که الله ﷻ کفل را معاف کرد. از ابن مسعود ﷺ حدیث صحیح نقل شده که محمد ﷺ فرمود: او قریه دریکی مردم نیک زندگی می کرد و در دیگری آن مردم بد سکونت داشتند باری شخص از قریه بد ان به قریه نیکان سفر خود را اغاز نمود مگر در راه برایش مرگ آمد در باره شخص نیک شیطان وفرشته های رحمت با هم مجادله نمودند. شیطان: این هیچگاه نافرمانی مرا نکرده است لهذا این پیرو من است فرشته های رحمت فرمودند: این بخاطر توبه کردن روان بود الله ﷻ فرمود: شما نگاه کنید که بر کدام دهکده نزدیکتر فوت نموده آنرا به قریه نیکان یک شبر نزدیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

یافت نمود. الله ﷻ اورا معاف نمود. روایت معمر است که ازکسی شنیده ام که خداوند ﷻ قریه نیکان را برایش نزدیک ساخت.

قاتل به برکت اراده توبه نجات یافت:

حدیث بخاری ومسلم است که محمد ﷺ فرمود: درمیان مردم گذشته شخصی بود که مرتکب ۹۹قتل کرده بود او درمورد عالم بزرگی آن عصر پرسان کرد که درکجا هست؟ کسی برایش گفت: درفلان جا را هبی است. او به سوی راهب آمد وبرایش گفت: مرتکب۹۹ قتل هستم آیا برایم امکان پذیرفتن توبه هست؟ راهب گفت: نه. او راهب راهم کشت. که به کشتن او تعداد قتل ها به صد نفر رسید. پس ازین او درجستجوی عالم دیگر گردید برایش آدرس عالم دیگر داده شد او به نزد عالم وبرایش گفت: من قاتل صد نفر هستم امکان توبه هست؟ ان درجواب گفت: بلی! درمیان تو و توبه کسی حائل شده نمی تواند. به فلان مکان برو. درآنجا مردمان نیک الله ﷻ سکونت دارند و همرای شان عبادت پروردگار رابکن وبه وطن خودت عودت نکنید زیرا که ساکنین آن منطقه مردم خیلی بد هستند او از همین جا حرکت کرد. زمانیکه به نصف راه رسیده وبرایش مرگ رسید. لهذا درباره او فرشته های عذاب ورحمت باهم مجادله میکردند. فرشته های رحمت میگفتند: بخاطر توبه کردن بسوی رحمت پروردگار درحرکت بود. فرشته های عذاب گفتند: او هیچگاه کار خیر نکرده برای شان درچهره انسان فرشته آمد وفرمود: زمین را اندازه نمائید. به کدام طرف که نزدیک تر بود درهمان مردم حساب می گردد زمانیکه آنها زمین را به شبر اندازه کردند به قریه نیکان نزدیک بود از همان مردم حساب گردید فرشته های رحمت روحش را بردند.

در روایت دیگری آمده است که خداوند ﷻ به قریه بدان (بدکاران) وحی فرستاد که ازین شخص دور شوید. وبه قریه نیکوکاران یک شبر نزدیک یافته شد آنرا معاف نمودند.

قتاده ﷺ گفته است که حسن ﷺ برای ماگفت: زمانیکه ملک الموت بخاطر قبض روح آن آمد. او نیت اش بطرف نیکی رفته.

طبرانی به سند جید این روایت رانقل کرده است که شخصی گناهان زیاد را مرتکب گردید وبه شخص دیگری آمد وعرض نمود: من ۹۹ نفر راکشته ام آیا بخاطر توبه نمودم کدام راه رابرایم میابی؟ آن شخص برایش گفت: نه وی این شخص راهم قتل نمود سپس به شخص دیگری رفت وبرایش گفت: من صد نفر بی گناه را قتل کرده ام آیا برای من کدام راه توبه است؟ ایشان درپاسخ گفت: اگر من بگویم که الله ﷻ توبه تائبین رانمی پذیرد این دروغ محض

(c) ketabton.com: The Digital Library

است درفلان مکان طائفه از عابدین سکونت دارند ویا آنها عبادت کن او به آنسو رفت ولی در راه فوت گردید. فرشته های رحمت وعذاب با هم مجادله نمودند الله ﷻ به آنها فرشته اعزام کرد آن برایشان گفت: شما فاصله میان هر دو قریه را اندازه نمائید به هر کدام نزدیک باشد.

با همان مردم حساب میگردد زمانیکه زمین اندازه گردید به مقدار مورچه به مکان عابدین نزدیک یا فتند آن معاف گردید.

در روایت طبرانی آمده است که باز هم راهب رفت واورا گفت: من صد نفر را کشته ام آیا برایم راه توبه هست؟ راهب برایش گفت: شما بر خود ظلم بزرگی کرده اید نمی دانم لکن آنسو دو قریه درجوار دارد که یکی از آن اسم نعره ودیگری به اسم کفره یاد میگردد ساکنین نعره دائم الوقت عبادت پروردگار رامیکند درین قریه هیچ گناه گار زندگی کرده نمی تواند وساکنین کفره همیشه کار های بد وگناه میکند و درآنجا بدون بد کاران کسی دیگری زندگی نمیکند توبه نعره بروید اگر درآنجا به ثبات واستقامت زندگی بگذارند عبادت الله ﷻ واعمال نیکو را انجام کنید توبه ات بدون کدام شک قبول خواهد کرد او به طرف نعره حرکت کرد زمانیکه درمیان دوقریه رسید وفات گردید فرشته درمورد این شخص پرسان کرد. خداوند ﷻ برای شان فرمود: نگاه کنید به کدام قریه نزدیک هست به هر کدام آن که نزدیک باشد درساکنین همان قریه حسابش کنید. فرشته ها مقدار یک مورچه بطرف قریه نیکان نزدیک یافت نمود واورا درزمره مردم نعره حساب کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و چهارم
دربیان ممانعت ظلم

الله ﷻ فرموده است:﴿ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾ ﴾[1].

ترجمه: واکنون خواهند دانست ظالمان که به کدام پهلو می گردند (به کدام مرجع خواهند گشت).

الله ﷻ ارشاد نبوی است که ظلم در روز قیامت تاریکی میباشد محمد ﷺ فرموده است: شخص که یک شبر زمین را به ظلم کردن بدست آرد الله ﷻ درگردن او طوق های هفت رامی اندازد دربعضی کتابها نوشته شده که الله ﷻ فرموده است به شخص مظلوم که ظلم شود او مورد غضب ما قرار نمیگردد یک شاعری چقدر خوب گفته است:

لا تظلمن إذا ما كنت مقتدراً ... فالظلم يرجع عقباه إلى الندم
تنام عيناك والمظلوم منتبه ... يدعو عليك وعين الله لم تنم

ترجمه: زمانیکه صاحب قدرت شدی بر هیچکس ظلم روا مدار زیراکه انجا ظلم شرمندگی است.

چشمانت خواب میگردد ولی چشم مظلوم همیشه بیدار می باشد وبرایت از الله ﷻ دعای بد خواهد.

شاعری دیگری میگوید:

إذا ما الظلوم استوطأ الأرض مركباً ... ولج غلواً في قبيح اكتسابه
فكله إلى صرف الزمان فإنه ... سيبدي له ما لم يكن في حسابه

ترجمه: زمانیکه مظلوم بر زمین برود وظالم دراعمال بد خود از حد تجاوز کند.
مصائب او را برزمانه بسیار زیراکه او درس میدهد. که درذهن وخیال هم نباشد.
قول بعض سلف الصالح است که بر مردم ضعیف ظلم مکن ورنه توان وطاقت تو کاملاً نابود خواهد شد.

---

[1] (الشعراء: ۲۲۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

روایت است که طرف پل صراط آواز میکند که: ای سرکشان وظالمان! ای ظالمان بدبخت! بیشک خداوند ﷻ سوگند عزت خود را یاد نموده است که امروز ظلم ظالم از پل صراط عبور کرده نمی تواند. از جابر ﷺ روایت شده زمانیکه مهاجرین حبشه دوباره درخدمت محمد ﷺ حاضر گردید آن ﷺ برای شان فرمود: اگر شما درحبشه کدام چیز عجیب وحیران کنند را شنیده باشید برایم بیان دارید. قتیبه ﷺ که از جمله مهاجرین بود گفت: ای رسول الله! ازمن سماعت فرماید که برایتان قیصه کنم. روزی مانشته بودیم که پیرزن حبشی ظرفی مملوء از آب به سر خود نهاد حرکت می کرد زمانیکه در پهلو بچه جوان عبور می کرد آن بچه هردو دست خود را میان دو جوی نهاد وآنرا تیله زد پیر زن موی سفید: بروی خود افتید. کوزه خاکی آن شکست او بلند وبه جواب گفت: ای غدار! عنقریب خواهد دانستی وقتیکه الله ﷻ عدالت را قائم سازد مردم گذشته واینده هم را جمع کند پاها ودست های انسان بالای او گواهی وشهادت میدهد که مرتکب فلان گناه هست فیصله الله ﷻ راجح خواهد دیدی که درمیان من وتو میکند. راوی میگوید که پیامبر ﷺ به شنیدن این سخن فرمود: الله ﷻ به چنین قوم چطور فلاح وکامیابی بدهد که مظلوم را از ظالم نجات نمی دهند. واز آن انتقام مظلوم را نمیگرد. روایت است که محمد ﷺ فرمود: پنج شخص طوری هستند که الله ﷻ بر آنها غضب می کند. اگر الله ﷻ بخواهد در دنیا بالای شان قهر وغضب خود را نازل میسازد واگر بخواهد درآخرت داخل جهنم میگرداند. مردم حاکم ومتسلط که از مردم حقوق خود را اخذ می نماید وآنها را وحقوق آنها را نمیدهد. واز آنان ظلم را دفع نمی سازند. رئیس قوم وقبیله که مردم متابعت آنانرا میکنند ولی درمیان ظالم ومظلوم فیصله نمی کند وطبق خواهشات نفسانی خود عمل می نماید. قائد ورهبر یک خانواده که به افرادش حکم اطاعت الله ﷻ را نمی دهد وامور دین برای شان تعلیم نمی دهد. شخص که به مزدور خود پس از اجراء نمودن کارش مزد کامل وپوره نمی دهد وکسیکه مهرزن خود راغصب میکند. ظالم است به سبب ظلم کردن بر زن پیر هلاکت ونابودی واقع شد.

از عبدالله بن سلام روایت است که محمد ﷺ فرمود: زمانیکه الله ﷻ مخلوقات را پیدانمود وایستاد شد به طرف الله ﷻ چشم خود را بلند نمود وخداوند ﷻ رامشاهد نمود گفتند: ای الله ﷻ تو با کیستی؟ خداوند ﷻ درپاسخ فرمود: با مظلوم می باشم تاکه حق آنها راگرفته نباشم.

وهب بن منبه رحمه الله میفرماید: پادشاه ظالم محل زیبای راساخت که شب و روز خود را بگذارند. پیر زن در پیش آمد و درجوار قصر خانه ساخت. که ایام خود را خوش سپری

(c) ketabton.com: The Digital Library

کند باری بادشاه گردا گرد قصر چکر می زد می بیند که دربهلوی خانه او خانه غریبانه ساخته شده پرسید شد این خانه کسیت؟ برایش گفته شد که این خانه پیر زن ناتوان است بادشاه حکم صادر کرد که باید ویران شود. مردم آنرا ویران کردند. وقتیکه پیر زن آمد خانه ویرانه خود را دید پرسید این را کی ویران کرده؟ مردم گفتند: بادشاه ویران کرده است پیر زن که این سخن راشنید سر خود را به آسمان بالا کرد وگفت: ای الله ﷻ اگر من اینجا نبودم تو حاضر بودی یا خیر الله ﷻ به جبریل علیه السلام را امر کرد که قصر بادشاه ویران شود. جبریل امین آمد وقصر را از بنیاد نابود کرد. روایت است زمانیکه امیر برمکی و فرزندش از طرف امیر المؤمنین عباس قید گردیدند. فرزند به پدر خود گفت: ای پدرجان! ما با وجود عزت مال در زندان هستیم. پدرش گفت: بچه جان! آه وفغان مظلومان از طرف شب سفر میکند ما از مظلومان غافل بودیم. ولی الله ﷻ از آنها غافل نبود.

یزید بن حکم می گفت: من از کسی خوف نکرده بودم البته شخص مرا رساند با وجود اینکه با او ظلم نمودم که او بدون الله ﷻ مددگار دیگری نداشت وبرایم می گفت: الله ﷻ برایم کفایت میکند خداوند ﷻ درمیان من وتو فیصله خواهد کرد. از ابو امام روایت شده که ظالم روز قیامت حاضر خواهد شد زمانیکه او ازپل صراط عبور می کند مظلوم دربرابر او قرار می گیرد واو ظلم خود را خوب می بیند لهذا درین اثناء ظالم از مظلو خود را نجات داده نمی تواند تا دربدل ظلم نیکی حسنات ظالم گرفته می شود اگر با او حسنات نباشد دربرابر ظلم گناهان خود را به ظالم می دهد تا ظالم درطبقه پائین جهنم انداخته شود.

از عبدالله بن انیس ﷺ روایت شده که آن گفته که من از نبی کریم ﷺ شنیده ام روز قیامت همه مردم از سر تا پای عریان. ناختنه شده وکاملاً سیاه از قبر ها می خیزند. منادی آواز میکند واین آواز همه مردم یکسان می شوند که من مالک بدله و عوض دهنده هستم برای هیچ کس از جنت یان مناسب نیستند. که به جنت بروید تا بالای او قرض جهنمی به اندازه زدن بر روی یا از آن هم زیاد باشد وهیچ کدام از دوزخیان به دوزخ نرود تاحق مظلوم را نداده باشد اگر که این به اندازهٔ زدن بر روی یا هم از آن زیاد باشد. ترجمه آیت شریف: پروردگار بر هیچکس ظلم نمیکند ما عرض نمودیم: یا رسول الله! این کار چطور می شود در حالیکه مایان درهمان روز بدون پاپوش و عریان میباشیم؟ آن ﷺ فرمود: عوض حسنات وسیئات یکسان داده می شود. و بر هیچ کس ظلم نمی شود. از نبی ﷺ روایت است که اگر شخصی کسی رابه ناحق به قمچین بزند روز قیامت از او بدل این عمل گرفته می شود. حکایت است که کسری

(c) ketabton.com: The Digital Library

برای فرزند خویش معلم مقرر ساخت که تعلیم وادب میداد زمانیکه آن بچه صاحب علم وفضل گشت استازش را فراخواند وبدون کدام جرم وگناه اورا تعذیب دردناک نمود بچه این عمل استاد را خیلی بد پنداشت ودر دل خود با او حسد را جاگزین کرد تاکه آن جوان توانا گشت پدرش بداعي اجل پیوست وبه کرسی پدرخویش راه یافت. همدم با امر از سمت پادشاهی استاذ خودرا خواست واز آن پرسید از فلان روز بدون کدام جرم وگناه مرا چرا زدی؟ استاد درپاسخ گفت: زمانیکه تو عالم وفاضل شدی برایم معلوم شد که پس از پدرت به تخت پادشاهی می نشنی من خواتم که ترا ازیت وتکلیف وظلم آشنا سازم تا بعد ازین بالای کسی ظلم نکنی پادشاه برایش گفت: جزاک الله خیراً باز به اوکاری حواله نمود وحکم مرفوع ساختن ضروریات آنرا داد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و پنجم

دربیان ممانعت ظلم بالای یتیمان

خداوند ﷻ فرموده است:﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ ﴾[1].

ترجمه: هر آنینه آنان که می خورند مال های یتیمان راناحق جز این نیست که می خورند درشکم های خویش آتش وزود می درآیند درآتش.

قول قتاده ﷺ است که این آیت درمورد شخصی از قبیله بنی غطفان نازل گردیده آن شخصی سرپرست برادرزاده خورد خود بود وتمام مال آنرا خورد. مطلب از ناحق وظلم این است که اوبه این عملکرد خود درحقیقت بالای یتیمان ظلم میکند درین وعید آن مردم شامل نیستند که طبق شرائط مدونه از کتب فقهی دراموال شان تصرف کنند وارا بخورد. خداوند ﷻ می فرماید:﴿ وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِٱلْمَعْرُوفِ ﴾[2].

ترجمه: وهر که باشد توانگر (پس) بپرهیز دوکسی که باشد محتاج بخورد موافق دستو(بزوجه پسندیده).

مبنی طبق ضرورت خود یا به طریقه قرض ویا هم مزد واجرت برابر ویا زیاد با غربت تنگ دستی مواجه باشد بگیرد. باکی ندارد زمانیکه حالش خوب شد وتنگ دستی اش به فراخی وثروت مبدل گردد. باز مال یتیم را برگرداند در صورتیکه چیزی در حالش تغیر دارد نشد در آنصورت خوردن مال یتیم برایش حلال است الله ﷻ درمورد حقوق ایتام تاکید کرده وبرآنها حکم شفقت الفت ومهربانی کرده است چنانچه الله ﷻ فرموده است:﴿ وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا۟ مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَٰفًا خَافُوا۟ عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلْيَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ ﴾[3].

ترجمه: وباید بترسند آنانکه اگر بگذارند بعد از مرگ خویش اولاد ناتوان که می ترسند برایشان(پس) باید بترسند از خداﷻ وباید بگویند سخن راست.

---

[1] (النساء ۰۱۰)

[2] (النساء ۰۰۶)

[3] (النساء ۰۰۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطلب این آیت شریف طوری است که زیر دست کدام شخصی یتیم قرار بگیرد باید با او معامله خوب کند تاکه خود تو آنرا فرزند خود تلقی کنید وآنرا به آوازی صدا کنید که ای فرزند بگوئید وبا آن معامله نیک وشفاف کنید ومورد احسان خود قرار بدهید. ومال او را طوری مصرف کنید که پس از مرگ خود امید وارزوی معالمه خوب ونیک با اولاد خود داشته باشید. زیراکه مالک روز قیامت الله ﷻ هر شخصی را مطابق علم آن مکافات میدهد اکثر وقت طوری می شود که کدام کس بخاطر ترس وخوف که دارد دربارهٔ مال شخصی بیگانه واولاد خود بطریق اسراف عمل می نماید ناگهانی برایش مرگ می آید. خداوند ﷻ به اولاد. خانوادهٔ. ومال آن چنان سزا میدهد مثلیکه او به دیگران عمل می نمود اگر عمل نیک وخوب نموده باشد جزای خوب واگر بد کرده باشد جزای بد داده می شود لهذا به هر شخصی عاقل سزاوار و مناسب است که خیلی زیاد از احتیاط وپرهیزکاری کاربگیرد. الله ﷻ به داؤد ﷺ وحی فرستاد که ای داود! برای یتیم ها مانند پدر مهربان ومشفق وبرای بیوه های مفلس مانند شوهر مهربان باشید به این مفهوم درک کنید که کدام چیزی که کاشت می کنی حاصل آنرا میگری بالاخره توهم یک روز می میری. فرزندان وخانم تو می مانند. در مورد مال یتیمان وظلم بر آنها احادیثی زیاد روایت گردیده است درآنها عذاب سخت ووعید بیان گردیده است درمسلم وکتابهای دیگری احادیث آمده است که محمد ﷺ فرمودند: ای ابوذر! ترا ضعیف می بینم برایت چیزی راخوش میکنم که برای خودم خوش و دوست دارم هیچگاه اگر دو نفر هم باشند حاکم نشوید. ومال یتیم را برای خود بهتر ندانید تا از آن استفاده نامشروع کنید. درصحیحین وکتابهای احادیث دیگر روایت شده است که محمد ﷺ فرمود: از هفت نوع گناهان مهلک خود را نگهداری کند صحابه کرام عرض کردند آنها چیست؟ آن ﷺ فرمود: با الله ﷻ شریک که فتن . جادو. قتل. ناحق. خوردن سود. خوردن مال یتیم. حاکم به سند صحیح که محمد ﷺ فرمود: چهار نفر طوری هستند که الله ﷻ با آنها عدل می نماید که آنهانه به جنت داخل میکند ونه آنها را از نعمتهای جنت برخوردار می سازند. شراب خور. سود خور. کسیکه به ناحق مال یتیم را خورده باشد. ونافرمان والدین. از ابن حبان روایت صحیح است که محمد ﷺ به مردم یمن به وسیله عمر بن حزم احکام به یمن فرستاده بود. درآن حکم این هم بود که روز قیامت از هم گناه کبیره وبزرگ با الله ﷻ شریک گرفتن است قتل مومن به ناحق. در وقت جهاد درمیدان جنگ فرار کردن نافرمانی کردن برای والدین. تهمت بستن بر زن پاک طنیت. عفیف تعلیم جادو سود خوردن. وخوردن مال یتیم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به ناحق خوردن مال تییم وبدله آن: از ابولیلی رحمه الله روایت است که روز قیامت قومی از قبرهای خود خیز انده می شود که از دهن آنها شعله های آتش می آید عرض شد که یا رسول الله ﷺ آن مردم کی باشند؟ او ﷺ فرمود: آیا شما این فرمان الیه را نشنیده اید که ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا ﴾.

ترجمه: هر آئینه آنانکه می خورند مال های یتیمان راناحق جزاین نیست که می خورند درشکم های خویش آتش را وزود می درآیند درآتش.

به روایت مسلم درحدیث معراج آمده است. من به سوی اشخاص رفتم که مردم بالای شان مقرر شده بود که ریش های شان می کندند ودیگری می آمدند وسنگ های جهنم را در دهن های آنان می انداختند وازعقب شان دوباره خارج میگردند من پرسیدم که ای جبریل اینها کی هستند؟ آن درجواب گفت: اینها کسانی هستند که مال ایتام رابه ناحق می خورد ودرشکم خود آتش نهاده است برای شان همین عذاب است.

درقرطبی از ابوسعیدخدری رضی الله عنه روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: شب معراج قومی را دیدم که لب هایشان مانند لب های شتر بودند بر سر آنها مردمی مقرر گردیده بودند که در دهن های شان سنگ های جهنم را می انداختند واز عقب شان بیرون می شدند من پرسیدم:

ای جبریل: این مردم کی ها هستند؟ جبریل برایم گفت: این مردمی هستند که اموال یتیمان ناحق خورده اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و ششم

دربیان بدی کبر

درمورد بدی کبر که چیزی قبلا نوشته شده است برآن کمی زیادت خواهم کرد. تکبر آن گناهی هست که نخست ابلیس مرتکب آن شد باز الله ﷻ بر او لعنت فرستاد وآنرا از جنت بیرون کرد ودرعذاب جهنم انداخت.

درحدیث قدسی آمده است که خداوند ﷻ فرموده است که تکبر چادرم وعظمت ازار من است وکسیکه درین مورد بامن جدال میکند دندان آنرا میشکنم وپروای کسی را ندارم.

درحدیث آمده است که مردم متکبر از قبرهای شان مانند مورچه میخیزند از هر عرصه بالای شان ذلت ورسوائی میباشد وبر آنها برای نوشیدن (صدید) داده میشود.

محمد ﷺ فرموده است: با سه نفر الله ﷻ در روز قیامت گفتگو نمیکند وآنرا به نظر رحمت نمی بیند. وبرای شان عذاب دردناک است. پیرزانی. بادشاه ظالم. ومتکبر سرکش. از عمر ﷺ روایت شده که او این آیت را تلاوت نمود:﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ﴾.

ترجمه: چون گفته شود اورا بترس از الله ﷻ برانگیزاند اورا تکبر به گناه.

بعداً فرمود: بیشک مایان از الله ﷻ هستیم وبه طرف او ﷻ بر می گدریم. شخص متکبر داعی ومبلغی که به سوی نیکی دعوت میکرد به قتل رساند. شخصی دیگری برایش گفت مردمی رابه قتل می رسانی که به نیکی امر میکند. متکبر آنرا هم قتل کرد.

ابن مسعود ﷺ گفته است برای انسان همین جرم وگناه کفایت میکند که کسی آنرا از الله ﷻ بترساند. وی درپاسخ بگوید: درمورد خود فکر کن. محمد ﷺ به شخص فرمود: بدست راست نان بخور. وی گفت: توان خوردن بدست راست را ندارم. پیامبر ﷺ فرمود: تو نمی توانی؟ وی را از خوردن بدست راست کبر آن منع کرده بود راوی میگوید: بعد از آن دستش برای همیشه فلج شد واز کار افتید محمد ﷺ که دربارهٔ دستش چیزی گفته همان طور شد.

از ثابت بن قیس بن شمّاس ﷺ روایت است که آن عرض کرد ای رسول الله ﷺ من کسی هستم که لباس خوب و زندگی صفا وپاکیزه گذرانیدن را خوش دارم آیا این درتکبر می آید؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن ﷺ برایش فرمود: این تکبر نیست بلکه تکبر چشم پوشی از حق ومردم را حقیر پنداشتن رامی گویند. درحالیکه آنها هم بندگان خداوند ﷻ میباشد. وهب بن منبه گفته است زمانیکه موسی علیه السلام به فرعون گفت: ایمان بیاور بادشاهی وسلطنت تو همرای تو پانی میماند. فرعون گفت: با هامان مشوره میکنم وقتیکه باهامان مشوره کرد او برایش گفت: تا فی الحال رب استی ومردم عبادت ترا میکند وحالاً خودت بنده عابد می شوی، مشوره هامان راپذیرفت وبه اساس تکبر از بندگی الله ﷻ واز پیروی موسی علیه السلام انکار کرد پس الله ﷻ آنرا غرق نمود. الله ﷻ دربارهٔ قریش فرموده است زمانیکه برای آنها دعوت اسلام را تقدیم گردید آنها گفتند: ﴿ لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ ٱلْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ ﴾[1]. ترجمه: چرا نازل کرده نشد این قرآن بر مردی کلان از یکی از دو قریه.

قول قتاده رحمه الله است که مطلب از مردم او قریه ولید بن المغیره وابو مسعود ثقفی بود قریش مکه به این سبب یاد آوری آنها را کرده اند که آنان درمال و دولت ظاهری از محمد ﷺ پیش بودند آنها گفتند: محمد ﷺ یک شخصی یتیم است الله ﷻ چرا اورا برای ما مبعوث گردانیده است الله ﷻ فرمود: ﴿ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ﴿٣٢﴾ ﴾[2]. ترجمه: آیا ایشان قسمت می کنند رحمت پروردگار ترا.

باز الله ﷻ دروقت دخول شان به جهنم خبری تعجب اور داده اند. زمانیکه آنها اهل صفه راکه آنها به حقارت نگاه میکردند درجهنم یافت ننماید. آنها خواهند گفت: ﴿ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ ﴾[3]. ترجمه: چیست مارا که نمی بینیم مردانی راکه ما می شمردیم ایشانرا از بدان.

روایت است که مطلب از اشرار، عمار، بلال، صهیب، ومقداد رضی الله عنهم بودند وهب رحمه الله گفته است: علم مانند باران صاف وستره ولذیذی است که از آسمان ﷺ می بارد که نباتات به اساس ریشه های که از باران آب می نوشد ذائقه خود را تغیر می دهد. یعنی مزه نبات لذیذ وتلخی نبات تلخ زیاد میگردد همچنین مردم بواسطه علم خود طبق همستها وخواهشات شان حاصل میکند براین کبر متکبر وعجز متواضع زیاد میگردد. این کار به اساس صورت میگرد که

---

[1] (الزخرف ۳۱)

[2] (الزخرف ۳۲)

[3] (ص ۶۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

هدف ومقصد جاهل متکبر باشد زمانیکه آن صاحب علم میشود او چیزی حاصل می نماید. که به اساس ان تکبر او زیاد تر می شود تکبرش روز بروز به اوج خود می رسد. زمانیکه شخصی با وجود بی عملی او از الله ﷻ می ترسد زمانیکه او صاحب علم میشود. برایش هویدا میگردد که دربارهٔ خوف از الله ﷻ دلائل مکمل در سترسش قرار دارد ازین لحاظ درتواضع وخوف او از الله ﷻ زیاد تر میگردد.

چنانچه از ابن عباس ﷺ روایت شده که محمد ﷺ فرمود: قومی میباشد که قرآن کریم را تلاوت میکند ولی از حلقوم آنان پایین نمی شود آنها خواهند گفت که مایان قرآن کریم را خوانده ایم وهیچکس از ما قاری وعالم بهتر نیست؟ باز آن ﷺ به سوی صحابه کرام کرد وفرمود: ای امتم! آنها از گروه شما می باشند ولی خاشاک جهنم میباشند. قول عمر ﷺ است که علماء متکبر نشوید. جهل تان از علم تان پیش مذمی نکند.

حکایت: شخصی دربنی اسرائیل به اساس گناهان زیادی آن خلیع بنی اسرائیل گفته میشد که معنای آن به اساس گناهان خود عاجز کننده بنی اسرائیل نامیده میشد. روزی او درجوار انسانی گذشت که عابد بنی اسرائیل بود برسر آن ابر سایه نموده بود قتیکه عابد را گناهگار نظر کرد درقلبش آمد که من بدترین انسان هستم. درین عابد بزرگ بنی اسرائیل است اگر با او بنشینم شاید مورد رحم الله ﷻ قرار گیرم.

آن درپهلوی عابد نشست در دل عابد گذشت که من عابد بنی اسرائیل هستم واین بدترین انسان است. این چطور با من می نشیند؟ اورا شرم آمد. وبرایش گفت: این مکان را تخلیه نمائید الله ﷻ به پیامبر بنی اسرائیل درآن وقت وحی فرستاد که به هر دوی آنان از اول حکم عبادت کردن رابدهید زیراکه من بدبخت را بخشیده ام واعمال عابد را محو ونابود ساختم.

در روایت دومی آمده است که ابراز سر عابد بلند شد وبر سر بدبخت سایه نمود ازین داستان این امر آشکار میگردد که الله ﷻ به دلهای بندگان خود می بیند.

روایت است که درحضور محمد ﷺ یاد آوری شخص به الفاظ خوب ومناسب صورت گرفت روزی آن شخصی دیده شد صحابه کرام عرض نمودند یا رسول الله ﷺ این همان شخصی است که درحضورتان توصیف آن را کرده بودیم محمد ﷺ فرمود: مرا به روی او اثر شیطان معلوم میگردد آن شخص آمد سلام گفت و درحضور محمد ﷺ نشست پیامبر ﷺ او را فرمود: من ترا به الله ﷻ سوگند میدهم که آیا کدام وقت نفس تان برایت گفته است که بدون تو کسی دیگری هم خوب نیست؟ او گفت: بلی همچنان در دل من گشته است محمد ﷺ به نور

(c) ketabton.com: The Digital Library

نبوت بر روی او اثر شیطان دیده بود. ارشادات صحابه کرام از حارث بن نحرا الزبیدی ﷺ روایت است که من هر قاری خنده آور درتعجب می افگند که تو با او پیشانی باز گفتگو می کنی لیکن آن به تکبر ترا می بیند واحسان علم خود را بر تو می نهد. خداوند ﷻ این طور قراء را درمیان مسلمانان ختم نماید.

از ابوذر ﷺ روایت شده که درموجودیت پیامبر ﷺ با شخصی سخنان سخت گفتم وآنرا گفتم: ای فرزند حبش! محمد ﷺ این سخن مرا شنید وبرایم گفت: ای ابوذر! پیمانه سخنت راپوره کن همین را تکرار نمود.

هیچ سفید پوست به سیاه پوست فضیلت ندارد. ابوذر ﷺ می فرماید: به شنیدن این سخنان پیامبر ﷺ بر زمین افتیدم واورا گفتم بر خیز وبروی من پایت را بگذار.

علی ﷺ فرموده است اگر کسی بخواهد دوزخی را ببیند او به شخصی نگاه کند که خویش نشسته ودیگران در روی او ایستاد باشند.

انس ﷺ فرموده است که به محمد ﷺ از صحابه کرام کرده کسی دیگر محبوب و دوست نبود. زمانیکه آنها محمد ﷺ رامی دیدند ایستاد نمی شدند. آنها می دانستند که پیامبر ﷺ ایستاد شدن را دوست ندارد.

زمانیکه پیامبر ﷺ با صحابه کرام به کدام طرف رخت سفر می بست آنها راحکم میکرد که پیش بروند. وخودش درمیان آنها حرکت میکرد این کار را بخاطر من میکرد که به دیگران آشکار باشد. وازین پند بگیرد ویا بخاطری میکرد که از دل منور خود وساس شیطانی تکبر را بکشد. چنانچه از نماز به عوض لباس نو لباس مستعمل را به تن میکرد ازین هم همین حکمت بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و هفتم
دربیان تواضع وقناعت

پیامبرﷺ فرموده است که الله ﷻ به اساس عفو و گذشت عزت بنده را باز میکند کسیکه بخاطر الله ﷻ تواضع میکند الله ﷻ آنرا بلندی و رفعت میدهد.

فرمان نبوی است که همرای انسان دوفرشته میباشد وبه انسان نور وروشنائی فهم وفراست میباشد بهمین اساس فرشته با او زندگی میکند زمانیکه انسان تکبر میکند از او حکمت را میگرد. ومی گوید: ای الله ﷻ این شخص را ناکام وسرنگون کن اگر او تواضع وعاجزی میکند درآن صورت میگوید ای الله ﷻ برای آن کامیابی وسربلندی عطا کن محمدﷺ فرموده است برای آن شخص بشارت است که دروقت زور وقوت خود عاجزی وتواضع کند مال خود را به طریقه درست مصرف کند به مردم تنگدست ومفلس مهربانی وترحم کند وبا علماء نشست وبر خودست کند.

روایت است که پیامبرﷺ با عدهٔ از صحابه کرام خودش نان میخورد. دراثناء شخص سائل به دروازه آمد او مبتلای مرض بود که مردم از او نفرت میکردند. پیامبرﷺ به آن شخص اجازه داخل شدن را داد. زمانیکه آن شخص داخل مجلس شد پیامبرﷺ اورا دربغل خود گرفت وبرایش گفت: نان بخور شخص از قریش این کار را بد تلقی کرد مدتی بعد همان جوان قریش. به عین مریضی مبتلا گردیده وبه اثر آن فوت نمود.

فرمان نبویﷺ است الله ﷻ برای دوچیز مرا اختیار داده است تا اینکه رسول بنده شوم وباهم نبی فرشته شوم نمی دانستم کدام آنرا اختیار کنم. جبریل علیه السلام دوست من بود اورا نگاه کردم او برایم گفت: درحضور پروردگار تواضع را انتخاب کن من عرض کردم که یا الله ﷻ به صفت بنده رسول که باشم آنرا اختیار میکنم الله ﷻ به موسی علیه السلام وحی فرستاد که نماز شخص راپندیرم که ازمحافل عظمت من انکساری وعاجزی نماید بر مخلوق من کبر نکند ودر قلب او خشیت وخوف من باشد.

فرمان نبوی است که کرم، تقوی، عزت است. تواضع یقین است وبی نیازی است عیسی علیه السلام فرموده است در دنیا برای تواضع کنندگان بشارت است آنها روز قیامت به منابر نور میباشند. برای اصلاح کنندگان بشارت است این مردمان هستند که روز قیامت وارثین

(c) ketabton.com: The Digital Library

جنت الفردوس میباشند. در دنیا برای کسانیکه قصد پاک کردن دلها دارند بشارت است وایشها کسانی هستند که روز قیامت به دیدار الهی مشرف می شوند. از بعضی محدثین کرام روایت شده که نبی کریمﷺ فرموده است که زمانی الله ﷻ بنده را هدایت به اسلام کند آنها راچهره زیبا داده وازهمه بدی وقبائح آنانرا دور نگهداری می کند وبه اعطاء این همه امتیازات آن نرا متواضع وفروتنی راگشاده ازین ثابت گردید که تواضع وفروتنی الله ﷻ دوست دارد وعلامه خوشی وسرور او تعالی ﷻ است خداوند به بنده دوست خود چهار چیز رامی دهد.

ارشاد نبوی است که چهار چیز طوری است که الله ﷻ به بندگان محبوب و دوست خود میدهد خاموشی، توکل، تواضع و دوری از دنیا.

روایت است که پیامبرﷺ به کسی نان می داد که حبشی آمد واو به مرض چیچک مبتلا بود، وپوست ایشان جابجا زخمی گردیده ساقط شده بود، آن درکنار هر کسیکه می نشست همجوارش از کنار وی بلند میشد. محمد ﷺ اورا درپهلوی خود نزدیک کرد وارشاد فرمود: مرا شخص حیران میسازد که با وجود زخم که باعث ازیت مردم میگردد گشت وگذار میکند وبه این کار تکبر او ختم گردیده است.

روزی محمدﷺ به اصحاب خود فرمود: چرا درشما لذت عبادت رانمی بینم؟ اصحاب کرام عرض نمودند لذت عبادت چیست ای رسول الله؟ آن ﷺ فرمود: عاجزی وتواضع.

ارشاد نبوی است که زمانیکه تواضع کننده است نگاه کنید با آنها تواضع نماید. وزمانیکه تکبری را دید با آنها تکبر کنید زیراکه این برای شان حقارت وذلت است درین موضع اشعاری هم وجود دارد.

تواضع تکن کالنجم لاح لناظر ... علی صفحات الماء وهو رفیع
ولاتک کالدخان یعلو بنفسه ... علی طبقات الجو وهو وضیع

ترجمه: تواضع کن ومانند آن ستاره شو که به ناظر از روی آب آشکار می شود. درحالیکه اوزیاد بلند است.

مانند دود مشو که بدون کدام عزت خودش بلندی گردد وآن چیز حقیری است.

فضایل قناعت:

فضیلت قناعت آمده چنانچه ارشاد نبوی است: عزت مومن در بی پروایی نامردم است. درقناعت ازادی وعزت است زیراکه گفته شده از او بی نیاز مشو که شما آنرا می خواهید ورنه تو مانند همان میشوی به کسیکه ضرورت واحتیاج خود می بری قید احسان او میشوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

بر کسیکه بخواهید احسان کنید سردار (سید)، او می شوی، آن مال کم که برایت کفایت می کند از آن مال زیاد که ترا گمراه میسازد بهتر است.

قول شخص بزرگ است که: من از قناعت مال افضل وبهتر ندیده ام وازطمع ورغبت تنگدستی شدیدی دیگری راندیده ام واین اشعار رازمزمه نمود.

أفادتنی القناعة ثوب عزٍ ... وأیُّ غنی أعزُّ من القناعة
فصیرها لنفسک رأس مالٍ ... وصیّر بعدها التقوی بضاعة
تجدْ ربحین تَغنی عن خلیلٍ ... و تَنعُمُ فی الجنان بصبر ساعة

ترجمه: قناعت را برای خود اصل خزانه بگردان وپس از گن تقوی را زخیره کن. تو فائده دوچند بدست خواهید آورد، زمانیکه از دوست خود از خواست کدام چیزی بی نیاز شوی ودربدل یک ساعت صبر نمودن نعمتهای جنت برایت داده می شود.

وشاعری دیگری می گوید:

قنّع النفس بالکفاف وإلاّ ... طلبتْ منک فوقَ ما یکفیها
إنّما أنت طول عُمْرِک ... ما عمِّرت فی الساعة التی أنت فیها

شاعری دیگری میگوید:

إذا الرزقُ عنک نأی فاصطبرْ ... ومنه اقتنعْ بالذی قد حصَلْ
ولا تتْعب النفس تحصیله ... فإن کان ثَمَّ نصیبُ وصلْ

ترجمه: خودرا به صبر کردن چیزها عادت دهید ورنه بدنت از تو مالی میخواهد که از ضرورت فراتر باشد. مدت زندگی تو مقدار نفس گرفتن تو است.

وشاعری دیگر می گوید:

إذا أعطشتک أکفُّ اللئام ... کفتک القناعةُ شبعاً وریّا
فکن رجلاً رِجله فی الثری ... وهامةُ هِمَّتِه فی الثُّریا

شاعری دیگری میگوید:

وقتیکه دولت بخیلان ترا حریص سازد آن زمانی برای تو بهترین چند قناعت است جوان شو که پایت تحت تاثیر و اراده خودت به ثریا بلند گردد.

وشاعری دیگری می گوید:

(c) ketabton.com: The Digital Library

يا طالب الرزق الهنّي بقوة ... هيهات أنت بباطل مشغوفُ
رعت الأسودُ بقوةٍ جيَف الفلا ... ورعى الذبابُ الشهدَ وهو ضعيف

شاعری دیگری میگوید:

ای کسیکه رزق را به زور قوت و جستجو میکند وآن به سهولت میاید. برایت خیلی افسوس است که درمحبت چیزهای کاذب ودروغین محبت میکنی وبا چیزهای غلط ونادرست محبت داری.

شیر با وجود خود، زور و توانائیش خودبین است جنگل رامی خورد ومگس با ضعیف خود شهد وعسل می خورد. طریقه پیامبرﷺ این است زمانیکه اگر گرسنگی را احساس میکرد به اهل وفامیل خود می فرمود: به نماز ایستاد شوید ومی فرمود: برایم همینطور حکم شده است واین آیت را تلاوت میکرد: ﴿ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ﴾[1]

ترجمه: وحکم کن اهل خانه خود را به نماز وخود نیز بران قایم(صابر) باش.

دع التهافت في الدنيا وزينتها ... ولا يغرّنك الإكثار والجشعُ
واقنع بما قسم الرحمنُ وارضَ به ... إنّ القناعة مالٌ ليس ينقطعُ
وخلّ عنك فضول العيش أجمعها ... فليس فيها إذا حققتَ منتفعُ

شاعری دیگری میگوید:

زینت وزیبانی دنیا ومصروفیت درآن را ترک کن حرص غنی وثروت ترا درفریب نیندازد. به تقسیم اله ﷻ قناعت کن وبرآن راضی باش. زیرا قناعت و دوستی است که انتها ندارد. از تمام عیش بیهوده خود را ترک کن اگر اورا به عمیق تر نگاه کنی درآن هیچ نوع فائده نمی بینی.

اقنعْ بما تلقى بلا بلغةْ ... فليس ينسى ربُّنا النملةْ
إن أقبل الدهر فقمْ قائماً ... و إن تولّى مُدبراً نَمْ لَهْ

شاعر دیگری میگوید:

[1] (طه ١٣٢)

(c) ketabton.com: The Digital Library

چیزیکه بر شما بدون جد وجهد و تلاش بدست می آید بر او قانع باش زیرا رب ذوالجلال هیچ حشره روی زمین را فراموش نمی کند. و اورا روزی میدهد اگر برایت نسبت به من نعمتهای زیاد رابدهد ایستاد شود وگر وقت برایت عقب بگرداند خواب شو.

قول دانایان است:

عزت درلباس زیبا نمی باشد زیرا دروقت غنا ومالداری پوشیدن لباس خوب وبهتر وآرایش کردن انسان رامصروف میسازد تا بخاطر محبت امور دنیوی پروای دینی را نکند واین طور انسان بسیار کم از خود بینی وکبر خالی میباشد.

رضیتُ من الدنیا بلقمة بائس ولُبْس عباءٍ لا أُرید سواها
لأنی رأیتُ الدهر لیس بدائمٍ فدهری وعُمری فانیان کلاهما

بخاطر دنیا لقمه های خشک ولباس خشن خوش میباشیم وبدون از آن چیزی دیگری نمی خواهم. زیرا نابود شده گان زمانه را دیده ام لهذا زمان عمرم هردو فنا ومحو میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و هشتم
دربیان فریب دنیا

تمام حالات دنیا درپیرامون غم وخوشی درحرکت هستند. وطبق میل هواداران خود نمی چرخند بلکه مطابق حکمت پروردگار تغییر میخورد خداوندﷻ فرموده است:﴿ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ﴾[1].

ترجمه: وهمیشه باشند اختلاف کنندگان مگر آنکه رحمت کند پروردگار تو را.

بعضی مفسرین گفته اند که مطلب از اختلاف دراینجا اختلاف رزق من حیث فقر وغنی یعنی بعضی مردم فقیر ودیگری آنان غنی میباشد لهذا برای هر شخص ضروری است زمانیکه اللهﷻ به او مال و دولت اعطاء نماید باید بران شکر کند وآن درامور خیر وکارهای نیک به خرج برساند زیرا اعمال خوب ونیکو تحت تاثیر اعمال زشت میابد. بر او لازم است که به مال و دولت خود تکبر ننماید وبرای فهمیدن این امر فرمان الهی کفایت میکند:﴿ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿٥﴾ ﴾[2].

ترجمه: پس فریب ندهد شما را زندگانی دنیا وفریب ندهد شما را شیطان دغا باز.

وهمچنان اللهﷻ فرموده است:﴿ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ ﴾[3].

ترجمه: ولیکن شما دربلاء افگندید نفس های خود را وانتظار بردید به مسلمانان حوادث بد وشک کردید وفریفت شما را ارزوها.

بخاطر دور نگهداشتن از فریب دنیا وفرار کردن از آن برای انسان عاقل این آیت شریف کفایت میکند: شخصی هوشیار و دانا کیست؟ فرمان نبوی است که شخصی عاقل ودانا کسی است که با نفس خود محاسبه نمود وبرای زندگی اخروی برای بعد از مرگ اعمال نیکو را انجام دهد.

واحمق کسی است که پیروی خواهشات نفسانی خود را کرد واز اللهﷻ امیدهای زیادی داشته باشد.

ومن يحمدُ الدنيا لشيءٍ يسرُّه
فسوف لعمري عن قليل يلومها
إذا أدبرت كانتْ على المرءِ حسرة
وإن أقبلتْ كانتْ كثيراً همومها

---

[1] (هود:۱۱۸-۱۱۹)
[2] (فاطر:۵)
[3] (الحدید:۱۴)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شاعر گفته است: شخصی که به اساس چیزی خوش آیند توصیف وتعریف دنیا را بکند من سوگند می خورم که عنقریب اورا ملامت کند زمانیکه دنیا از دست آدم برود دریش غم واندوه می ماند و زمانیکه می آید غمهای بی شمار را باخود می آورد.

تبقی علینا ویأتی رزقُها رَغَدا ... تاللهِ لو کانت الدنیا بأجمعها
فکیف وهی متاعٌ یضمحلُّ غدا ... ماکان فی حقِّ حرٍّ أنت یذلُّ لها

ترجمه: به الله سوگند اگر دنیا با وجود همه مال ومتاع که داشته باشد علامه تقوی می بود وهمیشه رزق ادمی آمد. باز هم برای شخص آزاد بسوی او رجوع کردن مناسب نمی بود درحالیکه این مال ومتاع طوری به میان آمده است که فردا ختم ونابود میگردد.

وانشد ابن بسام:

أفّ للدنیا و أیامها ... فإنها للحزن مخلوقه
غمومها لا تنقضی ساعةً ... عن مَلک فیها ولا سُوقه
یا عجباً منها ومن شأنها ... عدوةٌ للناس معشوقه

ابن بسام میگوید:

به دنیا د روز های او افسوس است بیشک که این برای غمها واندوه آفریده شده است. تکالف این دنیا برای یک لحظه هم انتها می یابد درین مشکلات پادشاه ومادون یکسان است.

برین جریان او تعجب است این معشوقه هلاک کننده مردم است.

وأنشد اخر:

وقائلةٍ أری الأیام تُعطی ... لئام الناس من رزق حثیث
وتمنع من له شرفٌ وفضل ... فقلت لها: خُذی أصل الحدیث
رأت جُلَّ المکاسبِ من حرامٍ ... فجادت بالخبیث علی الخبیثِ

شاعری دیگری میگوید:

می بینم که برای مردمی که از بخیلان است به اعطاء اموال طلا ونقره زیاد آماده است به صاحب عزت وفضل مال نمی دهد او را گفتم به اصل واساس سخن تامل کنید. خبیث از راههای مردم مال بدست می آورد. لهذا مال خبیث با مردم خبیث جمع میگردد.

أما استدعتهمُ للبین طُرّاً ... وقیصرَ والقصورَ وساکنیها
سلِ الأیام ما فعلت بکسری ... فلم تدعِ الحلیم ولا السفیها

(c) ketabton.com: The Digital Library

شاعری دیگری میگوید:

از زمانه بپرس که با کسری وقیصر وقصور آنان وساکنین آن محلات چه کردی؟ آیا هم آنها خواست جدائی از شما کرده بود که هیچ عاقل وجاهل را نگذاشتی می گوید: شخصی بدوی یک قبیله آمد مردم او را نان داد پس از خوردن غذا بر سایه خیمه های آنان استراحت نمود باز آنها خیمه را از او دور کردند زمانیکه بدوی گرسنه شد چشم خودرا با نمود واین شعر را زمزمه کرد.

إلا إنّما الدُّنیا کظلٍّ بنیتَهُ ولا بُدَّ یوماً أنَّ ظلَّک زائلُ

ترجمه: باخبر باش این دنیا مانند سایه منزل های هست یک روز حتماً این سایه ختم میگردد.

وهمچنان دیگری می گوید:

ألا إنّما الدُّنیا مقیلٌ لراکبٍ قضی وطراً من منزلٍ ثم هَجَّرا

ترجمه: بدون شک دنیا برای پذیرفتن شخص راکب نیست او ضرورت خود را پوره نمود وآنرا ترک نمود شخصی دانا برای دوست خود گفت: داعی برایت هر چیز راشنواند وهرچیز را واضح کرد از آن شخص اضافه تر هیچ کس درمصیبت مبتلا نیست که یقینی خود را از دست داده ودرکار های بد آلوده گردیده.

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است که کسیکه با دنیا محبت کرد وبا زینت دنیا خوشحال گردید از قلب او خوف آخرت خارج می شود. بعضی از علماء فرموده اند از دست شخصی که دنیا و دولت خارج گردد و برآن غمگین شود. وبه همان مال و دولت خوشی وسرور نماید بر همه محاسبه میگردد. به بعضی از سلف صالح که الله ﷻ مال داده بود آنها زیادتر از شما از ارتکاب محرمات ابتعاد و دوری میکرد وچیزی که به شما مناسب معلوم نمی شود نزد آنها از مهلکات بنداشته میشد. عمر بن عبدالعزیز رحمه الله اکثراً این اشعار مسعود بن کرام رضی الله عنه را زمزمه میکرد:

نهارُک یا مغرورُ نومٌ وغفلةٌ ولیلُک نومٌ والرَّدی لک لازمُ
یَقُرُّک ما یفنی وتفرحُ بالمُنی کما غُرَّ باللذات فی النوم حالمُ
وشُغلُکَ فیها سوف تکرهُ غبَّه کذلک فی الدّنیا تعیش البهائم

ترجمه : ای انسان فریب خورده! روزت از خواب وغفلت شب درخواب میگذرد ومرگ برایت امر حتمی است.

مال نابود می شود وترا درفریب می اندازد وبه حاصل شده ارزوها زیاد خوشحال میگردی چنانچه خوابیده از خواب لذت می برد.

عنقریب شغل دنیا را منکر وپندارند این نوع زندگی برای حیوانات است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب پنجا و نهم

دربیان خوف دنیا وترس آن

از ابو امامه الباهلی رضی الله عنه روایت شده که ثعلبه بن حاطب رضی الله عنه درخدمت پیامبر ﷺ عرض کرد که ای رسول الله ﷺ برایم دعا کن که الله ﷻ مرا مال بدهید آن ﷺ فرمود: ای ثعلبه آن مال کم که اداء کردن شکر آنرا دارید از آن مال زیاد بهتر است که توان ادای شکر آنرا ندارید. ثعلبه باز عرض کرد یا رسول الله ﷺ مرا دعا کن که الله ﷻ مال بدهید آن ﷺ فرموده که ای ثعلبه رضی الله عنه! آیا زندگی ام پیش تو حضور ندارد، آیا براین خوشحال نیستی که زندگی ات مانند نبی باشد؟ به الله ﷻ سوگند می کنم که ترا نبی بر حق مبعوث گردانیده اگر برایم دعای مال بکنید از آن مال حق حقداران را اداء خواهم نمود وتمام حقوق اداء می نمایم محمد ﷺ دعا کرد که: ای الله ﷻ ثعلبه را مال بدهید. ثعلبه بزها را خرید ومال وی به اندازه زیاد شد مانند حشرات زمین. او درمدینه منوره جای بود وباش نیافت بیرون از مدینه به درهٔ رفت ودرآنجا به حدی مصروف گشت که صرف نماز های پیشین ودیگر را به جماعت اداء می نمود و نماز دیگر را بی جماعت اداء میکرد. هر روز از روز قبل زیاد ترمیشد که باعث ترک شدن نماز جمعه گردید. آن شخص روز جمعه حالات مدینه را معلوم می کرد، روزی پیامبر ﷺ در مورد ثعلبه پرسید که در چه حالتی قرار دارد مردم حالات ثعلبه را بیان کردند پیامبر ﷺ فرمود: ای ثعلبه افسوس؟ این را سه بار تکرار کرد راوی می گوید: در آنجا این آیت قرآن کریم نازل شد که:

﴿ خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ﴾[1]

ترجمه: بگیر از اموال ایشان زکات را تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشانرا به آن صدقه و دعای خیر کن بر ایشان بیشک دعای تو تسکین است برای آنها و الله ﷻ بر هر چیز شنوا داناست.

روزیکه ملاقات کنند با وی سبب آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با او وسبب آنکه دروغ می گفتند.

(التوبة ۱۰۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نبی کریم ﷺ از قبائل جهینه وبنو سلیم دونفر برای جمع کردن صدقات، زکات، مقرر کرد وآنها را فرامین الهی گرفتن زکات را داد وبرای شان فرمود به فلان شخص قبیله بنو سلیم بروید وزکات مال بگیرید آنها نخست به ثعلبه آمدند وبه او حکم وفرمان محمد ﷺ را نشان دادند درباۀ زکات مالهای وی او را چیزی گفتند او پاسخ گفت این سخن را دوباره تکرار نمود وگفت: شما بروید زمانیکه از آنها فارغ شدید برایم بیایید. هردوی آنها به شخص وبه محمد ﷺ درباره اش هدایت فرمود بود رفتند زمانیکه او فرمان محمد ﷺ را نگاه کرد وبرای زکات از شترهای خوب وبهتر آنها را جدا نمود آنها برایش فرمودند: این ضروری وحتمی نیست که برای مان شتر های خوب بدهید وهمچنان برای این هم نه آمده ایم که شترهای خوب را بدهید او برای شان گفت: شما حتماً این را بگیرید وبه همین کار به قلب ما سکون واطمئنان حاصل میشود که همین شترها در زکات بپذیرد زمانیکه آنها فارغ شدند دوبارۀ به ثعلبه بر گشتند وبار دیگر از او طلب زکات نمودند ثعلبه گفت: الآن نامه پیامبر ﷺ رانشان بدهید آنها که برایش نامه محمد ﷺ را دادند گفت: این برایم مانند باج معلوم میشود امر آن بروید ومن دراین مساله فکر کنم آنها از ثعلبه رفتند ودر خدمت محمد ﷺ حاضر شدند محمد ﷺ آنها را دیدند پس از گفتار شان فرمود: افسوس بر حال ثعلبه: وبرای آن شخص از نبی ﷺ وشترهای خوب را درزکات داده بود دعای خیر نمود باز آنها داستان کامل ثعلبه به محمد ﷺ بیان کردند. الله درمورد ثعلبه این آیت شریف را نازل کرد:

﴿ وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ وَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ بِمَآ أَخْلَفُوا۟ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا۟ يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾ ﴾

ترجمه: و از ایشان کسی هست که پیمان کرده است که البته اگر دهد بما (مال) از فضل خود هر اینه صدقه می کنیم وهر آئینه می باشیم از نیکو کاران پس چون دادایشان را از فضل خویش بخل کردند به آن وبر گشتند وایشان اعراض کنندگان اند پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق را در دلهای ایشان.

درحضور پیامبر ﷺ یک از دوستان ثعلبه نشسته بودند او آیت نازل شده دربارۀ ثعلبه راشنید بر خیست وبه طرف ثعلبه حرکت کرد وبرایش گفت: مادرت ببیرد الله ﷻ در تو فلان

(التوبة ۷۵-۷۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

فلان آیت نازل کرده است، ثعلبه این آیت راشنید درخدمت پیامبرﷺ حاضر گردید وبه دادن زکات مال خود به محمدﷺ حاضر شد او ﷺ برایش گفت: الله ﷻ از گرفتن زکات تو راضی نیست، ثعلبه این سخن را شنید به سر خود خاک انداخت محمدﷺ فرمود: این است عمل کرده است ثعلبه این سخن را سابقه گفته بودم ولی سخن مرا قبول نکرده بودید او به سکن خود برگشت تان! که من شما را سابقه گفته بودم ولی سخن مرا قبول نکرده بودید او به سکن خود برگشت زمانیکه محمدﷺ از دنیا رحلت نمود به ابوبکر صدیقؓ امد وخواست زکات مال خود را ادا، کند لیکن او از گرفتن زکات انکار کرد باز درمدت خلافت عثمانؓ فوت کرد.

یک داستان عبرتناک: جریر از لیث روایت کرده است که شخصی درحضور عیسیﷺ حاضر گردید وعرض نمود وهمیشه درخدمت تو زندگی گذاریدن رامی خواهم عیسیﷺ وآن شخص هر دوبه خاطر سفر بسوی حرکت کردند زمانیکه به لب دریا رسیدند بخاطر غذا خوردن نشستند همرای او سه نان بود، هنگام که دو نان از او خوردند عیسیﷺ برای نوشیدن آب به دریا رفتن زمانیکه پس آمد دید که نان نیست او ﷺ پرسید یک نان دیگر کجا شد، رفیقش گفت: نمی دانم، راوی می گوید عیسیﷺ از اینجا حرکت کرد ودر جنگلی اهورا دید دو بچه دارد، او ﷺ یک بچه او بسوی خود خواست او امد آنرا ذبح نمود درآتش کبابش کرد وهردوی شان از آن خوردند بعد فرمود: به حکم الله ﷻ زنده شوید او زنده گردید، وبا مادرش حرکت کرد عیسیﷺ به همسفر خود گفت: ترا به نام آن ذات می پرسم که این معجزه را برایت آشکار کرد نان کی گرفت؟ او درپاسخ گفت: نمی دانم باز هردوی آنان در راه می رفتند که به حوض بزرگی رسیدند اورا از دستش گرفتن وبر سر آب تیر شدند عیسیﷺ از او پرسید به نام ذات که ترا این معجزه را آشکار ساخت سوگند میدهم برایم بگو: نان کی گرفت: او درجواب گفت: خبر ندارم، باز از این جا حرکت کردند وبه جنگل رسیدند زمانیکه نشستند عیسیﷺ تپه خاک و ریگ ساخت وگفت: به اذن الله ﷻ به به طلا تبدیل شوید او طلا گشت عیسیﷺ مانند این تپه به سه حصه تقسیم نموده وفرمود: حصه سوم این تپه از من وحصه سوم او از تو وحصه سوم باقی ماند از شخصی که نان گرفته است، آن شخص گفت: نان من گرفته ام عیسیﷺ برایش فرمود: این همه طلا از تو شد صاحب طلا ترک نمود، حرکت کرد بر او دو شخص آمدند آنها که درجنگلی همراه یک نفر به این مقدار زیاد وطلا را دیدند نیت آنها خراب گردید قصد کشتن او را کردند که همه مال در دست تان قرار بگیرد آن شخص هدف آن را دانست به آنان گفت همین مال درمیان خود به سه حصه تقسیم می کنیم باز آنها شخص را به بازار فرستاد، تا برای شان نان بیارند شخصیکه بخاطر

(c) ketabton.com: The Digital Library

آوردن نان به بازار فرستاده بودند در دل او گشت چرا این همه مال برای خود نگذارم وغذا را زهر آلود کرد تا هر دوی آنها این را بخورد وبمرد ومال صرف برایم بماند او همین طور کرد. دونفر که درجنگل مانده بود دربین خود مشوره کردند شخص سوم درقسمت مال شریک نخواهم کرد به مجرد رسیدن او باید قتل کنید ومال درمیان مساویانه تقسیم نمائیم زمانیکه آن شخص از بازار آمد فوراً اورا قتل نمودند باز آنها غذا را خوردند. چون غذا زهر آلود بود هر دو آنان را کشت وتپه طلا همچنان باقی ماند مدتی بعد عیسی علیه السلام به آن منطقه عبور کردند به اصحاب خود فرمود: ببین این دنیا است خود را از آن نگهداری کنید.

حکایت:

ذوالقرنین به مردمی رسید که آنها هیچ مال ومتاع دنیوی نداشتند وبرای خودشان قبرهایی قبل از مرگ حفر کرده بودند زمانیکه صبح میشد به جوار قبرهای خود می آمدند و آنرا پاک می کردند و در پهلوی قبرها نماز می خواندند مانند حیوانات به خوردن نباتات امرار حیات می کردند ذوالقرنین به آنها شخص فرستاد وآنها طلب نمودند کلان شان گفت: من با ذوالقرنین کدام کاری ندارم اگر او بمن کاری دارد برایش بگو که پیش من بیاید. ذوالقرنین که جواب او را شنید گفت: راست می گوید. ذوالقرنین پیش او رفت وبرایش فرمود: ترا قاصد خود روان کردم ولی نیامدی لهذا خودم آمدم کلان شان گفت: اگر با تو کاری میداشتیم حتماً می آمدم ذوالقرنین فرمود: شما درحالتی دیدم که قوم دیگری را ندیده ام سید شان گفت: سخن کدام حالت می گوید؟ ذوالقرنین فرمود: حالتی که شما هیچ نوع مال و متاع دنیا ندارید تا از او لذت وبهره بگیرید سردار شان گفت: مایان جمع کردن طلا ونقره را دوست نداریم هر شخص که این مال را پیدا نماید درمحبت او می افتد.

واز چیزهای که از مال بهتر وفضیلتر است بی پروا می سازد. ذوالقرنین پرسید چرا قبل از مرگ قبر ها را حفر کرده اید وهر صبح برای دیدن آنها می روید آن را صفا وپاک نگهداری می کنید. ودر جوار شان نمازی می خوانید. کلان شان گفت: زمانیکه قبرها را مشاهد می کنیم ودر آن آروزی دنیا را می کنیم این مارا از او پرسیدی شنیده ام که شما به نباتان زمین زندگی خودرا می گذرانید وچیزی دیگری نمی خورید چرا حیوانات را تربیت نمی کنید وشیرشان را بخورید وبالای شان بار ببرید واز او استفاده دیگری بدست آرید. کلان قوم گفت: این کار را دوست نداریم که شکم های خودرا به آنها مقبره سازیم سبزی جات زمین، برای مایان غذای کافی است زمانیکه غذا از حلقوم ما تیر شود هر قسم که باشد مزه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ولذت او نمی ماند باز او طرف عقب ذوالقرنین دست خود را دراز کرد، ویک یک از جمجمه های رابلند نمود وگفت: آیا میدانید که اینها کیست؟ ذوالقرنین پرسید کیست؟ او برایش گفت: این از سلاطین دنیا سلطانی است، الله ﷻ برایش بادشاهی داده بود لکن او ظلم وستم نمود ونا فرمانی کرد هنگامی که الله ﷻ حالت اورا دید مانند سگ ادنی وبی اهمیت گردید. الله ﷻ همه اعمال اورا شمرده است تا اورا در آخرت سزا بدهید باز جمجمهٔ دیگری را بلند کرد که تا خبر داده شده بود پرسید ذوالقرنین می دانی این کیست؟ ذوالقرنین گفت: نه خیر بگوئید او گفت این هم بادشاهی بود که بعد از بین رفتن سلطان اولی به قدرت رسید او ظالم وستم بادشاه اولی را دیده بود لهذا او تواضع نمود از الله ﷻ خوف کرد ودر وطن خود عدل وانصاف قائم نمود باز او هم مرد سرکش پیش روی تان قرار داد الله ﷻ همه اعمال اورا نوشته کرده روز قیامت بدل وعوض خواهد داد، باز ذوالقرنین به جمجمهٔ متوجه گردید وفرمود.

این هم مانند آنها است، ای ذوالقرنین تأمل نمائید که چطور اعمال را انجام می دهد؟ ذو القرنین فرمود: آیا می خواهی در دوستی ام باقی بمانی؟ من ترا برادر خود و درمال خود شریک می سازم او برایش گفت: دربین من وتو صلح واشتی نمی شود ونه همه یکجا باقی خواهیم ماند ذوالقرنین گفت: چرا؟ او برایش گفت: زیرا مردم دشمنان مال تو و دوستان من هستند ذوالقرنین فرمود چطور؟ مردم بخاطر مال وسلطنت و دنیا با تو دشمنی دارد چون من همه این چیزها را از دست داده ام لهذا هیچ دشمنی ندارم زیرا به هیچ چیزی ضرورت ندارم ونه باس کسیود کدام چیزی می باشد.

راوی می گوید:

ذوالقرنین که این سخنان راشنید بسیار متاثیر شد وعودت نمود شاعری درین مورد چه خوب گفته اند.

وما أحسن قول القائل:

یا تن تمتع بالدنیا و زینتها ... ولا تنامُ عن اللذات عیناه

شغلت نفسک فیما لیس تدرکه ... تقول لله ماذا حین تلقاه؟

ترجمه: وی کسیکه از دنیا و زینت او فایده می گیری واز لذائذ دنیوی تیر نمی شود، ترا درحصول چیزی های ناممکن مصروف ومشغول ساخته است زمانیکه دربارگاه پروردگار حاضر می شوی چه جواب خواهید دادی؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

وشاعری دیگری میگوید:

عتبتُ علی الدنیا لرفعة جاهل ... وتأخیر ذی فضل فقالت: خذ العذرا

بنو الجهل أبنائی لهذا رفعتُهم ... وأهل التقی أبناءُ ضَرَّتی الأُخری

ترجمه: من جاهلان دنیا اعطاء مراتب زیادو از اصحاب فضل به کناره کش ملامتی نموده او برایم گفت مجبورهستم. جاهلان او لاد من است لهذا آنها را سر بلندی می دهم اصحاب تقوی فرزندان خلاف من هستند زیر از آنها فرار می کنم.

شعر محمد الباهلی رحمه الله است که ترجمه آن قرار ذیل:

إلا إنّما الدنیا علی المرء فتنةٌ ... علی کلّ حال أقبلت أو تولّت

فإن أقبلتْ فاستقبل الشکر دائماً ... ومهما تولّتْ فاصطبر وتثبّت

ترجمه: بیشک اگر دنیا بیاید یا روی خود را بگرداند درهرحالت برای انسان امتحان است. زمانیکه دنیا می آید شکر دائمی باخود می آورد شکرش را اداء کن وقتیکه روی بگرداند صابر وثابت قدم باشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصتم

دربیان فضیلت صدقه

ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است شخص که از مال حلال خود به اندازه پاره صدقه کند الله ﷻ اورا به برکت می پذیرد باز برای خیرات کننده مال او طوری تربیت داده می شود قسمیکه یکی از شما تربیت چوچه شتر خود را می کند تاکه خیرات او مانند کوه می گردد الله ﷻ فرموده: ایه شریف مانده است: ﴿ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ ﴾[1]

ترجمه: آیا آنها نمی دانند که الله ﷻ همان ذاتی است که توبه بنده خودرامی پذیرد وصدقات اورا قبض می نماید.

وهمچنان الله ﷻ فرموده است: ایه شریف مانده است: ﴿ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ ﴾[2]

ترجمه: نابود می سازد خدا (برکت) سود را او افزون.

فضایل صدقه:

صدقه وخیرات مال را کم نمی کند بلکه الله ﷻ دربدل وعوض او عزت انسان را زیاد می نماید شخص که بخاطر رضای الله ﷻ تواضع میکند الله ﷻ اورا مرتبه بلند می دهد روایت طبرانی است که صدقه مال را کم نمی کند زمانیکه یک انسان برای گرفتن صدقه دست خود را دراز می کند الله ﷻ صدقه او را می پذیرد یعنی قبل از رسیدن صدقه بدست سایل به نزد الله ﷻ قبول می شود شخصی که درحالت غنا ومالداری دروازه سوال را بروی خود باز می کند الله ﷻ بروی فقر را مسلط می سازد بنده می گوئید: این مال من است این مال من است مگر مال او سه حصه است چیزیکه خورد وفنا ونابود شده وچیزیکه پوشید کهنه شده وچیزیکه در راه الله ﷻ داد او را حاصل کرده وبرای او نفع می رساند وبدون این هر چیزیکه هست آنرا باری مردم دیگر می ماند درحدیث شریف است که در میان شما چنین کسی نیست که الله ﷻ به سخن او

---

[1] (التوبة ١٠٤)
[2] (البقرة ٢٧٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شهید الله ﷻ با او بدون ترجمان سخن و گفتگو می کند انسان که به پهلو راست خود می بیند او چیزهای رامی بیند که سابقاً ارسال کرده است همچنان از طرف چپ او چیزهای در نظر او می آید که درسابق ارسال نموده باشد زمانیکه پیش روی خود کند آتش درنظر:

آیا نداستند که بی شک الله ﷻ او قبول می کند توبه را از بندگان خود وقبول می کند صدقات را.

می سازد (برکت) خیرات را.

او می آید پس شما از آتش خودرا نگهداری کنید اگر به پاره خرما هم باشد درحدیث شریف آمده است که خود را از آتش محفوظ کنید اگر که به اندازه قطعه ریشه خرما باشد محمد ﷺ می فرماید: روی های تان را از آتش نجات دهید اگر به اندازه شق خرما هم باشد. محمد ﷺ می فرماید: صدقه گناهان را طوری نابود می کند مانند کسی آب آتش را خاموش نماید. آن ﷺ می فرماید: ای کعب بن عجره! مردم به جنت می رود بعضی از آنها در رفتن آن نفسهای خودرا نجات می دهد وبعضی دیگر آنان هلاکت کننده است. ای کعب بن عجره! نماز عبادت الله ﷻ روزه سپر است صدقه وخیرات گناهان را طوری دود می سازد مانند باران که از سنگ صاف وصقیل شده گرد را دور میکند.

محمد ﷺ می فرماید: صدقه قهر وغضب الله ﷻ را سرد می کند ومشقات مرگ را دور می سازد در روایت دیگر است که: الله ﷻ به برکت صدقه هفتاد دروازه مرگ تصادفی رامی بندد. از محمد ﷺ پرسیده شده کدام خیرات وصدقه بهتر است آن ﷺ فرمود: شخصی که فقیر ومحتاج باشد وبه احتیاط مال خودرا مصرف میکند واز اهل وعیال خود آغاز میکند.

درحدیث آمده است هر شخص درسایه صدقه خود میباشد تا مردم در روز قیامت فارغ نگردند. محمد ﷺ فرموده است یک درهم از صدقه هزار درهم سبقت کرد شخصی عرض نمود یا رسول الله ﷺ چطور؟ پیامبر ﷺ فرمود: با شخصی مال خیلی زیاد بود واو از مالش یک لک درهم صدقه میکرد وبادیگر صرف او درهم بود از آن یک درهم را صدقه کرد.

درحدیث شریف آمده است هفت نفر زیر سایه عرش پروردگار می باشند درآن روز بدون این سایه دیگری نمیباشد.

از آن جمله یکی این است که بطور مخفیانه در راه خدا خیرات وصدقات میکند که دست چپ از دست راست خبر نشود. که چه صدقه کرد. راههای احسان ونیکی این است که از اماکن بد پرهیز نماید صدقه دادن غضب الله ﷻ را سرد می سازد صله رحمی عمر را دراز

(c) ketabton.com: The Digital Library

میکند وهر عمل نیکو صدقه است، کسیکه در دنیا کارهای نیک را انجام می دهد درآخرت با نیکو کاران میباشد وکسیکه دردنیا کارهای بد را می کند درآخرت باید کاران میباشد وازهمه او الله به جنت شخص نیکو کاران میباشد، داخل میگرداند. در روایت دیگری احمد وطبرانی آمده است که از محمدﷺ پرسیده شد صدقه چیست؟ چند بار وبا الله ﷻ از او زیادتر است باز پیامبرﷺ این آیت شریف را تلاوت کرد:﴿ مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافًا كَثِيرَةً ﴾[1]

﴿ إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ ۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٌ لَّكُمۡ ﴾[2]

کسیکه بر مسلمان لباس داد تا درتن او باشد الله ﷻ عیوب صدقه دهنده را مستور میسازد.

در روایت دیگری است که مسلمان که به انسان عریان لباس بدهد الله ﷻ اورا لباس جنت می پوشاند. مسلمانیکه به شخص گرسنه غذا میدهد الله ﷻ اورا میوه های جنت می دهد مسلمانیکه به شخص تشنه آب داد الله ﷻ اورا درجنت شراب مهر شده طهور را می دهد خیرات دادن به مسکین ثواب است وبرای دوستان وخویش وندان ثواب او برابر داده می شود یکی خیرات دوم صله رحمی است. از محمدﷺ پرسیده شد که کدام صدقه بهتر است؟ آنﷺ فرمود: به دوستانیکه با تو درقلب کینه وعداوت دارند بهتر است. محمدﷺ فرموده است کدام شخص که بخاطر شیر بز با چیزی دیگر به کسی فقیر بدهد تا از او شیر بخورد وباز پس میگرداند ویا هم به کسی قرض بدهد ویا درسفر با او همراهی کند به او برابر آزاد کردن غلام ثواب داده می شود.

پیامبرﷺ اضافه نمود: هر قرض صدقه است. در روایت دیگری هست که من شب معراج به دروازه جنت نوشته را دیدم که صدقه به ده برابر وقرض هجده برابر ثواب دارد. باز فرمود: هر شخصی که مشکل کسی را آسان سازد الله ﷻ در دنیا و آخرت برایش آسانی وسهولت می آورد.

پرسیده شد: ای رسول اللهﷺ کدام صدقه بهتر است؟ به مردم غذا دادن به دوست واجنبی سلام دادن پرسان کننده عرض نمود: یا رسول اللهﷺ! حقیقت هرچیز برایم واضح سازید؟ آنﷺ فرمود: الله ﷻ هرچیز از آب خلق کرده است باز فرمود: برایم عملی تعلیم دهد که به ذریعه آن

---

[1] (البقرة ۲:۲۵)
[2] (البقرة ۲:۲۷۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

داخل جنت شوم آن ﷺ برایش فرمود: به مردم نان بدهید بر آنها سلام بیندازید، صله رحمی کنید، شب که مردم خواب باشد نماز بخوانید توبه ملامتی کامل داخل جنت خواهید شد.

حدیث نبوی ﷺ است که به مسکین نان دادن یکی از اسباب رحمت الله ﷻ است کسیکه به برادر مسلمان خود نان داد آب نوشیدنی داد الله ﷻ دربین او و دوزخ به فاصله هفتاد خندق که هر خندق به اندازه پنجصد سال سفر باشد دوری بیمار میکند فرمان نبوی است که الله ﷻ روز قیامت ارشاد می فرماید: ای انسان! من مریض شده بودم وتوعیادت مرا نکردی انسان خواهد گفت: ای الله ﷻ ماچطور عیادت ترا می کردم تو رب العالمین هستی الله ﷻ به او می فرماید: آیا برایت معلوم نبود که فلان بنده ام بیمار بود وبه احوال پرسی اش نرفتی اگر به عیادت آن می آمدی مرا نزدیک او دریافت می کردی.

ای انسان! از تو نان طلب کرده بودم وتو نان ندادی، انسان خواهد گفت: ای الله ﷻ شما را چطور نان می دادم تو رب العالمین هستی الله ﷻ برایش می فرماید: فلان بنده من گرسنه بود اگر اورا نان می دادی درنزدیک وی مرا دریافت می کردی ای انسان از تو آب خواسته بودم ولی برایم ندادی؟ بنده برایش می گوید: تو رب العالمین هستی بی نیاز هستی! الله ﷻ برایش می فرماید: فلان بنده ام از تو آب خواسته بود اگر برای وی آب میدادی اجر وپاداش عمل خودرا نزدم دریافت می کردی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ذکر تان گذشت عفو وبخشش می خواهیم. دوم شان گفت: مایان غلامان تان هستیم واولاد غلامان تان هستیم برایت پاکی وقداست هست کدام معاملاتی دربین ماو شما هست درآن ما را به نظر رحمت نگاه کن. سوم شان گفت: ای الله تو پاک هستی. ای الله تو پاک هستی ما غلام تو واولاد غلامان هستیم ومارابه دعا کردن ترغیب داده اید وبالای ما احسان کامل کن تا برای همیشه بر راه راست روان باشیم. محب دیگری گفت: یا الهی مایان رضای کامل تانرا نمی یابیم بر ما رحم کن. مارا نصرت کن تارضای کامل تانرا دریابیم. محب دیگری گفت: یا الله ﷻ ما را از نطفه خلق نموده اید ودرمورد ذات مقدس تو خزانهٔ تفکر وتأمل داده اید یا الله ﷻ مارا ترغیب سخن گفتن را داده اید که درفهم و دانسته گی عظمت شان تو مشغول هستیم و درجلال تان غور وفکر می کنم مایان از تو خواست وسوال قرب نور تانرا می کنیم. محب دیگری گفت: یا الله ﷻ مارا توفیق ذکر کردن تانرا داده اید مارادر رحمت خود مشغول ساخته اید وازتمامی دنیا مارابی نیاز ساخته اید وتقصیر شکر کردن کما حقه شما را مورد عفو خود قرار بدهید. دیگری گفت: یا الله ﷻ شما می دانید که بدون دیدارت تمنای دیگری نیست دیگری از آنها گفت: مالک غلام راحکم خواست کردن می کند ولی غلام جرئت خواست کردن راندارد پس مارا نور اعطاء کن تا از تاریکی های آسمان بیرون شویم وراه هدایت را دریابیم دوست دیگری گفت: ای الله ﷻ: مارا همیشه برین عبادت قائم بسازید. دیگری گفت: ای الله ﷻ برایم ضرورت چیزی دیگری بدون از جمال تو نیست پس جمالت دوست را برایم آشکارا بسازید. محب دیگری گفت: ای الله ﷻ من رفعت وقداست ترا شناختم ومحبت تو که با دوستان ومحبان تان دارید هم شناخته ایم و احسان دیگری هم بالای مایان بکنید که در دلهای مابدون شما خیال کسی دیگری باقی نماند.

پس از الله ﷻ به داؤد علیه السلام وحی فرمود که: ای داؤد: آنها را بگوئید که هم سخنان تانرا شنیدم وآنرا پذیرفتم از یکدیگر جداشوید وبرای دیدارم امادگی بگیرید پرده هاکه درمیان ما و شما وجود دارد وآنرا بلند خواهم کرد تانور وجلالم ببینند. الله ﷻ به داؤد علیه السلام فرمود: به محبان و دوستانم بگوئید: برای شما درآن روزی که در سر و روی مردمم پرده بیندازیم هیچ محرومیت نخواهد بود.

وشما بر چشمان قلب دیدارم می کنید وبر شما هیچ مشکلی نخواهد بود.

محبت الله ﷻ همراه با محبت دنیا درقلب واحد جمع نمی گردد. دراخبار داود علیه السلام نوشته شده است که: الله ﷻ به دواؤد علیه السلام وحی فرستاد که: اگر دعوای محبت ما را می کنید از قلب های تان محبت دنیا را دور نمائید زیراکه محبت من و دنیا امکان یکجا شدن راندارد. ای داؤد! با دنیا محبت داشته باشید ولی محبت صرف با من کنید پیروی دین من کن وپیروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: بعضی از انعامات الله جل جلاله برای کسانی هستند حوائج مردم را پوره می کند زمانیکه آنها این امر را ترک کند الله جل جلاله آن انعامات را به مردم میدهد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: آیا می دانید که شیر در زیر خود چه می گوید: آنها گفتند: الله ورسوله اعلم آن ﷺ فرمود: ان میگوید: یا الله جل جلاله مرا به شخصی نیکی کننده مسلط مکن علی رضی الله عنه این حدیث مرفوع را بیان می کند زمانیکه شما بخاطر کدام کار یا ضرورت اداره می کند اورا روز پنجشنبه اغاز کنید وزمانیکه از خانه بیرون می روید حصه آخری آله عمران، آیت الکرسی، سوره القلم، وسوره فاتحه را بخوانید زیراکه درآن ضرورتهای زیادی دنیا وآخرت است.

عبدالله بن حسن بن حسین رضی الله عنه می فرماید: بخاطر کدام حاجت پیش عمر بن عبدالعزیز رفتم وی برایم فرمود زمانیکه به مشکلی مواجه می گردید برایم قاصد و نامه بنویسد زیرا که من از الله جل جلاله حیا می کنم که به دروازه ام ایستاد می شوی.

علی رضی الله عنه گفته است به آن ذات ذوالجلال سوگند می خورم که هر آواز رامی شنود هیچ کسی اینطور نیست که در دل به خوشحالی جای می دهد مگر الله جل جلاله بر او لطف خوشحالی رامیکند باز کدام مصیبت وپریشانی بیاید، خوشحالی را طوری می برد که مانند آب که بطرف خندق حرکت می کند تاکه او مانند شتر بیگانه دور می سازد.

همچنان آن ﷺ فرمود: پوره نمودن حاجت از مردم مجبور وناتوان بهتر از آن است که هیچ برآورده شود آن ﷺ فرمود: ضروریات وحوائج زیاد خودرا به برادرتان تقدیم نکنید زیرا که زمانیکه گو ساله پستان مادرخود را زیاد کش کند پستانش زخمی می شود در نتیجه چوچه خود را شاخ می زند درین مورد شاعری می گوید:

لا تقطعنْ عادةَ الإحسان عن أحد	ما دمت تقدرُ والأيام تاراتُ
واذكر فضيلةَ صنعُ الله إذ جَعلتْ	إليك لا لك عند الناس حاجاتُ

وقول الاخر:

اقضِ الحوائج ما استطعت	وكنْ لهمِّ أخيك فارجْ
فلخيرُ أيتام الفتى	يومٌ قضى فيه الحوائج

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاکه توان داشته باشید از هیچ نوع نیکی واحسان انکار نکنید زیرا این زندگی ختم میگردد. واین مهربانی الله ﷻ به یاد آور که ترا طوری گشته است که مردم به تو حوائج خودرا می آورند تو به دیگران حوائج شان رامرفوع سازیدیقیناً روزهای بهتر یک جوان همان است که درآن حوائج مردم بر آورده سازد. پیامبرﷺ فرموده است: برای آن شخص بشارت است ی کارهای خیر بدست آن انجام می شود وبرای آن هلاکت ونابودی است که کارهای بد بدست شان انجام میابد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت و دوم

دربیان فضایل وضوء

ارشاد مبارک پیامبرﷺ است کسیکه بطریقه مسنونه وضوء کرد وبعد دو رکعت نماز را بجاء نمود درقلب او حالات وتفکر دنیا نیامد آن شخص از گناهان طوری پاک گردید، چنانچه وی در همان روز از مادر تولد شده باشد. لفظ روایت طوری است که وی درهمان دو رکعت کدام کاری نامناسب انجام نداد تمام گناهان سابقه اش معاف می شود. حدیث نبوی است که آیا خیر کارهای رابه شما ندهم که بر اساس ان درجات بلند میگردد، وکفاره گناهات تان می شود؟ آن مانند است که دروقت تکلیف ومشکل وضوء کردن وبطرف مسجد رفتن از یک نماز بدیگر انتظار نمودن این مقام برایت پناگاههای است این لفظ را پیامبرﷺ سه بار تکرار نمود. باری پیامبرﷺ اعضاء وضوء می شست فرمود:

این وضوء است که بدون ان الله ﷻ نماز را قبول نمیکند آنﷺ دو دو بار اعضاء های مامور به وضوء را شست وفرمود: کسیکه اعضاء خودرا دو بار شست برایش دو چند ثواب داده می شود باز سه بار اعضاء وضوء شست وفرمود: این وضوء من و همه پیامبران سابقه و وضوء ابراهیم خلیل الله است.

ارشاد نبویﷺ است کدام شخصیکه هنگام وضوء نمودن الله ﷻ را یاد میکند الله ﷻ تمام بدن اورا پاک میکند وشخصیکه درحالتی وضوء کردن الله ﷻ را یاد نمی کند آن حصه بدنش پاک می شود که بران می رسد. حدیث نبوی است کسیکه بالای وضوء، وضوء جدید میگرد درعمل نامه اش ده حسنات نوشته می شود. فرمان نبوی است که وضوء بالای وضوء نور علی نور است و درین روایات پیامبرﷺ اشاره بطرف وضوء جدید کرده است وامت خود را به آن ترغیب نموده است.

حدیث نبوی است وقتیکه بنده مسلمان وضوء میکند ودر دهن خود آب می اندازد از بینی اش گناهان خارج میشودو زمانیکه روی خودرا می شوید از آن گناهان می ریزد زمانیکه دستهای خودرا می شوید از زیر ناخن ها گناهان ششته میشود. هنگامیکه مسح سر را می کند گناهان سر او پاک می شود تا زیر گوشهای او هم گناهان دور میخورد. زمانیکه پاهای خود را

(c) ketabton.com: The Digital Library

می شوید زیر ناخون درعبادت محسوب میگردد. روایت است که صاحب وضوء مانند روزه دار است.

ارشاد نبوی است که کسیکه وضوء کامل انجام داد وبعد فراغت وی روی خود را بطرف آسمان نمود ودعاء (اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمداً عبده ورسوله) بخواند برای وی دروازه های هشت جنت باز میگردد. واز هر کدام آن بخواهد داخل شود داخل می گردد.

عمر رضی الله عنه گفته است: وضوء درست شیطان را از توبه فرار مجبور می کند. مجاهد رحمه الله گفته است شخصیکه توان این را دارد که در وضوء ذکر کند واستغفار بگوید وتمام شب رابه وضوء تیر کند به او همچو عمل مناسب است زیرا درحالت که ارواح قبض میگردد درهمچو حالات زنده میگردد. روایت است که عمر رضی الله عنه یکی از صحابه کرام را بخاطر غندن کعب شریف به معد اعزام کرد. وی درشام درمکانی قیام کرد. که درآنجا صومعه عالم بزرگی از اهل کتاب بود درقلب قاصد عمر رضی الله عنه امید دیدن این عالم وبا آن گفتگو کردن پیداشد اوبه صومعه عابد آمد و دروازه اورا درمدت دیر دروازه راخلاص نمود وبه طرف عالم رفت واز او خواست مذاکرات علمی کند. از علم وسخنان او حیران گردید و در اخیر شکایت از تاخیر باز کردن دروازه کرد. او برایش گفت: زمانیکه تو آمدی هیبت مانند پادشاهان داشتی لهذا ماترسیدیم وترا در دروازه بخاطر ایستاد کردم که الله جل جلاله بموسی علیه السلام فرمود: ای موسی زمانیکه پادشاه درقلب تو کدام خوف را بجا کند تو وضوء کن واصحاب خانه ها راهم حکم وضوء کردن رابدهید به این امر ترا امان نصیب خواهد شد. مایان دروازه رابند کردیم وهمه ما وضوء نمودیم باز نماز خواندیم بخوف وترس تو از نزد دور شد و دروازه را باز کردیم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت و سوم

دربیان فضیلت نماز

چونکه نماز عبادت بهتر وافضلتر است لهذا ما پیروی کتاب الله ﷻ را کردیم وبطرف نماز وترغیب دادن بار دوم یاد آوری آنرا کردیم زیراکه درمورد نماز بارها نوشته ها راکرده ایم. از آن ایات و احادیث زیاد آمده است چنانچه ارشاد نبوی است برای بنده ازین انعام بزرگی نیست که برایش اجازه ادا ءنمودن دو رکعت نماز اختیار خواهم کرد زیراکه در دو رکعت نماز رضای الله ﷻ ودرجنت رضای من میباشد. گفته می شود. زمانیکه الله ﷻ هفت طبقه آسمان پیدانمود آنرا از فرشتگان پر کردند آنها از عبادت الله ﷻ برای یک لحظه هم غافل نمی شوند الله ﷻ برای فرشته گان هر آسمان نوع از عبادت مقرر نموده است فرشته های یک آسمان تا روز قیامت درحالت قیام میباشد. فرشته های آسمان دیگر در رکوع وفرشتگان آسمان دیگر درسجده وفرستگان دیگر آسمان از خوف الله ﷻ دستهای خود را دراز نموده اند فرشتگان علیین وعرش الله ﷻ درصف ها ایستاد میباشند واز عرش پروردگار طواف می کنند وصدقه الله ﷻ رامی گویند. برای ساکنین زمین مغفرت وعفو می خواهند. مگر الله ﷻ این همه عبادات را درنماز جمع کرده اند تا برای مومنان حصه از عبادات فرشتگان آسمان باشد. این همه عبادات را درنماز جمع کرده اند تا برای مومنان حصه از عبادات فرشتگان آسمان باشد. اجر پاداش شان را اعطا نمایند. الله ﷻ برای مومنان امر ادا نمودن عبادت شکر را داد. شکر نماز این است که شرایط وحدود کامل اداء گردد. الله ﷻ فرموده است: ﴿ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣﴾ ﴾[1]

ترجمه: آنانیکه ایمان دارند به چیزهای نادیده ودرست بر پا می دارند نماز را واز آنچه اعطاء کرده ایم ایشانرا خرج می کنند.

وهمچنان الله ﷻ فرموده است:﴿ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ ﴾[2] و خداوند می فرماید:﴿ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ ﴾[3]

---

[1] (البقرة ۰۰۳)
[2] (هود ۱۱٤)
[3] (البقرة ۰٤۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: وبر پا دارید نماز را.

وهمچنان فرموده است: ﴿ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ ﴾[1]

ترجمه: وآفرین می کنم بر پادارند نماز را.

درقرآن کریم با ذکر نماز حکم قائم شدن آنرا کرده است هنگامیکه الله ﷻ ذکر منافقین را نمود فرمود: ﴿ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ۝٤ ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝٥ ﴾[2]

ترجمه: پس خرابی(وای) آن نماز گذاران راکه ایشان از نماز خویش غافلند.

درین ایات الله ﷻ به منافقین مصلین گفته است در وقت ذکر مؤمنین فرموده است: ﴿ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ ﴾[3]

ترجمه: وآفرین می کنم بر پر پاکنندگان نماز را (پر پاداران نماز را).

این بخاطر گفت که نماز گذاران زیاد است ولی کسانیکه مفهوم درست نماز نماز قائم میکند کم هستند. مردم غافل صرف تا حدود رواج عمل می نمایند وآنانرا ان روزی به یاد شان نمی آید. که درآن اعمال پیش میگردد از نبی کریم ﷺ روایت است که بدون شک از شما بعضی طوری هستند که نماز ها را اداء می کند مگر از نماز باری شان حصه سوم. چهارم. پنجم. یا ششم. میباشدو تاکه آن ﷺ تاحصه دهم حساب کرد وفرمود: ثواب برایش نوشته میگردد یعنی به کسی ثواب وپاداش داده می شود که نماز به اطمئنان وتوجه ادا ءنماید از محمد ﷺ روایت شده است کسیکه به الله ﷻ دو رکعت نماز به توجه کامل اداء نمود اوبه همان روز از گناهان طوری پاک میگرد که از مادرش نو زائیده شده باشد. حقیقت این است که نماز بنده زمانی با ارزش می شود که نماز گذار همه توجه زابه سوی الله ﷻ بگرداند اگر توجه وی به الله ﷻ نباشد ودر فکر خود غرق باشد او مانند کسی است که بخاطر معذرت خواستن از خطاهای خود به دربار پادشاه می رود. زمانیکه به دربار پادشاه برسد پادشاه درپیش روی خود اورا دید وبرایش متوجه شد ولی آن شخص بی التفات یکسو دیگر سومی نگیرد بادشاه حاجت او را پوره ساخته. پادشاه به اندازه توجه واهتمام او مورد فضل خود میگردد وسخن اورا می شنود همچنان زمانیکه او درنماز داخل شود ودرچیزهای دیگر مشغول گردد نماز او پذیرفته

---

[1] (النساء: ۱۶۲)

[2] (الماعون: ۴-۵)

[3] (النساء: ۱۶۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نبی شود، بدانید که مثال به مشابه دعوت آن نان عروسی است که پادشاه تهیه کرده باشد درآن خوراک های متنوع وجور داشته باشد وباز به مردم دعوت نماید نماز هم به همین منوال است الله ﷻ این مردم رادعوت نموده است ودرین ازکار وافعال مانند مختلف وجود دارد، تابنده عبادت آن را بجا آرد و از اقسام متنوع بندگی لذت ببرد افعال مانند نان و از کار مانند چیزهای نوشیدنی است این هم گفته شده که در نماز دروازدهٔ هزار افعال بود واز آن صرف دروازه آن خاص گردیده شده لهذا برای نماز گذار سزاواراست که بر او اهتمام جدی نماید تا نمازش کامل شود، درین افعال شش در داخل نماز وشش دربیرون از نماز هست، اول علم است زیرا که ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است آن عمل که یک انسان با علم انجام از آن عملی زیاد که با جهالت ونادانی باشد بهتر وافضلتر است، دوم وضوء است:﴿ خُذُوا۟ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ [1] ﴾

ترجمه: بگیرید آرایش خود را هنگام هر نماز.

پس برای هر نماز لباس رابپوشید، چهارم، التزام، بر وقت است چنانچه فرمان الهی است: ﴿ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا [2] ﴾

ترجمه: هر آئینه نماز هست بر مسلمانان فرض در وقت مقرر آن.

پنجم به قبله رو کردن است بر این حکم الهی است: ﴿ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ [3] ﴾

ترجمه: پس بگردان روی خود را طرف مسجد حرام.

ششم نیت است چنانچه فرمان نبوی است: (انما الاعمال بالنیات) بیشک تمام اعمال نیک باشد باید مربوط نیات آنها است.

یعنی اصل اعمال مبنی بر نیات است وبرای هر شخص آن چیز است که نیت او را کرده باشد.

هفتم تکبیره تحریم است چنانچه ارشاد نبوی است: تحریمه ماز به تکبیر و تحلیل او بر سلام است.

هشتم قیام است زیرا فرمان الهی است: ﴿ وَقُومُوا۟ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ [4] ﴾

---

[1] الأعراف (۳۱)
[2] النساء (۱۰۳)
[3] البقرة (۱۵۰)
[4] البقرة (۲۳۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: بایستید بحضور الله ﷻ فرمان بردارندگان یعنی نماز بخوانید.

نهم خواندن سوره فاتحه است زیرا که فرمان الهی است:﴿ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ﴾[1]

ترجمه: رکوع نماید با رکوع کننده گان.

یازدهم سجده است درین باره الله می فرماید: ﴿ وَٱسۡجُدُواْ ﴾[2]

دوازدهم قعده است ارشاد نبوی است زمانی شخصیکه از قعده آخر سر خود را بلند نمود و بعد از خواندن تشهد نشست نماز او کامل شده زمانیکه این دوازده چیز پوره شود برای تکمیل اینها ضرورت چیزی دیگری است او اخلاص قلب است تابراین نماز وبه وجه احسن ادا گردد. فرمان الهی است که ﴿ فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴾[3] ما از همه پیشتر یاد آوری را کردیم.

علم بر سه قسم است یکی فرائض و سنتها است زیرا که این بخاطر تکمیل نماز یک راه باشد وضوء به سه چیز تکمیل می گردد اول که از قلب خود بغض، حسد و عداوت دور نمائید دوم این که بدن خود از گناهان صفا پاک بسازد سوم این که آب بطریقه درست استعمال کند و بدون ضایع نمودن اعضاء بدن خود را بشوئید.

لباس به سه چیز پوره می شود. اول اینکه از فائده حلال بدست آمده باشد دوم اینکه از نجاست پاک باشد سوم اینکه مطابق طریقه مسنونه ساخته شده باشد. برای تکبر و خود نمای نپوشیده باشد التزام وقت را سه چیز منحصر است اول اینکه به اندازه علم داشته باشید که به کمک آفتاب مهتاب و ستاره گان وقت را شناسائی کنید دوم اینکه گوشهایت منتظر آذان باشد. سوم اینکه قلب تو برای وقت نماز در تفکر باشد.

نیت بر سه چیز مکمل می شود اول اینکه برایت علمی باشد که کدام نماز را اداء میکنید. دوم اینکه برایت علمی باشد که به حضور الله ﷻ ایستاده هستی. سوم اینکه برایت هویدا باشد که الله ﷻ بر رازهای قلب تو با خبر است. و از قلب خود کارهای دنیوی را دور کنید.

تکبیر تحریمه هم بر سه چیز کامل میشود. اول اینکه به معنای درست عظمت و بزرگی الله ﷻ را بیان کند و به طریق درست تکبیر تحریمه قلب تو حاضر باشد. دوم اینکه قلب تو متوجه به سوی الله ﷻ باشد سوم اینکه بسوی دیگر التفات نکنید. قراءت هم بر سه چیز مکمل

---

[1] (البقرة ۰٤۳)

[2] (الحج ۰۷۷)

[3] (الزمر ۰۰۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشود اول اینکه الحمد الله به تلفظ درست بخوانید مانند ساز و سرود و زمزمه ننمائید. دوم اینکه به فکر و تامل بخوانید. و بر معنای او تامل نماید سوم اینکه هر چیز را بخوانید و بران عمل کنید. رکوع هم بر سه چیز کامل میگردد اول اینکه کمر را هموار بگیرید. دوم اینکه هر دو دست تا به زانو هائیتان بمانید. سوم اینکه به اطمینان کامل رکوع کنید و به تعظیم و وقار کامل تسبیحات بخوانید.

سجده هم بر سه چیز پوره می گردد اول اینکه هر دو دست تان به برابری گوشهای تان بمانید دوم اینکه هر دو دست از بدنتان، (پهلو) دور بگیرید. سوم اینکه به اطمینان کامل تسبیحات سجده را بخوانید قعده هم بر سه چیز پوره می شود اول اینکه بالای پای راست خود ایستاده و بر پای چپ خود بنشینید. دوم اینکه تشهد به تعظیم کامل بخوانید برای خود و برادر مسلمان خود دعا طلب کنید سوم اینکه از اختتام به سلام از نماز بیرون شوید.

سلام طوری کامل میگردد که در وقت سلام گردانیدن بطرف راست این نیت را در داشته باشید که به فرشتگان، مردان و زنان طرف راست سلام می کنم همچنان در وقت سلام گردانیدن به طرف چپ همین نیت را داشته باشید و نظر تان از هردو شانه تجاوز ننماید.

همچنان اخلاص هم به سه چیز کامل می شود، اول اینکه مطلب تنو از اداء کردن نماز صرف بدست آوردن رضای الله ﷻ می باشد. دوم اینکه توان مندی اداء نمودن نماز از جانب الله ﷻ بشمارید. سوم اینکه حفاظت کامل نماز خود را بکشید تا روز قیامت به دربار الله ﷻ پیش شوید.

زیرا که فرمان الهی است: ﴿ مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ ﴾[1]

هر که آورد یک نیکی کسیکه همرای حسنات آمد و نه گفت: کسیکه نیکی کرد لهذا حسنات خود با انجام دادن اعمال ناشایسته نابود نکنید و به دست خالی پیش الله ﷻ نروید.

(الأنعام ۱۶۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت وچهارم

در بیان آفتهای روز قیامت

روایت است که عایشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ پرسید آیا روز قیامت یک دوست دوستی دیگر خود را ذکر می کند؟ آن ﷺ برایش فرمود: در سه موقف هیچ کس کسی دیگری را ذکر کرده نمی تواند. اول در وزن کردن اعمال تاپله ترازوی خود سنگینی و یا سبک نمی بیند و در وقت پرواز نمودن اعمال نامه ها تا عتق از جهنم بیرون می شود و در عقب مردم حرکت می کند می گوید: ما بالای هر مشرک و متکبر روز قیامت مقرر شده ایم همه آنها در پیرامون شعله های خود می پیچاند و به جهنم انداخته می شوند بالای جهنم پلی است که از موی باریک و از شمشیر زیاد تیز می باشد برای خارهای میباشد مردم برآن مانند برق و باد به سرعت عبوری می کنند.

حقیقت صور اسرافیل:

از ابو هریره ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: زمانیکه الله ﷻ آسمان و زمین را پیدا نمود بعد از آن صور را پیدا کرد و به اسرافیل ﷺ داد که در دهن خود بگیرد به عرش الله ﷻ چشم های خودرا بدوزد و منتظر نفخ از صور میباشد.

ابو هریره ﷺ می فرماید که من عرض کردم یا رسول الله! صور چیست؟ آن ﷺ فرمود: او شاخ گاو است. من گفتم چطور هست؟ او فرمود دائره بزرگی دارد به الله ﷻ سوگند که دائره او مانند آسمان و زمین می باشد در او سه مرتبه نفخ صورت می گیرد اول برای خوف دوم برای مدهوش شدن، سوم برای بعث از قبرها باز ارواح طوری بیرون می سود مانند زنبور عسل آنها میان زمین و آسمان فضا را پر میکنند و از طرف بینی به بدن انسان ها داخل می شوند. باز فرمود: از همه نخست قبرم باز می گردد.

در روایت دیگر آمده است که الله ﷻ جبریل، میکائل و اسرافیل را زنده می سازد آنها به قبر محمد ﷺ می آیند با آنها براق ولباس چنین می باشد بعد قبر محمد ﷺ باز می شود، مجرداً فتبرن شش به جبریل امین می فرماید: این کدام روز است. جبریل عرض می نماید: این روز قیامت است روز مصیبت است روز تکالیف و مشقت است آن ﷺ می فرماید: ای جبریل

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله با امت من چه کرد؟ جبریل علیه السلام می فرماید: برایت مبارک باشد نخستین شخصی هستی که از قبر بر می خیزی. از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که محمد صلی الله علیه وسلم فرمود:

الله ﷻ می فرمای: ای جن و انس: من شما رانصیحت کرده بدم بگیرید اعمال تان در اعمال نام های شان نوشته شده است کسیکه اعمال نامه اش را خوب ببیند باید او حمد پروردگار را رابیان نماید وکسیکه اعمال نامه اش را مورد پسند خود بیند باید خودرا ملامت کند از یحیی بن معاذ روایت است که او در مجلس خود این آیت شریف را شنید که:

﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾ ﴾

ترجمه: روزیکه جمع آریم پرهیزگاران را بسوی رحمن بطور وفد (جماعت) ومی رانیم گنهگاران را بسوی دوزخ تشنگان.

پیامبر ﷺ فرمود: ای مردم! در نیکی آخرت سبقت کنید. روز محشر از قبرهای تان بر خیزانده می شوید و از عرصه های مختلف روان می شوید در نزد الله تنها جدا جد ایستاد می شوید و از شما پرسان حرف حرف میگردد. مردم نیک به دربار الله ﷻ سوار می آیندو مردم بد پیاده و تشنه آورده می شوند مردم جمعیت جمعیت، به جهنم انداخته می شوند ای برادران پیش تان روزی است که به حساب روزهای دنیا پنجاه هزار سال برابر است ازین روز خوف ورزیدن می باشد درین روز تمام انسان پیش خالق کائنات ایستاد این روز حسرت و افسوس نکه چینی، محاسبه، آن و فریاد، مصیبت ، مشقت و زنده کردن دوباره است ازین انسانها هم اعمال خود را می بینند درین روز بعضی روی های سفید و دیگر آنها سیاه رو می باشند درین روز مال، اولاد کسی را فایده رسانده نمی تواند، بلکه آن چیز فایده رسانده می تواند که در دنیا عقیده سالم داشته بود. درین روز عذر ظالمان هیچ نوع فائده رسانیده نمی تواند و برای شان لعنت و مکان زشت است.

قول مقاتل بن سلمان رحمه الله است که مردم بیست روز کامل خاموش ایستاد می باشند و تا مدت ده سال در تاریکی سرگردان و پریشان ایستاد می باشند، همه سال، یکی بالای دیگر و زیر پا دیگر می باشند. پیش الله ﷻ با هم مجادله می کنند طول روز قیامت پنجاه هزار سال میباشد مگر بر مومن مخلص مانند وقت یک نماز فرض می گذرد.

(مریم ۸۵-۸۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث محمد ﷺ است که روز قیامت قدم یک بنده تا زمانی بلند نمی شود تا جواب چهار سال را نداده باشد از عمرش چطور گذرانیده، خود را در چه چیز مشغول ساخته، از علم خود بکدام اندازه عمل کرده از مال و دولت چطور دریافت کرده و چه نوع به مصرف رسانیده است.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: الله ﷻ برای هر پیغمبر خود یک یک دعاء برای قبول شدن داده بود آنها دعاها ی خود را خواستند مگر من دعا خود را برای شفاعت است خود در روز قیامت حفظ کرده ام، ای رب ذو الجلال! به فضل و رحمت خود تو ما را از شفاعت پیغمبر ﷺ محروم نسازی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت وپنجم

در بیان جهنم و میزان

ذکر جهنم و میزان سابقاً هم یاد آورده شده بودیم ولی دوباره آنرا بخاطری فکر می کنیم که شاید بعضی از قلب های بیکار و غافل ازین ایستفاده زیاده کند.

الله ﷻ در قرآن کریم بارها حالادت جهنم و میزان را بیان کرده است تا مردم عاقل ازین عبرت حاصل نماید و این را بداند که هیچ غم و تکلیف دنیا در مقابل تکالیف و مشقات جهنم ارزشی وحیثتی ندارد و آخرت همیشه وباقی است.

در حدیث شریف آمده است که در جهنم خیلی سیاهی و تاریکی می باشد به هر کوه هفتاد هزار درهٔ از آتش می باشد و در هر دره هفتاد هزار شق آتش است و در هر شق هفتاد هزار دره آتش می باشد و در هر دره هفتاد هزار شق آتش میباشد. در هر قصر هفتاد هزار خانه آتش است و در هر خانه هفتاد هزار گژدم می باشد و در هر گژدم هفتاد هزار نیش دارد و در هر نیش هفتاد هزار مهره می باشد و در هر مهره هفتاد هزار کوزه زهر می باشد زمانیکه روز قیامت شود از آنها پرده بلند میگردد طرف و چپ انسانها و جنیات گرد و غبار می باشد پیش روی شان برزمین می افتند و فریاد می کنند که ای الله ﷻ ما را ازین مصیبت محفوظ گردان.

روایت مسلم است که پیامبر ﷺ فرموده است: روز قیامت به جهنم هفتاد هزار زنجیر انداخته می شود و هر زنجیر از سوی هفتاد هزار فرشته کشانیده می شود در حدیث شریف آمده است که الله ﷻ عظمت فرشتگان جهنم را بیان نموده الله ﷻ در مورد فرشتگان جهنم فرموده است: ﴿ غِلَاظٌ شِدَادٌ[1] ﴾

ترجمه: درشت خو سخت رو.

و فرمود: در میان کتف هر فرشته مسافه یک سال می باشد و در آن به اندازه قوت داشته باشند که آنها به آن گرزه (چکش) که بدست خود دارند کوه را بزنند میده میده خواهد شد آنها به یک ضربهٔ چکش هفتاد هزار جهنمیان را به جهنم می اندازند الله ﷻ می فرماید:

---

[1] (التحریم ۰۰۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

﴿ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ ﴾[1]

مقرر است بر آن آتش نوزده فرشته.

مقصد و هدف ازین سران فرشتگان است که بالای جهنمیان مقرر گردیده باشد تعداد تمام فرشته گان جهنم بدون الله ﷻ به کسی دیگر معلوم نیست.

﴿ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ﴾[2]

ترجمه: و نمی داند لشکرهای پروردگار ترا مرگ او.

از بن عباس ﷺ در مورد وسعت جهنم پرسیده شد او فرمود: الله ﷻ سوگند که نمی دانم عرض و وسعت جهنم چقدر میباشد لکن اینقدر می دانم که هر یکی از فرشتگان مقرر شده بر جهنم طوری بزرگ وعظیم می باشند که فاصله میان نرمی گوش تا شان به اندازه هفتاد سال سفر میباشد و در جهنم درهٔ های (وادی) خون و (قیح) جریان دارد.

در روایت از ترمذی عرض دیوالهای جهنم به اندازه چهل سال سفر ذکر شده است در روایت مسلم شریف آمده است که پیامبر ﷺ فرموده: آتش دنیا به اندازه هفتاد درجه از حرارت جهنم گرم تر است. صحابه کرام عرض نمودند یا رسول الله این آتش هم بسیار گرم میباشد محمد ﷺ فرمود آتش جهنم. به نسبت این آتش ۶۹ بار زیاد گرم میباشد. فرمان نبوی ﷺ است اگر کدام جهنمی خود را به دنیا آشکار کند به سبب حرارت او دنیا خواهد سوخت. اگر کدام فرشته از فرشتگان جهنم به دنیا بیاید و مردم او را ببینند بسیاری از آنان از ترس خواهند مرد.

حدیث شریف مسلم است که محمد ﷺ با صحابه کرام نشسته بودند آنها صدای انفجار را شنیدند محمد ﷺ به صحابه کرام ﷺ فرمود آیا می دانید این آواز چه است؟

صحابه کرام فرمودند: «الله ورسوله اعلم» آن ﷺ فرمود این آواز سنگ بود که هفتاد سال قبل به جهنم انداخته شده بود اکنون به پایین جهنم رسید.

عمربن خطاب باری فرمود: جهنم را زیاد ذکر کنید زیرا که حرارت او زیاد سخت، عمق او خیلی زیاد عمیق و چکش های (گرز) دوزخ آهنین میباشد.

---

[1] (المدثر ۳۰)

[2] (المدثر ۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابن عباس رضی الله عنه در باره این آیت شریف ﴿ إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾ ﴾

ترجمه: چون بیند دوزخ ایشان را از جای دور شنوند ایشان از آن آواز جوش و غریدن.

در باره معنای این آیت پرسیده شد آن رضی الله عنه فرمود شما این فرمان محمد ﷺ را نه شنیده اید که کسی قصداً قولی را بر من منسوب می سازند او باید مسکن خود را در جهنم جستجو نماید. از محمد ﷺ پرسان شد آیا جهنم چشم دارد؟ پیامبر ﷺ فرمود آیا این فرمان الله ﷻ را شنیده اید که فرموده است ﴿ إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾ ﴾

ترجمه: چون بیند دوزخ ایشان را از جای دور شنود ایشان از آن آواز جوش و غریدن.

تایید این حدیث از این حدیث هم می شود که در آن آمده است از جهنم عنقا (سر) بر می آید او چشم برای دیدن و زبان سخن گفتن دارد و می گوید. برای آن شخص مقرر شده ام که با الله ﷻ شریک گرفته باشد او از پرنده سریعتر نگاه می کند که از عقب دانه جستجو می کند.

در بارهٔ میزان اعمال نبی کریم ﷺ فرمود: جنت به طرف راست عرش الله ﷻ و دوزخ طرف چپ عرش نهاده شده پله میزان حسنات از طرف راست و پله میزان سیئات از جانب چپ نهاده شده لهذا پله نیکی از جهت جنت و پله بدی از جانب دوزخ گذاشته شده.

ابن عباس رضی الله عنه می گفت بدی و نیکی به میزان وزن می شود که پلهٔ آن زبان دارد. آن رضی الله عنه می گفت: زمانیکه الله ﷻ اراده وزن اعمال بندگان را کند او را مجسم می کند و روز قیامت آنرا وزن می نماید.

---

[1] (الفرقان ۱۲)

[2] (الفرقان ۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت و ششم

در بیان کبر و خود محوری

الله ﷻ ما را توفیق دنیا و آخرت بدهد خوب فکر و تامل نمایم که تکبر و خود محوری انسان را از فضایل دور میسازد و وسیله حصول نمودن رزائل و قبایح می گرداند.

همین قدر رزالت و بدی کفایت میکند که ترا به شنیدن نصایح نمی گذارد و از انجام دادن اعمال نیکو ترا منع می سازد زیرا مردم هوشیار و دانا گفته اند میان حیا و تکبر عمل ضایع می گردد. تکبر برای علم مصیبت است مانند سیلاب که برای عمارت و اپارتمانها مصیبت اند.

حدیث نبوی است در قلب کسی به مانند یک دانه کبر باشد به جنت نخواهد رفت.

حدیث نبوی ﷺ است کسیکه بخا لر کبر لباس خود را برزمین می کشد الله ﷻ او را به نظر رحمت نمی بیند. قول دانایان است که به سبب تکبر و خودبینی مملکت بقا نمی یابد الله ﷻ هم کبر را با فساد یکجا ذکر نموده است.

چنانچه فرمان الهی است:

﴿ تِلْكَ ٱلدَّارُ ٱلْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ﴾[1]

ترجمه: آن سرای آخرت را مقرر می کنیم برای آنان که نمی خواهند تکبر در زمین و نه فساد را.

همچنان الله ﷻ می فرماید:

﴿ سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَٰتِىَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ﴾[2]

ترجمه: باز خواهم داشت از تامل در آیات من کسانی را که تکبر می کنند ناحق.

قولی دانای است هر گاه متکبر را بینم جوابش را با تکبر می دهم.

ابن عوان شخص بسیار متکبر بود او روزی به غلام خود گفت مرا آب بده او گفت: خوب ابن عونه گفت آن شخص حق این گفتن را دارد که او اختیار نه گفتن را داشته باشد. این سخن

---

[1] (القصص ۰۸۳)

[2] (الأعراف ۱٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

را گفت و فوراً به روی غلام زد باز دهقان را خواست و با او گفتگو نمود زمانیکه از گفتگو فارغ گردید آب خواست و دهن خود را شست تا اینکه ناپاکی سخن گفتن با او از دهنش دور شود.

گفته شده کبر فلان شخص به آن منزل رسیده است که اگر بیفتد استخوان هایش میده میده خواهد شد. یعنی هلاک می گردد.

قول حافظ است که درقریش کبر بنومحزوم و بنو امیه شهرت داشت و در عرب بنو جعفر بن مکرب و بنو زراره بن عدی در تکبر مشهور بودند. وباشنده گان «کاسره» را غلامان خود می پنداشتند.

به شخص از قبیله بنو عبدالدار گفت شما چرا به دربار خلیفه نمی آید؟

او گفت ازین می ترسم که او شاید سنگین شرف مرا تحمل نتواند.

به حجاج بن ارطاتٍ گفته شد چرا در نماز جماعت شامل نمی شوی؟ او گفت، از فریب دکانداران می ترسم.

این هم گفته شده که وائل مجر پیش محمد ﷺ آمد محمد ﷺ او را زمینی داد. پیامبر ﷺ به امیر معاویه ﷺ فرمود: زمین را برایش نمایان کن و در حسابش بنویس. معاویه ﷺ در گرمی بسیار سخت همرای وی رفت او برشتر سوار گردید و معاویه ﷺ همرای او پیاده می رفت. زمانیکه به اثر شدت گرمی احساس تکلیف نمود. باز به او گفت مرا هم در عقبت سوار کن او در پاسخ گفت: ترا سوار نمی کنم، زیرا از جمله آن پادشاهان نیستم که مردم را عقب خود سوار می کنند.

معاویه ﷺ برایش فرمود: من بدون پای پوش سفر می کنم پای پوشت را بدهید وایل گفت: ای فرزند ابوسفیان من بخاطر بخل نه بلکه به سبب پای پوش خود را برایت نمی دهم که این امر را خوش ندارم تا به حاکم یمن این سخن برسد که پای پوش مرا تو پوشیده ای. البته بخاطر عزت تو اجازه این امر را داده می توانم که زیر سایه شترم بروی.

روایت است که او در عهد خلافت معاویه ﷺ آمد و در آن وقت معاویه خلیفه بود و همرای خود بالای تخت نشاند و با او گفتگو نمود.

مسرور بن هند به شخصی گفت: آیا مرا می شناسی؟ او گفت: نه مسرور گفت: من مسرور بن هند هستم آن شخص گفت: ترا نمی شناسم مسرور فریاد زد و گفت: خداوند ﷻ آن شخص را هلاک کند که مهتاب آسمان را نمی شناسد. در باره همچو متکبرین شاعری گفته است که:

(c) ketabton.com: The Digital Library

قولا لاحمق یلوی الیتـ اخدعه لوکنت تعلم مافی الیه کم تتـ
التیه مفسدة للذین منقصة للعقل مهلکة للعرض فانتبـ

ترجمه شعر: به آن کم عقل و نادان بیگو که بخاطر کبر به پشت خود دعوت می کنی بعداً حرکت می کنی اگر برایت هویداً گردد که در آن چیست حیران خواهد شدی. این کار فساد درین، کم عقلی و باعث هلاکت و نابودی عزت می گردد از این خود را آگاه بساز.

گفته شده که هر شخص سبک و کم ظرف کبر می کند و هر شخص سنگین و صاحب مرتبه بلند عجز و تواضع می کند.

حدیث نبوی است که سه چیز هلاک کننده است، بخل دایم، پیروی خواهشات نفسانی، و خود را بزرگ پنداشتن.

از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که محمد ﷺ فرمود: زمانیکه وقت وصال نوح علیه السلام نزدیک گردید او اولاد خود را طلب کرد فرمود: من شما را حکم دو چیز را می کنم و از دو چیز شما را منع می کنم، من شما را از شرک و تکبر منع می کنم. وحکم گفت لا اله الا الله می کنم زیرا که همه چیزهای زمین و آسمان در یک پله و کلمه لا اله الا الله را در پله دیگری گذاشته شود کلمه توحید باز هم سنگین میباشد اگر آسمان و زمین در یک دائره آید و کلمه درآن نهاده شود او پاره خواهد شد. به شما حکم گفتن سبحان الله و بحمده را می دهم زیرا این نماد هر چیز است و به همین سبب رزق و روزی داده می شود.

فرمان عیسی علیه السلام است که برای آنانی بشارت است که الله جل جلاله به او علم کتاب داده باشد ودر تکبر قوت ننموده باشد. روزی عبدالله بن سلام رضی الله عنه دستهٔ چوب بر سر خود نهاده بود و از بازار عبور نمود کسی برایش گفت: شما را به این چه ضرورت است که بر سر خود دستهٔ چوب را بلند کنی؟ او رضی الله عنه فرمود: من خواستم که به این کار کبر را از قلبم ختم گردد.

در تفسیر قرطبی در مورد فرمان الهی که: ﴿ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ ﴾[1]

ترجمه: و نزنید بزمین پاهای خود را.

این خطاب است که اگر او بخاطر آشکار کردن زیب و زینت خود و جلب نمودن توجه به سوی خود می کند این برایش حرام است. همچنان هر کسی که چپلی و بوت خود به قوت بر زمین می زند این هم حرام است زیرا که درین کار تکبر است.

---

[1] (النور ۳۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت وهفتم

در بیان احسان با یتیم و سرپرست خود را از ظلم نمودن به او نگهداری کردن

حدیث شریف بخاری است که من و کافل یتیم در جنت طوری یکجا می باشیم باز انگشت شهادت و انگشت وسطی را بالا نمود و اشاره کرد حدیث مسلم است که محمد ﷺ فرموده است من و کافل یتیم اگر که او از اقارب شان باشد و یا بیگانه در جنت طوری باهم نزدیک هستیم مانند این دو انگشت مالک رحمه الله و پیوسته به انگشت وسطی بلند نموده اشاره کرد.

حدیث بزار است کسیکه تربیت یتیم را کرد اگر او از جمله اقارب شان باشد و یاهم بیگانه من و کافل یتیم در جنت طوری می باشیم مثال این دوانگشت که با هم نزدیک هستند کسیکه تربیت سه دختر را کرد او در جنت می باشد و او را ثواب مجاهد فی سبیل الله و روزه دار می باشد.

حدیث شریف ابن ماجه است: کسیکه تربیت یتیم را انجام داد به او مانند عابد شب و روزه دار روز و کسیکه شمشیر بدست بخاطر جهاد فی سبیل الله به میدان جنگ رفته باشد ثواب داده می شود. من و او در جنت مانند برادر باشمی مثل این دو انگشت باهم نزدیک هستند. باز او ﷺ انگشت شهادت و در پهلوی او انگشت نزدیک او را بلند نمود ترمذی به سند صحیح روایت نموده است کسیکه کفالت خوراک و نوشیدن یتیم مسلمان را کرد الله ﷻ تاو را به جنت می فرستد مرگ در صورتیکه مرتکیب گناه گردیده باشد که قابل عفو نمی باشد. ترمذی به روایت حسن روایت کرده است کسیکه تربیت یتیم را کرد و او را به پای خود ایتساد کرد الله ﷻ برای او جنت واجب می گرداند.

حدیث ابن ماجه است که محمد ﷺ فرمود: خانه بهتر در میان مسلمانان خانه است که در آن با یتیم معامله خوب صورت می گیرد و برای مسلمان خانه بد آنست که در آن به یتیم تکلیف و آزار داده می شود.

ابویعلی به سند حسن روایت کرده است که محمد ﷺ فرمود: من نخستین شخصی میباشم که دروازه جنت برایم باز می گردد مگر قبل از من زنی را می بینم و از او می پرسم که شما

(c) ketabton.com: The Digital Library

کی هستید که قبل از من روان هستی؟ او می گوید: من زنی هستم که بخاطر تربیت یتیمان خود در خانه نشسته بودم.

روایت طبرانی است که محمد ﷺ فرمود: به او ذات قسم نمودم که من را به حق فرستاده الله ﷻ روزی قیامت به آن شخص عذاب نازل نمی کند که او با یتیم رحم کرده و با او با نرمی گفتگو نموده و در پناه گاه خود گرفت و بر او ظلم و تجاوز ننمود.

روایت امام احمد و دیگر کتب احادیث است: کسیکه بخاطر رضای الله ﷻ به سر یتیم احسان کرد یا تربیت او را کرد پس من او را در جنت مانند هر دو انگشت نزدیک می باشم.

جمعیتی از محدثین روایت کرده و حاکم او را صحیح گفته که الله ﷻ به یعقوب علیه السلام فرمود: سبب کم شدن نظر چشم تو و خم شدن کمتر تو و همچنان معامله نادرستی برادران یوسف علیه السلام با یوسف علیه السلام این بود که روزی روزه دار و یتیم آمده بودند و شما به کمک خانواده نان بزی را ضلح کرده بودی و او را خوردی و لی به یتیم نان ندادی. پس الله ﷻ به او خبر داد که در مخلوقات خود از همه آن شخص را زیاد دوست دارم که با یتیمان و مساکین محبت دارد الله ﷻ به او علیه السلام وحی فرستاد که یتیمان را طلب کن و آن ها را نان بده او همین طور کرد در صحیحین از ابو هریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرمود:

بیوه ها یتیم ها و تربیت کننده مسکین طوری هستند مانند مجاهد فی سبیل الله غالباً این را هم فرمود: آن شخص مانند عبادت کنند شب و روزه دار روز اجر و پاداش دریافت می کند.

حدیث ابن ماجه است که مربی بیوه و مسکین مانند مجاهد فی سبیل الله است و مانند شخصی است که شب عبادت می کند و در روز روزه می گیرد یکی از سلف صالح گفته است که من در اوائل عمر خود شرابی و بد بکار بودم روزی یتیمی را دیدم و با او معامله خوب کردم مانند معامله پدر با فرزند خود بلکه از او هم معامله خوب تر کردم زمانی که خواب شدم می بینم که فرشتگان جهنم مرا به بسیار قهر می کشانند و به دوزخ می برند در آن وقت همان یتیم آمد و برای شان گفت این شخص را ترک بگوید تا در مورد وی با الله ﷻ گفتگو کنم ولی آنها انکار کردند و در این اثنا آوازی آمد «که تو را بخاطر رحم کردن بر یتیم معاف کردم» در این اثنا از خواب بیدار شدم و از همان وقت بدینسو با یتیمان معامله خوب می کنم.

در یکی از خانوده های پولدار و مالدار سادات زنها زندگی می کردند اراده الله ﷻ طوری بود که پدر وفات شد اولادهای خورد سن شان شکار فقر و بیچارگی گردیدند تا آنها بخاطر شرم و خجالت وطن خود را ترک کردند و در یک مساجد وزیران سکونت را اختیار نمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library

مادرشان آنها راگذاشته و بخاطر بدست آوردن نان بیرون شد وقت او به خانه امیر شهر که شخص مسلمان بود رسید به او تمام سرگذشت خود را بیان نمود ولی قبول نکرد به او گفت: شاهدی بیارید که تصدیق سخنان تان را بکنند در آن وقت شما را کمک خواهم کرد زن به شنیدن این سخن بیرون آمد که من یک مسافر از کجا برایت شاهد و گواه بیاورم؟ با او به خانه مجوسی رفت. به او تمام داستان خود را بیان نمود. مجوسی او را تصدیق کرد و زنی بخاطر فرزندانش به آنجا روان کرد مجوسی در خدمت او هیچ نوع قصور و کوتاهی ننمود. زمانیکه نیمه ای شب گذشت امیر مسلمان خواب دید که قیامت قایم شده باشد و محمد ﷺ بر سر خود لوای الحمد بسته کرده باشد و در جوار محل عظیم الشان ایستاد می باشد او اندکی پیش گردید و از محمد ﷺ پرسان کرد این محل برای کیست؟ او صلی الله علیه و سلم فرمود: برای شخصی مسلمان امیر مسلمان گفت:

من بنده الله ﷻ مسلمان هستم محمد ﷺ برایش فرمود: برای دعوای خود گواه بیاورید که حقیقتاً مسلمان مطیع هستی؟ او زیاد پریشان گردید محمد ﷺ یادآوری زن فقیر را کرد که از پیش او گواه خواسته بود امیر مسلمان که سخن محمد ﷺ را شنید از خواب بیدار گردید خیلی غمگین شد و در جستجوی آن زن و فرزندانش رفت تا به خانه مجوسی رسید او را گفت این زن و فرزندانش برای من بدهید ولی مجوسی انکار کرد و گفت: من به سبب اینها برکات زیادی را دیده ام امیر مسلمان به او گفت: هزار دینار بگیرد و اینها را برایم تحویل کن او انکار کرد باز در دل امیر فکر آزرده کردن مجوسی گشت. مجوسی به بدنیتی امیر فهمید و برایش گفت:

بخاطر کسیکه آمده ای من از تو مستحق تر هستم و کدام محلی که در خواب دیده بودی برای من ساخته شده تو بر مسلمانی خود زیاد افتخار داری الله ﷻ سوگند که من و خانواده ام تا زمانی خواب نمی شدیم تا که بدست این زن ایمان نیاروده ایم و من هم مانند تو در خواب زیارت محمد ﷺ را کرده ام و او از من پرسید که زن و اولادش همرای تو هست؟

من گفتم بلی یا رسول الله! او ﷺ برایم فرمود این محل برای تو و خانواده تو هست امیر مسلمان که این سخنان را شنید به بسیار غم و خستگی بر گشت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت وهشتم

در بیان بدی خوردن مال حرام

الله ﷻ می فرماید ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ [1] ﴾

ترجمه: ای مومنان مخورید اموال خویش را در میان خویش بناحق!

در باره معنی این آیت شریف اختلاف است لهذا این سود، قمار، غصب، دزدی، خیانت شهادت، دروغ ، به سوگند های دروغ حصول مال است.

قول ابن عباس رضی الله عنه است که مطلب ازین آن چیزهای است که انسان بر ناحق حاصل نموده است. زمانیکه این آیت شریف نازل شد مردم خورن و نوشیدن در خانه ها یک دیگر را متوقف نمودند پس از آن این آیت همین سوره نازل شد که ﴿ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ [2] ﴾

ترجمه: و نیست تکلیف بر نفسهای تان در این که بخورید از خانه های خود یا خانهای پدران تان.

بعضی گفته اند که مطلب از این بیع غلط است به قول ابن مسعود رضی الله عنه این از جمله محکمات است که تا روز قیامت حکم این آیت باقی خواهد بود مطلب او این است که خوردن به طریق ناروا به هر آن چیز شامل است که به طریقه نادرست بدست آمده باشد مانند غصب، ظلم، خیانت دزدی، تجاوز و غیره یا به اساس قمار بدست بیاید و یا هم به مکرو و فریب از کسی گرفته شود مانند خرید و فروخت حرام. در تائید این قول بعضی علماء این را هم گفته است این آیت در بارهٔ منع مصرف نمودن مال خود انسانیکه به طریقهٔ نادرست صورت می گیرد هم دلالت می نماید و همچنان بر ممانعت خرج کردن مال دیگران بر طریق نادرست هم دلالت می کند فرمان الهی است که: ﴿ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً [3] ﴾

ترجمه: مگر که باش تجارت.

---

[1] (النساء ۰۲۹)

[2] (النور ۰٦۱)

[3] (النساء ۰۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

درین استثناء منقطع است شما بوسیله نجات مال گرفته می توانید زیرا تجارت از جمله مال ممنوع نیست معنای این آیت به طریقه دیگر نادرست است اطلاق این آیت در پرتو دلایل دیگر به قرض و هبه هم می شود فرمان الهی است : ﴿عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ﴾[1]

ترجمه: به خشنودی یکدیگر از شما.

مطلب این آیت این است که به رضا و طریق جائز صورت بگیرد ذکر خوراک بخاطر تقیدیست بلکه برای این است که از او خوراک به صورت عام مقصودست بالکل همین طور است چنانچه که ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ﴾[2]

ترجمه: هر آینه آنانیکه می خورند مال های یتمیان را.

درین مورد آیت و احادیث زیادی آمده است که بعضی از آنها قرار ذیل ذکر میگردد: در مسلم و کتاب های دیگری از ابو هریره ﷺ روایت است که محمد ﷺ فرمود: الله ﷻ پاک است و چیزهای پاک را می پذیرد و او مومنان را حکم داده است کدام که به رسولان داده است چنانچه فرمان الهی است ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُوا۟ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعْمَلُوا۟ صَٰلِحًا﴾[3]

ترجمه: ای پیغمبران بخورید از اطعمه پاکیزه و کنید کار نیک.

درروایت دیگری آمده است ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ﴾[4]

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید بخورید از چیزهای لذیذ و حلال که روزی دادیم شمارا.

باز آحضرت ﷺ ذکر شخصی را کرد که پس از سفر طولانی با موی های گرد آلود به خانه عودت میکند باز سوی آسمان هر دو دست خود را بلند می کند و می گوید ای الله! در حالیکه خوراک و لباس و نوشیدن همه حرام باشد درین صورت الله ﷻ دعای او را چطور قبول می کند.

طبرانی به سند حسن روایت کرده است که جستجوی رزق حلال بالای هر مسلمان واجب است حدیث ترمذی و حاکم است کسیکه رزق حلال خورد یا مطابق طریق مسنونه عمل کرد و مردم از شر او محفوظ ماندند او به جنت داخل میشود صحابه کرام عرض نموده فرمودند: یا رسول الله این کارها امروز در امت تو زیاد است او ﷺ فرمود: بعد از من اینطور حالت هم می

---

[1] (النساء ۰۲۹)
[2] (النساء ۰۱۰)
[3] (المؤمنون ۰۵۱)
[4] (البقرة ۱۷۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

آید احمد و دیگران به سند حسن روایت کرده زمانیکه در تو چهار چیز پیدا گردد در صبح تصور و کوتاهی دنیا به تو نقصان رسانیده نمی تواند:

حفظ امانت راست گفتن، خُلق حسن، رزق حلال . حدیث طبرانی است که برای آن شخص بشارت است که کسب او حلال، باطن او درست، ظاهر او با عزت و مردم از شر او در امان باد. برای آن شخص بشارت است که به علم عمل کرد مال زیاد خود را در راه الله ﷻ به مصرف رسانیده و از سخنان بیهوده خود داری نمود.

در طبرانی آمده است: که محمد ﷺ فرمود: ای سعد! حلال بخور دعایت قبول می شود به آن ذات بزرگی سوگند می خورم که روح من در دست اوست اگر کسی یک لقمه حرام در شکم خود داخل نمود به اساس او چهل روز عبادت وی پذیرفته نمی شود.

شخصی که بوسیله حرام گوشت خود را زیاد می کند آتش جهنم بر او نزدیک میباشد احمد از ابن عمر روایت کرده است که او ﷺ فرمود: کسیکه به ده روپیه لباس خرید و در آن یک درهم از حرام باشد تا که این لباس درتن او باشد نماز وی قبول نمی گردد. باز او هر دو انگشت خود را در گوشهای خود گرفت وگفت: اگر این سخنان را از محمد ﷺ نشنیده باشم هر دو گوش هایم کر شود.

روایت بیهقی است که هر شخص مال دزدی را گرفت و می فهمید که این مال دزدی و سرقت است او هم با این گناه یکسان شریک است. احمد به سند جید حدیث روایت کرده است که محمد ﷺ فرمود: به آن ذاتیکه روح من در قدرت اوست سوگند یاد می کنم که یکی از شما رسمان به شانه کرده به کوه برود ودر آن جا چوب جمع کند و بر پشت خود به خاطر فروش بیاورد و به پول آن غذا بخورد. از آن بهتر است که در شکم خود لقمه حرام بیندازد.

ابن خزیمه و ابن حبان در صحاح خود و حاکم در کتاب خود نقل کرده است کسیکه مال حرام را جمع نمود و آنرا خیرات وصدقه کرد به او هیچ ثواب حاصل نمی شود و جرم آنرا در گردن خود دارد.

حدیث طبرانی است کسیکه مال حرام را جمع و با آن غلام را آزاد کرد و یا صله رحمی کرد این بر عوض حصول ثواب باعث عذاب و گناه می گردد. احمد و دیگران روایت کرده است طوریکه الله ﷻ در میان تان رزق تقسیم نموده همچنان عادات ها و خصائص را هم توزیع نموده است. الله ﷻ هر انسان را دوست دارد، ولی دین به کسی میدهد که آنرا محبوب خود میگرداند به الله ﷻ سوگند که یک بنده تا زمانی مومن کامل شده نمی تواند تا لسان و قلب او

(c) ketabton.com: The Digital Library

اسلام نیاورده باشد و مردم از اذیت زبان و قلب او در امان نباشند. تا زمانی یک بنده مومن بنده نمی تواند تا همسایه اش از ظلم او محفوظ نباشد. کسی که مال حرام راجمع می کند خیرات وصدقات او قبول نمی شود و نه به به مصرف کردن مال در راه الله ﷻ با برکت می شود و کدام مال که در عقب خود بماند یعنی پس از او بماند برایش باعث جهنم میشود.

بیشک الله ﷻ بدی را به بدی دفع نمی سازد بلکه بدی را به نیکی ختم می کند بیشک چیزی خبیث به خبیث ختم نمی گردد. ترمذی به سند حسن روایت کرده است که از محمد ﷺ در مورد آن چیزها پرسیده شد که به سبب آن اکثر مردم به جهنم میرود او صلی الله علیه وسلم فرمود: دهن و عورت (شرمگاه) در باره آن چیزها پرسیده شد که باعث دخول اکثر مردم به جنت میگردد او ﷺ فرمود: خوف الله ﷻ و اخلاق نیک. ترمذی به سند صحیح این روایت را کرده است که بنده در روز قیامت تا زمانی حرکت کرده نمی تواند تا از او پرسان چهار چیز نشود. عمرت را در چه تیر کردی؟ جوانی ات در کدام چیز مصرف کردی؟ مال راچطور حاصل کردی؟ و در کجا مصرف نمودی؟ و به علم خود چقدر عمل کردی؟

حدیث بیهقی است که دنیا سر سبز و خوش مزه هست هر کسی که از او به طریقه حلال مال را حاصل نمود و آن را به راه راست مصرف کرد الله ﷻ برایش ثواب می دهد و او را به جنت داخل می کند وکسیکه از راه نامشروع مال و دولت حاصل کردو به راه نادرست مصرف نمود الله ﷻ او را در جهنم می اندازد برای آنان که بخاطر محبت مال الله ﷻ و محمد ﷺ را فراموش کند در جهنم است الله ﷻ فرموده ﴿ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا ﴾

ترجمه: هر گاه که فور نشیند زبانه آتش.

ابن حبان در صحیح خود روایت کرده است کدام گوشت و خون که از حرام پیدا میگردد بر او جنت حرام است برایش جهنم بهتر است یعنی مستحق جهنم میباشد.

روایت ترمذی است که کدام گوشت به مال حرام خلق می گردد آتش برای او زیاد مناسب است در روایتی است کدام گوشت که از طریق مال نامشروع بوجود آمده باشد و از آن تغذیه شده باشد برایش آتش زیاد مناسب است. در روایت دیگری که به سند حسن نقل گردیده است: آن نفس به جنت نمی رود که به مال حرام تغذیه شده باشد.

(الإسراء ۹۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب شصت ونهم

در مورد ممانعت سود خوری

در مورد ممانعت سود خوری آیات زیادی نازل گردیده و احادیث زیادی هم روایت شده است چنانچه در حدیث بخاری و ابوداود ذکر گردیده که محمد ﷺ به کسیکه بالای جسم خال زند و خال زننده و کسیکه سود می گیرد و سود می دهد لعنت گفته است و به کسیکه سگ می فروشد و از طریق زنا پول بدست می آورد و به عکاسان لعنت گفته است.

احمد، ابو یعلی، ابن خزیمه و ابن حبان در صحاح خود از ابن مسعود روایت کرده است که محمد ﷺ فرموده به کسیکه سود می گیرد و سود می دهد در جسم که خال می سازد و نقاش که برای زیب و زینت خود همه کار را می کند، منکر صدقه، بدوی که پس از مسلمان شدن دوباره مرتد می شود به همه اشخاص متذکره به لسان محمد ﷺ لعنت گفته شده است.

حاکم به سند صحیح روایت فرموده: که محمد ﷺ فرمود: چهار نفر طوری هستند که الله ﷻ بر آنها دخول جنت را حرام گردانیده است و نه از نعمتهای جنت لذت می برند. شراب خور، سود خور، کسیکه به ناحق مال یتیم را می خورد، نا فرمان والدین.

روایت حاکم است که دروازه های سود هفتاد و هفت است از همه کمتر آن این است که کسی با مادر خود زنا کند.

بزاز به سند صحیح روایت نموده اقسام سود از هفتاد زیاد است همچنان شرک هم است روایت بیهقی است که سود هفتاد دروازه دارد ادنی او این است که کسی با مادر خود نکاح کند.

طبرانی در کبیر از عبدالله بن سلام روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرموده است آن درهم که آنان در سود می گیرد. نزد الله ﷻ از ۳۳ بار زنا هم بدتر است. در سند این روایت انقطاع است. ابن ابی الدنیا و بغوی این حدیث را موقوف روایت کرده است و این صحیح است که حدیث موقوف در حکم حدیث مرفوع است.

قول عبدالله ﷺ است که گناهان سود هفتاد و دو است از همه کوچک آن مانند زنا کردن با مادر خود در حالت اسلام یکسان است. یک درهم سود باسی بار زنا کردن برابر است تا که این هم گفت: که الله ﷻ روز قیامت برای هر چیزی خوب و بد حکم ایستاد شدن را می کند

(c) ketabton.com: The Digital Library

تمام چیز ها ایستاد می شود مگر سود خور طوری ایستاد می شود چنانچه شیطان او را دیوانه و مجنون ساخته باشد.

احمد به سند جید از کعب احبار ﷺ روایت کرده است که به نظر من یک درهم از سود ۳۳ بار با مادر خود زنا کردن آسان می پندارم زمانیکه سود بگیریم الله ﷻ می داند که چه می خورم.

احمد به سند صحیح و طبرانی در کتاب صحیح خود این حدیث را روایت نموده است که محمد ﷺ فرمود. با وجود علم و دانستن خوردن سود از ۳۰ بار زنا کردن بدتر است. روایت ابن ابی الدنیا و بیهقی است که محمد ﷺ به صحابه کرام خطبه داد قبایح سود را بیان نمود و فرمود: اگر کسی یک لقمه حرام در شکمش باشد به اساس او چهل روز عبادت وی پذیرفته نمی شود. شخصی که بوسیله حرام گوشت خود را زیاد می کند آتش جهنم بر او نزدیک می باشد.

روایت بیهقی است که سود چیزی اضافه از هفتاد دروازه دارد که خورد ترین آنها در حالت اسلام زنا کردن با مادر خود یکسان است. یک درهم سود از پنجاه و سه بار زنا کردن بدترس است.

ابن ماجه و بیهقی از ابی معشر و او از ابو سعید المقبری و او از ابو هریره ﷺ روایت کرده است که محمد ﷺ فرمود: در سود هفتاد گناه است از همه خورد ترین آنها این است که شخصی با مادر خود نکاح کند.

عام شد سود و زمان به عذاب الهی دعوت می دهد:

حاکم به سند صحیح خود روایت کرده است که محمد ﷺ فروش میوه قبل از پخته شدن آن ممنوع قرار داده باشد و فرموده است: در کدام شهر که زنا و سود زیاد شود گویا آنها خود شان عذاب الله ﷻ دعوت داده است.

ابو یعلی به سندجید ازبن مسعود ﷺ روایت کرده است که سود خوری و زنا قومی هنگامی آشکار می گردد که آنها عذاب الهی را برای خود شان حلال پندارند. یعنی قوم که به گناه سود خوری و زنا مبتلا گردد گویا آنها به عذاب الله ﷻ دعوت داده اند.

احمد این حدیث را نقل نموده است که در قومی سود خوری رواج یابد بر آنها قحط سالی مسلط می شود و در قومی که زنا زیاد شود الله ﷻ آنها را در خوف و قحط عام مبتلا می کند. یعنی سال قحط آن است که باران باریده باشد و یاخیر.

(c) ketabton.com: The Digital Library

احمد ابن ماجه و اصفهانی این حدیث را نقل کرده است که محمد ﷺ فرمود: زمانکیه به معراج رفتم و به آسمان هفتم رسیدم. به طرف بالا نگاه کردم در آنجا آواز رعد و برق شنیدم و مردم را دیدیم که شکم های شان مانند خانه ها بود و از بیرون در شکم های شان مارها معلوم می شد. من پرسیدم ای جبریل اینها کیست؟ او جواب داد که این مردم سود خور هستند.

اصفهانی از ابو سعید خدری ﷺ روایت کرده است که محمد ﷺ فرمود: زمانی که به معراج برده شدم در آسمان دنیا مردمی را دیدم که شکم های شان مانند کوزه کلان بود و شکم های شان پایین آویزان بود. و در راه پیروان فرعون افتیده بودند آنها هر صبح و شام در جوار جهنم ایستاد می شدند و دعا می نمودند که ای الله ﷻ قیامت را قائم نسازی.

می پرسیدم ای جبریل اینها کی هستند؟ این امتیان سود خور تان هستند طوری ایستاد می شوند مانند کسانیکه شیطان او را دیوانه ساخته باشد. اصبهانی گفته است. آل و فوج فرعون که صبح و شام به جهنم پیش می شود آنها زیر پا میده می شوند.

طبرانی به سند صحیح روایت کرده است که قبل از آمدن قیامت سود، زنا شراب عام می گردد. طبرانی از قاسم بن عبدالله الوراق روایت نموده است که من عبدالله بن ابی اوفی ﷺ در بازار صارفه (که آنجا کار بار سود صورت می گرفت) دیدم او ﷺ به مردم این بازار گفت: ای مردم صارفه به شما بشارت باشد آنها در پاسخ گفتند؟ به شما خوشخبری جنت بشنوانم ای ابو محمد: به مایان بشارت چه می دهید؟ او ﷺ برای شان گفت: من در بارهٔ مردم صارفه از محمد ﷺ شنیده ام که بر آنها بشارت جهنم است.

حدیث طبرانی است که خود را از آن گناه نگهداری کنید که آن بخشیده نمی شود. خیانت گناهی است کسیکه در کدام چیز خیانت می کند الله ﷻ همراهی همان مال حاضر می کند. شخصی سود خور روز قیامت مانند مجانین مضطرب از قبور می خیزند بعداً این آیت شریف را تلاوت نمود: ﴿ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ ﴾[1].

ترجمه: کسانیکه می خورند سود را بر نمی خیزند در قیامت مگر بر می خیزد مانند کسیکه خراب ساخته حواس او را شیطان (بسبب آسیب رسانیدن این به)

[1] (البقرة ۲۷۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث ابن ماجه و حاکم است که محمد ﷺ فرموده است کسیکه مال خود را به اساس سود زیاد می سازد بالاخره او با تنگدستی و فقر مواجه می شود.

حاکم به سند صحیح روایت کرده است مال سود به هر اندازهٔ که زیاد شود بالاخره به قلت منتهی می گردد.

ابو داود و ابن ماجه از حسن رحمه الله و او از ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است که محمد ﷺ فرموده است به مردم وقتی می آید که در میان آنان شخصی موجود می شود که سود نخورد و کسیکه سود نخورد غبار سود به حتماً می افتد. (محدثین با سماعت حسن از ابو هریره رضی الله عنه اختلاف دارند ولی به نزد جمهور سماعت حسن از ابو هریره ثابت نیست).

عبدالله بن احمد در زوائد المسند این حدیث را نقل نموده اند که قسم به او ذات بزرگی که نفس من در اختیار وی می باشدو که امت من شب بدی می گذارند در عیش و عشرت لهو ولعب مصروف می باشند زمانیکه صبح می شود به اساس حلال داشتن حرام، باشنیدن ساز و سرود همرای زنان، نوشیدن شراب، و خوردن سود و پوشیدن لباس ابریشمی به خنازیر و شادی مبدل می گردند.

حدیث احمد بیهقی است که محمد ﷺ فرمود: یک گروه است که در خوردن، نوشیدن لهو و لعب شب را می گذارنند. زمانیکه صبح می شود اشکال و چهره های شان مسخ می شود. آنها خنازیر و شادی گشته شده باشد در زمین فرو می گردند و سنگ باران می شوند مانند قوم لوط. علیه السلام که سنگ باران شدند. بر قبایل و خانه های شان این ابتلا و آفت به سبب شراب خوری، پوشیدن لباس ابریشمی، تهیه نمودن محافل موسیقی سود خوری و قطع صله رحمی صورت می گیرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتادم

در بیان حقوق العباد

بر هر مسلمان لازم است که در رو برو شدن با مسلمان دیگر به او سلام بیندازد، وهنگامیکه به او دعوت دهد قبولش کند و زمانیکه عطسه نماید جواب او را به «یرحمک الله» بدهد و وقتیکه بیمار شود به حوال پرسی او برود زمانیکه بمیرد به جنازه اش برود و هنگامیکه قسم کدام چیز داده شود قسم او را پوره نماید وقتیکه از او خواست نصیحت کدام چیز صورت بگیرد باید بر او نصیحت نماید در غیابت اوباید حفاظت وی شود یعنی نیست او را نکند و برایش همان چیز را انتخاب نماید که برای خودش انتخاب می کند و کدام چیزی ک برای خود دوست نمی پندارد برای او هم دوست نپندارد.

این همه احکام در احادیث آمده است چنانچه انس ﷺ از محمد ﷺ روایت نمود که او ﷺ فرمود: مسلمانان بر برادر مسلمان چهار حق دارند: در میان شان کمک شخص نیکو را می کنند برای بزرگان مغفرت میخواهند، برای شخص فوت شده دعای مغفرت میخواهند و با مردم توبه کننده محبت میکنند.

ابن عباس در باره تفسیر این قول الهی که: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾[1] ترجمه: «مهربان اند در میان خود» است چنین میفرماید: که نیکان آنها به بدان (بدکاران) و بدکاران آنها به نیکان شان دعا می کنند زمانیکه بدکار امت محمد ﷺ شخص نیک و صالح را می بیند می فرماید: ای الله ﷻ با این شخص که نیکی و احسان کرده اید در آن برکت بینداز و او را ثابت قدم نگه دار و ما را از برکت های آن حصه بده.

زمانکیه شخص نیکوکار بدکار را بیند می گوید: ای الله ﷻ این شخص را هدایت کن توبه اش را قبول کن خطاهایش را عفو کن. یک مسلمان بر مسلمان دیگر این حق هم دارد چیزی که بخود دوست می پندارد برای مسلمان دیگر هم بدارد و چیزیکه به حق خود دوست ندارد دیگر هم دوست ندارد.

---

[1] (الفتح ۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نعمان بن بشر ﷺ می فرماید که من از نبی کریم ﷺ شنیده ام در میان خود بایکدیگر محبت و شفقت مسلمانان مانند یک بدن هستند زمانیکه یک عضو بدن را تکلیف باشد تمام اعضای بدن به درد مبتلا می باشد.

ابو موسی ﷺ از محمد ﷺ روایت می کند که محمد ﷺ فرمود: یک مسلمان برای مسلمان دیگر مانند دیواری است که یک حصه آن حصه دیگری دیوار را تقویت می بخشد از جمله حق مسلمانان این هم است که او به زبان یا بکدام عضو دیگر برای مسلمان ضرر نرساند.

ارشاد نبوی است که: مسلمان کسی است که از ضرر دست و زبان او مسلمان در امان باشد.

محمد ﷺ در یک حدیث طویل و دراز فرموده است مسلمان افضل و بهتر آنست که مسلمان دیگر از ضرر و اذیت زبان و دست او محفوظ بماند. محمد ﷺ فرمود شما می دانید مسلمان کیست؟ صحابه کرام ﷺ عرض نمودند الله و رسوله اعلم محمد ﷺ فرمود:

مسلمان کسی است که از ضرر دست و زبان او مسلمان دیگر محفوظ باشد صحابه کرام عرض نمودند مومن کیست؟ محمد ﷺ فرمود: کسیکه از طرف خود مسلمان دیگر را در مال و جان او از ضرر رساندن مامون نماید. پرسیده شد مهاجر کیست؟ او ﷺ فرمود: کسیکه بدی را ترک کرد و از او کناره کشی نمود. شخصی عرض کرد یا رسول الله ﷺ! اسلام چیست؟ او ﷺ فرمود: که الله ﷻ را از عمق قلب قبول نماید و از ضرر و اذیت دست و زبان تو مردم در حفظ باشد.

قول مجاهد رحمه الله است به جهنمیان مرض خارش مسلط میگردد که به سرعت گوشت آنها را از بین می برد و استخوان هایشان آشکار میگردد ودر آن وقت برایشان آواز میشود که ای فلان! آیا این خارش برایت اذیت می رساند؟ او می گوید: بلی، برایش آواز می شود که عوض همان عمل تو است که برای مسلمانان ضرر و اذیت می رساندی.

فرمان نبوی است: در جنت من شخصی را دیدم که درخت را قطع کرده بود که این برای مسلمانان باعث ضرر گشته بود.

ابو هریره ﷺ عرض کرد که یا رسول الله ﷺ برایم عملی معرفی کن که از او مستفید شوم او ﷺ برایش فرمود از راه ای مسلمانان چیزهای ضرر ناک را دور ساز.

فرمان نبوی است که اگر شخصی از راه مسلمانان چیز ضرر ناک را دور سازد. خداوند در بدل این عمل نیکی می نویسد و پاداش نیکی واجب شدن جنت است.

فرمان نبوی ﷺ است که برای یک مسلمان این مناسب نیست که به طرف مسلمان طور اشاره کند که آنرا دوست ندارد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث نبوی است که برای هیچ کس از مسلمانان جایز نیست که مسلمان دیگر را ضرر برساند همچنان فرمود: الله ﷻ این را دوست ندارد که به مومن تکلیف داده شود.

قول ربیع بن خثیم ﷺ است که مردم بر دو نوع است اگر مخاطب تو مومن باشد بر او ضرر نرسانید و اگر جاهل باشد در جهالت او خود را گرفتار نسازید حق یک بنده مسلمان همین است که با هر مسلمان تواضع نماید و از تکبر خود را دور نگهدارد زیرا الله ﷻ متکبرین را دوست ندارد.

ارشاد نبوی ﷺ است که الله ﷻ برایم وحی کرد. که شما تواضع کنید و در میان خود با یکدیگر فخر و تکبر نکنید اگر دیگران با شما تکبر نماید بر او صبر کنید.

چنانچه الله ﷻ به پیامبر خود فرموده است. ﴿ خُذِ ٱلْعَفْوَ وَأْمُرْ بِٱلْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ ﴾

ترجمه: عادت گیر در گذر را و بفرما بکار پسندیده و اعراض کن از نادانان.

از ابن ابی اوفی ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ با هر مسلمان، بیوه، یتیمان تواضع میکرد. و حوائج آنهارا رفع میساخت و در چنین امر احساس شرم نمی کرد تکبر نمی ورزید. در حقوق العباد این هم شامل است که سخن شخصی به شخص دیگر رسانیده نشود زیرا ارشاد نبی کریم ﷺ است که (سخن چین) داخل جنت نمی شود.

قول خلیل ابن احمد رحمه الله است که شخصیکه نمامت (سخن چینی) شخص دیگر را به شما میکند وی سخنان شما را نیز به دیگران نقل میکند کسیکه سخنان دیگران را به شما می گوید وی سخنان شما را هم به دیگران می گوید. این هم حق مسلمانی است که از سه روز اضافه در حالت قهر و غصه با دیگر مقاطعه نکنند.

از ابو ایوب انصاری ﷺ است که نبی کریم ﷺ فرموده است برای هیچ مسلمانُ جائز نیست که با برادر مسلمان از سه روز بیشتر قطع ارتباط نماید هر دو روبرو گردند. روی هایشان را از همدیگر بگردانند. از آنها آن شخص بهتر است که به اسلام دادن سبقت نماید.

فرمان نبوی ﷺ است که شخصیکه برادر مسلمان خود را به سبب گناه ترک کرد و با او ارتباط را قطع نمود الله ﷻ او را در روز قیامت تنها می گذارد.

(الأعراف ۱۹۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که نبی کریم ﷺ بخاطر خودش هیچ وقت انتقام نگرفته است ولی زمانیکه مسئله حدود الله ﷻ مطرح شد باز بخاطر پروردگار انتقام می گرفت.

قول ابن عباس رضی الله عنه است شخصی که از اشتباه در گذر می شود الله ﷻ عزت و مرتبه وی را می افزاید. شخصی که بخاطر رضای الله تواضع میکند الله ﷻ به او مرتبه بلند عنایت میکند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد ویکم

در بیان بدی خواهشات نفسانی و ستایش زهد

الله ﷻ می فرماید: ﴿ أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ﴾[1]

ترجمه: آیا دیدی کسی را که گرفته است معبود خود خواهش خود را و گمراه کرده است او را الله ﷻ با وجود علم (به استعداد بد او)

قول ابن عباس ﷺ است که مطلب ازین آن کافری است که بدون هدایت داده شده از جانب الله ﷻ و دلیل وی خواهشات خود را بصفت این پذیرفته باشد. مطلب این است که پیروی خواهشات نفسانی خود را می کنند و برای انجام دادن کاری آماده می شوند که بکدام طرف خواهش او را اشاره می نماید و مطابق هدایت الله ﷻ عمل نمی نماید. گویا او بندگی و عبادت خواهشات خود را می کند.

الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ ﴾[2]

ترجمه: و پیروی مکن خواهشات آن ها را.

و همچنان الله ﷻ فرموده است: ﴿ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ﴾[3]

ترجمه: و پیروی مکن خواهش را که گمراه کند ترا از راه الله ﷻ.

از همین سبب محمد ﷺ به الفاظ دیگر از الله ﷻ دعا خواسته است «اللهم انی اعوذ بک من هوی مطالع و شح متبع).

یعنی ای الله ﷻ! از تو پناه می خواهم از خواهش که اطاعت او شود و از بخلی که متابعت او کرده شود.

محمد ﷺ فرموده است: سه چیز برای انسان مهلک است که باعث هر گناه خواهشات نفسانی است و همین خواهشات است که انسان را به جهنم می رساند.

---

[1] (الجاثیة ۰۲۳)
[2] (المائدة ۰٤۹)
[3] (ص ۰۲٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

قول عارفی است: زمانیکه پیشت دو چیز بیاید و بر آن بدان که کدام شان برایت خوب است؟

تو نگاه کن که کدام از آن مطابق میل و خواهش تو است. کدام نزدیک به خواهش تو باشد ترک کن و دیگر را انجام بده. امام شافعی رحمه الله در اشاره به همین نقطه می فرماید:

اذا حال امرک فی معنیین ولم تدرک حیث الخطا والصواب

فخالف هواک فان الهوی یقود النفوس الی ما یعاب

زمانیکه کارت بین دو چیز واقع شود و تو به خوبی و بدی او نمی دانستی. طبق آن کار نمائید اگر مخالف خواهش تو هم باشد زیرا خواهشات انسان را به کارهای خلاف شرع سوق می نماید.

قول عباس رضی الله عنه است زمانیکه تو در بین دو فکر و تامل بیفتدای و کدام چیزی را که زیاد دوست می دارید او را ترک کن و آنرا که دوست نداری بر آن عمل کن به این امر کارت به آسانی انجام می یابد و به کسی محتاج نمی شوی.

قول عمر رضی الله عنه است. که نفس های تانرا کنترول کنید زیرا که شما را به سوی بدی روان می کند. حق تلخ است لیکن باطل آسان و تباه کن است. از علاج توجه نمودن خوب است. که انسان گناه هان خود را ترک گوید. چشم ها زیاد تخم شهوت را زرع نموده و از ن یک لحظه برای شان غم طولانی به بار می آورد.

حضرت لقمان علیه السلام به فرزند خود گفت: پیش از هر چیز شما را از نفس خود تان می ترسانم زیرا هر نفس خواهشات و امیدهای را دارد اگر تو آنرا پوره می سازی او خواهشات خود را زیاد می کند و از شما برآورده شدن همه خواهشات خود را تقاضا می کند.

شهوت در سینه چیزی پوشیدهٔ است مانند پنهان بودن آتش در سنگ اگر به سنگ چقاق بخورد از آن آتش بیرون می آید و اگر نخورد نمی آید.

شاعری گفته است:

اذا ما اجبت النفس فی کل دعوة دعتک الی الامر القبیح المحرم

زمانیکه به هر آواز نفس خود لبیک گفتید. او ترا به طرف منهیات سوق می دهد.

شاعری دیگری می گوید:

اذا انت لم تعص فادک الهوی انی کل ما فیه علیک مقال

(c) ketabton.com: The Digital Library

زمانیکه مخالفت خواهشات نفسانی خود را نمی کنید برایت حکم آن کاری را می کند که برایت باعث شرم می باشد.

شاعری دیگری می گوید:

واعلم بانک ان تسود لن تری — طُرُقَ الرشاد إذا اتبعت هواکا

اگر پیروی خواهشات خود را کردی نه راه مستقیم را پیدا می کنی و نه هم به سرداری سیاست می رسی.

شاعری دیگر می گوید:

إذا شئت إتیان المحامد کلّها — ونیلَ الذی ترجوه من رحمة الربِ
فخالف هوی النفس المسیئة إنّه — لأعدی و أردی من هوی(هائم) الحبِ
هما سببا حتف الهوی غیر أنّ فی — هوی الحب مهما عفّ بعدا عن الذنبِ
وجلّ المعاصی فی هوی النفس فاعتمد — خلاف الذی تهواه، إن کنت ذالبا

(۱) اگر امید حصول همه اوصاف حمیده و به رحمت الله ﷻ وبه مقاصد و اهداف خود رسیدن را داشته باشید.

(۲) مخالفت خواهشات نفسانی خود را کنید زیرا که این دشمن زیادتر از عشق و هلاک کننده است.

(۳) امید پوره شدن خواهشات را ترک کن اگر عاقل بوده باشید کاری را انجام دهید که مخالف خواهشات نفسانی تو باشد.

(۴) هر دو از اسباب قتل خواهشات است البته اگر عاشق پاک باشد از گناه در امان می ماند.

شاعری دیگری گفته است:

إنارة العقل مکسوفٌ بطوعِ هوی — وعقل عاصی الهوی یزدادُ تنویرا

(۱) در پیروی خواهشات دیگری عقل خاموش می شود. و کسانیکه ممانعت کننده خواهشات هستند نور روشنائی عقل او زیاد می گردد.

فرمان نبی کریم ﷺ است که الله ﷻ عقل را پیدا نموده برایش فرمود: پیش رویم بیا او آمد باز برایش فرمود: پس شو واپس شد الله ﷻ برایش فرمود:

به عزت وجلال خود سوگند می خورم ترا در مخلوقات برگزیده ام می گذارم باز حماقت را خلق نمود و امر پیش آمدن را به او داد پیش آمد باز فرمود: واپس شو. واپس شد. الله ﷻ

(c) ketabton.com: The Digital Library

برایش فرمود: به عزت و جلال خود سوگند می خورم که ترا در بدترین مخلوق خود می گذارم این روایت ترمذی است.

کسی شعر گفته است.

وقد اصاب رایه عن الصواب — من استشار عقله فی کل باب
وقد رای ان لهوی مهمایجب — یدعو إلی سوء العواقب والعقاب

۱- رای آن شخصیکه در هر چیز با عقل خود مشوره می کند به حق متصل می شود.

۲- آن دید هر گاه پیروی خواهشات صورت بگیرد او انسان را در انجام بدو عذاب می اندازد.

شاعری دیگر گفته است.

إذا شئتَ أن تحظی و أن تبلغَ المنی — فلا تُسعد النفسَ المطیعة للهوی
وخالفْ بها عن مقتضی شهواتها — و إیاک أن تحفل بمن ضلَّ أو غوی
ودعْها وما تدعو إلیه فإنها — لأمّارةٌ بالسُّوء مَنْ همَّ أو نوی
لعلک أن تنجو من النَّار آنها — لقاطعةُ الأمعاء نزَّاعة الشوی

۱. زمانیکه می خواهید به آرزوهای خود برسید از متابعت نفس را از پیروی خواهشات نفس باز دارید.

۲. خواهشات او را بر آورده مساز او سرکشان و گمراهان را برایت انتخاب می کند.

۳. نفس و خواهشات او را ترک کن زیرا هر کسیکه به سوی او قدم می بردارد حکم بدی برایش می کند.

۴. شاید به همین صورت از جهنم نجات یابیدکه روده های انسان را قطع می کند و پوست او را می سوزاند.

هوشیاران و دانایان گفته اند. خواهش چراغ بدی است که ترا در تاریکی مصائب داخل می کند. با خبر باشیدکه مبادا خواهشات نفس ترا به بدیها و قبایح سوار کند در خندق گناهان نیندازد.

به یک دانا کسی گفت: اگر عروسی می کردی برایت خوب می شد او در پاسخ گفت: اگر طلاق داده می توانستم به نفس خود طلاق می دادم و این شعر را زمزمه کرد.

تسقطت الی الدنیا وانت مجرد — تجرد عن الدنیا فانک انما

(c) ketabton.com: The Digital Library

از دنیا کناره گیری کن زیرا که تو به دنیا تنها اعزام شده بودی.

دنیا خواب و آخرت بیداری است و فاصله در میان شان مرگ است ما در خواب سرگردان و پریشان می باشیم کسیکه به این دنیا به نگاه خواهش نظر کرد او سریع شد و کسیکه متابعت خواهشات نمود او ظلم کرد و کسیکه آرزوی دراز را مد نظر گرفت او به انتظار نرسید. و نه هم برای کدام ناظر انتها می باشد یعنی انتها امید دراز نیست.

ارشاد نبوی است که عمل بهتر و افضلتر شما پرهیز گاری است پرهیز گاری سردار و سید اعمال است پرهیز گار باش تا از همه زیاد عابد شوی قناعت کن تا از همه زیاد شاکر گردی فرمان نبوی است که در کسی پرهیز گاری نباشد الله ﷻ پروای هیچ عمل او را ندارد. ابراهیم ادهم رحمه الله می فرماید: مراتب زهد سه است اول زهد فرض مطلب ازین زهد آن است که از چیزهای حرام شده پروردگار خود را پرهیز کند.

دوم زهد سلامتی است. او ترک کردن چیزهای شبه است. که هر سوم برای بدست آوردن فضیلت است او ترک کردن چیزهای حلال الله ﷻ است که این بلند ترین مرتبه زهد است.

ابن مبارک رحمه الله گفته است زهد نام پوشیدن زاهد است که از مردم دور زندگی می نماید جستجوی آنرا بکن و زمانیکه زاهد در جستجوی مردم سرگردان باشد از او خود را دور نگهدار. در این مورد کسی شعری گفته است:

إنی وجدت فلا تظننّ غیره ... إنّ التورّعَ عند هذا الدرهم

فإذا قدرت علیه ثم ترکته ... فاعلم بأنّ تقاکَ تقوی المسلم

ترجمه: من رازی را دریافتم که ازین علاوه چیزی دیگری نیست که پرهیز گاری نام ترک کردن دنیا و آخرت است.

زمانیکه دولت دریابی و آنرا ترک نمایی بدان که تقوای تو مانند تقوای مسلمان است. زهد این را نمی گوید که همرای تو مال و دولت نباشد و از مجبوریت خود را کنار کرده ای بلکه زاهد این را نمی گوید که همرای تو مال و دول نباشد و از مجبوریت خود را کنار کرده ای بلکه زاهد کسی است که همرای وی همه مال دنیا باشد مگر خود را از گناه دور کند و اعراض نماید چنانچه ابو تمام می گوید:

إذا المرء لم یزهدْ وقد صُبغت له ... بعضُفرها الدنیا فلیس بزاهد

کسیکه زهد کرد و دنیا را در بغل گرفت بدان که او زاهد نیست او دروغ می گوید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

قول بعضی حکماء است که این چه سبب است که دنیا را ترک کرده نمی توانیم در حالیکه عمر دنیا اندک و کم است. نیکیهای او کم آرزوهای او فریبنده است اگر می آید باغمها می آید و اگر می رود باغمها یکجا می رود.

درین مورد شاعری می گوید:

نبأ لطالب دنیا لا بقاءَ لها ... کأنّما هی فی تصریفها حلم
صفاؤها کدرٌ، سرّاؤها ضررٌ ... أمانها غررٌ، أنوارها ظلم
شبابها هرمٌ، راحاتها سقم ... لذاتها ندم، وجداتها عدم
لایستفیق من الأنکاد صاحبُها ... لوکان یملک ما قد ضمنت إرم
فخل عنها ولا تترکن لزهرتها ... فإنها نعَمٌ فی طیّها نقم
واعمل لدار نعیمٍ لا نفاد لها ... ولا یخاف بها موتٌ ولا هرم

۱. برای طالب دنیا هلاکت است دنیا بقا ندارد گردش او خواب و خیال است.
۲. صفای و پاکی او خیره، خوشی او زیان امیدهای او فریب و روشنای او تاریکی است.
۳. جوانی او پیری، راحت او بیماری لذائذ او شرمندگی یافتن او با نیستی او یکسان است.
۴. دنیا دار اگر مانند نعمت های جنت لذت نعمت ها را پیدا نماید باز هم از مشکلات او نجات نمی یابد.
۵. از دنیا اعراض کن رونق و زیبایی او را عزت مشمار زیرا نعمتهای او طوری هستند که در آن عتاب و ملامتی است.
۶. برای انعامات خانهٔ دایمی عمل نمائید که هیچگاه ختم نمی شود و در آن خوف مرگ و پیری نیست.

قول یحیی بن معاذ رحمه‌الله است که دنیا را به نظر عبرت نگاه کنید او را به رضای خود ترک کنید برای حصول او صرف در حالت مجبوریت و احتیاج سعی و تلاش کن و آخرت را به توجه کامل بخواه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و دوم
در بیان بهشت و مراتب بهشتیان

قبل ازین که حالت تکلیف و مشکلات خانهٔ را قرائت نمودی در مقابل او خانه دیگری هم هست به خانه اولی نام جهنم داده شده و به خانه دیگری نام جنت است. از هر شخصی که این خانه بماند بر خانه دیگری منتقل می گردد که او یا جهنم و یا جنت می باشد لهذا سزاوار و مناسب است که بخاطر نجات یافتن از او در دلهای خود فکر و تامل نمایم که چطور و به چه ترتیب از او نجات یابیم در دل خوف الله ﷻ را پیدا کنیم و در باره نعمتهای متداوم جنت فکر کنید و امید رحمتهای الله ﷻ را داشته باشیم که الله ﷻ ما را هم مستحق جنت بگرداند چنانچه با بندگان صالح خود وعده نموده است. در چهره های جنتیان اثر خوشحالی نعمتهای داده شده از جانب الله ﷻ می باشد شراب طهور در دست شان می باشد و به منابر یاقوت سرخ نشسته می باشند از طرف بالا سایه بان های ساخته شده است از لوء لوء سفید می باشد. فرش ابریشمی سبز در زیر قدم ها هموار می باشد بر لب های جوی های شراب و عسل تکیه زده می باشند در پیرامون شان حور و غلمان می باشد. تاج های لوء لوء و مرجان بر سر شان می باشد در قصر های ساخته شده از یاقوت زندگی می کنند و در مقام امن می باشند در میان چشم ها دریاها باغ ها نشسته اند دیدار رب کریم را می کنند از چهره های شان آثار نعمتهای پروردگار از دور می درخشد. آنها بندگان عزیز پروردگار می باشند. آنها همیشه در این جنت زیبا و قشنگ زندگی می کنند برای شان غم و خوف نمی باشد از ترس مرگ در امان می باشند. غذای لذیذ جنت زعفران می باشد به تپه های کافور می نشینند و بالای شان باران عطر گلها می شود در گلاس های نقره که از لوء لوء است و به یاقوت و مرجان مزین گشته شده آب آورده می شود در بعضی گلاس ها طوری صفا می باشد که از بیرون آب به نظر می آید این گلاس ها در دست های خادمانی می باشد که زیبای چهره شا خیلی زیاد می باشد تعجب به کسی است که به جنت و نعمت های جنت ایمان دارد مگر باز هم با خانهٔ محبت می کند که بالاخره زائل می گردد و عیش و زندگی او ختم نمی گردد به الله ﷻ قسم اگر در جنت صرف از مرگ هم ترس می بود انسان از گرسنگی، تشنگی و حوادث دیگر بی خوف می ماند و اگر در جنت نعمتهای دیگری هم نمی بود باز هم جنت قابل این بود که در مقابل او دنیا باید ترک

(c) ketabton.com: The Digital Library

گفته می شد و جنت را باید به آن چیزی که فانی و زائل است ترجیح داده می شد. یعنی در مقابل جنت باید به دنیا ترجیح داده نشود.

از ابو هریره ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: منادی آواز می کند ای ساکنین جنت! شما برای همیش تندرست زندگی خواهید کرد و هیچ گاه بیمار نمی شوید. و برای همیشه زنده هستید و هیچ گاه برای تان مرگ نمی آید و همیش جوان می باشید و هیچ گاه پیر نمی شوید و همیشه در عزت و اکرام زندگی می کنید. و هیچ وقت نا امید نمی شوید و همین فرمان الهی است: ﴿ وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا ﴾[1]

ترجمه: و ندا کرده شوند که این بهشتیان است که وارث شده اید آنرا و سبب آنچه میکردید) در عوض اعمال خود.

اگر می خواهید از اصاف جنت با خبر شوید تلاوت قرآن کریم. را کنید زیرا بیان و توبح پروردگار و ضاحت عمده دیگر دارد. و این فرمان الهی است که: ﴿ وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴾[2]

ترجمه: و کسی را که ترسیده است از ایستادن بحضور پروردگار خود برای اوست و جنت.

اگر بخواهید سوره واقعه و سوره های دیگری را بخوانید در آن اوصاف جنت هست. اگر می خواهید در احادیث معلوماتی در مورد جنت حاصل نمائید نخست از همه تعداد جنت ها را بیاموزید محمد ﷺ در مورد فرمان الله ﷻ که ﴿ وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴾[3] یعنی در تفسیرش فرموده است که جنت از نقره است و دوهم از طلا تمام ظرف ها و چیزهای مربوطه اش از طلا است در جنت عدن میان مردم و دیدار الله ﷻ صرف پرده کبریا رب العزت می باشد.

دروازه های بی شمار می باشد چون مانند انواع کناهان دروازه های دوزخ زیاد می باشد هم چنان طبق انواع مختلف عبادات دروازه های جنت هم جدا و علیحده می باشد چنانچه از ابوهریره ﷺ روایت شده که محمد ﷺ فرمود: کسیکه از مال خود در راه الله ﷻ مصرف کرد او از همه دروازه های جنت دعوت خواهد شد دروازه های جنت هشت است: کسیکه نمازگزار

---

[1] (الأعراف ۰٤۳)
[2] (الرحمن ۰٤٦)
[3] (الرحمن ۰٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باشد او از دروازهٔ نماز دعوت می شود. روزه دار از دروازه روزه صدقه و خیرات دهنده از دروازه صدقه و خیرات و مجاهد از دروازه جهاد دعوت می گردد.

ابو بکر صدیق رضی الله عنه عرض نمود یا رسول الله ﷺ به الله ﷻ سوگند که به نزد او هیچ مشکل ندارد که بنده از هر کدام دروازه دعوت کند آیا در مخلوق کسی هم باشد که از همه دروازه ها دعوت گردد. او ﷺ فرمود: بلی، امیدوارم که شما از آنها بوده باشید.

عاصم بن حمزه رحمه الله از علی رضی الله عنه روایت می کند که یاد آوری زیادی از جنت نمود ولی از یادم رفته باز فرمود: ﴿ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ﴾[1]

ترجمه: و رانده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خود بسوی جنت گروه گروه.

زمانیکه آنها به یکی از دروازه های جنت برسند در ختی را می بینند که زیر آن دو چشمه جاری می باشد آنها طبق فرمان الهی به یکی از آنها بروند و آب بنوشند به نوشیدن آب تمام دردها و تکالیف جسم شان ختم می گردد. باز به چشم دیگری می روند و در آنجا وضو، می نمایند. پس از آن بر آنها تازگی نعمت های پروردگار آشکار می گردد. بعد از آن هیچ گاه موی های شان خراب نمی شود و نه با درد سر مواجه می گردند چنانچه آنها تیلی را استعمال کرده باشند. باز آنها به دروازه جنت می رسند پهره دار جنت برایشان می گوید:

بر شما سلامتی باشد شما مسرور شدید لهذا در آن بخاطر زندگی دایمی داخل شوید. زمانیکه به جنت داخل شوند بچه های نورس در گرد شان می آیند و برای شان می گویند: برایت بشارت باشد الله ﷻ برایتان عزت های گوناگون تهیه نموده باز یکی از والدین از جمله زنهای جنتی به حوری می رود و برایش می گوید: فلان شخصی که در دنیا به فلان اسم یاد می شد اینجا آمده است حوران می گوید: آیا تو او را دیده اید؟ او می گوید: بلی من دیده ام او در عقب من می آید او از بسیار خوشی به شوق زیاد در دهلیز ایستاد می شود.

در جنت درجات و مراتبی مختلفی وجود دارد اگر می خواهید درجه اعلی جنت را حاصل نمائید سعی و تلاش کنید که کسی در عبادت از تو سبقت نکند الله ﷻ هم در اطاعت خود حکم مقابله و سبقت کردن یکی از دیگر نموده است. چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ ﴾[2] ترجمه:(بشتابید بسوی آمرزشی که جانب پروردگار شماست).

---

[1] (الزمر ۷۱)

[2] (الحدید ۲۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

و هم چنان فرموده است ﴿ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ [1] ﴾ ترجمه: و در آن باید رغبت کند رغبت کنندگان. کار تعجب آور و حیرت کننده این است که اگر همسایه ات در ساختن خانه مال و دولت از تو سبقت کند بسیار افسوس می کند و قلب تو احساس حقیقت می کند در دل تو حسد بوجود می آید مگر افسوس که هیچ گاه در فکر حاصل نمودن جنت نشدی برای حصول جنت اعمال خود را اصلاح کن در جنت مردی خواهد دیدی که در عبادت از تو سبقت کرده باشد در مکانهای زندگی می کند که همه دنیا با او برابر شده نمی تواندز

از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: بدون شک جنتیان در مقامات بلند بخاطری زندگی نمودن طوری باشند که شما در افق شرق و یا مغرب ستارهٔ درخشنده را مشاهده می کنید این بخاطر بلندی درجات میان جنتیان می باشند صحابه کرام عرض نمودند که یا رسول الله! آیا برای پیغمبران هم مقاماتی می باشد؟ که آنجا مردم دیگری رسیدگی کرده نمی توانند؟ او ﷺ فرمود: بلی قسم بذاتی که روح من در قدرت او هست در آنجا مردمی می باشند که به الله ﷻ ایمان آورده باشند و تصدیق پیغمبران را کرده باشند او ﷺ فرمود: اصحاب درجات بلند به شما طوری آشکار می گردد که شما از مشرق و یا هم از مغرب ستاره های آشکار شده را مشاهده می کنید. ابوبکر و عمر رضی الله عنهما از جمله همان جنتیان هستند و هر دو آنها خوب هستند.

جابر رضی الله عنه می گوید که محمد ﷺ به ما فرمود: آیا در مورد بالا خانه های جنت به شما چیزی نه گویم؟ مایان عرض کریم بر شما مادران و پدران ما قربان چرا نه یا رسول الله! حتماً بگوید او ﷺ فرمود: در جنت مانند لوء لوء بالا خانه ها هستند و در آن نعمتهای. لذائذ و خوشی ها هستند که نه آنرا چشم دیده است و نه هم گوشها شنیده است و نه در دلهای کسی تصور آن پیدا شده است. ما عرض کردیم. یا رسو الله! این بالاخانه ها برای چه کسانی باشد؟

او ﷺ فرمود: برای آنانیکه نشر و اشاعت دین را بدوش خود گرفته باشد در وقت شب که مردم خواب باشند نماز می خواند به مردم نان می دهد هر وقت روزه می گیرد. من عرض کردم یا رسول الله! کسی توان پوره نمودن این اعمال را ندارد. او ﷺ فرمود: امتی ام توان این را دارد و تفصیل این موضوع را بیان می کنم شخص که با برادر خود روبرو شد و بر او سلام را گوید گویا او اسلام را نشر کرد کسیکه به اهل و عیال خود به شکم پر نان داد گویا خیرات

[1] (المطففین ۲۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

کرد کسیکه ماه مبارک رمضان را روزه گرفت و از هر ماه سه روز روزه گرفت گویا او همه عمر و زندگی خود را روزه گرفته کسیکه نماز عشاء را اداء نمود و خواب شد و نماز صبح را با جماعت ادا کرد گویا او تمام شب عبادت کرده یهود و نصاری در خواب ماندند.

نبی کریم ﷺ فرمود: او محلات و قصرهای لوء لوء می باشد در هر محل هفتاد خانهٔ یاقوت سرخ می باشد و در هر خانه (بیت) هفتاد مرد سبز می باشد در هر خانهٔ هفتاد تخت می باشد و بر هر تخت هفتاد دسترخوان می باشد و بر هر دسترخوان زن های خدمت گار می باشد و بر هر دسترخوان هفتاد نوع خوراک می باشد و در هر خانه هفتاد نفر خادم می باشند و مومنان هر صبح به همه دسترخوانها یکجا نان می خورند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و سوم
در بیان صبر، رضا، و قناعت

فضیلت رضا به آیت قرآن کریم ثابت شده چنانچه الله ﷻ فرموده است ﴿ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ﴾[1]

ترجمه: خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از اوز

و هم چنان آیه دیگر است:

﴿ هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ ﴿٦٠﴾ ﴾[2] ترجمه: نیست جزای نیکی مگر نیکی.

انتهی احسان این است که الله ﷻ از بنده خود راضی گردد و این مقام زمانی به بنده حاصل می شود که بنده به رضای الله ﷻ راضی گردد. هم چنان ارشاد الله ﷻ است که ﴿ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّٰتِ عَدْنٍ ۚ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ﴾[3]

ترجمه: و مسکینهای پاکیزه در باغ های اقامت (پاینده) و رضا الله ﷻ بزرگتر ازهمه است.)

الله ﷻ درین آیت رضای خود را از جنت عدن بلند معرفی نموده است چنانچه هر نماز برای ذکر توفیق داده مثلیکه الله ﷻ می فرماید:﴿ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ﴾[4]

ترجمه: هر آینه نماز منع می کند از کار بی حیاتی و فعل ناپسندیده و هر آئینه، یادکردن خدا از همه بزرگتر است.

پس چونکه شان الله ﷻ از نماز بلند تر است. هم چنان رضای الله ﷻ از جنت اعلی و ارفع است. چنانچه در حدیث تشریف آمده است که الله ﷻ بالای مومنان تجلی می کند و می فرماید: از من طلب کنید بنده مومن می گوید: ای الله مایان از شما صرف رضای تان را می خواهیم گویا با وجود حصول کمال فضیلت باز هم رضای الله ﷻ را می خواهند حقیقت این

---

[1] (المائدة ۱۱۹)
[2] (الرحمن ۰٦۰)
[3] (التوبة ۰۷۲)
[4] (العنكبوت ۰٤٥)

(c) ketabton.com: The Digital Library

است که از دیدار الله ﷻ چیزی دیگری بلند تر نیست مگر در وقت دیدار امید رضا الله ﷻ به این سبب است که همین چیز سبب دائمی دیدار است گویا زمانیکه مومنان مراتب و درجاتی بلندی را حاصل کنند و لذت دیدار را بیابند آنها عوض سوالها و خواستهای دیگر دیدار دائمی را مطالبه نمودند وبرین دانستند که رضای الهی به طوری دائم سبب رفع شدن حجابهاست الله ﷻ فرموده است:﴿ وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴾[1]

ترجمه: (و نزد مازیاده هم هست)

درین مورد بعضی از مفسرین گفته است که مطلب از (لذیذ) این است که الله ﷻ به جنتیان سه تحفه می دهد. اولی این است که به آنها در جنت تحفه داده می شود که قبلاً با آنها در جنت وجود نداشته است چنانچه فرمان الهی است:﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ ﴾[2]

ترجمه: (پس نمی داند هیچ نفس آنچه را که پنهان گذاشته شده است برای ایشان از روشنی چشمان)

دوم اینکه بر آنها از جانب الله ﷻ سلام داده می شود که این از تحفه سابق بهتر می باشد چنانچه ارشاد الله ﷻ است﴿ سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴾[3]

ترجمه: (برای ایشان سلام است و گفته می شود) گفتنی از جانب رب مهربان)

سوم اینکه الله ﷻ می فرماید: من از شما راضی هستم و این امر از تحائف اولی و دو می اعلی افضل است چنانچه الله ﷻ می فرماید:﴿ وَرِضْوَانٌ مِّنَ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ﴾[4]

ترجمه: و رضای الله ﷻ بزرگتر از همه است.)

یعنی از آن نعمتها هم افضل است که آنها حاصل نموده اند پس همین رضای مقدس الله ﷻ است که آنها حاصل نموده اند پس همین رضای مقدس الله ﷻ است که ثمرهٔ جستجوی رضای بنده می باشد. در احادیث هم ذکر فضیلت رضا بیان شده است.

چنانچه از نبی کریم ﷺ روایت شده است که او ﷺ از طائفه مجموع صحابه کرام پرسید شما کی هستید؟ آنها گفتند مومنان او ﷺ فرمود: نشان ایمان شماچیست؟ آنها گفتند: ما بر

---

[1] (ق ۳۵)
[2] (السجدة ۱۷)
[3] (یس ۵۸)
[4] (التوبة ۷۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مصائب صبر می کنیم و در وسعت شکر الله ﷻ را ادا می نمائیم و بر قضا الله ﷻ رضایت می داریم او ﷺ فرمود: به الله ﷻ سوگند یاد می کنم که شما مومن هستید.

فرمان نبوی است که علما حکما به اساس فقه آنها نزدیک به این شدند که پیامبر شوند. در حدیث شریف است که برای آنان بشارت است که هدایت اسلام نصیب شان شده و به روز عادی شان راضی شدند.

ارشاد نبوی است: کسیکه از الله ﷻ به رزق عادی راضی شد الله ﷻ از اعمال او راضی می گردد. زمانیکه الله ﷻ از بنده راضی گشت او را در امتحان می اندازد اگر صبر کرد الله ﷻ او را دوست می گیرد و اگر او به امتحان راضی شد او را دربندگان خاصی خود شامل می سازد.

ارشاد نبوی است وقت که روز قیامت بیاید الله ﷻ به یک طائفه از امت من بالها دهد آنها را مستقیماً از قبرهای خود به جنت می آیند از نعمتهای جنت لذت می گیرند و در هر جای که بخواهند می روند فرشتگان از آنها می پرسند آیا شما حساب داده اید؟ آنهای گویند: بایان حساب نداده ایم فرشتگان می پرسند آیا شما جهنم را دیده اید؟ آنها می گویند: مایان هیچ ندیده ایم باز فرشتگان می پرسند آیا شما جهنم را دیده اید؟ آنها می گویند: ما یان هیچ ندیده ایم باز فرشتگان می پرسند شما امت کی هستید آنها می گویند ما امتیان محمد ﷺ هستیم . فرشتگان می گویند شما را سوگند به الله ﷻ می دهیم و از شما می پرسیم که شما در دنیا کدام اعمال را انجام می دادید؟

آنها می گویند مایان دو عادت داشتیم که به سببش تا به این مرتبه و منزلت رسیدیم و بر ما فضل و رحمت پروردگار شد. فرشتگان می گویند: چه عادت بود؟

آنها می گویند: زمانیکه به تنهایی گناه می کردیم شرم و خجالت بر چهره ما می شد. و گناهی علنی را هیچ مرتکب نمی شدیم مایان به رزق عادی الله ﷻ راضی بودیم فرشتگان که این سخنان را شنویدند برای شان می گویند برایتان همین عوض مناسب بوده.

محمد ﷺ فرمود: ای فقراء اگر شما در اعماق قلب به داد الله راضی شوید ثواب فقر تان را خواهید یافت ورنه حاصل کرده نمی توانید. در داستانهای موسی ؑ می آید که بنی اسرائیل به او ؑ گفتند: که از الله ﷻ در مورد عملی پرسان کن که به اساس او از مایان راضی شود موسی ؑ به الله ﷻ عرض کرد که ای الله ﷻ! عرض آنها را شنیدی که آنها چه گفتن؟ الله ﷻ فرمود: ای موسی! به آنها بگو که آنها به داد من اگر کم باشد یا زیاد راضی گردند من از آنها راضی می شوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

الله ﷻ در قرآن کریم از نود بار زیاد ذکر صبر را کرده است. اکثراً درجات و حسنات را به صبر منسوب نموده است و آنها را ثمرات صبر محسوب کرده اند. برای صابران انعاماتی را مقرر نموده است که برای دیگران مقرر نکرده است. چنانچه ارشاد الله ﷻ است. ﴿ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ ﴾[1]

ترجمه: این گروه برایشان است عنایات از جانب پروردگار شان و مهربانی و این گروه ایشان راه یافتگان اند)

لهذا ثابت گردید که هدایت، رحمت و صلوات هر سه صرف برای صابران مخصوص گردیده شده است.

فرمان نبوی است که صبر نصف ایمان است. او ﷺ فرموده است: چیزی کم که با همرای صبر و یقین پخته حاصل کرد و از آن برخی کم برای شخصی داده شود و از او عبادت شب و روزه های نفلی روز بماند هیچ باکی ندارد.

این امر باید واضح باشد و از او عبادت شب و روزه های نفلی روز بماند هیچ باکی ندارد. این امر باید واضح باشد که مطلب از عبادت و روزه عبادات روزه نفلی است نه فرضی. به رزق و روزی عادی صبر و قناعت نمودن شما برایم از آن بسیار محسوب است که هر یکی از شما همرای اعمال کامل خود بیاید، لیکن من خوف دارم که بعد از من دنیا برای شما باز می گردد. پس شما یکی دیگر را دوست نپندارید و به این سبب فرشتگان هم شما را بد می بینند. کسی که صبر کرد و امید ثواب نمود او ثواب کامل خود را حاصل کرد باز او ﷺ این آیت شریف که ﴿ مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ ۖ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم ﴾[2]

ترجمه: آنچه نزد شماست تمام فانی شود و آنچه نزد خداست پاینده است و بدهیم صابران را مزد ایشان).

از جابر ﷺ روایت است که از نبی کریم ﷺ در مورد ایمان پرسیده شد، او ﷺ فرمود: ایمان اسم صبر و سخاوت است و فرمود: که صبر از گنج های (خزانه) جنت است باری از او ﷺ پرسیده شد که ایمان چیست؟ او ﷺ فرمد: صبر است این سخن پیامبر ﷺ مانند آن سخنی است که فرموده بود: صبح وقوف بر عرفه است یعنی وقوف عرفه رکن مهم حج است.

---

[1] (البقرة ۱۵۷)
[2] (النحل ۹۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

روایت است که الله ﷻ به داود علیه السلام وحی فرستاد که اخلاق خود را طبق اخلاق من بسازید یکی از اخلاق من این است که من صبور هستم.

عطاء رحمه الله از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده است که محمد ﷺ به انصار تشریف آورده فرمود: آیا شما مومن هستید؟ آنها خاموش شدند عمر رضی الله عنه گفت بلی یا رسول الله! او ﷺ فرمود: علائم ایمان تان چیست؟ و او ﷺ عرض نمود. مایان در وسعت مال شکر الله ﷻ را می نمائیم. و برمصائب صبر می کنیم. بر قضای الله ﷻ راضی هستیم. او ﷺ که این سخنان را شنوید فرمود: به رب کعبه سوگند میخورم که شما مومن هستید.

ارشاد نبوی است که صبر کردن بر چیزهای ناشایسته که آنرا دوست ندارید چیزی خوب است.

عیسی علیه السلام فرمود تا زمانی چیزهای مطابق میل تان حاصل کرده نمی توانید تا به چیزهای بد و خلاف میل تان صبر ننمائد. هم چنان فرمود: اگر صبر انسان نمی بود بسیار مهربان خواهد بود. الله ﷻ صابران را دوست دارد.

در آخر دو حدیث در مورد قناعت تقدیم می کنیم محمد ﷺ فرموده است؟ (قناعت خزانه است که هیچگاه فناه نمی شود. کسیکه قناعت کرد معزز شد و کسیکه طمع کرد ذلیل گردید.

همچنان او ﷺ فرموده است:

قناعت خزانهٔ است که هیچگاه فناه نمی شود. درین مورد به نوشته های قبلی مراجعه کنید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و چهارم
در بیان فضیلت توکل

الله ﷻ فرموده است: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ ﴾[1]

ترجمه: هر آینه خدا ﷻ دوست می دارد توکل کنندگان را)

این مقام والا و بلند از کسی خواهد بود که متوکل از محبت پروردگار برخوردار بود، باشد پس با کدام شخصی که محبت الله ﷻ باشد او کامیاب و موفق است زیرا که محبوب نه عذاب می شود و نه هم تعبید می گردد.

در احادیث شریف هم فضیلت توکل بیان گردیده است. از ابن مسعود ﷺ روایت شده است که محمد ﷺ فرمود: من همه امتها را در موقع صبح در حالت اجتماع در مکه مکرمه دیدم و امت خود را هم دیدم او تمام فراز و فرود را گرفته بود و تعداد و چهره های گوناگون آنها مرا حیران کرد برایم گفته شد آیا تو خوشحال راضی هستی ؟ من گفتم : بلی باز برایم فرمود: با آنها هفتاد هزار مردم بدون محاسبه داخل جنت می شود از محمد ﷺ پرسیده شد اینهاکی ها خواهند بود که بدون حساب داخل جنت می شوند؟

نبی کریم ﷺ فرمود: آنانیکه بدنهای خود را داغ نمی کنند، بد فالی و نیک فالی نمی کنند، سختان کسی را بوجه سری (جاسوسی) نمی شنوند و به رب خود توکل می کنند. عکاشه ﷺ ایستاد شد و عرض نمود: ای رسول الله ﷺ ! برایم دعا کنید که از جمله آنها شوم او ﷺ فرمود: ای الله ﷻ عکاشه را از جمله آنها بشمارید.

باز یک صحابی دیگری ایستاد شد و عرض نمود ای نبی الله ﷺ! برایم دعا کنید که از جمله آنها شوم او ﷺ فرمود: عکاشه از شما سبقت کرد.

فرمان محمد ﷺ است که اگر به معنای درست توکل می کردید الله ﷻ شمارا مانند پرندگان رزق می داد که صبح به شکم گرسنه می روند وشام به شکم پر می آیند.

---

[1] (آل عمران ۱۵۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارشاد نبوی است: که کسیکه ارتباط خود را صرف با الله ﷻ محکم نماید الله ﷻ در هر مشکل برای وی کفایت می کند و از راه ها برایش رزق و روزی تهیه می کند که در ذهن او نمی آید و کسیکه به دنیا توکل کند الله ﷻ او را به دنیا می سپارد.

ارشاد نبوی است کسیکه می خواهد از همه مردم صاحب مال فراوان گردد برایش سزاوار است که به عوض رزق موجوده بر آن رزق اعتماد نماید که همرای الله ﷻ است.

روایت است زمانیکه خانوادهٔ محمد ﷺ گرسنه می بود. محمد ﷺ برایش می فرمود: نماز بخوانید پروردگارم برای من همیش حکم کرده است: الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ﴾[1]

ترجمه: حکم کن اهل خانه خود را به نماز وخود نیز بر آن قایم)(صابر) باش.

ارشاد نبوی است کسیکه جادو کرد و بر جسم داغ نمود او توکل نکرد. روایت است زمانیکه ابراهیم ﷺ به آتش انداخته می شد جبرائیل ﷺ برایش فرمود: آیا برایم کدام ضرورتی دارید؟ ابراهیم ﷺ فرمود: برایت حاجت ندارم. ابراهیم ﷺ آن عهد خود را کامل کرد که بخاطر نداختن او در آتش گرفته می شد و او می فرمود: برایم رب من کافی است و او کارساز خوبی است.

الله ﷻ به این گفتار او این آیت شریف را نازل کرد که: ﴿ وَإِبْرَٰهِيمَ ٱلَّذِى وَفَّىٰٓ ﴾[2]

ترجمه: و صحیفه های. ابراهیم وفادار بود.

الله ﷻ به داود ﷺ وحی فرمود: که ای داود! هر بنده ام که دامن مرا بگیرد و دامن مردم دیگر را ترک نماید و برای وی مانند آسمان و زمین تکالیف و مشقات بیاید همه آنها را دور می کنم و راه نجات را بر او استوار می نمایم.

سعید بن جبیر ﷺ می فرماید: مرا گژدم گزید مادرم مرا قسم داد که برای دم به کسی بروم جادوگر دست سالم مرا گرفته واین آیت شریف را تلاوت کرد. ﴿ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ ﴾[3]

ترجمه: و توکل کن برآن زندهٔ که هر گز نمی میرد.

---

[1] (طه ۱۳۲)

[2] (النجم ۳۷)

[3] (الفرقان ۵۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باز برایم گفت: پس از شنیدن این آیت برای هیچکس مناسب نیست که بدون الله ﷻ پناه دیگری جستجو نماید. برای یک عالم در خواب گفته شد کسیکه بر الله ﷻ اعتماد کرد او رزق خود را جمع آوری نمود. بعضی علماء گفته اند:

حصول رزق حلال مقرر شده باید ترا از اعمال فرض غافل نسازد. زیرا که بر این اساس آخرت تو خراب می شود و برایت همان رزق می رسد که بر تو مقرر شده باشد.

یحیی بن معاذ گفته است که بدون خواست و سستی انسان آمدن رزق بر او بر این سخن دلالت می کند که برای رزق حکم سستی بنده داده شده است.

ابراهیم بن ادهم رحمه الله می فرماید: من از یک راهب پرسیدم از کدام جا خوراک خود را بدست می آوری؟ او برایم گفت: مرا درین مورد علم نیست از الله ﷻ بپرس که او از کدام جای برایم رزق می دهد.

هرم بن حبان به اویس قرنی گفت مرا به کجا اعزام می کنی؟ او به طرف شام اشاره نمود هرم گفت: آنجا زندگی ام چطور خواهد بودم اویس قرنی برایش گفت: به آن قلب هلاکت و نابودی باشد که بر الله ﷻ اعتماد ندارد و این نوع قلب در شرک افتیده است به چنین دلها نصحیت کدام فائده رسانیده نمی تواند.

زاهدی گفته است از زمانیکه به این امر راضی شده ام که کار ساز و مشکل کشا برای همه کارهایم الله ﷻ است پس برایم راه کامیابی و موفقیت حاصل گردیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد وپنجم

در بیان فضیلت مسجد

الله ﷻ فرموده است که: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾

ترجمه: جز این نیست که آباد می کند مساجد الله ﷻ را کسیکه یقین کرده به الله ﷻ و روزقیامت.

حدیث نبوی است کسیکه بخاطر رضای الله ﷻ مسجد را آباد ساخت اگر که او مانند آشیانهٔ کبوتر هم باشد الله ﷻ به او در جنت خانه می سازد. ارشاد نبوی است. کدام شخصی از میان شما که با مسجد محبت دارد الله ﷻ با او محبت دارد.

ارشاد نبوی است که زمانیکه به مسجد داخل شدی قبل از نشستن دو رکعت نماز را بخوانید. ارشاد نبوی است که: نماز کسی هم جوار مسجد باشد. بدون مسجد در جای دیگر جائز نیست.

ارشاد نبوی است. که کدام شخصی از میان شما تا که بر جای نماز خود نشسته باشد فرشتگان بر او دعای مغفرت طلب می کنند و می گویند که: ای الله ﷻ برین سلامتی نازل کن ای الله ﷻ! بر او رحم کن ای الله ﷻ! گناهانش را معاف کن این دعاها تا زمانی جاری می باشد تا او با کسی دیگر گفتگو نکند و ما هم از مسجد بیرون نرود.

ارشاد نبوی است: که در زمانهٔ آخر در امت من مردمی خواهد بود که به مساجد می آیند و در آن سخنان دنیوی می گویند داستانهای محبت می گویند با آنها نشینید آنها به الله ﷻ کدام ضرورتی ندارند.

فرمان نبوی است که این ارشاد الله ﷻ در بعضی کتابهای الهی موجود است که: مساجد بر روی زمین خانه های من است و کسانیکه در تعمیر و آبادی آن سهیم می شوند آنها ذاکرین من است بشارت است بر آنانیکه در خانه خود وضو کند سپس برای زیارت من به خانه ام می آید لهذا بر ما حق است که بر زائرم عزت و وقار بدهم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارشاد نبوی است تا که چنین شخصی را مشاهده می کنید که او عادت آمدن به مسجد دارد بر ایمان او شهادت بدهید گفته سعید بن المسیب ﷺ است که: کسیکه در مسجد می نشیند گویا او در مجلس الله ﷻ می نشیند لهذا برای او مناسب است که بدون سخن نیک دیگر را نگوید.

در حدیث شریف این هم آمده است که در مسجد سخنان دنیوی حسنات را طوری نابود می کند که حیوانات نباتات و گیاه را می خورند و اورا ختم می کنند.

قول انس بن مالک ﷺ است کسیکه در مسجد شمع روشن نماید تا که روشنایی چراغ باشد حاملین عرش و همه فرشتگان برای او دعای مغفرت می کنند. علی ﷺ فرموده است: زمانی که کدام شخصی می میرد (فوت می شود) جای نماز و آن مکانی آسمان که حسنات او بالای می رود بر او گریان می کند باز محمد ﷺ این آیت شریف را که: ﴿ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ ﴾

ترجمه: پس گریه نکرده به فرعونیان آسمان و زمین و نه بودند مهلت داده شدگان) تلاوت کرد یعنی زمانیکه این چنین شخصی بمیرد که جای نماز نداردز

قول ابن عباس است که: بر موت شخص نماز گذار چهل روز زمین گریه می کند عطاء خراسانی رحمة الله می گوید: بر کدام قطعه زمینی که بنده سجده می کند روز قیامت آن مکان بر عمل او گواهی و شهادت می دهد و در وقت مردن او آن جای گریان می کندز

حضرت انس ﷺ گفته است بر کدام حصهٔ زمین که نماز خوانده می شود و یا هم ذکر الله ﷻ می شود این حصه زمین بالای حصص دیگری زمین افتخار می کند و از بالا زمین هفتم احساس مسرت و خوشی می کند زمانکیه یک بنده بر کدام زمین نماز می خواند او زمین بالایش می بالد این هم گفته شده هر طائفه که بر کدام حصه زمین قیام کند آن قطعه زمین بر او سلامتی و یاهم لعنت می فرستد.

(الدخان ۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد وششم

در بیان ریاضت صحابه کرام

این سخن باید در ذهن جای گزین گردد که الله ﷻ کدام وقت خیر و فلاح بنده را بخواهد آن بنده به عیوب خویش نظر می اندازد. زمانیکه بصیرت کدام شخص کامل گردد از او هیچ نوع گناه پوشیده نمی شود زمانیکه بر عیب خود بداند علاج او برایش آسان میگردد لکین اکثر جاهلان از عیوب خود ناخبر می باشند گناه اندکی دیگران را می بینند ولی گناهان بزرگ خود را نمی بینند شخصیکه میخواهد بر عیوب خویش خبر شود برایش چهار طریقه وجود دارد:

طریقه اول: صحبت عالم زاهد است که از عیوب خود با خبر باشد از خواهشات بدنی نفسانی خود کما حقه واقف و با خبر باشد او را حاکم نفس خود بگردانید و در عبادات هدایات او را بپذیرد.

طریقه دوم: در مجالس دوستان بشینید که صادق و صاحب بصیرت و بیدار باشد او را محافظ نفس خود بگردانید تا آن دوستان در افعال و حالات تان نظر اندازی کند در آنکه کدام عیوب ظاهری و باطنی ببیند از آن خبر دهد و همین طریقه علماء و بزرگان بودعمر ﷺ میفرماید: از عیوبم با خبر سازی. وی در مورد عیوب خویش از سلیمان ﷺ پرسان میکرد وقتیکه او را می دید می پرسید که آیا در من عیوب را دیده اید که مورد پسند تو نباشد سلیمان ﷺ معذرت خواست ولی عمر ﷺ خیلی زیاد اصرار ورزید سپس آن ﷺ برایش فرمود: برایم معلوم گردیده که تو بر یک نوع دسترخوان دو غذا میخورید و از طرف شب دو جوره لباس دارید؟

عمر ﷺ فرمود: آیا ازین علاوه عیوب دیگری را هم دیده اید آن ﷺ در پاسخ گفت: نه خیر عمر ﷺ فرمود: من همین کارها را ترک کردم حذیفه ﷺ می فرماید: مرا بگوید که آیا در من کدام علایم منافقت پیدا نمی شود؟ با وجودیکه صاحب مرتبه خیلی بلندی بود باز هم از اصلاح و سرزنش نفس خود غافل نبود.

حذیفه ﷺ در باره منافقان صاحبان سیر رسول الله ﷺ بود شخصیکه صاحب عقل زیاد باشد ولی از تکبر خودداری میکند و از سرزنش نفس خود غافل میباشد با کسی دوستی مکنید که از عیوب تو چشم پوشی میکند و برایت نمی گوید و تو را در تاریکی نگهداری

(c) ketabton.com: The Digital Library

میکند و همچنان به آن شخص هم دوستی نکنید که حاسد و مطلب پرست باشد. شاید حسنات تو را در چهره عیوب بر شما آشکار سازد و با چنان چشم پوشان دوستی نکنید که قبائح و بدی های تو را نیک میگوید.

زمانی که داؤد طائی از مردم گوشه نشین شد کسی از او پرسید؟ با مردم نشست و برخواست را چرا ترک کرده اید؟

آن رحمه الله گفت: با مردم چطور ارتباطات خود را حفظ نمایم که عیوب مرا می پوشانند.

مردم دین دار همیشه این آرزو را میکردند که مردم آنانرا از عیوب شان با خبر سازند ولی مایان در حالت قرار داریم که کسی که عیوب ما را آشکار میکند و نصحیت میکند آنرا دشمن خود می پنداریم و همین کار ایمان مایان را ضعیف میسازد زیرا سخنان بد انسان را مانند مار و گژدم میگزد اگر کسی ما را بگوید در لباس تان گژدم هست احسان او را می پذیریم و از او تشکر میکنیم و تلاش کشتن او را میکنیم و تلاش میکنیم که جان خود را حفظ کنیم در حالیکه تکلیف او صرف به بدن محسوس می شود و درد و الم آن از دو و یا سه روز زیاد نمی باشد. لیکن تکلیف عادت های قلب در عمق آن باقی میماند اگر برای دایم نماند باز هم تا هزارها سال سزا و تکلیف و مشقت را احساس میکنیم سخن دوم اینست که به عوض شنیدن نصیحت ناصح و فکر اصلاح کردن خود به او دشمنی و عداوت میکنیم و برایش میگویم که خودتان شخصی خوبی نیستید فلان و فلان کار را انجام داده اید به اساس عداوت و دشمنی با سخنان نیکو اش به سبب ارتکاب گناهان خودمان قلب مایان از سنگ هم سخت و شدید گشته است.

طریقه سوم: عیوب خود را از دشمنان خود بشنوید زیرا نگاه کردن دشمن هر عیب را آشکار می سازد انسان عاقل از دهن دشمن خود عیوب خود را می شنود از آن دوست که از عیوب آن چشم پوشی میکند بسیار بهره ای بدست میآورد که تعریف وتوصیف او را می بکند و یا عیوب شان را می پوشاند ولی افسوس اینکه طبیعت انسان سخنی دشمن را از حسد و عداوت می شمارد لیکن مردم هوشیار و دانا از سخنان دشمنان خود درس و عبرت می گیرد و تلافی عیوب خود را نمی کنند.

طریقه چهارم: با مردم نشست و برخواست نماید افعال کدام مردم که خوش تان آید آن را عملی نماید و کدام افعال را که بد می بینید در آن باید فکر نماید در جای محفوظ میمانید

(c) ketabton.com: The Digital Library

ی عیوب خویش را هویدا سازی زیرا که مومن برای مومن دیگر آئینه است لهذا در آئینه دیگران خود را نگاه کنید.

از عیسی علیه السلام پرسیده شد که شما را کی آدب تعلیم داد؟ آن علیه السلام فرمود مرا کسی آدب تعلیم نداده بلکه جاهلیت جاهلان را دیدم و از آن خود داری کردم شخصیکه طبیب حاذق را پیدا نماید بر او لازم است که به او بشیند زیرا او شخصیت است که او را از بیماریها نجات میدهد و از امراض مهلک نجات میدهد که بر طرف هلاکت روان کرده است. اگر چنین طبیب حاذق را پیدا نکردی باز هم بر تو لازم است که ایمان و تصدیق قلبی ات ختم نگردد ما تقلید فرآن شخصی را می کنیم که قابل تقلید باشد زیرا که مانند علم ایمان هم درجات دارد و علم بعد از ایمان حاصل می شود چنانچه فرمان الهی است: ﴿ يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ ﴾[1]

ترجمه: تا بلند کند خدا آنانی را که ایمان آورده اند از شما و آنانی را که عطا کرده شده علم درجات.

لهذا کدام شخصیکه بر این حقیقت فهمید که ترک کردن خواهشات نفسانی و مخالفت به آنرا راه مستقیم بسوی الله جل جلاله است او از مومن است زمانیکه کدام شخص از کمک کنندگان شیطان خود که سابقا یاد آور شدیم خبر می شود و از جمله همان اشخاص است که الله جل جلاله به آنها علم داده است و برایش وعده نیکی کرده است و کدام شخصیکه با در نظرداشت این امور حقیقت دین را می شناسد و محکم کردن ایمان را میخواهد مرتبه او بلند تر است فرمان الله جل جلاله است که: ﴿ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ عَنِ ٱلْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ ﴾[2]

ترجمه: و باز داشت نفس را از خواهش پس بیشک جنت یگانه جای اوست.

ارشاد نبوی است که مومن در مصائب مبتلا میشود مومن به او حسد میکند و منافق به آن عداوت میکند کفار سعی قتل کردن آنرا میکند و شیطان تلاش گمراه کردن دارد و نفس با او جنگ میکند لهذا ثابت گردید که نفس دشمن جنگی است با او مقابله کردن ضروری است.

روایت است که الله جل جلاله به داود علیه السلام وحی فرستاد که ای داود! خودت و پیروانت از فرمانبرداری خواهشات بترسید زیرا که دل در خواهشات غرق میباشد و عقل او از من دور

---

[1] (المجادلة ۰۱۱)

[2] (النازعات ۰٤۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

می شود عیسی علیه السلام فرمود: برای آنانیکه بخاطر نعمات آخرت از چشم پوشیده است خواهشات چیزی ها ظاهری را ترک کرد بشارت است. محمد ﷺ بر آن مجاهدین که از جهاد آمده بودند خیر مقدم گفت و برایشان فرمود: شما از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر آمده اید عرض شد که یا رسول الله ﷺ جهاد اکبر چیست؟ حضور ﷺ فرمود جهاد با نفس خود است.

فرمان نبوی است مجاهد کسی است که در عبادت الله ﷻ با نفس مقابله نماید قول سفیان ثوری است که من بدون نفس خود علاج مشکلات چیزی دیگر را ننمودم احیاناً آنرا از فایده و احیاناً آنرا در زیان دیدم قول حسن رحمه الله است که نفس از حیوان سرکش زیادتر به مهار شدن ضرورت دارد. قول یحیی بن معاذ رحمه الله است که مقابله نفس را با شمشیر ریاضت کنید.

انواع ریاضت چهار چیز است اول: خوراک کم دوم خواب کم، سوم صرف در وقت ضرورت سخن گفتن چهارم تحمل نمودن تکالیف. همه مردم به خوراک، شهوت از بین میرود به خواب کم اراده پاک میگردد، به گفتن کم سلامت حاصل میگردد به تحمل تکالیف انسان به مراتب عالی میرسد آن رحمه الله فرمود: دشمن سه چیز است دنیا، شیطان و نفس. دنیا را ترک کن و از آن خود را محفوظ بدارید.

با شیطان مخالفت کنید و خواهشات را ترک کنید به این امر از شر شیطان حفاظت می یابید قول حکیم است که نفس شخصیکه به او غالب آید با محبت شهوات مبتلا میگردد و در زندان شهوات قید و بند می شود ریسمان او در اختیار خواهشات او می باشد به هر جایکه میخواهد به آن روان می کند و قلب او را از همه فواید و لذایذ دنیوی محروم می سازد.

جعفر حمیدی میگوید علماء و حکماء را به این امر متفق دیدم که بدون ترک کردن نعمات دنیوی حصول نعمات اخروی حاصل نمی گردد.

گفته ابو یحیی الوارق است کدام شخصیکه خواهش و آرزوی اعضای خود پوره کرد گویا او در قلب خود بذر ندامت زرع نموده است.

و هیب ابن الورد رحمه الله گفت: کدام چیزیکه از قوت لایموت زیاد باشد او شهوت است کسیکه خواهشات دنیوی را اختیار نمود او برای رسوای و شرمنده گی آماده شد.

حکایت است: زمانیکه زلیخا خانم عزیز مصر یوسف علیه السلام را در لباس پادشاه مصر مشاهده کرد در آن زمان زلیخا به مقام بلندی نشسته بود یوسف علیه السلام تقریباً با دوازده هزار نفر دولتی عبور می کرد زلیخا گفت: پاک است ذاتکیه به اساس گناهان پادشان را غلام می سازد و همین جزای مفسدین است صبر و تقوی از بزرگان پادشاهان ساخته است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

جنید رحمه‌الله گفته است که باری از خواب شب بیدار شدم و عبادت را آغاز کردم ولی لذت در عبادت حس ننمودم اراده کردم که دوباره خواب شوم لیکن خوابم رفته بود. نشستم ولی باز هم سکون و اطمینان نه یافتم بیرون رفتم در راه شخصی را مشاهده نمودم که خود را در کمپل پیچانیده افتیده است زمانیکه او آواز قدمهای مرا شنید گفت: ای ابو القاسم به طرف من بیاید در پاسخ او گفتم بدون کدام دعوت بیایم؟ او گفت: بلی من به الله ﷻ خواست کرده بودم که در قلب تو برایم حرکت پیدا گردد. من گفتم الله ﷻ همین طور کرد بگو چه ضرورتی داری ؟ او برایم گفت علاج بیماری‌نفس چیست؟ من در پاسخ گفتم زمانیکه خواهشات نفس را ترک گوی او با خود گفت شنیدی که من قبلاً هفت بار برایت گفته بودم لیکن تو بدون سخن جنید از شنیدن سخن شخص دیگر ابا ورزیدی الآن شنیدی یا خیر که جنید چه گفت: باز ازین رفت.

کسی از عمر بن عبدالعزیز پرسید من چه وقت سخن بگویم: او برایم گفت: زمانیکه آرزوی خاموش داشته باشد: او پرسید چه وقت ساکت شوم آن ﷺ در جواب فرمود: زمانکیه در قلبت آرزوی گفتگو داشته باشید. قول علی ﷺ است که کسیکه آرزو و شوق جنت دارد وی باید از خواهشات دنیوی کناره گیری نماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و هفتم

در بیان تعریف ایمان و بدی منافقت

بدانید که ایمان اسم تصدیق و حدانیت الله ﷻ و تائید و تصدیق احکام آورده شده بواسطه پیامبران علیهم الصلاة و السلام و اسم مجموعه اعمال است الله ﷻ می فرماید: ﴿ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ ﴾[1]

ترجمه: جز این نیست که مومنان کامل آنان اند که یقین کردند به الله ﷻ و رسول ﷺ او بار شک نیاوردند و جهاد (کوشش) کردند به مالهای خود و نفسهای خود در راه الله ﷻ آن جماعه ایشان اند راستان.

در آیت شریف آمده است که ﴿ وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلْكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّۦنَ ﴾[2]

ترجمه: و لیکن (نیکی عظیم نیکی کسی است) که ایمان آرد به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب ها و پیغمبران.

الله ﷻ بخاطر ایمان کامل بیست صفات ذکر نموده است مثل پوره کردن عهد صبر کردن بر مصائب. و در آیت شریف دیگر آمده است: ﴿ يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ ﴾[3]

ترجمه: تا بلند کند خدا آنانی را که ایمان آورده اند از شما و آنانی را که عطا کرده شده علم درجات.

در آیت دیگر آمده است: ﴿ لَا يَسْتَوِى مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ وَقَٰتَلَ ﴾[4]

ترجمه: برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح مکه و مقاتله کرد.

---

[1] (الحجرات ۱۵)
[2] (البقرة ۱۷۷)
[3] (المجادلة ۱۱)
[4] (الحدید ۱۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرمان نبوی است که ایمان برهنه است لباس تقوی است و ارشاد فرمود که درجات ایمان
ایمانه از هفتاد است و پایان ترین آنها چیز تکلیف آور را از راه دور کردن است همین به این
دلالت می کند که ایمان کامل با عمل مشروع استز ایمان با نفاق و شرک ضمنی باقی نمی ماند
پس ضروری است که از او حتماً خودداری شود.

ارشاد نبوی است این چهار خصلت در کسی باشد او منافق خالص است و اگرچه نماز
میخواند و روزه می گیرد. و خود را مومن می گوید. در سخن گفتن دروغ میگوید. و زمانیکه
جنگ میکند فجور و سخنان نادرست میگوید. وقتیکه وعده میکند به او وفا نمی کند و اگر به
نزد او امانت نهاده شود خیانت میکند و در بعضی روایات آمده است زمانکیه وعده میکند آن
را می شکند.

از ابو سعید خدری ﷺ روایت است که دل ها به چهار قسم است:

یکی آن دل است که از خواهشات دنیائی پاک باشد درین قلب شمع معرفت روشنی
است و همین قلب مومن است دوم آن دل است که درآن ایمان و نفاق هر دو باشد درین نوع
دل ایمان مانند بوته سپند میباشد که به آب صاف نمو میکند و نفاق برایش مانند زخم است
که با صدید و خون نجس زیاد می شود از آنها که هر کدام غالب آید همان به قلب تسلط و
حکم روایی میکند.

ارشاد نبوی است اکثر منافقان امت من قرا (قاریان) هستند در حدیث است که شرک در
امت من از رفتار مورچه بالای که صفا هم پوشیده است.

حذیفه ﷺ می فرماید: در زمان محمد ﷺ به گفتن چنین سخن کسی منافق شمرده میشد
که تا روز مرگ خود منافق می بود و من از شما همه روزه این نوع سخنان را می شنوم.

قول بعضی علماء است که آن شخص به نفاق بسیار نزدیک گردیده که خود را از نفاق
دور و مبرا می پندارد.

حذیفه ﷺ می فرماید که امروز از زمانه محمد ﷺ کرده منافقان زیاد موجود است. درآن
زمان نفاق خود را می پوشانیدند ولی امروز آنرا آشکار میکنند همین نفاق سری ضد ایمان
راستین است کسیکه از این خوف میکند آن خود را دور می سازد و آن شخص به این نزدیک
می شود که خود را درین بلند نگاه میکند.

به حسن ﷺ کسی گفت مردم میگوید دیگر نفاق ختم گردیده آن ﷺ در پاسخ گفت: اگر
منافقان بمیرند تو در راه خوف خواهی کردی یعنی تنها می شوید. اگر نشانه منافقان پیدا گردد

(c) ketabton.com: The Digital Library

مایان بر زمین رفت و آمد نخواهیم کرد یعنی بخاطر کثرت آنها رفتن و در راه ها محتن خواهد شد.

ابن عمر ﷺ دید که کسی عقب حجاج بن یوسف سخنان زشت می گفت آن ﷺ فرمود اگر حجاج زنده می بود آیا می توانستی در عقب آن همین قسم بگوئی؟ آن گفت نه او ﷺ به او فرمود مایان همین کار را در عصر نبی کریم ﷺ در منافقت حساب می کردیم.

نبی کریم ﷺ فرموده است. کدام شخصی که در دنیا دو زبان دارد او روز قیامت هم دو زبان داشته می باشد بدترین شخص کسی است که دو روی دارد. یکی را بر یک روی و دیگری را به روی دیگر میاید (منافقت میکند).

حسان رحمه الله گفته است به اساس نفاق زبان و دل با هم اختلاف میکند در حیات سری و علنی اختلاف میباشد در رفت و آمد تفاوت میباشد. راه وردی یکی و راه خروج دیگری میباشد.

کسی به حذیفه ﷺ گفت از نفاق می ترسم آن ﷺ گفت اگر تو منافق می بودی از نفاق خوف نمی کردی زیرا که منافق از نفاق بی پروا میباشد.

ابن ملیکه رحمه الله می فرماید من یک ۱۴۰ و د روایت دیگر ۱۵۰ صحابه کرام را دیده ام که همه آنها از منافقت در هراس بودند.

روایت است که محمد ﷺ با طایفه از صحابه کرام نشسته بود صحابه کرام شخصی را ستایش زیاد کردند همه صحابه کرام تشنه بودند همان شخص آمد که از رویش قطرات آب می ریخت و پیزار خود را در دست گرفته بود. در میان هر دو ابرو آن علامه سجده هویدا بود صحابه کرام فرمودند این همان شخصی است که ستایش آن کردیم محمد ﷺ فرمود در چهر او برایم اثر شیطان معلوم می شود. آن شخصی آمد با صحابه کرام نشست و به محمد ﷺ سلام داد پیامبر ﷺ برایش فرمود به الله ﷻ شما را سوگند میدهم زمانیکه این مردم را دیدی در قلب نگشت که از آنها بهتر هستی؟ او گفت یا رسول الله ﷺ بالکل همین طور است بعد آن ﷺ در دعا خود فرمود ای الله ﷻ هر آنچه که بر او میدانم و از هر آنچه که بر او نمی دانم طالب عفو و مغفرت می شوم عرض شد که یا رسول الله! آیا شما هم خوف می کنید؟ محمد ﷺ فرمود: چطور بی خوف و هراس باشم در حالیکه قلوب تمام مخلوقات در میان دو انگشت الله ﷻ است به هر سو که بخواهد آنرا منقلب می سازد الله ﷻ می فرماید:

(c) ketabton.com: The Digital Library

﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾

ترجمه: و ظاهر شود ایشانرا از الله ﷻ آنچه گمان آنرا نمی داشتند.

در تفسیر این آیت شریف آمده است که آنها اعمالی را انجام داده بودند که بر ظن و هوس شان حسنات بود لیکن درین اعمال آنان درترازوی بدی افتیدند.

حضرت سری سقطی رحمه الله می گوید: اگر شخص داخل باغ شود که در آن هر نوع درخت موجود باشد و در آن درخت انواع پرنده ها هم باشد اگر پرندگان به دیدن او همه به یک آواز بگوید: ای دوست الله ﷻ بر تو سلام باشد قلب او به شنیدن این سخن مطمئن گردد گویا این شخص درحقیقت اسیر و بندی پرندگان شد.

ابو سلیمان الدارنی گفته است: با پادشاهی درگیر شدم (روبرو شدم) او برایم چیزی گفت که باعث خشم من گردید ترسیدم هر دم که او به قتل من امر ننماید ولی از مرگ خوف نکردم مگر ازین هراس کردم که در وقت قتل من این سخن پیش مردم پخش نگردد که من چطور کاری خوب را انجام داده بودم لهذا اراده ترک کردن این عمل شدم. این نفاقی است که به اصل ایمان نه بلکه به صفاتی کمال و صدق او در تضاد است.

نفاق بر دو قسم است: اول: آن است که انسان از دین خارج می سازد و او را در کفر داخل می نماید و در زمرهٔ مردمی داخل می شود که برای ابد در جهنم باقی خواهد ماند.

دوم: این است که برای مدتی انسان را به جهنم روان می کند و یا هم مراتب بلند و اعلی اورا کم می کند از مقام والای صدیقین پایین می افتد و نزول می کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد و هشتم
در بیان غیبت و نمامت

الله ﷻ در قرآن کریم قباحت غیبت را بیان نموده و غیبت کننده را با شخصی مشابه کرده، که گوشت نجس را می خورد چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ﴾[1]

ترجمه: و غیبت نکند بعضی شما بعضی را آیا دوست می دارید یکی از شما که بخورد گوشت برادر مردهٔ خود را این دوست نمی دارد، پس بد بدارید آنرا (پس غیبت را همچنان بد بشمارید).

ارشاد نبوی است که بر هر مسلمان خون مال و عزت مسلمان دیگر حرام است.

غیبت عزت می خورد الله ﷻ او را با خون و مال یکجا و مقرون ذکر کرده است نبی کریم ﷺ فرموده است با یکدیگر حسد نکنید بغض ننماید. فریب ندهید و در عقب یکدیگر غیبت نکنید ای بندگان الله ﷻ در میان خود با هم برادر شوید.

از جابر و ابو سعید رضی الله عنهما روایت است که نبی کریم ﷺ فرموده: از غیبت پرهیز کنید زیرا که غیبت از زنا هم بدتر است بخاطریکه انسان زنا می کند و باز توبه می کند الله ﷻ توبه او را می پذیرد لیکن توبه غیبت کننده تا زمانی پذیرفته نمی شود تا که غیبت کرده شده (کسی که غیبت اورا کرده) برایش عفو ننماید.

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: شب معراج به قومی عبور کردم که گوشت چهره های شان را به واسطه ناخون های می کندند پرسیدم ای جبریل! این مردم کی هستند! او فرمود: این مردمی هستند که در دنیا غیبت مردم را می کردند عزت و وقار آنها را زیر پا می کردند.

از سلمان بن جابر ﷺ ورایت است که: من در حضور پیامبر ﷺ عرض کردم که ای رسول الله! مرا عمل نیک را نشان بده تا برایم نفع برساند پیامبر ﷺ فرمود: هیچ کاری نیک را حقیر و بی ارزش محسوب مکن اگر که آب بوکه خود را در بوکهٔ (دلو) کدام تشنه بیندازید.

---

[1] (الحجرات ۱۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

از براء ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ ما را خطاب می کرد و زنانی که در خانه های خود نشسته بودن هم خطاب محمد ﷺ را شنیدند محمد ﷺ فرمود: ای مردم! بر زبان ایمان آورده اید ولی با دلها ایمان ندارید غیبت مسلمانان را تکنید و در جستجوی شرم و رسوایی آنان نشوید هر کسیکه در تلاش رسوای برادر خود باشد الله ﷻ در جستجوی رسوایی او می باشد. الله ﷻ که در جستجوی کدام شخص شود او را در خانه خود رسوا و بی عزت می سازد.

روایت است که الله ﷻ به موسی ﷺ وحی فرستاد و فرمود: کدام شخصی که بعد از توبه نمردن از غیبت بمیرد او آخرین کسی باشد که داخل جنت می شود و کدام شخص که در حالت غیبت (بدون توبه) بمیرد او نخستین شخصی خواهد بود که به جهنم داخل می شود.

از انس ﷺ روایت است: روزی نبی کریم ﷺ به مردم فرمود: روزه بگیرید. و آنها را حکم کرد که بدون اجازه ام افطار نکنید تا که شام شد مردم می آمدند و هر یکی از آنها به محمد ﷺ عرض می کرد که روزه دارم اجازه افطار را بدهید محمد ﷺ به او اجازهٔ افطار می داد. مردم می آمدن اجازه افطار می خواستند. شخصی دیگری آمد عرض نمود یا رسول الله! دو زن از فامیل من هم روزه گرفتند اجازه بدهید تا افطار کنند آنها در حضور تان از آمدن حیا می ورزند محمد ﷺ از او اعراض کرد آن شخص باز پرسان کرد ولی محمد ﷺ باز اعراض نمود. آن شخص باز عارض شد سپس محمد ﷺ برایش فرمود: آنها روزه نه گرفته است آن شخصی چطور روزه دار شده می تواند که تمام روز به خوردن گوشت مردم گزرانیده باشد برو برای شان بگو که روزهٔ تانرا استفراغ کنید آن شخص به زنها رفت و فرموده پیامبر ﷺ را به آنها رسانید زمانیکه آنها استفراغ کردند از دهن هر کدام شان قطعه های خون خار شد شخص مذکور به خدمت محمد ﷺ حاضر شد و تمام داستان را به محمد ﷺ حکایت کرد محمد ﷺ برایش فرمود: به الله ﷻ سوگند می خورم اگر این چیز در شکم ها باقی می ماند آتش جهنم آنرا می خورد.

الفاظ روایت دیگری است که زمانی نبی کریم ﷺ از او اعراض کرد اندکی بعد باز حاضر شد و عرض نمود هر دوی آنها نزدیک به مرگ شدند محمد ﷺ برایش فرمود: آنها را به من ارسال کنید وقتیکه آنها آمدند محمد ﷺ به آنها گفت: درین گیلاس ها استفراق کنید زن اولی که استفراغ کرد پیاله را از خون ومواد بدبوی (قیح، صدید) پر کرد سپس محمد ﷺ به زن دومی امر استفراغ کردن را کرد اوهم مانند زن اولی عمل کرد محمد ﷺ فرمود: آنها به رزق

(c) ketabton.com: The Digital Library

حلال الله ﷻ روزه گرفته بودند و به چیزی حرام افطار کردند یکی پهلوی دیگری نشسته مشترکاً گوشت مردم را خوردند یعنی غیبت کردند.

از انس ﷺ روایت است که محمد ﷺ برایم خطاب فرمود و در آن بدی و قباحت سود را بیان کرده فرمود: یک درهم از ۳۳ بار زنا کردن بدتر است و از همه انواع سود بدتر و بزرگتر بر عزت یک مسلمان تجاوز نمودن است.

نمامت: این یک صفت خیلی بد است، الله ﷻ فرموده است که: ﴿ هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾ ﴾[1]

ترجمه: بسیار عیب گوی برندهٔ چغلی (نمامت)

و بعد از آن فرمود: ﴿ عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾ ﴾[2]

ترجمه: درشت خوی بعد از این همه بد نام.

امام عبدالله بن مبارک رحمه الله گفته است: که (زنیم) به ولدالزنا گفته می شود که سخنان را محفوظ نگهداری نمی کند و او به این امر اشاره نمود که کدام شخصی که سرّ را حفاظت نمی کند و نمامت می کند این عملکردش برین دلالت می کند که او ولدالزنا است زیرا که فرمان الله ﷻ هم اشاره به همین چیز دلالت می کند وکسیکه در دوران حرکت به گردن خود حرکات ناشایسته و غیر موزون را انجام می دهد با و لدالزنا شباهت دارد یعنی کسیکه نمامت را می کند هم با ولدالزنا شباهت دارد و اینجا مطب از (زنیم).

نسبت مدعی بر کذب است : الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ ﴾[3]

ترجمه: وای بر هر طعنه زننده عیب جو.

طبق یک قول «همزه» به معنای عام است الله ﷻ می فرماید: ﴿ حَمَّالَةَ ٱلْحَطَبِ ﴿٤﴾ ﴾[4]

ترجمه: که بردارندهٔ هیزم است.

اینجا مطلب از حمل نمودن خاشاک نمامت است زیرا که او سخنان را بلند می کند و نمامت به انجام می رساند، در جای دیگر الله ﷻ ارشاد فرموده است که: ﴿ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا ﴾

---

[1] (القلم ۰۱۱)
[2] (القلم ۰۱۳)
[3] (الهمزة ۰۰۱)
[4] (المسد ۰۰٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه : پس خیانت کردند آن دو زن به آن دو بنده پس دفع نکردند ایشان از آن دو زن از (عذاب) الله چیزی.

گفته می شود که درین آیت شریف ذکر دو زن آمده است یکی زن لوط علیه السلام بود که قوم لوط علیه السلام را از مهمانانش مطلع ساخت دومی زن نوح علیه السلام بود که به شوهرش محبوط الحواس می گفت: حدیث شریف است که نمام(سخن چین) به جنت داخل نمی شود.

در حدیث شریف دیگر آمده است که (قتات) به جنت نمی رود مطلب از قتات نمام است از همه بهترین نزد الله ﷻ صاحب اخلاق نیکو است. و از همه بدترین مردمی هستند که نمامت می کنند و مردم را در میان خود به جنگ می اندازند و لغزش نیکان را بیان می دارند.

نبی کریم ﷺ فرمود: آیا برای تان در مورد مردم بدتر چیزی نگویم؟ صحابه کرام عرض نمودند: حتماً بفرماید یا رسول الله! محمد ﷺ فرمود: آنهائی که در میان دوستان فساد پیدا می کنند و به مردم نیکو و صالح تهمت می بندند یعنی بدترین مردم همانا هستند.

از ابو ذر رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: کدام شخصی که بالای مسلمان دیگری شهادت دروغ بدهد او خودش مسکن خود را در جهنم مهیا می سازد. این هم گفته شده که در قبر حصه سوم عذاب به اساس نمامت داده می شود.

از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: زمانکیه الله ﷻ جنت را خلق کرد به او حکم کرد که با من صحبت کن جنت گفت: کسیکه داخل جنت گردید او نیک بخت شد الله ﷻ فرمود: به عزت و جلال خود سوگند می کنم که هشت قسم مردم داخل جنت نخواهند شد: شراب خور دائمی، زناکار، نمام، دیوث (مرده گاو) رذیل، مخنث، قاطع صله رحم، و آن شخصی که می گوید به الله ﷻ عهد می کنم که فلان و فلان کار را انجام نمی دهم ولی وعده خود را پوره نمی کند.

حکایت: از کعب الاحبار رحمه الله روایت است که باری بنی اسرایل دچار قحط گردیدند موسی علیه السلام بار بار دعای باران کرد ولی باران نبارید. الله ﷻ به موسی علیه السلام وحی فرستاد که من دعای تو و یارانت را چطور قبول کنم در حالیکه در میان شما نمام (سخن چین) وجود دارد که هنوز هم به عمل خود اصرار می ورزد. موسی علیه السلام عرض کرد یا الله ﷻ برای من آن نمام را آشکار کن تا او را از میان خود اخراج نمایم الله ﷻ برایش فرمود: خودم

---

[1] (التحریم ۱۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مردم را از نمامت منع می کنم پس چطور همین کار را خودم بکنم؟ لهذا همه آنها توبه کردند و باران بارید.

روایت است: شخص هفت صد فرسخ سفر طویل و درازی را طی نموده بود و در مجلس دانا و هوشیاری حضور یافت به او گفت: سفر طولانی را انجام دادم و بخاطر پرسان هفت چیز پیش تو آمده ام. الله ﷻ شما را علم داده است مرا پاسخ دهید که آسمان چیست و چیزی ثقیل از آسمان کدام است، زمین و از او وسیع تر چیست؟ سنگ و از او سخت تر چیست؟ آتش و از او گرم تر و باحرارت چیست؟ زمهریر و از او یخ تر چیست؟ بحر و از او زیاد بی نیاز چیست؟ یتیم و از او زیاد حقیر و ذلیل چیست؟

دانا جواب داد: تهمت گفتن به پاکدامن و عفیف از آسمان ها ثقیل و سنگین است حق از زمین وسیع تر است. قلب قانع از دریا هم بی نیاز است حرص و حسد از آتش هم گرم است ضرورتی که از طرف دوست برآورده نشود از زمهریر هم سرد است قلب کافر از سنگ هم سخت تر است. نمام که عمل ناشایسته اش آشکار گردد از یتیم هم ذلیل می باشد. درین مورد شاعری چه خوب گفته است:

من نمَّ فی الناس لم تُؤمن عقاربُه ... علی الصدیق ولم تُؤمن أفاعیه
کالسیل باللیل لا یَدری به أحدٌ ... من أین جاء ولا من أین یأتیه
الویلُ للعهد منه کیف ینقضُهُ ... والویلُ للودَّ منه کیف ینفیه

ترجمه: کدام نمام که سخن چینی می کند دوستان و محبان او از ماران و گژدم ها بی خوف و بی هراس میندار (یعنی او نمامت دوستان خود هم می کند).

او مانند سیل شبی است که هیچ کسی نمی فهمد از کجا آمده و به کجا رسیده است.

برای آن عهد هلاکت است که این چطور پوره می کند و برای آن دوستی هلاکت است او چطور این را نفی می کند.

شاعری دیگر می گوید:

یسعی علیک کما یسعی الیک فلا ... تامن غوائل ذی وجهین کیّاد

ترجمه: آن نمام که حمایت و کمک ترا می کند همچنان بدیها وقبائح ترا بیان می کند از فریب دو رویه غافل مشو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هفتاد ونهم

در بیان عداوت شیطان

محمد ﷺ ارشاد فرمود: برای داخل شدن قلب دوجای است یکی جای درون شدن فرشتگان که انسان را به نیکی تحریک می کند برای تصدیق حق ترغیب می دهد لهذا کدام شخص که این امر را در قلب خود محسوس نماید او باید این کار را رحمت پروردگار تلقی نماید. توصیف و تعریف الله ﷻ را بکند.

دوم: مکانی داخل شدن دشمنی است که به فتنه و فساد سوق می نماید و از حق ممانعت می کند کدام شخص که در قلب خود این چیز را احساس کرد او باید از شرارت های شیطان رجیم به الله ﷻ پناه بخواهد سپس او ﷺ این آیه کریمه را تلاوت نمود که: ﴿ ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ﴾[1]

ترجمه: شیطان وعده می دهد به شما تنگدستی را و حکم می کند شما را به بی حیایی (بخل).

حسن بصری رحمه الله گفته است: دو نوع فکر در قلب انسان رفت و آمد می کند یکی فکر حق و دوم فکر دشمنی می باشد الله ﷻ برآنها رحم کندکه قصد عزائم خود می کند کدام کاری که برا و از جانب الله ﷻ بنظر می آید او را کامل کند و کدام کاری که از طرف دشمن برایش ظاهر و هویدا گردد او را ترک می کند.

جابر بن عبیده العدوی می گوید: من به علاء بن زیاد در مورد وساوس قلب خود شکایت کردم او برایم گفت: مثال قلب مانند آن خانهٔ است که برآن دزد تهاجم کند اگر کدام چیز برای بردن دریافت کرد فکر بردن آنرا می کند ورنه بدست خالی از آنجا می رود یعنی کدام قلب که از خواهشات نفسانی خالی باشد بر او شیطان داخل شده نمی تواند زیرا فرمان الهی است که: ﴿ إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ ﴾[2]

ترجمه: هر آیینه بر بندگان من نیست ترا بر ایشان هیچ حکومت (قدرت).

---

[1] (البقرة ۲۶۸)

[2] (الإسراء ۰۶۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

لهذا هر آن انسان که اطاعت خواهشات نماید او بنده الله ﷻ نه بلکه بنده شهوات گردیده زیرا الله ﷻ بر او شیطان را مسلط می سازد.

الله ﷻ می فرماید: ﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ﴾[1]

ترجمه: آیا دیدی آنرا که گرفت معبود خویش هوای خود را.

درین آیت شریف به این ناحیه اشاره است که معبود کدام شخصی خواهش او باشد او بنده الله ﷻ نمی باشد ازین سبب عمرو بن العاص به نبی کریم ﷺ شکایت کردکه: یا رسول الله! شیطان در میان من و نمازم و قراءتم حائل می گردد. او ﷺ برایش فرمود: این شیطان خنزب است زمانیکه وسوسه اش را در قلب خود احساس می کنی از الله ﷻ پناه بخواه و سه بار به طرف چپ خود تف کن. راوی میگوید: که همین طور کردم الله ﷻ وسوسه ام را دور کرد.

در حدیث شریف آمده است شیطانیکه در وضوء نقص پیدا می کند بنام «ولهان» است به الله تعالی از آن نجات و پناه بخواهید.

وسوسه شیطان زمانی از قلب دور میشود که انسان بر خلاف آن وسوسه ها در سخن گفتن فکر و تامل کند یعنی ذکر الله ﷻ بکند و به ذکر الله ﷻ در قلب اطمینان حاصل میشود شیطان نمی تواند که در قلب او وسوسه بیندازد. چون علاج هر چیز به ضد آن صورت می گیرد. لهذا باید بدانید که ضد همه وسواس شیطانی ذکر پروردگار است.

هر کسی بخواهد از شیطان خلاص گردد باید «لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم» را بخواند. از وسوسه شیطانی آن مرد نجات می یابد بندهٔ که متقی باشد. و در هر رگ آن ذکر الله ﷻ جای گرفته باشد شیطان به این نوع مردم تصادفاً حمله آور می گردد چنانچه فرمان الله ﷻ است که: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ إِذَا مَسَّهُمْ طَٰٓئِفٌ مِّنَ ٱلشَّيْطَٰنِ تَذَكَّرُوا۟ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾﴾[2]

مجاهد رحمه الله در تفسیر «من شر الوسواس الخناس» می فرماید آنها به قلب منتشر باشند زمانیکه آنان ذکر الله ﷻ می کند او پس میشود (تاخیر می کند) زمانیکه انسان از ذکر الله ﷻ غافل می شود دوباره به قلب مسلط می گردد. مقابله ذکر الهی و وسواس شیطان طوری

---

[1] (الفرقان ۴۳)

[2] (الأعراف ۲۰۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

هستند مانند نور و تاریکی شب و روز ارشاد الله ﷻ است: ﴿ ٱسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمْ ذِكْرَ ٱللَّهِ ﴾[1]

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: شیطان در قلب انسان سنگر گرفته نشسته می باشد زمانیکه انسان الله ﷻ را یاد میکند او فرار میکند و زمانیکه از ذکر الهی غافل میشود شیطان بر قلب او حمله می کند.

ابن وضاح رحمه الله حدیثی روایت کرده و در آن آمده است وقتیکه آنان به چهل سال برسد و توبه نکند شیطان برروی او دست خود را کش می کند و می گوید: به پدر سوگند می خورم که این چهره است که هیچگاه فلاح نخوهد یافت چونکه خواهشات و شهوات انسان از گوشت و خون او جدا نمی گردد همچنان تسلط شیطان بر قلب انسان محیط می باشد و در گوشت و خون انسان جاری می باشد و سرایت می کند.

چنانچه حدیث شریف نبی کریم ﷺ است شیطان در وجود انسان مانند خون حرکت می کند لهذا دروازه های را به گرسنگی مسدود کنید. او ﷺ به این اساس ذکر گرسنگی را نمودکه به آن شهوات خاتمه می یابد و راه های شیطانی در شهوات است.

و خداوند خبر میدهد از شیطان:﴿ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ ٱلْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ لَءَاتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَٰنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ ﴾[2]

حدیث نبوی است که شیطان در راه انسان نشست و او در راه اسلام نشست و برایش گفت: اسلام را قبول میکنی و دین آباء و اجداد را ترک می کنی ولی آن سخن شیطان را قبول نکرد و اسلام را قبول نمود. باز در راه هجرت نشست و برایش گفت: آیا هجرت می کنی وطن. زمین را ترک می گویی؟ ولی انسان سخن او را قبول نکرد هجرت نمود باز در راه جهاد نشست و برایش گفت: آیا جهاد می کنی؟ در حالیکه در آن مال و نفس انسان ضایع می شود زمانیکه تو به جنگ می روی آنجا قتل میشوی یا زن تو کسی دیگر عروسی می کند مال تو در میان وارثین تقسیم می گردد و این بندهٔ الله ﷻ از پذیرفتن سخن شیطان انکار کرد. در جهاد اشتراک نمود محمد ﷺ فرمود: کسیکه این نوع عمل اجرا کرد و بعداً وفات نمود بر الله ﷻ واجب است که او را به جنت داخل نمایید.

---

[1] (المجادلة ۰۱۹)

[2] (الأعراف ۰۱۶-۰۱۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتادم

در بیان محبت و محاسبه نفس

حضرت سفیان رحمه‌الله گفته است محبت به اتباع و پیروی از محمد ﷺ را گفته میشود.

قول عالمی است که: محبت اسم ذکر دائمی الله ﷻ است. قول دیگری است که محبت به محبوب خود نسبت به خودش ترجیح دادن است. بعضی از آنها می گویند که: محبت ترجیح دادن به خود را گویند. بعضی می گویند که محبت این است که زندگی دنیا را بد شمارد.

اقوال فوق الذکر به سوی ثمرات محبت اشاره می نماید در مورد محبت مطلق کسی بحث نکرده است بعضی گفته است: که محبت اسم آن کمالات محبوب را گویند که از ادراک او قلبها عاجز و از گفتن آن زبانها بند هستند.

جنید رحمه‌الله گفته است که الله ﷻ با ارتباط دارنده دنیا جنت را حرام گردانیده است و گفت هر محبتی که در بدل کدام چیزی باشد زمانیکه عوض ختم گردد محبت هم زائل می شود.

ذوالنون گفته است: به آن شخصی که با الله ﷻ اظهار محبت نماید بگو که در مقابل دیگران از ذلت خود را نگهداری کن.

به شبلی رحمه‌الله گفته شد که ما را تعریف عارف و محبت نماید او گفت: اگر عارف چیزی می گوید هلاک می گردد و محبت خاموش بماند هم هلاک میشود و این اشعار را گفت:

یا أیُّها السیدُ الکریمُ — حبُّک بین الحشا مُقیمُ
یا رافعَ النوم عن جفونی — أنت بما مرَّ بی علیمُ

ای سید مهربان محبت تو در عمق قلب من جا گرفته.

ای فرار کننده خواب از چشمانم بر ما که از چشمانم بر ما چیزی گذشت بر او خوب می دانی.

قول شاعری دیگری است.

عجبتُ لمن یقولُ: ذکرتُ إلفی — وهل أنسی فأذکرُ ما نَسیتُ
أموتُ إذا ذکرتُک ثم أحیا — ولولا حسنُ ظنّی ما حییتُ
فأحیا بالمنیّ و أموت شوقاً — فکم أحیا علیک وکم أموتُ
شربتُ الحبَّ کأساً بعد کأس — فما نفذ الشَّرابُ وما رویتُ
فلیت خیالَه نصبٌ لعینی — فإن قصرت فی نظری عمیتُ

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: بر این سخن تعجب می کنم که برایم می گوی محبت را فراموش کردی آیا محبت آن شخص را فراموش کرده ام که آنرا یاد می کنم؟

زمانیکه ترا یاد می کنم می میرم باز زده میشوم دیگر حسن ظن من نمی بود هیچگاه زنده نخواهم ماند.

پس من از مرگ حیات میابم و در آن می میرم.

من پیوسته به جام محبت جای دیگری نوشیدم نه محبت شراب کم شده نه من سیر شدم.

کاش خیال او هدفم نمی بود زمانیکه او از نظرم دور گردد در عقب آن کور می شوم.

حضرت رابعه العدویه رحمه الله روزی گفت: کیست که ما را آدرس محبوب خود بگوید: خادم او گفت محبوب ما همرای ما است لیکن دنیا ما را از او جدا ساخته.

از ابن الجلاء رحمه الله روایت است که الله ﷻ به عیسی علیه السلام وحی فرستاد. زمانیکه قلب بنده م را از محبت دنیا و آخرت خالی یابم قلب او از محبت خود پر میکنم و او را حفاظت میکنم.

حضرت سمنون رحمه الله در مورد محبت روزی گفتگو نمود در پیش او پرندۀ پایین گردید و نول خو د را بر زمین زد تا خون آمد و مُرد. ابراهیم ادهم رحمه الله گفت : ای الله ﷻ تو میدانی که جنت در مقابل آن انعاماتیکه در یدم (دست) به ودیعت گذاشته اید به نزدم به اندازۀ پر پشه هم ارزش ندارد. مرا به محبت خودت سرفراز گردانیده و در عظمت و جلال تو فراغت فکر و تامل داده.

سر سقطی رحمه الله گفته است کسیکه با الله محبت کرد او جاویدان گردید و کسیکه با دنیا محبت کرد او بی آبرو شد شخصی احمق شب و روز در رسوائی بگذراند و عاقل عقب عیوب خود می رود و محاسبه نفس خود میکند الله ﷻ در قرآن کریم حکم محاسبه نفس را داده است که: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ ﴾[1]

ترجمه: ای ایمانداران از خدا بترسید و هر نفس ببیند چه چیزی برای فردای خود فرستاده اید؟

درین آیت شریف به این اشاره شده انسان باید محاسبه اعمال گذشته خود را بکند به همین اساس عمر رضی الله عنه فرمود: قبل از آنکه با شما محاسبه صورت بگیرد خود را خود محاسبه کنید وقبل از آن که اعمال تان وزن شود خود اعمال خودرا وزن نماید.

---

[1] (الحشر ۱۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library

در حدیث شریف آمده که شخصی به محمد ﷺ عرض نمود که مرا نصیحت کن ﷺ برایش فرمود: آیا برای نصیحت آمده اید؟ او گفت بلی او ﷺ فرمود: زمانیکه اراده کدام کار را داشته باشی در عاقبت آن تامل کن اگر عاقبت آن خوب می بود او را انجام ده ورنه از او خودداری کن.

در حدیث آمد است که برای عاملی مناسب است که در چهار ساعت زندگی خود یک ساعت برای محاسبه نفس خود تخصیص نماید الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ترجمه: و توبه نماید به سوی الله با توبه کامل ای مؤمنان! تا رستگار شوید.

توبه عمل است که بعد از گناه کردن برای انسان شرمندگی خجالت و ندامت به بار می آورد.

نبی کریم ﷺ فرموده است من روزانه ۱۰۰ بار توبه میکنم و از الله ﷻ مغفرت میخواهم زمانیکه شب می شد عمر ﷺ پاهایش را به قمچین میزد و بر نفس خود میگفت تو امروز مرتکب کدام عملی شدی؟

قول میمون بن مهران است که شخصی تا زمانی متقی شده نمی تواند که بعد از انجام کار نسبت به شرکاء خود به محاسبه نفس خود زیاد مصر نباشد. از عایشه ﷺ روایت است که حضرت ابوبکر صدیق در وقت وصال گفت: برادر میان مردم بدون کسی دیگر زیاد محبوب نیست باز از من پرسید که چه گفتم؟ من سخن او را تکرار نمودم او ﷺ گفت: نزدم بدون دیگری تبدل نمود.

از طلحه ﷺ نقل است که زمانیکه پرندگان باغ اوتوجه اش را از نماز تغیر داد او در بدل همین قصور در حالت ندامت بی انتهاء تمام باغ خود را در راه الله ﷻ وقف نمود.

در حدیث عبدالله بن سلام آمده است که او یک درزه چوب را بلند کرده بود او را حمل می کرد مردم برایش گفتند: ای ابویوسف: در خانه ات چوب موجود بود و غلامت هم همین کار را کرده می توانست مصروف هم نبود پس چرا این عمل را کردی؟ او در جواب گفت من امتحان نفس خود را گرفتم که آیا این چنین کار ها را بد نمی بینند؟ قول حسن ﷺ است که

(c) ketabton.com: The Digital Library

مومن حاکم نفس خود است و او را محاسبه می کند و حساب آن روز قیامت آسان می باشد که در دنیا نفس خود را محاسبه میکند و محاسبه آن خیلی سخت میباشد که در دنیا از محاسبه نفس خود غافل باشد.

تفسیر این امر را میگویند که تصادفاً مومن چیزی را خوش میکند و به دیدن آن می گوید که به الله ﷻ ترا زیاد دوست دارم و برایت ضرورت دارم لیکن افسوس که در میان من و تو حساب حائل است. این مثالی قبل از حساب است زمانیکه از مومن کدام لغزش صورت بگیرد همرای خود می گوید: شما ازین چه طلب داشتی به الله ﷻ سوگند که بر این خاطر عذر خود را تقدیم نمی کنم سوگند خود را تکرار میکنم اگر الله بخواهد در آینده این عملی را تکرار نخواهم کرد.

از انس بن مالک ﷺ روایت است که روزی عمر ﷺ از مدینه بیرون شدیم تا که به یک دیوال رسیدیم من شنیدم که او ﷺ میگفت البته در میان ما همین دیوال حائل بود واه واه عمر بن الخطاب امیر المومنین است ای نفس به الله سوگند: از خدا بترس ور نه الله ترا عذاب سخت میدهد.

حسن رحمه الله در تفسیر: ﴿ وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ۝٢ ﴾ میگوید زمانیکه از مومن غلطی صادر گردد او در تعقب نفس خود میباشد که از انجام دادن این عمل چه اراده داشتی و در خوراک و نوشیدن ما چه منشاء داشتی. ولی شخص بدکار قدم به قدم پیش میرود و محاسبه گناهان خود را نمی کند.

قول ابراهیم التیمی است که به نفس خود مثالی جنت را تقدیم کردم در جنت خوردن میوه ها نوشیدن آب ها با خود و زنان پاک نشستن برخاستن را بیان نمودم باز به نفس خود تفصیل دوزخ را بیان کردم تکالیف و مشقات جهنمیان را نوشیدن از قیح و صدید و خون دوزخیان زنجیر های ثقیل و طوقهای سنگین و غیره عذاب ها را بیان کردم وبرایش گفتم: از هر کدام یکی برایت دوست و قابل قبول است، نفس گفت در دنیا اراده انجام اعمال نیکو را دارم من برایش گفتم: لهذا برایت فی الحال مهلت داده شده که اعمال نیکو را انجام بدهی.

مالک بن دینار ﷺ می گوید: من حجاج را در حالت خطبه دادن دیدم او گفت: الله ﷻ به آن بنده رحم کرد که حساب خود را قبل از رفتن به پایان رسانید و محاسبه نفس خود را کرد

(القیامة ۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

و الله ﷻ بر آن بنده رحم کرد که ریسمان عمل خود را گرفت و فکر کرد که چرا این عمل را انجام می دهم. الله ﷻ بر آن بنده رحم کرد که میزان عمل خود را دید واو همین سخنان را تکرار می کرد تا که مرا گریان گرفت لکن مظالم حجاج و بر مردم صالح و نیکو تجاوز و تعدی او را موقع محاسبه نفس خود را نداد.

روایت رفیق احمد بن قیس رحمه الله است که با او سکوت داشتم عبادت شب او به طور عام مشتمل بر دعا خوانی بود او به شمع می آمد و به حرارتش انگشت خود را گرفته تا که اثر آتش را محسوس می کرد باز به نفس خود می گفت: ای نفس تو مرا در فلان و فلان روز به انجام دادن چنین اعمالی وادار کرده بودی ترا در فلان روز به انجام دادن عمل نا مشروع وقبیح که مجبور ساخته بود؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و یکم

در بیان خلط کردن حق و باطل

حضرت معقل بن یسار ﷺ می فرماید که نبی کریم ﷺ فرمود: به مردم زمانی می آید که قرآن کریم در دلهای شان مانند لباس کهنه گردید باشد تمام احکامات به طمع تطبیق معطی مانده باشد ترس و خوف الله ﷻ در قلب کدام شخص نمی باشد اگر از میانی آنها کدام شخصی نیکی کند می گوید که این عمل من مورد قبول قرار می گیرد. واگر بدی کند می گوید که این عمل بدم عفو می شود. نبی کریم ﷺ فرمود: او عوض طمع از الله ﷻ خوف در دل می داشته باشد زیرا که آنها از آن تنبیهات الله ﷻ که مردم از عذاب الهی ترسانیده هیچ خبری ندارد به اساس این خصلتها و عادتهای دیگرتی الله ﷻ در مورد قبایح به چنین الفاظ خبر داده اند که: ﴿ فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٞ وَرِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَأۡخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغۡفَرُ لَنَا [1] ﴾

ترجمه: پس به عوض آنها جانشینان بد آنها نشست که وارث کتاب گشت آنها ناقص یعنی اسباب حرام می گیرند و می گویند که زود است که ما مورد عفو قرار گیریم.

تفسیر این آیت طوری است که علمای آنها وارثان این کتاب الهی شدند ولی آنها از خواهشات دنیوی حاصل کردن مال زیبا را آغاز نمودند حرام و حلال را تفکیک نکردند گفتند که الله ﷻ مارا عفو می کند در حالیکه فرمان الهی است که: ﴿ وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ [2] ﴾

ترجمه: و کسی را که ترسیده است از ایستادن بحضور پروردگار خویش و جنت است.

و همچنان فرمود: ﴿ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ [3] ﴾

از اول تا آخر مردم ترسانیده شدند کسانیکه در این آیاتها فکر و تامل نمایند خوف و اندوه شان زیاد می گردد ولی مردم را می بینید که این آیاتها را به بسیار سرعت تلاوت می کنند و از آن می گذرند مخارج حروف را مراعات نمی کنند به زیر و زبر مجادله نمایند ولی در مورد خواست و معنای آن فکر نمی کنند و نه بخاطر عمل کردن بر او سعی و تلاش می ورزند آیا در دنیا ازین هم فریب بزرگی است که مردم از حسنات سینات را زیاد انجام میدهند مگر با وجود این همه امور امید عفو و بخشش پروردگار را هم دارند. آیا این حدی آخر آنها نیست؟

---

[1] (الأعراف ۱۶۹)

[2] (الرحمن ۴۶)

[3] (ابراهیم ۱۴)

(c) ketabton.com: The Digital Library

کسیکه از مال حلال و یا حرام مقداری کمی در راه الله ﷻ مصرف کند و باز می گوید که الله ﷻ اجر یک برده (غلام) را میدهد مثال این شخص طوری است که کسی در یک پله ترازو دو روپیه و در یک پله دیگر آن هزار روپیه می ماند این توقع را دارد که پله ده روپیه گی سنگین خواهد شد و پله هزار روپیه سبک خواهد شد شما مردم زیادی را دیده باشید که بر زعیم شان حسنات شان بر سیئات شان زیاد باشد این شخص در اصل محاسبه نفس خود را نمی کند و گناهان خود را نمی بیند و هر نیکی خود را می شمارد و بر آن اعتماد می نماید مثال این شخص طوری است که بر زبان استغفار میگوید و در روز صد بار ذکر الله ﷻ بجای می آورد ولی در مقابل غیبت دیگران را میکشد و عزت آنها را زیر پا می گذارد و تمام روز سخنانی را میگوید که باعث خشم و نارضایتی الله ﷻ می گردد لیکن به گمان او صد بار تسبیحات برایش زیاد معلوم می گردد و صد بار استغفار برایش نیکی کامل معلوم میگردد لیکن گفتار بیهوده تمام روز را فراموش می کند که از حسنات هزار دفعه زیاد مرتکب گردیده فرشتگان آنرا نوشته کرده اند و الله ﷻ برای هر سخن بد و زشت وعدهٔ عذاب را داده است این شخص بر فضائل تسبیح و تحصیل فکر و تامل می کند ولی از آن وعید های پروردگار چشم پوشی می کند که در مورد غیبت کنندگان، دروغ گویندگان، سخن چینان، کسانکی چنان گفتار بیهوده میکنند نازل گردیده است بر زبان یک چیز میگویند ولی در قلب چیزی دیگری دارند بدون چیز های دیگری هستند که انسان بر آن محاسبه می شود. این چیزی بیهوده و بی فائده است باید ازان خود داری شود به الله ﷻ سوگند اگر فرشتگان محافظ اجرت نوشتن سخنان بیهوده و بی فایده را میخواست که از تسبیحات زیاد تر است گوینده زبان خود را خواهد بست و چنان سخنانی مهم را نمی گفت که در ضرورتهای او شامل می بود هر سخن را بحساب میگفت و باتسبیحات خود موازنه میکرد که مزد سخنانم از تسبیحات زیاد نشود.

افسوس درین است که انسان باید بخاطر مزد زیاد، و از اُجرت کتاب اعمال اش نفس خود را محاسبه کند. و در سخنان خود باید احتیاط نماید مگر از محرومیت جنت الفردوس و زوال نعمتهای خود آن هیچ اهمیت و ارزش نمیدهد. حقیقت این نوع کارها برای هر انسان مصیبت بزرگ است که عادت فکر و تامل داشته باشد از طرف الله ﷻ برای مایان کاری سپرده شده است که اگر از آن انکار کنیم از جمله کافران و نافرمانان می گردیم.

و اگر آن را تعریف نمایم و بر آن عمل نمایم از جمله محسنین بحساب میرویم زیرا که اعمال مایان طوری نیستند که بایدکرده شود و تصدیق احکام قرآن کریم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و دوم

در بیان فضیلت نماز با جماعت

نبی کریم ﷺ میفرماید که نماز با جماعت از نماز مفرد (تنها) ۲۷ درجه فضیلت دارد.

حضرت ابو هریره ﷺ روایت میکند: نبی کریم ﷺ در نماز جماعت چند نفر را ندید و فرمود اراده کردم که یک کسی را به امامت نماز مقرر کنم و خودم در عقب آنها بروم که از جماعت مانده اند و خانه های شان را بسوزانم در روایت دیگر آمده است که برای سوختاندن خانه های شان برای جمع کردن چوب حکم دهم تاخانه های شان سوختانده شود.

اگر به آنها معلوم می بود که بخاطر حاضر شدن و اشتراک در جماعت به آنها استخوان بزرگ و یا هم دو دست حیوان داده می شود حتماً به جماعت خواهد آمد از عثمان ﷺ روایت است که کدام شخص در نماز خفتن شامل گردید گویا او نصف شب را در عبادت گذرانیده است و کسیکه در جماعت صبح شریک شد گویا او تمام عمر خود را در عبادت گذرانیده است.

ارشاد نبوی ﷺ کسیکه نماز را با جماعت ادا کرد گویا که او سینه اش را از عبادت پر نموده است.

قول سعد بن مسیب ﷺ است که من به تواتر از ۲۰ سال به این طرف در مسجد می باشم وقتیکه موذن آذان می خواند یعنی در وقت آذان موجود باشم.

محمد بن واسع میگوید: که در دنیا خواهش دارم یکی چنان برادر که کج شوم و مستقیم سازد و بدون رزق کم که حساب او نشود و در نماز جماعت خطا ام معاف گردد و حسنات او داده شود.

ابو عبیده بن الجراح ﷺ باری امامت مردم را کرد زمانیکه از نماز فارغ شد در مورد شیطان فرمود: او مرا فریب داد تا که خود را از دیگران خوبتر محسوب کردم بعد از همین روز امامت نمی کنم.

قول حسن رحمه الله است در عقب کسی اقتدا مکن که به مجلس علماء نمی رود. قول نخعی است که کدام شخص جاهل امامت مردم را بر عهده می گیرد او مانند شخص است که در دریا هم آب را اندازه می کند و به ذرات او می داند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

قول حاتم رحمه الله است که یک نماز با جماعت از من ترک شد صرف ابو اسحاق برای تعزیت من آمد و اگر فرزندم فوت می کرد از ده هزار مردم هم اضافه تر به تعزیت من می آمدند زیرا که مردم زیان و نقصان دین را از نقصان دنیا بسیار کم و حقیر میشمارند.

قول ابن عباس رضی الله عنه است کسیکه آذان را شنید و جواب او نداد او ارادهٔ نیکی نکرد و نه برایش نیکی نصیب میگردد.

ابو هریره رضی الله عنه گفته است کدام کسی که جواب آذان نداد برایش بهتر است که در گوشهای خود سرب ذوب شده بیاندازد.

روایت است که میمون بن مهران به مسجد آمد مردم برایش گفتند: نماز خوانده شده او «انا لله و انا الیه راجعون) گفت و بعداً فرمود فضیلت نماز جماعت برایم از حکومت عراق زیاد محبوب است.

فضیلت چهل نماز با جماعت:

حدیث نبوی است کسیکه چهل ۴۰ نماز را با جماعت اداء کرد و تکبیر تحریمه را هم درک نمود الله ﷻ با او دو برائت میدهد: یکی برائت از منافقت دوم برائت از جهنم. این هم گفته شده زمانیکه روز قیامت بیاید از قبرهای خود مانند ستاره های درخشنده بلند می شوند فرشتگان برای شان می گویند: شما در دنیا کدام اعمال را انجام داده اید؟ آنها جواب می دهند که زمانیکه ما آذان را می شنویدیم برای وضوء کردن ایستاد می شدیم و کارهای دیگر را ترک می گفتیم باز طائفه می آیند که روی شان مثل مهتاب می باشد آنها بعد از پرسان فرشتگان می گویند مایان قبل از وقت وضو می کردیم بعداً طائفه می آید که روی شان مانند آفتاب می تابد «می درخشد» آنها خواهند گفت: که وقت که آذان را در مسجد می شنیدیم یعنی (قبل از اذان در مسجد می رفتیم). روایت است که سلف صالح به فوت شدن تکبیر اولی تا سه روز تعزیت می کردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و سوم
در بیان فضیلت نماز تهجد

در آیت های زیادی از قرآن کریم فضیلت نماز تهجد ثابت گردیده الله ﷻ می فرماید:

﴿ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيْلِ [1] ﴾

ترجمه: به تحقیق رب تو می داند که در حصه سوم شب ایستاد می شوی.

و همچنان می فرماید:

﴿ إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝ [2] ﴾

ترجمه: به تحقیق شب بیداری برای پایمال نمودن نفس کار سخت است.

و همچنان می فرماید:

﴿ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ [3] ﴾

ترجمه: پهلوی آنها از بسترها دور است.

و همچنان می فرماید:

﴿ أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ [4] ﴾

ترجمه: آیا کسی که در شب بندگی خدا را می کند؟

و همچنان می فرماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَٰمًا ۝ [5] ﴾

ترجمه: آنانیکه شب را در سجده و قیام خود سپری می کنند.

در احادیث شریف فضیلت این نماز بیان گردیده است چنانچه حدیث شریف است که: وقتیکه یکی از شما خواب گردد شیطان سه گره به لحاف او می بندد در هر گره او می گوید: شب دراز است اندکی دیگر هم خواب شو پسی اگر انسان بیدار شود و ذکر الله ﷻ بکند یک

---

[1] (المزمل ۰۲۰)
[2] (المزمل ۰۰٦)
[3] (السجدة ۰۱٦)
[4] (الزمر ۰۰۹)
[5] (الفرقان ۰٦٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

گره خلاص می شود زمانیکه وضوء کند گره دوم آن باز می گردد و زمانیکه مصروف نماز شود گره سوم باز می گردد و انسان درین حالت شب را می گذراند که خوشحال تر و تازه می باشد ورنه سست و بد مزاج بیدار میگردد.

در حدیث شریف آمده است با شیطان دوای بینی. چیزهای لیسدنی. وچیزهای پاشیدنی می باشد زمانیکه او در بینی کدام شخص دوا را را بیندازد او بد خصلت می گردد زمانیکه بر کدام شخص چیزی بخوراند در آن وقت آن بد زبان میگردد و زمانیکه بر کدام انسان این دوا را پاش کند او تا صبح خواب میشود.

در حدیث شریف آمده است که در خدمت محمد ﷺ یاد آوری از شخصی شدکه تا صبح خواب می بود او ﷺ فرمود: این شخصی است که در گوشهای آن شیطان قضاء حاجت کرده است.

ارشاد نبوی ﷺ است که برای بنده در نصف شب دو رکعت نماز از دنیا و مافیهای آن بهتر است اگر بر امت من سخت نمی بود این دو رکعت را بالای شان فرض می نمودم.

در صحیح بخاری از جابر ﷺ روایت است که نبی ﷺ فرموده در شب ساعتی است که بنده در آن از الله ﷻ چیزی بخواهد. الله ﷻ سوال او را قبول می کند و خواست او را می دهد. در یک روایت آمده است که او هر سوال دنیا و آخرت بکند الله ﷻ او را می پذیرد و این ساعت در هر شب می باشد.

از مغیره بن شعبه ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ در شب به نماز ایستاده می گردید تا پاهای او ورم می کرد به او ﷺ گفته شد آیا الله ﷻ تمام خطایای شما را معاف نکرده است به او ﷺ فرمود: آیا از جمله بنده گان شاکر الله ﷻ نشوم.

از این حدیث این مطلب می برآید که او ﷺ خواستار انعامات دیگری است زیرا که شکر سبب افزایش نعمتهای دیگر است.

چنانچه ارشاد الهی است:

﴿ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ﴾[1]

نبی کریم ﷺ به ابو هریره ﷺ فرمود: آیا این امر را دوست داری که بالای تو در زندگی مرگ. قبر. حشر و رحمت پروردگار نازل گردد زمانیکه اندک حصه شب باقی باشد برخیز و بخاطر حصول رضای پروردگار عبادت کن ای ابوهریره در کنج های خانه است عبادت و نماز

[1] (ابراهیم ۰۰۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ادا کن خانه ات از آسمان طوری می درخشد که چنانچه به مردم زمین ستاره های آسمان معلوم میشود.

حدیث نبوی است که بر شما لازم است در شب عبادت کنید زیرا این طریقهٔ نیکان و بزرگان سابقه میباشد بیشک قیام و نماز شب سبب قرب الله ﷻ می گردد کفاره برای گناهان. شفا برای امراض ومانع گناهان است.

ارشادنبوی است که: کدام شخص که عادت نماز خواندن در شب را داشته باشد اگر نماز باقی بماند (از آن خواندن نماز شب فوت شود) در اعمال نامه اش ثواب عبادت شب نوشته می شود.

محمد ﷺ به ابوذر ﷺ فرمود: ای ابوذر! زمانیکه اراده سفر کنی مصارف اورا تهیه دارید؟ او گفت: بلی یا رسول الله! او ﷺ فرمود: بسفر دراز و طولانی قیامت را چطور می کنی؟ ای ابوذر! آیا برایت چیزی را نشان دهم که در روز قیامت برایت مفیدباشد؟ ابو ذر ﷺ گفت حتماً برایم نشان بدهید(تعلیم بدهید) او ﷺ برایش گفت: بخاطر قیامت در حرارت شدید روزه بگیر و بخاطر دور کردن وحشت قبر در تاریکی شب دو رکعت نماز نفل را اداء کن برای امورات مهم روز قیامت حج کن برای مسکین صدقه بده و یا سخن حق بگو و از سخن بد خود داری کن.

روایت است که در خانه نبی کریم ﷺ شخصی بود که بعد از خواب شدن مردم او به نماز ایستاد می شد تلاوت قرآن کریم را می کرد و می گفت: ای خالق جسم مرا از جهنم نجات بدهید در حضور محمد ﷺ ذکر این شخص شد او ﷺ به سوی او آمد و دعاهای او را شنید. زمانیکه صبح شد محمد ﷺ به او گفت: ای فلانی چرا سوال جنت را از الله ﷻ نکردی او گفت یا رسول الله! چطور سوال جنت را از الله ﷻ بکنم تا حال اعمال من قابل این نشده که بر او جنت بخواهم این سخنان خلاص نشده بود که جبرئیل امین آمد و عرض کرد یا رسول الله ﷺ فلان شخص را بگو که الله ﷻ او را از جهنم نجات داد و به جنت داخل نمود.

روایت است که جبریل امین به محمد ﷺ عرض کرد که ابن عمر شخص خوبی است کاش او عبادت شب را می کرد محمد ﷺ ابن عمر را اطلاع این امر را داد بعد ازین ابن عمر هر شب عبادت شب را می کرد قول نافع است که در شب عبادت می کرد وبرایم می فرمود: نگاه کن صبح نشده من می گفتم: نه خیر صبح نشده است او ﷺ باز مشغول عبادت می شد باز برایم می گفت: ای نافع ببین صبح نشده؟ من که می گفتم صبح شده او می نشست و استغفار می گفت تا که او روشنایی صبح آشکار می گردید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

از علی رضی الله عنه روایت است که یحیی علیه السلام یک شب به شکم سیر نان جو خورد و شب خواب گردید تاصبح خواب بود بیدار نه گشت و ظایف و عبادت او ترک شد الله ﷻ برایش وحی فرستاد که ای یحیی! آیا از سوی من خانهٔ خوب که برایت تهیه کرده ام یا از من همسایه خوب پیدا کرده ای؟

به جلال خود سوگند می کنم اگر جنت الفردوس را دیده بودید از شوق و رغبت چربیهای تو ذوب میگردید و روح تو خارج می شد و اگر جهنم را دیده بودی چربیهای تو ذوب می شد و از چشمانت خارج می شد به محمد ﷺ عرض شد که فلان شخص شب عبادت میکند. و در صبح دزدی میکند محمد ﷺ فرمود: بسیار زود است اعمال نیک آن او را از اعمال بدش منع سازد. باز فرمود الله ﷻ به آن بنده رحمت کند که شب عبادت کرد و یا زن خود را بیدار ساخت و او هم با شوهرش یکجا عبادت کرد و دیگر آن زن انکار کرد به روی او قطرات آب پاشید. الله ﷻ بر آن زن رحم کرد که بخاطر عبادت شب برخاست و عبادت کرد باز شوهر خود را هم بیدار کرد و او باشوهر خود در عبادت یکجا مشغول گشت و اگر بیدار نمی شد بر روی شوهرش قطرات آب پاش نمود و او را بیدار ساخت.

حدیث نبوی است که کسی خودش بیدار گشت و زن خود را هم بیدار نمود باز هر دوی شان دو رکعت نماز خواندند الله ﷻ آنها را در لیست ذاکرین مردان و زنان می شمارد.

حدیث شریف است که بعد از فرائض از همه افضلتر و بهتر نماز ها. نماز شب است از عمر رضی الله عنه روایت است که محمد ﷺ فرمود: کسیکه بخاطر پوره نمودن وظائف و عبادات خود کدام شب بیدار نگردد و او این وظائف و اعمال خود را در میان صبح و پیشین اداء کرد برای او اجر عبادت شب کامل نوشته می گردد.

روایت است که امام بخاری رحمه الله اکثر اوقات این اشعار را زمزمه می کرد:

إغتنم في الفراغ فضلَ ركوعٍ ... فعسى أن يكونَ موتُكَ بغتَهْ
كم صحيحٍ رأيتَ من غير سُقمٍ ... خرجت نفسُه الصحيحةُ فلتَه

ترجمه: در وقت فراغ رکوع و سجده از غنیمت شب دید عنقریب که برایت مرگ آید.
من بسیار مردم تندرست را دیده ام که آنها هیچ مرض نداشتند و تصادفاً برای شان مرگ آمده روح شان پرواز نموده و مردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و چهارم

در بیان عقوبت علماء سوء

مطلب از علماء سوء آن علماء هستند که به وسیلهٔ علم ارادهٔ حصول نعمتهای دنیا را دارند آنها قدر و منزلت دنیا را می خواهند و مانند اهل فضل مال خود را آماده و تهیه می دارند. سردار کونین محمد ﷺ فرموده است روز قیامت عذاب سخت و شدیدی به عالم داده میشود که از علم خود مستفید نشده باشد.

ارشاد نبوی است یک شخص تا زمانی عالم شده نمی تواند که تا مطابق علم خود عمل ننماید.

حدیث نبوی است که علم بر دو نوع است یکی علم زبانی است که او محبت الله ﷻ در مردم است و دیگر علم قلب و همین علم بر مردم منفعت کافی رساند.

حدیث نبوی است که در آخر زمان عبادت گذاران جاهل و عالمان فاسق می باشند.

حدیث نبوی است آن کسانی کم عقل که بر علم افتخار می کنند. بخاطر بحث و مباحثه و جلب توجه مردم به سوی خود علم را یاد می گیرند کسیکه به همین منظور علم را فرا می گیرد به جهنم می رود.

نبی کریم ﷺ می فرماید: کسیکه علم می آموزد و او را به مردم نمی رساند الله ﷻ آن شخص را روز قیامت قیضهٔ از آتش می اندازد (لجام آتشین) همچنین او ﷺ فرمود: من بر شما اضافه تر از مرم دیگر خوف دارم پرسیده شد آنان کیست؟

او ﷺ فرمود: ائمه گمراه کننده و مضله مردم شخص که علم او زیاد می شود ولی هدایت او اضافه نمی شود الله ﷻ از او دوری می گیرد.

عمر ﷺ فرمود: من درین امت زیادتر از عالمِ منافق خوف دارم مردم پرسیدند عالم منافق چطور می باشد؟ او ﷺ فرمود: زبان او از عالم مگر قلب او از جاهل می باشد.

حسن رحمه الله گفته است که مانند آن مردم شوی که علم علماء و سخنان حکیمانه دانشمندان را جمع می نماید ولی عمل او مانند کم عقلان می ماند.

شخصی به ابوهریره گفت: من میخواهم علم یاد بگیرم ولی ازین می ترسم که او را ضائع نکنم او ﷺ فرمود: ترک کردن علم ضائع بزرگ است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

از ابراهیم بن عینه رحمه‌الله پرسیده شد کدام شخص که در میان مردم شرم و بی حیایی بوجود می آورد؟ او رحمه‌الله گفت: با چنین کسی احسان کننده که به کفران نعمت عادت داشته باشد و عالم گناه گار در حالت مرگ.

خلیل بن احمد رحمه‌الله گفته است مردم بر چهار قسم است:

اول: آن است که می داند و بر این هم می داند که او عالم است پیروی او را بکن.

دوم: آن است که علم دارد و بر این نمی داند که عالم است او خواب است او را بیدار کن.

سوم: آن است که نمی داند و او فکر می کند که بر هیچ نمی داند راهنمایی می خواهد آنرا راهنمای کن.

چهارم: آن است که نمی داند مگر فکر می کند که او بر هر چیز من داند ازو دور شوید.

قول سفیان رحمه‌الله است که علم با عمل سخن میگوید: اگر انسان عمل کند خوب ورنه علم از او کوچ می نماید.

قول ابن مبارک است: تا زمانی انسان در جستجوی علم باشد او عالم است و زمانیکه خود را عالم بداند در تاریکی های جهالت غرق میگردد.

قول فضل بن عیاض رحمه‌الله است که سه نوع مردم مورد رحم من قرار می گیرد بزرگ قوم که ذلیل شود، غنی و مالدار قوم که محتاج گردد، و آن عالمی که از دنیا داری فارغ نگردد.

قول حسن ﷺ است که عذاب علماء مرگ دلهای آنان است. مرگ دل در عوض آخرت حصول دنیا است. درین مورد شاعری چه خوب گفته است:

عجبت لمبتاع الضلالة بالهُدى ... ومن يشترى دنياه بالدِّين أعجبُ

وأعجبُ من هذين من باعَ دينَه ... بدنيا سِواه فهو من ذين أعجبُ

ترجمه: مرا در عوض آن مشتریان ضلالت تعجب و حیرت این است که کسی در بدل دین دنیا می خرد و ازین زیاد تر قابل تعجب است.

ازین اضافه تر قابل تعجب و حیرت است که کسی در بدل دین باطل دین حق و صحیح خود را می فروشد.

حدیث نبوی است که بر عالم در جهنم عذاب سخت و شدیدی داده می شود که بخاطر شدت عذاب در پیرامون جهنمیان گردش دارد. مطلب حدیث نبی کریم ﷺ آن عالمی است که فاجر و فاسق می باشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجام عالم بی عمل:

از اسامه بن زید ﷺ روایت است که از نبی کریم ﷺ شنیده ام فرمود: روز قیامت عالمی را در جهنم انداخته می شود روده های آن خارج می شود با ردوده های خارج شده در جهنم رفت و آمد می نماید مانند خر در اطراف میخ حرکت می کند جهنمیان که او را در گرد خود درین حالت ببینند در مورد عمل او می پرسند او در جواب می گوید من دیگران را حکم نیکی می کردم و خودم برآن عمل نمی نمودم مردم را از بدی منع می کردم ولی خودم را ممانعت نمی کردم. به این اساس عالم را عذاب دو چند داده می شود که او با وجود علم گناه می کند زیرا فرمان الهی است:﴿ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ ﴾[1]

ترجمه: به تحقیق جنهمیان در پائین ترین طبقهٔ جهنم دوز می باشند.

زیرا که با وجود علم از نبوت و صداقت محمد ﷺ انکار کرده است الله ﷻ یهود از نصاری بدتر شمرد که آنها باوجود علم و معرفت از نبوت محمد ﷺ انکار کرد چنانچه ارشاد الهی است:﴿ يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ ﴾[2]

ترجمه(یهودیان محمد ﷺ) چنین می شناسد مانند پدر و مادر خود.

و همچنان فرموده است: ﴿ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ ۚ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴾[3]

ترجمه:پس برای آن آن چیز آمد که آنها می شناختند باز انکار کردن از آن بر کافران لعنت خداست.

و همچنان فرمود: ﴿ وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱلَّذِىٓ ءَاتَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ ﴾[4]

ترجمه: برای آنها قصهٔ آنهائی را بیان کن که ما نشانه های خودرا فرستاده بودیم پس آنها از آن بر آمد و شیطان را دنبال خود کرد، پس آنها از زمرهٔ گمراهان گشتند.

---

[1] (النساء ۱۴۵)
[2] (البقرة ۱۴۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجام و عاقبت عالم فاسق و فاجر همین طور می باشد زیرا که به بلعام باعورا علم کتاب داده شده بود ولی زیر خواهشات نفسانی قرار گرفت لهذا به او مثال سگ آورده شد. ﴿فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث﴾[1]

عیسی علیه السلام فرمود: مثال علماء بد مانند کوهی است که در دهن جوی افتیده باشد نه خودش سیراب می گردد و نه آب را می دهد که کشت دیگران سیراب گردد.

[1] الأعراف: ۱۷۶

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد وپنجم
در بیان فضیلت اخلاق نیکو

الله ﷻ در باره حبیب و نبی خود محمد ﷺ فرموده است که: ﴿ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ ﴾

ترجمه: هر آئینه تو صاحب خُلق عظیم هستی.

از عائشه ﷺ روایت است که اخلاق محمد ﷺ قرآن بود شخصی دربارهٔ اخلاق نیکوی محمد ﷺ پرسید او ﷺ آیه تلاوت کرد: ﴿ خُذِ ٱلْعَفْوَ وَأْمُرْ بِٱلْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ ﴾

ترجمه: عفوه کن، امر به نیکی کن، و از جاهلان اعراض کن.

باز محمد ﷺ فرمود: حسن خلق این آیه است که تو با مردمی ارتباطات خود را محکم می کنی که آنها همرای تو ارتباط خود را قطع می کند. به آنانی بدهید که از تو منع می سازد و کسیکه بر تو ظلم کند او را عفو کن. محمد ﷺ فرمود: برای کامل کردن اخلاق نیکو فرستاده شده ام و اضافه نمود که روزی قیامت در ترازوی اعمال سنگین ترین چیز خوف از الله ﷻ و اخلاق نیکو می باشد.

شخصی به محمد ﷺ آمد و عرض نمود که دین چیست؟ او ﷺ فرمود: اخلاق نیکو باز به طرف راست رسول الله ﷺ آمد پرسید دین چیست؟ او ﷺ برایش فرمود: اخلاق نیکو باز به طرف چپ آن آمد که دین چیست؟ برایش گفت اخلاق نیکو؟ باز از عقب او آمد و پرسید که یا رسول الله ﷺ! دین چیست؟

برایش گفت: آیای نمی دانی که دین این است که غصه نکنید.

از نبی کریم ﷺ پرسیده شد که (نحوست) چیست؟ او ﷺ برایش فرمود: در هر جا که باشید از الله ﷻ بترسید او عرض کرد نصیحت دیگری هم برایم بکن محمد ﷺ برایش فرمود: بعد از بدی نیکی کن که بدی را نابود سازد او عرض کرد نصیحت دیگری برایم بکن محمد ﷺ برایش فرمود: با مردم اخلاق نیکو کنید از محمد ﷺ پرسیده شد کدام عمل افضل است؟ او ﷺ فرمود اخلاق نیکو فرمان نبوی است که الله ﷻ پیدایش و خلقت کسی را که درست و خوب گردانیده باشد او به جهنم نمی رود.

(القلم ٤:٠٠)

(الأعراف ١٩٩)

(c) ketabton.com: The Digital Library

از فضیل ﷺ روایت است که به محمد ﷺ عرض شد که فلان زن درشب عبادت می کند و روز روزه می گیرد ولی بسیار بد اخلاق است به همسایه های خود تکلیف زبانی می رساند او ﷺ فرمود: در آن هیچ نیکی نیست او جهنمی است.

از ابو الدرداء ﷺ روایت است که من از نبی کریم ﷺ شنیده ام که از هر چیز قبل در میزان اعمال اخلاق نیکو و سخاوت نهاده می شود زمانیکه الله ﷻ ایمان راخلق نمود عرض کرد! ای الله ﷻ مرا قوت بدهید. الله ﷻ او را به اخلاق حمیده و سخاوت مندی قوت داد و زمانیکه الله ﷻ کفر را آفرید عرض کرد ای الله ﷻ مرا قوت بدهید. الله ﷻ او را به بخل و بدخلقی قوت داد.

حدیث نبوی است که الله ﷻ این دین را برای خود آفریده این دین تان بدون سخاوت و اخلاق نیکو صحیح و درست نیست خبر دار دین تان به این دو چیز زیبا می شود.

حدیث نبوی است که خلق نیکو عظیم ترین مخلوق الله ﷻ است به محمد ﷺ عرض شد که ایمان کدام مومن بهتر است؟ او ﷺ فرمود: اخلاق نیکو از همه افضلتر است.

ارشاد نبی کریم ﷺ است بیشک شما برمال و دولت کمک کسی را کرده نمی توانید لهذا با آنها به پیشانی باز و اخلاق نیکو کمک کنید.

ارشاد نبی کریم ﷺ است که بد اخلاقی ایمان را طوری ضائع می کند که سرکه عسل را ضائع می سازد.

از جریر بن عبدالله ﷺ روایت است که نبی ﷺ فرمود: بی شک توجوان هستی که الله ﷻ خلقت (چهره ظاهری) ترا خوب آفریده است. لهذا خود را خوب بگردان.

از براء بن عازب ﷺ روایت است که در میان مردم نبی کریم ﷺ از همه زیبا و صاحب اخلاق نیکو بود. از ابو سعید خدری ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ در دعاء خود طوری عرض می نمود که ای الله ﷻ طوریکه خلقت و پیدایش مرا خوب گردانیده اید همچنان اخلاق را هم نیکو بگردان.

از ابو هریره ﷺ روایت است که نبی ﷺ فرمود: شرافت انسان دین اوست نیکی وخُلق نیکو او است مروت و عقل.

از اسامه بن زید ﷺ روایت است که در مجلس بادیه نشینان (کوچیان) حاضر شدم آنها از محمد ﷺ پرسیدند که در صفات داده شده به انسان کدام آنها بهتر است؟ آنحضرت ﷺ فرمود: اخلاق نیک.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارشاد نبوی است روز قیامت از همه محبوبتر نزدم کسی میباشد که در میان شما صاحب اخلاق نیکو تر باشد از ابن عباس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: سه خصلت طوری است که همه آنها یا یکی از آنها در کدام شخص پیدا گردد. هیچ عملی او در حساب نمی آید. پرهیزگاریکه مانع نافرمانی الله ﷻ می گردد. حلم که بوسیله او جلوی کم عقلی گرفته میشود. اخلاق نیکو که به اساس آن زندگی به آسایش میگذرد.

نبی کریم ﷺ در ابتدای نماز این دعا را می خواست ای الله! مرا اخلاق نیکو اعطاء فرمایی: بدون تو کسی هدایت به اخلاق نیکو نمی کند. از بد اخلاقی نجاتم بدهید از نبی کریم ﷺ پرسیده شد زیب و زینت انسان در چه است؟

او ﷺ فرمود: که در سخنان نرم، پیشانی باز باشم بوده باشد کدام شخصی که با مردم احسان می کند و با آنها اخلاق خوب در پیش می گیرد مردم این شخصی را دوست دارد و توصیف و ستایش او را می کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و ششم
در بیان، خنده ،گریان و فریاد

بعضی از مفسرین میگفتند که آیت شریف ذیل:﴿ أَفَمِنْ هَٰذَا ٱلْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ ﴾[1] که نازل گردید بعد از آن محمد ﷺ هیچگاه خنده ننموده بلکه تبسم می کرد در روایت دیگر آمده است که بعد از نزول این آیت شریف محمد ﷺ به خنده کردن دیده نشد تا رحلت.

از ابن عمر ؓ روایت است که روزی محمد ﷺ از مسجد شریف برآمد نگاه کرد که بعضی از مردم مشغول خنده هستند. او ﷺ در جوار شان ایستاد شد و سلام داد و برای شان فرمود: ختم کننده لذائذ دنیا، مرگ را زیاد ذکر کنید روزی او ﷺ به طائفه ازمردم عبور نمود که خنده می کردند محمد ﷺ به آنها فرمود: به الله ﷻ سوگند اگر شما به آن چیزی می دانستید که بر آن من می دانم گریان زیاد و خنده کم خواهید کرد.

زمانیکه موسی ؑ از خضر ؑ جدا شد موسی ؑ برایش فرمود برایم نصیحت کن خضر ؑ برایش فرمود: ای موسی خود را از جنگها نگهداری کن بدون ضرورت قدم را بلند نکن بغیر از تعجب خنده مکن، مرتکبین گناه را به اساس جرم شان ذلیل نسازید. و در حضور الله ﷻ همیشه فریاد و گریان کن.

حدیث نبوی است که تلاوت قرآن را دایم کنید و گریان کنید اگر نتوانستید خود را مانند گریان کننده سازید. محمد ﷺ فرموده است خنده کردن زیاد قلب را قتل می کند شخصی که در جوانی خنده کند او در پیری گریان می کند کسیکه در زندگی خنده می کند او در وقت مرگ گریان می کند کسیکه در وقت پولداری خنده نماید در فقیری و بیچاره گی گریان خواهد کرد کسیکه در زندگی خنده نمی کند او در وقت مرگ گریان می کند.

حسن رحمه الله در تفسیر این آیت شریف که:﴿ فَلْيَضْحَكُوا۟ قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا۟ كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ ﴾[2] گفته است اگر در دنیا خنده کم نکنید در آخرت گریان زیاد خواهید کرد و این جوابی اعمال تو خواهد بود او رحمه الله اضافه نمود به آن خنده کنند تعجب می کند که در عقب او جهنم باشد به خوشحالی آن شخصی تعجب میکنم که در عقب او مرگ می آید. او رحمه الله از نزدک

---

[1] (النجم ۵۹)
[2] (التوبة ۸۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

جوانی عبور کرد که خنده می کرد او رحمه الله پرسید: ای فرزند: آیا از پل صراط عبور کرده ای؟ او گفت: نه او برایش فرمود آیا برایت معلوم گردیده که جنت می روی؟ او گفت: نه او پرسید: چرا خنده می کنی؟ بعد ازین کسی هم آن جوان را به خنده ندید.

فرمان ابن عباس رضی الله عنه است که کسیکه بر خنده کردن گناه میکند او بر گریان بسوی جهنم می رود. الله ﷻ صفت گریان کننده گان را کرده است چنانچه می فرماید: ﴿ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ ﴾[1]

اوزاعی رحمه الله در ترشیح این آیه شریف که: ﴿ مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ﴾[2]

فرموده است مطلب از سخن خود تبسم است و از بزرگ خنده قهقه است. ارشاد نبوی است روزی قیامت همه چشمان گریان دارد. مگر سه نوع چشم گریان ندارد:

اول: آن چشم که از خوف الله ﷻ گریان کرده باشد.

دوم: آن چشم که از محرمات الله ﷻ بنده شده باشد.

سوم آن چشم که در راه الله ﷻ بیدار مانده باشد.

روایت است که سه چیز قلب را سخت می سازد بدون تعجب خنده کردن بدون گرسنگی طعام خوردن و بدون ضرورت سخن گفتن.

لباس:

نبی کریم ﷺ لنگ. قمیص. چادر، چپن. غیره می پوشید. محمد ﷺ لباس سفید را زیاد دوست داشت و اکثر اوقات آنرا می پوشید لباس سبز را هم دوست داشت و لباس سفید را خیلی زیاد دوست داشت و می فرمود: همین لباس سفید را به اشخاص زنده تان بپوشانید و از همین برای مردگان تان کفن کنید محمد ﷺ چپن ابریشم سبز رنگ داشت آن نیز با محمد ﷺ زیاد زیب می کرد همه لباس محمد ﷺ از بجلک های پای او بلند و لنگ او از نصف ساق بلند می بود. با آنحضرت ﷺ کمپلی سیاه بود که به کسی تحفه داد. ام سلمه رضی الله عنها عرض کرد پدر و

---

[1] (الإسراء ۱۰۹)

[2] (الکهف ۰٤۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مادرم فدای تو گردد کمپلی سیاه چه شد؟او ﷺ فرمود: آنرا به کسی دادم ا ﷺ گفت: یا رسول الله ﷺ به بدن سفید تان از آن چیزی دیگری خوب و حسین ندیده بودم.

محمد ﷺ لباس را از طرف راست می پوشید و این دعا را می خواند.

«الحمدلله الذی کسانی ما اورای به عودتی واتجمل به فی الناس»

ترجمه: حمد و ستایش برای الله ﷻ است که لباس داده تا بدن خود را بپوشانم و به سوی مردم به زیب و آرایش می روم.

محمد ﷺ لباس خود را دائم الوقت از طرف چپ می کشید زمانیکه لباس نو می پوشید لباس کهنه خود را به کدام مسکین می داد و می فرمود: کدام شخص مسلمان که لباس کهنه خود را بخاطر الله ﷻ به کسی بدهد او به اساس همین عمل در زندگی و مرگ در امان و پناه و رحمت الله ﷻ می باشد محمد ﷺ چپنی داشت که با آن استراحت می کرد او در آن وفات یافت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و هفتم
در بیان قرآن، علم و علماء

ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که کسی تلاوت قرآن کریم کرد باز این فکر را کرد که کسی را ازین چیزی خوب داده شده گویا او عظمت و جلال الله ﷻ را عادی پنداشته است.

حدیث نبوی است: که نزد الله ﷻ صاحب مرتبه بلند بدون قرآن کریم چیزی دیگری نیست در حدیث دیگری آمده است که بهترین عادت من تلاوت قرآن کریم است ارشاد دیگری است که از میان تان آن شخصی افضلتر است که قرآن کریم را تلاوت کند و بر دیگران تعلیم دهد.

محمد ﷺ فرمود: دلها زنگ آلود می شود چنانچه آهن زنگ می گیرد این زنگ چطور دور میشود؟ او ﷺ فرمود به تلاوت قرآن کریم و ذکر مرگ دلها صفا می گردد.

فضل بن عیاض رحمه الله گفته است علمای قرآن کریم بیرق داران اسلام است لهذا برای آنان مناسب نیست که با مردم در لهو و لعب مشغول شوند زیرا که این کار خلاف تعظیم قرآن کریم است.

محمد ﷺ فرمود کسیکه صبح آیاتهای آخر سوره حشر را تلاوت کند و در همین روز فوت نماید در لست شهدا نوشته می شود و بر او مهر شهداء زده می شود.

علم و فضیلت علماء:

درین مورد احادیث زیاد نقل گردیده است چنانچه نبی کریم ﷺ فرموده است الله ﷻ که از کدام شخص ارادهٔ نیکی و احسان نماید او را فهم دین می دهد و او را هدایت راه مستقیم می نماید. همچنان ارشاد نبوی است که علماء ورثهٔ انبیاء است. و این هم درست است که بلند ترین درجه صرف برای پیامبران است و از ورثه پیامبران هم کسی دیگر مرتبهٔ بلندی ندارد.

فرمانی نبوی است که از همه افضلتر آن عالم مومن است که زمانی به او رجوع شود فائده می رساند و اگر از او استغناء شود او هم مستغنی می گردد.

ارشاد نبوی است که بر مرتبه پیغمبری از همه نزدیک تر علماء و مجاهدین است. علماء به این اساس نزدیک است که پیام پیامبران را به مردم می رسانند و مجاهدن از این خاطر نزدیک هستند که بخاطر قیام دین الله ﷻ جهاد می کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارشاد نبوی است که مرگ یک قوم از مرگ یک عالم آسان تر است. ارشاد نبوی است که روز قیامت سیاهی بوتل رنگ علماء با خون شهداء یکسان وزن میگردد. البته این حدیث ضعیف است.

ارشاد نبوی است که عالم هیچگاه از حصول علم سیر نمی شود تا به جنت داخل گردد ارشاد فرمود: هلاکت امت من در دو چیز است ترک کردن علم و جمع نمودن مال ارشاد دیگری است که: عالم دین شوی یا متعلم یا شنونده بحث علم و یا محب علم. بغض کننده با علم نشوی تا هلاک گردی.

محمد ﷺ فرموده است تکبر برای علم مصیبت بزرگ است قولی حکماء است کدام شخص که بخاطر سیئات علم را می آموزد او اوصاف توفیق و رعیت داری را از دست می دهد.

ارشاد الله ﷻ است که: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ﴾[1]

ترجمه: زود است مردم را از آیات خود بازگردانم که در دنیا تکبر می کنند.

قول امام شافعی رحمه الله است کسیکه علم قرآن کریم را آموخت منزلت او بلند گردید کسیکه سخنان نادر آموخت طبعیت او نرم و لطیف گشت کسیکه حساب آموخت عقلی او پخته شد. کسیکه علم فقرا را آموخت قدر و عزت او زیاد شد کسیکه حدیث آموخت دلیل او قوی گردید و کسیکه عزت خود را نکرد علم او به او کدام فایده نمی رساند.

حسن بن علی ﷺ گفته است کسیکه در مجلس علماء زیاد می نشیند بندش زبان او از بین میرود، پریشانی ذهنی او ختم می شود و چیزیکه بدست می آورد باعث خوشحالی او می شود علم او برایش مفید است.

حدیث نبوی است که الله ﷻ کدام بنده را دور می سازد علم او را می گیرد. در ارشاد دیگری آمده است که از جهالت فقر بزرگ دیگر فقر نیست.

---

[1] (الأعراف ١٤٦)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و هشتم
در بیان فضیلت زکات و نماز

به این امر باید دانسته باشید که الله ﷻ زکات را یکی از اساسات اسلام گردانیده است. و با نماز یکجا ذکر نموده است چنانچه فرمان الهی است.﴿ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا الزَّكَوٰةَ ﴾[1]

ترجمه: نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید.

ارشاد نبوی است که ارکان اسلام پنج است: وحدانیت الله ﷻ شهادت به رسالت محمد ﷺ. قائم کردن نماز، دادن زکات. کدام مردم که نماز نمی خواند و زکات نمی دهد برای شان وعید عذاب دردناک داده شده چنانچه می فرماید: ﴿ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝ ﴾[2]

ترجمه: هلاکت باد برای نماز گذاران که از نماز خود بی خبر اند. درین مورد قبلاً بحث کامل صورت گرفته است در باره مانعین زکات ارشاد الهی است که: ﴿ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴾[3]

ترجمه: کسانی که طلا ونقره را اندوخته اند و در راه خدا انفاق نمی کنند، پس برای آنها مژده عذاب درد ناک است.

درین آیت شریف هدف از انفاق در راه الله ﷻ زکات دادن است.

صدقه به کی داده شود؟:

در وقت دادن صدقه باید مردم نیک غریب و فقیر را جستجو گردد که ارتباطات خود را با دنیا قطع کرده باشد و با آخرت قلب خود را متصل گردانیده باشد زیرا که به این نوع مردم غریب صدقه دادن مالی فراوانی می بخشد.

---

[1] (البقرة ۰٤۳)

[2] (الماعون ۰۰٤-۰۰۵)

[3] (التوبة ...)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث نبوی است که به مردم نیک طعام بدهید و از آنها بخورید او ﷺ این سخن را به این منظور ارائه نمود که بر این کار تقوی و پرهیز گاری متقی زیاد می گردد وتو هم در عبادت و ریاضت او شامل می شوی.

قول عالمی است که: در در وقت اعطاء صدقات زاهد و فقراء را ترجیح بدهید کسی به این عالم گفت: مگر همه فقراء را یاد می کردی خوب می شد عالم گفت: زاهد و فقراء مردمی هستند که کاملاً به سوی الله ﷻ متوجه می باشند. زمانیکه با گرسنگی دچار می شوند به سوی الله ﷻ متوجه می باشند. همت و قوت شان رو به نزول و نقصان می شود. مرا دور کردن و فیع شدن این تکالیف شان و به سوی پروردگار آنها را متوجه ساختن از داد صدقات به آن فقراء که با دنیا محبت دارند و در غم آخرت نباشد بسیار افضل و بهتر است. شخصی این سخن را به جنید رحمه الله رسانید او این را به بسیار خوشی پذیرفت و فرمود:

این شخص دوست پروردگار است زمانی بعد کسی به جنید رحمه الله عرض کرد که حالت آن شخص خیلی خراب است و اراده ترک کردن دکان خود را دارد جنید رحمه الله مقداری از مال خود را به آن شخص فرستاد و برایش گفت: این مال را مصرف کن و دکان را ترک نکنید زیرا که تجارت به اشخاص مانند تو ضرر نمی رساند این شخص تاجر از فقراء قیمت سودا و متاع را نمی گرفت و برای شان مفت می داد.

عبدالله بن مبارک رحمه الله صدقات اموال خود را به علماء کرام می داد و همچنان او هدایا و تحائف خود را صرف به علماء کرام میداد کسی برایش گفت: اگر عطیات و صدقات خود را عام می کردی بسیار خوب می شد او رحمه الله فرمود: بعد از مرتبهٔ نبوت بدون مراتب علماء افضل تر و بهتر مرتبه دیگری را نمی شناسم اگر توجه و اهتمام علماء کرام به سوی دنیا شود در مشغلهٔ علمی شان زیان بوجود می آید به طرف تعلیم و تعلم کما حقه توجه صورت نمی گیرد. لهذا برای حصول علم کاری اعلی و افضلی در اختیار شان تسهیلات و سهولت فراهم کردن است مناسب این است که خیرات و صدقات به خویشاوندان داده شود و نسبت به دیگران به اقارب ترجیح داده شود زیرا که هم صدقه است و هم صله رحمی و پاداش صله رحمی زیاد می باشد.

و این کار ضرروی است که انسان باید بطور سری و مخفیانه صدقه بدهد تا از لعنت ربا نجات یابد و شخصی گیرنده در نزد مردم از ذلت و رسوائی خلاصی یابد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث نبوی است که دادن صدقه سری و پوشیده غضب پروردگار را خاتمه می دهد روز آخرت زیر سایهٔ عرش الهی ایستاده می شود اگر در دادن صدقه بطوری آشکارا مصلحت می باشد تا مردم دیگر هم ترغیب و تشویق گردد در آن صورت کدام باکی ندارد مشروط برین که در آن نیت احسان کردن و یا ریا نباشد چنانچه فرمان الهی است: «لایشکر الله لایشکر الناس» کدام اشخاص که شکر مخلوق را ادا نکند آنها شکر خدا را نیز ادا نمی کنند.

و در دادن صدقه احسان نمودن گناه و مصیبتی بزرگ است لهذا به دادن صدقه سراً ترجیح داده شده است و برین تاکید شده که احسان و نیکی خود را باید کاملاً از ذهن خود دور نماید و به شخص اظهار آنرا نکند ولی با شخص که احسان و نیکی صورت بگیرد باید در که شکر آنرا بجا آرد. چنانچه در حدیث شریف آمده است کسانیکه شکر مردم را ادا ننمایند آنها شکر پروردگار هم اداء نمی کنند.

درین مورد شاعری چه خوب گفته است:

یدُ المعروف غُنْمٌ حیث کانتْ تحمّلها کفورٌ أو شکورُ
ففی شکرِ الشکورِ لها جزاءٌ وعند الله ما کَفَرَ الکفورُ

دست احسان و صدقه هر جا باشد غنیمت است اگر که از آن بنده شاکر مستفید می گردد و یا هم بنده با شکر از آن بهره مند می گردد.

در شکر کردن شاکر پاداش و درجه است و نزد الله ﷻ بدی و عوض کافر کفر است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب هشتاد و نهم

در بیان حقوق والدین

این مسئله باید در ذهن جاگزین گردد که طوریکه در مورد حقوق عزیز و اقارب تاکید شده در آنجا بطوری خصوص ذکر ذوی الارحام هم صورت گرفته.

حدیث نبوی است که تا زمانی هیچ فرزند حق پدر خود را اداء کرده نمی تواند تا که پدر خود را در حالت غلامی (بردگی) ببیند و آنرا بخرد و اورا آزاد نماید.

ارشاد نبوی است که با والدین خود نیکی کردن از نماز، روزه ، صدقه، حج، عمره، وجهاد در راه الله ﷻ هم افضل است.

ارشاد مبارک محمد ﷺ است که کدام شخص در حالت صبح کند که والدینش از او راضی و خوش باشند دروازه های جنت برایش باز می گردد اگر یکی از والدین او زنده باشد یک دروازه جنت برایش باز می باشد اگر چه با او انصاف نکند این سخن را سه بار تکرار نموده و کسیکه در حالت شب خود را بسپری کرد که والدینش از او ناراض باشند برایش دروازه جهنم باز میگردد اگر یکی از آنها از او خفه باشد یک دروازه جهنم برایش باز می باشد اگر چه والدین با فرزند خود معامله خوب نکند. این سخن را سه بار تکرار نمود.

حدیث نبی کریم ﷺ است که خوشبوی جنت بمسافهٔ سفر پنجصد ساله محسوس می گردد مگر این خوشبوی برای اولاد نافرمان پدر و مادر و قاطع رحم حاصل نمی گردد.

حدیث نبوی است که با مادر، برادر، خواهر احسان کنید بعد ازین با اقارب تان نیکی نماید.

روایت است الله ﷻ به موسی علیه السلام فرمود:ای موسی! کسیکه اطاعت و فرمان برداری والدین خود کرد و نافرمان مرا نمود او را از نافرمانان نمی نویسم و کسیکه نافرمان والدین خود کرد و اطاعت مرا نمود اورا در لست نافرمانان می نویسم.

روایت است زمانیکه یعقوب علیه السلام پیش یوسف علیه السلام تشریف برد او در استقبال پدر خود ایستاد شد الله ﷻ به یوسف علیه السلام وحی فرستاد که آیا به پدرت ایستاد شدن را تکلیف آور احساس نمی کنی به عزت و جلال خود سوگند می کنم که در نسل تو هیچ پیامبری نخواهم فرستاد.

حدیث نبوی است که کدام شخص از طرف والدین خود صدقه می کند اجر او به والدینش میرسد و بدون کدام تنقیص در اجر و پاداش او به برابر اجر والدینش اجر حاصل میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مالک بن ربیعه ﷺ روایت است که اطراف نبی کریم ﷺ نشسته بودیم شخصی از بنوسلیم آمد و عرض کرد یا رسول الله! نیکی و احسان است که بعد از مرگ والدینش با او انجام دهم محمد ﷺ فرمود : بلی برای شان دعا کن و مغفرت بخواه و عده های شان را پوره کن عزت دوستان شان را کن و با اقارب شان صلهٔ رحمی کن.

حدیث نبوی است که از همه بزرگتر احسان و نیکی این است که بعد از وفات شدن پدر خود با اقارب او رویه و سلوک خوب نماید.

نبی کریم ﷺ می فرماید : که احسان فرزند با مادر خود دو چند پاداش دارد. حدیث نبوی است که: دعای مادر زود تر مورد پذیرش قرار می گیرد پرسیده شد که یا رسول الله ! چرا دعائی مادر زود قبول می گردد او ﷺ فرمود: زیرا که مادر از پدر زیاد مهربان می باشد هیچگاه دعای رحم ضائع نمی گردد.

شخصی از محمد ﷺ پرسید باکی نیکی کنم؟ او ﷺ فرمود: با والدین نیکی کن عرض کرد: یارسول الله! والدین ندارم او ﷺ فرمود: ! با اولاد خود نیکی کن زیرا کدام حق که والدین بالای تو دارد همچنان اولاد تو هم بالای تو حق دارد.

ارشاد نبی کریم ﷺ است که الله ﷻ بر آن پدر رحم کند با فرزند خود در کار نیک تعاون می نماید یعنی او را به نیکی تشویق کرد. نبی کریم ﷺ می فرماید که به اولاد تان تحائف وهدایا بطور مساویانه بدهید و این هم گفته شده که فرزند تو برایت مانند گلی خوشبوی می باشد تا هفت سال او خادم تو هست خوشبوی او را جذب نماید بعد از آن او یا شریک و یا هم دشمن تو هست عقیقهٔ بچه را پدر باید در روز هفتم تولدش بکند.

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: عقیقه بچه باید در روز هفتم انجام شود و در همین روز باید بر او نام نهاده شود و موی سر آن تراش گردد زمانیکه عمر او به شش سالگی برسد والدین او برایش ادب تعلیم دهد و زمانیکه به ۹ سالگی برسد بستره او را باید جدا کنید و زمانیکه به ۱۳ سالگی برسد باید بخاطر نخواندن نماز زده شود و زمانکیه به ۱۶سالگی برسد باید برایش عروسی کند.باز او ﷺ دست انس ﷺ را گرفته فرمود: من شما را ادب دادم و تعلیم دادم و برایت عروسی کردم برایت از الله ﷻ از مصائب دنیا و آخرت پناه می خواهم.

ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که اولاد بر پدر شان حق دارد که آنها را ادب نیک بدهد وبر آنها اسم نیکو گذارد. در حدیث دیگری است که پسر و دختر تولد شود در روز روز هفتم تولد باید حیوانی ذبح گردد و سر فرزند را تراش کنید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

شخص پیش عبدالله بن مبارک از اولادش شکایت نمود او فرمود آیا تو برایش دعا بد کرده بودی؟ گفت چرا نه کرده ام او رحمة الله فرمود: تو آنانرا بر باد کرده ای با اولاد باید معامله خوب و نیکو صورت گیرد.

اقرع بن حابس ﷺ محمد ﷺ را مشاهده کرد که سر نواسه خود راه بوسه می کرد او ﷺ گفت: من ده فرزند دارم لیکن یکی از آنها را بوسه نکرده ام. محمد ﷺ برایش فرمود بیشک هر کس که رحم نمی کند بر او رحم نمی شود.

از عایشه ﷺ روایت است که روزی محمد ﷺ فرمود: روی اسامه ﷺ را بشوید من به کراهت شستن روی او را آغاز نمودم محمد ﷺ بدستم دست خود را نهاده و خودش روی اورا شست و بعد از آن بوسه کرد حسن ﷺ به خوردسالی به مسجد آمد محمد ﷺ بر منبر نشسته بود او ﷺ از منبر پائین آمد و حسن بن علی ﷺ را در بغل خود گرفت و این آیت شریف را تلاوت نمود که: ﴿إِنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ﴾[1]

از شداد ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ بر مردم نماز میداد یعنی امامت مردم را می کرد تصادفاً حسین ﷺ در حالت سجده به پشت محمد ﷺ نشست او ﷺ سجده خود را دراز نمود مردم فکر نمود که البته کدام واقعهٔ رخ داده زمانیکه محمد ﷺ نماز خود را خلاص کرد صحابه کرام عرض نمود یا رسول الله: شما سجده را خیلی طولانی نمودید مایان فکر کردیم که کدام حادثه به وقوع پیوسته محمد ﷺ فرمود فرزندم به پشت من نشسته بود من صبر کردم تا او حاجت (ضرورت) خود را پوره کند.

درین حدیث شریف چند فایده هست یکی ازن زمانیکه انسان در حالت سجده باشد به او قرب پروردگار حاصل می باشد و در پی نرمی و اطاعت با اولاد و همچنان نیکی کردن و تعلیم امت را شامل است.

ارشاد مبارک محمد ﷺ است که خوشبوی اولاد خوشبوی جنت است یزید فرزند معاویه ﷺ می گوید پسرم به احنف بن قیس فرستاد که به او بگویم پدرم ترا طلب می کند. زمانیکه او آمد سلام برایش فرمود: ای ابو بحر! در مورد اولاد چه نظر داری؟ او گفت: ای امیر المومنین! اینها ثمرهٔ دلها وتیر کمر ما هستند وبرایشان زمین سایه دار و آسمان هستیم. به وسیله آنها به هر چیز بلند می رسیم. اگر آنها چیزی بخواهند برای شان بدهید و اگر خفه

[1] (التغابن ۱۵)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باشند آنها را مسرور کنید. و بر آنها باری سنگین مشوید که در زندگی شان تنگی را احساس کنند و آرزوی مرگ تان را نمایند و قربت تانرا بد پندارند.

زمانیکه معاویه ﷺ این سخنان را شنید سپس فرمود : ای احنف! به الله ﷻ سوگند می خورم وقتیکه آمدی بر یزید بسیار قهر و غصه بودم وقتیکه احنف عودت نمود معاویه ﷺ از زید راضی شد دو هزار درهم و دوصد جوره لباس به او فرستاد یزید رحمه الله از آن مقدار یکهزار درهم و صد جوره لباس به احنف فرستاد گویا با او یکسان و برابر تقسیم نمودم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نودهم

در بیان حقوق همسایه و نیکی همرای مساکین

همسایه گیری از اخوت اسلامی و حقوق زیادی دارد. لهذا هر همسایه مسلمان علاوه از اخوت اسلامی حقوق دیگری دارد چنانچه ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که همسایه بر سه قسم است یکی یک حق دارد. دوم دو حق دارد. سوم سه حق دارد.

کسیکه سه حق دارد او همسایه قریب و خویشاوندان است. که یکی حق همسایگی دوم حق اسلام سوم حق خویشاوندی. دوم همسایه دو حق دارد: یکی حق همسایگی دوم حق اسلام است. کدام همسایه که یک حق دارد او همسایه مشترک است.تامل کنید که الله ﷻ به مشترک هم حقی همسایگی داده است.

ارشاد نبوی است که بر اقارب تان معامله نیک بکنید در آن صورت مسلمان درست می شوید. محمد ﷺ فرموده است: جبریل علیه السلام دائم الوقت برایم در باره حق همسایه توجه می کرد تا که فکر کردم که عنقریب از ورثه محسوب خواهد شد.

نبی کریم ﷺ فرموده است کدام شخص که بر الله ﷻ و آخرت ایمان داشته باشد باید عزت و قدر همسایه خویش بکند و فرمود یک بنده تا زمانی مسلمان شده نمیتواند تا همسایه او از شر آن در امان و محفوظ نباشد. در صورت دیگر آمده است روز قیامت از همه اولتر دو همسایه می باشد که در میان خود جنگ میکند. محمد ﷺ فرمود: چنانچه سگ همسایه را زدی گویا او را اذیت رساندی.

روایت است که شخصی به ابن مسعود رضی الله عنه گفت: که یک همسایه دارم مرا تکلیف میدهد. و مرا دشنام می گوید او رضی الله عنه برایش فرمود: برو اگر او در حق تو نافرمانی الله ﷻ را می کند تو در حق او اطاعت الله ﷻ را بجا آر به محمد ﷺ عرض شد که فلان زن اگر روز روزه می گیرد و در شب عبادت می کند و همسایه اش را اذیت و تکلیف می رساند او ﷺ فرمود: او به جهنم است.

شخصی در حضور محمد ﷺ از همسایه خود شکوه کرد محمد ﷺ برایش فرمود صبر کن باری سوم یا چهارم برایش فرمود: سامان منزل خود را بینداز. راوی می فرماید: زمانیکه مردم سامان او را در راه عام افتیده دیدند پرسیدند چرا؟ او گفت همسایه ام مرا به تکلیف می کند و مرا اذیت می رساند مردم رفت آمد می کردند می گفتند: الله ﷻ به این نوع همسایه لعنت کند

(c) ketabton.com: The Digital Library

زمانیکه همسایه او این سخنان را شنید برای شکفت: سامان خود را دوباره به منزل خود ببر به الله ﷻ سوگند می کنم که بعداً هیچگاه شما را اذیت نمی رسانم.

اما زهری روایت کرده است که شخصی به محمد ﷺ از همسایه خود شکایت نمود محمد ﷺ برایش حکم کرد که از در دروازه مسجد اعلان کن که چهل خانه در همسایه گی شریک هستند زهری فرمود چهل خانه یک طوف و چهل خانه طرف دیگر و چهل خانه پیش روی وچهل خانه در عقب منزل. یعنی به چهار طرف اشاره کرد.

حدیث نبوی است که در زن، خانه، اسپ بد فالی و نیک فالی می باشد نیک فالی زن این است که مهرش کم نکاحش آسان و اخلاقش نیکو می باشد. و بدفالی او زیاد مهرش و اشکال در نکاحش و بدی اخلاقش می باشد برکت خانه این است که وسیع می باشد و همسایه خوب و نیکو داشته باشد و نحوست او درین است که تنگ باشد و همسایه بد خلق داشته باشد. برکت اسپ این است که فرمانبردار و تابع صاحبش باشد و عادت خوب داشته باشد و نحوست آن این است که عادات خراب داشته و صاحبش را بسواری نمی گذارد و او را از پشت خود میندازد یعنی می غلطاند.

حقوق همسایه:

حق همسایه این نیست که به او ضرر نرساند و در مشکلات همراهش همکاری نماید بلکه باید سعی کند که چیزهای تکلیف آور را دور کند. همسایه حقوق دیگری هم دارد با او رویه نیک نماید با او احسان کند و اسباب خوشی و سرور برایش مهیا و تحفه نماید.

روایت است که روزی قیامت همسایه فقیر همسایه غنی و مالدار خود را از دستش می گیرد و او را به بارگاه پروردگار تقدیم می کند به الله ﷻ میگوید: از این بپرس که چرا همه چیز ها را بالایم مسدود گردانیده بودی و چرا دروازه ات را برویم بند کرده بودی؟

به ابن المقفع رحمه الله کسی گفت: همسایه ات بخاطر قرضداری منزل خویش را به فروش می رساند درین اثناء ابن المقفع زیر سایه دیوال او نشسته بود گفت: اگر او بخاطر فقر منزل خود را می‌فروشد گویا من عزت سایه دیوار او را نکرده ام او پول را به همسایه خود روان کرد و گفت: منزل خود را نه فروش. شخصی از کثرت موشها در خانه خود شکایت کرد شخصی دیگری برایش گفت در خانه ات پشک را نگهداری کن او در پاسخ گفت: اگر پشک بیاورم همه موشها به شنیدن آواز پشک به خانه های همسایه ام خواهد رفت به این کار به شخص مبدل می گردم که کدام کار را یعنی تکلیف را بر خود نمی پسندم آنرا به دیگران می پسندم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

از حقوق همسایه این هم است که زمانیکه او را نگاه کنید او را سلام بدهید و با او از مجلس و گفتار طولانی خودداری کنید و چیزهای زیاد از او طلب ننماید در وقت مرض پرسش او را بکنید و در وقت مصیبت او را اطمینان بدهید و اگر او میمرد با او بمانید و در وقت خوشحالی و سرور او را تبریکی بدهید و با او یکسان مشارکت کنید و خطایی او را معاف کنید و از سطح بلند به خانه اش نظر نکنید و از نهادن چوب بالای دیوار خود ممانعت نکنید و در صحن حویلی او نجاست و گندگی ها را نیندازید. راه خانه اش را تنگ نکنید او کدام چیز به خانه خویش می برد او را مکرراً نگاه نکنید عیوب او را بپوشانید در وقت مصیبت یاری و کمک آنرا بکنید زمانیکه او در خانه اش نمی باشد باید به او اهتمام نماید عیبت او را نشنوند مراعات عزت او را داشته باشید با اولاد او سخنان نرم و لطیف بگوید در امورات دینی و دنیوی راهنمائی آنرا بکنید.

نبی کریم ﷺ فرمود: می دانید حقوق همسایه چیست؟ زمانیکه از تو طلب کمک کند با او نصرت کنید و اگر از تو قرض بخواهد برایش قرض بدهید اگر او فقیر و نادار می شود با او معاونت کنید اگر مریض می شود عیادت او بکنید اگر فوت نمود با جنازه اش بروید. اگر بر او خوشی و سرور برسد برایش تهنیت و تبریکی بگوید و اگر کدام تکلیف و مصیبت برایش واقع گردد تلقین خیر برایش بکنید از خانهٔ همسایه منزلتان را بلند نکنید تا هوای او بند گردد و اگر برایت اجازه بدهد باکی ندارد. تازمانیکه به خانه ات میوه می آوری کمی به همسایه هم بفرست ورنه او را بطور سری و مخفی بخورید تا همسایه ات نبیند. میوه را در دست اطفال ندهید تا از خانه بیرون نموده و اطفال همسایه ات ببینند به خوشبوی دیگ خود همسایه را آزار و اذیت نرسانید مگر در صورتیکه برای او اندک بفرستید.

باز فرمود: آیا میدانید که حقوق همسایه چیست؟ به الله سوگند که حقوق همسایه پوره و کامل نشود مگر که الله ﷻ بر کسی رحم کند قول مجاهد رحمه الله است که در جوار عبدالله بن عمر نشسته بودم غلام او بز را پوست می کرد او ﷺ بر او فرمود زمانیکه بز را پوست کردی از همه پیشتر به همسایه یهودی ام گوشت ارسال کنید او ﷺ این سخن را چند مرتبه تکرار نمود غلام گفت دیگر چندبر این را تکرار می کنی او ﷺ فرمود محمد ﷺ ما را همیشه در مورد همسایه گان توصیه می فرمود تا ما گمان نمودیم که همسایه گان در میراث شریک نگردند.

هشام رحمه الله گفته است حسن رحمه الله درین امر هیچ نوع احساس قباحت نمی شود که گوشت قربانی خود به همسایه یهودی و یا نصرانی خود نخوراند. ابوذر رضی الله عنه می فرماید که مرا حبیب دوست گرامی ام وصیت نموده که زمانی طعام را پخته کنم در آن آب زیاد بیندازم و شوربای آنرا به همسایه گان خود بدهیم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود ویکم
در بیان عذاب شراب خور

الله ﷻ در باره شراب خور کدام آیه مبارکه نازل نموده است قبل از آن این است که:

﴿يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ﴾[1]

ترجمه: از شما در رابطهٔ شراب و قمار پرسان می کنند ایشان را بگوید در هردوی این گناهی عظیمی است ولی در ظاهر برای مردم فایده دارد.

به شنیدن این آیه شریف بعضی مردم نوشیدن شراب را بند کردند و بعضی دیگر به نوشیدن آن دوام می داد تا که یکی از آنها بعد از نوشیدن شراب به نماز ایستاد شد و از دهن او الفاظ نامناسب و ناشایسته خارج گردید به واقوع شدن این امر الله ﷻ این آیه شریفه را نازل کرد که: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقْرَبُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَٰرَىٰ﴾[2]

ترجمه: ای ایمانداران به نماز نزدیک نشوید در حالی که شما نیشه هستید.

بعد از نزول این امر الهی، بعضی مردم شراب خوری را بند کردند و بعضی دیگری آنها هنوز هم به نوشیدن شراب ادامه می داد تا که باری عمر ﷺ شراب را نوشید و عبدالرحمن بن عوف ﷺ را به شکم شتر زد و سرش را شکست بعداً به مقتولین گریان و فغان را شروع نمودند زمانیکه به محمد ﷺ اطلاع این امر رسید در حالت قهر و غصه برآمد و چیزی که بدست مبارک وی رسید عمر ﷺ را به آن زد. عمر ﷺ گفت: از قهر و غضب الله ﷻ و پیامبرش پناه میخواهم بعد از آن الله ﷻ این آیت شریف را نازل ساخت که: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ فِى ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ﴾[3]

ترجمه: شیطان می خواهد در میان شما به سبب شراب و قمار نفاق بیندازد.

عمر ﷺ این آیت را شنید فرمود: ما بند شدیم. در حرمت شراب احادیث متفق علیه هم وجود دارد چنانچه فرمان نبوی است که: شراب خور عادی به جنت داخل نمی شود نبی کریم ﷺ فرموده است که بعد از ممانعت عبادت بتها قبل از هم از نوشیدن شراب و به مردم از لعنت کفتن منع شده ام.

---

[1] (البقرة ۲۱۹)
[2] (النساء ۴۳)
[3] (المائدة ۹۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

نبی کریم ﷺ می فرماید: کدام جمعیت و یا طائفهٔ از مردم به کدام چیزی نشه آور جمع گردند روز قیامت الله ﷻ آنها را در جهنم جمع می سازد آنان در میان خود یکدیگر را ندامت می کنند و می گویند: ای فلان! الله ﷻ ترا جزا بد بدهد همین تو بودی که مرا به این جا رسانیدی و شخص دوم هم همین سخن را تکرار می کند.

نبی کریم ﷺ فرموده است: کسیکه در دنیا شراب را نوشید الله ﷻ روز قیامت بر او زهر مارها را می نوشاند که قبل از نوشیدن آن زهر گوشت روی او میریزد وقتیکه او را بنوشد گوشت و پوست همهٔ بدنش می ریزد و برین کار بر شراب خوران تکلیف و اذیت می رسد شراب خور، شراب ساز کسیکه شراب را انتقال می دهد، شتری که شراب و بایع شراب همه در گناه یکسان هستند. به الله ﷻ تا زمانیکه توبه نکنند نماز، روزه و حج شان را قبول نمی کند اگر آنها قبل از توبه نمودن فوت شدند الله ﷻ در عوض هر جرعهٔ شراب (ریم و زرداب) جهنم را می دهد. باخبر باشید که هر چیزی نشه آور و شراب حرام است و هر نوع شراب حرام است.

از ابن ابی الدنیا رحمه الله منقول اس که با شخص نشه ملاقی شدم که با دستهای خود شاشه می کرد و مانند وضوء کنند هبه ادرار خود دستهای خود را می شست و می گفت: (الحمد لله الذی جعل الاسلام نوراً و الماء طهوراً) به او ذاتی ثنا و صفت است که اسلام را نور و آب را پاک گردانیده است. در وقت جاهلیت به عباس بن مرداس گفته شد که چرا شراب نمی نوشی زیرا که درین عقل تندوتیز می گردد. او در پاسخ گفت: من به دستهای خود جهالت را در شکم نمی اندازم و این کار را خوش دارم که صبح در میان قوم خود به صفت سردار و بنام بد وکم عقل مشهور شوم.

بیهقی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمود: از شراب خوری بپرهیزید قبل از شما عابدی بود که دور از مردم زندگی می کرد زنی خواست او را گمراه کند خادم خود را به او فرستاد و آنر دعوت نمود که شما را بخاطر یک شهادت طلب می کنم عابد دعوت را پذیرفت و آمد در هر دروازه که داخل می شد زن آن دروازه را بند می کرد تا که به اطاق خاص آن زن رسید همرا ی این زن بد عمل ظرف شراب و یک طفل بود زن به عابد گفت: من ترا بخاطر کدام شهادت طلب نکرده ام بلکه برای این کار خواستم که این طفل را بکشی و با من زنا کنی اگر این دو کار را کرده نمی توانی پس این شراب را بنوش اگر انکار نمودی من شور و فغان می کنم و ترا رسوا و شرمنده می کنم عابد به اساس مجبوریت نوشیدن شراب را قبول نمود و شراب را نوشید عابد که یک پیاله شراب نوشید پیالهٔ دومی را هم طلب نمود که به ترتیب چند پیاله شراب را یکجا پی در پی نوشید تا که عابد نشه شد و با زن زنا

(c) ketabton.com: The Digital Library

کرد. و آن طفل را هم قتل کرد. لهذا از شراب خوری پرهیز کنید به الله ﷻ سوگند که ایمان و شراب خوری در یک قلب جمع نمی گردد.

داستان هاروت و ماروت:

احمد و ابن حبان در صحاح خود از ابن عمر ﷺ روایت کرده است که از محمد ﷺ شنیده ام او ﷺ فرمود زمانکیه آدم ﷺ را بر زمین پائین کرد فرشتگان گفتند ای الله ﷻ شخص را بطور خلیفه بر زمین می فرستید که فساد می کند و خون میریزاند. مایان برای تو حمد و ثنا می گویم و تقدس و پاکی ترا می گفتیم لهذا به این منصب ووظیفه مستحق تر هستیم الله ﷻ برای شان فرمود: من میدانم شما نمی دانید آنها عرض کردند ای الله ﷻ مایان از بنی آدم و زیادتر پرستش و عبادت ترا می کنیم الله ﷻ برای شان فرمود: دو فرشته را از میان خود بیاورید تا ببینیم که چطور عمل می نمایند آنها عرض کردند که هاروت و ماروت حاضرند الله ﷻ آنها را به زمین فرستاد. الله ﷻ ستارهٔ بنام زهره به شکل زن خود بصورت و حسین حاضر کرد آنها خواست همراهی زهره کار بد انجام دهند ولی او امتناع ورزید و برای شان گفت: به الله ﷻ سوگند می خورم تا زمانیکه با شما همراهی نمی کنم که کلمه شرک را نگوید آنها گفتند: به الله ﷻ سوگند که هیچگاه با او شریک نمی گیریم زن از جوار آنها رفت زمانیکه عودت نمود در بغل خود طفلی را گرفته بود آنها دوباره خواست همان امر را از زن کردند ولی او در پاسخ گفت: تا زمان این امر ممکن نیست که این طفل را قتل نکنید آنها گفتند: به الله ﷻ سوگند که این کار را نمی توانیم بعداً او با پیالهٔ شراب پیش آمد آنها باری دیگری سخن خود را تکرار نمودند و زن گفت به الله ﷻ سوگند تا این شراب را نخورید این سخن را نمی پذیرم آنها شراب را نوشیدند و در حالت نشه زنا کردند و طفل را قتل کردند زمانیکه نشه شان رفت و بیدار شدند زن برای شان گفت شما کاری را ترک نکردید که از انجام نمودن آن خودداری می کردید در حالت نشه همهٔ آنها مرتکب گناه شدند. بعداً آنها را اختیار یکی از عذاب های دنیوی و اخروی را داده شد. آنها عذاب دنیوی را اختیار نمودند.

ام سلمه ﷺ می فرماید: دخترم بیمار گردید من در گیلاس کشمش را تیار کردم محمد ﷺ درخانه ام تشریف آوردند کشمش را در حالت جوش دید پرسید که این چیست؟ عرض کردم که دخترم بیمار هست برایش دوا می سازم او ﷺ فرمود الله ﷻ در چیزهای حرام برای امتم شفا ننهاده در یکی از روایات آمده است زمانیکه الله ﷻ شراب را حرام ساخت تمام فوائید آنرا دور کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و دوم
بیان معراج شریف

امام بخاری رحمة الله از قتاده از آن انس بن مالک و هم از مالک بن صعصعه روایت کرده است که نبی کریم ﷺ به او واقعهٔ معراج را بیان می کرد و فرمود: من در حطیم بودم و این هم فرمود: در حجره بودم شخصی بسوی من آمد و همرای خود چیزی گفت: من سخنان اورا شنیدم «از بنجا تا آنجا» راوی می گوید زاز جارود ﷺ پرسیدم که مطلب از اینجا تا آنجا چیست؟ او برایم گفت: مطلب این لفظ از حلوقم تا ناف است باری او طشت طلائی آورد که مملو از ایمان بود بعد از آن قلبم را شسته باز اورا از علم و ایمان پر کرده دوباره در جایش نهاد باز حیوان سفید حاضر کرده شد که از قاطر خورد و از خر کلان بود باز جارود از انس ﷺ پرسید ای ابو حمزه آیا او براق بود؟ انس ﷺ برایش گفت: بلی او قوم خود به اندازه نظر چشم می نهاد بر او سوار شدم و به معیت جبریل علیه السلام روان شدم تا به آسمان دنیا رسیدم جبریل دروازه آسمان را باز نمود پرسیده شد کیست؟ او گفت جبریل. پرسیده شد همرای شما کیست؟ جبریل گفت: محمد ﷺ پرسیده شد او دعوت شده است جبریل امین گفت: بلی گفته شد خوش آمدید آمدنش مبارک باشد دروازه باز گردید داخل شدم می بینم که در آنجا آدم علیه السلام است جبریل علیه السلام برایم گفت: این پدرت آدم علیه السلام است بر او سلام بدهید لهذا بر او سلام دادم آدم علیه السلام جواب سلام را داد گفت: فرزند صالح و نبی صالح خوش آمدید میکنم باز جبریل همراهم به سوی بالا رفتم تا که به آسمان دوم رفتم جبریل امین دروازه را باز نمود پرسیده شد کیست؟ جبریل امین فرمود من هستم پرسیده شد همرایت کیست؟ او علیه السلام فرمود همراهم محمد ﷺ پرسیده شد که او دعوت شده است او فرمود: بلی او گفت: آمدن وی مبارک باشد دروازه باز شد زمانیکه آنجا رفتم حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام را دیدم آنها فرزندان خاله هستند جبریل علیه السلام امین فرمود: اینها یحیی و عیسی علیهما السلام هستند بر آنها سلام بدهید من آنها را سلام دادم آنها جواب سلام من را داد و فرمودند به برادر صالح وپیامبر صالح خوش آمدید می گویم باز جبریل امین به آسمان سوم برد. و حکم باز شدن دروازه را داد پرسیده شد کیست؟ او فرمود: جبریل هستم پرسیده شد همرایت کیست؟ او فرمود محمد ﷺ است پرسیده شد آیا او دعوت شده؟ جبریل فرمود بلی گفته شد. خوش آمدید باد آمدنش زمانیکه آنجا رسیدم دروازه باز گردید و در آنجا یوسف علیه السلام را دیدیم جبریل امین

(c) ketabton.com: The Digital Library

برایم گفت: این یوسف علیه السلام است بر او سلام بدهید من او را سلام دادم او جواب سلام من را داد و فرمود: پیامبر صالح و برادر صالح خوش آمدید باز مرا به آسمان چهارم برد دروازه را باز نمودند پرسیده شد که شما کیست؟ گفت: جبریل امین از جبریل امین پرسیده شد با شما کیست؟ او فرمود محمد صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که آیا او دعوت شده است؟ او گفت بلی باز او خوش آمدید و دروازه را باز نمود وقتیکه آنجا رفتم ادریس علیه السلام نشسته بود جبریل امین برایم گفت این ادریس علیه السلام است بر او سلام بدهید من او را سلام دادم و او جواب سلام من داد و فرمود: برادر صالح و پیامبر خوش آمدید.

باز مرا جبریل امین به آسمان پنجم برد و در آنجا همان گفتگو سابقه تکرار گردید و هارون علیه السلام را دیدم او را سلام دادم و حضرت هارون جواب سلام من دلد و فرمود: به برادر صالح و پیامبر صالح خوش آمدید باز جبریل امین به آسمان ششم برد تا به آسمان ششم رسیدم دروازه باز شد و به آسمان داخل شدیم در آنجا موسی علیه السلام را دیدم جبریل امین فرمود: این موسی علیه السلام است من او را سلام دادم و او جواب سلام من را داد و برایم فرمود برادر صالح و نبی صالح خوش آمدید یعنی بیاید زمانیکه از اینجا برفتم آن علیه السلام گریه کرد از او پرسیده شد چرا گریان دارید او فرمود زیرا گریان می کنم که بعد از من جوان مبعوث گردیده که پیروان او زیادتر از پیروان من به جنت داخل می گردد.

جبریل امین مرا به آسمان هفتم برد دروازه آسمان هشتم باز گردید در آنجا که داخل شدم حضرت ابراهیم علیه السلام را دیدم جبریل امین برایم فرمود این پدرت است بر او سلام بدهید. من او را سلام دادم و او جواب سلام من را داد و برایم فرمود فرزند صالح و نبی صالح بخیر بیاید (خوش آمدید).

کیفیت سدرة المنتهی:

باز مرا به سدرة المنتهی برد میوه آن مانند کوزه هجر (نام جای) بود در آنجا چهار جوی بود دوی آن آشکار و دو دیگر آن نهفته بود از جبریل امین علیه السلام پرسیدم این چه نوع نهر است؟ او فرمود کدام آنها که نهفته است او نهرهای جنت است و کدام آنکه آشکار است عبارت از نهرهای نیل وفرات است باز برایم بیت المعمور آشکار گردید که هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل میگردد. باز برایم ظرف شراب و دیگری از عسل داده شد من عسل را اختیار نمودم جبریل امین علیه السلام فرمود: همین فطر است که تو و پیروانت برو قایم می باشید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعد از آن بر ما روزانه پنجاه نماز فرض گردید زمانیکه عودت می نمودم موسی ﷺ برایم گفت حکم کدام چیز برای تو نازل گردید. گفتم روزانه پنجاه نماز فرض گردانیده شد موسی ﷺ گفت امت شما طاقت ادا کردن ۵۰ وقت نماز را ندارد. مردم قبل از شما را امتحان نموده ام و حتی با اسرائیل معامله و روش سخت گیرانه را نموده ام، لهذا دوباره به نزد پروردگارتان بروید و برای امت تان تخفیف بخواهید ده نماز با دو مرتبه رفتن ۱۰ نماز معاف گردید و باز به موسی ﷺ آمدم و او دوباره همان سخن قبلی اش را تکرار کرد من باز رفتم پروردگار ۱۰ نماز دیگر را برایم معاف نمود تا که پنج نماز باقی ماند به موسی ﷺ آمدم آن پرسید به تو حکم چه چیز داده شده است. گفتم حکم پنج نماز داده شده است. آن ﷺ فرمود امت تان پنج نماز را ادا کرده نمی تواند بروید برای امت تان تخفیف دیگری هم بخواهید محمد ﷺ می فرماید من برایش گفتم از پروردگارم چند مرتبه طلبگار شدم، دیگر خجالت حس میکنم من حالاً راضی هستم و حکم پروردگار را اطاعت میکنم محمد ﷺ می فرماید: زمانیکه روان شدم بر من آوازی شد که حکم خود را جاری ساختم و بر بندگان خود تخفیف نمودم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و سوم

در بیان فضیلت روز جمعه

روز جمعه روز عظیم است الله ﷻ برین اسلام عظمت بخشیده این روز را بدین مبین اسلام تخصیص داده است الله ﷻ می فرماید: ﴿ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوْمِ ٱلْجُمُعَةِ فَٱسْعَوْا۟ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ وَذَرُوا۟ ٱلْبَيْعَ ﴾

ترجمه: چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه سعی کنید بسوی یاد کردن الله ﷻ و بگذارید خرید فروش را.

از این آیت شریف معلوم گردید که الله ﷻ بر وقت نماز جمعه کارهای دنیوی را حرام قرار داده است و کاری که سد در برابر نماز جمعه قرار بگیرد او را ممنوع گردانیده است.

فرمان نبی کریم ﷺ است که بیشک الله ﷻ بالای تان درین روز و درین مقام نماز جمعه را فرض گردانیده است. ارشاد دیگری است که: کدام شخص بدون عذر سه نماز جمعه را ترک کرد بر قلب او مهر (تاپه) نهاده می شود. الفاظ یک روایت طوری است که او اسلام را پشت سر خود ترک کرد.

شخص نزد ابن عباس ﷺ آمد و در بارهٔ شخص پرسان کرد که او فوت شده و در نماز جمعه و دیگر نماز ها اشتراک نمی کرد ابن عباس ﷺ فرمود: او در جهنم است آن شخص یک ماه کامل همین امر را می پرسید و ابن عباس ﷺ همین جواب می داد که او در جهنم است.

در حدیث شریف آمده است که به اهل کتاب روز جمعه دادهٔ شد ولی آنها درین اختلاف کرد لهذا این روز از آنها دوباره گرفته شد الله ﷻ ما را به این روز هدایت کرد و این روز را برای این امت موخر ساخت و برای شان روز عید گشتاند.

لهذا این مردم از همه سبقت کننده و اهل کتاب تابع و پیروان هستند. از انس ﷺ روایت شده که نبی کریم ﷺ فرمود: به جوارم جبرئیل امین ﷺ آمد و همراهش آیینه سفیدی بود او برایم فرمود: این جمعه است الله ﷻ بالای تان فرض می گرداند تا عید برای تو و مردم آینده گردد من پرسیدم درین چه برکت است. جبرئیل امین فرمود. درین روز ساعت بهتر و

(الجمعة ۰۰۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

افضلتری است هر کسیکه درین ساعت دعا خیر و نیکی بخواهد اگر آن چیز در نصیب و تقدیر شان باشد الله ﷻ او را می دهد و ازین چیزهای خوب برای شان ذخیره می سازد. و یا کسی درین روز از مصیبتی پناه بخواهد که در تقدیر و نصیب شان باشد از او مصیبت بزرگی را دور می سازد و این روز سیّد روزها است مایان در آخرت روزی دیگری را هم می خواهیم گفتم. چرا دور می خواهیم؟ جبریل امین فرمود: در جنت برایت درهٔ است که از نقره ساخته شده و بوی مشک ازان نشر می شود (می آید) وقتیکه روز جمعه می آید الله ﷻ از علیین به کرسی می فرماید: تا که همگان به دیدار او مشرف شوند.

نبی کریم ﷺ می فرماید: از همه روزها روز بهتر که در آن آفتاب طلوع می نماید روز جمعه است درین روز آدم ﷺ تولد شده و درین روز به جنت داخل گردیده و در همین روز قیامت قایم می شود. و او به نزد الله ﷻ به یوم مزید یاد گردیده. در نزد فرشتگان آسمان روز جمعه همین نام دارد و در جنت دیدار الله به همین روز صورت می گیرد. روز جمعه از جهنم آزادی بدست می آید.

در حدیث شریف آمده است: روز جمعه الله ﷻ شش لک انسان را از جهنم آزاد می سازد از انس ﷺ روایت شده که نبی کریم ﷺ فرمود: زمانیکه تو جمعه ات را صحیح و سالم ساختید گویا همه روزهایت را سالم ساختید. نبی کریم ﷺ فرمود: هر روز جهنم در وقت چاشت گرم می گردد لهذا درین وقت نماز نخوانید ولی روز جمعه این قید وجود ندارد زیرا که روز جمعه نماز. نماز است و در این روز جهنم گرم نمی گردد. کعب ﷺ گفته است. الله ﷻ مکه مکرمه را به تمام شهرها فضیلت داده است و بر تمام شب ها به لیلة القدر فضیلت داده است.

روایت است که روز جمعه پرندگان وحشرات زمین با هم ملاقات می نمایند و می گویند: درین روز نیک السلام علیکم السلام علیکم. نبی کریم ﷺ فرموده است کسیکه روز جمعه یا شب جمعه فوت گردد او را اجر و پاداش صد نفر شهید داده می شود و از فتنه قبر نجات داده می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و چهارم

در بیان حقوق زن بر شوهرش

زنها بر شوهران شان حقوق فراوانی دارند از آن جمله این حق را هم دارد که با آنها در زیست و زندگی رویه و سلوک خوب نمایند در نظر گرفتن ضعف آن با او سلوک ترحم و شفقت کند غم و تکلیف آنرا دور نماید الله ﷻ در مورد عظمت و اهمیت حقوق شان فرموده است: ﴿وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا﴾[1]

ترجمه: از وعده (میثاق) محکم گرفته است.

نبی کریم ﷺ در وقت رحلت خود وصیت نموده است به زنهای تان که شما مالک شده اید ضرر و تکلیف نرسانید در مورد شان از الله ﷻ بترسید آنها در دست تان اسیر هستند یعنی اسرای هستند که شما آنها را بطور امانت الله ﷻ گرفته اید و سه کلام (حکم) الله ﷻ برای تان حلال گشته است.

نبی کریم ﷺ فرموده است: کدام شخص که به خوبی و به خصلت زن خود صبر کرد الله ﷻ او را به برابر اجر ایوب ﷺ اجر و ثواب می دهد و کدام زنی که به بدخصلتی و زشتی شوهرش صبر کند الله ﷻ او را به برابر صبر و پاداش آسیه زن فرعون می دهد. با زن رویه و سلوک خوب این نیست که مشکل او حل گردد و تکلیف او از بین برده شود بلکه از او دور کردن همه آن چیزها که باعث تکلیف به او باشد با زن در بارهٔ سلوک و معامله باید همه روش نبی کریم ﷺ را در نظر گرفته شود و طبق سنت پیامبر ﷺ با زن زندگی و زیست صورت گیرد.

باری زن عمر ﷺ امر او ﷺ را قبول نکرد او ﷺ برایش فرمود: ای کنیز! در روی من سخن می گوی! او گفت: آیا به زنهای پیامبر ﷺ نمی بینید که آنها با محمد ﷺ بحث و تکرار می نماید در حالیکه او ﷺ از تو خیلی عالی و بلند است عمر ﷺ فرمود: حفصه ﷺ تباه و هلاک گردید که سخن نبی کریم ﷺ را قبول نکرد باز او ﷺ به حفصه ﷺ فرمود: ابن ابی قحافه یعنی با دختر ابوبکر صدیق ﷺ مقایسه ننماید زیرا که او محبوبهٔ محمد ﷺ است باز او از عدم پذیرش سخنان و اوامر پیامبر ﷺ را ترسانید و او را توصیه کرد یک بار میان حضرت عائشه

---

[1] (النساء ۰۲۱)

(c) ketabton.com: The Digital Library

و حضرت محمدﷺ کدام مساله رخ داد که ابوبکر صدیق ﷺ آمد و میان شان ثابت گردید محمد ﷺ به عائشه ﷺ فرمود: اولاً شما صحبت می کنید یا من عائشه ﷺ گفت: : شما اول بگوید ولی سخن درست بگوید ابوبکر صدیق ﷺ که این سخن عائشه ﷺ بشنید به رویش سیلی داد که از دهنش خون جاری شد و برایش گفت: ای دشمن نفس خود آیا محمدﷺ سخن ناحق و غلط می گوید؟ عائشه ﷺ خود را پشت محمدﷺ پست نمود و خود را از پدرش خلاص کرد محمد ﷺ به ابوبکر صدیق ﷺ فرمود: من خوشی و غم تانوا می شناسم عائشه ﷺ عرض کرد چطور؟ او محمدﷺ فرمود: زمانیکه از من خوش باشید می گوید به رب محمدﷺ قسم عائشه ﷺ گفت: ای رسول خدا درست می گوید.

روایت است که در اسلام از همه اول محبت محمدﷺ با عائشه ﷺ بود محمدﷺ به عائشه ﷺ می فرمود: من برایت طوری هستم مانند ابوذر که برای ابوذر است ولی ترا طلاق نمی دهم او ﷺ به زنهای خود می فرمود: مرا در بارهٔ عائشه ﷺ سخنان دل خراش و تکلیف آور نگوید به اللهﷻ قسم که بدون بستره او بر من وحی نازل نمی گردد.

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ بر زنها و اطفال خیلی زیاد مهربان بود محمدﷺ بازنهای خود تفریح، صحبت وخنده (خوش طبعی) هم می کرد تا که نبی کریمﷺ با عایشه می دوید و با او مقابله می نمود احیاناً عائشه ﷺ سبقت می کرد و احیاناً محمدﷺ پیش می شدو می فرمود: این بدل همان روزت است.

درحدیث شریف آمده است که نبی کریمﷺ از همه مردم بازنهای خود خوش طبعی می کرد. عائشه ﷺ می فرماید: باری صداهای حبش و مردم دیگری را شنیدم که به روز عاشورا بازی می کردند محمدﷺ مرا فرمود: آیا دیدن آنها را می خواهید؟ عرض کردم بلی اوﷺ به آنها شخصی فرستاد زمانیکه آنها آمدند محمدﷺ میان دو دروازه ایستاد شد دست مبارک خود بر دروازه نهاد من زناخ خود را بدست مبارکش نهادم و دیدن بازی آنها را نمودم محمدﷺ به من می گفت: دیگر بس است من می گفتم: اندکی صبر کنید او ﷺ سه چهار مرتبه از من پرسید باز فرمود: عائشه دیگر بس کن گفتم: خوب درست است.

نبی کریمﷺ فرموده است در مردها شخص صاحب ایمان کامل است که اخلاق او بهتر و خوب باشد و بر زنهای خود خیلی مهربان باشد. ارشاد مبارک نبی کریمﷺ است در میان

(c) ketabton.com: The Digital Library

شما آن کسی بهتر است که برای زنهای خود خوب باشد و من با زنهای خود از شما بسیار خوب و سلوک خوب کننده هستم.

عمر ﷺ فرموده است با وجود غصه و قهر باید با زن خود مانند اطفال باشید اگر آنها چیزی بخواهد در آن نامردی نکنید یعنی او را بدهد.

قول لقمان حکیم ﷺ است که به شخص هوشیار و دانا سزاوار است که با اهل و فامیل خود مانند طفل باشد و با مردم دیگر باطور جوان باشد.

نبی کریم ﷺ فرموده است که الله ﷻ با اشخاص بغض دارد که با زنهای خود سختی و تشدد می نمایند. نبی کریم ﷺ به جابر ﷺ فرمود: چرا با زن جوان باکره نکاح ننمودی که تو با او بازی می کردی و او با تو.

باید شوهر تا حد پیش نرود که عادت و خلصت آن خراب گردد و از قلبش هیبت و اهمیت شوهرش ختم گردد بلکه در هر کار باید اعتدال در نظر گرفته شود باید هیبت و دبدبه اش بالکل نابود نسازد. شوهرش باید سخن نا مناسب زنش نشنود و به کارهای او را اجازه ندهد و اگر زن خود در کارهای خلاف شریعت ببیند باید او را سرزنش کند و بر راه راست او را برابر نماید به شوهر مناسب نیست که خواهشات نفسانی زنش او را در جهنم بیندازد در کارهای غیر اسلامی مخالفت نشان دهید، و با آنها مشورت کنید زیرا در مشورت برکت است.

نبی کریم ﷺ فرموده است غلام زن هلاک گرید محمد ﷺ این سخن را به این خاطر نموده است وقتیکه انسان پیروی خواهشات نفسانی زنش را می کند غلام و بنده او می شود، در حالیکه الله ﷻ مرد را مالک زن و سید زن گشتانده است ولی او زنی خود را مالک گردانیده گویا او کار معکوس را انجام داد و بر خلاف و فیصله پروردگار عمل کرد متابعت و پیروی شیطان را نمود مرد باید متبوع باشد زن تابع که به هر سخن زن سر خود را حرکت بدهید و با او موافقت نماید زیرا که الله ﷻ در مورد مردها فرموده است﴿ ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ ﴾[1] ترجمه: مرده ها بر زنان حکمرانان هستند. شوهران را به اسم سید داده شده است چنانچه درآیت شریف آمده است ﴿ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ ﴾[2]

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: یافتند آنهارا سردار (شوهر) نزدیک دروازه.

زمانیکه سردار تابع زنش گردد گویا او کفران نعمت کرد نفس زن مانند نفس تان است اگر اورا اندکی سست کنید او خیلی سرکش و طاغی میگردد و اگر بالکل اورا سست کنید به طور کامل از دست و اختیارت خارج میگردد.

قول امام شافعی است که سه چیز طوری است که اگر قدر او بکنید ترا ذلیل می سازد و اگر او را اهانت کنید عزت ترا می نماید؟ زن، خادم، اسپ.

مطلب امام صاحب این است که اگر به آنها صرف نرمی و لطافت نمودید و سختی نکردید و بامهربانی سرزنش یکجا ننمودید به تو نقصان می رساند نه این که حق زن مظلوم و بیچاره را پایمال کنید و به صفت یک حیوان با او رفتار کنید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و پنجم
در بیان حقوق شوهر بر زن

نکاح یک نوع اطاعت است لهذا زن مطیع شوهر است بر او لازم است که کدام وقت چیزی را طلب کند باید اطاعت او شود بر شرطیکه شوهرش چیز را از او طلب نکند که خلاف احکامات پروردگار باشد. در مورد حقوق شوهر بر زن احادیثی زیاد نقل گردیده است حدیثی نبوی است: کدام زن در حالت فوت شود که شوهرش از او راضی باشد او داخل جنت می شود.

شخصی روانه سفر شد و از زنش وعده گرفت که از بالاخانه پائین نمی آید پدر این زن در اطاق پایین زندگی میکرد. او مریض گردید. زن شخصی را به خدمت محمدﷺ فرستاد که از او اجازه خدمت پدرش را بخواهد محمدﷺ فرمود اطاعت شوهر خود بکن بعد آن مریض فوت شد زن باز از محمدﷺ اجازه خواست محمدﷺ فرمود: اطاعت شوهر خود را بکن پدرش دفن گردید. محمدﷺ به آن زن احوال فرستاد که به سبب اطاعت شوهر خود الله ﷻ پدرت را عفو نمود.

فرمان نبی کریمﷺ است که وقتیکه زن نماز پنجگانه را ادا نمود. روزه ماه رمضان را گرفت. حفاظت عصمت خود را کرد و اطاعت شوهر خود را نمود. در بهشت پرودگار خود داخل گردید.

در حضور نبی کریمﷺ یاد آوری از زنها شد او ﷺ فرمود: زنهای حامله. اطفال زاییده گان. شیر دهنده گان به اطفال خود و آنهائیکه بر اولاد خود رحم و شفقت دارند. اگر نافرمانی شوهران خود را نکنند. در آنانیکه نماز گذاران هستند به جنت داخل می گردند.

ارشاد نبویﷺ است که: جهنم را دیدم اکثر باشندگان او زنها بودند. صحابه عرض کردند یا رسول اللهﷺ چرا؟ اوﷺ فرمود: زنها لعنت زیاد می گویند و نافرمانی شوهران شان را می کنند. در حدیث دیگری آمده است که: به جنت نظر کردم در آن زن ها بسیار کم بودند پرسیدم زن ها کجا هستند؟ جبریل امین فرمود: آنها را دو چیز سخت مصروف کرده اند طلا و زعفران یعنی زیورات طلا و لباس ابریشمی.

از عائشهؓ روایت شده که زنی جوان در خدمت محمدﷺ عرض کرد من زن جوان هستم برایم بگوید که بر زن شوهر کدام حقوق دارد؟ او ﷺ فرمود: اگر شوهر از سر تا پا زیم

(c) ketabton.com: The Digital Library

و زرد آب شود و زن آنرا به دهن خود کش کند باز هم حق شوهرش را ادا کرده نمی تواند او پرسید آیا عروسی نکنم؟ محمد ﷺ برایش فرمود: عروسی بکن زیرا که درین فائده تو است.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که زنی از قبیله بنوخثعم در خدمت پیامبر ﷺ حاضر گردید و عرض کرد. عروسی نکرده ام ولی میخواهم عروسی کنم شوهر چه حقوق دارد؟ او ﷺ برایش فرمود: بر زن شوهر حقوق دارد هنگامیکه شوهر اراده جماع کند اگر زن به شتر هم سوار باشد باید پایین شود و اراده شوهرش را پوره سازد بدون اجازه شوهر باید چیزی ندهد و اگر بدون اجازه شوهر چیزی را داد گناهگار می شود و ثواب همان چیز به شوهر می رسد. زن بدون اجازه شوهر روزه نفلی نگیرد و اگر او همین کار را کرد بدون کمانی کردن گرسنگی و تشنگی نصیب اش ثواب نمی گردد. و روزه او قبول نمی شود و اگر بدون اجازه شوهر از خانه خارج گردد تا عودتش باز به خانه شوهرش مورد لعنت فرشتگان قرار می گیرد.

مرتبه و منزلت شوهر:

نبی کریم ﷺ می فرماید: اگر کسی را حکم سجده کردن به کسی می دادم به زن حکم می کردم که به شوهر خود سجده کند زیرا حقوق شوهر بر زن خیلی زیاد است.

فرمان نبوی است که: زن هنگامی که داخل خانه باشد خیلی نزدیک به پروردگار می باشد. و نمازش در خانه از نمازش در مسجد ثواب زیاد دارد و نماز در داخل خانه از نماز صحن. زیاد زیاد بهتر و افضل است. لهذا نبی کریم ﷺ فرموده است: زن تماماً عریان است زمانیکه از منزل خارج می شود شیطان نگاه می کند. همین طور فرموده است: برای زن ده قسم عریانی است: زمانیکه او عروسی کند شوهرش یک نوع اورا مستور می سازد و زمانکیه فوت شود قبر عریانی او را مستور می سازد.

بر زن شوهر حقوق زیادی دارد از آن دو نوع زیاد مهم است یکی حفاظت بدن ودوم بدون ضرورت خواستن چیزهای دیگر. از فایده و متاع نا مشروع شوهر خود را محفوظ نگهداشتن. این عملکرد زنان اهل زمانه گذشته بود زمانیکه مرد بخاطر پیدا کردن رزق و روزی خارج می رفت زن برایش می گفت: از حرام پرهیز نماید زیرا که مایان گرسنگی و تشنگی را متحمل می شویم ولی آتش جهنم را تحمل کرده نمی توانیم.

در زمان گذشته شخصی به سفر رفت همسایه گان او این سفرش را خوش ننمود و به زنش گفتند چطور به سفرش راضی شدی؟ در حالیکه برایت هیچ چیز مصارف خانه و خوراکه را نگذاشته. زن برایشان گفت: از زمانیکه او را می شناسم او زیاد می خورد ولی رزق

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمی دهد رازق الله ﷻ است اگر شخصی خوراکی رفت چه باکی دارد ذات رزاق موجود است او کدام جای نمی رود دائم الوقت حاضر و ناظر است.

روایت است که رابعه بنت اسماعیل به حضرت احمد بن ابی الحواء پیام عروسی فرستاد ولی او بخاطر عبادت عروسی را خوش نکرد و جواب نفی داد که من د رعبادت مشغول هستم و با نکاح شوق و رغبت ندارم. رابعه برایش گفت تو به این سبب همراهم عروسی کردن نمی خواهید که ترا از عبادت دور نمایم بلکه من از شوهر سابقه ام مال زیاد به میراث گرفته ام می خواهم که این مال را به برادران نیک و صالح تان مصرف کنم و به سبب تو برادران نیک تانرا شناسائی کنم و بخاطر خدمت شان راه راست الله ﷻ را حاصل کنم.

احمد رحمة الله فرمود من از شیخ خود اجازه می خواهم او به شیخ خود حضرت ابوسلیمان درانی رحمة الله آمد روایت است که شیخ سلیمان مریدان خود را از ازدواج کردن منع ساخت و می گفت: هر کسی که از رفقای مایان ازدواج نموده، حالت شان تغیر خورده. زمانیکه او سخنان رابعه را شنید برایم گفت همرایش ازدواج کن به الله ﷻ سوگند می خورم که ولی هست زیرا اینطور سخنان را صدیقین می گویند.

احمد می گوید من با رابعه ازدواج کردم در خانه ام بدون کاسهٔ گیلی چیز دیگری نبود که در آن بعد از خوردن طعام دست هارا می شستم وشکست وغیر ازآن اشنان بود که او نام نباتی (بوته) است که به عوض صابون بخاطر نظافت و پاکی استعمال می گردد. احمد می گوید: بعد از آن با سه زن دیگر نیز ازدواج کردم رابعه مرا طعام خوب می داد و مرا خوشبو می کرد و برایم می گفت به خوشی و قوت بسوی زنها بروید در شام رابعه طوری شهرت داشت چنانچه رابعه عدو در بصره شهرت داشت. بر زن لازم است که مال شوهر خود را ضایع نکند بلکه او را نگهداری و حفاظت اش نماید.

حدیث نبوی است که برای زن این کار حلال و روا نیست که بدون اجازه شوهر از مال او چیزی بخورد صرف آن چیزی را خورده می تواند که بیم خرابی و نابودی آن می رود.

اگر زن به اجازه شوهرش چیزی بخورد هر دو در ثواب آن یکسان است و اگر بدون اجازه شوهرش چیزی بخورد زن گناهگار می شود و به شوهر ثواب داده می شود. اولاد بر والدین حق دارد که دختر خود را تربیه خوب بدهند تا با شوهرش زندگی خوب سپری نماید و حقوق او را بشناسد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

چنانچه روایت است که اسماء بنت خارجه الفزاری در وقت عروسی دخترش به او گفت حالا تو ازین خانه می روی و به بستری می روی که با او هیچگاه آشنایی و الفت نداشتی تو برای شوهر خود زمین شو او برایت آسمان می شود تو برایش کنیز شوی او برایت غلام می گردد از او خود را دور نساز ورنه او هم از تو دور می شود و ترا فراموش خواهد کرد. حفاظت چشم، گوش و بینی او را حفاظت کن که بدون خوشبوی معطر تو پشت (عقب) خوشبویی دیگر جستجو ننماید از سخنان خوب چیزی دیگر ازتو نشنود و برای دائم برایش خوب و زیبا آشکار شوی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و ششم

در بیان فضیلت جهاد

ارشاد الله ﷻ است که: ﴿ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ ﴾[1]

ترجمه: جز این نیست که مومنان کامل آنان اند که یقین کردند به الله و رسول او باز شک نیاورند و جهاد کردند به مالهای خود و نفس های خود در راه الله آن جماعه ایشان اند راستان.

حضرت لقمان بن بشیر ﷺ می گوید که با پیامبر ﷺ بودم از شخصی شنیدیم بعد از اسلام آوردن تمنای عمل دیگری را ندارم جز اینکه به حجاج بیت الله الحرام آب بدهم شخصی دیگری گفت که مرا بعد از اسلام آوردن تمنای عمل دیگری نیست جز اینکه خدمت بیت الله شریف را بکنم شخصی دیگری گفت: ازین کارها برایت جهاد کردن افضل و بهتر است. عمر ﷺ آنها را توبیخ کرد که در نزد منبر رسول الله ﷺ آواز خودرا بلند نسازید. روز جمعه بعد از ادای نماز جمعه در خدمت محمد ﷺ حاضر شدم و درین مساله استفسار نمودم که آنها در آن اختلاف می کردند درین زمان الله ﷻ این ایت شریف را نازل کرد که: ﴿ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَجَٰهَدَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾ ﴾[2]

ترجمه: آیا گردانیده اید آب دادن حاجیان و آبادی مسجد حرام را برابر با اعمال آن کس که ایمان آورده به الله و بروز آخر و جهاد کرده در راه الله برابر نیستند نزد الله و الله راه نمی نماید گروه ظالمان را.

از عبدالله بن سلام ﷺ روایت است که مایان چند نفر با هم نشسته بودیم می گفتیم اگر می دانستیم که کدام یکی از اعمال بهتر و به الله ﷻ محبوب است آنرا اولتر انجام می دادیم برین سخن مایان این آیت شریف نازل گردید:

---

[1] (الحجرات ۱۵)
[2] (التوبة ۱۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ ﴿٤﴾

ترجمه: به پاکی یاد می کند الله را آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت ای مومنان چرا می گوید آنچه نمی کنید بزرگ است از روی خشم نزد الله آنکه بگوید چیزی را که نمی کنید به تحقیق الله دوست می دارد آنان را که جنگ می کنند در راه او صف زده گویا ایشان دیواری آمیخته با سرب اند.

در یک روایت آمده است که شخصی به محمد ﷺ گفت: ای رسول خدا مرا عملی تعلیم ده که با جهاد برابر باشد محمد ﷺ برایش فرمود: اینطور عملی را نمی بینم که با جهاد یکسان باشد باز فرمود: آیا توان این کار را داری زمانیکه مجاهد به جهاد حرکت می کند تو به مسجد بروی و در آنجا به عبادت مشغول شوی و بدون توقف عبادت پروردگار را کنی و دائم الوقت روزه بگیری و هیچگاه افطار ننمای او عرض نمود یا رسول الله ﷺ آیا کدام کسی توان این را دارد؟ از ابو هریره ﷺ روایت است که یکی از اصحاب محمد ﷺ از درهٔ عبور کرد که در آنجا چشمه های آب شیرین بود او گفت: من دور از مردم اینجا عبادت پروردگار را میکنم و همچنان زندگی می نمایم لیکن بدون اجازه محمد ﷺ هر گز این کار را نمی کنم او به محمد ﷺ آمد و عرض کرد که اجازه زیستن در آنجا را بدهید. محمد ﷺ برایش فرمود این کار را نکنید زیرا جهاد در راه الله ﷻ از ادا کردن هفتاد سال نماز و خانه بهتر است آیا این کار را خوش ندارید که الله ﷻ تو را معاف کند و داخل بهشت گرداند؟ در راه الله ﷻ جهاد کنید کدام شخص به اندازهٔ دوشیدن شتر جهاد نماید برایش جنت واجب می گردد.

زمانیکه محمد ﷺ اجازه گوشهٔ نشین را به صحابی نداد در حالیکه شوق عبادتش مسلم بود تقوی و پرهیزگاری آنها از شک و شبهه بلند تر است بلکه ترغیب جهاد را داد لذا برای مایان ترک کردن جهاد چگونه مناسب است در حالیکه حسنات مایان کم و سئیات مایان زیاد است غذای حرام و مشتبه را می خوریم نیات و عزائم ناپاک هستند.

الصف ۱-۴

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارشادنبی کریم ﷺ است که مثال مجاهدین راه الله ﷻ مانند روزه داران، عبادت گذاران با خشوع و خضوع و قیام کننده گان و رکوع کننده گان و سجده کننده گان هستند الله ﷻ می داند که چه کسانی در راه او جهاد می کنند.

حدیث نبوی ﷺ است کسیکه برین راضی باشد که الله ﷻ رب ماست اسلام دین ماست ومحمد ﷺ رسول ماست برایش دخول جنت واجب است. ابوسعید خدری ﷺ این سخن خوشش آمد عرض نمود یا رسول الله ﷺ این سخن را باز تکرار کن رسول کریم ﷺ باری دیگر این را تکرار نمود باز فرمود عمل دیگری هم است که به سبب او الله ﷻ صد درجه بنده خود را بلند می سازد و در میان هر درجه مسافهٔ به اندازهٔ آسمان و زمین می باشد ابو سعید خدری ﷺ عرض کرد یا رسول الله کدام عمل است او ﷺ فرمود در راه الله ﷻ جهاد کردن است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و هفتم
در بیان فریب شیطان

شخصی به حسن رحمه الله عرض کرد که آیا شیطان خواب می شود؟ او خنده نمود و گفت: اگر او خواب می شد ما مستریح می شدیم ازین معلوم می شود که نجات یابی از شیطان کاری مشکلی است البته برای دور کردن از خود وضعیف نموده او راه است: فرمان نبوی است که شخصی دوست شیطان را طوری ذلیل و خوار می سازد مانند شتری که در سفر طولانی ذلیل و خوار می شود. قول ابن مسعود رضی الله عنه است که شیطان نرم، نحیف و لاغر می باشد.

قول قیس بن الحجاج است که مرا شیطانم گفت: زمانیکه در بدنت داخل شدم مانند شتری چاق بودم و حالا مانند پرنده هستم برایش گفتم چرا؟ شیطان گفت: مرا به ذکر الله ﷻ لاغر و نحیف کرده اید برای انسان متقی مسدود کردن راه های ظاهری انسان و مراقبت کردن آن راهها که انسان را به طرف گناه روان می کند اینقدر مشکلی نبود برای شان آن راههای خفیهٔ شیطانی باعث لغزش گردیده بود که در قلب کلکین های آن باز می گردد زیرا که در قلب راههای زیادی انسان وجود دارد و راه فرشتگان صرف یکی است و این راه هم در راههای دیگر خلط گشته است، مثال بنده طوری است که یک مسافر در جنگلی ناپدید و گم گردد که در آن راههای زیادی باشد شب تار و سیاه برآن پیچیده باشد لذا بدون چشم ها با بصیرت و آفتاب درخشان راه دائمی یابد اینجا مطلب از چشم ها با بصیرت قلب پاک و صفا و از آفتاب درخشان آن علم مقدسی است که از کتاب الله ﷻ و سنت پیامبر ﷺ اخذ گردیده باشد به سبب آن انسان خود را از راههای تاریک نجات داده می تواند ورنه شب تاریک است و راههای بی حساب.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که روزی محمد ﷺ در پیش ما یک خط کشید و فرمود: این راه الله ﷻ است باز به طرف راست و چپ این خط خطهای زیاد را کشید و فرمود این راههای است که بر هر کدام آن شیطان نشسته است و مردم را به طرف خود دعوت می کند باز نبی کریم ﷺ این آیت شریف را تلاوت کرد که: ﴿ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِۦ ﴾[1]

(الأنعام ۱۵۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: به تحقیق این راه مستقیم من است پس پیروی این راه را کنید و از راه های دیگر را پیروی مکنید. پس آن راهها شمارا از این جدا می سازد.

اکنون ما مثال راه واضح را بیان می داریم که بخاطر رفتن بر آن بعضی اوقات انسان مامور می شود و این همان مثالی است که نبی کریم ﷺ بیان کرده است او این است که در بنی اسرائیل راهبی بود شیطان عزم یک دختری کرد و او را به یک مرض مبتلا ساخت و در قلب آن دختر وسوسه انداخت که علاج این مرض را راهب می کند پدرش دختر خود را گرفته پیش راهب آمد ولی راهب از نگهداری دختر با خود امتناع ورزید او بسیار عذر و زاری نمود بالآخره راهب راضی گردید که با خود نگاه کند زمانیکه دختر با راهب ماند شیطان دختر را به راهب خیلی حسین و جمیل آشکار کرد تا که راهب با دختر زنا کرد و او حامله گردید شیطان در قلب راهب وسوسه ایجاد کرد که اگر پدر دختر در چنین حالت بیاید و دختر خود را ببیند تو شرمنده می شوی لهذا او را قتل کن اگر او از تو بپرسد بگو که فوت شد راهب دختر را قتل کرد و در جای آنرا دفن نمود. از طرف دیگر شیطان در قلب پدر و مادر دختر وسوسه ایجاد کرد که دختر از راهب حمل گرفته و اورا قتل نمود و در جای او را دفن کرد آن مردمان طرف راهب آمدند و در مورد دختر پرسان کردند راهب گفت: او فوت شد آنها راهب را گرفت تا در بدل دختر به قتل برسانند درین اثناء شیطان طرف راهب آمد و برایش گفت: من همان شخص هستم که دختر را مریض ساختم و در قلب پدر دختر انداخته بودم پیروی مرا بکن که ازین مشکل ترا نجات بدهم راهب گفت: چطور کنم؟ شیطان برایش گفت برایم دو سجده کن راهب برایش دو سجده کرد شیطان برایش گفت: حالا از تو بزار هستم این همان سخن است که در ارتباط او الله ﷻ فرموده است که: ﴿ كَمَثَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَٰنِ ٱكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّنكَ ﴾

روایت است که شیطان از امام شافعی پرسید شما در بارهٔ آن ذات که مرا خلق کرد و طبق میل خود مرا استعمال نمود سپس اگر بخواهد یا در جنت مرا داخل نماید و یا هم در جهنم بیندازد آیا او درین عمل خود عادل است و یا ظالم؟ امام شافعی درین امر تامل کرد و فرمود: ای شخص! اگر ترا آن ذات طبق میل خود پیدا نموده است واقعاً بالای تو ظلم نموده و اگر او ترا به منشا خودت خلق نموده دیگر در باره آن ذات پرسان نمی شود که او انجام می

(الحشر ۱۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

دهد و نه از او پرسان کرده می شود. به شنیدن این جواب شیطان حرکت کرد تا که بلکل گم شد. باز گفت ای شافعی! به الله سوگند که برین منوال هفتاد هزار عابد را از دفتر عبودیت خارج کرده ام و به راه بی دینی سوق نموده ام این روایت هم است که شیطان ملعون پیش روی عیسی علیه السلام آمد و او را حکم خواندن کلمه طیبه کرد عیسی علیه السلام برایش گفت این کلمه حق است ولی به حکم تو نمی خوانم زیرا که شیطان مانند بدیها و سیئات در حسنات مردم هم اشتراک و مداخلت میکند بدین ترتیب آن عابد. زاهد و مردم دیگر را در هلاکت می اندازد از بدی و شر شیطان کسی در امان می ماند که الله ﷻ حفاظت او را بکند ای الله ﷻ مایان را هم از مکر و فریب شیطان محفوظ بساز.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و هشتم

در بیان استماع ساز و سرود

قاضی ابو الطیب الطبری از امام شافعی، امام ابوحنیفه، امام مالک، سفیان ثوری و از طایفه علماء کرام چنین الفاظی را نقل کرده است که این حضرات به عدم جواز سماع قائل بودند.

امام شافعی در کتاب خود اداب القضا گفته است غناء ساز و سرود کار نامناسب و مکروه و بدی است کسی در آن مشغول باشد آن یک شخص بیهوده است و شهادت او پذیرفته نمی شود. قاضی ابو طیب رحمه‌الله گفته است آنچه مذهب امام شافعی گفته است که شنیدن از زن نامحرم اگر او در حجاب باشد یا بدون حجاب آزاد باشد یا کنیز نارواست قاضی صاحب این قول امام شافعی را نقل نموده است اگر مالک کنیز مردم را بخاطر شنیدن آن جمع نماید آن جاهل است و شهادت آن مردود است.

او می نویسد که امام شافعی خارج شدن آواز از میان دو چوب را مکروه پنداشته و می فرمود: این کار را مردم بی دین ایجاد کرده است. تا بدین وسیله توجه مردم را از قرآن کریم بگرداند. قول امام شافعی است که به اساس وارد نهی در حدیث شریف در همه حالات ساز و سرود نرد بسیار زیاد بد می بینم. من بازی شطرنج را مکروه می پندارم و هر بازی را بازی می بینم زیرا که این روش مردم دیندار و متقی نیست.

امام مالک از شنیدن ساز منع فرموده است و او گفته کسیکه کنیز را خرید و برایش معلوم گردید که کنیز سازنده است پس حق مسترد کردن آنرا دارد. بدون ابراهیم. سعد مذهب تمام اهل مدینه این بود امام ابوحنیفه رحمه‌الله ساز وسرود را مکروه پنداشته و شنیدن نرد را گناه دانسته. مذهب تمام علماء کرام کوفه مانند سفیان ثوری شیخ حماد ابراهیم شعبی و غیره همین بود. همه روایت فوق الذکر را قاضی ابو الطیب طبری نقل کرده است.

دلایل جواز ساز و سرود:

ابو طالب مکی از طائفه جواز ساز را نقل کرده است و این قول را هم آورده که عبدالله بن جعفر و عبدالله بن زبیر مغیره بن شعبه و معاویه رضی الله عنهم هم همین کار را مکروه دانسته ولی این روایت کاملاً غلط است. در کتاب های معتبر و معتمدین این چنین روایت وجود ندارد ابو

(c) ketabton.com: The Digital Library

طالب مکی این هم گفته است که در سلف الصالح از صحابه کرام و تابعین طایفه بزرگی سماع را مباح گفته است.

و در این عصر در مکه مکرمه در روزهای بهتر و افضل سال مردم ساز و سرود می شنوند و مطلب از روزها بهتر سال روزهای است که در آن الله ﷻ به بندگان خود حکم عبادت و ذکر کرده است چنانچه ایام تشریق و غیره. و تا عصر مایان مردم مدینه منوره هم سماع را می شنویدند.

ابو مروان القاضی را در حالت دیدم که همراه او چند دختر موجود بود و به مردم ساز و سرود را تقدیم می کرد قاضی این دختران را برای صوفیای کرام نگه داشته بودند. او فرمود که همراه عقا رحمة الله دو دختر بود و برادرش موسیقی می شنید. از ابوطالب کسی این قول را هم نقل کرده است که به ابوالحسن بن سالم گفته چرا از شنیدن سماع انکار میکنید در حالیکه جنید و سری مقطعی و ذوالنون سماع را می شنیدند. او گفت من چرا از سماع انکار کنم در حالیکه شخص که از من بهتر است سماع را شنیده و اجازه داده است مانند عبد الله بن جعفر که او سماع را می شنید.

در سماع حروف لهو و لعب ممنوع قرار داده است از یحیی بن معاذ روایت است او گفت مایان به چیزی را گم کرده ایم و باز او را نیافته ایم و به مرور زمان او گم شده میرود چهره های زیبا که پاک باشند. سخنان راست و صادق که در آن امانت باشد. برادر بهتر و خوب که در آن وفا باشد در بعضی کتاب ها همین سخن بعینه از حارثه المحاسبی منقول گردیده در آن با وجود زهد پاکی و تلاش او در معاملات دینی او هویدا می گردد او به جواز سماع قایل بود.

تاکید ابن مجاهد در باره سماع:

طریقه ابن مجاهد این بود که دعوت فارغ (خالی) از سماع را نمی پذیرفت مردم زیادی این سخن را بیان نموده است که مایان بدعوتی رفتیم در آنجا ابن بنت منیع، ابو بکر بن داود و ابن مجاهد موجود بودند با زمحفل سماع شروع گردید.

ابن مجاهد و ابن بنت منیع را برین وادار می ساخت که به شنیدن سماع ابن داود آماده شود ابن داود گفت: پدرم این عمل مکروه می دید و من هم به مذهب پدرم هستم ابوالقاسم بنت منیع برایش گفت پدر کلانم احمد بن بنت منیع در باره احمد بن صالح گفته است پدرش قول ابن الخبازه را گوش می گرفت بر شنیدن این سخن ابن مجاهد به ابن داود گفت مرا بگذار سخن پدر کلانت را قبول کن ای ابوبکر مرا بگو اگر کسی شعر خواند آیا او کار بدی کرد؟

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابن داود گفت: نه خیر ابن مجاهد گفت اگر از شعر خواندن حروف مقصور را ممدود و حروف ممدود را مقصور بخواند آیا این کار برایش حرام است؟ ابن داود گفت من به یک شیطان تسلط نمی یابم چطور میتوانم که با دو شیطان مقابله بکنم.

ابن عسقلانی رحمه‌الله و سماع:

ابو الحسن عسقلانی رحمه‌الله سید اولیاء بود سماع را می شنید و در وقت شنیدن سماع در جذب و شوق میآمد او درین مورد کتابی نوشته کرده که درآن رد به منکرین سماع است همچنان رد منکرین سماع طایفه بزرگی کتاب های خود را نوشته است از جمله مشایخ او یک روایت شده که ابو العباس خضر علیه السلام را دید و از آن پرسید که در مورد سماع چه نظر دارید خضر علیه السلام گفت سماع چیزی خوش مزه صفا و خوبی است برین بدون علماء قدم های دیگران ثابت نمی شود.

از ممشاو دینواری روایت است که من نبی کریم ﷺ را در خواب دیدم و از آن ﷺ پرسیدم آیا شنیدن سماع را خوش دارید؟ آن ﷺ گفت سماع می شنوم و یکی از آنها را بد نمی بینم لیکن به او بگویدکه شروع سماع به قرآن کریم بکن و ختم آن هم به قران کریم بکن از طاهر بن بلال همدانی الوراق منقول است که من در لب دریا در مسجد جامع معتکف بودم روزی طایفه از مردم را دیدم که اشعار میخواندند و مردمان دیگر آنرا می شنیدند. برین بسیار آزرده و خفه شدم در دلم گفتم که آنها در خانه الله علیه السلام اشعار مخوانند. او میگوید در همین شب پیغمبر را در خواب دیدم آن ﷺ نشسته بود در جوار آن ﷺ ابوبکرصدیق رضی الله عنه نشسته بود. ابوبکر صدیق رضی الله عنه چیزی می خواند ومحمد ﷺ او را گوش گرفت آن ﷺ مانند وجد کنندگان دست خودرا بر سینه اش نهاده بود. درآن وقت گفتم برایم مناسب و روا نبود تا در مورد آن طایفه که محل سماع را ساخته بود نفرت ببرم.

پیامبر ﷺ به من متوجه گردید و گفت این همراه حق، حق است و یا از حق حق است از یادم رفت که محمد ﷺ ازین دو سخن کدام یکی را بمن گفت.

قول جنید رحمه‌الله است که برین طایفه در سه مکان رحمت الهی نازل میگردد در وقت خوردن، زیرا که آنها بدون ناقه چیز ی‌دیگری نمی خورند در وقت سخن گفتن زیرا که آنها از مقامات صدیقین چیزی دیگری را نمی گویند و در وقت سماع زیرا که آنها این عمل را به بسیار جذبه و شوق می شنوند و شهادت حق میدهند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ابن جریج رحمه‌الله جواز سماع را میداد از او پرسیده شد این کار روز قیامت در حسنات حساب می شود یا در سئیات او گفت: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾

ترجمه: نمی گیرد شما را الله ﷻ به لغو در سوگند های تان.

ما که در فوق کدام اقوال ذکر کردیم این مجموع اقوال مختلف است کدام شخصی که بطور مقلید جستجوی حق را دارد درین اقوال تعارض می بیند و به این ترتیب با حیرت مواجه می شود و به طبق خواهش خود کدام قول را می پذیرد ولی هردوی آن غلط است. بلکی برای هر شخص سزاوار است که جستجوی حق را به طریقه درست بکند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب نود و نهم

در بیان پیروی و متابعت خواهشات و بدعات

ارشاد نبی کریم ﷺ است خود را از محدثات (ایجاد کننده) محفوظ بدارید زیرا هر کار نو بدعت است و هر بدعت گمراهی است و هر گمراهی موجب آتش است حدیث نبوی است هر کسیکه در دین چیزی نو را پیدا نمود آن چیز مردود است ارشاد دیگری است که بر شما پیروی راه من و خلفای راشدین لازم و حتمی است ازین احادیث بطور آشکار و واضح می گردد هر سخنی که مخالف کتاب الله ﷻ و سنت رسول الله ﷺ و اجتماع امه باشد او بدعت و قابل پذیرش نیست.

ارشاد نبوی ﷺ است کسیکه طریق خوب و عمده را جاری نمود او را به این سبب اجر و پاداش داده می شود و تا روز قیامت کدام مردمیکه به آن عمل بکنند به او ثوابش میرسد و کسیکه طریقه غلط و بدل را جاری نمود تا روز قیامت گناه عاملین آن برایش می رسد.

حضرت قتاده ﷺ در مورد این قول الله: ﴿وَأَنَّ هَـٰذَا صِرَٰطِى مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ﴾[1]

ترجمه و هر آئینه این راه من است (راه) راست پس پیروی کنید آن راه راست.

در تفسیر این آیت می نویسد بدانید که راه صرف یک راه است که بنیادش هدایت و بر آن حرکت کردن موجبه جنت است و شیطان راه های مختلف را ساخته است که بنیادش مکر، فریب و گمراهی است و بر آن رفتن، رفتن به دوزخ است.

از ابن مسعود ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ خطی را بدست های خود کشید و فرمود این راه مستقیم الله ﷻ است. باز بطرف راست و چپ این خط خط های دیگری را کشید و گفت این راه های شیطان است که مردم را به سوی خود دعوت میکند باز محمد ﷺ آیت فوق الذکر ﴿وَأَنَّ هَـٰذَا صِرَٰطِى مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ﴾[2] را تلاوت نمود. قول ابن عباس ﷺ است که این راه های گمراهی است. قول ابن عتیه است که این خط ها که محمد ﷺ آنرا کشید راه های یهود ونصاری ومجوس باطل پرست است. مبتدعین ونفس پرستان است.

---

[1] (الأنعام ۱۵۳)

[2] (الأنعام ۱۵۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حدیث نبوی است که کسیکه از سنت من اعراض نمود او از جمله من نیست قوم هر نبی که در دین نبی خود کدام بدعات را ایجاد نموده اند به همان اندازه سنت آن پیامبر را ضایع ساخته اند.

حدیث نبوی است که از همه سخن اصل و عمده کتاب الله است و از همه هدایت، هدایت عمده محمد ﷺ است. از همه بدترین چیزها بدعات است. وهر بدعت گمراهی و ضلالت است من بر شما از گمراهی هایتان عورت هایتان و شهوت گمراه کننده تر نمی ترسم. بلکه شما خودرا از هر قسم بدعت محفوظ بدارید زیرا که هر بدعت گمراهی است.

حدیث نبوی است که الله از هر مبتدع پنهان می شود تاکه او آن بدعت را ترک نکرده باشد. حدیث نبوی است که الله ﷻ از هر مبتدع روزه، حج، زکات، عمره، جهاد، انصاف اورا نمی پذیرد. و ایمان از بدعتی طوری خارج می شود مانند خارج شدن موی از خمیر من شمارا بدین واضح و آشکار می گذارم که شب و روز او یکسان است از اینکه هر کس اعراض کند هلاک می شود. و برای هراست وزندگی امتی است و برای هر امت یک سنت است امت که بسوی سنت من باشد او هدایت حاصل کرده است کدام شخص که بسوی دیگر رفت او هلاک گردید.

من بر امت خود از سه چیز خطر ناک است می ترسم: لغزش علما، مطابق خواهشات تقلید و حاکم ظالم.

بدی آلات لهو ولعب:

در بخاری شریف آمده است که پیامبر ﷺ فرمود کدام شخص که به رفیق خود گفت بیاید قمار بزنیم اوباید بنام الله ﷻ صدقه بکند. روایت مسلم ابوداؤد و ابن ماجه است. نبی کریم ﷺ فرمود: کسیکه باری نرد کرد گویا او دست خودرا در گوشت وخون خنزیر داخل نمود.

روایت احمد و دیگران است که مثال شخص که بازی نرد بکند و باز به نماز ایستاد شود مانند شخص است که او به ریم و خون خنزیر وضو می نماید. باز او به نماز ایستاد می شود نمازش قبول نمی شود.

در روایت بیهقی می آید که نبی کریم ﷺ در جوار مردمی عبور کرد که بازی نرد را می کردند محمد ﷺ فرمود: قلب ها غافل است. دست ها کار می کند. و زبان ها سخنان بیهوده را میگویند دیلمی روایت منقول نموده است محمد ﷺ فرمود شما که در جوار مردم عبور بکنید که به تیر، فال و بازی شطرنج، نرد و چیزهایکه با آن مشابهت دارد و حرام گردانیده شده مصروف میباشند با آنها سلام ندهید و اگر آنها سلام داد شما جواب سلام را ندهید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

فرمان نبوی است که سه چیز قمار است: بازی های مشروط با تیرهای خورد و کوچک قمار نمودن، و کبوتر پرواز دادن است.

علی ﷺ از جوار مردمی عبور کرد که مصروف بازی شطرنج بودند آن ﷺ برایشان گفت این چهره ها هستند که او را اعتکاف میکند. برایتان به این چیزها دست نهادن خوب است که بدست های خود اخگر (آتش) را بگیرید تا زمانی آنرا بگیرید که خاکستر شده باشد. باز برایتان فرمود به الله ﷻ سوگند که شما برای کاری دیگر خلق گردیده اید.

ارشاد مبارک نبی کریم ﷺ است که بازیگران شطرنج بسیار کاذب و دروغگو میباشند یکی از آنها میگوید من کشته ام و دیگری میگوید من قتل کرده ام و در حالیکه آنها هیچ کسی را قتل نکرده باشد.

ابو موسی ﷺ فرمود صرف مردم گناهگار بازی شطرنج می نمایند این را به یاد داشته باشند که آلات موسیقی مثل ساز (تنبور، رباب، چرک) و هر آن سازیکه به آواز سازنده هم آهنگ باشد مکروه است. و این آن سازهای است که در موسیقی کیفیت طرب را آشکار بسازد ولی بطور انفرادی از آن کار ساز و سرور گرفته نمی شود مثل، چنگ، دف و غیره شنیدن این آلات ساز و سرود مکروه است ولی بدون ساز و سرود کراهیت ندارد. کدام ساز و سرودیکه جایز است او طوری است که برای نغمه نباشد بلکه برای اعلان استعمال میگردد مثل سورنی (دول) و برای اعلان نکاح زده می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب صدهم
در بیان فضیلت ماه رجب

رجب از ترجیب مشتق است که معنی تعظیم میدهد به رجب هم اسب گفته شده زیرا که درین ماه به توبه کنندگان رحمت الهی نازل می گردد اعمال نیکو صاحبان شان قبول می شود و نوری پروردگار به آنها می بارد رجب را رحم هم گفته شده زیرا که درین ماه جنگ و قتال کارهای غلط محسوس نمی گردد.

یک قول این هم است که رجب نام یک جوی در جنت است که آب او از شیر زیاد خوشمزه و از برف کرده زیاد یخ می باشد آب این جوی را مردمی می نوشند که در ماه رجب روزه می گیرند.

حدیث نبوی است که رجب ماه الله ﷻ است ماه شعبان از من و رمضان ماه من است قول اشخاص رمز شناس است که رجب سه حرف دارد که عبارت از (ر. ج.ب) میباشد مطلب ازان رحمت الهی و از ج جرم و گناه بنده و از (با) مهربانی الله ﷻ گویا الله ﷻ میفرماید که گناهان بنده ام که در رحمت و مهربانی خود می پیچانم.

از حضرت ابوهریره ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرموده کسیکه بتاریخ ۲۷ این ماه روزه گرفت برایش ثواب شصت ماه نوشته می شود این اولین روزی است که جبریل ﷺ به محمد ﷺ پیام آورد و درین ماه محمد ﷺ به معراج رفت.

فرمان نبوی است که باخبر باشید که رجب ماه مهم الله ﷻ است کسیکه به نیت ثواب روزه گرفت آن رضای الله را بر خود واجب کرد.

گفته شده که الله ﷻ در همه ماه ها چهار ماه را زیبای داده است:

۱- ذوالقعده.

۲- ذوالحجه

۳- محرم الحرام

۴- رجب زیرا ارشاد الهی است که ﴿ مِنْهَآ أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ﴾[1]

ترجمه: از آن جمله چهار ماه حرام است.

در آن سه ماه پیوسته و یکی از آن علیحده است و او ماه رجب است.

---

[1] (التوبة: ۳۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکایت:

در بیت المقدس زنی بود که در ماه رجب روزانه دوازده هزار مرتبه سوره اخلاص (قل هو الله احد...) را میخواند درین ماه لباس عادی را می پوشید زمانیکه او مریض شد و به فرزند خود وصیت کرد که وی را کفن از پشم بره بسازد زمانیکه او فوت نمود فرزندش او را در کفن خوب و عمده دفن نمود. شب آن فرزند مادر خود را در خواب دید که برایش میگفت از تو خوش نیستم زیراکه تو خلاف وصیت من عمل نمودی او در حالت بیم و خوف برخاست و آن لباس مادر خود را گرفت که وصیت دفنش در آن نموده بود تا آن لباس را هم در قبر همرای او دفن کند او رفت و قبر مادرش را باز نمود ولی مادرش در قبر وجود نداشت و حیران گردید درین اثنا برایش آواز شد آیا برایت معلوم نیست کسیکه در ماه رجب اطاعت ما را نمود او را تنها نمی گذاریم.

روایت است زمانیکه حصه سوم جمعه اول ماه رجب بگذرد همه فرشته گان برای روزه داران ماه رجب دعا مغفرت میخواهند.

از انس رضی الله عنه روایت شده که نبی کریم ﷺ فرموده است کسیکه در ماه رجب سه روز روزه گرفت برای او ثواب نه سال عبادت نوشته میشود انس رضی الله عنه فرمود هر دو گوشم کر شود که حدیث را از نبی کریم ﷺ نشنیده باشم.

نکته: ماه های حرام چهار است. فرشتگان افضل و بهتر چار است. کتاب های نازل چهار است. اعضاء وضوء چهار است. کلمات بهترین تحیات چهار است. (سبحان الله. والحمدلله ولا اله الا الله و الله اکبر) اصول حساب چهار است یکن دهاً صداً هزاراً. وقتها چهار است ساعت. روز. ماه و سال. فصل های سال چهار است بهار. تابستان. خزان. زمستان. طبایع چهار است حرارت . برودت. یبوست. رطوبت. حکم رانان بدن چهار است صفراء. سوداء. خون. بلغم. خلفاء راشدین چهار است: ابوبکر صدیق. عمرفاروق. عثمان غنی. علی المرتضی. رضی الله عنهم اجمعین.

دیلمی از عائشه رضی الله عنها روایت کرده است که نبی کریم ﷺ فرموده است الله ﷻ در چهار شب باران خیر و برکت میکند شب عید اضحی شب عید فطر شب پانزدهم شعبان. شب اول رجب المرجب.

دیلمی از حضرت ابو امامه روایت نقل کرده است که نبی کریم ﷺ فرمود پنج شب طوری است درآن دعا مسترد نمی گردد شب اول رجب شب پانزدهم شعبان. شب جمعه. و شب های عیدین.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصدو یکم
در بیان فضایل ماه شعبان مبارک

شعبان از شعب مشتق شده، معنی دره زیرا که درین ماه عموماً خیر و برکت نازل میگردد. در این ماه عموماً خیر و برکت نازل می شود زیرا به این ماه شعبان گفته میشود.

از ابو امامه باهلی روایت شده که نبی کریم ﷺ فرموده، زمانیکه ماه شعبان بیاید بدن خود را پاک و نظیف نگهداری کنید و نیات خود را خوب بگیرید.

عملکرد محمد ﷺ:

از عایشه ؓ روایت است که نبی کریم ﷺ روزه میگرفت تا حدیکه ما می گفتیم رسول الله ﷺ هیچگاه افطار نمی نماید باز رسول الله ﷺ روزه را ترک کرد تا اندازه که ما می گفتیم مگر رسول الله روزه نمی گیرد رسول الله ﷺ در ماه شعبان زیاد روزه میگرفت.

در حدیث نسائی از امام ﷺ روایت است که من به محمد ﷺ عرض نمودم که شما در ماه شعبان بسیار زیاد روزه می گیرید رسول الله ﷺ فرمود مردم از ماهای: وسطی رجب و رمضان غافل می شوند در حالیکه این ماههای هستند که درآن ماه بحضور الله ﷻ اعمال مردم تقدیم میگرده لهذا من این کار را دوست دارم که عمل من در نزد الله ﷻ تقدیم می گردد روزه دار باشم. در صحیحین از عائشه ؓ روایت است من بدون ماه مبارک رمضان محمد ﷺ را در ماههای دیگر به روزه گرفتن روزه های مکمل ندیده ام مگر بدون ماه شعبان. در روایت دیگر می آید که رسول الله ﷺ روزه های ماه شعبان را مکمل می گرفت و در یک روایت مسلم آمده است که محمد ﷺ بدون از چند روز از ماه شعبان دیگر ماه را کاملاً روزه می گرفت.

روایت است که برای فرشتگان آسمان.دو شب عید و خوشی میباشد یکی شب برات که شب پانزدهم شعبان است و دیگر شب لیلة القدر، عید سعید فطر و عید اضحی میباشد شب پانزدهم شعبان را شب عید ملائکه یاد می کنند.

علامه شبلی رحمة الله در تفسیر این قول فرموده است که این کفاره گناهان یک سال می گردد. شب لیلة القدر کفاره گناهان همه زندگی می گردد یعنی درین شب عبادت ذکر کردن در این شب کفاره ذنوب و گناهان گفته می شود. و به این شب زندگی عمر گفته می شود زیرا امام منذری این حدیث را مرفوعاً نقل کرده است هر شخصیکه هر دو شب های عیدین و شب پانزدهم شعبان را در عبادت الله ﷻ سپری کرده باشد. در روزیکه قلب های همه مردم می میرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

ولی قلب این شخص نمی مرد این شب را شب شفاعت هم گفته می شود زیرا در حدیث شریف میاید در شب سیزدهم این ماه رسول الله ﷺ برای امت خود طلب شفاعت نمود الله ﷻ برای حصه سوم این امت شفاعت اورا پذیرفت باز محمد ﷺ به شب چهاردهم این ماه برای امت خود طالب شفاعت گردید الله ﷻ برای چهارمین حصه امت محمد ﷺ شفاعت اورا قبول کرد. باز به شب پانزدهم این ماه محمد ﷺ برای امت خود شفاعت نمود الله ﷻ شفاعت همه امت اورا قبول کرد. مرگ کسیکه از رحمت پروردگار مانند شتر دور فرار کرده باشد بطور دائم مرتکب گناهان میگردد این طور شخص محروم شفاعت می گردد این شب را شب مغفرت هم گفته میشود.

از امام احمد رحمة الله روایت شده است که نبی کریم ﷺ فرموده الله ﷻ در شب پانزدهم شعبان به بندگان خود ظاهر می شود و به غیر از دو شخص تمام مسلمانان جهان را معاف میسازد از آنها یکی مشرک دوم حاسد. این شب را شب آزادی هم گفته میشود چنانچه ابن اسحاق از انس ﷺ روایت نقل کرده است که رسول الله به خانه عائشه ﷺ برای کدام کار روان نمودم. به عائشه ﷺ را گفتم مرا زود فارغ نماید زیرا رسول الله ﷺ را در حالت گذاشتم که در مورد پانزدهم شعبان صحبت می کرد. عایشه ﷺ برایم فرمود: ای انس ﷺ بنشین من در مورد پانزدهم شعبان صحبت می کنم شبیکه رسول الله ﷺ با من میگذراند (نوبتم بود) رسول الله ﷺ در خانه ام تشریف آورد. و همرای من در بستر استراحت نمود زمانیکه شب بیدار شدم رسول الله ﷺ در بستر نبود در دل گفتم شاید رسول الله ﷺ به کنیز خود قبطیه رفته باشد از خانه بیرون شدم از مسجد عبور می کردم که پایم به بدن آن حضرت ﷺ رسید رسول الله ﷺ می گفت: جسم و خیال من ترا سجده کرد دلم بر تو ایمان آورد و این دستم است ای رب عظیم همین طور از تو امیدکار عظیم می شود گناهان عظیم مرا معاف کنید روی من ترا سجده کرد که او را خلق کرده اید و در آن گوش ها و چشم پیدا کرده اید باز آن ﷺ سر مبارکش را بالا کرد و فرمود: مرا قلب ترسنده بدهید که از شرک پاکیزه وبری باشد کافر و بدبخت نباشد وی باز به سجده رفت می شنیدم که در آن وقت می فرمود: ای الله ﷻ در رضا تو از نارضای تو پناه میخواهم. به امید عفوت از عذابت پناه میخواهم و به امید تو از گرفتت پناه میخواهم من تعریف کامل و پوره ترا کرده نمی توانم مثلیکه تو تعریف خود را کرده ای من چیزی را می گویم که بنده تو داود ﷺ آنرا گفت: من روی خودم را برای سیّد خود خاک آلود میسازم و سید ما سزاوار و لایق این است که در برابر او روی خاک آلود گردد باز آن ﷺ سر خود را

(c) ketabton.com: The Digital Library

شد. بعضی مردم گفته است که به این ماه به خاطر رمضان گفته میشود که این ماه مقدس گناهان را می سوزاند

فرضیت روزه:

روزه در سال دوم هجرت فرض گردیده و رکن مهم دین است منکر روزه کافر است در احادیث فضایل زیاد روزه بیان گردیده که یکی از آنها طور ذیل است. رسول الله ﷺ فرمود: (ماسکه شب اول رمضان المبارک بیاید همه دروازه های جنت باز میشود و در تمام ماه رمضان دروازه های جنت باز میباشد الله ﷻ به آواز کندگان حکم میفرماید که شما آواز کنید که ای طالبان نیکی متوجه باشید و ای طالبان بدی ایستاد شوید باز او آواز میکشد کسیکه طلبگار مغفرت است مورد مغفرت و بخشش قرار می گیرید. کسیکه خواستگار کدام چیزی است که برایش داده شود. کسیکه توبه کننده است که توبه اش پذیرفته شود.تا صبح همین آواز جریان دارد و الله ﷻ در هر شب عید فطر ده لک مردمی را عفو می کند که مستحق عذاب باشد.

از سلمان فارسی ؓ روایت شده که نبی کریم ﷺ ما را به روز آخر ماه شعبان خطبه داد و فرمود ای مردم به شما ماه بزرگی آمدنی است که در آن لیلة القدر است و او از هزار ماه بهتر است الله ﷻ روزه این ماه را فرض و عبادت شب آن را سنت گردانیده است کدام شخصیکه درین ماه بوسیله کدام نیکی قربت حاصل میکند و او را در ماه های دیگر به اندازه اداء نمودن فرض ثواب را کمائی و حاصل میکند کسیکه درین ماه یک فرض را حاصل کرد او طوری است که در ماهای دیگر هفتاد فرض را حاصل کرده باشد این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر جنت است.

این ماه برادری و همدردی است این ماه است که در آن رزق مومن زیاد می شود کدام کسیکه درین ماه به روزه دار افطاری بدهد به اندازه آزاد کردن یک غلام ثواب داده می شود و گناه آن بخشیده می شود.

ما عرض نمودیم یا رسول الله ﷺ هر یک از مایان توان این را نداریم که به روزه دار افطاری بدهیم رسول الله ﷺ فرمود: الله ﷻ این اجر و ثواب را الله به شخص هم میدهد که به روزه دار یک جرعه آب و یا شیر بدهد الله ﷻ آنرا از حوض من طوری سیراب می سازد که بعد ازان هیچگاه تشنه نمی گردد و به او هم به اندازه روزه دار ثواب و پاداش داده می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکن از اجر روزه دار چیز کم نمی شود این ماه هست که در اول او رحمت و در وسط آن مغفرت و در آخر آن آزادی از جهنم است. درین ماه چهار چیز را زیاد کنید به کردن دو کار رضای الله ﷻ راکسب می نماید و به دو کار برای تان نیازی نیست. آن دو کاریکه به او رب تانرا راضی می سازید او خواند لا اله الا الله و استغفار کردن است و آن دو کاریکه از آن نجات می یابید او از پروردگارتان طلب جنت، و از جهنم پناه خواستن است.

در احادیث فضایل یک این هم است که رسول الله ﷺ فرمود کسیکه به خاطر ایمان داشتن و به نیت ثواب روزه ماه رمضان را گرفت گناهان سابقه و آینده اش عفو می گردد.

نبی کریم ﷺ می فرماید: که الله ﷻ می فرماید: هر عمل انسان برایش میباشد بغیر از روزه بیشک روزه برای من است و یقیناً من جزای او هستم و برایت عبادت کفایت میکند که الله ﷻ بذات خود منسوب نموده است. بوی دهن روزه دار از مشک هم بهتر است نبی کریم ﷺ می فرماید: که در ماه رمضان به امتم پنج چیز داده شده است که قبل ازین به امت های سابقه داده نشده بود. بوی دهن روزه دار به الله ﷻ از مشک هم بهتر است. تا افطاری روزه فرشته گان به او دعا مغفرت میکنند. درین ماه شیطانان سرکش قید میگردد. الله ﷻ هر روز جنت را زیبا میسازد. و ارشاد می فرماید عنقریب بندگان نیکویم در جنت داخل خواهند شد از آنها اذیت و تکلیف دور خواهد شد در شب آخری همین ماه روزه داران بخشیده می شوند عرض شد که یا رسول الله ﷺ آیا مطلب این لیلة القدر است؟ رسول الله ﷺ فرمود: نه خیر بلکه مزدور را پس از مکمل نمودن کارش مزدش داده می شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و سوم

در بیان فضائل لیلة القدر

از ابن عباس ﷺ روایت است که در حضور نبی کریم ﷺ یاد آوری شخصی از بنی اسرائیل شد که هزار ماه در راه خدا الله ﷻ اسلحه بدوش بود رسول الله ﷺ تعجب کرد وبرای امت خود تمنای این طور نیکی را نمود و فرمود یا رب! برای امت من از همه امت ها عمر کم داده ای و در انجام نمودن عمل هم کمتر گردانیده اید. الله ﷻ بعد از تمنا محمد ﷺ شب لیلة القدر را اعطاء نمود که از هزار ماه عبادت بهتر است شب عظیم لیلة القدر یکی از امتیازات این امت است. در یک روایت آمده است که نام این شخص شمعون بود او کاملاً هزار ماه با دشمنان جهاد نمود و هیچگاه زین اسپ او از عرق خشک نگردید الله ﷻ بر او کدام قوت داده بود بواسطه آن دشمنان را مغلوب می ساخت قلبهای دشمنان ضیق شدند آنها به آن زنی قاصد فرستاد و برایش گفتند که اگر شوهرت را بندی نمائید و تسلیم ما کنید ما یک لگن مملو از طلا برایت میدهیم. زمانیکه شوهرش خواب کرد زن شوهرش را به ریسمانی که از پوست خرما ساخته شده بود محکم بسته نمود زمانیکه او بیدار شد خود را حرکت داد ریسمان را قطعه قطعه کرد و خود را خلاص کرد از زنش پرسید چرا اینطور کار کرده بودی؟ زنش برایش گفت: میخواستم اندازه قوت ترا معلوم کنم زمانیکه به کفار معلوم گردید که او ریسمان را قطعه قطعه کرده است کفار زنجیر ضخیم آهنین را به زنش ارسال کرد زن در شب آینده او را به زنجیر بسته کرد لیکن او مانند سابقه زنجیر را هم شکست باز ابلیس به کفار گفت: به زنش بگوئید که از شوهر خود بپرسد که کدام چیز است که او میده کرده نمی تواند زنش پرسید او برایش گفت: من موی خود را قطعه کرده نمی توانم او هژده دانه گیسوان داشت که بر زمین میرسید زمانیکه او خواب شد بچهار گیسو او پاهایش را بسته کرد باز کفار آمدند و او را زنده گرفته و به طرف دار روان نمودند گوش های و لب هایش را قطع کردند در این اثنا به الله ﷻ دعا کرد که او را از چنگال کفار نجات دهد و بر کافران ستون دار را به اندازد الله ﷻ دعا او را قبول نمود و قوت نجات خود را عطاء کرد او که خود را حرکت داد گسیوان او را باز کرد. و ستون دار را حرکت داد همه کافران زیر چت دار گردیدند همهٔ کفار تلف شدند. و بندی نجات حاصل کرد. زمانیکه سخنان نبی کریم ﷺ را شنید فرمود: یا

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسول الله ﷺ آیا ما هم مانند او ثواب را کمائی کرده میتوانیم آن ﷺ فرمود: برایم علیه چنین امری نیست باز رسول الله ﷺ به پروردگار خود دعا کرد الله ﷻ برایش لیلة القدر داد.

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود زمانیکه شب لیلة القدر بیاید جبریل ﷺ به همراه گروهی از فرشتگان نازل می گردد و به هر آن بنده رحمت می فرستند و برایش دعا مغفرت مینماید که در حالت نشستن و قیام نمودن ذکر الله ﷻ را مینماید در شب لیلة القدر رحمت های بی حساب نازل میگردد.

ابو هریره ﷺ میفرماید در شب لیلة القدر فرشتگان بی حساب به زمین فرود میآیند و دروازه های آسمان برایشان باز می گردد چنانچه در حدیث شریف آمده است زمانیکه ملائکه نازل شود نور و روشنائی می درخشد مردم به درجات مختلف کامیاب و فائز میگردند بعضی از مردم طوری میباشند ملکوت آسمان ها به ایشان منکشف می شود فرشتگان را در حالت عبادت می بینند بعضی را در حالت قیام و بعضی شان در حالت قعود بعضی دیگر آنها در حالت رکوع و بعضی را در حالت سجده و بعض آنان مصروف ذکر الهی میباشد. بعضی در فکر و بعضی دیگر آنان در تسبیح و تهلیل مصروف میباشند برای بعض مردم حالت جنت کشف می گردد محلات جنت، حور العین، دریاها درخت ها و میوه های جنت را می بینند و نمایش عرش عظیم پروردگار را می کنند که سقف (چت) جنت است انبیاء اولیاء شهدا و صدیقین مشاهده مکانت را میکنند بعضی مردم طوری هستند که از چشمان شان حجاب بلند می گردد و بدون رب ذوالجلال چیزی دیگری را نمی بینند.

از عمر ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود کدام شخصیکه شب بست و هفتم رمضان از بیگاه تا صبح در عبادت سپری کند او برایم از عبادت همه بهتر است.

فاطمه الزهراء ﷺ عرض کرد ای پدرم مردها و زن های ضعیف چه خواهند کرد که توان قیام را نداشته باشند رسول الله ﷺ فرمود آیا آنها تکیه کرده نمی توانند که این شب را به نشستن بگذرانند و از الله ﷻ دعا بخواهند.

از عائشه ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود کسیکه شب لیلة القدر را در عبادت سپری کرد و دو رکعت نماز در آن اداء نمود از الله ﷻ مغفرت خواست الله ﷻ او را عفو میکند و بر او رحم خود را نازل می نماید. جبریل امین بر او پرهای خود را می مالد کسیکه جبریل امین پرهای خود را بر بمالد او به جنت داخل میگردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و سوم
در بیان فضائل لیلة القدر

از ابن عباس ﷺ روایت است که در حضور نبی کریم ﷺ یاد آوری شخصی از بنی اسرائیل شد که هزار ماه در راه خدا الله ﷻ اسلحه بدوش بود رسول الله ﷺ تعجب کرد وبرای امت خود تمنای این طور نیکی را نمود و فرمود یا رب! برای امت من از همه امت ها عمر کم داده ای و در انجام نمودن عمل هم کمتر گردانیده اید. الله ﷻ بعد از تمنا محمد ﷺ شب لیلة القدر را اعطاء نمود که از هرار ماه عبادت بهتر است شب عظیم لیلة القدر یکی از امتیازات این امت است. در یک روایت آمده است که نام این شخص شمعون بود او کاملاً هزار ماه با دشمنان جهاد نمود و هیچگاه زین اسپ او از عرق خشک نگردید الله ﷻ بر او کدام قوت داده بود بواسطه آن دشمنان را مغلوب می ساخت قلبهای دشمنان ضیق شدند آنها به آن زنی قاصد فرستاد و برایش گفتند که اگر شوهرت را بندی نمائید و تسلیم ما کنید ما یک لگن مملو از طلا برایت میدهیم. زمانیکه شوهرش خواب کرد زن شوهرش را به ریسمانی که از پوست خرما ساخته شده بود محکم بسته نمود زمانیکه او بیدار شد خود را حرکت داد ریسمان را قطعه قطعه کرد و خود را خلاص کرد از زنش پرسید چرا اینطور کار کرده بودی؟ زنش برایش گفت: میخواستم اندازه قوت ترا معلوم کنم زمانیکه به کفار معلوم گردید که او ریسمان را قطعه قطعه کرده است کفار زنجیر ضخیم آهنین را به زنش ارسال کرد زن در شب آینده او را به زنجیر بسته کرد لیکن او مانند سابقه زنجیر را هم شکست باز ابلیس به کفار گفت: به زنش بگوئید که از شوهر خود بپرسد که کدام چیز است که او میده کرده نمی تواند زنش پرسید او برایش گفت: من موی خود را قطعه کرده نمی توانم او هژده دانه گیسوان داشت که بر زمین میرسید زمانیکه او خواب شد بچهار گیسو او پاهایش را بسته کرد باز کفار آمدند و او را زنده گرفته و به طرف دار روان نمودند گوش های و لب هایش را قطع کردند در این اثنا به الله ﷻ دعا کرد که او را از چنگال کفار نجات دهد و بر کافران ستون دار را به اندازد الله ﷻ دعا او را قبول نمود و قوت نجات خود را عطاء کرد او که خود را حرکت داد گسیوان او را باز کرد. و ستون دار را حرکت داد همه کافران زیر چت دار گردیدند همهٔ کفار تلف شدند. و بندی نجات حاصل کرد. زمانیکه سخنان نبی کریم ﷺ را شنید فرمود: یا

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسول الله ﷺ آیا ما هم مانند او ثواب را کمائی کرده میتوانیم آن ﷺ فرمود: برایم علیه چنین امری نیست باز رسول الله ﷺ به پروردگار خود دعا کرد الله ﷻ برایش لیلة القدر داد.

از انس ﷺ روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود زمانیکه شب لیلة القدر بیاید جبریل ﷺ به همراه گروهی از فرشتگان نازل می گردد و به هر آن بنده رحمت می فرستند و برایش دعا مغفرت مینماید که در حالت نشستن و قیام نمودن ذکر الله ﷻ را مینماید در شب لیلة القدر رحمت های بی حساب نازل میگردد.

ابو هریره ﷺ میفرماید در شب لیلة القدر فرشتگان بی حساب به زمین فرود میآیند و دروازه های آسمان برایشان باز می گردد چنانچه در حدیث شریف آمده است زمانیکه ملائکه نازل شود نور و روشنائی می درخشد مردم به درجات مختلف کامیاب و فائز میگردند بعضی از مردم طوری میباشند ملکوت آسمان ها به ایشان منکشف می شود فرشتگان را در حالت عبادت می بینند بعضی را در حالت قیام و بعضی شان در حالت قعود بعضی دیگر آنها در حالت رکوع و بعضی را در حالت سجده و بعض آنان مصروف ذکر الهی میباشد. بعضی در فکر و بعضی دیگر آنان در تسبیح و تهلیل مصروف میباشند برای بعض مردم حالت جنت کشف می گردد محلات جنت، حور العین، دریاها درخت ها و میوه های جنت را می بینند و نمایش عرش عظیم پروردگار را می کنند که سقف (چت) جنت است انبیاء اولیاء شهدا و صدیقین مشاهده مکانت را میکنند بعضی مردم طوری هستند که از چشمان شان حجاب بلند می گردد و بدون رب ذوالجلال چیزی دیگری را نمی بینند.

از عمر ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود کدام شخصیکه شب بسیت و هفتم رمضان از بیگاه تا صبح در عبادت سپری کند او برایم از عبادت همه بهتر است.

فاطمه الزهراء ﷺ عرض کرد ای پدرم مردها و زن های ضعیف چه خواهند کرد که توان قیام را نداشته باشند رسول الله ﷺ فرمود آیا آنها تکیه کرده نمی توانند که این شب را به نشستن بگذرانند و از الله ﷻ دعا بخواهند.

از عائشه ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود کسیکه شب لیلة القدر را در عبادت سپری کرد و دو رکعت نماز در آن اداء نمود از الله ﷻ مغفرت خواست الله ﷻ او را عفو میکند و بر او رحم خود را نازل می نماید. جبریل امین بر او پرهای خود را می مالد کسیکه جبریل امین پرهای خود را بر بمالد او به جنت داخل میگردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و چهارم
در بیان فضائل عید فطر

روز اول ماه شوال دهم ذوالحجه را عید گفته می شود این دو روز را بخاطری عید گفته می شود که درین روزها مردم از روز گرفتن ماه رمضان و حج فارغ می شوند. و به اطاعت محمد ﷺ عودت نموده باشد یعنی آنها ششن روز روزهٔ شوال را گرفته باشد و برای زیارت محمد ﷺ آماده گی گرفته باشد یا به این خاطر این ایام را عید میگویند که این روزها در هر سال تکرار می آید یا به این خاطر به او عید گفته می شود که درین روزها الله ﷻ فضل و مرحمت خود را بارها نازل می نماید یا به این سبب بنام عید مسمی گردیده که به آمدن این روز ها خوشی و سرور عودت می نماید به هر حال در همه توجیهات معنی عید حاصل میگردد.

نخستین روز عید فطر را رسول الله ﷺ در سال دوم هجرت ادا نمود و باید هیچگاه آنرا ترک نکرد لذا او سنت موکد است.

از ابو هریره ؓ روایت شده که عیدها یتان را به تکبیر گفتن زینت بخشید نبی کریم ﷺ می فرماید: هر آن شخصیکه در روز صد بار سبحان الله و بحمده را خواند و ثواب او را به مردگان مسلمانان اهداء کرد و در قبر هر مسلمان به تعداد یکهزار نور داخل می شود و زمانیکه خودش بمیرد الله ﷻ در قبر او یکهزار انور را داخل میسازد.

قول وهب بن منبه ؓ است که شیطان در هر عید نوحه و زاری میکند و همه شیاطین دیگر به گرد آن می چرخند و می پرسند که ای بادار سید! چرا غمگین و پریشان هستی.

او میگوید: الله ﷻ امروز امت محمد ﷺ معاف خواهد کرد لهذا آنها را در مزهٔ خواهشات نفسانی مصروف کنید از وهب بن منبه ؓ این روایت هم آمده است که الله ﷻ جنت را در روز عید فطر خلق کرد درخت طوبی را به روز عید کشت کرد. برای جبرئیل ؑ روز وحی را روز عید انتخاب نمود و توبه جادوگران فرعون را بر روز عید قبول نمود.

حدیث نبوی است کسیکه در روز عید بخاطر ثواب قیام نمود در آن روز قلبش نمی مرد در روزیکه هم قلبها میمرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکایت:

حضرت عمر ﷺ روز عید فرزند خود را در حالت مشاهد کرد که قمیص کهنه در تن دارد و از چشمان عمر ﷺ اشک جاری گردید فرزندش گفت: پدرجان چرا گریان میکنی؟

آن ﷺ فرمود: ای فرزند: می ترسم اگر امروز اطفال ترا به همین قمیص کهنه ببینند قلب تو شکسته خواهد شد فرزندش گفت: قلب شخصی می شکند که از رضای خداﷻ محروم گردد و یا نافرمان والدین خود گردیده باشد امیدوارم که بخاطری رضای تو الله هم از من رضامند خواهد بود. عمر ﷺ که پاسخ فرزندش را شنید از چشمانش اشک خوشی و سرور جاری گردید فرزندش را در بغل خود گرفت و برایش دعا کرد درین مورد یک شاعر چقدر شعری زیبای گفته است که:

قالوا: غداً العیدُ ما ذا أنت لابسُه ... فقُلت: خلْعَةَ ساق عبدهُ الجُوَعا

فقرٌ وصبرٌ هما ثوبان بینهما ... قلبٌ یری ربَّه الأعیاد والجمعا

العیدُ لی مأتمٌ إنْ غبتَ یا أملی. وال ... عیدُ إن کنت لی مرأی ومُستَمَعاً

ترجمه:آنها گفتند صبح عید است شما چه می پوشید؟ گفتیم که بنده را به آهسته آهسته گی چیزی زیاد بدهید.

فقر و صبر لباسی است است که قلب در میان آن موقعیت دارد که مالک خود را الله ﷻ در روزهای عیدین و جمعه می بیند .

زمانی عیدم خواهد بود که امید از پیشم غائب گردد و اگر توبه چشمان و گوشهایم نزدیک گردیدی در آن وقت عیدم میباشد.

این روایت هم آمده است که زمانیکه صبح روز عید شود الله ﷻ فرشتگان را به زمین می فرستد آنها در راه و کوچه ها ایستاد میشوند و آنها میگویند که ای امت و پیروان محمد ﷺ بسوی رب کریم بیاید او برایتان اجر عظیم میدهد و برایتان گناهان خیلی بزرگتان را معاف میکند زمانیکه مردم به عیدگاه میایند الله ﷻ به فرشتگان می فرماید بدل و عوض مزدوری چیست؟ خداوند میفرماید که عوض او اینست اجر و ثواب کامل داده شود الله ﷻ برایشان می فرماید: من به شهادت تان عفو رضای خود را در مزدوری حساب نمودم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و پنجم
در بیان دهم ذوالحجه

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که نبی کریم ﷺ فرمود: نسبت روزهای دیگر عبادت روز ذوالحجه به الله بسیار محبوب است صحابه کرام رضی الله عنهم عرض نمودند یا رسول الله ﷺ در راه الله ﷻ از جهاد کردن هم چیزی محبوب است برایش آن ﷺ فرمود: در راه الله ﷻ از جهاد کردن هم مگر اینکه انسان با مال و جان خود خارج گردد یعنی برود و هزاران آن ها در راه الله ﷻ فدا گردد باز جهاد کردن بهتر است.

از جابر بن عبدالله روایت شده که نبی کریم ﷺ فرمود برای الله ﷻ از این روزها کرد، دیگر محبوب و افضل نیست پرسیده شده آیا در راه الله ﷻ جهاد هم مانند این روزها نیست؟ محمد ﷺ فرمود: بلی! ولی شخصیکه در راه الله ﷻ اسپ های خود و خودش هم زخمی گردد در آن صورت باز روزهای جهاد بهتر و افضل است.

از عائشه رضی الله عنها روایت شده یک جوان احادیث رسول الله ﷺ را شنید زمانیکه مهتاب هفتم ماه ذوالحجه طلوع نمود او روزه گرفت زمانیکه خبر این کار به محمد ﷺ رسید آنرا طلب کرد و پرسید کدام چیز ترا به این امر وادار ساخته است آن رضی الله عنه عرض نمود یا رسول الله ﷺ والدین من فدائی تو گردد این روزهای حج و قربانی است شاید الله ﷻ من را در دعاهای تان محسوب نماید رسول الله ﷺ برایش فرمود: اجر و پاداش هر روز روزه ات به آزاد کردن صد غلام و قربانی نمودن صد شتر و در راه الله از خیرات کردن صد اسپ برابر ویکسان است. زمانیکه روز هشتم ذوالحجه بیاید برایت ثواب روزهٔ این روز و آزاد کردن هزار غلام و قربانی نمودن هزار شتر و در راه الله ﷻ از صدقه شدن هزار اسپ برابر است. زمانیکه روز نهم ذوالحجه برسد ترا ثواب روزه این روز به تولد شدن دو هزار غلام و قربانی دو هزار شتر و ثواب دو هزار اسپ که در راه الله ﷻ برای جهاد داده شده، برابر میباشد.

حدیث شریف نبی کریم ﷺ است روز نهم ذوالحجه برابر دو سال روزهٔ عاشوری برابر یک سال روزه گرفتن است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مفسرین کرام در مورد این آیت شریف که ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ﴾[1] چنین تفسیر نموده هستند که مطلب ازین شب همان ده شب سابقه ذوالحجه است از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که الله ﷻ در تمام روزها چهار روز واز ماه ها چهار ماه و از زن ها چهار زن را انتخاب نموده است. چهار نفر از همه اولتر به جنت میروند و برای شخص مجاهد جنت در انتظار است. و روزهای جمعه اولین روزی است که در آن یک ساعت است که در آن کدام انسان به ارتباط دنیا و آخرت چیزی بخواهد الله ﷻ او را میدهد.

روز دوم روز نهم ذوالحجه (عرفه) است زمانیکه روز عرفه باشد الله ﷻ به ملائکه می فرماید که ای فرشتگان بندگان مرا ببینید که به موهای ژولیده وروهای گرد آلود حاضر هستند شما شاهد و گواه باشید که آنها را معاف ساختم.

سوم روز قربانی است بنده به سبب قربانی اش قرب الله ﷻ را حاصل می نماید نخستین قطرهٔ خون قربانی که به زمین می افتد برای همه گناهان او کفاره میگردد.

چهارم روز عید فطر است. زمانیکه بنده روزه رمضان را بگیرد و برای اداء نمودن نماز عید خارج گردد الله ﷻ به فرشتگان می فرماید هر مزدور اجر و پاداش کار خودش را میخواهد بندگانم یک ماهٔ کامل روزه گرفتند و الحال عید را تجلیل می نمایند و مزدوری خود را میخواهند شما را گواه و شاهد می کنم که آنهارا معاف ساختم و آواز کنندهٔ آواز میکند ای امت محمد ﷺ الله ﷻ سینات و گناهان تانرا به حسنات تبدیل نموده است.

چهار ماه بهتر این است.

۱- رجب یعنی الفرد.

۲- ذوالقعده

۳-ذوالحجه.

۴- محرم الحرام.

زن های بهتر این است که:

۱- مریم بنت عمران.

۲_ خدیجه بنت خویله قبل از همه به الله ﷻ و رسول اش ﷺ ایمان آورد.

۳_ آسیه بنت مزاحم زن فرعون

---

[1] (الأعراف ۱۴۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

۴_ و سالار زنهای جنت فاطمه بنت محمد ﷺ است.

از همه سبقت کننده: از هر قوم اول داخل کی می شود؟ در عرب پیامبر ما محمد ﷺ ودر اهل فارس سلمان فارسی ؓ و در اهل روم صهیب ؓ و از اهل حبشه بلال ؓ میباشد.

آن چهار نفر که برای شان جنت منتظر میباشد: علی ؓ سلمان فارسی ؓ عمار بن یاسر ؓ قداد بن اسود ؓ .از نبی کریم ﷺ روایت شده است کسیکه در روز هشتم ذوالحجه روزه گرفت الله ﷻ مانند حضرت ایوب ؑ اورا صبر بر مصائب میدهد.

و کسیکه در روز عرفه روزه گرفت الله ﷻ او را مانند ثواب عیسی ؑ ثواب عطاء مینماید ازان ﷺ این روایت هم آمده است زمانیکه روز عرفه باشد الله ﷻ رحمت خود را نشر می نماید. درین روز اکثر مردم را از اتش جهنم نجات میدهد کدام شخصیکه در روز عرفه ضروریات دنیا و آخرت را طلب کرد الله ﷻ حاجت او را پوره می سازد روزهٔ روز عرفه کفارهٔ گناهان سال گذشته و آینده می گردد روزه های عاشوری بعد از روزهای عیدین میباشد. لهذا روزه عاشوری کفاره گناهان یک ساله میگردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و ششم
در بیان فضیلت عاشوری

از ابن عباس ﷺ روایت شده که نبی کریم ﷺ به مدینه منوره تشریف آورد آن ﷺ دید که یهود بروز عاشوری روزه می گیرفتند آن ﷺ پرسید درین روز شما روزه می گیرد؟ آنها گفتند این روز روزیست که الله ﷻ به موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را در مقابل فرعون وقومش غلبه داد. لهذا ماتعظیماً درین روز روزه می گریم محمد ﷺ فرمود مایان نسبت به شما به موسی علیه السلام نزدیک تر هستیم. رسول الله ﷺ حکم روزه گرفتن درین روز را داد خصائص و امتیازات روز عاشوری را همراه روز عاشوری بسیار امور تخصیص گردیده از آنها یکی اینست که در همین روز توبه آدم علیه السلام پذیرفته شد. در همین روز آدم علیه السلام خلق گردید و در همین روز داخل جنت گردیده و در همین روز عرش، کرسی، زمین، آفتاب، مهتاب ستاره وجنت را خلق کرده شده و در همین روز ابراهیم علیه السلام تولد شده و درهمین روز از آتش نمرود نجات یافت.

در همین روز موسی علیه السلام و امتش نجات داده شد فرعون همراه قوم و لشکرش غرق گردید و در همین روز عیسی علیه السلام تولد گردید. و در همین روز به آسمان بلند کرده شد و درهمین روز ادریس علیه السلام به مقام بلند رسانیده شد. و در همین روز کشتی نوح علیه السلام در کوه جوزی ایستاد شد در همین روز به سلیمان علیه السلام عظمت و سلطنت داده شد در همین روز یونس علیه السلام از بطن ماهی خارج گردید. در همین روز بینایی چشم یعقوب علیه السلام دوباره صحیح گردید در همین روز یوسف علیه السلام از چاه عمیق بیرون آورده شد در همین روز ایوب علیه السلام صحت یاب شد و تکلیف او رفع گردید.

در همین روز از آسمان باران بارید. در همین روز روزهٔ امت های سابقه شهرت داشت تا اینکه گفته شده که روزه این روز قبل از رمضان فرض گردیده بود باز منسوخ شد محمد ﷺ قبل از هجرت در روز عاشورا روزه می گرفت زمانیکه به مدینه منوره تشریف آورد تاکید کرد در تلاش این روز گردید و بالآخره فرمود: اگر زنده ماندم روز نهم ودهم محرم روزه می گیرم لیکن رسول الله ﷺ در همین سال فوت گردید. و بغیر از روز نهم روزه دهم را نگرفت رسول الله ﷺ روزه گرفتن در روز نهم دهم ویازدهم محرم را پسند نموده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

چنانچه فرمان نبوی است ازین روز یک روز قبل و یک روز بعد روزه بگیرید و مخالفت طریقه یهود را بکنید زیرا که آنها صرف یک روز روزه میگرفتند.

بیهقی در شعب الایمان روایت نقل کرده است کسیکه روز عاشوری در خانواده و اهل عیال خود وسعت و فراخی رزق نمود الله ﷻ تمام سال بر او وسعت و برکت نازل می نماید.

حاکم این امر را چنین نموده ودر این روز به نیت ثواب سرمه کردن بدعت است ابن قیوم گفته است سرمه کردن و بریان کردن چیزهای دانه دار، استعمال کردن تیل بر سرو و همچنان استعمال کردن خوشبویی و عطر بدعت است.

درین مورد احادیث که روایت شده موضوعی است و کاذبان آنرا از خود ساخته است این امر باید واضح باشد درین روز کدام عمل وسلوکی که با خانواده و اهل بیت حسین ﷺ صورت گرفته این آشکار کننده رفعت و عزت او به نزد الله ﷻ و درجات مراتب اهل بیت وارتباط این روز به رفعت و عزت او دلیل واضح است. لهذا درین روز اگر کسی یاد آوری از مصائب آنها را نماید باید «انا لله و انا الیه راجعون» بگوید از گفتن چیزی دیگری خود داری نماید زیراکه در همین متابعت و محافظت حکم الهی است.

در آیت شریف آمده است ﴿ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ ﴾[1]

ترجمه: این گروه برای شان است عنایات از جانب پروردگار شان و مهربانی فراوانی گروه ایشان راه یافتگان اند.

بطور خصوص به این امر اهتمام و توجه بکار است که خدا ناخواسته در بدعات روافض مشغول و مصروف گردیم چنانچه آنها فغان و فریاد می نمایند و خود را می زنند و اظهار غم و اندوه می نمایند این کار از اخلاق مؤمنان بعید است اگر این کار ها نیک می بود باید صحابه کرام بر وفات پدر کلان حضرت حسن ﷺ، محمد ﷺ چنین می کردند مگر صحابه کرام از انجام دادن این نوع اعمال بسیار زیاد خودداری کرده است الله ﷻ برای همه کافی و مددگار است.

[1] (البقرة: ۱۵۷)

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و هفتم

در بیان فضیلت مهمان نوازی فقراء

فرمان نبوی است که برای مهمانان تکلیف نکشید ورنه او را دشمن خود خواهید گرفت کسیکه مهمان خود را دشمن پنداشت آن شخص الله ﷻ را دشمن خود پنداشته و کسیکه دشمن الله ﷻ را تلقی کند الله ﷻ او را دشمن خود می گیرد.

حدیث نبوی است که با کسی خیر و برکت نیست که او مهمان نوازی مهمان را نمی کند باری محمد ﷺ در خانه شخصی تشریف برد که صاحب شترها و گاوهای زیاد بود ولی او مهمان نوازی پیامبر ﷺ را ننمود باری دیگر محمد ﷺ به خانه دیگری تشریف برد که صاحب گوسفندان و بزهای زیاد بود او برای محمد ﷺ بزی را ذبح نمود محمد ﷺ فرمود به این دو شخص نظر کنید اخلاق نیک در دست الله ﷻ است که بر کسی عطا نماید.

ابو رافع ﷺ می فرماید: که در خانه رسول الله ﷺ مهمان آمد رسول الله ﷺ مرا گفت: به فلان یهودی بگوید که مهمانم آمد تا ماه رجب برایم آرد بفرست یهودی که پیام رسول الله ﷺ شنید گفت به الله ﷻ سوگند میخورم که به او هیچ چیزی را نمی دهم تا برایم چیزی بطور گیرو نگذاشته باشد من سخن یهودی را به محمد ﷺ گفتم: آن ﷺ فرمود: به الله ﷻ سوگند میکنم که امین آسمان ها و زمین ها هستم اگر او برایم قرض میداد حتماً قرض او را اداء می کردم برو زرهی مرا برایش بطور گرو بگذار.

زمانیکه ابراهیم ﷺ قصد نان خوردن را می کرد. به اندازه او سه میل تلاش مهمان را می کرد بدین لحاظ کنیت او ابوالضیفان بود و به اساس صدق نیت او تا امروز مهمان نوازی او جریان دارد. شبی نمی بود که همراه وی از سه تا ده و صد مهمان نمی بود خانه آن ﷺ هیچگاه از مهمان خالی نمی بود.

از رسول الله ﷺ پرسیده شد ایمان چیست؟ آن ﷺ فرمود: به مردم نان دادن و سلام دادن است. از نبی کریم ﷺ در باره حج مبرور پرسیده شد رسول الله ﷺ جواب داد. به مهمان نان دادن و سخنان شیرین گفتن است.

انس ﷺ می فرماید: در کدام خانه که مهمان نباشد در آن خانه فرشتگان داخل نمی گردد

در مورد مهمان نوازی چقدر خوب گفته شده

(c) ketabton.com: The Digital Library

لـمَ لا أحـبُّ الضَّـيف أو ... أرتـاح مـن طـرب إليـه؟
والضـيف يأكـلُ رزقـه ... عنـدي ويشـكرني عليـه

ترجمه: چرا مهمان را خوش ننمائیم و به خوشحالی و سرور او تسکین و اطمینان حاصل ننمائم او با من رزق و روزی را میخورد ولی بر او شکر هم مینماید.

شاعر دیگری میگوید:

أضاحکُ ضیفی قبل إنزال رحله ... ویخصب عندی والمحلُّ جدیبُ
وما الخِصْبُ للأضیافِ فی کثرة القری ... ولکنما وجهُ الکریم خصیبُ

ترجمه: مهمانم قبل از پایین شدنش از مرکب خود مرا خوشحال و مسرور میسازد و بعوض قحط سالی برایم شادابی میآورد.

در اکثر مهمانان خوشحالی و سروی نمی باشد مگر شکل و چهرهٔ کریم و سخی شاداب و خوشحال می باشد مناسب و سزاوار اینست که به مردم پرهیزگار و متقی دعوت خوردن طعام داده شود و مردم فاسق را دعوت ننماید.

چنانچه حدیث شریف نبی کریم ﷺ است که زمانیکه به مردم دعوت نان میدهید نیکان را فراموش نسازید. ارشاد نبوی است که بدون مردم نیک و پرهیزگار طعام دیگران را نخورید و همچنان بدون مردان پرهیزگار و متقی به دیگران نان ندهید در دعوت بعوض مردم مال دار و غنی نیکان را طلب کنید.

حدیث شریف نبی کریم ﷺ است بدترین ولیمه آن است که بعوض فقرا مردم مال دار و فیودل دعوت شده باشند. همچنان به دعوت کننده مناسب است که در وقت ضیافت دوستان و خویشاوندان خودرا فراموش نکند زیرا که از نظر انداختن آنان قطع صله رحمی است و مکرراً باید یادآور شوم که در ضیافت باید دوستان خود را فراموش نکنید و در میان آنان در طعام تفاوتی را ایجاد نکنید زیرا طعام بخاطر افتخار و بازی نمودن بر مردم تهیه نشود و باید پیروی سنت نبی کریم ﷺ کرده باشد باید به شخصی دعوت داده نشود که به سبب او تکالیف و مشکلات بوجود میآید و یا آمدن او باعث رنجش مردم می گردد باید به شخص دعوت داده شود که او این دعوت را بپذیرد.

قول سفیان ثوری رحمه الله است کسیکه شخصی را دعوت نمود که او را خوش ندارد این شخص گنهگار می گردد اگر مدعو دعوتش را پذیرفت مرتکب گناهی دوچند می گردد

(c) ketabton.com: The Digital Library

زیرا که که داعی اورا بوجود عدم رضای خود دعوت نموده است به شخص متقی وپرهیزگار دعوت طعام با اطاعت و پرهیزگاری اش معاونت می نماید و به شخص بدکار دعوت دادن با آن بدکار کمک و همکاری کردن است.

به ابن مبارک رحمه الله خیاطی گفت: من لباس های پادشاهان را می دوزم در مورد من چه نظر دارید که از جمله کمک کننده گان با ظالمان محسوب شوم؟ او برایش فرمود: نه خیر کمک دهنده ظالمان کسی است که لباس، تار و سوزن می فروشد به هر حال توبه بکنید. پذیرفتن دعوت سنت موکد است و در بعضی اوقات واجب هم گردیده نبی کریم ﷺ فرموده است اگر کسی مرا به یک پارچهٔ کوچک پای بز دعوت دهد اورا قبول می کنم اگز کسی مرا پای پیش رو بز را هدیه بدهد هم می پذیرم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و هشتم

در بیان جنازه و قبر

دیدن جنازه اسباب و وسایل عبرت را ایجاد میکند درین برای مردم هوشیار و دانا پند و نصیحت می باشد ولی شخص غافل از او هیچ عبرتی نمی گیرد و قلب او همین طور غافل می ماند بلکه شدت و سختی قلب وی به تدریج اضافه می گردد او فکر میکند که همیش جنائز دیگران را مشاهده میکند و این فکر را نمی کند که یک روز من هم ازین دنیائی فانی کوچ میکنم برای هرشخص مناسب است که در وقت جنازه دیگران باید در قلب وتصورش بیاید که صبح یا صبح دیگر جنازهٔ من هم به همین صورت برداشته می شود و این دنیا از من باقی می ماند.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده زمانیکه محمد ﷺ جنازه کدام شخص را می دید می فرمود: صبا ما هم در عقب تان میآیم.

مکحول دیسقی رحمه الله که چهارپایی جنازهٔ را می دید می فرمود: ما هم تا شام در عقب تان میایم.

سید ن جعفر رحمه الله میفرماید: زمانیکه جنازه را می دیدم در قلبم چیزهای در انجام او و سرنوشت خودم میامد زمانیکه برادر مالک بن دینار فوت نمود برادری وی در حالت گریان باجنازه اش بیرون رفت او گفت به الله جل جلاله سوگند تا زمانی چشم مان یخ نخواهد شد تا برایم مقام امن معلوم نگردد لیکن در تمام عمر خود به این امر آگاه نخواهم شد.

اعمش رحمه الله می فرماید: زمانیکه باجنازه می رفتیم تمام مردم را اندوه گین و خفه میدیدیم به این نمی فهمیدیم که برکه تعذیت کنیم.

ثابت البانی رحمه الله می فرماید: زمانیکه به ادا نمودن نماز جنازه می رفتم هر شخص را می دیدم دستمال به چشم خود گرفته گریان می کنند حقیقتاً آن از مرگ بسیار ترسیده است لیکن درین عصر بسیاری مردم با جنازه همراه می باشند و خنده می کنند خوشحالی دارند و در صحبت بیهوده مصروف می باشند و در مال و میراث مرده سخن می گویند هیچ کس در باره جنازه و مرگ خود فکر نمی‌کند که روزی مایان هم به این شکل از دنیا سفر می

(c) ketabton.com: The Digital Library

کنیم سبب اصلی این غفلت سخن و شدت قلب ها و نافرمانی آنان است تا اندازه که مایان الله ﷻ و روز قیامت را فراموش کرده ایم.

ابراهیم الزیات مردمی را دید که بالای مرده اظهار ترحم می کردند او رحمه الله برایشان گفت: اگربه عوض مرده بخود تان ترحم کنید برایتان بسیار خوب است که از سه نوع حالت خوف ناک و وحشتناک خلاص گردید. او روح ملک الموت را دیده است مزه سخن قبض شدن روح را چشیده و از بیم و خوف انجام آخر خود مامون گردیده.

قول ابو عمر بن علا است که با جریر نشسته بودم واو با کاتب خود شعری می گفت.

تُـــرَوِّعُنَـــا الجنـــائزُ مُقـــبلات ونلهـــو حـــين تَـــذْهَبُ مُـــدبرات

كَرَوْعَـــةِ ثُلَّـــةٍ لمغـــار ذئـــبٍ فلمـــا غـــاب عـــادت راتعـــات

ترجمه: زمانیکه جنازه می آید مارا می ترسانند و زمانیکه از ما پس میروند ما مصروف لهو لعب می گردیم.

مانند رمه های گوسفند که در غار گرگ می ترسند وقتیکه گرگ غایب شود وباره به چریدن آغاز می کنند.

آداب جنازه:

از آداب جنازه فکر، تنبیه و آمادگی با تواضع همرای جنازه نمودن است چنانچه در کتب فقه آداب و طریق های این کار بیان گردیده از همان آداب این هم آمده که بر اوگمان نیک کنند اگر او فاسق هم باشد و بر نفس خود گمان بد نمایند اگر که ظاهر او خوب باشد زیرا که خاتمه مجهول است.

از عمر بن در روایت شده یکی از همسایه گان خودم وفات گردید که بسیار شخصی بد عمل بود زیاد مردم در جنازه آن اشتراک نکردند ولی من در آن اشتراک نمودم و نماز جنازه را ادا نمودم زمانیکه در قبر گذاشته می شد بر قبر او گفتند. ای پدر فلان! الله ﷻ بر تو رحم کند یقیناً که زندگی خود را در توحید گذراندی و روی خود را بخاطر سجده نمودن خاک آلود کردی مردم ترا گنهگار و بدکار گفته اند آیا در دنیا کسی وجود دارد که گنهگار و بدکار نباشد.

واقعه عجیب و غریب یک شخص گناهکار:

شخصیکه دائم الوقت مبتلا گناهان بود فوت کرد او نزدیک بصره زندگی می کرد زمانیکه او فوت نمود زنش شخصی را نیافت که جنازه وی را بلند نماید زیرا که همسایگان او

(c) ketabton.com: The Digital Library

بسبب گناهان زیاد او وی را منزوی ساخته بود زنش دو شخص را به مزدوری گرفت و او را به مکان جنازه برد. ولی هیچکس جنازه او را اداء ننمود.

و او را بطرف صحراء بخاطر دفنش روان کردند نزدیک به این منطقه شخصی زاهد در دره زندگی میکرد. زمانیکه جنازه را به صحرا رسانیدند. زاهد را دیدند که بخاطر اداء نمودن جنازه انتظار است. زمانیکه به مردم هویدا گردید که زاهد فلان نماز جنازه را اداء میکند تمام مردم شهر آنجا رفتند و در اقتداء زاهد نماز جنازه را ادا ءنمودند مردم به این عمل کرد زاهد خیلی در حیرت شدند. زاهد گفت: مرا در خواب گفته شده بود که به مکان فلان بروید در آنجا جنازهٔ خواهی دیدی‌که همراه او زنش هم میباشد تو نماز جنازه اش را اداء کن زیرا او مغفور له و بخشیده شده است مردمیکه این سخنان زاهد را شنیدند حیرت شان رو به افزایش گردید. زاهد از زنش حالات زندگی وی را دریافت کرد و درین مورد خواستار غور و فکر کردن شدکه آخر الامر بکدام سبب بخشیده شد؟ زنش گفت: او همه روز خود را در شراب خانه تیر می کرد و تمام روز در نشهٔ شراب مست می بود. زاهد برایش گفت: آیا از حالت نیک او خبر داری؟ او گفت: بلی سه خصلت آنرا میدانم یکی‌این است زمانیکه در وقت صبح به هوش می آمد لباس خود را تبدیل می کرد وضوء نموده نماز خود را به جماعت اداء می نمود دوباره بطرف شراب خانه میرفت و در آنجا مصروف گناه میشد.

دوم اینکه در خانه اش بطور دایم دو یتیم زندگی می کردند با آنها از اولادهای خود هم زیاد محبت و شفقت میکرد.

سوم اینکه در وقت بعد از دور شدن نشه وی آغاز به گریه می کرد و میگفت: ای ربّ کریم! کدام کنج جهنم را به این نفس خبیث من پر می نمای ؟ زاهد که این سخنان را شنید پس گشت و راز مغفرت وی برایش معلوم گردید.

قول ضحاک رحمه‌الله است که شخصی از محمد ﷺ پرسید که از همه زاهد بزرگ عظیم کیست؟ او ﷺ فرمود: کسیکه قبر و مصائب آنرا فراموش نکرده باشد. اسباب و وسائل زیب و زینت دنیا را ترک نموده باشد. و بر چیزهای فانی‌چیزهای باقی را ترجیح داده باشد صبح را در زندگی حساب نکرده و خود را از جمله مرده گان شمارد کسی از علی رضی‌الله‌عنه پرسید چرا نزدیک مقبره زندگی مینمائید؟ او رضی‌الله‌عنه فرمود: ما آنها را همسایگان خوب یافتیم همسایگان راستگو وصادق که زبانهای شان را بسته است. و انسان را آخرت بیاد میاورد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

عثمان ﷺ درجوار قبر ایستاد میشد گریان می نمود تا که ریش ایشان تر می شد از او ﷺ درین مورد پرسیده شد. و برایش گفته شد: شما در مورد دوزخ و جنت صحبت میکنی گریان نمی نمائید ولی که درجوار قبر ایستاده شوید زیاد گریان می کنید؟ او ﷺ فرمود: از نبی کریم ﷺ شنیده ام که قبر نخستین از منازل آخرت است. اگر صاحب قبر درین مکان نجات نیابد منازل آخری ازین بسیار زحمت است.

روایت است زمانی که عمرو بن العاص ﷺ به قبرستان رسید از مرکب خود نزول کرد و دو رکعت نماز خواند باز به او ﷺ گفته شد: شما قبل از این طور نمی کردی او ﷺ فرمود: من قبر و آن چهره های را یاد نمودم که در میان مان و آنها حائل گردیده لهذا این را خوب پنداشتم که دو رکعت نماز بخوانم و قرب پروردگار را حاصل کنم.

مجاهد رحمه الله میفرماید: قبل از همه قبر با انسان این سخن را مطرح مینماید که من خانه تنهائی، غربت وتاریکی هستم. من برایت همین چیزها را آمده ساخته ام شما برایم چه تهیه نموده اید؟ و برایم آورده اید؟ ابو ذر ﷺ گفت: روزی فقر و بیچاره گی ام آن است که در قبر گذاشته شوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و نهم

در بیان خوف و بیم عذاب جهنم

حدیث بخاری است که نبی کریم ﷺ زیادتر این دعا را میخواند: ﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِی ٱلدُّنۡیَا حَسَنَةً وَفِی ٱلۡـَٔاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴾[1]

ترجمه: ای پروردگار ما بده ما را در دنیای خوبی و در آخرت خوبی و نگهدار ما را از عذاب دوزخ.

روایت ابو لیلی رحمه الله است که روز نبی کریم ﷺ خطبه را ایراد نمود فرمود: دو چیز بزرگ و عظیم را فراموش ننمائید که او جنت و دوزخ است باز محمد ﷺ گریان کرد تا که هر دو طرف ریش وی‌تر شد و فرمود: اگر او در مورد آخرت به آن چیزی میدانستید که بر آن من میدانم شما شاید بر خاک حرکت می کردید و بر سرتان خاک باد میکردید.

در معجم اوسط طبرانی آمده است که جبرئیل امین در حالت پیش محمد ﷺ تشریف آورد که در چنین وقت هیچگاه نیامده بود محمد ﷺ برایش ایستاد شد و از او پرسید چرا چهره ات بیانگر کدام حادثهٔ است جبرئیل امین علیه السلام فرمود: من بسوی تو بدین سبب آمدم که الله ﷻ حکم گرم کردن زیاد جهنم را صادر کرده است محمد ﷺ فرمود: ای جبرئیل! برای من کیفیت جهنم را واضح سازید جبرئیل امین فرمود: الله ﷻ حکم کرد که در جهنم برای هزار سال آتش روشن افروخته گردد تاکه جهنم بلکل سفید گشت باز الله ﷻ حکم کرد که تا مدت هزار سال دیگر در آن آتش افروخته شود. تا که او بلکل سرخ گشت باز حکم افروختن هزار سال دیگر گردید تا که او کاملاً سیاه گشت الآن جهنم کاملاً سیاه است و برای یک لحظه هم آتش متوقف نمی گردد. به آن الله ذوالجلال ترا بر حق فرستاده است سوگند میکنم اگر جهم به اندازه سوراخ سوزن باز گردد همه مخلوقات دنیا از حرارت او هلاک خواهد شد. به الله ﷻ سوگند اگر یکی از فرشته ها محافظ جهنم به دنیا بیاید همه مخلوقات دنیا بخاطر دیدن روی بد چهره و بد بویش هلاک خواهد شد به الله ﷻ سوگند اگرحلقهٔ از زنجیرهای جهنم به کوه نهاده شود آن کوه ذوب خواهد شد و حلقه به زمین خواهد رسید محمد ﷺ به جبرئیل امین

---

[1] البقرة ۲۰۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

علیه السلام فرمود: برایم همین قدرکفایت میکند دیگر جگرم را پاش پاش مکن تا باعث مرگ من نگردد محمد صلی الله علیه وسلم که به جبرئیل امین نظر کرد از چشمانش اشک جاری بود محمد صلی الله علیه وسلم پرسید تو هم گریه میکنی؟ درحالیکه نزد الله جل جلاله از مقام خاص بر خوردار هستی جبرئیل امین علیه السلام فرمود: چرا گریان نکنم در حالیکه لایق ومناسب گریان نمودن زیاد هستم هسی نه که الله جل جلاله به حالت دیگر نوشته کرده باشم می ترسم که مرا هم در امتحان نیندازد چنانچه ابلیس را در امتحان انداخت ذلیل و شرمنده اش کرد. او هم از جمله فرشتگان بود می ترسم که مرا مانند هاروت و ماروت درمصائب مبتلا نسازد.

راوی میگوید که محمد صلی الله علیه وسلم به شنیدن این سخنان جبرئیل علیه السلام گریان کرد و جبرئیل علیه السلام به گریان آغاز کرد و آنها در همین حالت بودند آواز غیبی آمد که ای جبرئیل و ای محمد صلی الله علیه وسلم شما از آتش دوزخ مامون هستید شما نافرمانی حکم الله جل جلاله را نمی کنید جبرئیل علیه السلام به مجرد شنیدن این آواز پرواز کرد محمد صلی الله علیه وسلم از گروه انصار عبور کردکه مشغول صحبت بیهوده بودند و خنده میکردند محمد صلی الله علیه وسلم برایشان فرمود: شما خنده می کنید و در عقب تان جهنم قرار دارد. اگر مثل من میدانستید گریان زیاده و خنده کم می کردید. خوردن و نوشیدن را شاید ترک می کردید شاید به کوه ها می رفتید و در آنجا عبادت پروردگار را می کردید. درین اثنا صدای بوجود آمد که ای محمد صلی الله علیه وسلم بنده گان من را نا امید می سازید ترا بصفت بشارت دهنده فرستاده ام نه بصفت ترس دهنده محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: اعمال خود را درست کنید و قرب الهی را حاصل نمائید.

روایت است که نبی کریم صلی الله علیه وسلم به جبرئیل علیه السلام فرمود: چه امری است من تا هنوز میکائیل علیه السلام را در حالت خنده ندیده ام؟ جبرئیل علیه السلام عرض کرد از زمان خلق شدن آتش میکائیل علیه السلام خنده نکرده حدیث ابن ماجه و حاکم است که این آتش یکی از هفدهم حصه آتش جهنم است اگر با آب رحمت شسته نمی شد از او استفاده کرده نمی توانستید و این آتش همیشه به الله جل جلاله دعا می کند که مرا دوباره به جهنم بفرستید.

بیهقی روایت کرده که عمر رضی الله عنه این آیت شریف را تلاوت کرد که. ﴿ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ ﴾[1]

---

[1] (النساء ۵۶)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: هر گاه پوست شان ذوب باز ما تبدیل کنیم بایشان پوست های غیر پوست های اول تا بچشند عذاب را.

به کعب ﷺ گفتم: مرا تفسیر این آیت شریف را بکن اگر راست گفتی ترا تصدیق میکنم ورنه سخن ترا مسترد میکنم کعب ﷺ فرمود پوست انسان سوختانده می شود و در همان زمان دوباره جدید می شود یا اینکه هر روز مثلش هزار مرتبه جدید می گردد. عمر ﷺ فرمود: واقعاً راست گفتی.

بیهقی در تفسیر این آیت شریف قول حسن ﷺ را نقل کرده است که هر روز آتش هفتاد هزار مرتبه پوست انسان را می سوزاند و دوباره جدید می گردد.

در یک حدیث مسلم شریف آمده است شخصیکه در دنیا از همه مردم زیاد مالدار و پول دار باشد به جهنم آورده می شود و او را در جهنم یک غوطه داده می شود و پس از او پرسیده می شود که ای انسان آیا کدام زمان زندگی عیش و مسرت را گزرانیده بودی؟ و یا بالای تو باران انعامات باریده است؟ او خواهد گفت نه خیر هیچ گاه عیش را ندیده ام سپس شخص جهنمی آورده خواهد شد که از همه زیاد تکلیف و عذار را در جهنم دیده باشد و او را در جنت چکر داده خواهد شد و باز از او پرسیده می شود که آیا کدام زمان غربت و تنگ دستی دیده ای؟ او خواهد گفت: به الله ﷻ سوگند میخورم که هیچگاه بالای من مصائب و غریبی نیآمده است.

گریان باشندگان جهنم:

روایت ابن ماجه است که بر جهنمیان گریان مسلط میگردد آنها تا زمانی گریان خواهند کرد که اشک شان ختم شده باشد باز از چشمان شان خون جاری خواهد شد تا که در روی های شان چقوری و حوض ها ساخته شود اگر در آن کشتی روان کرده شود حرکت کرده می تواند. حدیث ابویعلی است که ای مردم گریه کنید اگر گریان کرده نمی توانید خود را به چهره گریه کننده گان بسازید زیرا در جهنم بحدی گریان خواهید کردید که بروی تان اشک طوری جاری شود مثلیکه در روهایتان دریاها باشند سپس اشک تان ختم خواهند شد و خون جاری می گردد و چشم هایتان را به اثر زخم ها به خون رنگ خواهند شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و دهم
در بیان میزان وصراط

ابوداود از حسن ﷺ او از عائشه ﷺ روایت کرده است که او گریان نمود محمد ﷺ پرسید که ای عائشه چرا گریان می کنی؟ او گفت: جهنم در یادم آمد لهذا گریان کردم آیا روز قیامت با خانوادهٔ خویش چیزی کمک کرده می توانی؟ یکی در وقت وزن اعمال تا که بداند پله اعمال وی سنگین است یا سبک؟ در وقت دادن اعمال نامه بفهمد اعمال نامه اش به دست راست داده می شود یا دست چپ؟

و دیگر آن وقت که پل صراط نهاده می شود تا بدین بفهمد که آیا از آن عبور کرده می‌تواند یا خیر؟ محمد ﷺ نزدیک پل صراط ایستاده میباشد! در روایت ترمذی آمده است که انس ﷺ فرمود: از نبی کریم ﷺ پرسیدم آیا روز قیامت سفارش مرا خواهد کردی یاخیر؟ محمد ﷺ فرمود: ان شاء الله تعالی من از او پرسیدم شما را در کجا تلاش می نمایم او ﷺ برایم فرمود: همرای پل صراط مرا در یافت می کنی؟

عرض کردم اگر در پل صراط شما را نیافتم باز در کجا جستجوتان را کنم؟ او ﷺ فرمود: باز در جوار میزان مرا جستجو کن، من عرض نمودم اگر در آنجا ترا نیافتم سپس در کجا ترا جستجو کنم؟ او ﷺ فرمود: همرای حوض کوثر تلاش یافتن مرا بکن زیرا که بدون همین سه مکان درجای دیگر نمی باشم.

روایت حاکم است که روز قیامت میزان نهاده می شود به اندازهٔ میباشد اگر آسمان و زمین در آن گذاشته شود. یعنی گنجایش آنرا دارد ملایکه ها عرض می کنند یا الله! درین میزان اعمال کی وزن می گردد؟ الله ﷻ می فرماید: اعمال مخلوق من باهر آنکه بخواهم. فرشتگان عرض می نماید: سبحانک تو پاک و مقدس هستی مایان عبادت کماحقه اداء نکرده ایم. پل صرط نهاده خواهد شد که از کارد زیاد حاد (تیز) میباشد فرشتگان عرض می کنند ازین کسی عبور خواهد کرد؟ الله ﷻ می فرماید: از مخلوق من هر آن کس که بخواهد ملانکه خواهد گفت سبحانک ما عبدناک حق عبادتک یعنی پاک هستی مایان عبادت کما حقه را ادا نکرده ایم.

پل صراط بالای جهنم گذاشته می شود. از ابن مسعود ﷺ روایت است که پل صراط بالای جهنم نهاده می شود مانند شمشیر تیز می باشد که مردم از او می لغزد . برآن خارهای آهنین

(c) ketabton.com: The Digital Library

میباشد که در بدن های مردم داخل می گردد کسانیکه بران رفته نمی توانند آنها زیر می افتند بعضی‌مردم به سرعت عبور میکنند که بعضی از آن ها مانند روشنایی برق و دیگران مانند هوا بعض دیگر مانند اسپ سوار بعضی‌دیگر شان مانند شخصی که به شتاب (دویدن) میرود بعض آنها به سرعت اندکی و دیگر ایشان به اندازه رفتار کم باز مانند شخصی پیاده حرکت می کند روان میباشد باز در آخر شخصی میگذرد که بدنش به آتش سوخته می شود و به تکلیف و مشقت حرکت می نماید باز الله ﷻ او را به فضل و رحمت خود داخل جنت میگرداند به او گفته خواهد شد که چه میخواهی بخواه؟ او میگوید یا الله ﷻ همراه من مزاح میکنی؟ باز برایش گفته می شود بخواه چیزیکه میخواهی؟ تا که همه خواسته هایش برآورده شود الله ﷻ برایش می فرماید: برایت همه خواسته های تان و چیزهائیکه به او برابر است برایش داده می شود.

روایت مسلم شریف است که ام بشر الانصاری ﷺ می فرماید که در خانه عائشه ﷺ از محمد ﷺ شنیدم از آنانیکه زیر درخت بیعت نموده ان شاء الله هیچ کس از آنها به جهنم داخل نمی گردد. حضرت حفصه ﷺ گفت: بلی یا رسول الله ﷺ .پیامبر ﷺ این را تلاوت نمود: ﴿ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ﴾ ترجمه: (و نیست از شما هیچ کس مگر رسنده به آن) محمد ﷺ فرمود الله ﷻ میفرماید: ﴿ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴾[2]

ترجمه: باز رستگاری‌می دهم آنان را که می ترسیدند و می گذاریم ظالمان ر در آن بزانو در افتاده.

از احمد رحمه الله روایت است که طایفه از مردم در معنی (واردها) اختلاف نموده. بعضی از آنها گفته اند که درین مومنان داخل نمی گردد. بعضی از آنها گفته است که همه مردم در آن داخل است باز الله ﷻ به آنانکه مؤمن هستند نجات میدهد. بعضی مردم از جابر ﷺ پرسید او ﷺ در پاسخ گفت: مردم از پل صراط عبور می کنند باز هر دو گوش خود را گرفته فرمود: باز هر دو گوش خودرا گرفت فرمود: هردوی آن کرد مردد که من از محمد ﷺ شنیده نباشم مطلب از (ورود) دخول است هر شخص نیک و بد درین شامل است ولی بر

---

[1] (مریم ۷۱)
[2] (مریم ۷۲)

(c) ketabton.com: The Digital Library

مومنان مانند ابراهیم علیه السلام جهنم یخ می گردد تا که مومنان از سردی اش شکایت می نمایند الله جل جلاله میفرماید: ﴿ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ ﴾

ترجمه: باز رستگاری می دهیم آنان را که می ترسیدند و می‌گذاریم ظالمان را در آن بزانو در افتاده.

حاکم روایت نموده که مردم به جهنم داخل می شوند و آنها به برکت اعمال خویش ازین خارج می گردد بعضی از آنها مانند روشنایی برق بعضی دیگر آنها مانند هوا و بعضی دیگر مانند سوار بر اسپ و بعضی دیگر مانند رکوب شتر و دیگران مانند کسانیکه پیاده میروند از جهنم خارج می گردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

باب یکصد و یازدهم

در بیان وصال مبارک حضرت محمدﷺ

از ابن مسعود ﷺ روایت شده مایان عایشه ﷺ در حالت داخل شدیم که وقت جدائی نزدیک شده بود محمدﷺ ما را نظر کرد و چشمانش پر .اشک گردید باز فرمود: برایتان بشارت میدهم الله ﷻ برایتان حیات داد، الله ﷻ شما را پناه داد، الله ﷻ نصرت تانرا نمود. من شما را وصیت خوف از الله می کنم به تحقیق من از جانب الله ﷻ برایتان خوف دهندهٔ آشکاری هستم در شهرها. و مردم نافرمانی الله ﷻ را نکند مرگ رسید من بسوی الله ﷻ سدرة المنتهی و جنت الماوی روان هستم پس شما بر خود تان و بر آنانیکه پس از من مسلمان شود و ایمان بیاورد از جانب من سلام بگوئید.

روایت است که محمدﷺ دروقت وصال بر جبرئیل امین گفت: پس از مرگ من برای امت و پیروان من که خواهد بود الله ﷻ به جبرئیل امین وحی فرمود: به حبیب من محمدﷺ بشارت بدهید که او را در مورد امت وی خفه وپریشان نخواهم کرد و بشارت این امر هم بده که روز محشر پیش از همه مردم بر می خیزید زمانیکه همه مردم جمع کرده شود حبیب من من سید او باشد جنت تا زمانی به امت های دیگر حرام باشد تا که امت محمدﷺ داخل او نشده باشد. به شنیدن این بشارت محمدﷺ فرمود: چشمانم یخ گشت، عایشه ﷺ می فرماید: محمدﷺ ما را امر کرد که بر آب هفت چاه غسل بدهیم ما هم چنان کردیم بر او راحت حاصل گردید سپس بیرون تشریف برد مردم را به امامت خود نماز داد برای شهدای احد دعای مغفرت نمود وبرای انصار وصیت کرد و فرمود: اما بعد: ای مهاجرین نفوس تان زیاد می گردد وانصار به همین هیئت و شکل سابقه شان باقی است آنها زیاد نگردیده انصار اصحاب سر من است به آنها پناه برده بودم و لهذا عزت مردم نیک آنها را کنید و کدام شخصیکه در میان آنها بد باشد با او گذشت کنید باز فرمود: بیشک برای بنده در میان دنیا و قرب الهی اختیار داده شده او آن چیزی را خوش نمود که به الله ﷻ است.

ابوبکر صدیق ﷺ گریان کرد و فهمید که مطلب از بنده خود محمدﷺ است محمدﷺ برایس فرمود: ای ابوبکر! با حوصله باش، دروازهٔ که بطرف مسجد است بند نماید بدون دروازه ابوبکر. زیرا بدون ابوبکر کسی را نمی شناسم که در دوستی از ابوبکر به من افضل و

(c) ketabton.com: The Digital Library

بهتر باشد. فرمان عایشه ﷺ است که وصال یعنی رحلت پیامبر ﷺ در خانه ام در نوبت من و در میان سینه و گردنم بود. الله ﷻ دروقت مرگ او لعاب دهن من و پیامبر ﷺ یکجا گردید در خانه ام برادرم عبدالرحمن آمد در دست وی مسواک بود پیامبر ﷺ بطرف مسواک او نظر کرد مایان فهمیدیم که او ﷺ مسواک میخواهد برایش گفتم: این برای تو هست من از عبدالرحمن مسواک را گرفتم و در دهن محمد ﷺ داخل کردم ولی مسواک سخت بود برایش گفتم: برایت نرم می سازم او ﷺ به اشاره سر گفت: نرمش بسازید مسواک را نرم کردم پیش محمد ﷺ ظرف آبی نهاده بود او ﷺ دست مبارک خود را داخل ظرف می کرد و می فرمود: لا اله الا الله برای مرگ سکرات است باز دستهای خود را بلند نمود و فرمود: الی الرفیق الاعلی. الی الرفیق الاعلی من عرض کردم به الله ﷻ سوگند که ما را ترجیح نداده اید.

اجماع انصار:

حضرت سعید بن عبدالله ﷺ از پدرش روایت کرده زمانیکه انصار حالت صحیح رو به خرابی محمد ﷺ را دیدند آنها به چهار طرف مسجد جمع گردیدند. ابن عباس ﷺ به محمد ﷺ فرمود: در مورد مقاصد و بیم انصار صحبت نمود سپس فضل ﷺ آمد و پس از آن علی ﷺ تشریف آورد و او هم همان سخنی گفت که سابقاً برایش شده بود نبی کریم ﷺ دست خود را دراز نموده فرمود: که دست های مرا بگیرید آنها دستهای نبی کریم ﷺ را گرفتند محمد ﷺ از آنها پرسید شما چه میخواهید؟ آنها گفتند:! مایان بیم داریم که شما از دنیا رحلت می‌کنید. محمد ﷺ بلند شد و به علی ﷺ و فضل ﷺ حرکت کرد و باز ﷺ پیش از محمد ﷺ میرفت محمد ﷺ سر خود را بسته کرده بود و پاهای مبارکش کش می کرد به منبر رسید و در زینهٔ محمد ﷺ سر خود را بسته کرده بود و پاهای مبارکش کش می کرد به منبر رسید و در زینهٔ اول منبر نشسته مردم در حضور پیامبر ﷺ حاضر شدند. محمد ﷺ بعد از حمد و ثنا فرمود: ای مردم برایم معلوم نگردیده که شما از وفات و رحلت من در هراس هستید. آیا مرگ را نمی شناسید و مرگ پیامبرتان را خوش ندارید؟ آیا نفس های ما و شما مایانرا خبر مرگ نداده است؟ آیا از پیامبران سابقه کدام شان زنده مانده است؟ که من هم برای همیشه زنده بمانم. خبر دار باشید که با رب خود ملاقی می شویم و شما هم با پروردگار ملاقات می کنید شما را در مورد مهاجرین سابقین و صیت نیکی را میکنم که در میان خود با هم احسان نماید زیرا که فرمان الهی است: ﴿ وَٱلۡعَصۡرِ ۝ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ۝ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ﴾[1]

[1] (العصر ۱۰۰۱-۱۰۰۳)

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه: قسم است به عصر هر آئینه انسان در زیان است مگر آنان که ایمان آوردند.

همه کارها به اراده الله ﷻ جریان دارد طوری نشود که کدام کارهای باعث عجله و سرعت شود زیرا که الله ﷻ بخاطر عجله کدام شخص عجله نمی کند و کسیکه الله ﷻ را غالب شمرد او غالب شد و کسیکه با الله ﷻ خدعه و فریب کرد او با خود فریب نمود.

الله ﷻ می فرماید:﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴾

ترجمه: پس آیا توقع می شود از شما که اگر حکومت داده شود شما را آنکه فساد کنید در زمین وقطع کنید رشته داری های خود را (آری).

وصیت محمد ﷺ در بارهٔ انصار:

رحمت دو جهان حضرت محمد ﷺ فرموده است: شما را در بارهٔ نیکی با انصار وصیت می کنم زیرا که اینها مردمی هستند که مدینه را دار هجرت گشتانیده و قبل از شما ایمان آورده است شما بآنها احسان و نیکی‌کنید آیا آنها با شما میوه و ثمرهٔ باغات خود را نصف ننموده؟ آیا آنها شما را در خانه ها خود جای زندگی نداد؟ آیا شما را برخود ترجیح ندادند در حالیکه آنها خودشان محتاج و تنگ دست بودند، خبردار؟ خبردار باشید اگر کدام شخص و والی و حَکم در میان دو نفر فیصله کند باید سخن نیک او را قبول کنی و از بد آن گذشت نماید. خبردار باشید که قبل از شما رحلت میکنم و شما می آید و با من وصل می شوید خبردار باشید که جای آمدن مان حوض کوثر است. حوض من به مسافه میان بصره و صنعاءاست درین از جوی کوثر آب می ریزد که از شیر زیاد سفید است و از مسکه بسیار نرم و از عسل بسیار شیرین میباشد کسیکه آب این حوض را نوشید هیچگاه تشنه نمی گردد سنگهای او ازلوء لوء و زمین او از مشک است روز رستاخیز کسیکه ازنوشیدن این آب محروم گشت او هم از نیکی و حسنات محروم گشت با خبر باشید کسیکه میخواهد بسوی حق بیاید برایش مناسب و سزاوار که از سخنان و محبت بیهوده زبان و دستهای خود را محفوظ نگهدارد.

حضرت عباس ﷺ عرض نمود یا رسول الله ﷺ برای قریش هم توصیه کن. محمد ﷺ فرمود: قریش را توصیه میکنم که مردم تابع و پیرو قریش هستند کارها اعمال نیک و بد آنها بالای

[1] (احمد ۲۲۰)

(c) ketabton.com: The Digital Library

شان تاثیر دارد با مردم نیکی کنید ارتکاب گناهان نعمت های پروردگار را از بین می برد و قسمت را مبدل میسازد زمانیکه مردم خوب باشند حکام آنها هم نیک و صالح میباشد زمانیکه مردم نا صالح و خراب گردد حُکام آنان هم ظالم میباشند چنانچه فرمان الهی است که: ﴿ وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ ﴾[1]

ترجمه: و همچنان خلط (مسلط) می کنیم بعض ستمگاران را بر بعض نسبت به آنچه می کردند.

از ابن مسعود ﷺ روایت است که محمدﷺ به ابوبکر صدیقﷺ فرمود: ای ابوبکر سید! ابوبکر ﷺ گفت: یا رسول اللهﷺ آیا وقت کم مانده است او ﷺ فرمود: بلی وقت کوتاه گردیده. ابوبکر ﷺ گفت: ای فرستادهٔ اللهﷻ کدام چیزیکه به اللهﷻ باشد او برایت مبارک باشد کاش که مایان مقامات خود را میدانستیم محمدﷺ فرمود: بسوی اللهﷻ بسوی سدرة المنتهی و بسوی جنت المؤی و به طرف فردوس اعلی و بطرف گلاس های مملو از شراب طهور و بسوی زندگی پر برکت و در حفاظت و امن الهی. ابوبکر ﷺ عرض کرد یا رسول اللهﷺ! انتظام غسل تانرا کی می نماید؟

اوﷺ فرمود: مردمیکه به من نزدیک باشند و باز آنانیکه به آنها نزدیک باشند باز فرمود: به شما از کدام لباس کفن کنیم؟ اوﷺ فرمود: از چادر یمنی و از چادر سفید مصری برایم کفن کنید. باز ابوبکر صدیقﷺ فرمود: نماز جنازه ات را چطور ادا کنیم مایان گریان کردیم و محمدﷺ گریان کرد باز فرمود: اللهﷻ ترا عفو کند، زمانیکه برایم غسل دادی مرا در کفن بپیچانید باز در همین خانه در چهار پای خود در جوار قبرم بمانید باز از من دور شوید از همه اولتر اللهﷻ برایم درود میگوید، باز به ملائکه اجازه درود گفتن بالایم داده می شود از همه اولتر از ملائیکه جبرئیل امین بر من درود میگوید باز میکائیل باز اسرافیل باجماعی بزرگی عزرائیل علیهم السلام دورد میگوید بعد ازان شما گروه گروه بیاید و بر من درود بگونید و فریاد ننماید برین عمل مرا آزار و تکلیف نرسانید مناسب اینست که از همه اولتر امام بیاید باز اهل خانه ام باز دوستان و اقارب آن ها باز زنها باز اطفال بیایند.

ابوبکرصدیقﷺ عرض کرد کی ترا داخل قبر می سازد؟ فرمود: مردم بسیار نزدیک خانه واده ام باز اقارب آنان گروهی عظیمی از فرشتگان مرا داخل قبر میسازد که شما آنها را نمی بینید و آنها شما را می بیند.

---

[1] (الأنعام ۱۲۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

از عائشه ﷺ روایت است به کدام روزی که محمدﷺ رحلت کرد در حصه اول روز مردم حالت محمدﷺ تسلی بخش دید و از خوشی و سرور بطرف خانه و کارهای خود رفتند واو ﷺ تنها به مایان ماند ما بسیار خوشحال بودیم. تصادفاً محمدﷺ ما را فرمود: شما زنها بیرون بیروید زیرا فرشتگان اجازه دخول را می خواهند بغیر از من همه زن ها خارج شدند درین اثنا سر مبارک محمدﷺ در بغلم بود اوﷺ نشست و من در کنج خانه نشستم این ملائکه با محمدﷺ صحبت طولانی مخفی نمودند باز محمدﷺ مرا طلب کرد و سر مبارک خودرا در بغلم نهاد باز زنهای دیگر را طلب نمود عرض کردم یا رسول الله برای من طوری آشکار می شود که این فرشتگان جبرئیل امین نبود. اوﷺ فرمود: بلی سخن تان درست است این ملک الموت بود او برایم گفت: الله ﷻ مرا به فرستاده است خواستم که بدون اجازه ات داخل نشوم الله ﷻ برایم حکم کرد که بدون اجازه ات روح تانرا قبض نخواهم کرد الان نظر تان چیست؟

برایش گفتم اندکی صبر کن که جبرئیل امین بیاید این وقت آمدنش است. عائشه ﷺ می فرماید: مایان به حالت دچار گردیدیم که در مورد اوﷺهیچ اختیار و انتخاب نداشتم و نه هم کداء نظر داشتیم همه مایان خائف بودیم چپ و ساکیت نشسته بودیم و توان گفتن هیچ چیزی را نداشتیم.

عائشه ﷺ میفرماید: درین اثنا جبرئیل امین حاضر گردید من آواز قدمهای آنرا شناختم مردم اهل خانه خارج شدند و جبرئیل امین داخل خانه شدند و عرض کرد ای نبی الله ﷺ بر تو سلام می فرستد و می فرماید خود را چطور احساس میکنی؟ درحالیکه او از حالت تان خوب خبر دارد لیکن ادارهٔ الله ﷻ طوری است که عز ووقار تانرا افزایش دهد و بر مخلوق عزت و وقار تان تکمیل شود. محمدﷺ فرمود: بر بدنم درد و تکلیف بسیار زیاد محسوس میکنم. جبرئیل امین فرمود: برایت بشارت است الله ﷻ فیصله نموده که ترا به آن نعمت ها برساند که برایت تهیه گردیده محمدﷺ فرمود: ای جبرئیل! ملک الموت اجازه قبض کردن روح ام را خواست؟ جبرئیل امین فرمود: پروردگارت دیدار شما را انتظار دارد.

به الله ﷻ سوگند که ملک الموت از هیچ کس اجازه نخواسته و نه هم پس از آن از کسی اجازه میخواهد بدان که الله ﷻ کامل کننده شرف و عزت تان است و او مشتاق ملاقات تان است محمدﷺ فرمود: تا زمانی مطمئن نخواهم شد تا به رب خود الله ﷻ نروم. محمدﷺاجازه دخول را بر زنان داد و به فاطمه ﷺ فرمود: بطرف من بیا او رضی الله عنها آمد و خود را بالایش انداخت محمدﷺ با او سخنان مخفیانه نمود زمانیکه فاطمه ﷺسر خود را بلند نمود

(c) ketabton.com: The Digital Library

چشمانش اشک پر بود و به سبب غم و پریشانی سخن گفته نمی توانیست باز فرمود: سرت را بر من نزدیک کن فاطمه ﷺ سر خود را به محمد ﷺ نزدیک کرد سپس از او جداگردیده، دهنش خنده آور بود ولی باز هم سخن گفته نمی‌توانیست مایان بعداً از فاطمه ﷺ پرسیدم که محمد ﷺ برایت چه فرموده بود که باعث خوشحالی تان گردیده بود؟ اوفرمود: محمد ﷺ برایم گفت که من از دنیا رحلت کننده هستم من زیاد گریان کردم و باز برایم فرمود: که از اهل خانواده ام نخستین شخص تو میباشی که با هم یکی می گردیم و با من زندگی می نمایی من خوش شدم و خنده ام آمد. باز محمد ﷺ دو پسر فاطمه ﷺ را خواست و آنان را به سینه (بغل) خود محکم گرفتند. عائشه ﷺ می‌فرماید: باز ملک الموت آمد و اجازه خواست محمد ﷺ برایش اجازه داد ملک الموت عرض کرد برایم چه حکم است؟ او ﷺ فرمود: الان مرا به رب خود ببر. ملک الموت گفت: به اجازه ات همین طور می گردد. عائشه ﷺ می فرماید: که باز جبرئیل امین ﷺ آمد و السلام علیکم یا رسول الله ﷺ را گفت: این فرامین آخری بودند که بر زمین فرستاده شد بعد از آن برای همیش سلسله وحی قطع گردید و پس از آن دنیا پیچانده می شود و پس از آن به هیچکس ضرورت ندارم و پس از آن در مقام خود باشم و به هیچ جای نخواهم بروم.

عائشه ﷺ می فرماید: پس از آن به محمد ﷺ رفتم محمد ﷺ سر مبارک اش به سینه ام نهاده محکم نمود و بر او اندکی بیهوشی آمد وپیشانی اش عرق کرد هیچگاه به پیشانی شخصی عرق ندیده بودم از او خوشبوی زیبا و خوبی داشت زمانیکه او به هوش آمد برایش گفتم: والدین من فدای تو شود این عرق چرا از پیشانی ات جاری گردید؟ او ﷺ فرمود: ای عائشه نفس مؤمن در عرق خارج می شود و روح کافر میان دو شرقین مانند خر خارج می شود.

باز مایان ترسیدیم و دوستان را خواستیم از همه اولتر برادرم در خانه ام رسید ولی او محمد ﷺ را زنده مشاهده نکرد یعنی مردم رسیده بودند که محمد ﷺ روح مبارکش را حواله ملک الموت نموده. الله ﷻ مردم را بخاطر بودن جبرئیل و میکائیل با محمد ﷺ را منع ساخته بود و او را اختیار میداد زمانیکه محمد ﷺ به هوش آمد نماز نماز میگفت ولی فرمود: همیشه بایکدیگر همکار و معاون باشید گویا محمد ﷺ در وقت رحلت خود همین وصیت را میکرد که نماز را ترک نکنید.

قول عائشه ﷺ است که محمد ﷺ بروز دوشنبه حوالی چاشت فوت گردید قول فاطمه ﷺ است که بروز دوشنبه نه تنها من دام گیر غم بودم بلکه همهٔ امت دچار غم و اندوه بودند

(c) ketabton.com: The Digital Library

عائشه ﷺ می فرماید: زمانیکه محمد ﷺ از دنیا رخصت گردید بسیاری از مردم آمدند و آواز گریان آن ها بلند گردید ملائکه محمد ﷺ را در دو قطعه رخت پیچانید مردم اختلاف کردند بعضی شان گفتند که محمد ﷺ وفات نگردیده بعضی دیگر آنان گنگ ماندند و زمان بعد آغاز به صحبت کردند بعضی ازآن ها اعصاب شان خلط گردید بعضی دیگر ازآن ها عقولشان ر از دست دادند عمر ﷺ از جمله آنانی‌بود که از مرگ محمد ﷺ انکار کرد و علی ﷺ از جمله آنانی بود که ساکت نشسته بود و عثمان ﷺ از جمله کسانی بود که بالکل گنگ گشته بود ازجمله مسلمانان حالت هیچ کس مانند ابوبکر صدیق عباس رضی الله عنهما نبود الله ﷻ آنان را قوت داد و همت صحبت کردن نصیب شان گردید مردم از سخنان ابوبکر صدیق ﷺبسیار ترسیدند تا که عباس ﷺ آمد وفرمود: به آن ذاتیکه به غیر از او معبود بر حق نیست بیشک محمد ﷺ ذایقه مرگ راچشیده. او ﷺ در زندگی خود فرموده است:

﴿ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ۝ ﴾[1]

ترجمه: بدرستی که تو هم مردنی هست ی‌و (هرآئینه) ایشان هم مردنی هستند باز البته شما روز قیامت نزد پروردگار خود مجادله خواهید کرد.

به ابوبکر صدیق ﷺ که خبر مرگ رسول الله ﷺ رسید در آن وقت او در خانه ابو الحارث بن الخذرج بود و او ﷺ آمد و در جوار محمد ﷺ ایستاد گردید بسوی محمد ﷺ نظر کرد پایین شد ومحمد ﷺ را بوسه کرد و فرمود: یا رسول الله ﷺ والدین من فدای تو گردد الله ﷻ ترا دو بار مرگ نمی بخشد به الله ﷻ سوگند که رسول الله ﷺ رحلت کرد.

سپس به طرف مردم آمد وبرا ی‌شان فرمود: ای مردم! کدام شخصیکه پرستش محمد ﷺ را می کرد او یقیناً فوت نمود و کسیکه عبادت رب محمد ﷺ را می کند او زنده است وهیچگاه نمی میرد. الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَائِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ﴾[2]

ترجمه: او نیست محمد مگر پیغمبر (هرآئینه) گذشته پیش از وی پیغمبران آیا اگر بمیرد یا کشته شود باز می گردید بر پاشنه های تان.

---

[1] (الزمر ۳۰-۳۱)

[2] (آل عمران ۱٤٤)

(c) ketabton.com: The Digital Library

گویا مردم این آیت را بدون همان روز هیچ شنیده نبود. در یک روایت آمده است زمانیکه ابوبکر صدیق ﷺ خبر گردید به خانه محمد ﷺ آمد و بر او درود فرستاد از چشمانش اشک جاری بود آوازی می داد گویا کسی کوزه گیلی را خالی می کند لیکن با وجود این هم دامن صبر را ترک ننمود. وبه محمد ﷺ پائین شد از روی او کفن را بلند کرد از پیشانی و رویش بوسه کرد و بر روی او ﷺ دست خود دور داده و گریان را آغاز کرد و گفت: والدین من فدایی‌توگردد شما در هر دو حالت مرگ و زندگی پاک وطاهر هستید به سبب رحلت تان آن سلسله وحی خاتمه یافت که به وفات پیامبران دیگر آن قطع نمی شود شما از همه اوصاف. فغان و گریان بلند هستید شما باعث اطمینان بودی خود و کرم تان برای همه عمومیت داشت اگر رحلت تان به ایثار و قربانی خودت نمی بود. همهٔ مایان فوت می شدیم. و اگر به گریان ما چیزی می شد اشک چشمانم خشک می گردید به هر حال کدام چیزیکه از قلب ها دور کرده نمی توانیم آن یاد وغم تان است. ای الله ﷻ این پیغام مایان را به حبیب تان برسانید ای محمد ﷺ شما بر پروردگار تان شفاعتی مایان بکنید و در دل تان ما را مقامی بدهید اگر اسباب سکون و اطمینان را پیدا نمی کردی از خاطر بیم و وحشت یکی از مایان بلند شده نمی توانستید. ای الله ﷻ به نبی و فرستاده ات احساسات مایان رت برسانید. فضل و کرم او را شامل حال مایان سازید ای الله ﷻ توان عمل کردن بر اسوه حسنه پیامبر ﷺ را بدهید. از الله ﷻ امیدوار هستیم که گناهان مایان را به حسنات تبدیل نماید و با ایمان شرف و عزت داخل شدن در بارگاه نبوت نصیب مان بگردان زیرا که او ﷺ معزز دو جهان، بهترین مسئول و اعلا ترین ملجاء و ماوا امیدها هستی.

و الحمد لله رب العلمین.

پـایـان

(c) ketabton.com: The Digital Library

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library